

تاریخ بروجرود

دانشندان بروجرود

از قرن چهارم تا عصر حاضر

حق طبع محفوظ

تألیف:

غلامرضا مولانا

قیمت ۵۰۰



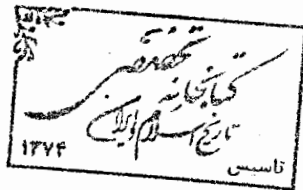
بهار ۱۳۸۴

تاریخ بزرگوار

۴۵	۱	۳	غرب ایران
----	---	---	--------------

اسکن شد

تاریخ بروز گرد



دانشندان بر و گرد

از قرن چهارم تا عصر حاضر

حق طبع محفوظ

تألیف :
غلامرضا مولانا



صفحات تاریخ، آئینه ایست که زیباییها و زشتیهای اقوام و ملل گذشته را مجسم میسازد: و نقاط قوت و ضعف افکار و اعمال پیشینیان را بازگو می نماید.

صفحات تاریخ، تجلیگاه پرجاترین عظمتها و والاترین شکوهها و مردانگیهای افراد لایق و با اراده، و نیز، مظهر بالاترین پستیها و قساوتهای افراد بی ارزش و ناشایسته است.

صفحات تاریخ، با آوازی رساو منطقی نیرومند، راه سر بلندی و عظمت و عزت را بیان می کند، و آثار شوم ستم و هوسرانی را که یگانه عامل سقوط و بدبختی جوامع گذشته است آشکار می سازد.

تنها دیده ای بینا لازم است که هوسرانی و گناه، آنرا از مشاهده این آئینه، مانع نگردد، و گوش شنوا باید تا آوای این صفحات بظاهر خاموش را بشنود، و غوغای مادیات، نیروی شنوائیش را از بین نبرده باشد.

قرآن پس از اینکه به هلاکت ملت های گذشته در نتیجه کردار زشتشان اشاره می کند، می فرماید:

ان فی ذلک لذكوری لمن کان له قلب او ألقى السمع وهو شهید (۱)

: مطالعه تاریخ این ملتها، بینش و آگاهی می آورد، ولی برای کسیکه دل داشته باشد! یا با توجه تام گوش فرادهد.

در جای دیگر می فرماید :

لقد كان في قصصهم عبرة لأولي الألباب (۱)

: براستی که مطالعه تاریخ گذشتگان ، عبرت انگیز و آموزنده است برای اندیشمندان .

امیر المؤمنین عليه السلام به فرزند ارجمندش چنین می فرماید :

یابنی انی وان لم اكن قد عمرت عمر من كان قبلی فقد نظرت فی اعمارهم وفكرت فی اخبارهم وسرت فی آثارهم حتی عدت کاحدهم ...

: «پسرم ! هر چند من در اعصار پیش نبوده ، و عمر پیشینیان ننموده ام ولی در نتیجه بررسی زندگی آنان ، و تفکر در تاریخ گذشتگان و مطالعه آثارشان ، در تجربه مانند آنان شدم ، بلکه این مطالعه و بررسی چنان بینش جامعه شناسی مرا بالا برد که گویا از نزدیک شاهد احوال آنان بوده و نیک را از بد ، و سود را از زیان ، بالعیان دریافتم . . .»

بهمین جهت قرآن مقدس با بیانهای مختلف و تأکیدهای فراوان بشر را به مطالعه تاریخ گذشتگان تحریص می نماید .

افلم یسیروا فی الارض فینظروا . . . (۲)

: آیا در احوال گذشتگان واقو امیکه پیش از این در زمین زندگی میکردند مطالعه نمودند . . .

* * *

چون در میان تواریخ مختلف جهان (که همه دارای اثر و خاصیتند) تاریخ اسلام دارای فوائد و نتایج بیشتر و آموزنده تری است بویژه تاریخ دانشمندان و علماء ربانی که با قلم و بیان توانا و نیرومند خویش جوامع بشری را به سوی سعادت

(۱) یوسف ۱۱۱

(۲) محمد آیه ۱۰

و خوشبختی سوق میدهند ، حجة الاسلام والمسلمین ، دانشمند گرانمایه و خوش ذوق جناب آقای حاج شیخ غلامرضا مولانا بروجردی (دامت تأییداته) که خود از ستارگان درخشان آسمان علم و فضیلتند ، با کثرت مشاغل بتألیف کتاب حاضر (تاریخ بروجرد) پرداخته و زحمت فراوانی را متحمل گردیدند تا نتیجه‌ای اینچنین سودمند داشته باشد .

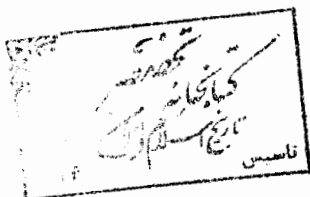
دانشمندان متبع آگاهند که بدست آوردن يك مطلب تاریخی از مدارك صحیح چه اندازه مشکل و موجب صرف وقت است ، تاچه رسد به مطالب متنوع و کثیری که جامع بحثهای گوناگون سیاسی ، اجتماعی ، تاریخی و... باشد .

تاریخ بروجرد ، رشته واحدی را پیش نکشیده و از يك موضوع بحث بمیان نیاورده ، بلکه دائرة المعارف کاملی است که در نوع خود کم نظیر است . کسانی که جلد اول این کتاب را از نظر گذرانده و عمیقاً مطالب متنوعش را بررسی نموده باشند ، درمیابند که برای تنظیم چنین مجموعه‌ی کامل چه راه سخت و دشواری پیموده شده .

آنچه در جلد اول گرد آوری شده ، از قبیل : جغرافیای تاریخی ، جغرافیای طبیعی انسانی و... و خصائص روحی و آداب اجتماعی و فردی ، سپس حالات حکام و فرمانروایان بروجرد و حوادثی که در بروجرد و نواحی آن رخ داده ، و بالمآل از سایر بلاد ایران بحث بمیان آمده ، مهارت کامل و اطلاع وسیع همه جانبه مؤلف محترم را نمایان میسازد .

در کتاب حاضر (جلد دوم تاریخ بروجرد) نیز ، نه تنها حالات دانشمندان بروجرد بلکه اکثر دانشمندان بلاد ایران و احیاناً غیر ایران (بمناسبت یادآوری اساتید و تلامذه آنان) مورد بحث قرار گرفته و از خصوصیات روحی و معنوی و آداب اجتماعی و فردی آنان سخن بمیان آمده است که بسیار قابل تمجید و تحسین است .

ما توفیق معظم له را در تنظیم و طبع جلد سوم کتاب حاضر و سایر مؤلفاتش ، از حضرت احدیت خواستاریم .



۱

قرن چهارم هجری محمد بن عبدالله ابو عبدالله المؤدب البروجردی

وی از دانشمندان نامی قرن چهارم هجری است . در جمیع علوم و معارف اسلامی مطلع و مخصوصاً در علم قرائت گوی سبقت را از بسیاری از اقران خود بود . مسکنش بغداد و خانه اش محاذی منزل ابوسعید سیرافی بوده . جزری شافعی (۱) در کتاب غایة النهایة فی طبقات القراء در ترجمه او می نویسد :

محمد بن عبدالله ابو عبدالله المؤدب بروجردی علم قرائت را از استاد معروف ابو بکر

(۱) جزری محمد بن محمد بن علی بن یوسف شافعی ابو الخیر شمس الدین معروف به ابن الجزری از مشاهیر سده نهم هجری در سال ۷۵۱ قمری در دمشق متولد و مبادی علوم را در همانجا فراگرفت و در سیزده سالگی قرآن مجید را حفظ کرد و مدرسه ای بنام دار القرآن بنا کرد و در سن نوزده سالگی به قاهره رفت و در سیزده قسم قرائت ماهر شد و در سال ۷۹۳ ق در دمشق به منصب قضاء و حکومت منصوب و در سال ۷۹۸ قمری از طرف سلطان بایزید بمدرسی سمرقند نامزد شد و چندی نیز در شیراز عهده دار قضاء گشت تا در سال ۸۳۳ در همانجا درگذشت و از آثار علمی او غایة النهایة است در طبقات قراء در ۲ جلد .

محمد بن عبدالله بن اشته اصفهانی (۱) فراگرفت و جمعی از دانشمندان نیز از ذخائر علمی او بهره ور شدند از جمله : ابوالحسن علی بن احمد بن یوسف علاف که علم قرائت را از وی یاد گرفت .

ابو عبدالله مؤدب بروجردی در قرائت نظرات مخصوصی دارد و در چند مورد با استادش (محمد بن عبدالله بن اشته) مخالفت کرده .

از جمله در سوره آل عمران آیه ۵۷ - **وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَيُوَفِّيهِمْ اجْرَهُمْ وَاللَّهُ لَا يَحِبُّ الظَّالِمِينَ** .

کلمه فیوفیهم را محمد بن عبدالله بن اشته بانون متکلم مع الغیر (فنیوفیهم) قرائت کرده و بعض دیگر چون رويس و حفص و یعقوب بایاء غائب (فنیوفیهم) خوانده اند و مؤدب بروجردی نیز در این قرائت با قراء نامبرده موافقت نموده و کلمه مذکوره را بلفظ غائب قرائت کرده .

و از جمله در سوره توبه آیه ۱۵ * **قَاتِلُوهُمْ يُعَذِّبُهُمُ اللَّهُ بِأَيْدِيكُمْ وَيُخْزِيهِمْ وَيُنْصِرْ لَهُمُ عَلَيْهِمْ وَ يَشْفِ صُدُورَ قَوْمٍ مُؤْمِنِينَ وَ يَذْهَبْ غَيْظَ قُلُوبِهِمْ وَ يَتُوبَ اللَّهُ عَلَى مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ** * .

کلمه ویتوب را محمد بن اشته طبق قرائت معروف برفع باء خوانده و او را استیناف دانسته ولیکن جمعی از قراء مانند اعرج و ابن ابی اسحاق و عیسی ثقفی و عمرو بن عبید و ابو عمرو و یعقوب بنصب باء قرائت نموده اند و ابو عبدالله بروجردی در این قرائت با جمع مذکور موافقت نموده .

آلوسی در تفسیر روح المعانی جلد دهم ص ۵۶ می نویسد : در نصب کلمه یتوب

۱- محمد بن عبدالله بن اشته اصفهانی ساکن مصر استاد علوم ادب و قرائت بوده و در بیست و هفتم شعبان سال ۳۶۰ در مصر درگذشت . آثار علمیه سودمندی دارد از جمله المجروء المفید در شواذ قرائت .

زجاج اشکال کرده : که منصوب در جواب امر باید مسبب از همان امر باشد و در اینجا پذیرفتن توبه مسبب مقاتله نیست زیرا خداوند توبه هر کس را بخواهد می پذیرد خواه قتالی باشد یا نباشد .

از اشکال زجاج جمعی جواب گفته اند از جمله : * ذکر بعض المدققین ان دخول التوبة فی جملة ما اجیب به الامر من طریق المعنی لانه یکون منصوباً بالفاء فهو علی عکس «فاصدق واکن» وهو المسمى بعطف التوهم ووجهه ان القتال سبب لغل شوکتهم وازالة نخوتهم فیتسبب ذلك لتأملهم ورجوعهم عن الکفر* .

و از جمله مواردی که ابو عبدالله مؤدب بروجردی با استادش محمد بن عبدالله داشته مخالفت کرده در سورة اسراء آیه ۷۶ می باشد .

وان کادوا لیستفزونک من الارض لیخرجوک منها واذلا یلبثون خلافاک
الا قلیلا .

در کلمه لایلبثون از چند جهت اختلاف شده است :

۱- در حذف نون واثبات آن - قرائت معروف و اذلاً لا یلبثون بفتح باء و سکون لام و فتح باء واثبات نون جمع می باشد .
ابی بن کعب و عبدالله بن مسعود و اذلاً لا یلبثوا بحذف نون جمع قرائت کرده اند و وجه اختلاف مذکور این است که نحویین گفته اند : کلمه اذا به چند شرط عمل می کند یکی آن است که در اول جمله باشد و در آیه فوق الذکر اگر جمله واذلا یلبثون عطف باشد بر جمله وان کادوا باید «لایلبثوا» را بحذف نون قرائت کرد و اگر عطف باشد بر جمله لیستفزونک باثبات نون باید خواند زیرا در صورت دوم جمله واذلا یلبثون خبر کلمه کادوا می باشد و کلمه اذا در وسط قرار گرفته و به همین جهت عمل نکرده .

۲- اختلاف در کلمه لایلبثون از جهت تشدید باء و تخفیف آن می باشد .

۳- بر فرض تشدید باء و اشتقاق آن کلمه از باب تفعیل اختلافی است که آیا

بصیغه معلوم یعنی بکسر باء خوانده می شود یا بصیغه مجهول یعنی بفتح باء .
قرائت معروف اکنون بدون تشدید است ولیکن عطاء و یعقوب با تشدید
خوانده اند با این تفاوت که عطاء بصیغه مجهول و یعقوب بصیغه معلوم قرائت کرده
و در این اختلاف نیز ابو عبدالله مؤدب بروجردی با استادش محمد بن اشته مخالفت
کرده و کلمه لایلبشون را بیروی از عطاء و یعقوب بتشدید باء قرائت کرده است .



علمت اختلافات قراآت در قرآن

با اینکه بحث در پیرامون اختلاف قراآت از وضع این کتاب خارج است ولیکن بمناسبت مطالب مذکوره در فوق بطور اختصار رمز این اختلافات ذکر میشود:
بطور مسلم قرآن منزل بر پیغمبر ﷺ با اختلافات قراآت نازل نشده بلکه این اختلافات مولود اجتهادات تابعین و قراء می باشد و علت مهم آن خالی بودن خطوط آن عصر از اعراب و نقطه است .

ابو عبد الله زنجانی در تاریخ القرآن ص ۱۱۵ می نویسد : خط عرب با حرکات و سکناتی که امروز معمول است ضبط نشده بلکه از آنچه دلالت بر اشکال حروف مکتوبه دارد خالی بود ولیکن ملکه اعراب کلمات که در نفوس قبل از آمیزش و اختلاط با ملل غیر عربی و بیگانه وجود داشت آنان را از غلط و اشتباه حفظ مینمود.
عربها در بادیه بکلام فصیح حرف می زدند و شعر می گفتند و بیشتر ایشان بفصاحت قرآن و بلاغت خطبه ها دانا و آگاه بودند اما هنگامیکه اسلام منتشر شد و عرب ها با ملل بیگانه آمیزش کردند . عوامل فساد در زبان عربی پدید گشت و غلط در زبان آنها ظاهر شد بر آن شدند که قرآن را که اساس دین و نگهدارنده اسلام است از راه یافتن غلط و لحن نگهداری نمایند .

ابوالاسود دثلی (۱) اصول نحو را از علی رضی الله عنه یاد گرفت تا مردم را از لحن در

۱- ابوالاسود ظالم بن عمرو از اکابر ادیبان و فقیهان و از اصحاب امیر المؤمنین (ع) /

قرآن باز بدارد .

وی قواعد و ضوابط آن علم را وضع کرد و جماعتی از او فراگرفتند ولیکن با وضع علم نحو نیز نتوانستند جلوی موج فساد زبان را بگیرند .
در این هنگام زیاد بن سمیه (۱) که والی بصره بود از ابوالاسود خواست طریقی برای اصلاح زبان عرب اتخاذ کند و باو گفت اگر کاری کنی که لااقل قرآن از غلط و لحن حفظ شود مناسب است .

و ملازم رکاب آن حضرت در صفین بود در سال ۶۹ هجری در بصره درگذشت . یاقوت در معجم الادباء بسیاری از اشعار منسوبه بامیرالمؤمنین (ع) را از ابوالاسود می داند .
وی اول کسی است که اساس نحو را از آن حضرت فراگرفت و ضوابط و قواعد آن را وضع کرد . ابوالاسود دیوانی در شعر دارد و از جمله اشعارش بنقل سید هلیخان در انوارالربیع ایات ذیل است :

العیش لالعیش الا ما اقتصدت فان	تبذر و تسرف لقیبت الضر والعطبا
والعلم زین و تشریف لصاحبه	فاطلب هدیت فنون العلم والادبا

* * *

المعلم کنز و ذخیر لانفاد له	نعم القرین اذا ما صاحب صحبا
قد یجمع المرء مالا ثم یسلبه	عما قلیل فیلقی الذل والحربا
وحامل العلم مغبوط به ابدأ	ولا یحاذر منه الهوت والسلبا

۱ - زیاد بن سمیه پدرش معلوم نیست و بهمین جهت او را بمادرش سمیه که از زنان هرجائی بود نسبت می دهند . وی در سال اول هجرت متولد و در زمان ابوبکر مسلمان شد و به نویسندگی مغیره بن شعبه منصوب گشت و سپس کاتب ابوموسی اشعری در بصره و مدتی هم حاکم شیراز شد .

در سال ۴۴ هجری معویه او را پدرش ابوسفیان ملحق و بحکومت بصره و کوفه منصوب کرد تا در سال ۵۳ هجری درگذشت .

ابوالاسود در اول از این کار سرپیچی کرد ولیکن روزی شنید کسی قرآن میخواند:
 ان الله برىء من المشركين و رسوله و كلمه رسول را بکسر لام قرائت کرد. ابوالاسود
 همان زمان تصمیم گرفت با عراب قرآن شروع کند.

زیاد بن سمیه برای ابوالاسود سی نفر کاتب معین کرد ابوالاسود از میان ایشان
 يك نفر از طائفه عبدالقیس برگزید و باو گفت: مصحف را بگیر و رنگی که مخالف
 بارنك سیاه باشد انتخاب کن و هنگامیکه من دلب را بحرف گشودم يك نقطه در بالای
 آن بگذار و هر وقت لبهای خود را فرو آوردم يك نقطه در زیر آن قرار ده و آن گاه که
 هر دلب را بهم چسباندم نقطه را بمیان حرف بگذار و اگر چیزی از این حرکات
 غنه پیروی نمود آن وقت دو نقطه بگذار.

سپس شروع نمود و نویسنده نقطه می گذاشت و ابوالاسود تجدید نظر می کرد
 تا پس از مدتی که تمام قرآن را اعراب گذاشت و مردم هم بر طریقه او رفتار کردند و
 آنها هر گاه حرفی را بعد از تنوین از حروف حلق می دیدند یکی از دو نقطه را بالای دیگری
 می نهادند و آن علامت بود که نون ظاهر می شود و الا آن را بجانب دیگر قرار می دادند تا
 علامت باشد که نون مدغم یا مخفی است.

پس از آن مردم مدینه برای حرف مشدد علامتی اختراع نمودند که بشکل کمان
 بود و دو طرف آن رو بیال بود بدین شکل: «آ» بعد از این پیروان ابوالاسود علامات دیگری
 در شکل زیاد نموده و برای سکوت کشش افقی بالای حرفی که منفصل از آن بود اعم
 از اینکه همزه یا غیر همزه باشد نهاده و برای الف وصل کششی در بالای همزه که به آن
 متصل بود در صورتیکه پیش از آن فتحه باشد گذاشتند و در زیر آن اگر پیش از همزه
 کسره بود و در میان آن کششی اگر که قبل از آن ضمه بود می گذاشتند.

و اما مقصود از اعجام و نقطه گذاری در قرآن جدا نمودن حروف متشابه و
 تشخیص آن از یکدیگر بوده.

مشهور این است که اختراع نقطه گذاری در دوره عبدالملك ابن مروان شده و آنچه بمحقق رسیده این است که قبل از خلافت عبدالملك نقطه گذاری بوده زیرا بطوریکه بر کتابهای قدیمی، که پیش از زمان عبدالملك تألیف و نگاشته شده دست یافته اند.

در کتب مزبوره نقطه گذاری بعضی از حروف مانند باو یا و نظیر آنها بوده. علاوه بر این باتشابه صور حروف مانند با و تا و ثا خیلی بعید است که نقطه گذاری نشده باشد و ممیزی نباشد پس نقطه گذاری بوده ولیکن بتدریج اهمال و سهل انگاری شده تا اینکه بیشتر آن از بین رفت و فراموش شد تا در دوران عبدالملك که نویسندگان ملزم شدند این موضوع را رعایت کنند. ولیکن با اینکه در نوشته های آن عصر کم و بیش نقطه معمول بوده قرآن متداول که بفرمان عثمان نوشته شده و از روی آن چند نسخه استنساخ کردند تا چهل و چند سال خالی از نقطه بود و خواننده غالباً در بسیاری از کلمات مدتی باید فکر کند یا متوقف شود مانند کلمه «ننشوها» آیا بازاء نقطه دار است یا باراء بی نقطه بهمین جهت در عراق تصحیف و غلط خوانی زیاد شد.

حجاج بن یوسف ثقفی بنویسندگان عصر رجوع کرد و از آنها خواست تا علاماتی برای تشخیص حروف متشابهه وضع کنند.

یحیی بن یعمر (۱) را با نصر بن عاصم لیشی که هر دو شاگرد ابوالاسود دلی بودند

۱- یحیی بن یعمر بصری ایرانی ابوسلیمان دراهواز متولد و مسکن خود را بصره قرار داد. وی از علماء و بزرگان حدیث و فقه و لغات عرب بوده لغت را از پدرش و نحو را از ابوالاسود فرا گرفت.

ابن خلکان در وفیات الاعیان جلد دوم ص ۲۲۶ می نویسد: حجاج یحیی بن یعمر را خواست و گفت تو همان هستی که گمان میکنی که حسن و حسین ذریه پیغمبرند اگر این مدعا را اثبات نکنی بخدا قسم سزا بدنت بر میدارم. یحیی گفت خدای علیم در قرآن سوره انعام آیه ۸۳ میفرماید * و هبنا له اسحق و یعقوب کلا هدیبا و نوحاً هدیما من قبل و من ذریه داود ←

جهت این کار خواست .

عموم مسلمین کراحت داشتند که چیزی بر مصحف عثمان علاوه شود اگر چه برای اصلاح باشد و در آن بیم بدعت داشته و بسیاری از ایشان در پذیرفتن اصلاحی که ابوالاسود نموده بود مردد بودند .

نصرو یحیی که در زهد و تقوی مشهور بودند جهت تشخیص حروف متشابه بوضع نقطه گذاری شروع کردند بهمین اسلوبی که اکنون در دست ما موجود است ولیکن چون حرکات و سکنات قبلا از راه نقطه گذاری انجام گرفته بود برای جلوگیری از اشتباه حرکات را برنک سرخ و نقطه گذاری برنک دیگر انجام گرفت .

اهل اندلس مصاحف را بچهار رنگ می نوشتند . سیاهی برای حروف، سرخی برای شکل بطریق نقطه گذاری ، زردی برای همزه ها . سبزی برای الف های وصل .

✽ و سلیمان و ایوب و یوسف و موسی و هرون و كذلك نجزی المحسنین ✽ و زکریا و یحیی و عیسی و الیاس کل من الصالحین ✽ .

در این آیه خداوند عیسی را از فرزندان ابراهیم قرارداد با اینکه عیسی پدر نداشته و با اینکه فاصله بین عیسی و ابراهیم بیش از فاصله بین حسنین و پیغمبر اسلام است .

حجاج گفت بخدا قسم من این آیه را قرائت کردم ولی چنین موضوع مهم را نتوانستم درک کنم . یحیی بن یعمر در سال ۱۲۹ هجری درگذشت.

محمد بن عیسیٰ بن دیزک بروجردی

ابو عبد الله محمد بن عیسیٰ فرزند دیزک بروجردی از اکابر دانشمندان و اعظم محدثین سده چهارم هجری است . سکونتش در بغداد و در تقوی و ادب مشهور و مورد وثوق مردم بوده است .

اساتید او :

علم حدیث را از اساتید بزرگ آن عصر فرا گرفت . یکی از استادانش عمیر بن مرداس دورقی است که از محدثین قرن سوم و از مردم همدان بوده یا قوت حموی او را دونقی ضبط کرده و در کتاب مشترک می نویسد : «دونه» دهکده ایست از همدان و از منسوبین به آن - با افزودن قاف نسبت - عمیر پسر مرداس است که دونقی است . وی از عبد الله بن نافع مصاحب و پیرو مالک بن انس حدیث کرده و ابو عبد الله محمد بن دیزک بروجردی و غیر او از او روایت دارند .

و در معجم البلدان جلد دوم ص ۴۸۹ می نویسد : دونق بفتح دال و سکون واو و نون مفتوحه قریه ایست در نهاوند و عمیر بن مرداس دونقی از اهل آن قریه است . یکی دیگر از اساتید محمد بن عیسیٰ بروجردی محمد بن ابراهیم بن زیاد رازی

است وی از محدثین قرن سوم و چهارم هجری و ساکن کرمانشاد و عمری طولانی یافت و مسافرتهاى بسیارى کرد و در مصر و طرسوس و بغداد طالبین حدیث را از ذخائر علمی خود بهره ورساخت .

خطیب بغدادی در جلد اول تاریخ بغداد ص ۴۰۴ می نویسد : محمد بن ابراهیم رازی تا سال ۳۱۳ هجری در قید حیات بوده است .

محمد بن عیسی بروجردى پس از فراگرفتن حدیث و تحصیل سایر علوم و معارف اسلامی کم کم از مشاهیر محدثین بشمار رفت و در بغداد بتدریس علم حدیث مشغول و جمعی از خواستاران حدیث از وی استفاده کردند که بعضی از آنها بقرار ذیل است .

شاگردان او:

۱- ابو نعیم احمد بن عبدالله اصفهانی از اکابر و اعلام محدثین و اعظم ثقات حفاظ و به حفاظ اصفهانی مشهور و در کلمات بعض از بزرگان به حافظ دنیا موصوف و از اجداد علامه مجلسی بوده . فقه و حدیث را با تصوف توأم ساخته بود .

وی بزعم صاحب روضات و ابن شهر آشوب و علی بن عیسی اربلی و جمعی دیگر عامی المذهب و از اهل سنت و جماعت بوده ولیکن بفرموده شیخ بهائی و میر محمد حسین خاتون آبادی و علامه مجلسی شیعی مذهب و از شدت تقیه تشیع خود را از مخالفین کتمان می نمود .

ابو نعیم آثار نفیسه از خود بیادگار گذاشت از جمله : اربعین ، در حالات امام زمان (ع) و تاریخ اصفهان ، حرمة المساجد ، ودلائل النبوة ، و طبقات ، و مختصر استیعاب و مهتم از همه کتاب حلیة الاولیاء است که مشتمل است بر ترجمه هشتصد نفر از راویان و پارسایان از قرن اول هجرت تا عصر مؤلف درده جلد .

وی در سال ۳۳۴ متولد و در بیست و یکم محرم سال ۴۴۴ پس از یکصد و ده

سال زندگی در اصفهان درگذشت .

مرحوم سید حسین بروجردی در تاریخ وفات و مدت عمر ابو نعیم درنخبةالمقال گوید :

ابو نعیم حافظ قد صنفاً عام و بعد (الشاب) عمره (کفی)

۳۳۴ ۱۱۰

۲- یکی دیگر از شاگردان محمد بن عیسی بروجردی سلامة بن عمر نصیبی است . وی در سال ۳۳۷ در نصیبین متولد شد و پس از تحصیلات مقدماتی از زادگاه خود بطرف بغداد مهاجرت کرد و بتصریح خطیب بغدادی از ذخایر علمی محمد بن عیسی بروجردی استفاده کرد و از شاگردان مخصوص وی بشمار رفت تادریست و هشتم صفر سال ۴۱۳ در بغداد درگذشت .

۳- حسن بن عبدالله بن مرزبان ابوسعید سیرافی معتزلی حنفی . پدرش مجوسی بود بنام بهزاد ولیکن فرزندش او را بنام عبدالله نامید .

سیرافی در سال ۲۸۴ متولد و مدتی در عمان تحصیلات علمی نمود و سپس ساکن بغداد شد و علوم ادب را از محمد بن عیسی بروجردی فرا گرفت تا خود از بزرگان ادب بشمار رفت و در علوم نحو و صرف و لغت و شعر و عروض و قوافی و حساب و هندسه و کلام و فقه و حدیث و فرائض و قرائت سرآمد اقران گشت .

پنجاه سال بمنصب قضاء و حکومت منصوب بود و بر اینکار اجرتی نگرفت و از کسی چیزی قبول نکرد . بادیست رنج نویسنده و کتابت امرار معاش می کرد و هر روزه ورق می نوشت و بده درهم اجرت راضی میشد و از اینراه زندگی را اداره می کرد .

گویند در مدت پنجاه سال قضاء و حکومت کوچکترین طعن بر او وارد نشد . چهل سال روزه گرفت . سیرافی اضافه بر مقام قضاء و حکومت بتدریس و نشر علم نیز اشتغال داشت و آثار نفیسه ای از خود بیادگار گذاشت از جمله : الاقناع در نحو

و شرح مقصوده ابن درید ، و شرح الکتاب سیمویه ، و طبقات النحاة .
وی پس از هشتاد و چهار سال زندگی در دوم رجب سال ۳۶۸ در بغداد وفات کرد .

۴- یکی دیگر از شاگردان بروجردی عبد الکریم بن فضل بن جعفر مطیع لله عباسی است پدرش فضل از خلفاء بنی عباس بود و از سال ۳۳۴ هجری تا سال ۳۶۳ به صورت ظاهر خلافت داشت و در واقع سلطنت را دیالمه عهده دار بودند .
در این سالها بود که محمد بن عیسی بن دیزک بروجردی از طرف خلیفه عباسی عهده دار تعلیم و تربیت فرزندی شد .

عبد الکریم فرزند خلیفه که بعداً به لقب الطایع لله ملقب گشت پس از پدر هجده سال بمسند خلافت نشست تا در سال ۳۸۱ هجری قمری که بفرمان بهاء الدوله دیلمی فرزند عضد الدوله زندانی شد و پس از دوازده سال در سال ۳۹۳ هجری در زندان درگذشت ...

محمد بن عیسی بروجردی در پارسائی و زهد و فضیلت در عصر خود کم نظیر و بتلاوت قرآن بسیار علاقه داشت به حدیکه خطیب بغدادی از ابوالعباس بن فرات نقل می کند که ابن دیزک بروجردی مردی موثق و متقی و جمیل المذهب و تاهنگام مرگ بتلاوت قرآن اشتغال داشت .

خطیب بغدادی در جلد دوم تاریخ بغداد ص ۴۰۵ بوسیله ابونعیم اصفهانی و سلامة بن عمر نصیبی شاگردان ابن دیزک بروجردی از وی حدیثی نقل کرده مینویسد:
* محمد بن عیسی بن دیزک البروجردی ابو عبد الله سکن بغداد و حدث به عن عمیر بن مرداس الدورقی و محمد بن ابراهیم بن زیاد الرازی کتب عنه الناس بانتخاب محمد بن مظفر . حدثنا عنه سلامة بن عمر النصیبی و ابونعیم الاصفهانی . اخبرنا ابو الحسن سلامة بن عمر اخبرنا محمد بن عیسی بن دیزک البروجردی حدثنا عمیر ابن مرداس حدثنا مالک عن عبد الله بن دینار عن ابن عمر انه قال: قال رسول الله ﷺ ان

اليهود اذا سلموا عليكم انما احدهم يقول السام عليكم فقولوا وعليك .
سألت ابانعيم الحافظ عن محمد بن عيسى بن ديزك فقال ثقة سمعت منه ببغداد و
كان معلماً لابن الخليفة ويقال ان ابا سعيد السيرافي درس عليه الادب *
ابن ديزك روز پنجشنبه نوزدهم يايست ونهم جمادی الاخره سال ۳۵۹ هجری
قمری در بغداد در گذشت .

ابو حفص بروجردی

عمر بن یوسف بن عبدك، از اکابر محدثین قرن چهارم هجری است. معارف ابتدائی را در زادگاه خود بیابان رسانید و سپس برای تحصیل علوم نهائی به بغداد رحل اقامت افکند و برای تأمین زندگی شغل گندم فروشی را اختیار کرد و در ضمن در محضر اساتید آن عصر بفرافرفتن حدیث پرداخت قبل از سال ۳۱۵ بمصر نیز مسافرتی کرد و از رجال علمی آنجا نیز بهره مند شد.

اساتید :

استادان ابو حفص بروجردی بسیارند ولیکن بخاطر اختصار بسذکر دونفر اقتصار میشود :

۱- ابوالحسن محمد بن محمد بن عبد الله باهلی در اصل از اهل سامره بود و برای فرافرفتن حدیث بشام رفت و از مشایخ آنجا استفاده کرد و سپس بمصر رفت و رحل اقامت انداخت و از اساتید بسیاری بهره ور شد از جمله : اسحاق بن اسرائیل و احمد بن ابراهیم دورقی است.

وی از رجال موثق و متقی بشمار رفته ، در بیستم ربیع الآخر سال ۳۱۴ هجری

قمری در مصر وفات کرد . ابو حفص بروجردی در هنگام مسافرتش بمصر با او ملاقات کرد و مدتی از علوم و معارف وی مستفیض گشت .

۲- حسین بن شیرک یا شیریک بن عبدالله آدمی بغدادی از علماء قرائت و عرفان در سده سوم و چهارم هجری است . او در بین قاریان قرآن بجلالت و عظمت معروف و قرائت را از ابی حمدون صاحب یزیدی فرا گرفت و جمعی در قرائت از وی استفاده کردند از جمله محمد بن یونس مطرز و ابو الحسن بن عبدالرحمن و عمر بن یوسف بروجردی است .

شاگردان :

ابو حفص کم از مشاهیر محدثین عصر خود بشمار رفت و جمعی از طلاب و خواستاران حدیث و قرائت در مجلس درس او حاضر و از ذخائر علمی وی استفاده می کردند .

از جمله ابو العباس احمد بن محمد بن حسن بن مالک جرجانی است که از معارف محدثین بغداد بشمار رفته . و دیگر جعفر بن محمد بن فضل ابو القاسم مارستانی بغداد نزیل مصر است .

او در سال ۳۰۸ هجری قمری متولد و علم قرائت از دو استاد فرا گرفت یکی ابو طاهر بن ابی هاشم و دیگر ابو حفص بروجردی بود . تا درس ۷۲ سالگی درس سال ۳۸۰ هجری قمری در مصر در گذشت .

علماء رجال و تاریخ اغلب ابو حفص بروجردی را در ردیف اکابر محدثین و قاریان ذکر نموده اند .

خطیب بغدادی در جلد یازدهم تاریخ بغداد ص ۲۵۴ او را ترجمه کرده . و بدو واسطه از وی حدیث نقل میکنند . می نویسد :

* عمر بن یوسف ابن عبدك ابو حفص البروجردی . حدث ببغداد عن محمد بن

محمد بن عبدالله النفاق الباهلی . روى عنه احمد بن محمد بن مالك الجرجاني بها
حدثنا يحيى بن على الدسكرى اخبرنا ابو العباس احمد بن محمد بن الحسن بن مالك
الجرجاني بها حدثنا ابو حفص عمر بن يوسف بن عبدك البروجردى الحنط بيقداد ،
حدثنا ابو الحسن محمد بن محمد بن عبدالله النفاق بمصر حدثنا اسحق بن اسرائيل . *

جزرى درغايه النهايه جلد اول ص ۵۹۹ مى نويسد:

* عمر بن يوسف بن عبدك ابو حفص الحنط بالنون البروجردى روى القرائة سماعاً
عن الحسين بن شريك صاحب ابى حمدون وروى عنه الحروف جعفر بن محمد بن الفضل . . .

ابوالعباس الخطیب بروجرودی

احمد بن محمد صالح از علماء و گویندگان و سخنوران نامی قرن چهارم هجری است مبادی علوم را در زادگاه خویش فرا گرفت و سپس برای تکمیل و تکامل خود مسافرتها کرد و از اساتید آن عصر بهره ها برد تا عاقبت در بغداد ساکن شد و بوعظ و خطابه و تنویر افکار مردم پرداخت .

اساتید :

ابوالعباس بروجرودی از بسیاری از اکابر استفاضه نموده، مشهورتر از همه ابراهیم ابن حسین بن دیزیل همدانی است. وی از اعظم حفاظ و محدثین قرن سوم هجری و محل اعتماد دانشمندان آن زمان بود .

جزری در غایة النهایه فی طبقات القراء جلد اول ص ۱۱ می نویسد :

ابراهیم بن حسین بن علی بن دیزیل یاد ازیل حافظ ابواسحق همدانی معروف به سفینه مورد وثوق محدثین و قراء بوده و قرائت را سماعاً از قالون فرا گرفت . او در ماه شعبان سال ۲۸۱ هجری قمری در گذشت .

شاگردان :

ابوالعباس بروجردی در بغداد تدریس می کرد و جمعی از بزرگان از فوائد علمی وی برخوردار شدند که اسامی بعضی از آنها بقرار ذیل است:

۱- هلال بن محمد بن جعفر بن سعدان ابوالفتح حفار از محدثین معروف بغداد در سال ۳۲۲ هجری قمری متولد و علم حدیث را از اکابر عصرش از جمله خطیب بروجردی یاد گرفت و جمعی از بزرگان نیز از وی استفاده نمودند .
از جمله خطیب بغدادی (۱) که در تاریخ بغداد جلد چهاردهم ص ۷۵ او را از اساتید خرد شمرده و می نویسد : کتبت عنه و کان صدوقا .
او در سوم صفر سال ۴۱۴ درگذشت .

۲- ابوبکر نجار محمد بن عمر بن بکیر از مفسرین و محدثین قرن چهارم و پنجم هجری است . در سال ۳۴۶ هشتم شوال متولد شد ذخائر علمی خود را از استادان آن عصر فرا گرفت از جمله در علم حدیث از ابوالعباس بروجردی استفاده کرد تا در سن ۸۶ سالگی در سوم ربیع الاول سال ۴۳۲ در بغداد درگذشت .

خطیب بغدادی در تاریخ بغداد جلد سوم ص ۳۹ او را از اساتید خود شمرده و به وثاقت ستوده و می نویسد : کتبت عنه و کان شیخا مستورا ثقة من اهل القرآن .

۳- ابو منصور بن دار محمد بن عثمان بن عمران بن سهل بن نصر بن احمد بن حامد معروف به ابن سواق از علماء حدیث در سده چهارم و پنجم هجری است .

وی در سال ۳۶۱ نهم جمادی الاخره متولد و از کودکی علاقه به علم حدیث داشت بطوریکه در سن ۷ سالگی سال ۳۶۷ قمری در مجلس درس خطیب ابوالعباس بروجردی

۱- حافظ احمد بن علی خطیب بغدادی از محدثین و مورخین و گویندگان نامی قرن پنجم

هجری است . در سال ۴۶۳ هجری قمری جهان را وداع گفت .

در منزلش بدرب ابی هریره از جانب شرقی بغداد حاضر می شد و براو حدیث قرائت می کرد تا رفته رفته خود از استادان حدیث بشمار رفت و جمعی از او استفاضه نمودند از جمله خطیب بغدادی که در جلد سوم تاریخ بغداد ص ۲۳۵ می نویسد : کتبت عنه و کان ثقة .

ابن سواق درس ۸۰ سالگی در سال ۴۴۰ سلخ ذی الحجة در بغداد در گذشت. خطیب بغدادی در جلد پنجم تاریخ بغداد ص ۳۸ ابوالعباس خطیب بروجردی را ترجمه نموده و بتوسط شاگردان سابق الذکر حدیثی از وی نقل کرده می نویسد :

* احمد بن محمد بن صالح ابوالعباس الخطیب البروجردی . سکن بغداد و حدث به عن ابراهیم بن الحسین بن دیزیل الهمدانی . اخبرنا عنه هلال بن محمد الحفار و محمد بن عمر بن بکیر النجار و محمد بن عثمان السواق .

اخبرنی ابو الفتح هلال بن محمد بن جعفر الحفار و محمد بن عمر بن بکیر ابوبکر النجار قالا : حدثنا ابوالعباس احمد بن محمد بن صالح البروجردی الخطیب زاد ابن بکیر املاء من حفظه ثم اتفقا - حدثنا ابراهیم بن الحسین الهمدانی حدثنا الاصبغ ابن الفرج قال حدثنا عبدالله بن وهب عن عبدالله بن عیاش عن ابيه عن ابی عبدالرحمن عن عبدالله بن عمرو بن العاص ان رسول الله صلی الله علیه و آله قال : « من کتم علما ألجمه الله تعالى بلجام من نار .

اخبرنی ابو منصور محمد بن محمد بن عثمان السواق اخبرنا ابوالعباس احمد ابن محمد بن صالح البروجردی الخطیب - قرائة علیه فی منزله بدرب ابی هریره من الجانب الشرقي فی شوال سنة ثمان و سنين و ثلث مائة حدثنا ابراهیم بن الحسین بن دیزیل الهمدانی فذكر مثله سواء *

ابوسعبد سماعی (۱) در کتاب النسب می نویسد : ابوالعباس احمد بن محمد بن صالح بروجردی پس از شوال سال ۳۶۸ جهان را ترک گفت زیرا در تاریخ مزبور ابن سواق کوچکترین شاگردانش از او حدیث نقل کرده . خطیب بروجردی بالنسبة عمری طولانی داشته زیرا یکی از اساتید وی چنانکه ذکر شد ابن دیزیل همدانی است که در سال ۲۸۱ هجری در گذشته در صورتیکه در آن هنگام ابوالعباس لااقل دوازده سال داشته قریب یکصدسال در این جهان زیست کرده .

۱- سماعی عبدالکریم محمد ابوسعبد در سال ۵۶۲ هجری درگذشت . شرح خالص

بمناسبت واردین بروجرد شاید ذکر شود .



عبداللہ بن سعید بروجردي

قاضی ابوالحسن یا ابوالحسن معروف بہ بروجردي از اکابر علماء و اعظم محدثین قرن چهارم هجری و ساکن بغداد بود. علم حدیث را از محدثین بزرگ آن عصر فرا گرفت .

اساتید :

استادان و مشایخ حدیث او بقرار ذیل است :

۱- محمد بن جریر بن یزید بن خالد طبری در سال ۲۲۴ در آمل مازندران متولد و پس از تحصیل مقدمات و مبادی علوم از زادگاه خود بمرکز علمی مسافرتها کرد و از هر خرمی خوشه ای چید تا در انواع علوم متداوله عصرش سرآمد اقران شد و گوی سبقت را از همکنان ربود .

وی در آغاز ، مذهب شافعی داشت ولیکن در آخر ، مذهبی مستقل در عرض مذاهب چهار گانه اهل سنت پدید آورد و جمعی نیز از او پیروی کردند و در بسط و نشر مذهبش کتابها نوشتند و عاقبت متروک شد . طبری کتابی در اختلاف علماء نوشت و نام احمد بن حنبل را در آن ذکر نکرد بهمین جهت حنبلی ها او را بر فض متهم ساختند .

صفدی دروافی بالوفیات جلد دوم ص ۲۸۶ می نویسد : هنگامیکه ابو جعفر طبری از مازندران بی‌غداد آمد جمعی از سنیان حنابله در مسجد از او دو مسئله پرسیدند یکی راجع به احمد بن حنبل و دیگری راجع به جلوس ابن حنبل با خداوند بر عرش . طبری گفت : احمد بن حنبل و اصحابش مورد اعتناء و اعتماد نیستند و حدیث جلوس احمد بن حنبل با خداوند بر عرش از خرافات و محالات است و این شعر را خواند :

سبحان من لیس له انیس و لاله فی عرشه جلیس

با شنیدن این کلمات ناگهان هزارها نفر حرکت نمودند و دوات‌ها بسراو کویدند و بی‌خانه آمد و در برابر وی خود بست و لیکن سنیان او را نکرند خانه‌اش را سنگ باران نمودند تا حدیکه شهر بانی بغداد دخالت کرد و به وسیله پاسبانان مردم را متفرق ساختند .

طبری شعر سابق الذکر را بر در خانه‌اش نوشته بود از طرف شهر بانی آن را محو کردند و پیروان احمد بن حنبل بجای آن شعر ابیات ذیل را نوشتند .

لاحمد منزل لاشك عال	اذا وافی الی الرحمن وافد
فیبد نیه و یقعه کمریماً	علی رغم لهم فی انف حاسد
علی عرش یغلفه بطیب	علی الا کبار یا باغ و عاند
الا هذا المقام یکون حقاً	کذاک رواه لیث عن مجاهد

احساسات و افکار عمومی بحدی بر علیه طبری تحریک شد که مجبور شد بر خلاف عقیده خود کتابی در فضیلت احمد بن حنبل بنویسد در همین ایام بود که عبیدالله ابن سعید بروجردی که آن روزها اوائل تحصیلاتش بود از بحر ذخاری چون دریای مواج طبری استفاده می کرد ولیکن اجل مهلت نداد و عبیدالله استاد بی نظیر خود را بزودی از دست داد و پس از وی ناچار به استادان دیگر متوجه شد .

طبری در سال ۳۱۰ هجری در بغداد در گذشت جنازه‌اش را از ترس دشمنان

شبهانه در خانه اش دفن نمودند . وی آثار ارزنده سودمندی از خود بیادگار گذاشت مانند تفسیر کبیر و تاریخ امم و ملوک که از آغاز خلقت تا سال ۳۰۹ هجری است و بقول صفدی صحیح ترین تاریخ ها است . این کتاب در لیدن و قاهره چاپ و بترکی و فارسی و فرانسه نیز ترجمه شده .

۲- یکی دیگر از اساتید عبیدالله بروجردی محمد بن محمد بن سلیمان باغندی است وی از محدثین قرن دوم و سوم هجری و از حفاظ حدیث بشمار رفته یعنی از کسانی بود که یکصد هزار حدیث باسند و متن از حفظ داشت .

باغندی در طلب حدیث مسافرتها کرد و از حفاظ حدیث در مصر و شام و کوفه و بصره و بغداد استفاده نمود ولیکن در تدلیس معروف بوده .

خطیب بغدادی در جلد سوم تاریخ بغداد ص ۲۱۲ می نویسد : باغندی کثیر - التدلیس بوده و حدیثها که نشنیده می گفت و گاهی در حدیث دزدی می کرد . صفدی در وافی بالوفیات ج اول ص ۹۹ می نویسد :

الحافظ ابوبکر الباغندی قال ابوبکر الاسماعیلی لا اتهمه بالکذب

لکنه خبیث التدلیس . باغندی در سال ۳۱۲ هجری درگذشت .

عبیدالله بن سعید بروجردی پس از وفات استادش ابوجعفر طبری دو سال از معارف باغندی استفاده کرد .

۳- یکی دیگر از اساتید عبیدالله بروجردی ابو محمد دینوری عبیدالله بن محمد ابن وهب ابن بشر بن صالح بن حمدان حافظ است .

یاقوت حموی در معجم البلدان جلد دوم ص ۵۴۵ می نویسد: ابو محمد دینوری حافظ از بزرگان فن حدیث است ، جمعی از محدثین از او روایت نموده اند و آخر کسی که از او حدیث روایت کرده عبیدالله بن سعید بروجردی است .

۴ - یکی دیگر از استادان عبیدالله بروجردی حسین بن محمد بن عفیر انصاری است . جد اعلایش سهل بن ابی خثیمه در شمار اصحاب پیغمبر صلی الله علیه و آله بود .

خودش از محدثین قرن سوم و چهارم هجری است و در سال ۲۱۹ هجری متولد و پس از ۹۶ سال زندگی در دوم صفر سال ۳۱۵ هجری درگذشت .
عبیدالله بن سعید بروجردی پس از باغندی سه سال از معارف ابن عفیر انصاری استفاده کرد .

۵ - یکی دیگر از اساتید وی محمد بن عمران بن هرون دینوری است. خطیب بغدادی در تاریخ بغداد جلد ۸ ص ۹۶ می نویسد : محمد بن عمران دینوری . از محدثان و قاریان قرن چهارم هجری است که قرائت را از محمد بن حسن نقاش فرا گرفت .

۶ - یکی دیگر از اساتید او محمد بن ابراهیم بن اسحاق اصفهانی معروف به فاذجانی است وی از محدثین قرن سوم و چهارم هجری و از ابومسعود (۱) احمد بن فرات رازی حدیث نقل کرده است .

شاگردان :

عبیدالله بن سعید بروجردی در عصر خویش از مشاهیر محدثین بشمار میرفت و در بغداد تدریس میکرد و جمعی از خواستاران علم حدیث در مجلس درس او حاضر و از خرمین معارف وی خوشه چین بودند . اسامی چند نفر از شاگردان او بقرار ذیل است :

۱ - عبد العزیز بن علی ازجی از نویسندگان فعال و پرکار و از اکابر محدثین قرن چهارم و پنجم هجری است . در سال ۳۵۶ متولد و در اول محرم ۴۴۴ درگذشت . خطیب بغدادی از او استفاده کرده و او را براستی و کثرت نویسندگی ستوده است .

۱- ابومسعود رازی از حفاظ حدیث و پیشوایان این فن است در عصر ابن حنبل به بغداد

رفت و مورد احترام ابن حنبل قرار گرفت به حدیکه او را بر دیگران مقدم می شمرد سپس باصفهان رفت و ۴۵ سال در آنجا حدیث تدریس میکرد تا در سال ۲۵۸ درگذشت .

۳۰	قرن چهارم	تاریخ بروجرد
----	-----------	--------------

در تاریخ بغداد جلد دهم ص ۴۶۸ می نویسد : کتبنا عنه وکان صدوقاً کثیر
الکتاب وی در سال ۳۷۱ هجری در بغداد از قاضی ابوالحسن عبیدالله بن سعید بروجردی
استفاده کرده و حدیث شنیده است .

۲ - عبدالملک بن عمر بن خلف بن سلیمان ابوالفتح رزاز از محدثین قرن چهارم
و پنجم هجری است . او در سال ۳۶۰ هجری قمری متولد و در یازدهم صفر سال ۴۴۸
در سن ۸۸ سالگی جهان را ترک گفت .

خطیب بغدادی از وی حدیث شنیده و نوشته و او را شیخی صالح معرفی کرده
ولیکن بر احادیث او اعتماد و تکیه نمی کند .

در تاریخ بغداد جلد دهم ص ۴۳۳ می نویسد : کتبنا عنه وکان شیخاً صالحاً
انه لم یکن فی الحدیث بذاک . رأیت له اصولاً محکمات وسماعاته ملحقة .

او در سال ۳۷۳ هجری قمری در سن سیزده سالگی استاد قاضی ابوالحسن
بروجردی را در بغداد ملاقات نموده است و مدت شانزده سال از ذخائر علمی وی
بهره ورشده است .

۳ - یکی دیگر از شاگردان بروجردی ابو منصور محمد بن عیسی بن عبدالعزیز
همدانی است . او از مشاهیر محدثین قرن چهارم و پنجم هجری بشمار رفته .

خطیب بغدادی در جلد دهم تاریخ بغداد ص ۳۶۱ او را در ردیف شاگردان قاضی
ابوالحسن بروجردی ذکر نموده است .

علماء رجال و نویسندگان تراجم احوال ، اغلب عبیدالله بن سعید بروجردی را در شمار
محدثین بلکه در ردیف حفاظ ذکر نموده اند .

ذهبی (۱) در تذکرة الحفاظ جلد سوم ص ۱۰۲۰ در ذیل ترجمه ابوسلیمان حمد

۱- ذهبی محمد بن احمد بن عثمان شمس الدین ابوعبدالله شافعی محدث و حافظ

و مورخ در سوم ربیع الثانی سال ۶۷۳ قمری متولد و از کودکی بفر گرفتن حدیث پرداخت /

ابن محمد بن ابراهیم می نویسد : محدث قاضی ابوالحسن عیدالله بن سعید بروجردی در سال ۳۸۸ هجری قمری وفات کرد . او باغندی و ابن جریر طبری را ملاقات کرده است .

خطیب بغدادی در تاریخ بغداد جلد دهم ص ۳۶۱ بروجردی را ترجمه نموده و پس از ذکر استادان و شاگردان او حدیثی بتوسط عبدالملک بن عمر بن خلف رزاز از وی نقل میکند :

* حدثنا القاضي أبو الحسن عیدالله بن سعید ابن عبد الله البروجردی ببغداد - سمعت منه فی سنة ثلث وسبعین وثلاثمائة قال حدثنا محمد بن عمران هرون الدینوری - املاء - حدثنا هناد بن السری حدثنا جریر بن ابی حازم عن سهل بن سعد الساعدی . قال کان بین الانصار کون فاتی رسول الله ﷺ لیصلح بینهم ثم رجع و قد اقيمت الصلوة و ابوبکر یصلی بالناس فصلی خلف ابی بکر *.

تفسیه - حدیث نامبرده مسلم از احادیث مجعوله و موضوعه است که برای اثبات خلافت ابوبکر بدست پیروانش وضع شده . اگر چه بحث در این موضوع از وضع این کتاب خارج است اما برای روشن شدن خواننده ناچارم گفتاری را که مرحوم سید هبة الدین شهرستانی (۱) در کتاب الامة والامامة بیان داشته ذکر نمایم . در این کتاب که بقلم دانشمند محترم علیرضا خسروانی (۲) ترجمه شده بنام

و در تحصیل آن مسافرتها کرد و از یک هزار و دویست نفر استاد حدیث فراگرفت و وقایع دوره های اسلامی را از ابتداء ظهور اسلام تا سال ۷۴۰ م خصوصاً اخبار محدثین را در سلك تألیف آورد و در سوم ذی قعدة سال ۷۴۸ درگذشت .

۱- علامه جلیل و مصلح نبیل سید هبة الدین شهرستانی قدس سره شرح حالش در بخش واردین بروجرد ذکر می شود .

۲- علیرضا خسروانی مترجم چند کتاب از آثار شهرستانی است شرح حالش در بخش واردین بروجرد ذکر خواهد شد .

امت و امامت درص ۲ می نویسد : فرقه ابو بکر بن خلافت ابو بکر را بر دو دلیل ثابت و استوار می دارند .

یکی آنکه ابو بکر اندکی پیش از وفات پیغمبر ﷺ امام جماعت گشته و با مسلمانان نماز گذارده و مسلمانان گویند ما برای دنیای خودمان به آنکه پیغمبر ﷺ برای دین ما رضایت داده راضی هستیم .

دلیل دوم آنکه مسلمانان پس از وفات پیغمبر ﷺ بطرز انتخاب اممدمکراسی و رأی اجماعی ابو بکر را بخلافت برگزیدند .

اما دلیل اول یعنی استدلال بر خلافت ابو بکر به پیشنهادی او در زمان پیغمبر ﷺ درست نیست و این دلیل مولود افکار بعدی مردم و پس از استقرار او بر کرسی خلافت می باشد زیرا معارضه علی علیه السلام با وی در ظرف چند ماه برای طلب خلافت محقق و مسلم است و هم چنین مسلمانان بر حسب تاریخ اجماعی در روز سقیفه بر سر امر خلافت منازعه داشتند انصار منّا امیر و منکم امیر گفتند و بر خلافت سعد بن عبادہ شیخ خزرج اتفاق نمودند و اسکات انصار و متقاعد ساختن آنان جز بروایتی که ابو بکر از رسول خدا ﷺ نقل نمود که ان الخلافة فی قریش برای مهاجرین مقدور نشد و در آن موقع هم بدلیل امامت او در نماز متشبث نشدند .

بلی امامت ابو بکر در نماز بمسلمین اندکی پیش از وفات رسول خدا ﷺ ثابت است و در آن شکی نیست هم چنانکه شکی نیز در آن نیست که چون نماز گذاردن ابو بکر به پیغمبر ﷺ رسید در حالتیکه بر دو نفر از بستگان خود تکیه داده بود با حالت مرض بمسجد آمده در حین اشتغال ابو بکر به نماز او را بعقب زد و امامت نماز را خود آنحضرت متولی شد .

در اینجا نیز ما را سر آن نیست که در پیرامون شبهات راجع بجلوایستادن ابو بکر در نماز که مبنی بر اشاره داخلی بود سخن برانیم یا اینکه عقب نمودن ابو بکر را توسط پیغمبر ﷺ مبنی بر کراهت آنحضرت از امامت ابو بکر قلمداد کنیم چه پس از

روایتی که اهل سنت از پیغمبر ﷺ نموده اند (صلوا خلف کل بر وفاجرو) یعنی پشت سر هر نیکوکار و بدکاری نماز بخوانید ارزشی برای امامت در نماز نخواهد ماند و مادام که وثائق تاریخی مشهور و اصول حقوقی میسور است ابناء زمان ما بزرگتر از این هستند که این شبهات را دست آویز خود قرار دهند بلکه مامقام بزرگان یاران بافضیلت پیغمبر ﷺ را و الاثر از این میدانیم که برای درست کردن امر خلافت بقیاس ضعیفی که مقایسه خلافت عظمی با امامت در نماز باشد متشبث گردند و حال آنکه آنان باین مسئله داناتر بودند که امامت در نماز را با خلافت عظمی که دارای اهمیت کامل و عظم جلیلی است و موضوعاً و حکماً باهم مختلفند نمی توان مقایسه کرد . زیرا امامت در نماز مستلزم مزیتی بیش از تجوید قرائت و حسن ظاهر نیست در صورتیکه خلافت مقتضی مافوق آن یعنی مزیت شجاعت و علم و تقوی و نیروی حل مشکلات سیاسی و اجتماعی و وثوق ملل و اقوام می باشد .

و از جهت دیگر امامت در نماز برای صاحب آن؛ مزیتی را در حقوق اجتماعی ایجاد نمی کند و حال آنکه خلافت برای صاحبش مثبت مزایای حقوقی و دستور در جنگ و پیمان صلح و در غنائم و کانهها و ذخائر ارضی و صفایای اموال و هم چنین در ابواب حدود و قضاء می باشد حتی آنکه در مطالع الانوار آمده است که خلیفه حق تصرف در رقاب و دارائی و بضاعتهای مردم را دارا است و حقوقی را که پیغمبر ﷺ بموجب آیه مبارکه (النبی اولی بالمؤمنین من انفسهم) داشته برای خلیفه او قائل شده اند .

پس باین مزایا آیا در نزد افاضل صحابه پیغمبر ﷺ منزلت امامت در نماز و منزلت خلافت عامه مساوی است ؟ تا اینکه این دو را با یکدیگر مقایسه و موازنه کرده و گفته شود (که ما امامی را برای دنیای خود نخواهیم که پیغمبر ﷺ به امامت او در نماز رضاداده است) .

بلی روایاتی در این باب رسیده که برای ماروشن است آنها را پس از استقرار

۳۴	قرن چهارم	تاریخ بروجرد
----	-----------	--------------

ابوبکر بر کرسی خلافت برای تدارك امراز دست رفته جعل و وضع کرده اند . از جمله روایت و حدیث سابق الذکر که بمناسبت ترجمه عبیدالله بن سعید قاضی بروجردی نقل شد .

حدیث مزبور تصادفاً حتی از نظر اهلی سنت نیز ضعیف است زیرا این روایت بتوسط عبدالملک رزاز نقل شده که مورد اعتماد اهل سنت نیست چنانکه در سابق نقل شد ، خطیب بغدادی بر احادیثی که از عبدالملک رزاز نقل شده اعتناء نمیکند و گفته : انه فی الحدیث لم یکن بذاک .

ابو محمد حسن بن احمد بروجرودی

از دانشمندان بنام و نویسندگان بزرگ در قرن چهارم هجری است. او بشهادت معاصرین و متأخرین در عصر خود در میان کتاب و نویسندگان بی نظیر بوده. نوشته های او در ۲۵ باب بیش از چهار هزار برگ بالغ شده و در آغاز از ملازمین صاحب بن عباد (۱)

۱- اسماعیل بن عباد بن عباس بن طالقانی معروف به صاحب بن عباد پایه فضل و کمال وی بالاتر از توصیف است. از وزراء خاندان بویه و ملجأ عوام و خواص و مرجع ملت و دولت بود.

وی از محبین و شیعیان خاندان پیغمبر بوده و گویند قریب ده هزار شعر در مدح اهل البیت علیهم السلام سروده. از جمله :

حب علی بن ابیطالب	هو النبی یهدی الی الجنة
ان کان تفضیلی لسه بسدة	فلانة الله علی السنة

اباحسن لو کان حبك مدخلی	جهنم کان الفوز عند جحیمها
فکیف یخاف النار من هو مؤمن	بان امیر المؤمنین قسیمها

صاحب بحدی در تشیع شهرت داشته که اهل اصفهان مذهب تشیع را باو نسبت می دادند و میگفتند فلان کس بردین ابن عباد است. در ایام حکومتش مردی بخانه آمدیگانه ای /

وزیر آل بویه بشمار می رفت و پس از صاحب بن عباد بخراسان رفت و به صدارت و ریاست کتاب و نویسندگان ابونصر احمد بن علی میکالی نائل شد.

ثعالبی (۱) در جلد چهارم یتیمه الدهر ص ۳۹۵ و ۳۹۶ در ترجمه ابو محمد بروجردی می نویسد :

* کاتب بحقه و صدقه. متبحر فی ترسله منقطع القرین فی کتاب عصره. آخذ بازمة الکلام البارع یقودها کیف اراد ویجذبها کیف شاء. قد خدم الصاحب فی عنفوان شبابه وتادب بآدابه واختص به وراض طبعه علی اخذ نمطه ومن جانبه وقع الی بلاد خراسان فاشتهر بها وسار کلامه فیها وهو الان صدر کتاب الامیر ابی نصر احمد بن علی المیکالی ولعل ما قد ارتفع من سواد رسائله الی هذه الغایة یقع فی اربعة آلاف ورقة و تزید ابوابها علی خمسة وعشرین وله محاضرة حسنة مفيدة وشعر کتابی کثیر المحاسن مستمر النظام ومن اوائله ان الصاحب اتهم بعض المرد فی مجلسه بسرقة کتبه فقال :

رأیا همسر خود دید سخت ناراحت شد تازیانه کشید و بر پیکر زن نواخت آن زن تازیانه میخورد و پیوسته می گفت **القضا والقدر** یعنی من مقصر نیستم این قضا و قدر است که مرا بر این کار مجبور نمود .

مرد جواب داد فلان فلان شده زنا می دهدی و بحساب قضا و قدر می آوری زن تا این سخن را شنید فریاد کشید پس توازن دین خارج شدی و مذهب صاحب بن عباد را پیروی کردی آن مرد متنبه شد تازیانه افکند و عذر خواست و گفت **انت سنیة حقا** .

(۱) ابومنصور عبد الملك محمد بن اسماعیل ثعالبی نیشابوری از مشاهیر ادباء و نویسندگان از نظم و نثر و حید عصر و فرید زمان خود بوده و تألیفاتش در شرق و غرب شهرتی بسزا دارد و چون پوست روباه می فروخت او را لقب ثعالبی دادند.

وی در سال ۳۵ هجری در نیشابور متولد و در سن هشتاد سالگی تقریباً در سال ۴۲۹

درگذشت .

(من المحبث) (۱) .

سرق ت يا ظبى كتبى الحقت كتبى بقلبى
وامر ابامحمد (البروجردى) باجازته (۲) فقال: (من المحبث).
فلو فعلت جمىلا رددت قلبى و كتبى
وانشد يوماً بحضرته هذان البيتان (من المديد) (۳)

يا نسيم الريح من بلد خبرى بالله كيف هم
ليس لى صبر ولا جلد ليت شعرى كيف صبرهم
فامر ابامحمد البروجردى باجازتهما فقال ابو محمد البروجردى من المديد :
ولسان الدمع يشهدلى و هو ممن ليس يتهم
ومن ملحه قوله (من الخفيف) (۴) :
قد سمعنا بكل آبدة نكراء تبلى بمثلها الاحرار
وغفرنا للجميع للدهر لكن ماسمعنا بكاتب يستعار
وقوله فى حوض لبعض الرؤساء (من الكامل) (۵)

(۱) محبث يکى از بحور شعر است در زبان عرب ميزان آن مستمعين فاعلاتن مستفعلن فاعلاتن مى باشد ولکين در زبان فارسى بحر محبث چهار بار مستفعلن فاعلا تن تکرار مى شود مانند اين شعر :

اگرچه حيله فروشى اگرچه چرب زبانى سپاس دار خدا را که تو بجمله مراى
(۲) اجازه در شعر اين است که پس از فراغت از شعر ديگرى بر آن ييفزايد .
(۳) مديد بحرى است که مرکب مى شود از ۶ جزء فاعلاتن فاعلن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن فاعلاتن .

(۴) بحر خفيف ميزانش فاعلاتن مستفعلن فاعلاتن مى باشد .

(۵) ميزان بحر کامل شش بار متفاعلن مى باشد چنانکه گفته شده :
کمال الجمال من البحور الكامل . متفاعلن متفاعلن متفاعلو .

حوض یجود بجوهر متسلسل	ساد الجواهر کلها بنفاسه
لازال عذاباً جارياً ببقاء من	هو مثله فی طبعه و سلاسته
وقوله من مزدوجه (۱) کتب بها الی ابی سعد نصر بن یعقوب من (الرجز) (۲)	
اهلا بمن اهدی الینا الجونة	و لا عدمننا ابدأ بحونة
فقد اعاد منزلی خصیباً	وازددت فی الخیر به نصیباً
فمن فراخ رخصة مسمنة	قد جعلت برسمها مطجئة
و باقلاء کاللیالی عظمت	معقودة فی سلکها قد نظمت
اذا التقطت حبها من الاقط	حسبتنی بها اللثالی التقط
و بعضها فی خله منقوع	جوع الفتی بطیبه مدفوع
و فلك بالروع یدعی رازی	خطفته باللقم خطف البازی
و بعد هذا کله شهد العسل	ینزع عن ذائقة ثوب الکسل
شکرت مولای علی ما حملا	و لا یساوی کل هذا جملا

و کتب ابو محمد البروجردی الی صدیق له (من الوافر) (۳) :

بساط الارض مسک او عبیر	وزهر الروض وشى او حریر
و للعیدان عید ان علیها	بمنطق طیرها بم وزیر
وقد صفی الزمان الخمر حتی	لقد عادت لدینا و هی نور

(۱) مزدوجه کلام و قصیده ایست که در سجع و یا در وزن متشابه باشد .

(۲) رجز بحر ی است که مقیاس آن شش بار مستفعّلن باشد .

فی ابحر الارجاز بحر یسهل مستفعّلن مستفعّلن مستفعّلو

(۳) بحر وافر بحر ی است که میزانش مفاعلتن مفاعلتن فعولن مفاعلتن مفاعلتن

فعولن، می باشد .

بحور الشعر و افرها جمیل مفاعلتن مفاعلتن فعولو

ومن يرد السرور يعيش هنيئاً اذا العيش الهنيء هو السرور
و عندى اليوم فتیان کرام وجوههم شמוש او بدور
وقطب الامر انت وهل لامر بغير القطب فيه رحي تدور
فرايك فى الحضور فحق يومى عليك و قد دعيت له الحضور
و كتب ابو محمد البروجردى الى صديق آخر (من المخلع (۱) البسيط):
حضرت مولای للسلام وقت الضحى وهو فى المنام
فقلت هذا دليل صدق عندى على جودة المدام
و العتب فى تركه دعانى اليه فى جملة الندام
و كتب ابو محمد البروجردى (من المنسرح) (۲) :

يوم الثلاثاء للسرور فلا تكن عنه بغير السرور مشغلا
و الدهر فى غفلة و عيشك لا يطيب الا والدهر قد غفلا
عجل و بادر بدار مغتنم فالدست والله لا مرئى عجلا
وله فى سكين (من مخلع البسيط) :
سكين عز ملن مداه فى العز يغنيه عن مداه
فلوسطا ضارب يعود لعاد سيفاً على عداه

(۱) بحر بسيط بحرى است که میزانش مستفعلن فاعلن مستفعلن فعلن می باشد چنانچه گفته شده

ان البسيط لديه ببسط الامل مستفعلن فاعلن مستفعلن فعلو

ولیکن گاهی تغییراتی در این بحر می شود و با اصطلاح مجز و ثش می کنند و سپس مجز و ثش

را بنام مخلع بسيط می نامند و می یاسش را مستفعلن فاعلن فعولن گفته اند .

(۲) بحر منسرح بحرى است که میزانش مستفعلن فاعلات مفتعلن مستفعلن فاعلات مفتعلن

می باشد چنانچه گفته شده :

منسرح فيه يضرب المثل مستفعلن فاعلات مفتعلن



احمد بن محمد بن خالد ابوبکر بروجردي

از محدثین نامی در قرن چهارم هجری است برای فرا گرفتن دانش مخصوصاً علم حدیث مسافرتها کرده و از هر خرمنی خوشه‌ای چیده. در نهاوند از محدث معروف علی بن محمد بن عامر نهاوندی و در نیشابور از ابوالحسن بن ابی بکر طرازی حدیث استفاده نموده .

در سال ۳۸۲ بطرف مکه معظمه زاده‌الله شرفاً و تعظیماً رهسپار شد و در طریق خود گذارش ببغداد افتاد جویندگان دانش و خواستاران حدیث در بغداد پروانه صفت دور شمع وی گرد آمدند و از میوه‌های درخت فضیلتش برخوردار شدند .

از جمله شاگردانش احمد بن محمد قطیعی است که خطیب بغدادی در تاریخ بغداد جلد پنجم ص ۴ بتوسط وی حدیثی از بروجردي نقل کرده . می نویسد :

* احمد بن محمد بن خالد ابوبکر البروجردی . قدم بغداد و حدث بهاء علی ابن محمد بن عامر النهاوندی . حدثنا عنه احمد بن محمد القطیعی . اخبرنا احمد بن ابی جعفر حدثنا ابوبکر احمد بن محمد ابن خالد البروجردی . قدم علينا حاجاً فی سنة اثنتين و ثمانين و ثلاثاً . حدثنا ابوالحسن علی بن محمد بن عامر النهاوندی حدثنا

اسحاق بن ابراهیم الدیری حدیثنا عبدالرزاق و اخیرنا ابوالحسن بن ابی بکر الطرازی بنیشابور حدیثنا ابو حامد احمد بن علی بن حسنویه المقرئ حدیثنا ابویعقوب اسحاق بن ابراهیم الدیری بصنعاء .

اخبرنا عبد الرزاق عن الثوری عن عبد الرحمن بن زیاد بن انعم عن عطاء ابن یسار عن سلمان . قال قال رسول الله ﷺ : « لا یدخل احد الجنة الا بجواز یکتب : بسم الله الرحمن الرحیم هذا کتاب من الله لفلان بن فلان ادخلوه الجنة عالیة قطوفها دانیة » . لفظ حدیث النہاوندی *

سمعی در انساب می نویسد : ابوبکر احمد بن محمد بن خالد بروجرودی وارد بغداد شد و در آنجا از ابوالحسن علی بن محمد بن عامر نهاوندی حدیث نقل میکرد و ابوالحسن احمد بن منصور عتیقی از او حدیث نقل کرده و در حدود چهار صد هجری در گذشت .



ابن فورجه بر و جردى

محمد بن احمد بن عبد الله بن محمود از دانشمندان نامی و نویسندگان مشهور و در شمار ادباء و مؤلفین و محققین قرن چهارم و پنجم هجری است . در علم نحو و لغت و شعر و ادب گوی سبقت را از همکنان ربود .
نام او را باختلاف نگاشته اند بعضی بنام احمد و بعض دیگر بنام حمد و جمععی باسم محمد ذکرش نموده اند .

وی در سال ۳۳۰ هجری متولد شده و برای تحصیل دانش مسافرت ها نمود و از اکابر علم و ادب استفاده کرد و از هر خرمینی خوشه ای برچید و برای تکمیل مراتب علمیه به معرفه النعمان مسافرت کرد و از اعجوبه زمان و ادیب دوران ابوالعلاء معری (۱)

(۱) ابوالعلاء احمد بن عبد الله معری از فحول ادبا و شعر او نحویین و لغویین است در ۲۷ ربیع

الاول سال ۳۶۳ در معرفه النعمان متولد شد و در چهار سالگی چشم خود را از دست داد و در یازده سالگی به تحصیل ادب مشغول و در محضر اساتید بزرگ ادب حاضر شده کم کم آوازه سید مرتضی بگوشش رسید و در مجلس درس او که سید مجالس بود شرکت کرد و در سلك شعراء مجلس سید بشمار رفت .

زمانی از وی کمالات سید را سؤال نمودند معری بیاسخ گفت : /

بهره ورشد .

با اینکه ابوالعلاء معری از وی ۳۳ سال کوچکتر بود ولیکن ابن فورجه از

یا سائلی عنه لما جئت تسأله / الا هو الرجل العاری من العار

لوحشته لرأیت الناس فی رجل / والدهر فی ساعة والارض فی دار

گویند معری گوشت نمی خورد و ذبح حیوانات را ظلم می دانست و با ازدواج مخالف بود و میگفت ازدواج و نکاح جنایت بر فرزند است خودش زن نگرفت و وصیت کرد بر لوح قبرش بنویسند : هذا جناه ابي علمي وما جنيت علمي احد.

در نیروی حافظه از نوادر روزگار بوده . مدت ۱۹ ماه در بغداد از محضر پیر فیض سید مر تضی بهره مند بود و مناظرات بسیاری از او با سید نقل کرده اند از جمله در حد شرعی سرقت که برای يك ربع دينار باید دست دزد را قطع کنند به سید مرتضی اشکال کرد و در ضمن این شعر را خواند :

يد بخمس مئين عسجد ودیت / ما بالها قطعت فی ربع دينار

دستیکه دیة آن پانصد دينار است چرا باید عوض ربع دينار بریده شود؟ . سید پاسخ گفت :

عز الامانة اغلاها وار خصها / ذل الخيانة فافهم حكمة الباری

دیگری مضمون همین شعر را به نثر گفت : لها كانت امينة كانت ثمينة فلما خانت هانت : ارزش دست مولود امانت بود چون خیانت کرد ارزش خود را از کف داد . گویند روزی سید از مطاعن متنبی سخن میگفت ابوالعلاء گفت در فضل وی همین شعرش کافی است که گفته :

لك يا منازل في القلوب منازل / اقفر عنك وهن منك اواهل

سید فرمان داد پایش را کشیده و از مجلس بیرون کردند . سبب پرسیدند فرمود :

مرادش شعر دیگر قصیده است :

واذا اتتك مذمتی من ناقص / فهی الشهادة لی بانی کامل

معری در ۴۹۹ درگذشت .

تکمیل خویش پای بند تعصبات غلط نبود او فکری روشن داشت و هرگاه کسی را داناتر از خود می‌پنداشت از او استفاده می‌کرد و بهمین جهت تا اوصاف ادبی و علمی معری را شنید برای اکتساب دانش بطرف او مسافرت کرد و در ادب و لغت بحد وافر از وی بهره‌مند شد و سپس به ایران مراجعت نمود و در سال ۴۴۰ هجری در شهری صدارت و ریاست علمی داشت.

و جمعی از علاقه‌مندان بشعر و ادب در پیرامون وی گرد آمده و از آن منبع علم و ادب استفاده می‌کردند از جمله ابو عامر جرجانی فاضل خراسان که شعرهایی از استادش ابن فورجه نقل کرده.

آثار ابن فورجه بسیار است ولیکن از مصنفات و آثار علمیه اش فقط دو کتاب معروف است که هر دو را بررد ابن جنی (۱) نوشته یکی بنام الفتح علی ابی الفتح و دیگری بنام التجنی علی ابن جنی.

ایندو کتاب بگفتار قفطی که پس از این ذکر می‌شود اگر چه قلیل الحجم میباشند اما فهم آن‌ها مشکل و مشتملند بر انواع ادب و بتقل اسماعیل باشا ابن فورجه کتاب الفتح را در نهائونند سال ۴۶۲ نگاشته.

مدت عمر ابن فورجه و تاریخ وفات وی باختلاف ضبط شده اگر مولدش در سال ۳۳۰ باشد چنانکه ذکر شد و کتاب الفتح را در سال ۴۶۲ نوشته باشد پس تا این سال زنده و عمرش به یکصد و سی و دو سال بالغ بوده است.

شرح احوال و ترجمه ابن فورجه را بسیاری از مورخین نوشته‌اند.

یا قوت حموی در معجم الادباء جلد ۱۸ ص ۱۸۸ می‌نویسد:

* محمد بن حمد بن محمد بن عبد الله بن محمود بن فورجه بضم الفاء و سکون الواو و تشدید الراء المفتوحة و فتح الجیم البروجردی ادیب فاضل مصنف له کتاب الفتح

(۱) ابو الفتح عثمان بن جنی موصلی المولد بغدادی المسکن از بزرگان صر فین و

نحوین در ۲۸ ماه صفر سال ۳۹۳ در کاظمین درگذشت.

علی ابی الفتح والتجنی علی ابن جنی بر دویه علی ابی الفتح بن جنی فی شرح شعر المتنبی (۱)
و مولده فی ذی الحجة سنة ثلاثین و ثلاثمأة کان موجوداً سنة خمس و خمسين و اربعمأة
و من شعره :

ایها القاتلی بعینیه رفقا
اکثر اللائمون فیک عتابی
انما يستحق ذامن فلاکا
انا واللائمون فیک فداکا
ان لی غیرة علیک من اسمی
انه دائما یقبل فاکا

سیوطی جلال الدین عبدالرحمن (۲) در بغیة الوعاة فی طبقات اللغویین والنحاة
ص ۲۹ و ص ۲۳۹ پس از نقل گفتار فوق الذکر از یاقوت حموی می نویسد: شیخ مجدد
الدین شیرازی در کتاب لطیف خود بنام البلغة فی ائمة اللغة ابن فورجه را در شمار
لغویین ذکر نموده و نام او را حمد ضبط کرده ولیکن از شعروى :

ان لی غیرة علیک من اسمی
انه دائماً یقبل فاکا

استفاده می شود نام او احمد است .

(۱) متنبی احمد بن حسین ابوالطیب کوفی از فحول شعراء عرب و دیوانش مرتب
بر حروف ابجد متجاوز از چهل شرح بر آن نوشته اند از جمله شرح ابن جنی ، است که ابن فورجه
آنرا رد کرده متنبی در سال ۳۵۴ کشته شد .

(۲) سیوطی عبدالرحمن بن ابی بکر اشعری شافعی در سیوط از قرای مصر متولد و در
۸ سالگی قرآن را حفظ کرد و در تمامی فنون متداوله عصرش متبحر مخصوصاً در فقه و حدیث و
تفسیر و معانی و بیان و صرف و نحو و لغت مشهور بوده آثار علمی او نزدیک سیصد تألیف یا بقول
بعضی پانصد کتاب در فنون مختلفه می باشد .

از سید علیخان مدنی نقل شده که سیوطی از مذهب سنت برگشته و شیعه شده است و این
مطلب را ممکن است از بعض تألیفاتش مانند ذخائر العقبی استفاده کرد . وی در ۱۹ جمادی الاولی
سال ۹۱۰ در قاهره درگذشت .

قفطی (۱) در انباء الرواة علی انباء النحاة جزء اول ص ۳۳۶ می نویسد :

* حمد بن محمد بن فورجه بروجردی امام فاضل عالم کامل مطلع علی انواع العربية ایما اطلاع قائم باللغة ومعنی الشعر رحل الي ابي العلاء ابن سليمان بمعرفة النعمان و اخذ عنه الادب واللغة وتصدر لافادة هذا الشأن وصنف الكتابين المشهورين في الرد علی ابن جنی فی شرح شعر المتنبي وهما وان صغر جرمهما فقد كبر فهمهما اشتعلا علی انواع من الادب غزيرة وقف عليها عمق بحره والسحر الصادر عن صدره وسحره وله شعر رواه عنه ابو عامر الجرجاني فاضل خراسان قال انشدني ابن فورجه لنفسه :

دعنی امر لطیتی	لا تعقلن مطیتی
هذا الذي في عارضی	فضول مسك ضفیرتی
اتمیتنی وجدأ وأن	ت سمي محیی المیت
تقبیل ثغرك نیتی	و لوان فيه منیتی
سهل علی مناله	لكن بلائی عفتی
و تعجبی لا لیتی	جهواك و هو بلیتی .

وكان هذا الشيخ متصديراً للأفادة بالرى فى سنة ٤٢٠ ..

اسماعيل پاشا بغدادى (۲) در هدية العارفين فى اسماء المؤلفين جلد دوم ص ۷۲

می نویسد :

(۱) قفطی جمال الدين على بن يوسف ابو الحسن معروف بقاضى اكرم از مشاهير مورخين و در تاريخ وفقه و حديث و نحو و لغت و اصول و منطق و نجوم و هندسه مهارت داشته در عهد ملوك ايوية بصدارت رسيد و تأليفات نافعه دارد و از بعض آنها تشيع از استفاده مى شود .

اورا قفطی يا ابن القفطی گویند بخاطر انتمایش به فقط بکسر قاف که قصبه ایست در ساحل شرقی نیل از توابع صعيد مصر وى در سال ۶۴۶ هجری درگذشت .

(۲) اسماعيل پاشا بغدادى بن محمد امين بن امير سليم بابانى در سال ۱۳۳۹ هجری درگذشت

* ابن فورجه محمد بن حمد بن محمد بن عبدالله بن محمود ابن ابی المنی
ابن فورجه ابو الفتح البروجردی الادیب من تصانیفه التجنی علی ابن جنی . الفتح
علی مقدمة ابی الفتح شرح آخر کذا . فرغ من تألیفها بنهاوند سنة ۴۶۲* .

ابن شاکر (۱) در فوات الوفيات جلد دوم ص ۴۹۷ می نویسد :

* محمد بن حمد بن فوزجه : قال الثعالبی فی الیتمة من شعره :

كان الايك يوسعنا نثاراً	من الورق المكسرو الصبحاح
تميد كانما علت براح	وما شربت سوى الماء القراح
كان غصونها شرب نشاوى	تصفق كلها راح براح
وقال فی الفستق المملوح :	

اعجب الى بفستق اعدته	عوناً على العادية الخرطوم
مثل الزبرجد فی حریر اخضر	فی حق عاج فی غلاف اديم
وقال ايضاً :	

فلو ترى نقلى و ما ابدعت	فيه بماء الملح ايدى الصنع
قلت حمامات على منهل	منحت مناقيراً تسبخ الجرع
وقال :	

الانرون الى الاصداغ كيف جرى	لهانسيم فوافت خده قدراً
كانما مدز نجى انامله	يريد قبضاً على حمر فما قدرا

قال ياقوت : وفات ابن فوزجه بنهاوند فی ذی الحجة ثمانین و ثلاثاً * .

مخفی نباشد نقلى که ابن شاکر در فوات الوفيات از ياقوت راجع بتاریخ وفات
ابن فورجه نموده مخالف است با آنچه ياقوت در معجم الادباء تصریح کرده که
ابن فورجه در سال ۴۵۵ زنده بوده . والله العالم .

یاقوت در معجم الادباء جلد سوم ص ۳۰ نمونه ای از کتاب الفتح علی ابی الفتح نقل کرده و ابن فورجه را ابن فرجه بدون و او نوشته . در ضمن ترجمه احمد بن داود دینوری می نویسد:

* قرات فی کتاب ابن فرجة المسمى بالفتح علی ابی الفتح فی تفسیر قول المتنبي :

فدع عنك تشبيهی بما وكأنه فما احد فوقی وما احد مثلی

وقال فيه : ما لم یرضه ابن فرجة ونسبه الی انه سال عنه ابوالطیب فاجاب بهذا الجواب فاورد ابن فرجة هذه الحکایة : زعموا ان ابالعباس المبرد وردالدينور زائراً لعيسى بن ماهان فاول ما دخل عليه وقضى سلامه قال له عيسى :

ايها الشيخ ما المشاة المجثمة التي نهى النبي ﷺ عن اكل لحمها فقال : هي المشاة القليلة اللبن مثل اللجبة فقال هل من شاهد قال نعم قول الراجز :

لم يبق من آل الحميد نسمة الا عنيز لجة مجثمة

فاذا بالحاجب يستأذن لابی حنيفة الدينوري فلما دخل قاله ايها الشيخ ما المشاة المجثمة التي نهيناعن اكل لحمها فقال : هي التي جثمت على ركبها وذبحت من خلف قفاها . فقال كيف تقول وهذا شيخ العراق يعنى ابالعباس المبرديقول هي مثل اللجبة وهي القليلة اللبن وانشده البيهقي فقال ابوحنيفة ايمان البيعة تلزم اباحنيفة ان كان هذا التفسير سمعه هذا الشيخ او قرئه وان كان البيهقي الاساعتهما هذه .

فقال : صدالشيخ ابوحنيفة فاننى انفت ان ارد عليك من العراق و ذكرى ماقد شاع فاول ما تسألنى عنه لا عرفه فاستحسن منه هذا الاقرار وترك البهت (الكذب)

قال ابن فرجه و انا احلف بالله العلى ان كان ابوالطیب قطسثل عن هذا البيت فاجاب هذاالجواب الذى حكاه ابن جنى وان كان الامزيدا مبطلا فيما يدعيه عفى الله عنه وغفرله فالجهل والا قراربه احسن من هذا *

محمد بن احمد بن منی بروجردی

از محدثین و علماء قرن چهارم و پنجم هجری است علم حدیث را از جمعی از اساتید معروف عصرش از جمله ابویعلی بن فراء یاد گرفت تا خود در این علم از مشاهیر زمان شد و دیگران از وی استفاده کردند از جمله ابوبکر بیضاوی احمد بن محمد بن بهنور است (۱).

یا قوت حموی در معجم البلدان جلد اول ص ۵۲۹ در ذیل کلمه بیضاء بمناسبت ذکر منسوبین به آن شهر می نویسد :

از جمله احمد بن محمد بن بهنور است که به بلبل صوفی ملقب بوده و از محمد بن احمد بن ابی المنی بروجردی روایت کرده .

(۱) ابوبکر بیضاوی احمد بن محمد بن بهنور ملقب به بلبل صوفی از دانشمندان قرن چهارم و پنجم هجری و از شاگردان ابوالاثر بن حیان و ابو عبید جرجانی و ابوبکر ابن مردویه و ابن ابی المنی بروجردی است برای تحصیل حدیث و ادب به اصفهان و عراق و شام مسافرت کرد تا در سال ۴۵۵ در شیراز در گذشت و جنازه اش را به بیضاء بردند و بخاک سپردند.

ابن حجر عسقلانی (۱) در کتاب تبصیر المنتبه بتحریر المشتبه جلد چهارم ص ۱۲۵۰ می نویسد: محمد بن احمد بن المنی بروجردی بضم میم و فتح نون از محدثین و دانشمندانی است که از ابویعلی بن فراء حدیث روایت کرده .

(۱) ابن حجر احمد بن علی بن حجر عسقلانی فقیه، محدث، رجالی، از فقهاء و محدثین قرن نهم هجری است. وی در سال ۷۷۳ هجری در عسقلان از اعمال فلسطین در ساحل بحر شام متولد و پس از تحصیل مقدمات متداوله و حفظ قرآن مجید هر یک از فقه و اصول و حدیث و ادبیات را نزد اساتید وقت متقن داشته و کم کم ریاست بلامعارض مذهب شافعی باو منتهی شد .

و تالیفاتش متجاوز از یکصد و پنجاه کتاب است مانند الاصابه فی معرفة الصحابه ، بلوغ المرام من احادیث الاحکام ، تبصیر المنتبه فی تحریر المشتبه ، تفریب التهذیب فی اسماء الرجال ، تهذیب تهذیب الکمال فی معرفة الرجال ، الدرر الکامنه فی اعیان الماة الثامنه ، فتح الباری فی شرح صحیح البخاری لسان المیزان فی الرجال . ابن حجر در سال ۸۵۲ هجری در قاهره درگذشت .

ابوبکر محمد بن علی بروجرودی

از علماء و فقیهان شافعیه در قرن پنجم هجری است .
 معارف مقدماتی را در زادگاه خود فرا گرفت و سپس برای استکمال بیشتر
 از بروجرود به بغداد رفت و از اساتید نظامیه استفادیه کرد مخصوصاً از فقیه معروف
 ابواسحق شیرازی که از ملازمین و مصاحبین وی بشمار رفت .
 تاج الدین سبکی در طبقات الشافعیه جلد سوم ص ۲۰۷ داستان کوتاهی در زهد
 و تقوای ابواسحق شیرازی از شاگردش محمد بن علی بروجرودی نقل کرده می نویسد :
 * قال ابوبکر محمد بن علی البروجردی : اخرج ابواسحاق يوماً قرصین من
 بیته فقال لبعض اصحابه و کلتک فی ان تشتري لی الدبس والراشی بهذه القرصه علی
 وجه هذه القرصه الاخری فمضی الرجل وشک بای القرصین اشتری فما اکل الشیخ ذلک
 وقال لا ادري اشتری بالذی و کلتهم بالآخری * .



فناکی نزیل بر و جرد

احمد بن حسین فناکی بفتح فاء و تشدید نون ابوالحسین رازی شافعی ازا کابر
فقهاء قرن پنجم هجری است .

در سال ۳۵۸ هجری قمری درری بدنیا آمد و پس از تمیز بکسب علم و دانش
مشغول و مبادی و معارف اولیه را در زادگاه خود فرا گرفت و سپس برای تکمیل نفس
ب عراق و بخاری و خراسان مسافرتها کرد و از اساتید فقه و حدیث بهره ور شد از جمله
ابو حامد اسفرائینی (۱) و ابو عبدالله صمیمی و ابوطاهر زیادی و سهل صعلوکی که
هر يك از مشاهیر عصر خود بشمار میرفت .

فناکی در آخر به بر و جرد مهاجرت کرد و این شهر را محل اقامت خود قرار داد
و بتدریس و افاضه پرداخت تا در سال ۴۴۸ هجری قمری در سن نود سالگی در همین
شهر وفات کرد .

(۱) ابواسحق احمد بن ابی طاهر اسفرائینی از اعظام فقهاء شافعیه و در عصر خود وحید و
یگانه بود زیاده از هفتصد نفر از فقهاء در مجلس درسش حاضر و از او استفاضه میکردند .
ابن اثیر او را مجدد فقه در قرن چهارم دانسته وی در سال ۴۰۶ هجری قمری در
بغداد درگذشت .

ابن الصلاح در طبقات جلد ۳۲ ص ۲ در ترجمه فناکی می نویسد : کتابی بنام مناقضات از او دیدم که مضمونش حصر و استثناء است نظیر کتاب تلخیص ابن القاص. عمر رضا کحاله در معجم المؤلفین جلد اول ص ۲۰۷ می نویسد : احمد الرازی الفناکی الشافعی ولد بالری و تفقه بالعراق و بخراسان من مؤلفاته المناقضات سبکی در طبقات جلد سوم ص ۷ می نویسد : من کتاب مناقضات فناکی را دیدم و سپس يك مسئله فقهی از آن نقل میکند :

من اشتري شيناشراء صحيحا لزمه الثمن الا في مسألة واحدة وهي المضطر يشتري الطعام بثمن معلوم فانه لا يلزمه الثمن وانما يلزمه القيمة .

ابوالقاسم همدانی نزیل بوجود

یوسف فرزند محمد بن یوسف بن حسن از محدثین و وعاظ نامی قرن پنجم هجری است .

در سال ۳۸۱ هجری قمری در همدان متولد . معارف اولیه را در زادگاه خود کسب و سپس برای تکمیل علوم مسافرتها کرد و رنجها کشید و از اساتید آن عصر استفاده نمود تا کم کم خود از علماء و محدثین زمان بشمار رفت رحل اقامت در بروجرد افکند و بتدریس و افاضه مشغول و جمعی از اکابر از ذخائر علمی او بهره ور شدند از جمله ابو تمام ابراهیم صیمری بروجردی است که چند سال افتخار شاگردیش را داشت . وی در سال ۴۶۸ هجری قمری ماه ذی القعدة درگذشت .

ابن جوزی در المنظم جلد ۸ ص ۳۰۴ ذیل حوادث سال ۴۶۸ می نویسد :

* یوسف بن محمد بن یوسف بن حسن ابوالقاسم خطیب همدانی ولد سنة احدى وثمانين وثلثمائة وسمع الكثير ورحل بنفسه وجمع وصنف وانتشرت عنه الرواية وكان خيراً صالحاً ديناً توفي في ذى القعدة من هذه السنة (۴۶۸) *

در جلد دهم کتاب المنظم ص ۷۴ در ذیل حوادث ۵۳۲ می نویسد : ابراهیم ابن احمد ابو تمام صیمری بروجردی در بروجرد از یوسف بن محمد همدانی استفاده کرد و حدیث شنید .

قاضی ابوسعید بروجردی

عبدالرحمن بن احمد بن محمد بن نصر از اکابر فقهاء قرن پنجم و ششم هجری است. معارف ابتدائی را در زادگاه خود فراگرفت و سپس مهاجرت به بغداد نمود و در مدرسه نظامیه از اساتید بزرگ استفاده کرد.

علم فقه را از فقیه معروف ابواسحق شیرازی و علم حدیث را از ابن المهدی و ابن المأمون فراگرفت تا خود از مشاهیر فقیهان بشمار رفت چنانکه تاج الدین سبکی در طبقات الشافعیه جلد چهارم ص ۲۰ او را در ردیف فقهاء و مرجعین مذهب شافعی (۱) آورده است و می نویسد: او بمذهب شافعی قضاء حکومت میکرد و تا سال ۵۲۱ هجری زنده بود.

(۱) محمد بن ادریس شافعی در سال یکصد و پنجاه هجری متولد و در سال ۲۰۴ هجری قمری درگذشت اشعار بسیاری از او در ابراز محبت بخاندان پیغمبر (ص) نقل شده از جمله:

یار اکباً قف بالمحصب من منی	واهتف بساکن خیفها والناھض
سحر اذا فاض الحجیج الی منی	فیضاً کملتظم الفراض الفاض
قف ثم واشهد اننی بمحمد	و وصیه و بنیه لست بباعض
ان کان رفضاً حب آل محمد	فلیشهد الثقلان انی رافضی

طاهر بن محمد بن طاهر بن سعید بروجرودی

قاضی ابوالمظفر از فقهاء ومحدثین قرن پنجم وششم هجری است . در سال ۴۳۹ هجری در بروجرود متولد شد و پس از تحصیلات مقدماتی در این شهر بجهت تکمیل مسافرت ها کرد تا در بغداد در مدرسه نظامیه از اساتید فقه وحديث و ادب بهره وافری گرفت .

از جمله فقه واصول را از فقیه مشهور واستاد معروف ابواسحاق شیرازی (۱)

(۱) ابواسحق شیرازی ابراهیم بن علی یا محمد بن یوسف فارسی شیرازی فیروزآبادی اشعری شافعی از اکابر فقهاء شافعیه در قرن پنجم فقیه واصولی ومحدث ومتکلم و مدرس مدرسه نظامیه در بغداد تالیفات بسیاری دارد .

از جمله التنبیه فی فروع الشافعیه است که یکی از کتب خمسۀ متداوله شافعی ها و بیشتر از همه مورد توجه وشروح بسیاری بر آن نوشته اند و گویند بهر فرعی که در آن ذکر نموده دو رکعت نماز می خوانده گویند ابواسحق از طرف مقتدی بالله عباسی ۴۶۷ - ۴۸۷ بجهت خواستگاری دختر ملک جلال الدوله به نیشابور رفت و پس از انجام وظیفه با امام الحرمین جوینی مناظرات علمی کرد و نزدها لی خراسان حائز شرافت بی نهایت شد بحدی که با خاک زیر پای مرکبش تبرک می جستند وامام الحرمین هم در هنگام وداع رکابش را گرفته وبه مرکبش //

فراگرفت و علم حدیث را از اساتید معروف و محدثین نامی مانند ابن هزار مرد و ابن نقور استفاده کرد تا در فقه و حدیث و ادب و نحو و شعر از مشاهیر عصر خود بشمار رفت و در آخر بمکه معظمه مشرف و در همانجا ساکن شد و در آن زمین مقدس عهده دار منصب قضاء و حکومت گردید .

سبکی (۱) در طبقات الشافعیه جلد چهارم ص ۲۳۱ طاهر بن محمد بروجردی را ترجمه نموده و از ابوالمظفر محمد بن علی بن حسین طبری مکی نقل میکند که طاهر ابن محمد ابوالمظفر بروجردی در آخر عمر از مکه معظمه بقصد عراق در سال ۵۲۸ هجری حرکت کرد ولیکن در میانه راه در گذشت و او مردی عالم و فاضل و محدث و ادیب و نحوی و شاعر بود .

سوار نمود .

ابواسحق شیرازی در سال ۴۷۶ هجری در بغداد در گذشت و خلیفه عباسی مقتدی بالله بر جنازه اش نماز خواند .

(۱) تاج الدین عبدالوهاب سبکی شافعی از مشاهیر تاریخ و فقه و حدیث و اصول و ادب در عصر خود کم نظیر و در بیشتر مدارس دمشق تدریس میکرده و عاقبت محسود شد او را تکفیر نموده مغلول و مقید بشام آوردند. از تألیفات او طبقات الشافعیه فی احوال فقهاء شافعیه از قرن سوم تا هشتم می باشد . وی در چهل سالگی بمرض و بلاء در گذشت .

محمد بن هبة الله بن علاء بن عبد الغفار بروجردي

ابوالفضل حافظ (۱) از علماء ومحدثين وحفاظ قرن پنجم وششم هجری است در فرا گرفتن علوم مختلفه آن عصر مخصوصاً علم قرآن وحديث رنجهها کشید ومسافرتها کرد واز حفاظ مشهور و اساتید معروف آن زمان استفاده نمود .

از جمله محمد ابن طاهر (۲) مقدسی و ابو محمد عبدالرحمن بن احمد

(۱) در اصطلاح قراء واهل تجويد حافظ کسی را گویند که تمامی قرآن را در حفظ داشته واز اول تا آخر با مراعات اصول تجويد موافق قراآت عشره یا سبعة یا لا اقل موافق یکی از آنها بخواند ودر اصطلاح ارباب درایه وحديث کسی را گویند که کتاب وسنت را حفظ کرده ویا کسی است که یکصد هزار حدیث متناوِسند از حفظ داشته باشد .

(ریحانة الادب جلد اول ص ۲۹۹)

(۲) محمد بن طاهر مقدسی حافظ معروف به ابن قیسرانی از اکابر حفاظ و اعظم محدثین قرن پنجم وششم هجری است در سال ۴۴۸ هجری در بیت المقدس متولد شد . برای توطن همدان را اختیار کرد وبجهت تحصیل علوم متنوعه زمان مسافرتها ی بسیاری در حجاز وشام ومصر وعراق وجبال وفارس وخرزستان وخراسان نمود و از مشایخ آن عصر

استفاده کرد . //

دونی (۱) و ابو محمد مکی بن بحیر الشعار و یحیی بن عبد الوهاب بن منده (۲) و پس از تحصیل علوم متداوله مخصوصاً علم قرآن و حدیث بتکمیل دیگران مشغول شد و در بروجرد خواستاران علم و ادب باو مراجعه می نمودند و از دریای مواج وی سیراب می شدند .

ابوسعبد سمعانی در سفری که به بروجرد آمده با ابو الفضل حافظ بروجردی در مسجد جامع این شهر ملاقات نموده و از معارف وی استفاده نموده و احادیث بسیاری از او فرا گرفته و نوشته . شرح مختصری از این ملاقات یاقوت حموی در معجم البلدان جلد اول ص ۴۰۴ در ذیل کلمه بروجرد یاد کرده و می نویسد :

* بروجرد بالفتح ثم الضم ثم السكون و كسر الجيم وسكون الراء و دال بلدة بين همدان وبين الكرج ينسب اليها محمد بن هبة الله بن العلاء بن عبد الغفار البروجردی ابو الفضل الحافظ من اهل بروجرد شيخ صالح عالم صحب ابا الفضل محمد بن طاهر المقدسی و كان من المتميزين الفهيمين .

// گویند مقدسی بعشق زنی گرفتار شد که شش فرسخ دور از همدان ساکن بود مدتی مقدسی برای دیدار معشوقه هر روز از همدان حرکت میکرد به آنجا می رفت و در شب محبوبه را کنار چرخ ریسندگی می دید تنها بدیدنش از دورا کتفا می کرد و بهمدان بر می گشت و بحدی اسیر عشق شده بود که روز و شب ۱۲ فرسخ راه بیهوده طی می کرد .

وی در ۲۸ ربیع الاول سال ۵۰۷ در بغداد درگذشت - وفيات الاعیان طبع مصر جلد

سوم ص ۵۹۱

(۱) ابو محمد عبد الرحمن زاهد صوفی در سال ۴۲۷ هجری متولد و در سال ۵۰۱ هجری درگذشت یاقوت در معجم جلد دوم ص ۴۹۰ می نویسد : «دونه بضم اوله قریقه من قری نهانند منها ابو محمد عبد الرحمن الدونی کان من بیت الزهد والسترو العبادة» .

(۲) یحیی بن عبد الوهاب بن منده از حفاظ مشهور قرن پنجم و تا جد چهارمین همگی از بزرگان محدثین بشمار رفته اند وی در سال ۴۳۴ متولد و در سال ۵۱۲ در اصفهان درگذشت .

سمع ابامحمد عبدالرحمن بن احمد الدونی و ابامحمد مکی بن بحیر الشعار و یحیی بن عبدالوهاب بن منده و محمد بن طاهر المقدسی قال ابوسعید : اول ما لقیته انی کنت قاعداً فی جامع بروجرد انسخ شیئاً من الحدیث فدخل شیخ ذویئة رثة فسلم و قعد فبعد ساعة قال لی : ایش تکتب فکهرت جوابه و قلت فی نفسی : ماله و لهذا السؤال :

ثم قلت متبرماً : الحدیث فقال : کانک تطلب الحدیث قلت : نعم قال من این افت قلت : من مرو .

قال : عمن یروی البخاری الحدیث من مرو قلت : عن عبدان و صدقة و علی ابن حجر و جماعة من هذه الطبقة قال : ما اسم عبدان؟.

قلت : عبد الله بن عثمان بن جبلة قال لی : لم قیل له عبدان فوقف فتبسم فنظرت الیه بعین اخری و قلت : یذکره الشیخ فقال کنیته ابو عبد الرحمن و اسمه عبد الله فاجتمع فی اسمه و کنیته العبدان فقیل له عبدان ففرحت بهذا الفائدة فقلت عمن سمعت هذا فقال عن محمد بن طاهر المقدسی ثم بعد ذلك کتبت عنه احادیث من اجزاء انتخبها علیه * ابن خلکان (۱) دروفیات الاعیان جلد پنجم ص ۲۱۸ درذیل احوال ابن منده در شمار شاگردانش ابو الفضل محمد بن هبة الله بن علاء حافظ بروجردی را ذکر میکند .

(۱) ابن خلکان احمد بن محمد بن ابراهیم برمکی اشعری شافعی از مشاهیر مورخین و دانشمندان نامی قرن هفتم هجری است نسبش بچندین واسطه به یحیی بن خالد برمکی وزیر هرون الرشید می رسد گویند وجه اینکه او را ابن خلکان گویند این است که جدا و غالباً نسب خود را در مجالس ذکر می کرد و با جدادش برمکیان مفاخره می نمود . روزی کسی باو گفت : «خل کان جدی کذا و نسبی کذا ان العاقل یفتخر بالهمم العالیة لا بالرمم البالیة» .

چون شیر بخود سپه شکن باش
فرزند خصال خویشتن باش
و بهمین مناسبت فرزندش را ابن خلکان گفتند .

ابن خلکان در ماه رجب سال ۶۸۱ هجری در دمشق درگذشت و از تألیفات وی کتاب وفیات الاعیان و انباء ابناء الزمان است که از اتقن و اجمل تواریخ بشمار رفته .

جوهری بروجردی

ابوبکر محمد بن احمد بن حسن جوهری بروجردی از اکابر محدثین قرن پنجم و ششم هجری است .

در فن حدیث از مشاهیر زمان و در فضائل و مکارم مشار بالبنان بود . معارف مقدماتی را در این شهر فرا گرفت و برای استفاضه بیشتر بطرف بغداد کوچ نمود و از اساتید معروف آن عصر احادیث بسیاری شنید تا خود از محدثین نامی بشمار آمد و سپس با ذخائر علمی فراوانی به وطنش بروجرد مراجعت و در این شهر با فاضله و تدریس مشغول شد و خواستاران فضیلت و طلاب حدیث پروانه صفت بر گردش جمع و خودش در حرکت آمدن و از انوار علوم و معارفش مستنصی و از فیض انقاسش مستفیض گشتند . او در بروجرد در ریاست مادی و معنوی گوی سبقت را از همکنان ربود و بر همگی مقدم شد تا در سال ۵۳۱ هجری قمری درگذشت .

این جوزی (۱) در کتاب المنتظم جلد دهم ص ۷۰ ذیل وقایع سال ۵۳۱

(۱) عبد الرحمن بن علی بن جوزی ابوالقرج فقیه، مفسر، واعظ، محدث، حافظ در اکثر

فنون متداوله ماهر با ۱۶ واسطه نسبش به قاسم بن محمد بن ابی بکر می رسد در سال ۵۹۷ هجری //

می نویسد :

* ابوبکر محمد بن احمد بن الحسن الجوهری البروجردی سماع الحديث
الكثير ورحل الى بغداد و كانت له دنيا واسعة و توفي في هذه السنة - ۵۳۱ - بروجرد
وكان رئيسها والمقدم بها *

وفات کرد در فضائل امیر المؤمنین (ع) شعرهایی از او نقل شده از جمله :

اهوى علیاً و ایمانی محبتہ کم مشرک دمه من سیفه و کفا
ان كنت و یحک لم تسمع فضائله فاسمع مناقبه من هل اتی و کفی

آثار علمیه و تالیفاتش بسیار است از جمله کتاب المنتظم فی تاریخ الامم که بیشتر از ۱۲
جلد است ولیکن متأسفانه بیش از ۶ جلدش طبع نشده .

ابو تمام بروجردی

ابراهیم بن احمد بن حسین بن احمد بن حمدان ابو تمام بروجردی از علماء و رؤساء قرن پنجم و ششم هجری است .

در سال ۴۴۰ هجری قمری در بروجرد متولد شد و پس از تمیز ، معارف و علوم اسلامی را در زادگاه خود فرا گرفت و سپس برای تکمیل خویش بی‌غداد و مکه مسافرت کرد و از اساتید نامی کسب علم و دانش کرد ، از جمله خطیب همدانی یوسف بن محمد ابن محمد بن یوسف بن حسن ابوالقاسم است که در سال ۳۸۱ متولد و در سال ۴۶۸ هجری قمری در گذشت .

وی ساکن بروجرد و ابو تمام در همین شهر از وی استفاده کرد . و از جمله اساتیدش ابواسحق ابراهیم بن احمد رازی است که او نیز ساکن بروجرد بوده . و از جمله ابواسحق شیرازی فقیه اصولی معروف و مدرس مدرسه نظامیه است که در بغداد از او استفاضه نمود و از جمله ابو معشر طبری است که در مکه معظمه از او بهره ور شد . ابو تمام از جمعی محدثین علم حدیث را فرا گرفت از جمله محمد بن عبید اسدی و زیاد بن ایوب و محمد بن حمید بوده اند .

وی مدتی در همدان ساکن و سپس بروجرد آمد و در اینجا بریاست مادی و

معنوی رسید و در بخش پنجم در ردیف حکام بروجرد نیز از او نامی برده شد .
 او در این شهر با فاضله و تدریس مشغول و شاگردان بسیاری را تربیت کرد و
 جمعی از ذخائر علمی او بهره بردند از جمله ابراهیم بن حسن بن اسحق آدمی و
 ابوسعید سمعانی عبدالکریم است که در سال ۵۳۲ هجری بروجرد مسافرت کرد و
 در این شهر زیاده از دوازده نفر از علماء و اکابر حدیث را ملاقات و از آنها حدیث
 نوشت از جمله ابوتمام بروجردی بود .

عاقبت ابوتمام در سال ۵۳۲ هجری قمری در سن ۹۲ سالگی در گذشت
 مورخین معاصر و متاخر ابوتمام را ترجمه و او را به بزرگی و ریاست وصف
 کرده اند .

اصطخری در مسالك الممالك ص ۲۰۰ می نویسد : ابوتمام ابراهیم بن احمد
 همدانی از مردم بروجرد و اصلاً صیمره ایست و منسوب بآنجا است و فعلاً رئیس
 بروجرد است .

یاقوت حموی در کتاب مشترك و معجم البلدان جلد سوم ص ۴۳۹ می نویسد :
 صیمره شهری است از نواحی جبل از طرف خوزستان و آن را بنام مهرجان قذق
 خوانند و آبادان و دارای میوه و آب است . از منسوبان بدان ابوتمام ابراهیم پسر احمد
 همدانی صیمری است وی از مردم بروجرد می باشد ولیکن اصلش از صیمره است .
 رئیس بروجرد بود تا هنگامیکه عاجز شد و در خانه نشست وی از ابویعقوب یوسف
 همدانی و ابو اسحاق ابراهیم رازی و غیر آنها در بروجرد استفاده کرد .

ابوالفرج ابن جوزی در کتاب المنتظم جلد دهم ص ۷۴ می نویسد :

* ابراهیم بن احمد بن الحسین بن احمد بن حمدان ابوتمام الصیمری البروجردی
 ولد سنة اربعین و اربعمأة بروجرد و سمع بهامن یوسف الهمدانی و بمكة من ابی
 معشر الطبری و یبغداد من ابی اسحاق الشیرازی و کان رئیس بروجرد و توفي بهافی
 هذه السنة (۵۳۲) *

ابوالفضل حافظ بروجرودی

محمد بن هبة الله بن علاء بن عبدالغفار از محدثین و حفاظ قرن پنجم و ششم هجری است .

معارف و علوم متداوله را در زادگاه خویش فرا گرفت و سپس برای استفاده بیشتر به بلاد دیگر مانند نهاوند و همدان و اصفهان و بغداد مسافرت نمود و از اساتید بسیاری استفادۀ کرد که بعضی آنها بقرار ذیل است .

۱ - محمد بن طاهر مقدسی حافظ معروف به ابن قیسرانی از اکابر حفاظ و اعظم محدثین قرن پنجم و ششم هجری است در سال ۴۴۸ هجری در بیت المقدس متولد شد و بخاطر تحصیل علم مسافرت های بسیار در حجاز و شام و مصر و عراق و فارس و خوزستان و خراسان نمود و از بزرگان آن عصر بهره ور شد.

گویند : مقدسی بعشق زنی گرفتار شد که شش فرسخ با همدان فاصله داشت مدتی برای دیدار معشوقه هر روز از همدان بآنجا میرفت و در شب محبوبه اش را کنار چرخ ریسمندگی می دید و فقط به دیدنش ازدور اکتفا میکرد و بهمدان بر میگشت

و تاحدی اسیر عشق شده بود که روز و شب دوازده فرسنگ طی میکرد .

وی در ۲۸ ربیع الاول سال ۵۰۷ هجری قمری در گذشت . ابوالفضل حافظ بروجردی در همدان از معارف او استفاده کرد .

۲ - ابو محمد عبدالرحمن بن احمد دونی از زهاد و متصوفه در قرن پنجم هجری است در سال ۴۲۷ هجری قمری متولد شد و در سال ۵۰۱ هجری وفات کرد . یاقوت حموی در معجم البلدان جلد دوم ص ۴۹۰ می نویسد : دونه بضم دال قریه ایست از نهاوند و از آن قریه است ابو محمد عبدالرحمن دونی . وی از خاندان زهد و ستر و عبادت بود . در نهاوند با فاضله و تدریس اشتغال داشت و شاگردانی را تربیت کرد که از جمله آنها ابوالفضل حافظ بروجردی است .

۳ - یحیی بن عبدالوهاب بن منده از حفاظ مشهور قرن پنجم هجری است و تا جد چهارمین همگی از بزرگان محدثین بشمار رفته اند . وی در سال ۴۳۴ هجری متولد و در سال ۵۱۲ در اصفهان در گذشت .

ابوالفضل حافظ بروجردی پس از وفات ابو محمد دونی و ابن قیسرانی متوجه اصفهان شد و قریب هفت سال از ذخائر علمی ابن منده استفاده کرد .

۴ - دیگر از اساتید حافظ بروجردی ابو محمد مکی بن بحیر شعار است . از احوال او اطلاعی بدست نیامد .

ابوالفضل حافظ بروجردی پس از فرا گرفتن علوم متداوله مخصوصاً علم قرآن و حدیث بیروجر آمد و بتدریس و افاضه اشتغال ورزید .

ابوسعبد الکریم سمعانی در سال ۵۳۲ هجری قمری سفری بیروجر آمد و در مسجد جامع این شهر با حافظ بروجردی ملاقات نمود و از اطلاعات عمیقہ وی استفاده برد و چند حدیث برگزیده از او انتخاب کرد و نوشت .

یاقوت حموی در معجم البلدان جلد اول ص ۴۰۴ در ذیل کلمه بروجرد شرح

مختصری از ملاقات سمعانی با حافظ بروجردی یاد کرده می نویسد : بروجردی بفتح با و ضم راء و سکون واو و کسر جیم و سکون راء و دال شهری است میان همدان و کرج از منسوبین آن شهر محمد بن هبة الله ابن علاء بن عبدالغفار ابوالفضل حافظ بروجردی است .

استادی صالح و دانشمند و مصاحب ابوالفضل محمد بن طاهر مقدسی بود . وی مردی متمیز و فهیم بود و از ابو محمد عبدالرحمن بن احمد دونی و ابو محمد مکی ابن بحر شعار و یحیی بن عبدالوهاب بن منده و محمد بن طاهر مقدسی علم حدیث را فرا گرفت .

ابوسعبد سمعانی گوید : در جامع بروجرد نشسته و استنساخ حدیث می نمودم ناگهان پیرمردی ژنده پوش وارد و سلام کرد و نشست . پس از ساعتی گفت : چه می نویسی ؟ نخواستم جواب گویم و با خود گفتم او را با این سؤال چکار ؟ گفت گویا از طلاب و خواستاران حدیث باشی گفتم : آری .

گفت از اهل کجا باشی ؟ گفتم از مرو گفت : بخاری (۱) در مرو از چه کسی حدیث روایت میکنند ؟ گفتم از عبدان و صدقه و علی بن حجر و جماعتی از این طبقه گفت نام عبدان چیست ؟

گفتم عبدالله بن عثمان بن جبلة گفت چرا او را عبدان گویند ؟ در پاسخ ماندم او تبسمی کرد و من از این پس او را با چشم دیگری نگاه کردم و گفتم ممکن است حضرت استاد بیان کند .

گفت : کنیه اش ابو عبدالرحمن و اسمش عبدالله بود از جهت اجتماع دو کلمه عبد در اسم و کنیه او را عبدان گفتند . من از شنیدن این فائده خوشحال شدم و گفتم

(۱) بخاری محمد بن اسماعیل از اکابر محدثین قرن سوم هجری است و در سال ۲۵۶

هجری قمری روز عید فطر درگذشت و صحیح او نزد اهل سنت اصح صحاح است .

این تحقیق را از چه کس شنیدی ؟ گفت از محمد بن طاهر مقدسی سپس از او حدیث -
هائی استماع کرده و نوشتم .

مورخین معاصر و متأخر غالباً ابوالفضل حافظ بروجردی را در کتب و تواریخ
ذکر و او را به صلاح و علم و تقوی یاد کرده اند .

از جمله : ابن خلکان دروفیات الاعیان جلد پنجم ص ۲۱۸ (بمناسبت شرح حال
یحیی بن عبدالوهاب بن منده و شاگردانش) از ابوالفضل حافظ بروجردی نام می برد .

ابونصر رازانی بروجردی

ابونصر حامد بن صالح برادر ابوالنجم بروجردی که پس از این ذکر خواهد شد از فقهاء ومحدثین قرن پنجم وششم هجری است .

علوم ابتدائی را در زادگاه خویش فراگرفت و سپس برای کمال بیشتر بطرف طوس رهسپار و از ذخائر علمی ابوحامد غزالی (۱) بهره ور شد و فقه اسلام را از او

(۱) غزالی محمد بن محمد بن محمد بن احمد ابوحامد حجة الاسلام در سال ۴۵۰ هجری قمری در طوس متولد و در ابتدا فقه را از احمد بن محمد رادکانی فراگرفت و سپس بگراگان رفت و از ابونصر اسماعیلی استفاده کرد و در مراجعت بطوس دزدان با او مصادف شده و آنچه همراه داشت بردند فقط بالتماس و تضرع کتابهایش را باو دادند .

بعد از آن به نیشابور رفت و ملازم امام الحرمین شد . و در سال ۴۸۴ بیغداد رفت و در مدرسه نظامیه با فاضله و تدریس مشغول و در سال ۴۸۸ هجری بشام و سپس به حج رفت و کم کم از تدریس کناره گرفت و بر ریاضت و تصفیه نفس مشغول و ضمناً بتصنیف احیاء العلوم شروع کرد .

عاقبت بخراسان آمد و در مدرسه نظامیه نیشابور بتدریس اشتغال ورزید و سپس بطوس زادگاه خود برگشت و مدرسه ای برای فقهاء و خانقاهی برای صوفیه تأسیس کرد تا در سال ۵۰۵ درگذشت در تاریخ وفاتش گفته شده .

نصیب حجة الاسلام از این سرای سه پنج حیات پنجه و چار وممات پسانصد و پنج

فراگرفت و سپس باصفهان رفت و از ابوعلی حسن بن احمد حداد استفاده کرد و از آن جایی بغداد مسافرت کرد و از ابوبکر احمد بن مظفر بن سوسن تمار کسب علم نمود و پس از سال ۵۳۲ هجری قمری بحج مشرف شد .

عبدالکریم سمعانی در سال ۵۳۲ که بروجرد آمده ابو نصر را ملاقات و از معارف او استفاده کرده و هم چنین در مراجعتش ، از سفر حج او را در کوفه و سپس بغداد دیدار نمود و از وی احادیث بسیاری نوشت .

در انساب العرب جلد ششم ص ۳۳ می نویسد :

* ابونصر حامد بن صالح الرازانی رحل الی ابی حامد الغزالی بطوس و تفقه علیه و کان رجلاً کافياً منطقياً صالحاً سمع باصبهان اباعلی الحسن بن احمد الحداد و ببغداد ابابکر احمد بن المظفر بن سوسن التمار و غیرهما . کتبت عنه ببروجرد ثم بالکوفة منصرفه من الحجاز ثم لقیته ببغداد *

ابوالمظفر شیب بن حسن بروجردی

از اکابر ادباء و فقهاء شافعیه در قرن پنجم و ششم هجری است . در ماه رجب سال ۴۵۱ هجری در بروجرد متولد شد و پس از تحصیلات متداوله در سن بیست سالگی از زادگاه خود بروجرد برای تکمیل نفس بطرف بغداد رفت و در مدرسه نظامیه بغداد از اساتید معروف آن زمان استفاده کرد از جمله ابواسحاق شیرازی و ابونصر زینی و اسماعیل بن مسعود اسماعیلی تا بمراتب سامیه از علم و ادب رسید .

وسفری نیز باصفهان رفت و از مشایخ آن شهر حظی وافر گرفت و سپس بزادگاهش بروجرد مراجعت نموده و از ذخائر علمی خود خواستاران فضیلت را بهره‌ور ساخت و ضمناً منصب قضا و حکومت را نیز عهده‌دار شد .

ابن سمعانی در سفرش بروجرد با وی ملاقات و از معارف و علوم او استفاده نموده است . ابوالمظفر سه بار به حج رفت و در بار سوم پس از مراجعت در چهارم ربیع الاول سال ۵۳۴ در سن هشتاد و چهار سالگی درگذشت .

تاج الدین عبدالوهاب سبکی در طبقات الشافعیه جلد چهارم ص ۲۲۵ در ترجمه شیب بروجردی می‌نویسد:

* شیب بن الحسین بن عبیدالله بن الحسین بن شهاب القاضی ابوالمظفر البروجردی

قال ابن السمعانی قدم بغداد بعد السبعین واربعمائة وتفقه على الشيخ ابی اسحاق وبرع فی العلم وهو امام مناظر مفتی ادیب شاعر ملیح المعاشرة حلوا المنطق متواضع سمع الفقیه اباسحاق واسماعيل بن مسعدة الاسماعیلی و ابا نصر الزینبی وباصبهان وبروجرد من جماعة وكان قاضی بروجرد وبها ولد فی شهر رجب سنة احدى وخمسين واربعمائة .

قال ابن السمعانی : قرأت علیه اجزاء بها وتوفی بعد رجوعه عن حجته الثالثة لاربع خلون من ربیع الاول سنة اربع وثلاثین وخمسمائة . *

سبکی در طبقات جلد سوم ص ۹۷ نیز از شبیب قاضی بروجردی یاد کرده و ابیاتی از منشئات مطرز و ابواسحق شیرازی بتوسط شاگردش شبیب بروجردی ذکر نموده و در این جزء شبیب را گاهی فرزند ابی الحسن و زمانی فرزند حسن نوشته در صورتیکه در جلد چهارم چنانچه یاد شد او را فرزند حسین نگاشته می نویسد :

* اخبرنا ابو العباس النابلسی الحافظ اذنأخصاً عن احمد بن هبة الله عن عبد الرحیم ابن عبد الکریم (۱) بن محمد بن منصور ان اباہ قال انشدنا ابو المظفر شبیب بن الحسن القاضی املاء ببروجرد انشدنا الامام الکبیر ابواسحاق الشیرازی انشدنی المطرز البغدادی لنفسه :

ولما وقفنا بالضراب عشية	حیاری لتودیع ورد سلام
ووقفنا على رسم الحسود وكلنا	نفض عن الاثواب كل ختام
و سوغنی عند الوداع عناقد	فلما رای وجدی به و غرامی
تلثم مرتاباً بفضل ردائه	فقلت هلال بعد بدر تمام
وقبلته فوق اللثام فقال لی	هی الخمر الانها بفدام

اخبرنا ابو عبد الله و ابو العباس الحافظان فی کتابهما عن ابی الفضل العساکری ان عبد الرحیم بن ابی سعد انبأه ان والده الحافظ قال له سمعت سيدنا القاضی يقول عقب

(۱) عبد الکریم بن محمد بن منصور همان ابوسعد سمعانی است که قبل از سال ۵۳۴

هجری به بروجرد سفر کرده و در اینجا با شبیب قاضی ملاقات و از او استفاده نموده .

هذا ثم قال لى الشيخ ابواسحق الشيرازى يا بنى قدرويت عن هذا الرجل فى النسب
شيئاً فاودعنى ما يمحو ذلك وانشدنى لنفسه :

يا عبدكم لك من ذنب ومعصية	ان كنت ناسيها فالله احصيتها
يا عبدلابد من ذنب تقوم له	ووقفه منك تدمى الكف ذكرها
اذا عرضت على نفسى تذكرها	وساء ظنى قلت استغفر الله

اخبرنا احمد بن المظفر الحافظ اذنا خاصاً عن احمد بن هبة الله عن ابى المظفر
السمعاني ان والده الحافظ اباسعد اخبره قال انشدنا شبيب بن ابى الحسن قاضى بروجرد
قال انشدنى ابواسحق الشيرازى واظنه قال هى للمطرز :

و حديتها السحر الحلال لو انه	لم يجن قتل المسلم المتحرز
ان طال لم يملل وان هى اوجزت	ودالمحدث امها لم توجز
شرف النفوس و نزهة ماملها	للمطمئن و عقلة المستوفز*

عز الملك وزير بروجردی

ابوالعز عز الملك طاهر بن احمد بن سعید بروجردی از دانشمندان و ادباء قرن ششم بروجرد و در سلك وزراء سلجوقیه بشمار رفته . وی مردی پرفضیلت و فعال و کاردان و بذال و سخنی و خوش روی و خوشخوی بوده .

در آغاز در دستگاه امیر ابوالمظفر احمدیلی امیر آذربایجان وزارت داشت تا احمدیلی در سال ۵۰۹ هجری بدست باطنیه کشته شد .

عز الملك پس از کشته شدن احمدیلی به وزارت سلطان مسعود بن محمد بن ملکشاه منصوب شد و در عاقبت مورد خشم و غضب سلطان قرار گرفت بفرمان سلطان اموالش مصادره شد و او را بدست مؤیدالدین مرزبان بن عبیدالله اصفهانی سپردند تا در سال ۵۳۵ هجری درگذشت .

هندوشاه نخجوانی (۱) در تجارب السلف ص ۲۸۲ در ضمن وزراء سلجوقیان عز الملك بروجردی را نام برده .

(۱) هندوشاه بن سنجر بن عبدالله صاحبی کرانی (کران شهری بوده در آذربایجان) از دانشمندان قرن هفتم هجری است در سال ۶۷۴ حکومت کاشان را داشته و تجارب السلف را در ۶۲۴ تألیف نموده .

راوندی (۱) در راحة الصدور می نویسد : سلطان مسعود بن ملک شاه سلجوقی در سفر خود به لرستان عبد الملك بروجردی را به وزارت خویش برگزید .

ابن فوطی (۲) در مجمع الاداب قسم اول از جزء چهارم ص ۱۷۳ می نویسد :

* عز الملك ... البروجردی وزیر کان شیخاً بهیاً متصرفاً مع كبار الامراء وارتفع قدره و علامره و تنقل و تمول و اثری و تخول حتی قبل انه یجرى فی ملکه اربع مائة قرية و كان سمح الوجه و الکف حسن الاخلاق و كان فی اوائل الحال وزیراً للامير ابی المظفر الاحمد یلی صاحب آذربایجان و ترقى به الاحوال الى ان صار وزیراً للسلطان مسعود بن محمد بن ملک شاه ذکره العماد الکاتب فی الوزراء و كانت خاتمته ان تغيرت نية السلطان علیه فسلمه الى مؤيد الدين المرزبان بن عبید الله الاصفهانی فاستصفی امواله و مات سنة خمس و ثلاثین و خمسمائة *

(۱) ابوبکر محمد راوندی از اهل راوند واقع در نزدیکی کاشان بود . در خدمت طغرل بن ارسلان آخر بن حکمران سلجوقیان عراق اشتغال داشت و راحة الصدور کتاب خود را در سال ۶۰۹ هجری بنام کیخسرو بن قلج ارسلان از سلجوقیان تألیف کرد و این کتاب مهمترین کتاب فارسی است در تاریخ سلجوقیان از آغاز کار این سلسله تا انقراض آنها بدست خوارزمشاهیان .

(۲) ابن فوطی ابو الفضل عبدالرزاق بن تاج الدین احمد معروف به ابن فوطی شیبانی حنبلی در سال ۶۴۲ هجری متولد و در سال ۷۲۳ درگذشت .

ابومنصور بروجردی

صالح فرزند حسین بن محمد بن دودین از اکابر فقهاء قرن ششم هجری است.
معارف مقدماتی را در زادگاه خویش فرا گرفت و سپس بیغداد رفت و از
اساتید فقه شافعی استفادہ کرد .

تاج الدین سبکی در طبقات الشافعیہ جلد چهارم ص ۲۳۰ می نویسد : ابومنصور
صالح بن حسین بروجردی فقیہی است صالح از اهل بروجرد و در بغداد از ابو احمد
عبیداللہ بن محمد بن ابی مسلم فرضی استفادہ کرده و ہبۃ اللہ بن عبدالوارث شیرازی
از او حدیث شنیدہ .

ابن باطیش نیز او را ترجمہ کردہ است .

ابوالفتح بروجردی

عبدالواحد فرزند اسماعیل بن نغاره از اعظم فقهاء قرن ششم هجری است .
در جمیع علوم و معارف متداوله عصرش مطلع مخصوصاً در فقه و حدیث و
ادب گوی سبقت را از اقران خود ربود .

ابوسعبد سمعانی در سال ۵۳۲ هجری قمری که بیروجرد مسافرت نموده بسا
ابوالفتح بروجردی ملاقات و از او استفاده کرده و در کتاب انساب العرب ص ۳۲
ذیل کلمه رازان ابوالفتح را از استادان ابوالنجم بدرین صالح بروجردی بشمار
آورده است .

وی در سال ۵۴۶ هجری قمری در بروجرد درگذشت .

ابوالحسن بروجردي

ابوالحسن علی فرزند محمد از دانشمندان و ادباء قرن ششم هجری است . پس از فراگرفتن معارف مقدماتی برای تحصیل شعر و ادب مسافرتها نمود از جمله بخراسان رفت و از اساتید آنجا استفاده کرد مخصوصاً از فقیه و ادیب معروف محمد بن عتیق (۱) بهره فراوان گرفت .

عمادالدین کاتب اصفهانی (۲) در کتاب خریده القصر جلد سوم ص ۲۶

(۱) محمد بن عتیق ابوبکر بکری فرزند عمر بن احمد سوارقی فقیه و شاعر از ادباء نامی خراسان و در طوس ساکن بوده . در سال ۵۳۸ هجری درگذشت .
(۲) عمادالدین کاتب اصفهانی محمد بن صفی الدین از اکابر ادباء و فقهاء شافعیه در قرن ششم هجری است .

در سال ۵۱۹ هجری متولد و معارف اولیه را در زادگاهش فراگرفت و سپس بیغداد رفت و در مدرسه نظامیه فقه و ادب و حدیث را تکمیل کرد و عاقبت در شام به وزارت صلاح الدین ایوبی نائل شد تا در روز دوشنبه غره رمضان سال ۵۹۷ در دمشق درگذشت .
از آثار نفیسه او کتاب خریده القصر و جریده اهل العصر است در شرح احوال و آثار ادباء قرن ششم هجری .

می نویسد : ابوسعید سمعانی دربروجرد یا ابیورد میان سرخس و نسا و خراسان با
ابوالحسن علی بن محمد بروجردی ملاقات کرد و دوبیت از منشآت محمد بن عتیق
استادش از او نقل می کند : انشدنی الشریف ابوبکر البکری بنوقان لنفسه :
ایا ساکنی نجد سلام علیکم وان كنت لارجو ایا بأ الیکم
وان کان جسمی فی خراسان ثاوياً فقلبی بنجد لا یزال لدیکم

ابوالنجم رازانی بروجردی

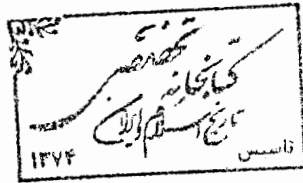
بدر بن صالح بن عبدالله رازانی از اکابر فقهاء قرن ششم هجری است .
معارف و علوم اسلامی را از اساتید معروف آن عصر فرا گرفت از جمله علم
حدیث را از ابوالفتح عبدالواحد بن اسماعیل بن نغاره بروجردی و ابونصر عبدالسید
ابن محمد بن عبدالواحد بن صباغ فرا گرفت و جمعی نیز از ذخائر علمی وی بهره ور شدند
از جمله ابوسعید سمعانی که او را از شیوخ خود شمرده است .

ابوالنجم رازانی بروجردی در حین اشتغالات علمی و تدریس و تدریس بشغل
دارو فروشی نیز اشتغال داشت و زندگی مادی را از آن راه تأمین میکرد تا در سال
۵۴۷ هجری قمری اول محرم در گذشت .

یاقوت حموی در کتاب مشترك وهم چنین در معجم البلدان جلد سوم ص ۱۳
در ذیل کلمه رازان می نویسد : رازان کوی بزرگی است در بروجرد از منسوبین
آن بدر بن صالح است که از فقهاء بود و ابوسعید او را در ضمن مشایخ و استادان خود
ذکر نموده است .

یاقوت حموی در کتاب مشترك نام او را بدر بن صالح و در معجم البلدان زید
ابن صالح یاد کرده .

ابوسعید سمعانی در کتاب انساب جلد ششم ص ۳۲ می نویسد :
* ابوالنجم بدر بن صالح بن عبدالله الرزازانی الصیدلانی فقیه صالح عقیف سمع
ابا النصر عبدالسید بن محمد بن عبدالواحد بن الصباغ البغدادی صاحب الشامل فی
المذهب و ابوالفتح عبدالواحد بن اسماعیل ابن نغاره البروجردی .



۲۶

ابو عبدان عبد العزیز بن صالح بروجرودی

از دانشمندان و محدثین معروف است ولیکن عصرش معلوم نشد فقط آنچه مسلم است این است که قبل از قرن هفتم زندگی میکرده زیرا یاقوت حموی در تألیفاتش از او یاد نموده .

در معجم البلدان جلد دوم ص ۱۰۳ می نویسد :

* ابو عبدان عبد العزیز ابن صالح البروجردی روی عن ابی بکر احمد بن محمد ابن المبارک الحافظ و غیره و روی عنه ابو الحسن عبد الرحیم بن عبد الرحمن البوشنجی الصوفی و ابو عبد الله بختیار بن عبد الله الحاجبی و غیرهما * .

ابوعبدالله زاهری بروجردي

محمد بن احمد بن سليمان بن احمد بن ابراهيم نزيل بروجردي از ادباء ومحدثين قرن ششم وهفتم هجري است .

اودر شهر مالقه از بلاد اندلس متولد و پس از تميز به شهرهای ديگر اندلس مسافرت كرد وبمقدار كافي از ادب اندوخته كرد وسپس بمصر رفت واز محدثين واساتيد بزرگ در آنجا علم حديث را فراگرفت وبعد بجزيره وشام مسافرت وبا فضلاء واكابر آن بلاد ملاقات وسپس به بغداد رفت واز ابن كليب وابن بؤس وجز آنها استفاده كرد وبعد باصفهان مسافرت واز ابوجعفر صيدلانی كسب فضيلت نمود واز آن پس ببلاد جبل آمد ومدتی در كرج ابودلف ساكن ودر آخر بير وجردي آمد ودر اين شهر بتدريس وافاضة ادب مشغول شد ودوستداران فضيلت را از معارف خود بهره ور ساخت .

واز جمله شاگردانش ابن النجار است .

سيوطي جلال الدين عبدالرحمن متوفى سال ۹۱۰ هجري در بغية السوعة في طبقات اللغويين والنحاة جزء اول ص ۲۵ و ۲۶ زاهري را ترجمه نموده ومي نويسد: آثار او عبارت است از بيان وتبيين در انساب محدثين؛ البيان در مبهمات اسماء

در قرآن، شرح ایضاح در نحو پانزده مجلد، احکام صناعة در دو مجلد، شرح یمینی، اقسام البلاغة، شرح مقامات .

لغزی در اسم حازم از زاهری منقول است :

اسم من ريقه مدوف بـراح	وصف الحاظه المراض الصحاح
بعد قلب له وتصحيف حرف	منه فاكشفه يا اخا الالتماح
واطلب الشعر فيه فهو مسمى	غير ان البليد ليس بصـاح

ياقوت حموی در معجم البلدان جلد ۱۷ ص ۲۷۷ می نویسد :

* محمد بن احمد بن سلیمان الزاهری ابو عبدالله الاندلسی رجل فاضل وادیب کامل متقن سمع الحديث الكثير ببغداد من ابن كليب وابن بوش وغيرهما فاکثر وکتب بخطه الكثير وصنف ولقیته ببغداد وكان لی صديقاً معاشراً حسن الصحبة عذرى القلب جيد الشعر انشدني كثيراً من شعره لم اثبتة ثم فارق بغداد وحصل فی بلاد الجبال واستوطن بروجرود و تاهل بها وولد له وصنف بها تصانیف فی الادب كثيرة منها شرح الايضاح * .

زاهری در سال ۶۱۷ هجری قمری در فتنه تزار کشته شد .

مشرف بروجرودی

اسحاق از محدثین و دانشمندان قرن ششم و هفتم هجری و بلقب مشرف معروف و ملقب است .

وی در سال ۵۳۹ هجری قمری متولد شد و پس از فراگرفتن معارف مقدماتی از زادگاه خویش برای تحصیلات بیشتر مسافرت کرد و با بزرگان آن عصر ملاقات و از هر يك استفاده ها نمود و علم حدیث را از ابن طبرزد فراگرفت تا بتدریج خود از مشاهیر زمان شد و در سن ۹۰ سالگی در سال ۶۲۹ هجری قمری درگذشت .
ابن حجر عسقلانی در کتاب تبصیر الممتبه بتحریر الممتبه جلد چهارم ص ۱۲۹۱ می نویسد :

* اسحاق البروجردی يعرف بالمشرف ايضاً روی عن ابن طبرزد وغيره ومات

سنة ۶۲۹ هـ عن تسعين سنة * .

عمادالدین بروجردی

عبدالمعز فرزند مظفر بن عبدالسلام بن هبة الله بن عمیدالله بن احمد بن طاهر
فضلی از دانشمندان و ادباء قرن ششم و هفتم هجری است .

ابن فوطی در مجمع الاداب فی معجم الالقب جلد چهارم ص ۷۷۰ او را بنام
ابوالکرام عبدالعزیز ترجمه کرده و می نویسد : بخط استاد نورالدین عبد اللطیف
ابن نفیس خواندم که عمادالدین ابوالکرم عبدالعزیز بروجردی دوبیت از منشئات
خود بجهت من انشاء کرد :

طول الضنی واجتماع الهم والسهر لم یبق لی من رسوم الحمد من اثر
السمع فارقتی والعی لازمنی وکل عن کل ما در کته بصری
از دو بیت مذکور استفاده می شود که عمادالدین بروجردی عمری طولانی
یافته تاجائیکه نیروهای خود را از دست داده است .



فخرالدین ابو محمد بروجرودی

بزرگمهر فرزند محمد بن حبش بروجرودی از اکابر فقهاء و خوشنویسان قرن
هفتم هجری است.

پس از فراگرفتن علوم و معارف اسلامی بمرأه رفت و از طرف خواجه نصیر
الدین طوسی (۱) بتدریس و افاضه منصوب شد.

(۱) استاد البشر محمد بن محمد حسن در ۱۱ جمادی الاولی ۵۹۷ در طوس متولد و در
۱۸ ذیحجه سال ۶۷۲ در بغداد وفات کرد. در تاریخ وفاتش گفته شده
نصیر ملت و دین پادشاه کشور فضل یگانه‌ای که چو او مادر زمانه نژاد
بسال ششصد و هفتاد و دو بذی الحجه بسروز هیجدهم درگذشت در بغداد
خواجه نصیرالدین از خدمتگزاران اسلام و تشیع است از جمله خدمات او ایجاد رصدخانه
مراغه بود که در سال ۶۵۷ بفرمان او ساخته شد و جمعی از اساتید نجوم و ریاضی را بمعاونت
برگزید و در آنجا کتابخانه‌ای تأسیس کرد بیش از چهار صد هزار کتاب داشت و هم‌چنین مدرسه
باعظمتی بنانهاد و دانشمندان را از اطراف بآنجا طلب کرد و بتدریس نصب نمود که از جمله
فخرالدین بزرگمهر بروجرودی بود.

مرحوم سید حسین بروجرودی در نخبه المقال در تاریخ میلاد و وفات خواجه میگوید:

ثم نصیر الدین بنده الحسن	العالم الحریر قدوة الزمن
میلاده (یا حارز من لحرز له)	وبعد (دام) قد اجاب سائله

پس از مدتی از مراغه پای تخت مغول بغداد رفت و در مدرسه نظامیه بتدریس مشغول و جمعی از ذخائر علمیش بهره ور شدند از جمله ابن فوطی متوفی سال ۷۲۳ هجری است که در مراغه و بغداد او را ملاقات و از وی استفاده کرد چنانکه در قسم سوم از جزء چهارم مجمع الاداب ص ۱۳۰ می نویسد :

* فخرالدین ابومحمد بزرجمهر بن حبش البروجردی الفقیه الناسخ کان عالماً ناسخاً حسن المخط سریع الكتابة والقراءة قليل الغلط وكان قد اقام بمراغة ایام مولانا السعید نصیرالدین ابی جعفر ثم قدم بغداد وسكن النظامية رایته بها کتبت عنه بمراغه و بغداد نسخ بیده عدة کتب من المختصرات والمطولات . *



بهاءالدین بروجردی

احمد فرزند عثمان از اعظم علماء قرن هفتم هجری است .
پس از فرا گرفتن معارف مقدماتی و علوم نهائی از زادگاه خویش بیغداد
مهاجرت و در آنجا رحل اقامت افکند و جمعی را از ذخائر علمی خود محفوظ و بهره ور
ساخت .

در هاشم مجمع الاداب ابن فوطی قسم سوم از جزء چهارم ص ۵۷ می نویسد :
بهاء الدین بروجردی در سال ۶۷۶ هجری قمری در بیغداد در گذشت .



شمس الدین بروجردی

شمس الدین محمد از اکابر دانشمندان سده هفتم هجری است . ریاست علمی
در شهر واسط در آن عصر با و منتهی شد .

در هاشم مجمع الاداب قسم سوم از جزء چهارم ص ۵۷ می نویسد :
شمس الدین محمد بروجردی در سال ۶۷۶ هجری قمری در بیغداد در گذشت .

عمید الدین بروجردی

داود فرزند ابراهیم بن اسماعیل مکنی به ابو الفتح و ابوسلیمان از نویسندگان قرن هفتم هجری است .

در جمیع علوم و معارف متداوله اطلاعات عمیقۀ داشت مخصوصاً در انشاء و حساب .

از آثار علمیه او دو کتاب است در ترسل و علم حساب و به لغت عربی و فارسی کاملاً مطلع و با کمال فصاحت و بلاغت کتابت میکرد و سخن میگفت و در فن شعر نیز مهارت کامل داشت .

ابن فوطی در مجمع الادب فی معجم الالقب جلد چهارم ص ۹۱۵ می نویسد :
 * عمید الدین . . . البروجردی الکاتب - کان کاتباً سدیداً فصیحاً بـاللغـتین
 کلاماً و کتابه و له ترسل مختصر و کلام مجبر و کان قد اشتغل بـالحساب و له فیه رساله
 مختصرة و انشد فی هجو الولی المنشی :

احسن شیء فی الولی خطه و عرضہ یشبهہ مقطه

اذا علا فنفسه تحطه .

عزالدین بروجردی

ابوالفضل حسین فرزند محمد بن حسن از مشاهیر نویسندگان وشعراء قرن

هفتم هجری است .

ابن فوطی در مجمع الاداب فی معجم الالقاب جلد چهارم ص ۱۸ عزالدین ابوالفضل

بروجردی را ترجمه کرده و دو بیت در ضمن نامه ای که به مسررش نوشته از او نقل میکند.

هذا کتابی ولوانی استطعت اذن کنت الکتاب لما القاه مسن قلقی

ولومضی الکل منی لم یکن عجب وانما عجبی للبعض کیف بقی

فخرالدین حاجب بروجردی

ابو محمد ابراهیم فرزند حسن بن محمد از اعلام و مشاهیر علمی و سیاسی قرن هفتم هجری است .

همتی بلند و عزمی راسخ و محضری نیکو داشت با همت عالی خویش در تجدید مدرسه بزرگی در بروجرد شروع و کتابهای بسیاری در علوم متنوعه برای آن مدرسه خریداری کرد و شیخ نصیرالدین فاروقی (۱) را بجهت تدریس در آن معین نمود ولیکن عمرش بسر آمد و بمقصود نائل نگشت و در سال ۷۰۰ هجری قمری در گذشت .

ابن فوطی در قسم سوم از جزء چهارم مجمع الاداب ص ۵۷ می نویسد :

(۱) شیخ نصیرالدین فاروقی - فاروقیه های شیراز است - ابو بکر عبدالله بن عمر ابوالرضا از اکابر شافعیه بود در سال ۶۸۲ هجری در مدرسه مستنصریه و در سال ۶۷۲ در مدرسه نظامیه بغداد تدریس میکرد و در اواخر قرن هفتم برای تدریس مدرسه بروجرد منصوب شد .

* فخرالدین ابو محمد ابراهیم . . . البروجردی من رؤساء الزمان و اعیان الصدور و كان فی جملة الامیرتتارقیة شحنة العراق و كان حسن المخبر جمیل المحضر و بلغ من همته انه شرع فی تجدید مدرسته ببروجرد و عین علی شیخنا نصیر الدین الفاروقی ان یركون مدرساً بها و اشترى لها من الكتب والتفسیر و علم الحديث و لم یتم ما اراده و توفي سنة ٧٠٠ .

عزالدين ابوالفرج بروجردی

عزالدين ابوالفرج محمد بن فرج بن یزداد بروجردی از اکابر فقهاء و مدرسين و حفاظ قرن هفتم هجری است .

معارف ابتدائی و علوم مقدماتی را در زادگاه خویش فراگرفت و در حفظ متون کتب مهمه همتی راسخ و عزمی آهنین داشت تمام قرآن را حافظ بود و باضافه کتابهای رانیز چون تنبيه (۱) و وجیز حفظ کرد و از آثار علمیه او تعلیقه ایست نا تمام . عاقبت ببغداد مهاجرت نمود و بتدریس و افاضه اشتغال ورزید .

ابن فوطی در جزء چهارم کتاب مجمع الاداب فی معجم الالقب ص ۳۳۱ می نویسد :

* عزالدين ابوالفرج . . . البروجردی الفقيه كان من الفقهاء الافراد الذين اشتغلوا ببغداد وكانت له همة قوية في الحفظ يقال انه كان يحفظ القرآن العزيز والتنبيه والوجيز ويكرر على درسه في كل جمعة وله تعلیقه ولم تتم .

(۱) درذیل ترجمه ظاهر بن محمد بروجردی ذکر شد که کتاب تنبيه یکی از کتب خمسہ متداوله شافعیه و تألیف ابراسحق شیرازی است گویند بهر فرعی از این کتاب میرسیددور کعت نماز میخواند .



عزالدین ابوالفضل بروجرودی

عزالدین ابوالفضل محمدفرزندمفرج بن محمد بروجرودی از ادباء و نویسندگان
و شعراء قرن هفتم هجری است .

از آثار او چند رساله است در منشآت .

ابن فوطی در مجمع الادب فی معجم الالقباب جزء چهارم ص ۳۴۱ می نویسد :

✽ عزالدین ابوالفضل . . . البروجردی الکاتب کان کاتباً فاضلاً له رسائل

مدونة قرئت له من رسالة كتبها الى بعض اصحابه *

اما والذي لو شاء لم يخلق النوى لئن غبت عن عيني لما غبت عن قلبي

يوهمنيك الشوق حتى كانني اناجيك من قرب وان لم تكن قربي

عماد الدین ابوالکرم بروجردی

عمادالدین ابوالکرم محمد فرزند عبدالملک بن عبدالله از فقهاء قرن هفتم و هشتم هجری است .

ابن فوطی در مجمع الاداب فی معجم الالقب جزء چهارم ص ۸۲۸ ضمن ترجمه عمادالدین بروجردی دو بیت بتوسط وی از دعبل خزاعی (۱) در هجو ابراهیم بن مهدی نقل میکند :

ملوک بنی العباس فی الکتب سبعة	ولم یأتنا عن ثامن لهم کتب
کذلک اهل الکهف و الکهف سبعة	کرام اذا عدوا واثمنهم کلب

(۱) دعبل بن علی خزاعی از شعراء اهل البيت عليهم السلام در قرن دوم و سوم هجری است از آثار او قصیده معروفه «مدارس آیات» الخ است که در محضر امام رضا علیه السلام خواند و در هنگام مرگ وصیت کرد او را در جامه احرامیکه قصیده نامبرده را بر آن نوشته کفن کنند و در سال ۲۴۶ در گذشت و پس از مرگش پسرش علی او را در خواب دید به پسرش گفت بجهت بعض کارهایم در عذاب بودم تا پیغمبر (ص) را ملاقات و بمن فرمود از اشعار بخوانم من خواندم :

لا اضحك الله سن الدهران ضحکت و آل احمد مظلومون قد قهروا
تا آخر ایات . . .

پیغمبر (ص) مرا تحسین و شفاعت و مخلص کرد .

ملا محمدود جاپلقی بروجردی

از افاضل امامیه و از فقهاء شیعه اثنی عشریه در قرن دهم هجری است.
علوم متداوله عصرش را از اساتید بزرگ آن زمان فراگرفت و در فقه بیشتر از
علامه زمان و نادره دوران محقق ثانی کرکی (۱) استفاده کرد.

(۱) شیخ علی بن عبدالعالی کرکی از فحول علماء قرن دهم و معاصر با شاه طهماسب
صفوی است جلالت این شخصیت علمی و مقامات عالیه وی در علم و فضل و تحقیقات بالاتر از
این است که ذکر شود.

مدح تعریف است و تخریق حجاب فارغ است از مدح و تعریف آفتاب

مادح خورشید مداح خود است که دو چشم روشن و نامرمد است

یکی از تألیفات نفیسه اش جامع المقاصد در شرح قواعد است که از صاحب جواهر نقل
شده که فرموده هر کس نزد او جامع المقاصد و وسائل و جواهر باشد محتاج کتاب دیگر نیست
محقق کرکی در عصر خود بحدی ترقی کرد که از طرف شاه طهماسب فرمان همایونی صادر شد
و به تمام شهرهای ایران ابلاغ شد که تمام مردم باید مطیع فرمان محقق باشند :

بسم الله الرحمن الرحيم

چون از مؤدای حقیقت انتمای کلام امام صادق (ع) که * انظروالی من کان منکم /

و از آثار علمیه او شرح مختصر نافع است .

مدرس خیابانی در ریحانة الادب جلد اول ص ۲۴۰ در ذیل کلمه جابلق

می نویسد :

جابلق باجم عربی و پاء فارسی ناحیه بزرگی است از بروجرد و از منسوبین به آن ملا محمود جابلقی است از افاضل علمای امامیه و از تلامذه محقق کرکی و نام نامی او در اغلب کتب اجازات مذکور و شرح مختصر نافع از تألیفات او است و سید حسین بن سید حیدر کرکی بایک واسطه از وی روایت میکند .
سال وفاتش بدست نیامد .

✓ قدروی حدیثنا و نظرفی حلالنا و حرامنا و عرف احکامنا فارضوا به حکماً فانی قد جعلته حاکماً
فاذا حکم بحکم فمن لم یقبله منه فانما بحکم الله استخف و علینارد و هوراد علی الله و هو علی
حد الشریک *

لایح و واضح است که مخالفت حکم مجتهدین که حافظان شرع سید المرسلین اند
با شریک در یکدرجه است پس هر که مخالفت حکم خاتم المجتهدین و وارث علوم سید المرسلین
نائب الائمة المعصومین علیهم السلام لازال کاسمه العلی علیاً عالیا کند و در مقام متابعت نباشد
بی شائبه ملعون و مردود در این آستان ملا یک آشیان مطرود است و به سیاسات عظیمه و
تأدیبات بلیغه مؤاخذه خواهد شد - کتبه طهماسب بن شاه اسماعیل الصفوی الموسوی .
محقق کرکی در هیجدهم ذی الحجه روز غدیر سال ۹۴۰ در نجف اشرف در گذشت .

عبدالعلی بروجرودی

عبدالعلی فرزند ملامحمود جابلقی بروجرودی از فقهاء نامی قرن دهم هجری است .

معارف و علوم اسلامی را از اساتید معروف عصرش مخصوصاً از والد ماجدش که ترجمه اش پیش از این ذکر شد فرا گرفت .
از آثار علمیه او شرحی است بر الفیه شهید که بفرمان سلطان حیدرآباد نوشته و نسخه اش اکنون در کتابخانه آستانه قدس موجود است .

شیخ حرعاملی (۱) در کتاب امل الآمل قسم دوم ص ۱۵۵ در ترجمه اومی نویسد:

(۱) شیخ حرعاملی محمد بن حسن از فقهاء نامی و محدثین قرن یازدهم هجری است در سال ۱۰۳۳ هجری قمری در قریه ای از قرای جبل عامل متولد و چهل سال در بلاد خود متوقف و باستفاضه و افاضه اشتغال داشت تا بایران آمد و باصفهان رفت و مورد احترام علامه مجلسی و شاه سلیمان صفوی قرار گرفت و در آخر به مشهد مقدس مقیم گشت تا در سال ۱۱۰۴ هجری قمری در همان خاک پاک درگذشت .

آثار نفیسه از خود یادگار گذاشت از جمله کتاب وسائل الشیعه است که در مدت ۱۸ سال تألیف شده و قریب سیصد سال است مرجع فقهاء شیعه قرار گرفته .

شیخ محمد (۱) فرزند علی بن خاتون عاملی که خواهرزاده جابلقی است در ترجمه دائی خود گفته است :

* الشیخ عبدالعلی بن محمود الخادم الجابلقی کان فاضلاً فقیها عالمأ له شرح الالفیه للشهید الفه بامر سلطان حیدر آباد . یروی عنه میر محمد باقر الداماد * (۲)

(۱) شیخ محمد بن علی بن خاتون عاملی فاضل ماهر محقق ادیب ارشاهیر امامیه در قرن یازدهم هجری و پسر خواهر عبدالعلی جابلقی است . از تألیفات لطیفه اش شرح ارشاد و ترجمه اربعین شیخ بهائی است .

(۲) میر داماد محمد باقر بن شمس الدین محمد استرآبادی اصفهانی دخترزاده محقق کرکی و چون پدرش داماد محقق بود او نیز بداماد شهرت یافت . وی در جمیع علوم و فنون اسلامی سرآمد روزگار و مجمع کمالات بود و در حکمت و فلسفه و ریاضیات و فقه و رجال و ادب حظ وافرو نصیب اوفی و درجه علیار داشت و در زهد و تقوی نوادری از وی باز گویند و تحقیقات سودمندش در معارف و علوم اسلامی مورد استفاده هر عالی و دانی می باشد .

در بعضی از مصنفاتش خود را در مقام معلمی با فارابی هم طراز و در ریاست حکمای اسلامی با شیخ الرئیس انباز داشته گویند در تمامی اوقات تکلیف به جمعه و جماعت و نوافل یومیه مواظبت داشته حتی یک نافله از او فوت نشده و چهل سال در موقع خواب دراز نکشیده و در هر شبی نصف قرآن خوانده و بیست سال مباحثات را تا بعد و جواب و ضرورت نمی رسید مرتکب نشدی تا در سال ۱۰۴۱ هجری قمری در مسافرت بعثبات عالیات میان راه در گذشت و جنازه اش را به نجف بردند .

سید حسین بروجرودی در نخبه المقال گوید :

والسید الداماد سبط الکرکی مقبضه الراضی (۱۰۴۱) عجیب المسالك

عبدالله خطاط بروجردي

عبدالله فرزند علی از خوشنویسان و خطاطان قرن یازدهم هجری است .
تاریخ ولادت و وفات او بدست نیامد ولیکن از آثار او نسخه ایست از کتاب عروۃ
الوئقی ، تفسیر فاتحه الكتاب تألیف شیخ بهاء الدین عاملی (۱) که با خط نسخ استنساخ
نموده و این نسخه اکنون در دانشکده الهیات تهران موجود است .

(۱) شیخ بهاء الدین محمد بن حسین عاملی از مفاخر شیعه و اسلام در چهارشنبه ۲۷

ذیحجه در سال ۹۵۳ هجری در بعلبک متولد و در ۴ شوال ۱۰۳۰ در اصفهان درگذشت و جنازه اش
را بمشهد مقدس حمل و در جوار امام علی بن موسی الرضا علیهما السلام بجا گرفت .

میرزا معصوم بروجردی

از دانشمندان قرن یازدهم هجری است .

از میلاد و تحصیلات و وفات او اطلاعی درست نیست ولیکن از آثار او کتابی است بنام دیباچه گلزار محمدی. نسخه ای از این کتاب در کتابخانه خصوصی دکتر اصغر مهدوی در تهران موجود است .

در فهرس کتابخانه مرکزی جلد دوم نسخه های خطی ص ۷۵ و ص ۱۰۷ می نویسد:
مجموعه شماره ۲۸۴ بخط نستعلیق سده یازدهم مشتمل است بر چند دیوان از فضولی و وحشی بافقی و چند رساله و منشئات از جمله دیباچه گلزار محمدی از میرزا معصوم بروجردی که بامهر محمد نصیرین لطف الله مورخ ۱۲۳۲ در آخر می باشد .

ملاک‌علی بروجردی

از دانشمندان محدثین قرن یازدهم هجری است .

معارف و علوم مقدمانی را در زادگاه خویش فراگرفت و سپس برای استكمال بیشتر راه اصفهان را پیش گرفت و رحل اقامت در آنجا افکند و از اساتید معروف آن عصر بهره ور شد مخصوصاً از مجلسی اول (۱) بیشتر استفاده کرد .

(۱) ملا محمد تقی مجلسی بن مقصود علی اصفهانی از اکابر محدثین امامیه در قرن یازدهم هجری است معارف خود را در اصفهان از شیخ بهاء الدین عاملی و ملا عبدالله شوشتری فرا گرفت .

وی نخستین کسی است که پس از ظهور دولت صفویه به نشر احادیث شیعه پرداخت و در عمل بمدلول اخبار جمودی وافر داشته و عمل بظواهر قرآن راشدیداً انکار میکرد و از وی نقل شده که احتیاط در ترك عمل بظواهر کتاب است مآدام که تفسیری از اخبار نرسیده باشد .

از آثار نفسیه او شرح من لا یحضره الفقیه بفارسی، و شرح دیگر بعبری، و شرح صحیفه سجاده و شرح بعض کتاب تهذیب، و شرح زیارت جامعه، و شرح حدیث همام و حواشی اصول کافی است . /

از آثار او کتابی است فارسی در اخلاق و فقه و اصول بنام اسئله بروجردیه
سؤالات نامبرده را از استادش ملا محمد تقی مجلسی نمود و او کتابی در جواب بنام
مسئولات نوشت و در بحث نظر بصورت امر و کودک زیبا از شیخ بهاء الدین عاملی
استادش نقل کرده که احتیاط نیز در ترک نظر بصورت جوان زیبا است و ظاهر این است که
احتیاط مزبور از شیخ بهائی لزومی است نه استحبابی .

✓ در سن ۶۷ سالگی در سال ۱۰۷۰ هجری قمری بر حمت ایزدی پیوست .

مرحوم سید حسین بروجردی در نخبه المقال گوید :

ثم این مقصود تقی مجلسی عن البهائی روی والتستری

میرزا اسحاق شیخ الاسلام بروجرودی

از دانشمندان و ادباء وزهاد قرن یازدهم هجری است دربروجرد منصب شیخ الاسلامی را عهده دار بوده و بمناسبت طبع شعرش تذکره نویسان او را در شمار شاعران ذکر نموده اند .

نصر آبادی (۱) که خود معاصر باشیخ الاسلام بوده و او را در اصفهان ملاقات کرده در تذکره اش ص ۱۱۷ می نویسد : میرزا اسحق بروجرودی شیخ الاسلام بروجرود بود و از اعظم سادات است خواهش از تکلیفات کشیده و بنظر حقیقت بین ، زاویه فقر و فنا

(۱) میرزا محمد طاهر نصر آبادی از ادبا و شعرای قرن یازدهم هجری است روزگار جوانی را به لهو و لعب گذرانید و سپس توبه کرد و در کسب ادب و علم کوشش کرد تا کم کم از مشاهیر ادبا بشمار رفت و هرگاه شاه سلیمان صفوی به نصر آباد (از مضافات اصفهان) میرفت در خانه وی نزول اجلال می نمود .

از آثار او تذکره نصر آبادی است که قریب یکهزار نفر از معاصرین خود از شعراء و فضلاء صفویه را ترجمه کرده و بنام شاه سلیمان تألیف نموده . تا بسال یکهزار و نود و نه زنده بوده و در آن موقع هفتاد و دو سال از عمرش میرفت . تاریخ وفاتش بدست نیامد .

برگزیده و پیوسته در لباس فقر جلوه نما و همیشه بادریشان بی سرو پا در ذکر فقر و فنا میگذرانند و تکیه ساخته پیوسته در صحبت و عبادت مشغول بود . مشرب و سبب داشت . در اصفهان بخدمت ایشان رسیدیم ملکی بود در لباس بشر در سال ۱۰۵۹ هجری قمری فوت شد و شیخ الاسلامی بولد ایشان مرجوع شد . و طبعش خالی از لطف نبوده و این بیت از ایشان نوشته شد :

چه احسانها که من با خویش کردم که آخر خویش را درویش کردم
مرحوم آغا بزرگ (۱) در الذریعه جلد نهم ص ۷۰ نیز او را ترجمه کرده و می نویسد : دیوان السید میرزا اسحق البروجردی و هو شیخ الاسلام بهاتوفی ۱۰۵۹ صبا (۲) در تذکره روز روشن ص ۴۷ او را بنام محمد اسحق ذکرو شیخ الاسلام یزد معرفی کرده و شعری از او نقل نموده :

رتبه میجوئی چو خورشید از خلائق دور باش سایه از همراهی مردم بخاک افتاده است

(۱) آغا بزرگ تهرانی شیخ محمد محسن از بزرگان و اعظم عصر در یازدهم ربیع الاول ۱۲۹۲ هجری متولد و پس از تحصیلات مقدماتی در محاضر اساتید معقول و منقول و فقه و اصول مراتب عالی علم و فضیلت را نائل شد .

وی از شاگردان آخوند ملا کاظم خراسانی و شریعت اصفهانی و سید کاظم یزدی و میرزا محمد تقی شیرازی است و از آخوند خراسانی و شریعت اصفهانی و حاج میرزا حسین نوری و شیخ طه نجف و سید حسن صدر و دیگر اکابر وقت روایت کرده و بیشتر از دانشمندان و افاضل این عصر از وی اجازه روایت دارند و از مشایخ اجازه این نگارنده نیز می باشد .

در احبای آثار علمای شیعه رنجها کشید و آثار نفیسه از خود بیادگار گذاشت از جمله الذریعه الی تصانیف الشیعه است که تمام مصنفات شیعه را تا این عصر با رعایت حروف تهجی برشته تألیف آورده .

(۲) محمد مظفر حسین صبا از دانشمندان قرن سیزدهم و چهاردهم است کتاب روز روشن را که مشتمل است بر شرح حال ۲۴۱۰ نفر در سال ۱۲۹۶ در سن ۱۷ سالگی جمع کرده .

آخوند ملاحسین بروجردي

از دانشمندان و حکماء قرن یازدهم هجری است .

معارف و علوم اسلامی را در زادگاه خود فرا گرفت و در جمیع علوم عصرش اطلاعات قیمه و معلومات ثمینه کسب کرد مخصوصاً در فلسفه و حکمت سرآمد اقران شد و سپس باصفهان مهاجرت و رحل اقامت افکند و در مسجد شاه اصفهان به تدریس فلسفه و حکمت اشتغال ورزید و جمعی از فضلاء پروانه صفت بر شمع وجودش گرد آمدند و از آن کانون معارف استفاضه کردند تا در سال ۱۰۸۴ هجری قمری درگذشت .

از جمله شاگردان اوسید عبدالحسین خاتون آبادی است که در سال ۱۰۳۹ هجری قمری متولد شد و پس از تمیز در محضر اساتید بزرگ آن عصر مانند صاحب ذخیره و میرزا رفیعا طباطبائی نائینی و ملا محمد تقی مجلسی و ملاحسین بروجردي علوم و معارف اسلامی را فرا گرفت و آثار نفیسه وارزنده ای از خود بیادگار گذاشت . در سال ۱۱۰۵ هجری قمری وفات کرد . از جمله آثار او کتاب وقایع السنین والاعوام می باشد .

در وقایع سال ۱۰۸۴ هجری از همان کتاب ص ۵۳۲ می نویسد : در تاریخ فوق الذکر فوت آخوند مولانا حسین بروجردي استاد این فقیر در کتاب حکمة العین (۱) و او مدرس مسجد جدید جامع عباسی است (مسجد شاه امروز) .

(۱) حکمت العین کتابی است در حکمت الهی و طبیعی تألیف نجم الدین علی بن عمر شافعی قزوینی معروف به کاتبی که در سال ۶۷۵ هجری قمری درگذشت وی از شاگردان خواجه نصیرالدین طوسی و از اساتید علامه حلی است .

حسینی خوشنویس بروجردی

میرزا محمد حسینی بروجردی از خوشنویسان سده یازدهم هجری است از آثار او چند کتاب با خط نستعلیق خوش در کتابخانه ملی ایران موجود است .

از جمله : کتاب و صاف الحضرة تألیف عبدالله بن فضل شیرازی . کتاب مجموعه نه سپهر . کتاب مجمل التواریخ از عهد کیومرث تا سال ۱۰۵۱ هجری قمری . در آخر این کتاب می نویسد : بتاريخ شهر ربیع الاول ۱۰۹۱ مرقوم قلم شکسته رقم اقل عبادالله الغنی میرزا محمدالحسینی البروجردی گردید .

کتاب ده قاعده اعمال ده گانه صوفیان تألیف میر سید علی همدانی . کتاب نفایس الفنون فی عرایس العیون فن دوم در کیمیاء تألیف شمس الدین آملی در غره رجب سال ۱۰۹۳ هجری قمری در اصفهان نوشته شده .

ملا اسماعیل بروجردی

از دانشمندان و نویسندگان قرن یازدهم هجری است .

معارف و علوم اسلامی را از اساتید معروف مخصوصاً از ملا محمد محسن بروجردی که پس از این ذکر خواهد شد فراگرفت و در سال ۱۰۹۷ هجری در قید حیوة بوده است .

از آثار او نسخه ایست از توحید باب اول بحار الانوار علامه مجلسی در بحث جبر و اختیار که بفرمان استادش ملا محمد محسن بروجردی نوشته و بتاریخ سلخ محرم ۱۰۹۷ مورخ است .

در فهرس کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران جلد دوازدهم می نویسد : نسخه نامبرده اکنون در آن کتابخانه موجود است .

ملاح محمد نصیر بروجرودی

از دانشمندان و ادباء و بزرگان قرن یازدهم هجری است . نصر آبادی در تذکره خود از او یاد کرده و می نویسد : حسب الامر پادشاه در گنجینه مدرس است و این معمی از او است بنام اسماعیل .

دل ما جام و مهر او شراب است که ماه نو تمام از آفتاب است .
در شرح این معمی گفته شده دل ما یعنی اگر کلمه ما را قلب و جابجا نمائیم و الف را بجای میم و میم را بجای الف نقل کنیم ام می شود سپس مهر که سین است میان آن دو حرف جای دهیم اسم می شود و بعد از آن نون عین که بمعنی آفتاب است تمام شود یعنی آن نون که شبیه به ماه نو و هلال است کشیده شود در نتیجه کلمه عین عیل می شود و با این تحولات کلمه اسمعیل پدید می گردد .

شیخ محمد تقی بن مولی احمد بروجرودی

از دانشمندان و ادباء و سخنوران قرن یازدهم هجری است . پس از فرا گرفتن علوم معموله و متداوله ، خود را باصفهان رسانید و برای تکمیل خود در حوزه های درسی آن شهر شرکت و از اساتید بزرگ آن عصر استفاده کرد مخصوصاً از محضر پرفائده علامه مجلسی ملا محمد باقر که از شاگردان خاص وی بشمار رفت و از طرف او مجاز شد و در آخر به کاشان رفت .

از آثار علمیه وی دو کتاب معروف است : عین البکاء که در سال ۱۰۹۹ هجری تألیف نموده و بر بیست و دو باب مرتب در سال ۱۲۸۴ در لکنه و بطبع رسیده است . و دیگر لب عین البکاء که ملخص همان کتاب اول است بفارسی و نسخه آن در مکتبه آیه الله سید شهاب الدین نجفی مرعشی در قم موجود است و در این کتاب از علامه مجلسی استادش روایت میکند و بر ظهر همین نسخه اجازه ایست از شیخ محمد تقی بروجرودی برای شاگردش ملا عبد الله کاشانی و تاریخ اجازه ۱۱۰۳ هجری است پس تا این تاریخ در قید حیات بوده .

علماء رجال و دانشمندان تراجم احوال ، اورابه فقاہت و ادب و سخنوری ستوده اند .

سید محسن عاملی (۱) در اعیان الشیعه جلد ۴۴ ص ۱۱۸ می نویسد :

الشیخ محمد تقی بن المولی احمد البروجردی نزیل کاشان کان عالماً
فقیها و اعلیٰ ادیباً شاعراً مخلصاً فی ولاء اهل البیت علیهم السلام.
آقا بزرگ در کتاب الکرام البررة یا اعلام الشیعه جلد دوم ص ۲۰۸ و هم چنین
در الذریعه جلد ۱۵ و ۱۶ می نویسد :

الشیخ محمد تقی البروجردی عالم جلیل متبحر و خطیب بارع ماهر
له آثار منها عین البکاء و یشهر منه کمال براعة المترجم فی الخطابة و تبخره
فی العلم و التاریخ و الادب.

(۱) سید محسن بن عبدالکریم امین عاملی شامی در سال ۱۲۸۲ قمری در قریه شقرا از قزاق
جبل عامل متولد، علوم مقدماتی را در همانجا تکمیل و برای ادامه تحصیلات در سال ۱۳۰۸ به
نجف رهسپار و پس از فراغت از تحصیل در سال ۱۳۱۹ بدمشق رفت و در آنجا مقیم شد تا در
سال ۱۳۶۹ قمری درگذشت. آثار نفیسه ای از خود بیادگار گذاشت از جمله اعیان الشیعه در چهل و
پنج جلد.



ملا محمد محسن بن محمد صادق بروجرودی

از اعظام علماء و بزرگان قرن یازدهم و دوازدهم هجری است پس از فراغت از تحصیلات متداوله در محضر پرفیض علامه مجلسی (۱) حاضر شد و مدتها از آن بحر

(۱) ملا محمد باقر بن محمد تقی مجلسی اصفهانی از فحول و اعیان فقهاء و محدثین امامیه در قرن یازدهم و دوازدهم هجری است . وی جامع معقول و منقول در فقه و اصول و تفسیر و حدیث و درایه و رجال و کلام مسلم خاص و عام و از طرف سلاطین وقت شیخ الاسلام مجدد سنن و آثار سید المرسلین و محیی احادیث ائمه طاهرین علیهم السلام به حدی که از عبدالعزیز ناصبی دهلوی نقل شده اگر مذهب شیعه را دین مجلسی بنامند بجاست .

وی در سال ۱۰۳۷ متولد شد ماده تاریخ میلادش عتدایجدی (جامع کتاب بحار الانوار) می باشد گویا خلقت او برای انجام این خدمت مهم بوده است . در بیست و هفتم رمضان سال ۱۱۱۱ هجری در اصفهان پس از ۷۴ سال زندگی درگذشت .

کلمه حزن و غم و کلمه خازن جنت هر يك ماده تاریخ وفات اومی باشند. سید حسین بروجرودی

در نخبه المقال گفته :

و المجلسی ابن تقی باقر له بحار کلها جمواهر

مجدد المذهب بالوجه الانم وعد (۷۴) عمرا قبضه حزن و غم

(۱۱۱۱)

چند ماده تاریخ در وفات مجلسی گفته شده ولیکن بهتر از همه این شعراست :

ماه رمضان چو بیست و هفتش کم شد تاریخ وفات باقر اعلم شد

مواج استفاده کرد تا از شاگردان مخصوص وی بشمار رفت و از طرف او مجاز شد.
آثار نفیسه‌ای دارد از جمله مجموعه ایست بخط او مورخ ۱۰۹۵ و ۱۱۰۴ هجری
که در اصفهان نوشته این مجموعه فعلاً در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
موجود است .

آقای محمد تقی دانش پژوه ، در فهرس کتابخانه مرکزی دانشگاه جلد ۱۲ ذیل
شماره ۳۵۱۴ می نویسد: در صفحه ۱۶۲ این مجموعه داستان سنگی که در سال ۱۱۰۳
در شوشتر بدست آمد و در آن کلمات شهادت نوشته بنقل از خط محمد باقر مجلسی
نوشته و ذکر میکند که من از مجلسی راجع به این مطلب استجازه کردم مرا در نقل
اجازه داد و فرمود من آنرا نزد شاه سلیمان خوانده ام .

در این مجموعه بخط دیگران نیز مطالبی برای ملا محمد محسن بروجردی نوشته
شده از جمله احادیثی بخط اسماعیل بروجردی و اشعاری از ولی بروجردی و غریب عامی
بروجردی .

ملا محسن بروجردی تا سال ۱۱۰۳ مسلم در قید حیات بوده زیرا در مجموعه فوق
الذکر بخط او تاریخ مزبور دیده میشود .

شیخ جعفر بن عبد الله بن ابراهیم کهرئی بروجردی

ازاعظام و بزرگان قرن یازدهم و دوازدهم هجری است جامع جمیع کمالات و عارف باخبار و تفسیر و فقه و اصول و کلام و حکمت بوده . در محضر جمعی از اساتید معروف آن عصر حاضر و از علوم و معارف آنها حظی وافر برد ، از جمله محقق سبزواری (۱) و محقق خوانساری (۲) و از محمد تقی مجلسی اجازه روایت داشت.

(۱) ملا محمد باقر بن محمد مؤمن خراسانی سبزواری از اکابر علماء و محدثین شیعه و مفاخر حکما و متکلمین اثنی عشریه عالم فاضل محقق مدقق فقیه اصولی محدث رجالی حکیم متکلم از اکابر اصحاب مجلسی اول و از فحول شاگردان شیخ بهاء الدین ساکن اصفهان بود و امامت جمعه و جماعت و منصب شیخ الاسلامی و تدریس مدرسه ملا عبدالله شوشتری بساو تفویض شد .

محقق سبزواری طبع شعر هم داشت از اشعار این رباعی است :

در عالم تن چه مانده ای بی مایه بایی بردار و بگذر از نه پایه

از مشرق جان بر تو نتابد نوری تا از پی تن همی روی چون سایه

محقق سبزواری در سال ۱۰۹۰ هجری در اصفهان درگذشت و جنازه اش را بمشهد

بردند .

(۲) آقا جمال محمد بن آقا حسین معروف به محقق خوانساری عالم عامل حکیم محقق /

وی محبوب و مورد علاقه‌اساتید خود بود و بر اثر فضل و تقوی و نفوذ بر همگنان بسمت دامادی محقق خوانساری مفتخر شد. آثار علمیه نفیسه از خود بیادگار گذاشت از جمله تعلیقه بر شرح لمعه که طبع شده و از جمله ذخائر العقبی که بفرمان شاه سلطان حسین صفوی تألیف کرد.

علماء رجال و تاریخ از معاصرین و متأخرین او را بجلالت قدر و عظمت شأن ستوده‌اند صاحب اعیان الشیعه در جلد ۱۶ ص ۳ می‌نویسد: الکمرئی منسوب است بکمره اسم ناحیه ایست از نواحی بروجرد که آقا جمال خوانساری مرحوم شیخ جعفر را بآنجا فرستاد و او در آنجا متوطن شد و اکنون در قریه‌ی گوشه از قرای همان ناحیه از فرزندان او موجود است.

شیخ جعفر در آخر باصفهان برگشت و پس از مرحوم مجلسی مدت پنج سال تقریباً مقام قضاء و حکومت و شیخ الاسلامی باو منتهی شد و ضمناً بتدریس و افاضه نیز می‌پرداخت.

در سال ۱۱۱۵ هجری بقصد حج حرکت کرد و پس از برگشت از مکه قبل از رسیدن به نجف اشرف در دو فرسخی فوت کرد جنازه‌اش را به نجف حمل و در کنار قبر علامه حلی بجا گذاشت.

شاگردانی که از ذخائر علمی شیخ جعفر استفادیه کردند بسیارند و جمعی از آنها به مقامات عالیه و درجات سامیه رسیدند از جمله اردبیلی (۱) صاحب جامع

متکلم مدقق فقیه، و اصولی، آثار علمیه نفیسی دارد مانند حواشی بر تهذیب و شرایع و شرح اشارات و شرح لمعه و شرح مختصر الاصول و شفا و من لا یحضره الفقیه.

در سال ۱۱۲۱ در ۲۶ رمضان در اصفهان درگذشت.

(۱) هالم خبیر محمد بن علی اردبیلی معاصر علامه مجلسی و از شاگردان وی و در سال

۱۰۹۸ هجری از طرف استاد خود با اجازه نقل حدیث نائل شده. از آثار علمیه او جامع

الرواة است که در رشته خودی نظیر و کتابی است پرسود در شرح حال روات و تعیین طبقات

الرواة وسيد صدرالدين شارح وافيه (۱) وميرزا قوام الدين سيد محمد بن محمد مهدي حسيني سيفي قزويني (۲) ومحمد اکمل والد بهبهانی (۳) .

وتميز مشترکات و این کتاب درواقع ذیلی است برای تلخیص المقال (رجال و سبط) .
 میرزا محمد استرآبادی در هر ترجمه اگر از صاحب ترجمه روایتی در کتب اربعه باشد به آن روایت با تعیین باب و کتاب اشاره میکند در حدود ۲۰ سال در این کتاب رنج برد و بوسیله این کتاب دوازده هزار حدیث که بر حسب مشهور ضعیف السند یا مجهول السند یا مرسل بوده صحیح و معلوم الحال گردید .
 این کتاب بفرمان مطاع مرحوم آیه الله العظمی بروجردی قدس سره در سال ۱۳۳۴ شمسی چاپ شد و مقدمه ای در ۱۲ صفحه به املاء معظم له و کتابت فرزند برومندش آیه الله زاده معظم حجة الاسلام آقای آقا محمد حسن دامت توفیقاته در پیرامون مؤلف و مؤلف بر آن اضافه شد .

(۱) سید صدرالدين بن محمد باقر رضوی قمی مجاور نجف اشرف از اعظام محققین زمان فترت علماء که ما بین زمان علامه مجلسی و آقا باقر بهبهانی می باشد بوده . او در مرحله فضیلت و دقت وجودت تصرف کم نظیر است و علوم منقول و معقول و فقه و اصول را نزد جمعی از اعظام اصفهان مانند فاضل هندی و آقا جمال خوانساری و شیخ جعفر کمرئی بروجردی و مدق شیروانی تکمیل نموده از آثار علمیه او شرح مفصل بروافیه ملا عبد الله تونی است ، در اصول فقه کتابی است تحقیقی .

در بین سال یک هزار و صد و پنجاه تا شصت و فاتش ذکر شده .

(۲) قوام الدین سید محمد قزوینی فقیه فاضل کامل ادیب لیبب شاعر ماهر از اکابر علمای عهد صفویه، معارف عصر را از اساتید معروف آن زمان فرا گرفت مخصوصاً از شیخ جعفر قاضی کمرئی بروجردی که عمده تحصیلاتش در محضر پرفیض آن استاد عظیم الشأن بود. در شعر طبعی روان داشته و در مراثی و مدایح و هجا اشعاری از او موجود است از جمله اشعاریکه در مرثیه استادش شیخ جعفر سروده . وی در سال ۱۱۵۰ هجری درگذشت .

(۳) محمد اکمل بهبهانی والد آقا باقر بهبهانی از مشایخ آفاق و از اساتید فقهای عراق بوده و تحصیلاتش در محضر سه نفر از اعظام آن عصر بود: محقق شیروانی و آقا جمال خوانساری و شیخ جعفر کمرئی بروجردی و از هر سه تن روایت نقل کرده ا

و نیز مرحوم سید محسن در جزء پانزدهم اعیان الشیعه ص ۴۷۸ می نویسد :

* الشیخ جعفر بن عبدالله بن ابراهیم الکمرئی جلیل القدر عظیم الشأن رفیع المنزلة دقیق الفطنة ثقة ثبت عین عارف بالاحبار والتفسیر والفقه والاصول والکلام والحکمة والعربیة جامع لجميع الکمالات و لیس له فی حد جامعیت و حدة حدسه و حضور جوابه و ذکائه ودقة طبعه فی عصره نظیر ولاقرین *

مرحوم سید عبدالحسین خاتون آبادی که از معاصرین شیخ جعفر است در وقایع السنین ص ۵۴۰ می نویسد : شیخ فاضل عالم المعی ینلمی فطن سرآمد ارباب شعور و فطانت و سرکرده جامعیت علوم و فنون شیخ جعفر کمره ای در روز پنجمین چهل و چهاردهم نوروز سال ۱۰۹۸ بتکلیف نواب اشرف اقدس ارفع همایون شاهی شاه سلیمان، قاضی اصفهان شد .

و در همین کتاب در ذیل وقایع سال ۱۱۱۱ هجری که بقلم دیگری است می نویسد : یکسال و نیم پس از فوت مجلسی منصب شیخ الاسلامی به شیخ محمد جعفر قاضی تفویض شد .

مدرس خیابانی (۱) در ریحانة الادب جلد اول ص ۳۵۴ می نویسد : حویزی شیخ جعفر ابن عبدالله بن ابراهیم که اصلش از حویزه (موضعی بین واسط و خوزستان و بصره) و مولدش کمره و مسکنش اصفهان و مدفنش نجف و لقبش قوام الدین و شهرتش قاضی است در اوائل قرن دوازدهم هجرت از بزرگان علمای نامی امامیه و فقیهی بوده فاضل کامل حکیم جلیل القدر و دقیق الفطنة و رفیع المنزله در معرفت اخبار و کلام

(۱) محمد علی بن محمد طاهر بن نادر معروف به مدرس در سال ۱۲۹۶ قمری در تبریز متولد مقدمات فقه و اصول و قسمتی از ریاضیات را در مدرسه طالیبه خواند و از چند نفر از علماء تهران و تبریز به اجازه اجتهاد مفتخر شد و آثار سودمندی از خود یادگار گذاشت از جمله ریحانة الادب در ۷ جلد در تراجم دانشمندان . وی در ششم شعبان سال ۱۳۷۳ در تبریز وفات یافت .

و تفسیر بی نظیر و در زکاوت و جامعیت کمالات علمیه و حید عصر خود بوده .
 علم حدیث را از مولی محمد تقی مجلسی فیـرا گرفته و در معقول و منقول از
 شاگردان آقا حسین خوانساری و محقق سبزواری صاحب ذخیره بوده و سید صدر قمی
 شارح وافیہ و مولانا محمد اکمل والد ماجد آقای بهبهانی هم از تلامذہ شیخ جعفر
 می باشند و قضاوت اصفهان بدو مفوض و بهمین جهت بین علماء به شیخ جعفر قاضی شهرت
 یافته و از تألیفات او است ۱- اصول الدین ۲- حاشیہ شرح لمعه ۳- حاشیہ کفایہ استاد خود
 محقق سبزواری ۴- ذخائر العقبی در تعقیبات نماز که بامر شاه سلطان حسین صفوی
 تألیفش داده و غیر اینها که تعلیقات و حواشی بسیاری بر مصنفات امامیه دارد و مشهورتر
 از همه حاشیہ شرح لمعه او است که بین العلماء دائر و محل استفاده فحول و اکابر می باشد .
 وفات وی بتصریح روضات الجنات در سال ۱۱۱۵ هجری قمری در اثنای مراجعت
 از سفر حج در ارض عراق واقع شده ولیکن در مستدرک الوسائل این کلام روضات
 را حمل بر اشتباه کرده .

و از امیر اسماعیل خاتون آبادی که در همان سفر حج از اهل قافله بوده و تمامی
 وقایع آن سفر را روز بروز می نگاشته نقل کرده که شیخ جعفر بقاصلة یکسال و نیم
 از وفات مجلسی ثانی (۱۱۱۱) بمقام شیخ الاسلامی رسیده و در سال ۱۱۱۵ هجری
 قمری که محمود آقانام تاجربا جمعی کثیر از اعیان دولت و اهل حرم سلطان و طبقات
 دیگر که کلادر حدود ده هزار نفر بوده و سه هزار تن از ایشان عازم زیارت کعبه بوده
 و نقود بسیاری بجهت تعمیر مشهد حسینی همراه داشته و شبکة حرم کاظمین را نیز با
 خود میبرده اند شیخ جعفر نیز در میان قافله عازم زیارت کعبه بود تا در کرمانشاهان بیمار
 شده و عاقبت در دو فرسخی نجف اشرف پیش از زیارت کعبه وفات یافت .

عالم جلیل مولی محمد سراب به تجهیز و تکفین وی پرداخته و در نزدیک قبر
 علامه حلی مدفونش ساختند و قوام الدین میرزا محمد قزوینی که از شاگردان خود
 شیخ جعفر بوده قصیده طریفه در مرثیه اش گفته که بعضی از آن اشعار را زینت بخش

اوراق می کنیم :

والعلم والحلم و الاخلاق و الشیما
سماء علم و ماج البحر و التظما
نطاق والدهر اوہی الرکن فانهد ما
سفائن العلم مبذولا و مقتسماً
این الذي هذب الاحکام و الحکما
كما «الشفاء» عليل يشتكى السقما
عين الخلیل اصيبت عينه بعما
شروحها و حواشيها و مارقما
يبقى على صفحة الايام مارسما
و القلب منه بنار اللوعة اضطرما
من جانب القدس نوراً يكشف الظلما
والرب ناداه قف بالواد محتشما
لبيك يا محيي الاموات و الرما
بالجسم و الروح لايلقى به سأمأ

الدهر ينعى الينا المجد و الکرمأ
وزلزلت ارض علم بعد ما انفطرت
ياصبر هذا فراق بيننا و متی
بشيخنا جعفر بحر بساحله
این الذي فسر الايات محكمة
ظل «الاشارات» بعد الشيخ مبهمة
بات «الصحاح» سقيماً منذ فارقه
تبكى عليه عيون العلم تسعدهما
تمضى الليالي و لا تفنى مآثره
والنفس فى عرفات السوق والهة
و اذ اناف على وادى السلام رآى
استقبلته به الارواح طيبة
فقال لبيك يا ربى و معتمدی
فحل فى مجمع الارواح يصحبهم
الى ان قال :

بعد السلام على من شرف الحرما
اهمى عليه سحاح الرحمة الديما
طه و يس و الفرقان مختتما
محمد خير من لبي و من عزمأ
اسدوا الينا صنوف الخير والنعمأ
و اقبل شفاعتهم فى حقه كرما

قف بالسلام على ارض الغرى و قل
منى السلام على قبر بحضرته
و اقرء عليه بترتيل و مـرحمة
وابسط هناك و قل يارب صل على
و آله الطيبين الطاهرين بمـأ
وحف بالروح و الريحان تربته

تاریخ ماقد دهانا - غاب نجم هدی فالله یهدی بباقی نوره الامما

۱۱۱۵

و تمامی قصیده درروضات سی و نه بیت است و در اینجا تلخیص و انتخاب شد.
 باری شیخ جعفر در هنگام مسافرت زیارت کعبه به منبر رفته و مردم را مخاطب
 داشته و فرمود هر يك از شما که در اوقات قضا و حکومت من محکوم به بی حقی شده
 از من راضی باشد زیرا که من بعد از قطع و یقین بصحت قضیه و موافق حکم الهی بودن
 آن حکم داده و ابداً حکم بناحق نکرده ام ولیکن هر کسی که حقانیت وی ثابت نشده
 و بجهت حکم ندادن ما حق واقعی او ضایع شده و بحق خود نرسیده مرا بحل کند
 و از من راضی باشد زیرا حق او بجهت قصور شاهد و بینه و مدارکش از نظر ما
 ثابت نشده .

کمره با سه فتحه بفرموده صاحب روضات ناحیه بزرگی است مشتمل بر مزارع
 بسیار از نواحی بروجرد و در نسبت بکمره کمرئی گویند.

سید علمی نهاوندی نزیل بروجرد

از علماء و ادباء و فقهاء قرن دوازدهم هجری است .

در عصر مرحوم آیة الله سید محمد طباطبائی بروجردی از نهاوند به بروجرد

آمد و از ذخائر علمی سید محمد طباطبائی بهره ور شد .

محدث جزائری سید عبدالله بن نور الدین متوفی سال ۱۱۷۳ هجری در

مسافر تش به بروجرد در سال ۱۱۴۹ هجری قمری با سید علمی نهاوندی ملاقات نمود

و سید علمی هفتاد مسئله در فقه و ادب و اخبار و کلام از سید جزائری سؤال کرد .

وی در جواب او کتابی نوشت بنام الانوار الجلیة فی اجوبة المسائل

الجملیة الاولى و در پنجشنبه ۲۸ جمادی الاولى سال ۱۱۴۹ هجری آنرا پایان

رساند و سپس کتاب نامبرده را بنظر مرحوم سید محمد طباطبائی رسانید و سید پس از

دقت در اجوبه تقریظی بر آن مرقوم فرمود .

مرحوم جزائری در این کتاب از سید علمی فراوان تجلیل کرده و او را به ادب

و عقل و علم و حسب و نسب و تقوی ستوده است .

در مقدمه این کتاب می نویسد :

❖ انه لما قضى الله عز وجل بالمرور على بلاد الجبل والاجتماع بمن فيها من الاولياء الكمل الجامعين بين العلم والعمل ومنهم المولى الاجل والحبر الفاضل الفاضل الشريف القارن من المحاسن بين التالذ والطريف الحسيب النسيب اللبيب الارب الاديب النقيب السيد الحميد السديد المجيد النقي التقى الرضى البهى السيد على سألتنى ادام الله افادته ووفر مكارمه وسعاداته عن مسائل الخ. ❖

مرحوم سيد على نهاوندی در سال ۱۱۵۱ هجری قمری نامه ای برای مرحوم سید عبدالله جزائری می نویسد و در آن نامه سی مسئله در فقه و فلسفه و عرفان و اخبار سؤال می نماید .

جزائری در پاسخ او کتابی دیگر می نویسد بنام الذخيرة الباقية في المسائل الجبلية الثانية این کتاب در یکشنبه ۱۷ شعبان سال ۱۱۵۱ هجری پایان رسیده .
در این کتاب سید علی نهاوندی را بجلالت و علم و نبالت و مجد و شرافت و اخلاق و صف کرده است .

در آغاز کتاب می نویسد : ❖ الحمد لله الذى فرض طلب العلم على كل مسلم و مسلمة وجعل عامله ادلاء الهدى فى ديجور الجهالات المظلمة وبعد فيقول عبد الله بن نور الدين بن نعمة الله الموسوي قد خدمت فيما مضى حضرة السيد على النهاوندی الاصل البروجردى المسكن بما تيسر من اجوبة مسائله العلمية فى رسالة الانوار الجبلية فى جوابات المسائل الجبلية ثم انه ارسل بمسائل اخر فى كتاب يطلب الجواب عنها فبادرت الى امثال امره وسميته الذخيرة الباقية فى المسائل الجبلية الثانية ❖

و در آخر کتاب می نویسد : ❖ نسئل الله التوفيق والهداية ونعوذ بالله من الخذلان والغواية ونبتهل اليه ان يغفر لنا ما قدمناه من الخطيئة والاسراف على النفس وان يتداركنا بمعونته وتأيدته ويجعل يومنا خيراً من الامس وان يفعل ذلك بوالدينا وبسائر من وجب حقه علينا من اهل الايمان خصوصاً سيدنا الاجل الانبل الاكمل الافضل الذى قلما يسمح بمثله الزمان لازال محفوظاً مصوناً ومن المكاره محروساً مأموناً وهذا آخر الكلام

فی اجوبة هذه المسائل التي لم يكن المسئول بها باعلم من السائل *.

نسخه ای از این کتاب بخط مرحوم آقا سید ریحان الله کشفی بروجردی اکنون در کتابخانه آیه الله سید شهاب الدین مرعشی در قم موجود است .

سیدعلی نهاوندی مسائلی نیز بنام الاسئلة الجبلية نزد سید حسین بن ابوالقاسم خوانساری متوفی ۱۱۹۱ - هجری قمری ارسال داشته و او جواب داده چنانکه حقیقش در روضات الجنات نوشته است .

ملا اسماعیل بروجردی

از دانشمندان و گویندگان قرن دوازدهم هجری است .
در تقوی و زهد و ورع و تحقیق مسائل گوی سبقت را از همکشان ربود و در
عصر خود کم نظیر بوده ولیکن متأسفانه تحت تأثیر افکار خرافیه صوفیها قرار گرفت
و عاقبت بحکم الجواد قدیکب و الصارم قدینبو منحرف شد .
وی در سال ۱۱۶۰ هجری قمری در بروجرد درگذشت .
سید عبدالله بن نورالدین جزائری (۱) در سفریکه به بروجرد نمود با ملا اسماعیل
ملاقات و در پاره‌ای از مسائل با او بحث نمود .
سید محسن عاملی در اعیان الشیعه جلد یازدهم از اجازه کبیره سید عبدالله نقل

(۱) سید عبدالله بن نورالدین بن نعمت‌الله جزائری در ۷ شعبان سال ۱۱۱۴ متولد
و در سال ۱۱۷۳ قمری درگذشت و در کنار مسجد جامع شوشتر در آرامگاه پدرش بخاک رفت
وی از فضلاء جامع قرن دوازدهم و در ریاضی متبحر و در فقه طریقه متوسطی میان اصولی و اخباری
داشته و در شعر نیز دارای طبع و فقیر تخلص می‌نموده .
پس از پدرش فرمان نادرشاه افشار مناصب شرعیه با و مرجوع شد و در شورای صحرای
مغان از مدعوین بوده و خطبه و تهنیت جلوس نادر را او انشاء کرد و خواند .

کرده که در شرح حال ملا اسماعیل بروجردی می نویسد :

* کان عالماً ورعاً زاهداً قانعاً امام الجماعة واعظاً رایته فی بروجرد مراراً و تفاوضنا فی بعض المسائل و کان له میل الی تصفیة الباطن و الاصغاء الی خرافات الصوفیة واشتد ذلك به اخیراً فتغیرت احواله *.

یعنی ملا اسماعیل دانشمندی بود بارسا که از دنیاو زخارف آن چشم پوشیده بود امام جماعتی بود در نهایت قناعت و پرهیز کاری واعظی بود شیرین زبان و سخنوری بود نیکو بیان چندین بار او را در بروجرد ملاقات و در بعض مسائل با او مذاکره و مباحثه نمودم بتصفیه نفس مشغول و بسخنان خرافی و بی اساس صوفیه مایل بود و عاقبت میل به تصوف شدید شد تا بکلی احوال او دگرگون گشت .

ملا عبدالبقی قزوینی (۱) در تکملة امل الامل می نویسد :

* مولانا اسماعیل البروجردی کان عالماً فاضلاً بارعاً فی التحقیق لکن اضله رجل من الصوفیة *

(۱) ملا عبدالبقی قزوینی یزدی از شاگردان مرحوم سید بحر العلوم بروجردی و در سال

۱۲۰۰ هجری درگذشت و تکملة امل الامل را بفرمان استادش نوشت .

ترجمه اش بمناسبت ترجمه بحر العلوم در ضمن شاگردان ذکر خواهد شد .

آقامحمد علی بروجردي

فرزند ملا اسماعیل سابق الذکر از دانشمندان نامی در قرن دوازدهم هجری است معارف و علوم اسلامی را از اساتید معروف آن عصر مانند پدرش ملا اسماعیل و سید جلیل مرحوم سید محمد طباطبائی بروجردي فراگرفت تاخود از معارف زمان و مورد توجه خاص و عام شد و به منصب شیخ الاسلامی بروجردي نائل و در مدرسه این شهر بتدریس و افاضه پرداخت تا در سال ۱۱۶۰ هجری بفاصله اندکی پس از وفات پدرش در گذشت .

سید محسن عاملی در اعیان الشیعه جلد ۴۶ می نویسد :

* آقامحمد علی ابن مولی اسماعیل البروجردی توفی فی عشرين سنة بعد المائة والالف. ذكره السيد عبد الله بن نور الدين ابن نعمة الله الجزائري في ذيل اجازته الكبيرة في آخر ترجمة ابيه فقال كان عالماً ذكياً شيخ الاسلام في بروجردي ومدرساً في مدرستها توفى بعد ابيه بفاصلة قليلة *.



سید محمد بن سید عبد الکریم طباطبائی

بروجردی

اجداد و نیاکان :

سید محمد بن سید عبد الکریم بن سید مراد بن شاه اسد الله بن سید جلال الدین
الامیر بن سید حسن بن سید مجد الدین علی بن سید قوام الدین محمد بن سید اسماعیل
ابن سید عباد بن سید ابی المکارم علی بن سید عباد بن سید ابوالمجد احمد بن سید عباد
ابن سید علی بن سید حمزة بن سید طاهر بن سید علی بن سید محمد بن سید احمد بن سید
محمد بن سید احمد بن سید ابراهیم ملقب بطباطبا بن سید اسماعیل دیاج ابن سید ابراهیم
غمر بن حسن مثنی بن الامام الثانی والسبط الاول الحسن المجتبی ابن امیر المؤمنین
علی بن ابیطالب علیهم السلام .

نسب کان علیه من شمس الضحی القأ و من فجر الصباح عموداً

این سلسله طلائفی را محقق مدقق سید محمد صادق بحر العلوم طباطبائی در

ارجوزه ای بسلك نظم آورده در جلد اول رجال بحر العلوم ص ۲۴ می نویسد:

و بعد جاء فی الصحيح المسند	عن النبی المصطفی محمد
بان کل سبب و نسب	ینبت الاسبی و نسبی
فاستمعن یا ایها الخل الوفی	نظم الفقیر الفاطمی الاشراف

ارجوزة سمت على الجوزاء	اذ قد حوت لنسب الالباء
انهيت فيها لعلی نسبی	اربعة بعد ثلثین اب
مبتدء بوالد المذهب	و فقه الله لنیل الارب
وهو سمي المجتبی الزاکی الحسن	ذاشبل «ابراهيم» صاحب المنن
نسل «الحسين» ابن رضا بن المهدي	حلیف سوڈد ریبب المجد
بحر العلوم صاحب المناقب	سید اهل الفضل ذی التجارب
محقق المعقول و المنقول	مدقق الفروع و الاصول
فکم کرامات له مشتهرة	وقد غدت فی عصره مزدهرة
کایة الحجاز و الغمامة	فانها لفضله علامة
و آية السهلة و الاعرابی	و آية التشییع و السرداب
و آية الرؤیة للامام	فی حالة النهوض للقیام
و آية الضم دلیل مرتضى	لشبل حجة الانام المرتضى
نسل محمد سمي المصطفى	وهو التقی المتعالی شرفاً
نسل الفتی «عبدالکریم» الفاضل	نسل «مراد» نسل «شاه» الكامل
ذا «اسدالله» حلیف السوڈد	نسل «جلال الدین» نسل الاوحدی
وهو ریبب المکرمات الحسن	قامت فروضها به والسنن
نسل حلیف المجد مجدالدین	نسل فتی العلیا - قوام الدین
سلیل «اسماعیل» نسل الانجب	«عباد» نسل الفذ عالی الرتب
وهو المکنی بابی المکارم	سلیل عباد ابن خیر عالم
وهو ابو المجد بن عباد السنن	نسل علی القدر صاحب المنن
نسل الزکی حمزة بن طاهر	نسل علی وهو ذو المفاخر
نسل محمد سلیل احمد	نسل محمد الهمام الامجد

نسل الرئيس احمد النبیل فخر الوری ذی الشرف الاصل
 سلیل ابراهیم ازکی النجبا وهو الذی لقبه طباطبا
 سلیل اسماعیل الدیاج من فضله کالکوکب الوهاج
 سلیل ابراهیم نسل الحسن وهو المثنی بن الامام الحسن
 نسل الامام صاحب الفضل الجلی امیر اهل الحق مولانا علی

در این سلسله طلائى شخصیت هائی برجسته بچشم میخورد که لازم است
 بچندتن از آنها اشاره شود :

۱ - حسن مثنی که جدا علی سلسله طباطبائی ها است از فرزندان سبط اول و
 امام دوم حسن مجتبی علیه الصلوٰة والسلام است .

مادرش بگفتار سید جمال الدین نسابه (۱) در عمدة الطالب ص ۸۴، خوله
 دختر منظور بن زبان بن سیار بن عمرو بن جابر است .

حسن مثنی اضافه بر انتساب جسمانی به اهل البیت علیهم السلام به انتساب
 روحانی نیز مفتخر بود زیرا در علم و عمل وزهد و تقوی کم نظیر بوده است .
 شیخ مفید (۲) در ارشاد می نویسد :

* واما الحسن بن الحسن علیه السلام فكان جلیلاً رئیساً فاضلاً ورعاً وکان یلی
 صدقات امیر المؤمنین عليه السلام فی وقته وکان حاضراً مع عمه الحسن عليه السلام الطیف فلما

(۱) جمال الدین احمد بن علی بن حسین بن علی بن مهنا داودی از دانشمندان نسب
 شناس اوائل قرن نهم هجری است در ۷ صفر ۸۲۸ قمری در کرمان درگذشت .
 کتابش عمدة الطالب مشهورترین کتب انساب است ولی متأسفانه با کثرت نسخ خطی و چاپی
 هنوز يك نسخه مصحح از آن نشر نشده .

(۲) شیخ مفید محمد بن محمد بن نعمان از اعظم دانشمندان شیعه در قرن چهارم و پنجم هجری است
 وی در سال ۳۳۶ متولد و در سال ۴۱۳ هجری در بغداد درگذشت و در تشیع او گویند هشتاد
 هزار نفر شرکت داشتند .

قتل الحسین (ع) و اسر الباقون من اهلله جائه اسماء بن خارقة فانتزعه من بين الاسراء * .
مورخین می نویسند: حسن مثنی بخواستگاری یکی از دودختر عمویش (فاطمه،
سکینه) نزد امام حسین علیه السلام آمد آنحضرت فرمود هر يك را بخواهی انتخاب کن او
خجالت کشید حضرت فرمود من فاطمه را برای تو اختیار کردم که از سکینه بزرگتر
و بمادرم فاطمه شباهتش بیشتر است .

حسن مثنی در کربلا شرکت در جنگ نمود ولیکن کشته نشد بلکه مجروح در
میان کشتگان افتاد، سپاه دشمن او را اسیر نمودند ولیکن اسماء بن خارجه که از طائفه
فزاری و از طرف مادر باوی نسبت داشت او را در کوفه معالجه کرد و تا سال ۹۷ هجری
زندگی داشت در همان سال در سن ۵۳ سالگی بفرمان سلیمان بن عبدالملك مسموم شد
و در بقیع بخاک رفت فاطمه همسرش از شدت علاقه و محبت یکسال بر قبر او خیمه زد
و بسوگواری نشست . اعقاب حسن مثنی از پنج پسر است .

اول عبدالله محض، دوم ابراهیم غمر، سوم حسن مثلث، مادر هر سه تن فاطمه دختر
سیدالشهداء علیه السلام بود. چهارم داود پنجم جعفر مادر آنها کنیزی رومیه بنام حبیبه و مکناته
به ام داود و این زن همان است که حضرت صادق علیه السلام برای نجات فرزندش داود، دعای
موسوم بدعاء ام داود را باو یاد داد .

۲ - ابراهیم غمر فرزند حسن مثنی سیدی جلیل و شریف که بسیاری از صفات
عالیه را بحکم توارث اخلاقی از پدر و مادر بارث برده بود .

ابن مهنادودی در عمدة الطالب ص ۱۴۹ می نویسد : ابراهیم را از نظر جود
و سخاوتش غمر میگفتند .

کان سیداً شریفاً روی الحدیث وهو صاحب الصندوق بالكوفة یزار قبره
ابوالفرج اصفهانی (۱) در مقاتل الطالبیین ص ۱۸۷ می نویسد :

(۱) ابوالفرج علی بن حسین اموی مروانی شیعی زیدی اصفهانی ، ادیب و کاتب ، شاعر
و مورخ و نسابه از مشاهیر مصنفین و مورخین در سال ۳۵۶ هجری در بغداد درگذشت .

* ابراهیم ابن الحسن بن الحسن بن علی بن ابیطالب علیه السلام و یکنی ابوالحسن و امه فاطمه بنت الحسین علیه السلام کان ابراهیم اشبه الناس برسول الله صلی الله علیه و آله و سلم * . منصور دوانیقی فرمان داد ابراهیم غمرا با برادرش و جمعی از بنی هاشم در کوفه زندانی کردند و مدت پنج سال در رنج و زحمت و شکنجه بسر بردند تا ابراهیم در ماه ربیع الاول سال ۱۴۵ هجری در زندان درگذشت . قبر ابراهیم بین کوفه و نجف مزاری است معروف .

ابراهیم غمرا یازده فرزند داشت .

اول محمد که بخاطر زیبائیش باو دیباج اصغر میگفتند . روزی منصور دوانیقی باو گفت دیباج اصغر توهستی؟ فرمود آری منصور گفت بخدا قسم تو را آنچنان بکشم که کسی رانکشته باشند فرمان داد او را زیر ستون قرار دادند و بر او ساختمان نمودند دوم علی سوم اسحاق چهارم یعقوب پنجم محمد اکبر ششم اسماعیل هفتم رقیه هشتم خدیجه نهم فاطمه دهم حسنه یازدهم ام اسحق ولیکن احفاد و اعقاب ابراهیم غمرا تنها از اسماعیل باقی است .

۳- اسماعیل فرزند ابراهیم غمرا مکنی بابی اسحق و ملقب بدیباج اکبر بود وی در جنگ فخر کت کرد و در آخر بفرمان منصور دوانیقی او را با جمعی از سادات بنی الحسن در هاشمیه زندانی نمودند و عاقبت زندان را بر آنها ویران ساخته و آنان را کشتند .

اسماعیل دو پسر داشت یکی بنام حسن که در جنگ فخر از مجاهدین بود و فرمان هرون الرشید مدت بیست و دو سال در زندان بسر برد تا مأمون او را رها کرد و او در سن شصت و سه سالگی درگذشت .

از جمله اعقاب حسن بن اسماعیل یکی از شخصیت‌های برجسته قرن هشتم هجری ابن معیه ابو عبدالله تاج الدین محمد بن ابی جعفر دیباجی حلی است که شهید در یکی

از اجازات خود از اوتعبیر کرده به اعجوبة الزمان فی جمیع الفضائل والمآثر ابن معیه در ۸ ربیع الآخر سال ۷۷۶ هجری در حله وفات کرد .

دوم از فرزندان اسماعیل دیباج ابراهیم است که طباطبائی ها عموماً در ایران و غیر ایران از فرزندان وی بشمار میروند .

۴- ابرهیم فرزند اسماعیل بن ابراهیم بن حسن بن الحسن علیه السلام ملقب به طباطبا . جمال الدین نسابه در عمدة الطالب ص ۱۶۱ در وجه تلقیب به طباطبا مینویسد : * لقب بطباطبا لان اباه اراد ان یقطع له ثوباً و هو طفل صغیر فخره بین قمیص و قبا فقال طباطبا یعنی قبا قبا * .

پدرش میخواست جهت او لباسی تهیه کند باو گفت قبا میخواهی یا پیراهن چون زبانش نارسا بود گفت طباطبا یعنی قبا قبا .

بعضی گویند کلمه طباطبا در لغت نبطیه یعنی سید السادات . ابو الفرج اصفهانی در مقاتل الطالبیین ص ۱۹۹ می نویسد : لقب طباطبا در آغاز به اسماعیل بن ابراهیم داده شده ولیکن این سخن برخلاف تحقیق است . ابراهیم اضافه بر نسب و نژاد عالی بزیور علم و تقوی نیز آراسته بوده .

شیخ طوسی (۱) در رجال ص ۱۴۴ او را در شمار اصحاب و یاران امام جعفر صادق علیه السلام ذکر نموده گویند عقائد خویش را در محضر مقدس امام رضا علیه السلام معروض داشت و از شك و ریب پاکیزه ساخت .

ابن حجر عسقلانی در لسان المیزان جلد اول ص ۳۵ می نویسد : * کان ابراهیم فاضلاً فی نفسه سر یافی قومه * .

(۱) شیخ الطائفه و رئیس امامیه فخر الاعاجم ابو جعفر محمد بن حسن طوسی وحید عصر خود معروف به شیخ طوسی و لفظ شیخ در کتب اخبار و فقه و اصول با نبودن قرینه منصرف به او است وی از شاگردان شیخ مفید و علم الهدی است و اول کسی است که نجف اشرف را مرکز علمی دینی قرارداد . در دوم محرم سال ۴۶۰ در گذشت .

سلاطین طباطبائی

چنانچه پیش از این ذکر شد سادات طباطبائی در تمام بلدان اسلامی عموماً از نسل ابراهیم بن اسماعیل میباشند و در این سلسله شخصیت‌های مهم علمی و سیاسی و اسلامی بسیار بوده و حتی دولت کوچکی بنام دولت طباطبائی مدت یکصد و پنجاه سال تقریباً در کوفه و یمن تشکیل داده شد و موافق نوشته قاموس الاعلام هفت تن از ایشان بترتیب ذیل به سلطنت رسیدند :

نام	سال جلوس
۱- ابو عبدالله محمد بن ابراهیم طباطبا	۱۹۹ هجری
۲- یحیی الهادی	۲۵۰
۳- مرتضی محمد	۲۸۰
۴- ناصر احمد	۳۲۰
۵- منتخب حسین	۳۲۳
۶- مختار قاسم	۳۲۹
۷- محمد هادی	۳۴۴

ابو عبدالله محمد بن ابراهیم مدتی اندک در کوفه حکومت کرد و عاقبت بدست رفیق خود ابو السرا یا مسموم شد و بعد از او نوه اش یحیی هادی در یمن تشکیل حکومت داد و بشرحیکه گذشت تا سال ۳۴۴ نسل آنها حکمرانی داشتند .

ابو الفرج اصفهانی در مقاتل الطالبیین از امام محمد باقر علیه السلام نقل میکند که بجابر جعفری فرمود: در سال ۱۹۹ هجری در ماه جمادی الاولی مردی از خاندان پیغمبر صلی الله علیه و آله کوفه را متصرف ، و بر منبر آن شهر خطبه بخواند ، خداوند به او با ملائکه مباحات فرماید .

ابراهیم طباطبا یازده پسر و دو دختر داشت اول جعفر دوم ابراهیم سوم اسماعیل

چهارم موسی پنجم هرون ششم علی هفتم عبدالله هشتم محمد نهم حسن دهم احمد یازدهم قاسم دوازدهم لبابه سیزدهم فاطمه.

ولیکن نسل وی از سه نفر باقی ماند : قاسم رسی و حسن و احمد .

۵- احمد بن ابراهیم طباطبائی - ملقب به رئیس و مکنی به ابو عبدالله نخستین کسی است که از سادات طباطبائی باصفهان مهاجرت کرد و پدرش ابراهیم نیز همراهش بود و ابراهیم در اصفهان در گذشت و در جمیلان بخاک رفت.

۶- محمد بن احمد طباطبائی - معروف به ابن خزاعیه و مکنی به ابو جعفر اصغر است. جمال الدین نسابه در عمدة الطالب ص ۱۶۲ می نویسد : ابو جعفر اصغر شاعری ماهر بود در اصفهان در گذشت و کنار جدش ابراهیم در جمیلان مدفون شد .

۷- احمد بن محمد بن احمد طباطبائی - ملقب به فتوح الدین و مکنی به ابو عبدالله او نیز مانند پدرش شاعری ادیب و ادیبی اریب بود در قریه غازان از توابع جویباره از مضافات اصفهان در گذشت .

۸- سید محمد بن احمد بن محمد طباطبائی - مکنی به ابو الحسن دانشمندی خبیر و شاعری بصیر در اصفهان متولد شد و در سال ۳۲۲ هجری در گذشت و چند اثر ادبی ارزنده از خود بیادگار گذاشت : سنام المعالی - عیار الشعر - الشعر والشعرا دیوان شعر .

علماء رجال سید محمد بن احمد را غالباً ترجمه نموده و بعلم و فضیلت و ادب ستوده اند. ابن شهر آشوب (۱) در معالم العلماء ص ۱۵۲ می نویسد : سید محمد بن احمد

(۱) محمد بن علی بن شهر آشوب سروی مازندرانی قطب المحدثین از اعظم شیعه در

قرن ششم هجری است . اکابر شیعه و اهل سنت او را بکثرت علم و عبادت و تهجد و خشوع ستوده اند صلاح الدین صفدی دروافی بالوفیات می نویسد :

ابن شهر آشوب در سن هشت سالگی بیشتر قرآن را حفظ کرده و در علوم متنوعه اسلامی //

الشریف ابن طباطبائی اصفهانی از شعرای متقین شیعه است.

یا قوت حموی در معجم الادباء جلد ششم ص ۲۸۴ می نویسد :

* السید محمد بن احمد الطباطبائی شاعر مقلق و عالم محقق شایع الشعر نبیه الذکرواه عقب کثیر فی اصفهان فیهم علماء و ادباء و نقباء و مشاهیر و کان مذکوراً بالذکاء و الفطنة و صفاء القریحة و صحة الذهن و جودة المقاصد.*

سپس نزدیک ۹ صفحه از اخبار و اشعارش نقل میکند .

۹ - سید علی بن سید محمد طباطبائی ملقب به شهاب و مکنی به ابوالحسین

از شعراء و سخنوران اصفهان بوده است .

جمال الدین نسابه در عمدة الطالب ص ۱۶۲ سید علی بن محمد طباطبائی را ذکر میکند و می نویسد : یکی از اعقاب وی عالم نسابه ابو اسماعیل ابراهیم بن فاصربن ابراهیم بن عبدالله بن حسن بن علی شاعر اصفهانی صاحب کتاب منتقله در علم نسب است.

نسب سید محمد طباطبائی بر جردی از طرف مادر

مرحوم سید محمد نه تنها از طرف پدر نسبش و الا و بلفند است بلکه از طرف مادر نیز نژادش را جزمند است زیرا مادرش از دختران بلا واسطه مرحوم مجلسی اول یا دختر زاده اوست.

صاحب مکارم الآثار می نویسد : در روضات تصریح کرده که میر سید محمد پسر خواهر علامه مجلسی و از جمله اولاد دختران ملا محمد تقی بوده و بهمین جهت نواده اش سید بحر العلوم از علامه مجلسی به خال تعبیر می کرده .

بحدی ترقی کرد که خواستاران فضیلت از بلدان اسلامی بسوی او هجرت می کردند تا از معارف وی استفاده کنند . در عصر مقتفی عباسی در بغداد منبر میرفت و مورد احترام خلیفه قرار گرفت و بوی خلعت پوشانیدند .

وی در بیست و دوم شعبان سال ۵۸۸ هجری درگذشت .

ولیکن این اشتباه است زیرا هر چند سید محمد بخاواده مجلسین قرابت داشته ولیکن از این جهت نیست که مادرش دختر مجلسی اول و خواهر مجلسی دوم باشد چه دختران مجلسی چهارتن بوده و همسر آنها معلوم و مشخص است هیچ يك از آنها همسر سید عبدالکریم پدر سید محمد نبوده و همانا راهیکه سید محمد را بخاواده مجلسین متصل می کند این است که وی دختر میرزا ابوطالب بن میرزا ابوالمعالی کبیر ابرازو جیت داشته و مادر میرزا ابوطالب دختر ملا محمد صالح مازندرانی یعنی خواهر زاده ملا محمد باقر مجلسی بوده و نیز خود میرزا ابوطالب دختر ملا عبدالله بن ملا محمد تقی مجلسی و هم دختر ملا نصیرالدین بن ملا عبدالله مذکور را بهم سری داشته چنانچه در الفیض القدسی نوشته .

مرحوم آقا بزرگ تهرانی در الذریعه جلد دوم می نویسد : مادر سید محمد دختر میرزا ابوطالب بن میرزا ابوالمعالی است و مادر آن دختر دختر ملا محمد صالح مازندرانی است که خواهر مجلسی ثانی بوده . ولیکن این سخن نیز خلاف تحقیق است .

دانشمند گرانمایه سید محمد صادق بحر العلوم در مقدمه فوائد رجالیه ص ۱۲ می نویسد: مادر سید محمد دختر علامه کبیر ملا محمد صالح مازندرانی شارح کافی کلینی است که در سال ۱۰۸۱ هجری در گذشت و مادر آن دختر عالمه فاضله تقیه دختر ملا محمد تقی مجلسی است و بهمین جهت سید بحر العلوم در مصنفاتش از مجلسی اول بجد و از مجلسی دوم بخیال تعبیر می نموده و همین نظر نیز مورد تأیید مرحوم آیه الله العظمی بروجردی قدس سره می باشد .

در کلمات و جمالاتی که بر لوح قبر سید محمد در تاریخ ۱۳۵۹ هجری قمری بانشاء مرحوم آیه الله نقر شده این عبارت دیده می شود: * و امه بنت مولانا محمد صالح المازندرانی شارح الکافی وام امه العالمه الصالحه آمنه خاتون بنت مولانا محمد تقی

المجلسی شارح الفقیه *

بنابر این سخن اشکال صاحب مکارم الاثر مرتفع است زیرا بنا بر این گفتار، مادر سید محمد دختر بلا واسطه مجلسی نیست تا اشکال شود بلکه دختر زاده مجلسی است ولیکن اگر وقت بیشتری شود این سخن نیز قابل خدشه است زیرا از دختر مرحوم مجلسی همسر ملا صالح جزیک دختر ذکر نموده اند که آنهم همسر میر ابوالمعالی کبیر بوده چنانچه حاج میرزا حسین نوری (۱) در الفیض القدسی ص ۲۴ می نویسد :

فرزندان ملا محمد صالح مازندرانی از آمنه بیکم دختر مجلسی اول عبارت است از :

- ۱- فاضل مقدس علامه آقا هادی ۲- آقا نورالدین ۳- آقا محمد سعید متخلص به اشرف ۴- فاضل ادیب آقا حسنعلی ۵- مقدس صالح آقا عبدالباقی ۶ عالم و روح آقا محمد حسین ۷- دختری که همسر میر ابوالمعالی کبیر بوده است .
- در خلال اندیشه و فکر در این موضوع بکتاب زندگانی آیه الله بروجردی بقلم دانشمند فرزانه جناب آقای دوانی دامت توفیقاته برخورد نمودم خوشبختانه همین بحث در آنجا مطرح شده و جوابی از مرحوم آیه الله بروجردی نقل نموده می نویسد :
- پس از اینکه کتاب وحید بهبهانی را تألیف نمودم و مورد تقدیر حضرت آیه الله بروجردی قرار گرفتم روزی در هنگام ملاقات فرمودند مطابق تحقیقاتی که من نموده ام مرحوم ملا محمد تقی مجلسی ۶ دختر داشته و یکی از آنها که از قلم افتاده همسر جد ما سید عبد الکریم طباطبائی است که از او سید محمد متولد شده .

اگر چه این سخن منقول از آیه الله بروجردی منافی است با آنچه بدستور و

(۱) نوری خاتم المحدثین فقیه محدث رجالی متوفی ۱۳۲۰ قمری شرح حالش

بمناسبت شیخ عبد الرحیم بروجردی ذکر می شود .

انشاء ایشان بر لوح قبر مرحوم سید محمد ثبت شده زیرا چنانچه ذکر شد صریحاً مادر سید محمد رادختر ملا محمد صالح ذکر نموده اما می توان گفت که پس از تاریخ انشاء این کلمات مرحوم بروجردی متوجه اشکالات تاریخی در این موضوع شده و برای حل اشکالات تحقیقات بیشتری فرموده و نتیجه تحقیقات خود را به آقای دوانی بیان داشته اند - والله العالم .

سید محمد بن عبدالکریم طباطبائی در اصفهان چشم به این جهان گشود و پس از تحصیلات مقدماتی طبق آنچه در مقدمه رجال بحر العلوم ص ۱۲ ذکر شده مدتی نیز در روزگار جوانی در بروجرد به تحصیلات عالیه اشتغال داشته و سپس از بروجرد به نجف اشرف رهسپار شد و از اکابر و اساطین علم و فضیلت استفاضه کرد تا بعد از اجتهاد رسید و بتدریس و تألیف و تصنیف مشغول گشت و سه بار به ایران مسافرت کرد. سفر اول در زمان شاه سلطان صفوی و سفر دوم در حدود سال ۱۱۴۵ هجری و در این باره استدعاء و خواهش مردم بروجرد که از وی التماس اقامت کردند مدتی در این شهر در محله صوفیان اقامت فرمود سفر سوم در اواخر عمرش بود در این سفر هنگامیکه بکرمانشاه می رسد اهالی آن شهر خواهش میکنند در آن جا رحل اقامت افکند مدتی در کرمانشاه ساکن و مردم را از برکات انفاس پاک خویش بهره ور می سازد .

گفتار علماء رجال در ترجمه سید محمد

علماء رجال از معاصرین و متأخرین مرحوم سید محمد را بعظمت علم و کثرت روایت ستوده اند . علامه نوری در الفیض القدسی ص ۲۶ از سید عبداللّه سبط محدث جزائری نقل میکنند که در اجازه کبیره اش نوشته :

*السید محمد الطباطبائی ابن اخی المولی محمد باقر المجلسی کان علامة محققاً

واسع العلم کثیر الروایة له مصنفات کثیرة منها شرح المفاتیح لم یتم ورسالة فی تحقیق معنی الایمان ادرج فیها فوائد مهمة ناوینی منها نسخة رایته اوقات اقامته فی بروجرد و تجارینا فی کثیر من المسائل الفقهیة رایته بحرأصافیا انتقل باهله الی العراق و اقام مدة ثم خرج منه معاوداً الی بروجرد و وصل الی کرمانشاه فعرض علیه اهله الاقامة عندهم فلبث هناك الی ان توفی ره *.

مخفی نمائد که وفات سید محمد در کرمانشاه خلاف تحقیق است چنانچه مرحوم آیه الله العظمی بروجردی قدس سره در ترجمه سید محمد که پس از این ذکر میشود می نویسد :

این سخن که در اجازه ذکر شده و دیگران نیز پیروی کرده اند که وفات سید محمد در کرمانشاه بوده ناشی از بی خبری و بی اطلاعی است زیرا در آن هنگام از نظر کشته شدن نادرشاه راه ها بسته و اخبار منقطع بوده .

حجة الاسلام حاج میرزا محمود در مقدمه مواهب السنیة می نویسد :

*السید محمد کان من اجلة السادة المجتهدين واعاظم العلماء والفقهاء والراشدين حاویاً للفروع والاصول جامعاً للمعقول والمنقول *.

سید محسن عاملی در اعیان الشیعه جلد ۴ ص ۲۷۲ می نویسد :

*السید محمد بن السید عبد الکریم الطباطبائی الاصفهانی مولداً النجفی موطناً البروجردی مدفناً کان مولده باصبهان وموطنه النجف ومدفنه فی بروجرد وقبره بهامزور معروف بمقبرة يقال لها مقبرة صوفیان قریب من الطريق وحصن البلد علی یمین الخارج اوصی بدفنه علی طرق زوار المشاهد فدفن هناك وکان اهله فی بروجرد طلبوا منه الاقامة عندهم لارشادهم حیث مال کثیر منهم الی التصوف باغواء بعض الرؤساء *.

مرحوم آیه الله بروجردی قدس سره در ترجمه سید محمد که بفرمان او در سال

۱۳۵۹ قمری بر لوح قبرش نقر نموده اند نوشته :

* هذا قبر السيد الجليل المسدد والعالم العامل المؤيد حجة الاسلام والمسلمين

الامير السيد محمد بن السيد عبد الكريم الطباطبائي الاصبهاني جد العلامة بحر العلوم لایه بل وجد لاغا محمد علی صاحب المقام لامه علی مافی فیض القدسی وامه بنت مولانا محمد صالح المازندرانی شارح الکافی وامامه العالمه الصالحة آمنه خاتون بنت مولانا محمد تقی المجلسی شارح الفقیه وهو احد شیوخ الوحید البهبهانی صهره علی مامر و سبط خاله الاقانور الدین بن المولی صالح کما فی الروضات وله شرح علی المفاتیح لم يتم و رسائل فی الفقه والکلام وغیرهما فرغ من احداها فی ١١٢٦ و من بعضها ١١٤٠ .

والمستفاد من منابع مختلفة و ثیقه هو انه ولد با صبهان فی اواخر القرن الحادی عشر فی ایام الشاه سلیمان ثم استوطن بالنجف مشغلا بالاستفادة والافادة وسافر منها الی ایران مرة فی ایام الشاه سلطان حسین ومرة اخرى فی حدود ١١٤٥ .

وفی عوده من سفره هذ انزل بروجرد مدة ولا قاه بها السيد عبدالله الجزائري کما فی اجازته الکبیره ومرة اخرى فی اواخر عمره فاقام حبلده کرمانشاه مدة باستدعاء اهلها ثم انتقل منها الی بروجرد فادرکه اجله وظنی ان وفاته كانت فی حدود سنة ١١٦٠ وان مافی الاجازة المذكورة وتبعه غیره من انه توفي بکرمانشاه ناش من انقطاع الاخبار وانسداد الطرق بسبب قتل نادر شاه .

کتب ذا حسین بن علی بن احمد بن علی نقی جواد بن مرتضی بن امیر سید محمد المذکور سنة ١٣٥٩ * .

سید محمد صادق بحر العلوم در مقدمه رجال بحر العلوم ص ١٢ می نویسد :
* ولد السيد محمد فی اصفهان ونشأ فی بروجرد ایام شبابه ثم هاجر الی النجف الاشراف فتمخرج علی علمائها الاعلام برهة من الزمن فكان من العلماء البارزین فی عامة العلوم الدینیة - یومئذ .

و تلمذ علیه ممن تلمذ الوحید البهبهانی قدس سره الذی هو صهره علی ابنته - شقیقة السید مرتضی - وام السید محمد بنت العلامة الکبیر المولی محمد صالح المازندرانی المتوفی ١٠٨٥ واخت العلامة المولی آغا هادی المازندرانی المتوفی

١٣٥٥ واماهاالعالمه الفاضله التقية كريمة المولى المجلسى الاول محمد تقى . واخت
المولى محمد باقر المجلسى الثانى صاحب البحار ولذا كان سيد نا بحر العلوم يعبر
عن المجلسى الاول بالجد وعن الثانى بالخال فى مصنفاته .

وبعد ان بلغ مرتبة الاجتهاد فى النجف الاشرف دعى من قبل اهالى كرمانشاه و
بروجرد للوقوف امام التيار الصوفى هناك : حيث تغلغل هذا الانحراف العقائدى
باغراء بعض الزعماء المتمركزين يومئذ فصار متوجهاً الى بروجرد وماان وصل الى
كرمانشاه حتى انثال عليه اهلها بجميع طبقاتهم يستنجدون به ويرجون منه البقاء عندهم
لعلاج الامراض النفسية السائدة عندهم فبقى هناك يواصل حركة الوعظ والارشاد و
يصد الفتن والاهواء مدة - غير قليلة - من الزمن وبعد ذلك انتقل الى بروجرد بالحاح من
اهاليها فبقى فيها مدة قليلة يواصل فى جهاده الاسلامى حتى توفاه الله فيها سنة ١٢٠١
هجرى . وقيل توفى فى كرمانشاه ونقل جثمانه الشريف الى بروجرد . وعلى كل فقبره
الآن فى بروجرد مزار مشهور يتبرك به الزائرون وتشد اليه الرحال من اطراف البلاد
لقضاء الحواج .



مقبره سید محمد در این اواخر روی بویرانی میرفت مرحوم آیه الله العظمی بروجردی در سال ۱۳۷۷ قمری دستور داد از اثاث و اوقاف خاصه سادات طباطبائی بروجرد که همگی افتخار فرزندیش را دارند بنائی مجلل در اطراف قبر او ساختند و از خرابی حفظ شد.

مخفی نماند که در تاریخ وفات سید محمد سخن باختلاف گفته اند. صریح مقدمه رجال بحر العلوم این است که در سال ۱۲۰۱ قمری در گذشت چنانکه ذکر شد. صاحب مکارم الآثار از مجله المرشد مورخ غره رمضان ۱۳۴۶ قمری نقل میکند که در سال ۱۲۰۰ وفات کرد ولیکن هر دو تاریخ، مسلم اشتباه است زیرا سید عبدالله شوشتری که معاصر سید محمد بوده او را در بروجرد ملاقات کرده در اجازه کبیره اش که در سال ۱۱۶۸ قمری تألیف کرده تصریح به وفات وی نموده اگر چه تاریخ وفات را ذکر نکرده و باضافه در بین تألیفات سید محمد کتابهائی دیده می شود که تاریخ تألیف آنها ۱۱۴۰ و ۱۱۲۶ و ۱۱۲۲ می باشد و بعید است که پس از تألیف در سال ۱۱۲۲ هشتاد سال دیگر زندگی کرده باشد و ظاهراً اصح اقوال در تاریخ وفات سید همان است که از مرحوم آیه الله بروجردی قدس سره نقل شد که در حدود ۱۱۶۰ باشد. والله العالم.

تألیفات سید محمد طباطبائی

آثار علمیه و مؤلفات سید محمد بسیار است ولیکن متأسفانه تا کنون هیچ يك از آنها بطبع نرسیده است.

۱- تاریخ النبی والائمة علیهم السلام، درموالید و وفیات و عدد ازواج و فرزندان آنها در سال ۱۱۲۲ هجری قمری از تألیف آن فارغ شده و حواشی مفید و سودمندی از خود مؤلف بر آن دیده می شود.

۲- الاعلام اللامعه در شرح زیارت جامعه کبیره.

۳- رساله در عصمت ائمه علیهم السلام در اثبات آن از آیه کریمه و اذابتلی

ابراهیم .

۴- تحفة الغری در حقیقت اسلام و ایمان مرتب بر یک مقدمه و چند مقاله و یک خانمه در هفتم رمضان ۱۱۲۶ هجری از تألیف آن فارغ و نسخه‌ای از این کتاب در موقع ملاقات بسید عبدالله شوشتری عنایت کرد .

۵- شرح مفاتیح الشرایع فیض کاشانی در دو جلد در صلوة جماعت .

۶- رساله در طالع ولادت و طریق اخذ آن از زایجه و بیان احکامی نجومی آن.

۷- احباط و تکفیر- نسخه‌ای از این رساله که بگفته مرحوم آقا بزرگ محتمل است خط خود سید محمد باشد در کتابخانه ملامحمد خوانساری در نجف اشرف موجود است .

۸- الرد علی اعتراض الوحید- کتابی است در رد وحید بهبهانی شاگرد خودش وحید بهبهانی در مسئله عدم تبعض بضع بر شهید ثانی اعتراض کرده . سید محمد در این کتاب اول کلام شهید را در روضه البهیة و سپس اعتراض وحید را نقل می نماید و از وی به وحید زمان تعبیر می کند و بعد اعتراض وحید را بر شهید دفع میکند مرحوم آقا بزرگ در الذریعه می نویسد : من این کتاب را در ضمن مجموعه‌ای از رسائلش در مکتبه ملامحمد علی خوانساری دیدم .

۹- رساله در رد بر قول به سهو النبی در این رساله اول گفتار صدوق المحدثین و استادش محمد بن حسن ولید را ذکر می کند و سپس رد می نماید .

۱۰- رساله در اینکه وقت فجر از شب است یا روز .

۱۱- رساله در فضل مسجد کوفه .

۱۲- رساله در امر و مباحث اصولی آن- مرحوم آقا بزرگ در الذریعه می نویسد :

این رساله را در مکتبه ملامحمد علی خوانساری دیدم .

۱۳- رساله در حکم صوم روز عاشوراء .

۱۴- رساله در شهادت زنها .

۱۵- رساله در رضاع مشتمل است بر يك مقدمه که مدت رضاع را در آن ذکر میکند و چند فصل و يك خاتمه . در این رساله از پدرش سید عبدالکریم تحقیقاتی نقل میکند که دلالت میکند بر اینکه پدرش نیز از دانشمندان محقق و علماء بادقت نظر بوده است .

۱۶- رساله در جبر و اختیار .

۱۷- رساله در رد بر شبهه ابن کمونه (۱) در این رساله در آغاز، شبهه ابن کمونه را ذکر میکند و بعد جوابی از ملاصدرای شیرازی (۲) و سپس جوابی از مولا شمس (۳) شمس الدین گیلانی نقل میکند و در هر دو جواب اشکال وارد میکند و خدشه می نماید و در آخر خود جواب دیگری از شبهه می دهد .

فرزندان سید محمد طباطبائی

مرحوم سید محمد دارای پنج فرزند بوده به ترتیب ذیل :

۱- سید رضا - مردی فاضل و عالم و متقی بود و در جوانی در سال ۱۱۷۹ هجری

(۱) ابن کمونه سعد بن منصور بن سعد اسرائیلی حکیم ادیب منطقی آثار او در فلسفه و منطق معروف است مانند شرح اشارات و حکمت جدید و شرح تلویحات .
(۲) محمد بن ابراهیم شیرازی معروف به صدر المتألهین از اکابر فلاسفه اسلامی در قرن یازدهم دقائق حکمت را باسر انگشت افکار ابکار خود گشوده و گوی سبقت را از اعظم حکمای سلف رده و اساس حکمت اشراق را استوار نمود. از شاگردان شیخ بها و میرداماد و میرفندرسکی است در سال ۱۰۵۰ در سفر حج در گذشت و در بصره دفن شد .
بروجردی گوید :

ثم ابن ابراهيم صدر الاجل فی سفر الحج مريض (۱۰۵۰) ارتحل
کلمه مريض مة ماده تاریخ وفات او است .

(۳) ملا محمد شمس الدین گیلانی از حکمای قرن یازدهم و معاصر ملاصدرا می باشد.

درگذشت و در جوار پدر مدفون شد .

۲- سید رضی او نیز از علم و تقوی بهره ور، و مانند برادرش در جوانی وفات کرد.

۳- سید مرتضی پدر تاجدار سید بحر العلوم که در جای خود ذکر خواهد شد.

۴- سید علی طباطبائی که کوچکتر از دیگران بوده و ترجمه اش در محل خود

ذکر می شود .

۵ - دختریکه همسر وحید بهبهانی بود و از وی آقا محمد علی کرمانشاهی

متولد شد. دانشمند محترم آقای دوانی در کتاب وحید بهبهانی ص ۳۶۱ می نویسد :

نخستین همسر وحید بهبهانی دختر فقیه بزرگ آقا سید محمد طباطبائی بروجردی

است . و این زن بانوئی عالمه و فاضله بوده و بعد از سال ۱۲۰۵ که تاریخ وفات

بهبهانی است در کربلای معلی درگذشت .

و در ص ۱۲۷ از همان کتاب می نویسد : بهبهانی در نجف علم معقول را از

محضر علامه زمان سید محمد طباطبائی بروجردی عمه زاده اش که در آن موقع با

کسان خود مقیم نجف بسوده است استفاده می نماید . و در این موقع بشرف

دامادی او مفتخر و با دخترش ازدواج می نماید و از آن دختر ، آقا محمد علی

متولد شد .

آقا محمد علی سبط سید محمد طباطبائی

آقا محمد علی کرمانشاهی فرزند وحید بهبهانی از اکابر علمای امامیه در اوائل

قرن سیزدهم هجری است در ۲۶ ذیحجه روز جمعه سال ۱۱۴۴ در کربلا متولد و پس

از تحصیلات مقدماتی در محضر پدرش در درس عالیة نهائی شرکت نمود و گوی سبقت

را از همکثان ربود و در اندک زمانی جامع علوم و فنون و حاوی اصول و فروع و معقول

و منقول گشت .

علما و معاصرین و متأخرین همگی او را بعظمت علمی ستوده اند .

دوانی در کتاب وحید بهبهانی ص ۳۶۳ می نویسد : ابوعلی حائری (۱) در منتهی المقال که در عصر بهبهانی نوشته می نویسد : آقا محمد دردقت نظر و وقادت ذهن بمنتهی درجه کمال رسیده و از نهایت هم گذشته است اگر اصول و تفسیر و تاریخ و عربیت را بخواهی اودارنده این علوم است و چنانچه خواستار فروع و رجال و حدیث باشی هم او سرچشمه این فنون است .

از همان زمان که همراه پدرش وارد عراق شد مآثر و محاسنش نزد خاص و عام مشهور گشت بطوریکه موجب تحیر مردمان و تعجب همگان گردید .

عالم جلیل سید محمد حسن زنوزی (۲) که از شاگردان بهبهایی است در ریاض الجنة می نویسد : آقا محمد علی بن محمد باقر عالم کامل عامل فاضل باذل تحریر متبحر فقیه مجتهد متبع مورخ منشی ادیب متکلم جلیل القدر عظیم الشان و وحید العصر و فرید الدهر است بسیار بخندمتش رسیده ام .

(۱) ابوعلی محمد بن اسماعیل حائری ازا کا بر شاگردان بهبهانی و صاحب ریاض وسید

محسن اعرجی بوده نژادش به شیخ الرئيس ابوعلی سینا می رسد. وی در سال ۱۲۱۵ هجری قمری در کربلای معلی بر حمت ایزدی پیوست .

(۲) سید محمد حسن زنوزی در سال ۱۱۷۲ قمری در زنوز از توابع مرند متولد و در

۱۲ سالگی نزد محمد شفیع تبریزی به تحصیل مقدمات صرف و نحو مشغول و پس از یکسال بخوی رفت و مدت پنج سال در خوی در ظل حمایت ملا عبدالنبی از علماء بزرگ قرار گرفت .

در سال ۱۱۹۵ بکربلا رفت و چهار سال از بهبهانی و میرزا محمد مهدی شهرستانی وسید علی صاحب ریاض استفاده کرد تاریخ وفاتش بدست نیامد ولیکن در سال ۱۲۱۶ قمری زنده بوده زیرا در تاریخ مزبور ریاض الجنة را تألیف کرده .

سید محمد باقر خوانساری (۱) در ذیل ترجمه بهیانی در روضات الجنات، آقا محمد علی را ترجمه کرده ولیکن بآن مقدار قناعت نکرده جداگانه تحت عنوان عالم بارع فاضل جامع، زین المجالس والمجامع، صاحب المقامع والمقارع، بتفصیل درباره آنجناب قلم فرسائی کرده و می نویسد:

آنجناب عالم نام آوری است که مراکب عقول در بیابان توصیف فضلش خسته و زنگهای قوافل علوم معقول و منقول باظهار کمال و جلالش بصدا در آمده با اینکه تمام فضائل پدرش و مقامات هر مجتهد و فقیهی را دارا بود حائز نفایس فنونی شد و از علوم مکنونی سر در آورد که بر غیر اهلش پوشیده بود.

هر کس خواهد بکتاب مقام الفضل او نظر کند قاصدق گفتار ما را دریابد چه وی در آن کتاب از هر موضوعی سخن بمیان آورده و آنچه را طالبین بخواهند در آن موجود است و بسی مطالب مشکله شرعی را توضیح داده در مواردی از آن اشاره بسایر تصانیف خود نموده است.

همچنین مسائل مفصله فقهیه در آن کتاب هست که جا دارد هر يك را کتابی علیحده قرار دهند مانند مسئله طلاق خلع که عربی نوشته با اینکه کتاب فارسی است، هیچ کس در موضوع مزبور مثل آنرا ننوشته و مانند شهادت زن بمرگ شوهر غائبش با عدم تهمت و مثل مسئله قبله و بیان مقصود اهل هیئت از عرض و طول شهرها که از مطالعه مجموع آنها کمال مهارت مؤلفش در اغلب فنون بخوبی آشکار است.

(۱) میرزا محمد باقر خوانساری اصفهانی از اکابر علماء قرن سیزدهم و چهاردهم هجری فقیه محدث رجالی ادیب محقق از شاگردان سید محمد شهشانی و سید محمد باقر حجة الاسلام اصفهانی و سید ابراهیم صاحب ضوابط و در عصر خود از مراجع خاص و عام بود و جمعی از اکابر مانند شریعت اصفهانی و سید ابوتراب خوانساری و سید محمد کاظم یزدی از شاگردان او بودند. وی در سال ۱۲۲۶ قمری در خوانسار متولد و در سال ۱۳۱۳ در اصفهان وفات کرد.

گویند در اول تکلیف مجتهد بود و کمتر مسئله‌ای بود که با ادله در نظر او نباشد. سالی که بحج رفت در مکه معظمه توقف نمود و بتدریس فقه از نظر مذاهب اربعه اهل سنت و جماعت مشغول شد و علماء مذاهب تا مدت دو سال از او استفاده بردند و در آن مدت دور ساله در احوال مکه و مدینه نوشت.

وی بفرمان پدرش مدتی در کاظمین اقامت کرد و سپس به ایران مهاجرت کرد هنگام ورود بکرمانشاه اهالی مقدمش را گرامی داشتند و از او استقبالی گرم نمودند و حاکم کرمانشاه الله قلی خان زنگنه از آنجناب تقاضا نمود در آن شهر متوقف شود او اجابت کرد و در آنجا بتدریس معارف اسلامی مشغول و پس از چندی بقم مهاجرت کرد.

آقا محمد علی بهبهانی با کثرت مشاغل آثار علمیه اش نیز بسیار است تا ۳۶ کتاب و رساله از او نقل کرده اند از جمله کتاب خیراتیّه او است که در سال ۱۲۱۱ قمری در ردصوفیه نوشت و با شدت هر چه تمام تر معتقدات آنهارا دنبال کرد نسخه ای از این کتاب اکنون در کتابخانه مدرسه فیضیه قم موجود است.

آقا محمد علی بهبهانی مبارزات سختی با صوفیه نموده که شرح مبارزات او با اقطاب و مرشد و در اویش با وضع این کتاب مناسب نیست خواستاران تفصیل بکتاب وحید بهبهانی تألیف دانشمند محقق آقای دوانی مراجعه کنند. فقط برای نمونه دو قطعه شعر از نور علی شاه (۱) و آقا محمد علی ذکر میشود: در قسمت اول نور علی-

(۱) نور علی شاه محمد بن فیض علی شاه از مشاهیر عرفا و صوفیه و نوادر ارباب طریقت اوائل قرن سیزدهم و از بزرگان سلسله نعمت الهیه و نسب طریقتی او باسی واسطه به معرود کرخی میرسید بپدرش از اصفهان به شیراز رفت و با سید معصوم علی شاه هندی دکنی که از طرف شاه علی رضای دکنی برای ارشاد طریقت بایران آمده بود دست ارادت داده و لقبی که خوانده شدند از او گرفته شد.

نور علی شاه در انشاء و نظم و نثر طبعی و قاصدا داشته و اشعارش پر شور و هرجا قدم گذاشته هنگامه برپا کرده و مورد تکیه و تحسین علماء و بزرگان شد عاقبت از ایران بعراق و موصل رفت و در سال ۱۲۱۲ قمری درگذشت.

شاه آقامحمد علی راجبلی خوانده بمناسبت کوهستانی بودن کرمانشاه .

نور علی شاه گوید :

ما ابر گهر باریم هی هی جبلی قم قم
 ماقلزم زخاریم هی هی جبلی قم قم
 اینروز توهم چون شب گرتیره و تاریک است
 ما شمع شب تاریم هی هی جبلی قم قم
 با قافله وحدت گر ز آنکه سری داری
 ما قافله سالاریم هی هی جبلی قم قم
 ماژند قدح نوشیم از نام و نشان رسته
 در میکده خماریم هی هی جبلی قم قم
 در روز ازل با حق ماقول بلی گفتیم
 ما بر سر اقراریم هی هی جبلی قم قم
 با جنت و با دوزخ ما را نبود کاری
 ما طالب دیداریم هی هی جبلی قم قم
 ما باقی باللهیم فانی ز خودی خود
 منصور سرداریم هی هی جبلی قم قم
 در اول و در آخر در ظاهر و در باطن
 ما پرتو دلداریم هی هی جبلی قم قم
 در طور لقای حق رب ارنی گویان
 مستغرق دیداریم هی هی جبلی قم قم
 ای زاهدان فرده رو طعنه مزین بر ما
 ما ابر شرر باریم هی هی جبلی قم قم

درمیکده وحدت چون نور علی دائم

مست می‌خماریم هی‌هی جیلی قم قم

آقامحمد علی سبط سیدمحمد بروجردی در جواب

نورعلی شاه گوید :

تو ابر شرر باری هی‌هی دغلی گم گم

تو خرسک دم داری هی‌هی دغلی گم گم

تو کافر مقهوری از نور خدا دوری

کی مشرق انواری هی‌هی دغلی گم گم

تو معدن اضلالی تو مرجع هرضالی

نه مخزن اسراری هی‌هی دغلی گم گم

ای کاخ دلت بی‌نور از شمع هدایت دور

کی شمع شب تاری هی‌هی دغلی گم گم

در وادی گمراهی تنها شده‌ای راهی

نه قافله سالاری هی‌هی دغلی گم گم

تو جرعه کش زقوم از خمر حمیم‌ای شوم

ناید چه تو خماری هی‌هی دغلی گم گم

باحق زازل گویا از شرک تو گفتی لا

کی کرده توافراری هی‌هی دغلی گم گم

کو دیده حق بینت چون کفر شد آئینت

کی طالب دیداری هی‌هی دغلی گم گم

تو باقی شیطانی آن به که شوی فانی

مخدول سرداری هی‌هی دغلی گم گم

در اول و در آخر در سلطان و در ظاهر

تو کافر غداری می می دغلی گم گم

باشرك نه ای زاهد با کفر نه ای عابد

تسو ملحد مکاری می می دغلی گم گم

آقا محمد علی روز جمعه بیست و هفتم رجب ۱۲۱۶ هجری بر حمت ایزدی پیوست و در کرمانشاه دفن شد و اکنون آرامگاه او معروف به قبر آقا مورد احترام خاص و عام اهالی کرمانشاه است .

فرزندان آقا محمد علی

مرحوم آقا محمد علی دارای ۹ فرزند بوده چهار دختر و پنج پسر بنامهای ۱ آقا محمد ۲ آقا محمد جعفر ۳ آقا احمد ۴ آقا اسماعیل ۵ آقا محمود .
پسر بزرگش آقا محمد جعفر است که در بیست و ششم جمادی الاولی سال ۱۱۷۸ هجری در کر بلا متولد شد و پس از چندی با پدرش به ایران آمد و مدتی در قم از میرزای قمی استفاده کرد و مدتی نیز در درس صاحب ریاض شرکت نمود .
محدث قمی (۱) در فوائد الرضویه جلد دوم ص ۴۴۹ می نویسد :

(۱) محدث قمی حاج شیخ عباس بن محمد رضا بن ابوالقاسم در سال ۱۲۹۴ هجری قمری متولد شد پس از تحصیلات مقدماتی در قم عازم عتبات عالیات شد و در سال ۱۳۱۶ قمری به نجف مشرف و در خدمت حاج میرزا حسین نوری و اکابر آن عصر به تکمیل خویش پرداخت تا مورد توجه استادش علامه نوری شد و خاتمه مستدرک الوسائل را برای او تحریر کرد .
در سال ۱۳۱۸ بحج رفت و سپس بقم مراجعت نمود و پس از اندکی به نجف برگشت و ملتزم خدمت علامه نوری شد و از طرف وی مجاز گشت تا نوری در سال ۱۳۲۰ درگذشت و دو سال پس از مرگ استادش در نجف ماند و سپس بقم مراجعت نمود تا سال ۱۳۲۹ در قم اقامت کرد و بعد دوباره بحج مشرف و بعد از مراجعت بقم و دو سال اقامت به مشهد مقدس رهسپار و سال ۱۳۴۶ در آنجا بود و بعد بعتبات رفت تا در شب ۳۳ ذی الحجه ۱۳۵۹ در سن ۶۵ سالگی در نجف اشرف درگذشت .

* محمد جعفر بن محمد علی ابن محمد باقر بهبهانی عالم فاضل فقیه محقق مجتهد ربانی زاهد عابد مقدس ورع جامع لفنون العلم و انواع الفضائل کان معروفاً بالتحقیق فی اصول الفقه حسن المناظره کثیر التواضع ساع فی قضاء حوائج الناس کان تلمیذ والده . *

آثار علمیه او بسیار است بنقل آقای دوانی نزدیک چهارده تألیف در فقه و اصول و کلام و تاریخ دارد .

فرزند دوم آقا محمد علی بنام آقا احمد صاحب مرآت الاحوال . وی در سال ۱۱۹۱ هجری قمری در کرمانشاه متولد و از ۶ سالگی تحصیلات خود را شروع و در سن پانزده سالگی بر صمدیه شیخ بهاء الدین در نحو حاشیه نوشت و از محضر جمعی از بزرگان و اساطین مانند پدرش و سید بحر العلوم و شیخ محمد جعفر کاشف الغطاء و میرزای قمی و سید علی صاحب ریاض و سید محمد مجاهد و دیگران استفاده کرد .

سفرهای بسیاری نموده و از جمله هندوستان و بیشتر کتب خود را در آنجا تألیف کرده شرح این مسافرتها را در کتاب مرآت الاحوال نوشته پس از پنج سال توقف در هندوستان در حدود ۱۲۲۴ بکرمانشاه مراجعت کرد و در سال ۱۲۳۵ بر حمت ایزدی پیوست و قریب ۲۴ تألیف ارزنده از خود بیادگار گذاشت .

معروفترین آثار علمی او مرآت الاحوال است که بگفته آقای دوانی در این کتاب نکات تاریخی و رجالی و جغرافیائی و مطالب بدیع منحصر بفردی یافت می شود نسخه کامل این کتاب متعلق به سید جلال الدین محدث در کتابخانه ملی موجود است و نسخه ناقصی نیز در کتابخانه ملک هست .

این کتاب مشتمل است بر پنج مطلب و یک خاتمه مطلب اول شرح حال مجلسی اول که جد مادری او است، مطلب دوم شرح حال مجلسی دوم، مطلب سوم شرح حال ملا صالح مازندرانی، مطلب چهارم شرح حال وحید بهبهانی جدش و اولاد و خویشان او، مطلب پنجم

شرح حال مؤلف از ولادت تا مراجعت از هندوستان. خانمه در شرح اوضاع هندوستان. سومین فرزند آقامحمدعلی بنام آقامحمد اسماعیل است. وی در رشت متولد و مراتب علمیه را نزد والد ماجد طی نمود و مدتی هم در درس سیدعلی صاحب ریاض شرکت کرد و بدامادی او مفتخر شد.

چهارمین فرزند آقا محمدعلی بنام آقا محمود در کرمانشاه متولد و مراتب شرعیه و علمیه را در ابتداء در خدمت پدر بزرگوارش و سپس در محضر صاحب ریاض و شیخ محمد جعفر کاشف الغطا طی نمود.

او چند سال در نهاوند مقیم شد و بتدریس و افادت اشتغال داشت ولیکن بر اثر جنگی که در سال ۱۲۴۵ هجری قمری میان حسام السلطنه حاکم بروجرد و محمود میرزا حاکم نهاوند روی میدهد و جمعی کشته می شوند آقامحمود بهبهانی بعنوان اعتراض شبانه خودش تنها نهاوند را بقصد قم ترک می گوید چندی در قم اقامت داشته سپس بتهران می رود و این در زمان سلطنت محمد شاه قاجار بوده است محمد شاه مقدم او را گرامی داشته مدرسه ای که در بازارچه مروی تهران بنام آقامحمود معروف است بنام او ساختند و در آنجا بتدریس اشتغال داشته.

دانشمند محترم آقای دوانی می نویسد: صوفیه با اصرار تمام آقامحمود را از بزرگان خود می شمارند و میگویند بامیرزا محمد تقی کرمانی مظفر علی شاه ارادت داشته.

در المآثر والاثار می نویسد: آقامحمود رئیس بزرگ بوده و بتصوف و عالم درویشان اقبالی عظیم داشت برخلاف سیره پدر بزرگوارش که دوده صوفیان بر انداخت و بعضی را در آب غرقه ساخت. ولیکن تحقیق این است که این نسبت خلاف واقع است زیرا یکی از تألیفات آقا محمود کتابی است بنام تنبیه الغافلین که در سال ۱۲۳۵ قمری تألیف شده این کتاب در رد صوفیه است و در این کتاب سخت

۱۵۲	قرن دوازدهم	تاریخ بروجرد
-----	-------------	--------------

برصوفیه تاخت و تاز شده .

نسخهٔ این کتاب بخط مؤلف موجود و این همان نسخه ایست که مرحوم آقا
بزرگ در الذریعه نام برده .

آقا محمود بگفته صاحب المآثر والاثار در سال ۱۲۷۱ و بگفته شهرستانی در
موائد سال ۱۲۶۹ در گذشت و در جنب قبر جدش بهبهانی در کربلا دفن شد .



آقا حسین بروجردي

از اکابر علماء قرن دوازدهم هجری است .

زخائر علمی خود را از محضر اساتید آن عصر از جمله مرحوم سید محمد طباطبائی بروجردي فراگرفت تا در جمیع معارف و علوم اسلامی از مشاهیر زمان بشمار رفت مخصوصاً در فلسفه و حکمت و عرفان علمی گوی سبقت را از همکتمان ربود و پس از استادش سید محمد طباطبائی افاضه و تدریس به او منتهی شد تا در سال ۱۱۶۹ هجری قمری در بروجردي بر حمت ایزدی پیوست و در جوار امامزاده جعفر مدفون شد .

مکنون که از شعراء همان عصر است در مرثیه و تاریخ وفات مرحوم آقا حسین

ابیاتی سروده که بر لوح قبرش نقر شده :

افسوس از یگانه دوران خود بعهد	آقا حسین که شرع از او یافت زیب و زین
از لعمه شوارق ارشاد فضل او	کسب ضیاء و نور نمودند نیرین
قلب شریف او در گنجینه علوم	عکس ضمیر او بضیا نور مشرقین
انموزج العلوم معانی او مبین	در عقل و نقل واقف اسرار عالمین
در مبحثش معلم اول تمام گوش	در مدرسش معلم ثانی تمام عین
مشائیان پیاده دوان در رکاب او	اشراقیان بهره از او فیض نشأتین
ارباب کشف و ذوق از او جمله مستفیض	جان جهان جهان معانی بخافقین
رست از جهان فانی و پیوست بابقا	افتاد در عوالم ایجاد شور و شین
مکنون بسال رحلت او گفت بابکاء	پر شد فلک ز ناله و فریاد یسا حسین

محمد بن حسین خطاط بروجرودی

از خوشنویسان و خطاطان قرن دوازدهم هجری است .
 از آثار خطی او نسخه ایست از کتاب منهج الصادقین که تفسیر قرآن بفارسی
 است تألیف مرحوم ملافتح الله کاشانی (۱) .
 آقای ایرج افشار در فهرس خطی جلد پنجم ص ۷۰۵ می نویسد : منهج الصادقین
 بخط محمد بن حسین بروجرودی از خطاطان قرن دوازدهم هجری اکنون در کتابخانه
 سلطنتی کپنهاک موجود است .

(۱) ملافتح الله بن شکر الله کاشانی از مفسرین قرن دهم هجری و از شاگردان زواری مفسر
 معروف است . در سال ۹۸۸ هجری قمری در گذشت و از آثار علمیه او منهج الصادقین است که
 تفسیری است روان و در آن دلائل هر طائفه را از آیات و نکات عربیه متعرض شده است .

محمد مؤمن بروجردی

از نویسندگان و خوش نویسان قرن دوازدهم هجری است .
علوم متداوله و معارف معموله را در زادگاهش بروجرد فراگرفت و سپس به
اصفهان مهاجرت و در آنجا رحل اقامت افکند .

از آثار او نسخه ایست از شرح تحفه حاتمیه . تحفه حاتمیه کتابی است که شیخ بهاء
الدین عاملی متوفی ۱۰۳۱ هجری بخواهش شاگردان اعتماد الدوله حاتم بیك صافی
اردوبادی متوفی ۱۰۱۹ هجری تألیف کرده و ملا محمد زمان منجم بر این کتاب
شرحی درسی و هشت باب نوشته .

نسخه ای از این شرح در تاریخ چهارشنبه سلخ رجب سال ۱۱۹۰ بخط نستعلیق و
تحریری محمد مؤمن بروجردی با استدعاء طلاب درویش قاسم مشهدی استنساخ
شده . این نسخه اکنون بنقل فهرس کتب خطی آستان قدس رضوی جلد هشتم ص ۲۰۶
در کتابخانه آستانه موجود است .



ملا عبدالله بروجرودی

ملا عبدالله فرزند حاج رحیم از اعظم علماء قرن دوازدهم هجری است .
معارف و علوم اسلامی را در زادگاه خویش فراگرفت و سپس برای استفاضه
بیشتر باصفهان مهاجرت و بتدریس و تدریس اشتغال ورزید تا از مشاهیر عصر خود بشمار
رفت و در ماه ربیع الاول سال ۱۱۹۱ هجری در اصفهان درگذشت و در تکیه مجلسی
جنب مسجد جامع مدفون شد .
آقای سید مصلح الدین مهدوی در کتاب دانشمندان و بزرگان اصفهان ص ۴۲۳
می نویسد : ملا عبدالله بروجرودی فرزند حاج محمد رحیم عالم فاضل مضاف از اکابر
فقها و دانشمندان قرن دوازدهم در اصفهان است .

میر سید محمد حسین بروجرودی

میر سید محمد فرزند میرزا محمد طاهر حسینی از دانشمندان و اخراج سده دوازدهم
هجری است .

پس از فرا گرفتن علوم معموله و معارف متداوله از زادگاه خویش باصفهان رحل
اقامت افکند و بتعلیم معالم دین مشغول و جمعی را از ذخائر علمی خود بهره ور ساخت .
در رجال اصفهان ص ۱۴۵ و کتاب دانشمندان اصفهان ص ۴۸۴ می نویسد :
میرزا سید محمد بن میرزا محمد طاهر حسینی بروجرودی از فقهاء و زهاد سده دوازدهم
و ساکن اصفهان بوده در سال ۱۱۹۴ هجری قمری در همانجا در گذشت و در آب-
بخشان اصفهان دفن و بر قبر اوسنگ بزرگی است که کتابت آن بخط استاد علی نقی
زمانی است .

سید علی طباطبائی بروجردی

سید علی فرزند سید محمد بن عبد الکریم طباطبائی بروجردی از علماء قرن دوازدهم هجری است .

آقای علوی در کتاب خاطرات زندگانی مرحوم آیه الله بروجردی ص ۱۴ می نویسد : مرحوم میرسید علی بنقل مرحوم آیه الله بروجردی عالمی بزرگوار و دانشمندی عالقدر و بزیور کمال آراسته بدعوت مردم شهرستان یزده آنجا عزیمت و سالها اقامت فرمود حوزه درس او معروف و شاگردان زیادی داشته و بسیار با شخصیت و خوش موقعیت و مرد بحث و جدل بوده و هم در آن شهر مرحوم و مدفون شد .

مرحوم آیه الله بروجردی درشجره طباطبائی ها که به همت بلند دانشمند جلیل آقای حاج سید اسماعیل علوی زیدت توفیقاته طبع شده درص ۴۲ می نویسد : سید علی، فرزند سید محمد بن عبد الکریم بن مراد طباطبائی است . بنابر گفتار بعض احفادش اودر شهر یزد وفات کرد و در آنجا از اعقابش هستند ولیکن صحت گفتار مزبور تا کنون ظاهر نشده است . در مقدمه رجال بحر العلوم می نویسد : سید علی فرزند سید محمد در سال ۱۲۰۱ هجری قمری در گذشت .

سید مرتضی طباطبائی بروجردی

سید مرتضی فرزند سید محمد بن سید عبدالکریم طباطبائی، فقیهی یگانه و عالمی فرزانه بود در نجف اشرف از مآذری صالحه چشم بدنیا گشود .

مادرش دختر علامه امیر ابوطالب ابن امیر ابوالمعالی کبیر و مادر میرزا ابوطالب دختر ملا محمد صالح مازندرانی شارح کافی و مادر ابن دختر چنانچه پیش از این ذکر شد دختر ملا محمد تقی مجلسی بوده .

سید مرتضی پس از تحصیلات ابتدائی و مقدماتی به تحصیلات عالیه و نهائی شروع کرد و از اساتید کربلا و اساطین علمی نجف معارف اسلامی را فرا گرفت تا بحدی که کم کم خود از اعلام و اعظام عصرش بشمار رفت و اضافه بر مراتب علمیه در تقوی و ورع نیز درجه سامیه را حائز گشت .

پس از مدتی از عتبات عالیات مهاجرت نمود و بروجرد تشریف آورد و در این شهر مورد استقبال گرم اهالی شد و ریاست علمی باو محول گشت .

دانشمندان رجال و علماء تراجم احوال از معاصرین و متاخرین سید مرتضی را بعظمت و جلالت توصیف نموده اند .

مرحوم حاج میرزا محمود طباطبائی که شرح حالش ذکر خواهد شد در مواهب

السنيه می نویسد :

او عالمی است جلیل و بزرگوار و متقی و پرهیزکار از آثار علمی او جز يك جلد شرح بعض از مباحث كفاية الفقه محقق سبزواری ، كتابی دیگر بدست من نرسید .

حبیب آبادی (۱) در مکارم الآثار می نویسد: نخستین کسی که از خانوادۀ طباطبائی از بروجرد مهاجرت و به نجف اشرف رفت سید مرتضی بود. او در سال ۱۱۹۹ هجری به نجف وارد شد و در ورود او مردم نجف احتفالاتی نمودند و جشنها گرفتند و در آن عصر چشم و چراغ مردم مسلمان فرزندان و مندا سید مرتضی یعنی بحر العلوم بود بهمین جهت ادباء و شعراء آن زمان در محضر بحر العلوم مشرف و در تهنیت ورود پدرش قصیده ها گفتند و شعرها سرودند از جمله سید احمد عطار بغدادی (۲) قصیده غراء و شعرهایی نغزو شیوا سرود که برای نمونه چند شعرا از آن به نقل از شعراء الغری جلد اول ص ۲۴۲ ذکر می شود :

بشری فبدر سماء المجد قد طلعا و نور شمس نهار السعد قد سطعا
الی قوله :

لیهن سیدنا المهدی طلعه الی بضوء سناها الی کون قد سطعا
و لیتمهج وله البشری برجمته الی بها غابت الافراح قد رجعا

(۱) میرزا محمد علی معلم حبیب آبادی در سال ۱۳۰۸ قمری متولد و پس از تحصیلات مقدماتی و نهائی مدتی در مسقط الرأس خود حبیب آباد اصفهان مرجع امور شرعی بود و در بسیاری از علوم و معارف مطلع ولیکن رشته اختصاصی او تراجم احوال علماء و فضلاء و نوابغ روزگار از جمیع فرق و در جمیع ادوار است و در همین رشته نزدیک ۶۰ کتاب مفید و سودمند تألیف کرده که از جمله مکارم الآثار در اعیان دوره قاجار است .

(۲) شرح حال سید احمد عطار با اختصار بمناسبت احوال شاگردان بحر العلوم ذکر

خواهد شد .

سید مرتضی طباطبائی	قرن دوازدهم و سیزدهم	۱۶۳
--------------------	----------------------	-----

قرت عیون البرایا حین اقبل بل	قرت عیون العلّی والمکرمات معا
اذقر عیناً به مهدی آل رسول	الله اصدع من بالحق قد صدعا
عماد سمک العلّی من قام کاهله	بحمل اعباء دین المصطفی یفعا
یا من یحاول تاریخ اجتماعهما	بعدا افتراق به خرق العلّی اتسعا
ایأتجد فائل تاریخی علیه وقل	لجمع شملک شمل المجد قد جمعا

۱۱۹۹

او قل اذا شئت تاریخ اجتماعهما	لجمع شملکما شمل العلّی جمعا
-------------------------------	-----------------------------

۱۱۹۹

اوشئت اخر فاسمع ما نظمت وما	ارخت بدران فی برج العلا اجتماعا
-----------------------------	---------------------------------

۱۱۹۹

سید مرتضی پس از ورود به نجف ، بتدریس و افاضه مشغول و بسیاری از علماء آن عصر از محضر پرفیض او بهره ور شدند تا در سال ۱۲۰۴ قمری در کربلا در گذشت .

روز وفاتش برای علم و علماء روز سخت و سنگینی بود .

فرزند بزرگوارش سید بحر العلوم بر بدن او نماز خواند و او را در جوار سید الشهداء علیه السلام بخاک سپردند . و بر قبر او صندوق چوبی نصب کردند در سال بعد یعنی ۱۲۰۵ قمری وحید بهبهانی وفات نمود .

نظر باینکه مرحوم وحید استاد بحر العلوم بود سید او را در کنار پدرش دفن کرد مدتی آن صندوق بنام سید مرتضی و وحید معروف بود تا سال ۱۲۳۱ قمری که صاحب ریاض در گذشت خاندان طباطبائی در کربلا از خاندان بحر العلوم ساکن نجف استجازه کردند صاحب ریاض را در جنب آن دو بزرگوار دفن کنند و صندوق قبر بنام سه نفر منقوش شد ولیکن چند سال بعد صندوق قبر را تجدید و بنام وحید و صاحب ریاض تنها نوشتند و از مرحوم سید مرتضی نامی نبردند .

این موضوع مرحوم آیه الله بروجردی را ناراحت کرد تا نامه ای به سید محمد تقی بحر العلوم نوشت بلکه او قضیه را اصلاح کند .

پس از درگذشت سید مرتضی مجالس بسیاری بعنوان سوک و تعزیت و ترحیم در کربلا و نجف تأسیس و در تعزیت فرزندش بحر العلوم قصائد و شعرها سرودند بعنوان نمونه چند شعری ذکر می شود :

سید ابراهیم عطار حسنی که از ادباء و شعراء بزرگ همان عصر است و در شمار شاگردان بحر العلوم ذکر می شود چند قصیده باین مناسبت انشاء کرد از جمله :

مصاب ازال الدموع الغزارا	واجب بین الحشی منه ناراً
و خطب تری الناس من حوله	العظیم سکاری و ما هم سکارا
و نار جوی کلمات رمت ان	بنوخ ضراماً تزیید استعارا
قضی المرتضی من بنی المرتضی	و من هو ازکی البرایا نجارا
فقدنا فتی کان او فی الوری	وفاء و صدقاً و ارعی ذمارا
فقدنا فتی کان مأوی الطرید	و کھف الیتامی و غوث الحیاری
فقدنا فتی لسم یزل بینه	لمن حجه خائفاً مستجارا
فقدنا فتی لا یزل التقی	شعاراً له و العفاف الدثارا
لقد اظلم الکون لما قضی	و کم بسناه البهی استنارا
و لله میت بکته العلوی	بدمع لصوب الملثات جارا
و من قداناخ برحل الحسین	تبوء فی الخلد مثنوی و داراً
فبشری له اذینادی البشیر	بدار السلام البدار البدارا
و لولا بنوه الکرام الهداة	لامست ربوع المعالی قفاراً
رضاً یا بنیه بحکم الاله	و فی الله فاحتسبوه اصطباراً
فان یك واری الثری شخصه	فان سفانوره لا یواری

و کیف یواری و کم منه قد
 کمهدی آل النبی الذی
 هو الخلف المرتجی بعده
 فیما من به سعاد آبائه
 تعز وان جل ما قد دهاک
 ولا تأس وجداً علی من ثوی
 و کن موقناً انه قد غدی
 فبشراه ان کان تاریخه

ارانا الاله هلالا انارا
 تسامت مزایاه عن ان تبارا
 اذا ناب صرف اللیالی وجارا
 علی مالهم من فخار فجارا
 فمامات من ذکره فیک سارا
 برحل الحسین و فیه استجارا
 لاجداده الغر فی الخلد جارا
 تبوء جنات عدن دیارا

۱۲۰۴

ونیز سید ابراهیم عطار در قصیده دیگر بهمین مناسبت می گوید :

ارایت هذا اليوم ما صنع الردی
 انظر الى شمل المکارم والعلی
 ما للنوائب لیس یفتؤ سهمها
 مالی اری الدنیا علی الدنیا العفا
 مالی اری العلیاء اظلم افقها
 ما للمدارس اصبحت تبکی اسی
 کیف السبیل الی النجاة ولم یزل
 من یطلق الاسری ومطلق اسرها
 وبمن یلوذ اللائذون وقد قضی
 وبمن نصول علی الزمان وقد مضی
 میت له بکت المفایر و العلی
 قد هد اركان السرور مصابه
 یا قبره قد طلّت ابراج السماء

بدعائم التقوی و اعلام الهدی
 من بعد ذاك الجمع کیف تبدوا
 نحو الکرام مدى الزمان محدا
 ان اضحکت فی يومها ابکت غدا
 افنور بدرسمائها قد اخمدا
 افقام ناعی المرتضی علم الهدی
 سیف الحمام علی الانام مجرداً
 امسی باصفاد المنون مقیداً
 من کان کهنفاً للانام و مقصداً
 من کان عضباً فی الخطوب مهتداً
 و نعته ایدیه السماحة و الندی
 و غدا لارکان الهموم مشیداً
 فی الفخر حیث المرتضی بک الحدا

اليوم البست العلى حلل الاسى
 اين الذى كنا نسود به علا
 اشقيق روحى للاسى خلقتنى
 حزنى عليك كما علمت مؤبد
 قد كان ليلى قبل يومك ابضا
 يا آل بيت المصطفى والمرضى
 ورضاً بحكم الواحد الاحد الذى
 وكفى النفوس تسلياً من بعده
 صدر الافاضل قدوة العلماء من
 علامة العصر النظامى الذى
 المفرد العلم الذى بوجوده
 فهو الذى يحيى مآثر جده
 ما سار عن دار الفناء مسارعاً
 ومذ اغتدى جوار الشهيد بكر بلا
 ليقر عيناً حيث حل ببقعة
 ولقد جهدت بنظم تاريخ له
 وقريحتى امست هناك قريحة
 فاذا باعظم هاتف فى الغيب لم
 ان رمت تاريخ الشريف المرضى

اليوم برقعت الهدى ظلم الردى
 ونطول فخراً فى الانام و سودا
 قدصرت اهوى ان اساطرك الردى
 لا ينقضى ابداً وان طال المدى
 واليوم اصبح صبح يومى اسودا
 صبراً على مانابكم و تجلدا
 هو بالدوام و بالبقاء تفردا
 بسليبه مهدي ارباب الهدى
 بجدوده فى القول و الفعل اقتدى
 عنه حديث الفضل يروى مسنداً
 امسى بناء المكرمات موطداً
 و يشيد من عليائه ما شيدا
 الا ليغتنم النعيم السرمداً
 اضحى بجنان النعيم مخذلاً
 امسى ثراها للنواظر اثمداً
 فابى على وبات فكرى مجهداً
 وبقيت من قلقى لذاك مسهداً
 ارشخصه قد جاء يعلن بالندا
 فهلم ارخ قد قضى علم الهدى

۱۲۰۲

سيد احمد عطار برادر سيد ابراهيم نيز قصائدى در مصيبت سيد مرتضى بروجردى
 سروده از جمله قصيده اوست كه در شعراء الغرى ص ۲۳۰ ذكر شده وليكن مادر اينجا
 از جهت رعايت اختصار ماده تاريخ آن قصيده را انتخاب نموديم :

و حين لحظ بالحسين رحله نال به شفاعه لن تدحضا

واعطی الفردوس منعاً عن لظی تاریخه نال النعیم المرتضی

۱۲۰۴

و حین لم یلق عذاباً ارخوا جاور مولانا الحسین المرتضی

۱۲۰۲

طریق استخراج ماده تاریخ وفات در تاریخ اول این است که عدد کلمات الفردوس و نال النعیم المرتضی جمع شود و سپس عدد کلمه لظی که ۹۴۱ می باشد از آن دور شود تا مطابق شود با ۱۲۰۴ که تاریخ وفات سیدمرتضی است .

فرزندان سیدمرتضی طباطبائی بروجردی

مرحوم سیدمرتضی دو فرزند بجای خود گذاشت ۱ سید مهدی بحر العلوم .
۲- سید جواد . شرح حال آنها پس از این ذکر می شود و یک دختر نیز داشت که چند ماه قبل از وفات پدرش در گذشت این دختر ربیعه علم و ادب و شرف و فضیلت بود و همسر عالم جلیل سید احمد قزوینی شد که از شاگردان بحر العلوم و وجد سادات قزوینی در حله و در سال ۱۱۹۹ هجری وفات کرد. درسوك و مصیبت این دختر و تعزیت پدرش قصیده ها گفته شد از جمله سید احمد عطار بغدادی اشعاری سرود :

عز علی الاشراف فقدان من	عزت فخر الصبر من بعدها
هد قوی الفخر اساه و قد	برج بالمجد جوی فقدها
و کیف لا، وهی ابنة المرتضی	واحد آل المرتضی فردها
شقیقة المهدی مهدی اهل	الحق هادیها الی رشدھا
و من هو الغرة من جبهته	العلیاء والدرة من عقدها
قد حکم الله بخیر لها	و زادهها سعداً الی سعدھا
اذ حطت الرجل باحمی حمی	به انیلت منتهی قصدها
و حین حلت فی حمی المرتضی	ارخت لازت بحمی حدها

۱۲۰۴

محدث قمی در فوائد الرضویه جلد دوم ص ۴۰۲ می نویسد : * کانت اخت السيد الاجل بحر العلوم من النساء العابدات العارفات المشهورة بالورع والعقل

و الدیانة * .

سپس کرامتی از سید بحر العلوم نقل می کند که هنگامی که خواهرش بیمار شد پس از عیادت باو فرمود تواز این مرض شفامی یابی و پس از این که مردی بتوفیقی و نصیبی خواهی رسید که من بآن نصیب نمی رسم خواهرش سؤال کرد آن نصیب چیست؟ فرمود شیخ حسین نجف بر جنازهات نماز خواهد خواند ولیکن من از این توفیق بی بهره ام و چنان که سید خبر داد واقع شد زیرا خواهرش در ایام طاعون در سال ۱۲۰۴ در گذشت .

شیخ حسین از پیری خانه نشین بود غوغا و نوحه مردم در مرگ این زن صالحه شیخ حسین را متوجه کرد کسی در خانه اش نبود تا از او خبر بگیرد در این موقع سقائی که آب می آورد او را مطلع ساخت باو فرمود مرا حمل کن تا تشییع جنازه کنم او را بر الاغ سوار کرد نزدیک جنازه پیاده شد و بر او نماز خواند ولیکن طبق پیش گوئی سید چنانچه پس از این ذکر خواهد شد ، مرحوم شیخ حسین (۱) نرسید بر جنازه بحر العلوم نماز بخواند .

از این دختر که همسر سید احمد قزوینی بود فرزندى بوجود آمد که در عصر خود کم نظیر بوده است بنام سید محمد باقر بن احمد حسینی قزوینی . او از اعیان علمای امامیه و صاحب کرامات جلیله است .

علامه نوری در نجم الثاقب در ذیل حکایت نود و دوم می نویسد : از جانب امام

(۱) شیخ حسین بن نجف بن محمد نجفی از علماء کم نظیر که در تقوی و فضیلت او را سلمان عسرو وحید دهر و عین اعیان و نادره زمان گفته اند عمری طولانی کرد و مدت ها خانه نشین شد در حق وی گفته اند هر گاه سخن میگفت کلامش حکمت و آیه و روایت بود، در صبر و استقامت کوهی بزرگ و در حلم و بردباری و کظم غیظ نمونه کاملی از رهبران سترگ بوده است .
از آثار علمیه او دره نجفیه در رد اشعریه و دیوان شعر مدایح و مراثی اهل البیت علیهم السلام معروف است . در دوم محرم ۱۲۵۱ وفات کرد .

عصر ارواحنا له الفداء به سید محمد باقر قزوینی خبر داده شد که خداوند به وی بعد از زمانی علم توحید روزی خواهد کرد پس از این بشارت شبی در خواب دید دو فرشته فرود آمد و بردست یکی از آنها چند لوح است که در آنها چیزی نوشته و بر دست دیگری میزان و ترازویی است الواح را در آن ترازو موازنه می کردند آنگاه دو لوح را بروی عرضه کردند و او خواند سپس لوح های دیگر را یکی پس از دیگری قرائت کرد.

سید می گوید دیدم که این دو فرشته عقیده هریک از اصحاب پیغمبر صلی الله علیه و آله را و هم چنین اصحاب ائمه علیهم السلام را با عقیده یکی از علماء امامیه از سلمان و ابی ذر تا نواب اربعه و از کلینی و صدوقین و شیخ مفید و سید مرتضی و شیخ طوسی تا خال و دانی من سید بحر العلوم و خودم را مقابله می کنند من در این خواب بر تمام عقائد علماء امامیه و اصحاب واقف و مطلع شدم و باسراری از علوم احاطه پیدا کردم که اگر عمرم عمر نوح بود و همه را بتحصیل این علوم صرف می کردم بعشری از اعشار این معارف نمی رسیدم.

علامه نوری از سید مهدی قزوینی نقل می کند : که دو سال قبل از آمدن طاعون عام در عراق سید محمد باقر قزوینی بما خبر داد که دو سال بعد طاعون خواهد آمد و آخر کسی که باین مرض خواهد مرد منم و پس از مرگ من طاعون رفع خواهد شد . همان نحو که فرموده بود دو سال بعد یعنی سال ۱۲۴۶ قمری طاعون آمد و نزدیک چهل هزار نفر باین بیماری مردند و غالباً سید محمد باقر بر آنها نماز می خواند و یک روز بر یک هزار نفر یک نماز خواند . و پس از مرگ این جمعیت خودش آخرین نفر بود که باین مرض در شب عرفة پس از نماز مغرب سال ۱۲۴۶ بر حمت ایزدی پیوست.

و نیز علامه نوری در خاتمه مستدرک الوسائل از سید مهدی قزوینی نقل می کند :

که زمانی جمعی از علماء و صلحاء بهمراهی سید در کشتی می رفتیم ناگهان هوا طوفانی

شد مردم همگی مضطرب و گریان و ناراحت شدند اما سید محمد باقر چون کوهی محکم
نشسته فرمود چرا می ترسید باد و رعد و برق همگی منقاد امر خداوند می باشند ،
آنگاه طرف عباى خود را جمع کرد و بطرف بادحر کت داد مانند اینکه پشه را دور کند
و فرمود ساکن باش باد ساکن و کشتی از حر کت و اضطراب متوقف شد مانند اینکه
در گل فرو رفته باشد.

ابو طالب لاریجانی نویل بر و جرد

ابو طالب فرزند ملا محمد ابراهیم مازندرانی لاریجانی از دانشمندان قرن سیزدهم هجری است .

پس از فرا گرفتن معارف و علوم اسلامی رحل اقامت در بروجرد افکند و بافاضه و استفاضه مشغول شد . از آثار خطی او نسخه ایست از کتاب هیئت قوشجی (۱) که در روز پنجشنبه ۱۴ ذیحجه سال ۱۲۰۶ هجری در بروجرد از استنساخ آن فارغ شده این نسخه اکنون بنابه آنچه آقای محمد باقر حجتی در فهرس کتابخانه دانشکده الهیات تهران ص ۳۴۹ می نویسد در آن کتابخانه موجود است .

(۱) علاءالدین علی بن محمد از دانشمندان عامه در قرن نهم هجری و چون پدرش از خدام امیرالغ بیك بن شاهرخ پادشاه ماوراء النهر و حافظ بازشکاری سلطان بود باین مناسبت او را قوشجی گفتند .

وی در سال ۸۷۹ قمری در گذشت و در قسطنطنیه در جوار ابویوب انصاری دفن شد . از آثار او شرح تجرید خواجه و رساله ایست در هیئت که فتحیه نام دارد .

سید محمد مهدی بحر العلوم بن سید مرتضی

بروجردی

علامه دهر و وحید عصر سید محمد مهدی بن سید مرتضی بن سید محمد طباطبائی
بروجردی مردمک چشم علمای روزگار . ولادتش در کربلا شب جمعه غرة شوال سال
۱۱۵۵ قمری واقع شد.

گویند در شب ولادتش سید مرتضی خواب دید امام علی بن موسی الرضا علیهما السلام
را که شمعی بزرگ به محمد بن اسماعیل بن یزید (۱) داد و او شمع را بالای خانه سید
مرتضی روشن کرد و فروغ آن شمع تا عنان آسمان بالا رفت و شرق و غرب را روشن
ساخت قبل از صبح بیدار شد و همان موقع نیز بحر العلوم متولد شد .
هنوز سنش بهفت سالگی نرسیده بود که خواندن و نوشتن را یاد گرفت و بحضور

(۱) محمد بن اسماعیل بن یزید از اصحاب ائمه علیهم السلام موسی بن جعفر و علی بن

موسی و محمد بن علی الجواد . وی از رجال موثق و اهل کوفه بود ، احادیث زیادی از او نقل شده و از
جمله از ابو جعفر ثانی علیه السلام نقل کرده «من زار قبر اخیه و وضع یدیه علی قبره و قرء : انا انزلناه
فی لیلۃ القدر سبع مرات ، امن من الفزع الاکبر» .

در مجالس دینی و مذهبی عشقی عجیب داشت و در همان دوران کودکی بخواندن صرف و نحو و منطق و اصول و فقه و تفسیر و کلام مشغول شد.

سطوح اولیه را در سه سال یا چهار سال تمام نمود و هنوز به دوازده سال نرسیده در محضر والدش بخارج اصول پرداخت و ضمناً از محاضر پرفیض وحید بهبهانی و شیخ یوسف بحرانی نیز استفاده می کرد.

هنوز به پانزده سال نرسیده بود که بدرجه اجتهاد نائل شد و اساتیدش با جتهاد او شهادت دادند و سپس به نجف رفت و در درس علماء نجف نیز حضور بهم رسانید و از هر گلستانی گلی چید و در این خلال بتدریس و تألیف مشغول و در اندک زمان مشار بالبنان گشت وی ظاهراً دومرتبه به ایران مسافرت کرد یکبار در زمان کودکی با پدرش به ایران و بروجرد آمد و در این سفر داستانی جالب از او نقل شده.

مرحوم نوری در کلمه طیبیه از مرحوم حاج شیخ جعفر شوشتری نقل کرده که روزی حاکم بروجرد بعنوان زیارت سید مرتضی مشرف می شود در صحن خانه سید بحر العلوم را که هنوز کودکی بود مشاهده می کند توقف کرده و با او مهربانی و تفقد می نماید پس از رفتن حاکم سید به پدرش عرض میکند از این شهر بزودی حرکت کنیم می ترسم هلاک شوم زیرا این شخص مرا مورد تفقد قرار داد و بیم دارم در دل نسبت بوی محبتی پیدا شود لذا از بروجرد بزودی حرکت کرد.

مرتبه دوم در سال ۱۱۸۶ قمری که سنش به ۳۱ سال بالغ شده بود.

سید محمد صادق بحر العلوم در مقدمه رجال ص ۴۴ می نویسد: جمعی از بزرگان علم و فضیلت از سید بحر العلوم دعوت نمودند ایشان از نظر اجابت در ماه ذی قعدة سال ۱۱۸۶ به ایران حرکت نمود و به خراسان و مشهد مقدس مشرف و زیارت ثامن الائمه علیه السلام نائل شد.

در بین راه باصرار مردم کرمانشاه مدتی در آن شهر متوقف و خواستاران علم و فضیلت چون پروانه بگرد شمع وجودش در حرکت آمدند پس از مدتی بطرف

مشهد حرکت و در آنجا با استقبال گرم و احساسات بی‌شائبه مردم مشهد مواجه شد مدت هفت سال در آن مکان مقدس اقامت و در خلال این زمان از معارف فیلسوف اسلامی سید میرزا مهدی اصفهانی خراسانی استفاده کرد و چنان در مسائل مشکله فلسفه تبحر و توغل پیدا کرد که از طرف استادش به لقب بحر العلوم ملقب شد .

در اواخر شعبان سال ۱۱۹۳ هجری به نجف اشرف مراجعت نمود و با تجلیلی وصف ناشدنی از طرف اهالی بنجف وارد و همان سال برای اقامه مشاعر و اصلاح بعضی از مواقیف و تأسیس بعضی از مواقیف بمکه مشرف شد و دو سال توقف کرد و در خلال این مدت طبق مذاهب چهارگانه تدریس میکرد و چنان بر احکام آن مذاهب تسلط علمی داشت که اهل سنت او را از خود میدانستند و اگر گاهی از مذهبش سؤال میکردند با توریه و تغطیه جواب میداد . ابیات ذیل در این زمینه از او نقل شده :

احمد جدی و اما والدی	مالکی لکن دینی شافعی
و اعتقادی حنفی و انا	شافعی بدلیل قاطع
واری الحق مع السنه فی	کل ماقالوا بامر جامع
و علی رابع للخلفاء	ارتضیهم لالخوف مانع
و انا العن من یلعنهم	وهو عندی کافر بالصانع

سید بحر العلوم از نظر دانشمندان معاصر و متأخر

عموم دانشمندان رجال از معاصرین و متأخرین بعظمت مقام و جلالت قدر بحر العلوم اعتراف نموده اند .

در اجازه ای که استادش وحید بهبهانی با و داده و این اجازه بانضمام چند اجازه دیگر ملحق بفوائد رجالیه بحر العلوم در کتابخانه ملک در تهران موجود است . می نویسد :

* فقد استجازنی الولد الاعز الامجد الموفق المؤید المسدد والفطن الارشد

والمحقق المدقق الاسعد ولد الروحاني العالم الزکی والفاضل الذکی والمتتبع المطلاع
الالمعی السید السند المنتخب الامیر محمد مهدی ولد العالم الکامل السدین والسید
الانجب المتدین الفاضل المقتدی الامیر السید مرتضی الطباطبائی الخ *.

در اجازه‌ای که استاد دیگرش آقا محمد باقر هزار جریبی در سال ۱۱۹۵ قمری
باو داده و آقای دوانی نویسنده کتاب وحید بهبهانی این اجازه را در کتابخانه
ملک دیده می‌نویسد: وبعد فرزند اعز اجل اوحد وعالم عامل کامل سید سند محقق
مدقق دل آگاه نقی زکی ذکی لودعی قدوة فضلاء متبحرین و یگانه روزگار در
معانی و بیان مسدد ومؤید بتأییدات الهی سید محمد مهدی طباطبائی که خداوند علم
وفضل او را افزون کند ومانند او را در سلسله علماء فرقه ناجیه زیاد گرداند.

وی از کسانی است که با آخرین مرحله ترقی رسیده و در فضائل ادبیه و علوم
عقلیه و نقلیه بر همگان فائق آمده شب و روز در اندیشه تحصیل بود و بسیار بامن آمد
و شد داشت قسمتی از معانی و بیان وفقه و اصول را نزد من فرا گرفت و بهره کافی از
منطق و حکمت و کلام و غیره را از ما شنید و دارای استقامت رأی و سلامت فکر و دقت
نظر است.

میر عبد الباقی اصفهانی که از معاصرین بحر العلوم است. در اجازه خود
که در سال ۱۱۹۳ قمری نوشته می نویسد: حاوی انواع کمالات و حائز مرتبه
تقدم و ملکات، مجمع البحرین معقول و منقول مستنبط فروع از اصول برادر
نیکو خصال سید محمد مهدی بن سید مرتضی وی از راه مشهد باصفهان آمد من
پیش تر او را در نجف دیده بودم و در اینجا از تجدید دیدارش مسرور گردیدم و از
محضرش منتفع شدم.

من او را در یائی مشحون و سرشار از ورع و تقوی و گنجی پراز گوهرهای فضل
دیدم او را چنان می بینم که به آخرین مرحله نردبان کمال رسیده و در علم برداشتمندان

روزگار خودفائق آمده و بازحمات روزها و شب زنده داری‌ها در راه تحصیل علم و فضل باوج معالی رسیده است .

شیخ ابوعلی حائری که از معاصرین بحر العلوم است بنقل آقای دوانی در کتاب منتهی المقال می نویسد: سیدسندورکن معتمد مولانا سیدمهدی ابن سیدمرتضی ابن سید محمدحسنی حسینی طباطبائی نجفی پیشوائی است که روزگار بمثلش ندیده و بزرگواری است که مادر در هر از آوردن مانندش عقیم است سید علمای اعلام و مفخر فضایل اسلام علامه دهر و زمان خویش و وحی عصر و روزگار خود است اگر در معقول سخن گوید خواهم گفت شیخ الرئيس است بقرط وافلاطون و ارسطو کی است و اگر در منقول گفتگو کند می گویم این است علامه محقق در فروع و اصول هنگامیکه در کلام مناظره کند می گویم بخدا قسم علم الهدی است و چون قرآن را تفسیر نماید و بشنوم حیران شده می پندارم که کتاب آسمانی بروی نازل شده .

او بعد از استاد بهبهانی پیشوای مجتهدین و فقهای عراق و سید فضایل علی الاطلاق است. علمای عراق در استنباط احکام و استفاده های علمی بوی پناه برند و بزرگان این دیار احکام و علوم خود را از او گیرند.

او کعبه ایست که برای زیارتش باید فرسنگها راه طی کرد و دریای مواجی است که ساحل آن ناپیدا است او راست کرامات ظاهره و علائم و آیات باهره که مشهور و معروف و گوشها از آن پر است .

آقای دوانی در کتاب وحید بهبهانی ص ۲۲۰ می نویسد: زنفوزی در کتاب ریاض الجنه می نویسد: سید محمد مهدی بن سید مرتضی طباطبائی زواری بروجردی الاصل عالم عامل کامل عادل فاضل باذل متبع متبحر نحیر ثقة موققی نقی ذکی زکی المعنی لودعی محقق مدقق و رعا هاد عابد فقیه وحید محدث متکلم ادیب معاصر ماهر شاعر عربی و فارسی است. حفظش بسیار، علامه بشر و مجدد دین حنیف بر رأس سده سیزدهم عظیم النظیر در فقه و حدیث و تمام علوم شرعی و ادبیه؛ در زمان خود سید

علمای اسلام .

بحقیقت باید گفت وی برهان المحدثین و سلطان المؤمنین و قدوه متبحرین و اسوه متقدمین و متأخرین است، کلمات همه انام در باره وی متفق است. او معدن علوم روحانی و چشمه اسرار سبحانی و نخبه گذشتگان در هیاکل ناسوتی و عمده متوصلین سبحانه لاهوتی جامع کمال حافظه و ذکاء و ذهن بطوری که آنچه بیند فراموش نمی کند، هیبت عجیب و جلالت غریب و اخلاق نیکو و حالات حسنه دارد . . .

محقق نقاد شیخ اسدالله شوشتری که از شاگردان بحر العلوم است در ترجمه استادش در کتاب مقایس می نویسد :

* الاستاذ الشریف لغمرة الدهر و ناموس العصر و روضة العلم و قاموس الفضل و الفخر سراج الامة و شیخها و فتاها و مبدا الفضائل و الفواضل و منتهایها واحد نوع الانسان عين الافاضل الاعیان و افضل الفقهاء المتبحرین اکمل الحكماء و اتمتکلمین و العرفاء و المفسرین، خلاصة العلماء المتقدمین و المتأخرین سلالة الائمة النجباء الامناء الغر المنتجبین الطاهرین، ابی المکارم و المقاهر الزاهرة الظاهرة النائی والدانی، رب المناقب و المثائر الباهرة المشتهرة عند الاعالی و الادانی شیخی و استادی و سیدی و سندی و عمادی العلامة العلم العلوی السید محمد مهدی بن مرتضی بن محمد الحسنی الحسینی الطباطبائی البر و جردی*.

حجة الاسلام حاج میرزا محمود طباطبائی در مقدمه مواهب السنیة می نویسد:

* کان (ای بحر العلوم) رکناً من ارکان هذه الطائفة و عمادها و من اروع نساکها و عبادها هو بحر العلوم المؤید بتأییدات الحی القیوم محیی مدارس الرسوم لسان المتأخرین کاشف اسرار المتقدمین متمم القوانين العقلية مهذب القواعد و الفنون النقلية علامة العلماء الاعلام فخر فقهاء الاسلام و هو الحبر العلام و البحر القمقام و الاسد الضرعام مفتی الفرق الفاروق بالحق حامی بیضة المذهب و الدین، ماحی آثار المفسدین

بترویج مراسم اجداده الطاهرین ، نور الهدایه فی الظلم کنارعلی علم ، ابوالمکارم والمزایا الظاهرة فی علماء الایمان والاسلام بحیث کل عن تعدادها لسان القلم حتی فاق بهاعلی العلماء البارعین فظلت اعناقهم له خاضعین *.

علامه نوری در خاتمه مستدرک می نویسد : تمام دانشمندان معاصر و متأخر بر مقام بلند و مرتبه ارجمند سید بحر العلوم متفقند و همگی بر ریاست و قدرت او در همه علوم عقلی و نقلی معترفند جلالت شأنش بجائی رسیده بود که فقیه عالیقدر شیعه شیخ جعفر کاشف الغطا با آنهاهم فقاقت و زهد و ریاستی که داشت خاك کفش او را با گوشه عمامه خود پاک میکرد .

وی از علماء نامداری است که بروز کرامات و تشریفش بخدمت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف بتواتر رسیده و آنچه من میدانم در این فضیلت هیچ کس جز سید رضی الدین بن طاووس بروی سبقت نگرفته است ما کرامات باهره آنجناب را با اسناد صحیحہ آنهادر کتاب دارالسلام و جنة المأوی و نجم الثاقب نقل کرده ایم که اگر همه آنها جمع شود کتاب مستقلی خواهد شد .

اگر بخواهیم تمام سخنان بزرگان و دانشمندان را در باره سید بحر العلوم ذکر نمائیم مثنوی هفتاد من کاغذ شود .

بحر العلوم و شعر و ادب

مرحوم سید بحر العلوم تنهادر فقه و اصول و رجال و حدیث و تفسیر و تاریخ و فلسفه ماهر نبود بلکه در شعر و ادب نیز گوی سبقت را از دیگران ربوده منظومه فقهی او شاهد زنده است و در محاضرات ادبیه داستانهای از وی نقل شده .

از جمله : روزی دو عدد شامی (نقد آن زمان) به سید جواد عاملی که از شاگردانش بود داد تا به فقیری برساند سید جواد پس از پرداختن آن پول به منزل استاد آمد سید بحر العلوم در اندرون خانه بود وی با استاد نوشت : الشامیین قد دفعتهما آن دو

شامی رابه فقیر رد کردم و مهر خود را معکوس به نامه زد :

سید در جواب نوشت :

المبتدا المرفوع جاء منتكس والمهر في الكتاب جاء منعكس
یعنی کلمه شامیین را از نظر مبتدا بودن باید بر رفع نوشت یعنی شامیان و بنصب
اشتباه است . (۱) و باضافه مهر نیز در نامه معکوس است .

سید جواد در جواب نوشت :

قد عكس المهر اختلاف وهمی اذ لم يكن لي فيهما من سهم
والمبتدا المرفوع لما عرضا على الامام العلوي انخفضا
از جمله ملامهدی نراقی صاحب جامع السعادات نامه ای به سید بحر العلوم نوشت
و در ضمن به دو بیت از اشعار قیروانی خلف بن احمد (۲) استشهاد کرد :

(۱) مقصود سید بحر العلوم این بوده که نصب الشامیین مرجوح و رفع آن راجح است
نه اینکه نصبش غلط و لحن باشد زیرا در باب اشتغال نحویین ذکر نموده اند : اسمیکه پس از
آن فعل ذکر شود و در ضمیر آن اسم سابق عمل کند آن اسم از نظر رفع و نصب به پنج قسم منقسم
است لازم نصب و لازم الرفع و راجح نصب و راجح الرفع و مستوی الرفع و النصب چنانچه این
مالك در الفیه تمام اقسام را ذکر نموده و در راجح الرفع میگوید : والرفع في غير الذی
مرجح .

(۲) خلف بن احمد قیروانی از ادباء و شعراء قرن چهارم و پنجم هجری و در سال ۴۱۴
هجری درگذشت و از اشعار معروفه اش ابیات ذیل است :

هل الدهر يوماً بليلي بجود	و ايامنا باللوى هل تعود
عهود تقضت وعيش مضى	بنفسى و لله تلك العهود
الاقل لسكان وادى الحمى	هنيئاً لكم فى الجنان المخلود
افيضوا علينا من الماء فيضاً	فنحن عطاش وانتم ورود
	(معجم الادباء جلد یازدهم).

الاقل لسكان ارض الغری هنیئاً لكم فی الجنان الخلود
 افیضوا علينا من الماء فیضاً فانا عطاشی وانتم ورود
 سید بحر العلوم در جواب نوشت :
 الاقل لمولی یـری من بعید دیار الحبیب بعین الشهود
 لك الفضل من شاهد غائب علی شاهد غائب بالصدود
 فنحن علی القرب نشكو الظما وفزتم علی بعدكم بالورود

از آثار شعری بحر العلوم تشطیر دوبیت محمد بن ادریس شافعی است . (۱)
 یا اهل بیت رسول الله حبکم) حب الرسول ومن بالحق ارسله
 اجر الرسالة عند الله ودکم (فرض من الله فی القرآن انزله)
 کفاکم من عظیم القدر انکم) قداکمل الدین فیکم یوم اکمله
 وانکم بشهادات الصلوة لکم (من لم یصل علیکم لصلوة له)
 از آثار شعری سید قطعه ایست که در شمارهٔ اصحاب اجماع (۲) سروده است :

(۱) محمد بن ادریس شافعی بن عباس بن عثمان بن شافع از نظر اینکه یکی از اجدادش بنام شافع به تشرف حضور پیغمبر (ص) نائل شد او را شافعی گویند نسبش به قریش میرسد در سال ۱۵۰ هجری متولد و از کودکی به علم و مجالس علماء رغبتی داشته در سیزده سالگی در درس امام مالک بن انس حاضر و استفاده میکرد و موطن مالک را حفظ کرد و مایه تعجب استادش تا کم کم شهره آفاق گشت . در سلخ رجب سال ۲۰۲ درگذشت .

(۲) در اصطلاح علماء رجال اصحاب اجماع آنها می باشند که هر روایتی از ایشان بطریق صحیح نقل شده باشد و روایت آن از اول سند تا یکی از ایشان موثق باشند آن روایت را صحیح می دانند و دیگر لازم نیست ملاحظه احوال خود آنها و روات واسطه بین آنها و معصوم را نمایند . گویند نخستین کسی که مدعی این اجماع شد کشی ابو عمرو و از اکابر امامیه در قرن چهارم بود و در کتاب رجال خود اصحاب اجماع را به سه طبقه قرارداد . طبقه اول شش نفر از اصحاب حضرت باقر و صادق (ع) طبقه دوم شش نفر از اصحاب حضرت صادق، طبقه سوم شش نفر از اصحاب حضرت کاظم و حضرت رضا علیهم السلام . اسامی آنها بترتیب طبقات در ذیل مذکور است . ✓

قداجمع الكل على تصحيح ما	يصح عن جماعة فليعلما
وهم اولو نجابة ورفعة	اربعة وخمسة وتسعة
فالسنة الاولى من الامجاد	اربعة منهم من الاوتاد
زرارة كذا بريد قداتي	ثم محمد وليث يافتي
كذا الفضيل بعده معروف	وهوالذي ما بيننا معروف
والسنة الوسطى اولو الفضائل	رتبتهم ادنى من الاوائل
جميل الجميل مع ابان	و العبدلان ثم حمادان
والسنة الاخرى هم صفوان	و يونس عليهما الرضوان
ثم ابن محبوب كذا محمد	كذلك عبد الله ثم احمد
و ما ذكرناه الاصح عندنا	و شد قول من به خالفنا

آثار و خدمات سيد بحر العلوم

ان آثارنا تدل علينا فانظروا بعدنا الى الآثار
مرحوم سيد بحر العلوم اضافه بر آثار علميه و تأليفات نفيسه كه پس از اين

- | | |
|----------------------------|---------------------------------------|
| ۱ - زرارة بن اعين . | ۲ - بريد بن معويه عجلي . |
| ۳ - معروف بن خربوذ . | ۴ - ابو بصير اسدي . |
| ۵ - فضيل بن يسار نهدي . | ۶ - محمد بن مسلم طحان سقفي . |
| ۷ - جميل بن دراج . | ۸ - عبد الله بن بكير . |
| ۹ - عبد الله بن مسكان . | ۱۰ - ابان بن عثمان . |
| ۱۱ - حماد بن عيسى . | ۱۲ - حماد بن عثمان . |
| ۱۳ - يونس بن عبد الرحمان . | ۱۴ - صفوان بن يحيى . |
| ۱۵ - حسن بن محبوب . | ۱۶ - محمد بن ابى عمير . |
| ۱۷ - عبد الله بن مغيرة . | ۱۸ - احمد بن محمد بن ابى نصر بن نطى . |

ذکر می شود . آثار بنائی و خدمات مذهبی و اجتماعی نیز دارد که در ذیل به بعض آنها اشاره می شود :

- ۱- تعیین مشاعر حج و مواقیت احرام.
- ۲- بناء سور مسجد کوفه و بناء مقامات بر اساس قدیم و وضع شاخص برای زوال
- ۳- بناء حجرات در اطراف مسجد کوفه .
- ۴- تعیین مقام امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در مسجد سهله.
- ۵- تعیین قبر مختار بن ابی عبیده ثقفی نزدیک قبر مسلم بن عقیل .
- ۶- تعیین و تشیید قبرهای هود و صالح در وادی السلام در نجف اشرف .
- ۷- تعیین مقام مهدی صاحب الزمان روحی و ارواح العالمین لتراب مقدمه الفداء در وادی السلام نجف .
- ۸- بناء مئذنة صحن علوی و تعمیر دیوارهای صحن.
- ۹- تجدید ساختمان مسجد شیخ طوسی در نجف.

مؤلفات سید بحر العلوم

آثار علمیه و مؤلفات سید بحر العلوم از نظر کثرت اشتغالات درسی و ابتلاء بزعامت و ریاست، اندک است اما با این حال قریب ۲۲ کتاب کوچک و بزرگ مفید و ارزنده از وی بیادگار موجود است که بعضی از آنها طبع شده .

- ۱- مصابیح در فقه- عبادات و معاملات . بعضی از دانشمندان در نسبت این کتاب به سید بحر العلوم شک و بعضی جازمند که از او نیست و یکی از شاگردان جمع کرده ولیکن اکثر فقهاء و محققین متأخرین از این کتاب نقل میکنند .
- ۲- تحفة الکرام در تاریخ مکه و بیت الحرام- نسخه ای از این کتاب در کتابخانه کاشف الغطا موجود است .
- ۳- رساله در عصیر عنبی که در مصابیح درج شده .

- ۴- شرح باب حقیقة ومجاز از کتاب وافیه فاضل تونی.
- ۵- شرح بسیاری از احادیث تهذیب شیخ طوسی.
- ۶- فوائد اصولیه که فرزندش سید رضا پس از وفات والدهش جمع نمود و طبع شده .
- ۷- رساله در تحریم عصیر زبیبی.
- ۸- رساله در مناسک حج وعمره . شاید همین رساله است که در جلد پانزدهم الذریعه بنام العجالة الموجزه ثبت شده .
- ۹- رساله در حکم کسیکه قصد چهار فرسخ دارد . این رساله را سید جواد عاملی در مفتاح الکرامه بتمامها نقل کرده .
- ۱۰- حاشیه و شرح بر طهارت شرایع محقق .
- ۱۱- رساله در قواعد احکام مشکوک.
- ۱۲- حاشیه بر ذخیره سبزواری.
- ۱۳- رساله در تحقیق معنی اجمعت العصابة علی تصحیح ما یصح عنسهم.
- ۱۴- رساله در انفعال آب قلیل.
- ۱۵- رساله در فرق و ملل.
- ۱۶- رساله در اطعمه و اشربه.
- ۱۷- رساله در تحریم فرار از طاعون.
- ۱۸- الدرّة البهیة در نظم بعض مسائل اصولیه.
- ۱۹- رساله در مناظره بایهود که در مقدمه فوائد رجالیه چاپ شده.
- ۲۰- دیوان شعر در مدح و رثاء اهل البیت علیهم السلام قریب یک هزار بیت است در ضمن این دیوان اثنا عشریات او است در مرثیاتی، دوازده قصیده است هر قصیده دوازده بیت ترجمه دوازده بند محتشم کاشانی است (۱) ولیکن قصیده دوازدهم مفقود
-
- (۱) محتشم کاشانی از شعراء قرن دهم هجری و بنام علی فرزند خواجه میراحمد در سال /

و فقط فعلا یازده قصیده موجود است. در مطلع بنداول می گوید :

الله اکبر ماذا الحادث الجلل فقد تزلزل سهل الارض والجبل

این ابیات را سید حسین بن سید رضا بن بحر العلوم تخمیس نموده.

براین یازده بند شروحن مختصر و مفصل نوشته شده از جمله شروحن که ملا نوروز-

علی (۱) بنام سفینه النجاة نوشته بطبع رسیده .

۹۹۶ یا ۱۰۰۰ درگذشت . مدرس تبریزی در ریحانة الادب جلد سوم ص ۲۷۹ می نویسد :

محتشم کاشانی برادری داشت بنام عبدالغنی در سال ۹۴۹ در راه مکه فوت کرد محتشم در مرثیه اش یازده بند گفت از جمله :

ستیزه گر فلکا از جفا وجور تو داد نفاق پیشه سپهر از کینه ات فریاد

سرم فدای توای باد صبحدم برخیز برو بعالم ارواح از این خراب آباد

نشان گم شده من بجوز خورد و بزرك سراغ یوسف من کن زبنده و آزاد

بجلوه گاه جوانان پارسا چورسی زرخش عزم فرودآی و نوحه کن بنیاد

چو دیده بر رخ عبدالغنی من فکنی ز روی درد برآر از زبان من فریاد

شبی در عالم رؤیادید امیر المؤمنین علیه السلام باو فرمود چرا در مصیبت برادرت مرثیه

گفتی ولیکن در مرثیه فرزند من شعری تسرودی عرض کرد مصائب فرزندت از حد و حصر خارج

است متعجبم از کجا شروع کنم فرمود بگو : باز این چه شورش است که در خلق عالم است.

محتشم بیدار شد و مصراع دوم را گفت : باز این چه نوحه و چه عزا و چه ماتم است . و این

دوم مصراع مطلع ۱۲ بند او شد تا آنجا که گفت : هست از ملال گرچه بری ذات ذوالجلال . و در

مصراع دیگر مانند در خواب ولی عصر عجل الله تعالی فرجه را دید باو فرمود بگو : او در دل است

و هیچ دلی نیست بی ملال . . .

(۱) ملا نوروز علی بن محمد باقر فاضل بسطامی از علماء مورخین و محدثین قرن سیزدهم و اوائل

قرن چهاردهم هجری است . در سال ۱۲۲۷ قمری متولد و از کودکی بشرف مجاورت امام رضا //

۲۱- خلل وصلوة مسافر . مرحوم آقا بزرگ در الذریعه جلد هفتم می نویسد:

این کتاب را در کتابخانه شیخ عبدالحسین حلی نجفی دیدم .

۲۲- فوائد رجالیه که محتوی است بر فوائد و تحقیقات عمیق و سودمند، این

کتاب در سال ۱۳۸۵ هجری بضمیمه مقدمه ای با تصحیح و تعلیق سید محمد صادق بحر-

العلوم و سید حسین بحر العلوم در نجف اشرف بطبع رسیده .

۲۳- الدرۃ النجفیة در فقه، منظومه ایست متجاوز از دو هزار بیت در طهارت

وصلوة، صاحب جواهر در کتابش در موارد مختلفه از این منظومه استشهاد کرده .

اشعار منظومه سید غالباً سهل و ممتنع است برای نمونه چند بیتی از آن ذکر

می شود :

در باب غسل جمعه پس از ذکر جواز تقدیم غسل در روز پنجشنبه می گوید :

وان نمکنت اداء فاعد و لو قضاء و قضاء لاتعد

در باب احکام جنایز می گوید :

لائس ذکر هادم اللذات ان لم تجئه فهو جاء آت

در مسئله نماز صبح که يك رکعتش در وقت واقع شود فرموده :

و هی اداء لا اداء و قضا و لاقضا کما ار تضاہ المرتضی

در ذکر سجده می گوید :

و الذکر فیه کالر کوع الا ان العظیم مبدل بالا علی

در قرائت حمد و کلمات ایاک نعبد و ایاک نستعین فرموده :

واحذر لدی التخصیص بالعبادة شرکاً و کذباً و اتباع العادة

علیه السلام نائل و از دانشمندان و اعظم خراسان استفاده کرد تا در سال ۱۳۰۹ قمری درگذشت

و در همان زمین مقدس بخاک رفت .

از تألیفات وی فردوس التواریخ در تاریخ مشهد، امواج البکاء در مرثی، تحفة الرضویه در

کرامات و معجزات امام رضا علیه السلام، سفینه النجاة شرح منظومه بحر العلوم می باشد .

ایاک من قول به تفند	فانت عبد لسهواک تعبد
تلهج فی ایاک نستعین	وانت غیر الله تستعین
ینعی علی الباطن حسن ما علن	ما اقبح القبیح فی زی حسن
حسن له الباطن فوق الظاهر	واعبدہ بالقلب النقی الظاهر
و تب الیه و انب و استغفر	و سدد الطاعة بالنفکر
و قم قیام المائل الذلیل	ما بین ایدی الملك الجلیل
و اعلم اذا ما قلت ما تقول	و من تناجی و من المستول

مرحوم سید هفت سال قبل از مرگش یعنی در سال ۱۲۰۵ هجری قمری دره را شروع و ماده تاریخ شروع را کلمه غره قرار داده و در اول دره فرموده :

غراء قد و سمتها بالدره تاریخها عام الشروع (غره)

۱۳۰۵

شیخ محمد علی اعسم در وصف کتاب دره گفته است :

درة علم هی ما بین الدرر فاتحة الکتاب ما بین السور

شرح دره بحر العلوم

منظومه فقهی بحر العلوم از نظر جامعیت و احتواء بر مطالب عالیّه همواره مورد توجه علماء و بزرگان بوده تا کنون ۹ مرتبه در تهران و تبریز و نجف چاپ شده است. اساطین فقه و ادب بر این منظومه حواشی و شروح متعدده ای نوشته اند که بعضی از آنها بقراردیل است :

۱- شرح مرحوم ملا آقای دربندی متوفی ۱۲۸۵ هجری قمری

۲- شرح میرزا ابوتراب معروف به میرزا آقا قراینی.

۳- شرح سید ابوالقاسم بن احمد کاشانی که آنرا کشف الاسرار الخفیه

نامیده است .

- ۴- شرح شیخ اسماعیل عقدائی یزدی متوفی ۱۲۴۰
- ۵- شرح جواد طارمی زنجانی متوفی ۱۳۲۵
- ۶- شرح شیخ جواد بن شیخ علی بن شیخ محمد علی عاملی.
- ۷- شرح سید حسین بن سید رضا حنفی بحر العلوم شرحی است منظوم.
- ۸- شرح شیخ راضی بن محمد خضر
- ۹- شرح میرزا رضا گلپایگانی متوفی ۱۲۸۰
- ۱۰- شرح ملازین العابدین گلپایگانی
- ۱۱- شرح ملا محمد صادق بن ملا محمد یزدی
- ۱۲- شرح صبغة الله کشفی بروجردی- شرحش بنام مفاتیح الکلام یا مفتاح المفاتیح نام دارد.
- ۱۳- شرح شیخ عباس بن شیخ حسن بن کاشف الغطا متوفی ۱۳۲۳ شرحی است منظوم.
- ۱۴- شرح شیخ عبدالحسین بن حاج جواد بغدادی متوفی ۱۳۶۵
- ۱۵- شرح شیخ عبدالرحیم کرمانشاهی متوفی ۱۳۰۵
- ۱۶- شرح سید علی بن ابراهیم عاملی متوفی ۱۲۴۹
- ۱۷- شرح شیخ علی خوئینی شرحش بنام کشف الستره نامیده شده.
- ۱۸- شرح سید علی خوانساری متوفی ۱۲۳۸
- ۱۹- شرح محمد باقر بن محمد کهرودی متوفی ۱۳۱۵
- ۲۰- شرح شیخ محمد علی بن غانم
- ۲۱- شرح ملا محمد علی بن محمد حسن اردکانی
- ۲۲- شرح میرزا محمد علی بن ملا محمد نصیر مدرس چهاردهی رشتی
- ۲۳- شرح حاج سید محمد عصار
- ۲۴- شرح شیخ هادی بن شیخ عباس بن کاشف الغطاء متوفی ۱۳۶۱

۲۵ - شرح حجة الاسلام حاج میرزا محمود بروجردی

۲۶ -

استادان سید بحر العلوم

۱- سید محمد قاضی بن سید محمد طباطبائی بروجردی والد ماجدش که مختصری از احوالش ذکر شد .

۲- آقا محمد باقر وحید بهبهانی استاد اکبر و مروج ملت سید البشر نادره دوران و اعجوبه زمان مجدد مذهب در اواخر قرن دوازدهم و اوایل قرن سیزدهم. وی در سال ۱۱۱۸ هجری قمری در اصفهان متولد شد .

پدرش از فضیلتی عصر خود و از شاگردان شیخ جعفر قاضی کمره ای بروجردی و ملا میرزای شیروانی و علامه مجلسی است و مادرش دختر نورالدین ابن ملا محمد صالح مازندرانی و جد پدری مادرش عالمه فاضله آمنه بیگم دختر مجلسی اول می باشد. بهبهانی مدتی در اصفهان و زمانی هم در بهبهان و مدتی در نجف و در آخر در کربلا سکونت داشت علم حدیث و معقول را در خدمت پدر بزرگوارش آموخت سپس در نجف اشرف در خدمت استاد عالی قدرش آقا سید محمد طباطبائی بروجردی تکمیل علم معقول نمود و در فقه و اصول از فقیه بزرگوار آقا سید صدرالدین همدانی استفاده کرد . او در عصر خود گوی سبقت را از دیگران ربود و بمراتبه سامیه و درجه عالی از علم و فضیلت و ریاست و شهرت رسید .

گویند از وی پرسیدند بچه وسیله بمراتب عالی علمیه ارتقا جستی فرمود که در نفس خود چیزی سراغ ندارم که مایه استحقاق من باشد جز اینکه خودم را لاشیء محض پنداشته و در شمار موجودات نیاورده و در تعظیم و توقیر علما و احترام اسامی ایشان جدی وافی بکار برده و تا آنچه که مقدور می بود در تحصیل علم و دانش فروگذاری نکردم .

شرح مفصل زندگانی بهبهانی و خدمات ارزنده علمی او را طالبین تفصیل از کتاب
وحید بهبهانی تألیف نویسنده توانا و دانشمند معظم آقای دوانی بجویند .
بهبهانی در سال ۱۲۰۵ هجری قمری در کربلا در گذشت و پائین پای شهدا دفن
شد مرحوم سید حسین بروجرودی در نخبه المقال گوید :

والبهبهانی معلم البشر مجدد المذهب فی الثانی عشر
از اح کل شبهة و ریب فبان للمیلاد کنه الغیب ۱۱۱۸
آقامحمد علی فرزند بهبهانی در ماده تاریخ فوت پدر گفت : رفتی ز دنیا باقر علم
۱۲۰۵
اشعاریکه بر لوح قبر بهبهانی نوشته شده و انشاء شاعری است بنام شهاب مشتمل
بر همان ماده تاریخی است که از آقا محمد علی نقل شده :

ندانم باز این شور و مصیبت چیست در عالم
که افغان خلایق از ثری تا بر ثریا رفت
همانا ماتم سر خیل اهل اجتهاد است این
که اهل علم را طاقت زدل و زجان شکیبارفت
جهان فضل و علم آقامحمد باقر آن کاخر
جهان را در عزایش خون ز چشم اشک بالا رفت
هزار افسوس از آن مهر سپهر دانش و عرفان
که سوی مغرب ظلمت چو مهر عالم آرا رفت
غرض آن باقر علم و سمی قبله پنجم
شهاب از دار دنیا چون بسوی ملک عقبارفت
جناب . . . اکبر اولاد امجدش
که بارب هم عدد اسم شریف او ز اسما رفت
ز کلك فطرت خود در وفات و الد ماجد

بلوح دل رقم زد (باقر علمی ز دنیا رفت)

مقصود شاعر از مصراع آخر بیت ششم این است که محمد علی مطابق است از نظر عدد با کلمه رب زیرا عدد هر دو کلمه ۲۰۲ می باشد .

۳- شیخ محمد باقر بن محمد باقر هزارجریبی از اعظم علماء نجف در قرن دوازدهم است. محدث قمی در فوائد الرضویه جلد دوم ص ۴۰۸ می نویسد . محمد باقر هزارجریبی غروی شیخ عالم عامل فاضل کامل جامع انواع علوم استاد صاحب قوانین و شیخ اکبر شیخ جعفر و علامه طباطبائی بحر العلوم . صاحب تتمیم امل الامل مینویسد: غواص تیار در دریاهای علوم و ثاقب گوهرهای مکنونه فهم کننده لطائف و درك نماینده طرائف ، مدرس و حوزة علمیش دارالشفاء بیماریه و سخنان شفا بخشش نجات دهنده قلوب و دلها .

* موافقه شروح للمقاصد مواظبه بیانات لتجريد العقاید، مطالع الانوار اشرقت من فلق قلمه و طوالع الاسرار انجلت من مبسمه شرح مختصر الاصول و حواشیه قد تجلی من الفاظه الرشیقة و دقایق البیضاوی و شرح اللمعة من کلماته الدقیقة وصل من اعظم بلاد عراق العجم اصبهان فی عشر الخمسین بعد المائة و الالف من هجرة سید الانس و البان عند اعظم العلماء الکاملین فی ذلك الزمان ثم انتشر فضله فی عراق العرب فی مجاورة وصی من تشرف به عدنان انتهى *

از محضر پرفیض هزار جریبی عده بسیاری از اساطین استفاده کردند از جمله سید بحر العلوم که از طرف استادش مجاز شد با اجازه مبسوطه که در پایان آن اجازه بحر العلوم را توصیه بجد و جهد در تحصیل مقامات عالیه و نشر احادیث اهل البیت علیهم السلام نموده .

در فوائد الرضویه می نویسد :

* قال فی آخر اجازته المبسوطه لبحر العلوم طاب ثراه ما وهی موجودة عندی بخطه الشریف کسائر اجازات مشایخه رحمهم الله بخطوطهم فی مجموعة شریفة ، و اوصیه ایده الله بالکد فی تحصیل المقامات العالیة الاخریة سیما الجدد فی نشر احادیث اهل بیت النبوة و العصمة صلوات الله و سلامه علیهم ورفض العلائق الدنیة الدنیویة و اياه

و صرف نقد العمر العزیز فی العلوم الممویة الفلسفیه فانها کسر اب بقیعة یحسبه
الظمثان ماء انتهى *

سید بحر العلوم در اجازه‌ای که به سید حیدر یزدی داده در باره استادش هزار
جریبی می نویسد :

* شیخنا العالم الفاضل العارف و استاذنا الحائز لانواع العلوم و المعارف جامع
المعقول و المنقول و مقرر الفروع و الاصول جم المناقب و المفاخر الخ *

هزار جریبی در سال ۱۲۰۵ هجری قمری یعنی همان سال که وحید بهبهانی
در گذشت او نیز برحمت ایزدی پیوست و در نجف اشرف بخاک سپرده شد .

۴- سید حسین بن ابوالقاسم جعفر موسوی خوانساری از علماء بزرگ
در قرن دوازدهم هجری است تحصیل‌اتش بیشتر در محضر والد ماجدش فقیه کامل
میر ابوالقاسم و هم چنین عالم عامل محمد صادق بن ملا محمد تنکابنی بوده و در عصر
خویش مورد توجه خاص و عام شد و در محضر شریفش جمعی از اعلام متخرج شدند
از جمله میرزای قمی صاحب قوانین که افتخار دامادی او را نیز پیدا کرد یعنی خواهرش
را ازدواج کرد، و سید بحر العلوم و آقامحمد علی کرمانشاهی .
مرحوم سید حسین تألیفات نافعه از خود بیادگار گذاشت .

از جمله حواشی شرح لمعه بالغ بر سه هزار بیت که قسمتی از آن در هامش
شرح لمعه در سال ۱۲۷۱ بطبع رسیده و حواشی بشرح ارشاد یعنی ذخیره سبزواری
و شرح دعای ابو حمزه ثمالی و شرح زیارت عاشورا و اجوبة المسائل النهاوندیه در
جواب مسائلی که میر سید علی نهاوندی از آن جناب نموده و رساله‌ای در حکم ملاقی
منتجس .

آقا سید حسین علاوه بر کمالات صوری و معنوی دارای خطی بسیار زیبا بوده
و کتب و رسائل چندی استنساخ نموده . از جمله بهجة الحقائق شرح نهج البلاغة تألیف
علامه محقق میر سید علاء الدین گلستانه .

مرحوم سید حسین جد پدر صاحب روضات است . وی در روز هشتم رجب سال ۱۱۹۱ هجری قمری بر رحمت خداوند پیوست .

۵- سید حسین بن امیر محمد ابراهیم بن محمد معصوم قزوینی از اکابر علماء واعظام فقهاء قرن سیزدهم و دوازدهم هجری است . محدث قمی در فوائد الرضویه جلد اول ص ۱۲۸ می نویسد : حسین بن ابراهیم قزوینی عالم جلیل و سید نبیل جامع معقول و منقول و راعی متقی صاحب کرامات باهره و مقامات عالیله صاحب کتاب معارج الاحکام فی شرح مسالك الافهام و شرایع الاسلام و کتاب مستقصی الاجتهاد فی شرح ذخیره المعاد والارشاد . در سال ۱۲۰۸ وفات کرد و قبرش مزاری است معروف و مردم به آن تبرک می جویند .

۶- شیخ عبدالنبی قزوینی کاظمی- وی دانشمندی بزرگوار از اعظام قرن دوازدهم و سیزدهم هجری که مخصوصاً در علم رجال مهارتی داشته . در سال ۱۲۱۳ هجری قمری در گذشت .

۷- میر عبد الباقی خاتون آبادی اصفهانی - از اساتید فقه و حدیث و ادب و معقول و منقول در قرن دوازدهم هجری، مادرش دختر عالم فاضل آقا میرزا محمد صادق فرزند علامه مجلسی است و مادر پدرش نیز دختر علامه مجلسی بوده و از دو نظر نواده وی می باشد .

وی از مشایخ اجازه سید بحر العلوم است در سال ۱۱۸۶ که بحر العلوم به ایران مسافرت و از راه مشهد باصفهان نزول اجلال فرموده در آنجا با میر عبدالباقی ملاقات و از طرف وی مجاز گشت .

علامه نوری در فیض القدسی می نویسد : اجازه میر عبدالباقی با خط وی که در نهایت حسن و جود است به سید بحر العلوم نزد من موجود و حاکی از فضل و کمال و بلاغت وی می باشد .

سید بحر العلوم در اجازه ای که به سید علی یزدی داده استاد اجازه خود میر عبدالباقی

رأبه جلال و نبالت و مجد و تقوی ستوده است می نویسد :

* اخبرنی اجازة جماعة من اصحابنا الاجلاء العظماء منهم السيد الجليل النبيل

الراقی فی التقوی والمجد والعلی ارقی المراقی الامیر عبد الباقي . *

مرحوم میر عبد الباقي در سال ۱۱۹۳ هجری قمری بر حمت ایزدی پیوست .

۸- شیخ محمد فتونی عاملی- محدثی ماهر و عاملی جامع از علماء اخباری (۱)

در قرن دوازدهم هجری است . جمعی از بزرگان و معاریف از محضرش استفاده کردند

(۱) از زمان رسول اکرم صلی الله علیه و آله تا آغاز غیبت کبری از نظر دست رسی بمعصوم

بی واسطه یا با واسطه احتیاج باجتهاد شخصی و استناد بمباحث اصول فقه نبود . گفتارهای معصومین را غالباً فرامیگرفتند و از مجموع فراهم شده کتابی تهیه می شد که آنرا اصل می نامیدند .

اصول اربعه همین کتابها است . کتب اربعه شیعه : کافی، من لایحضر، تهذیب، استبصار

از همان اصول چهار صد گانه تلخیص شده ولیکن پس از ظهور دوره غیبت کبری و کوتاه شدن

دست از دامان امام حاضر ناگزیر پای اجتهاد بمیان آمد از همان زمان میان دانشمندان شیعه اختلاف

پدید گشت در مدارك احکام گروهی بطرف اصول و قواعد کلی و استخراج احکام از آنها متمایل

شدند و گروه دیگر اعمال و قواعد و قوانین اصولی را روانداسته تنها به آیات و اخبار متوجه شدند

و جمعی از این گروه بحدی افراطی شدند که حتی از عمل بظواهر قرآن اجتناب می کردند در

نتیجه علماء دودسته شدند اخباری- اصولی ، ممیزات و فرق میان این دودسته بسیار است و شیخ

عبدالله سماهیجی اخباری در منية الممارسين فی اجوبة سؤالات شیخ یاسین چهل فرق

قائل شده .

سید محمد دزفولی در کتاب فاروق الحق ۸۶ فرق ذکر نموده . از این ممیزات بچند فرق اکتفا میشود .

۱- مدارك احکام از نظر اخباری کتاب و سنت است بلکه بنظر بعضی از آنها سنت فقط

ولیکن بنظر اصولی مدارك احکام چهار است کتاب و سنت، دلیل عقل، اجماع .

۲- اخباری اجتهاد را حرام می دانند و اصولی اجتهاد را واجب عینی یا کفائی میدانند .

۳- اخباری احادیث کتب اربعه را قطعی الصدور میدانند ولیکن اصولی آنها را قطعی

الصدور نمی داند و بهمین جهت اخباری محتاج بعلم رجال و درایه نیست بخلاف اصولی .

از جمله میرزای قمی و حاج ملامهدی نراقی و سید بحر العلوم و او خود شاگرد ابوالحسن شریفی نجفی بوده که از اساتید آقا سید صدرالدین همدانی است .
سید بحر العلوم در اجازات خود شیخ محمد مهدی فتونی را بر سایر اساتیدش مقدم می‌داشته و ظاهر این است که پس از سید مرتضی نخستین استاد علامه بحر العلوم شیخ محمد مهدی فتونی است .

صاحب روضات می‌نویسد : علامه بحر العلوم در یکی از اجازات خود استادش را چنین ستوده : شیخ عالم محدث فقیه و استاد کامل متبّع نبیه نخبة فقهاء محدثین و زبدة علماء عاملین فاضل بارع تحریر امام فقه و حدیث و تفسیر یگانه عصر خود در اخلاق پسندیده و صفات عالیّه شیخ امام بهی سخی ابو صالح محمد مهدی فتونی .
فتونی در سال ۱۱۸۳ هجری قمری درگذشت .

۹- شیخ محمد تقی دورقی نجفی - از اعظم علماء و اکابر فقهاء عراق در قرن دوازدهم است. آقای دوانی در کتاب وحید بهبهانی ترجمه اش را از فوائد الرضویه از تکملة امل الامل چنین نقل می‌کند: محمد تقی دورقی (دورق از بلاد خوزستان) از اجله علماء و اعلام فقهاء، جامع معقول و منقول و محقق در فروع و اصول از مشاهیر علماء عراق بوده است از شهرهای اطراف در مسائل شرعیه باوی مکاتبه می‌نمودند و از علمش استفاده میکردند و از قدمای مدرّسین نجف اشرف بوده و علامه بحر العلوم بر وی تلمذ نموده دارای نظری دقیق و فکری عمیق .

وی در سال ۱۱۸۶ هجری قمری درگذشت .

۱۰- شیخ یوسف بحرانی - صاحب حقائق از اعظم فقهاء قرن دوازدهم در سال ۱۱۰۷ هجری قمری متولد و در سن کودکی نزد پدرش به تحصیل پرداخت و سپس بر عالم علامه شیخ حسین ماخوری تلمذ کرد. وی مشربی متوسط بین اخباری و اصولی داشت .

مدرس تبریزی در ریحانة الادب جلد دوم ص ۴۲۱ می نویسد : صاحب الحقائق الناضرة فی احکام العترة الطاهرة شیخ یوسف بن احمد عالمی است ربانی فقیه جلیل محدث نبیل محقق مدقق علامه متبحر عابد زاهد متدین متخلق باخلاق کریمه در مراتب علمی و عملی وجودت سلیقه شهرة آفاق و استاد صاحب ریاض و از مشایخ اجازه سید مهدی بحر العلوم می باشد.

آثار علمیه او بسیار است از جمله حدائق که از کتب نفیسه است و در کتاب لؤلؤة البحرین خود راجع بحقائق می نویسد : مانند این کتاب در کتب اصحاب نوشته نشده این کتاب مشتمل است بر همه نصوحی که متعلق بهر مسئله است و دارای تمام اقوال است و هم مشتمل بر بسیاری از فروع می باشد. و این از برکت این مکان شریف (بارگاه سیدالشهدا) است چه که آنچه در ایران نوشته شده باین متانت نیست .

بحرانی در روز شنبه چهارم ربیع الاول ۱۱۸۶ هجری قمری در کربلای معلی بر حمت ایزدی پیوست و جنب قبور شهدا بخاک رفت .

سید حسین بروجرودی در نخبه المقال گوید :

و یوسف بن احمد البحرانی شیخ جلیل قدوة الاعیان
له حدائق قد استوفی الخبر و بعد عد قبضه لنا ظهر

۷۴ ۱۱۸۶

۱۱ - سید میرزا مهدی اصفهانی - او از مهدی اربعه است . چهار نفر بنام مهدی از شاگردان وحید بهبهانی بمقامی بلند و درجه ارجمند رسیدند ۱ - سید مهدی بحر العلوم ۲ - ملا مهدی نراقی ۳ - میرزا مهدی شهرستانی ۴ - میرزا مهدی اصفهانی خراسانی است.

آقای دوانی در کتاب وحید بهبهانی به نقل از زین العابدین در ریاض الجنة می نویسد : میرزا مهدی عالم فاضل کامل باذل عادل ثقة تقی مدقق محقق حکیم متکلم فقیه جلیل المرتبه وعظیم المنزلة استاد عارف ذوالمفاخر والمعارف مجمع البحرین علوم عقلیه و نقلیه و مشرق شمسین حکمت علمیه و عملیه علامه دهر و وحید عصر مولی الهمام و بحر مقام

صاحب‌جاه رفیع و مقام منیع است .

صیت فضلش همانند باران در اقطار عالم باریدن گرفت و انوار افاضاتش همچون اشعه خورشید در نصف النهار بتابید. در تمام علوم استاد بود مخصوصاً در ریاضیات و عقلیات و هم خطی بسیار نیکو داشت . من در مشهد مقدس بسیار نزد وی تحصیل کردم و آن قدر از افاضاتش استفاده نمودم که و صف نتوان کرد .

در شهداء الفضیله از مطلع الشمس نقل می‌کند که مرحوم میرزا مهدی فلسفه عالی را از شیخ محمد بیدآبادی و ریاضیات را از شیخ حسین نجف فرا گرفت .

وی استاد فلسفه بحر العلوم بوده و این در وقتی بود که بحر العلوم بمشهد مقدس آمد و مدتی برای فرا گرفتن علم حکمت در آنجا بماند و هم او بود که وی را ملقب به بحر العلوم نمود چه که او را دریائی از علم یافت و کم کم این لقب بر او شایع شد .

میرزا مهدی در عهد فتح‌علی شاه قاجار بدست نادر میرزا پسر شاه‌رخ میرزا فرزند رضاقلی میرزا فرزند نادر شاه افشار به شهادت رسید و این حادثه مولمه در ۱۳ رمضان سال ۱۲۱۸ واقع شد .

شاگردان سید بحر العلوم

در حوزه سید مهدی بحر العلوم جمعی از اعظام و بزرگان جمع و پروانه صفت از آن شمع جمع استفاضه می‌کردند و تشنگان معرفت بر ساحل آن دریای خروشان نشسته و هر يك باندازه استعداد خویش از معارف بی‌کران وی بهره می‌بردند شرح احوال همه آنها با وضع این کتاب منافی است ولیکن بشرح مختصری از احوال چند تن از آنها اکتفا می‌شود :

۱- سید میر علی بن محمد علی طباطبائی صاحب ریاض - از اکابر فقهاء

واصولین قرن سیزدهم هجری است. مادرش خواهر وحید بهبهانی بود. در دوازدهم ربیع الاول سال ۱۱۶۱ هجری در کاظمین متولد و تحصیلاتش نخست نزد آقا محمد علی فرزند وحید بهبهانی بود و در راه تحصیل کوشش زیادی نمود و در اندک زمانی بر همه شاگردان آقا محمد علی فائق آمد و بعد از آن در دروس دایمی خود وحید بهبهانی شرکت کرد تا بمقامی عالی رسید که بقول حاج سید شفیع بروجرودی در روضه البهیة تمام علماء و مجتهدین و فقهاء معتبر که بعد از وی آمدند از مشکوة دانش او استفاده کرده اند.

سید علی ضمناً بشرف مصاهرت و دامادی بهبهانی نیز نائل شد و از طرف وحید مجاز گشت، و در این اجازه بهبهانی او را بسیار ستوده، از جمله فقراتش این است:

طلب اجازه نمود از من سید سند ما جدا مجد موفق مسدد، رشید ارشد محقق مدقق عالم کامل فاضل باذل صاحب ذهن دقیق و فهم سرشار پاک زاد پاک سرشت نابغه روشندل صاحب نسب جلیل و حسب جمیل دارای طبع وقاد و ذهن نقاد فرزند روحانی من میر سید علی بن سید محمد علی.

سید علی مدتی نیز از علامه بحر العلوم استفاده کرد. بحر العلوم از طرف مادر و سید علی از جانب پدر در جد سوم با هم نزدیک می شوند زیرا هر دو مانند استادشان وحید بهبهانی از نوادگان ملا محمد صالح مازندرانی می باشند که جد آنها آمنه بیگم دختر مجلسی اول است.

سید علی در مناظره و جدل دستی توانا داشته بعدیکه کم کسی بر او غالب می شد مناظرات وی با صاحب قوانین معروف است در عبادت و تقوی نیز کم نظیر بود و شبهای جمعه را تا بصبح احیاء می داشت و عبادت می گذراند.

داستانی عجیب از او نقل شده گویند در سالیکه وهابی ها بقتل و غارت در کر بلا ریختند یعنی روز غدیر سال ۱۲۱۶ هجری بخانه سید علی هجوم آوردند صاحب ریاض

قبل از زنان و فرزندان را به جایی امن فرستاد ولیکن خود و یک بچه شیرخوار در خانه ماند در هنگام هجوم بچه را در بغل گرفت و در یکی از بالاخانه ها که جای همزم بود زیر سبیدی مخفی شد و توکل برخدا نمود .

اشرار و هابی همه جای خانه ها را جستجو کردند و فریاد میکشیدند میرسید علی کجا است. سپس بالاخانه آمدند بخیال اینکه سید علی زیر همزم ها مخفی شده دسته دسته همزم ها را روی سبیدی که سید زیر آن مخفی بود میگذاشتند چون مایوس شدند از خانه بیرون رفتند و تعجب این است که آن بچه در تمام این مدت که در بغل سید زیر سبید بود گریه نکرد و خداوند آنها را حفظ فرمود .

سید علی پس از هفتاد سال زندگی در سال ۱۲۳۱ هجری قمری بسر ای جاوید شتافت و او را در جوار وحید بهبهانی و سید مرتضی در رواق سیدالشهدا دفن کردند .

سید حسین در نخبه المقال گوید :

وصاحب الرياض سید الاجل محقق عن خاله الآقا نقل
قد عاش سبعین بعلم و عمل مقبضه (مؤلف الرياض حل)

۱۲۳۱

حرف دوم کلمه مؤلف برخلاف قائده معموله در باب اعداد حروف الف، یک حساب شده. مرحوم سید علی تألیفات نفیسه ای از خود بیادگار گذاشت که مهمتر از همه تألیف مشهور و بی نظیر کتاب شریف ریاض المسائل فی بیان احکام الشرع بالدلائل است که شرح کتاب مختصر نافع و موسوم بشرح کبیر مقابل کتاب دیگرش که آن نیز شرح مختصر نافع است و مشهور بشرح صغیر و بنام حدیقه المؤمنین نامیده شده .

ریاض المسائل بشهادت بزرگان کتابی است در غایت جودت و متانت و بطور اختصار حاوی اکثر اقوال و ادله فقهیه است با عبارات فصیحیه و مسجحه .

۲- احمد بن مهدی نراقی - از بزرگان امامیه در قرن سیزدهم هجری شرح حالش بمناسبت استادان حاج سید شفیع بروجردی ذکر خواهد شد .

۳- شیخ اسماعیل عقدائی یزدی - از مشاهیر دانشمندان در قرن سیزدهم هجری و دارای مصنفات و آثار سودمند علمی در سال ۱۲۴۰ هجری قمری برحمت ایزدی پیوست بگفته آقا احمد در مرآت الاحوال: وی ارشد تلامذه علامه بحر العلوم بوده و از اساتید آقا احمد فرزند آقا محمد علی کرمانشاهی است .

۴- شیخ احمد صاحب مرآت الاحوال - فرزند آقا محمد علی بن آقا باقر بهبهانی شرح حالش مختصر بمناسبت سبط سید محمد بروجرودی در ذیل احوال پدرش آقا محمد علی ذکر شد .

در مرآت الاحوال در شرح حال خود می نویسد : در آن اثنا که معالم الاصول استدلالی را در خدمت عالیجناب مقدس القاب فاضل بی عدیل و عابد جلیل آخوند ملا محمد اسماعیل یزدی که ارشد تلامذه سید المجتهدین استاد مرحوم سید مهدی طباطبائی نجفی بحر العلوم بود میخواندم بخدمت سید بحر العلوم نیز حاضر میشدم و بشراکت خلف ارجمند ایشان جناب آقا سید محمد رضا و جمعی دیگر از طلاب، زبده الاصول شیخ بهائی و منظومه آنجناب را که رفته رفته تألیف می فرمود استفاده میکردم و آنجناب را با این فقیر بحدی شفقت بود که قلم از اظهار آن بعجز معترف است، در ایام زیارات مخصوصه کربلای معلی باتفاق خود می بردند.

۵- سید احمد بن سید حمید - از خاندان زوین ، اوز علماء و بزرگان قرن سیزدهم هجری است در سال ۱۱۹۳ هجری قمری متولد و از اساتید بزرگ ادب و فقه و اصول معارف و علوم اسلامی را فرا گرفت و در اوائل عمر درك محضر سید بحر العلوم را نمود و از آن بحر مواج استفاده کرد. تألیفات نفیسه ای دارد از جمله حاشیه بر کتاب حاوی محمد بن زکریا رازی در علم تدوای و مصباح کبیر در ادعیه و زیارات و کشف الآیات و رحله خراسانیه که سفرنامه ایست در مسافرت ایران بمشهد تألیف کرده و غیر اینها.

سید احمد در سال ۱۲۷۰ هجری قمری در نجف در سن ۷۷ سالگی برحمت

ایزدی پیوست .

۶- شیخ ابوعلی حائری - محمد بن اسماعیل بن عبد الجبار بن سعد الدین طبرسی حائری نسبش بنا بر آنچه خودش در دیباجه منتهی المقال می نویسد به فیلسوف بزرگ شیخ الرئیس بوعلی سینا می رسد .

وی در سال ۱۱۵۹ هجری قمری در کربلا متولد و تحصیلات خود را در محضر اساتید بزرگی مانند بهبهانی آقا باقر و سیدعلی صاحب ریاض و سید محسن اعرجی پایان رسانیده و بنا بر نقل سید صادق بحر العلوم در مقدمه رجال از سید بحر العلوم نیز استفاده کرده تألیفات مفیده ای دارد از جمله منتهی المقال که مجامیل روات را ساقط نموده و بجای آن تعلیقات استادش بهبهانی را بر رجال کبیر که مشحون از نکات دقیق است آورده .

و از جمله کتابهایش عقد اللئالی البهیة در رد اخباریین و غیر از اینها . وی در سال ۱۲۱۵ یا ۱۲۱۶ هجری قمری در کربلا علی در گذشت و در همان خاگ پاک مدفون شد .

۷- شیخ اسدالله صاحب مقابیس - فرزند حاج اسماعیل شوشتری دزفولی کاظمی فقیه اصولی محقق مدقق متبع از اکابر علمای امامیه اوائل قرن سیزدهم بود . نویسنده محقق جناب آقای دوانی در ذیل عنوان شاگردان آقا در زندگی وحید ص ۲۷۸ می نویسد: شیخ اسدالله کاظمی بی گمان یکی از نوابغ بزرگ اسلام است که با فکر بکر و ذهن وقاد و فهم سرشارش در اندک زمانی مراحل علوم و فنون را طی کرد و بمقام اعلای علم و فضل و فقاہت رسید بطوریکه وی را از لحاظ نبوغ و ترقیاتش در حدائث سن در ردیف علامه حلی و پسرش فخر المحققین و فاضل هندی بشمار آورده اند .

دقت نظر و تحقیقاتش رطب اللسان فقهاء و تقدمش در تأسيس قواعد فقهی و

اصول متفق علیه همه علماء و مجتهدین است .

وی در حدود سال ۱۱۸۶ متولد و در او ان کودکی مقدمات علوم را نزد پدرش آموخت و سپس بمجلس درس وافادت آقا باقر بهبهانی رفت و از محضر پرفیض و انقباس قدسیه آن جناب حظی وافر برد و پس از وفات آقا در سال ۱۲۰۵ در مجلس درس علامه بحر العلوم و هفت سال نیز از آن دریای خروشان استفاده برد و بعد از وفات بحر العلوم در سال ۱۲۱۲ بحوزه درس سیدعلی صاحب ریاض آمد و ضمناً از میرزا محمد مهدی شهرستانی و شیخ جعفر کبیر نیز استفادیه نمود و بشرف دامادی شیخ جعفر کبیر (کاشف الغطاء) نائل گشت و پس از مرگ شیخ جعفر در سال ۱۲۲۸ مردم در امور دینی و زعامت روحانی به وی مراجعه کردند.

شیخ اسدالله تألیفات سودمندی دارد از جمله کشف القناع عن وجوه حجبیه الاجماع، اللؤلؤ المسجور فی معنی الطهور، مستطرفات من الکلام.

معروف تر از همه تألیفاتش مقایس الانوار که نهایت فضل و احاطه فقهیه و کثرت اطلاع او از اقوال و ادله از این کتاب معلوم می شود.

شیخ اسدالله در سال ۱۲۳۴ هجری قمری در نجف اشرف در گذشت و در مقبره استادش کاشف الغطاء مدفون گشت.

۸- امیر ابرالقاسم - حنفی الامیر محمد باقر خانون آبادی مدرس حکمت و کلام در مدرسه شاهی اصفهان. در سال ۱۲۰۲ هجری قمری در گذشت.

۹- سید ابراهیم عطار - والد سید حیدر جد حیدرین در کاظمین از ادباء و شعراء قرن سیزدهم و مدتها از علامه بحر العلوم استفاده کرد و قصائدی در ثناء مرحوم سید مرتضی و جردی انشاء کرده که پیش از این چند شعری از آنها ذکر شد سال وفات سید ابراهیم باختلاف ضبط شده: ۱۲۱۵ - ۱۲۳۰ - ۱۲۴۰

۱۰- سید احمد عطار بغدادی - فرزند سید محمد بن علی بغدادی مشهور به عطار از علماء و مشاهیر ادباء و شعراء قرن دوازدهم و سیزدهم است.

ماه ربیع الاول سال ۱۱۲۸ هجری قمری در نجف اشرف متولد شده ، مقدمات علوم را فرا گرفت و سپس فقه و اصول را در محضر شیخ محمد تقی دورقی و آقا محمد باقر بهبهانی و شیخ مهدی فتونی و سید مهدی بحر العلوم و شیخ جعفر کاشف الغطاء استفاده کرد ولیکن بیشتر ملازم حضور علامه بحر العلوم بود و او و پدرش سید مرتضی را بسیار مدح کرده و چند شعری از او در سابق ذکر شد .

وی در اغلب علوم و فنون ماهر و در ادب یدی طولی داشت بلکه در عصر خود از استادان فن ادب بشمار رفته ، دیوان بزرگی دارد که انواع مختلف شعرش در آن جمع است . از مؤلفات او اضافه بر دیوان ، چند تألیف سودمند را نوشته اند : از جمله تحقیق در فقه در چند جلد ، تحقیق در اصول در دو جلد ، ادعیه شهر رمضان ، منظومه در علم رجال .

لطائف ادبی او با علامه بحر العلوم معروف است از جمله سید محمد جواد زینی در کتاب دوحة الانوار می نویسد : هنگامی سید بحر العلوم با جمعی از ادباء از نجف اشرف به کربلا میرفت در یکی از منازل ساعتی توقف فرمود رفقا عرض کردند اکنون زمان استراحت نیست زیرا وقت زیارت تنگ است سید چون لاغر و نحیف بود سخت در تعب افتاده احتیاج با استراحت داشت و از طرفی اصحاب اصرار بر حرکت داشتند سید این شعر فارسی را خواند .

از ضعف بهر جا که نشستیم وطن شد وز گریه زهر جا که گذشتیم چمن شد

سپس فرمود این شعر را تعریب کنید و خود در تعریب آن انشاء کرد :

صاری من فرط ضعیفی وطن فی کلّ وادی

و دموعی صیرت لی بقعة فی کلّ نادی

سید احمد عطار که از ملازمین رکاب بود فوری انشاء کرد :

انی حللت محلاً صاری و طناً من فرط مایی من ضعف و من وهن

وما مررت علی ارض مصرده الا غدت روضة من دموعی الهتن

وهم چنین دیگران نیز شعر مذکور را تعریب نمودند.

سید احمد عطار در هفتم شعبان سال ۱۲۱۶ برحمت حق پیوست و برادرش سید

ابراهیم عطار در تاریخ وفاتش گفت :

فدغاب فرد الفضل عنه فصاح فی تاریخه (قد غاب ویلی احمد)

۱۲۱۶

۱۱- شیخ ابراهیم عاملی - ابن یحیی بن شیخ محمد عاملی شامی در سال

۱۱۵۴ هجری قمری در طیبه از قرای جبل عامل متولد و پس از تحصیل مقدمات از وطن خود بعراق هجرت کرد و در نجف اشرف چندین سال ساکن و از درس شیخ جعفر کبیر صاحب کشف الغطاء استفاده می‌کرد و هم چنین از معارف سید ابوالحسن موسی بن حمیدر شامی بهره‌ور شد و در خلال این مدت بدرس علامه سید بحر العلوم حاضر و تقریرات استاد رامی نوشت تادر فقه و اصول و کلام و شعر و ادب گوی سبقت را از بسیاری ربود.

آثار علمی او بیشتر منظومه‌ها و قصائدی است که از وی بیادگار مانده از جمله

قصائدی است در مدح امیر المؤمنین علیه السلام که در یکی از آنها می‌گوید :

اذهاب النسیم من الغری	فلا تستل عن الصب الشجی
و مالی لا احن الی ندی	علیه بهجة الروض الندی
معالم ثمر الاغصان فیها	ولکن بالجمال الیوسفی
لها ارج یفرج کل کرب	کذکر فضائل المولی علی
امین الله فی ستروجهر	وخیر الخلق من بعد النبی
ولی الامر لا یرتاب فیہ	وقد وضح الهدی غیر الشقی
و حسبک حجة لاریب فیها	دلیل العقل والنص الجلی
اذا طلع الصباح فای عذر	لمن یرتاب فی الصبح المضیی
فتی سل المهیمن منه سیفاً	فقل ما شئت فی سیف العلی
فکم اودی به جبار قوم	ربیط الجأش کاللیث الجری

وحنظلة و عمر و العامری	کعبه و الولید غداة بدر
فمن باد لدی و من حفی	لقد کثرت ایدای الله عندی
و حب نبیه حب الوصی	و اعظمها خلا توحید ربی
و عیبه کل علم احمدی	وصی المصطفی و ابوبنیه
ذوی الایمان بالکأس الروی	وصاحب حوضه یسقی علیه
ولو قطع الوتین من البری	اوالی من یوالیه و ابرء
و لم احفل بکید الناصبی	رفضت عداته سراً و جهراً

شیخ ابراهیم عاملی در سال ۱۱۹۲ هجری قمری به مکّه مشرف و پس از مراجعت از مکّه بدمشق اقامت کرد تا در سال ۱۲۱۴ در گذشت .

۱۲ - آقاسید ابوالقاسم جد صاحب روضات - از علماء و دانشمندان قرن

سیزدهم هجری است .

سید محمد علی روضائی در زندگانی آیه الله چهار سوقی ص ۹۶ مینویسد: میر ابوالقاسم جعفر عالمی عامل و فقیهی کامل بوده در نهایت درجه قدس و تقوی شمه ای از فضائل و کراماتش در روضات ص ۱۲۷ مذکور است .

آنجناب در اصفهان و خوانسار تحصیل کرده و از تلامذۀ خاص مرحوم آقامیرزا ابوالقاسم حسینی خاتون آبادی بوده و در سال ۱۱۹۱ که حاشیه های آقا جمال خوانساری و مولا عبدالرزاق لاهیجی را بر حاشیۀ شرح تجرید فاضل خضری مبحث الهیات پیش آن استاد میخوانده آن دو حاشیه را بخط شریف خود استنساخ کرده و همچنین حاشیه وافیه را که تألیف صدرالدین همدانی و در اصول فقه است استنساخ کرده و در ظهر همان نسخه علامه سید بحر العلوم برای آنجناب اجازه روایت مرقوم فرموده .

مرحوم آقا سید ابوالقاسم در سال ۱۲۴۰ هجری قمری بر رحمت ایزدی

پیوست .

۱۳ - شیخ احمد خوانساری - از بزرگان قرن سیزدهم هجری و ساکن

ملایر بوده .

۱۴ - سید احمد قزوینی - فرزند سید محمد بن امیر قاسم حسینی در نجف اشرف متولد شد و تحصیلات خود را در همان مکان پایان رسانید و از اساطین علم و فضیلت مخصوصاً از علامه سید بحر العلوم استفاده کرد و بشرف دامادی او مفتخر شد یعنی خواهر بحر العلوم را ازدواج کرد ، چنانچه در سابق ذکر شد و در سال ۱۱۹۸ هجری قمری در گذشت .

مرحوم شیخ محمد حرزالدین در معارف الرجال جلد اول ص ۶۹ می نویسد :
*السید احمد القزوینی ولد فی النجف و كان عالماً مسلم الاجتهاد والرياسة الدينية ومن الابدال الذين بهم وبامثالهم تشيد الدين والاسلام في عصورهم *.

در حصون منیعه جلد دوم می نویسد : سید احمد قزوینی داماد سید بحر العلوم بود یعنی خواهرش را که دختر سید مرتضی بود با ازدواج در آورد . وی عالمی عامل و وارسته و زاهدی عابد و پیراسته از اهل صلاح و رشاد و فضل و سداد بود در سال ۱۱۹۹ در گذشت و چهار فرزند از او باقی ماند سید حسن و سید علی و سید مرتضی و سید تقی که اجداد سادات کنونی قزوینی ساکنین حله و نجف بودند .

۱۵ - شیخ احمد نحوی - فرزند شیخ حسن علی نجفی از علماء و فقهاء و محدثین عصر خود مخصوصاً در نحو و عروض سرآمد اقران بود و بهمین مناسبت به نحوی مشهور گشت و در شعر گفتن نیز یدی طول داشته .

علوم و معارف استدلالی را در محضر اساطین فضیلت در آن عصر از جمله سید بحر العلوم و شیخ جعفر صاحب کشف الغطاء و سید نصر الله حایری و شیخ محی الدین طریحی فرا گرفت . آثار علمیه او از جوزه ای در علم بلاغت و دیوان شعرو شرح قصیده در دیده و جذوة الغرام و مزنة الانسجام . می باشد .

در سال ۱۱۸۷ هجری قمری در حله وفات کرد و به نجف اشرف حمل و دفن شد .

۱۶ - سید باقر قزوینی - فرزند سید احمد سابق الذکر . از علماء متبحرو محقق یدی طولی در علم اخلاق داشته علماً و عملاً شاگردان را بمکارم عالیہ و فضائل سامیہ تربیت میکرد .

علم و فضیلت را از اساتید عصرش مخصوصاً از سید بحر العلوم و شیخ جعفر کبیر فرا گرفت و از طرف استادان به اجازه روایت مجاز گشت .

از آثار علمیہ او الفلک المشحون در احوال امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، وجیز در طهارت و صلوة، وسیط در طهارت استدلالی، جامع الرسائل در فقه؛ حواشی کشف اللثام.

سید باقر قزوینی در سال ۱۲۴۷ هجری قمری که طاعون ظاهر شد خدماتی ارزنده و فراموش ناشدنی نموده از نظر تهیه و سائل معالجه بیماران و وسائل تجهیز و تدفین و سرپرستی یتیمان و بیچارگان و خود هم در آخر این بلاء عام در شب عرفه نهم ذی الحجه سال ۱۲۴۷ بر حمت ایزدی پیوست .

۱۷ - شیخ جعفر کبیر کاشف الغطاء - فرزند شیخ خضر بن شیخ یحیی نجفی در سال ۱۱۵۴ هجری قمری متولد و در زادگاهش نجف اشرف تحصیلات ابتدائی و نهائی سطح و خارج را نخست از والد ماجدش که از علماء و اساطین آن عصر بود فرا گرفت و سپس بر افاضل زمان از جمله شیخ محمد مهدی فتونی و شیخ محمد تقی دورقی و سید صادق فحام و آقا باقر بهبهانی و در آخر بر علامه سید بحر العلوم شاگردی کرد با اینکه در آن موقع بی نیاز بود از حضور در حوزة بحر العلوم ولیکن از نظر تواضع در مقابل سید و نبرك، افتخار بشاگردی بحر العلوم میکرد بلکه بنقل علامه نوری در خاتمه مستدرک مرحوم شیخ جعفر با آنهمه فقاہت و زهدی که داشت خاك كفش بحر العلوم را با گوشه عمامه پاك میکرد .

پس از وفات علامه بحر العلوم در سال ۱۲۱۲ هجری قمری مرجعیت و ریاست عالیہ شیعه به وی رسید و مراجع پس از وی غالباً شاگردان او بودند .

علامه نوری در خاتمه مستدرک می نویسد : شیخ اکبر از آیات عجیبه الهی است که عقول از درک مقام او ناتوان و زبانها از ادای وصفش عاجز است اگر خواستار علمش باشی نظری بکتاب کشف الغطاء وی بیفکن تا تورا از امر عظیم و مقام والای در مراتب علمیه فقه و اصول مطلع گرداند و می نویسد :

شیخ این کتاب راهنگام مسافرت به ایران و در طی آن نوشت و غیر از کتاب قواعد علامه کتاب دیگری نزداو نبوده است .

استاد شیخ عبدالحسین شیخ العراقین نقل میگرد که با استاد خود صاحب جواهر گفتم با اینکه شیخ جعفر استاد شما بود چرا کتاب کشف الغطاء او را که پراز مطالب پیچیده و عبارات مشکله است شرح نکردید .

صاحب جواهر فرمود : فرزندم من نمی توانم مدارک و فروع مشکله کشف الغطاء را که میگوید و کذا او کذا و هکذا استنباط نمایم .
شیخ جعفر آثار نفسه علمی و مؤلفات مفیده دارد .

از جمله کشف الغطاء که آنرا در مسافرتش به ایران تألیف نمود و بفتحعلی شاه قاجار هدیه اش کرد و کتابی کبیر در شرح طهارت شرایع و بغیه الطالب در معرفت مفروض و واجب و قواعد جعفریه و الحق المبین در رد اخباریین و غیر اینها .
مرحوم شیخ جعفر پس از هفتاد و دو سال عمر در سال ۱۲۲۸ هجری قمری در گذشت وی اضافه بر مراتب عالیّه علمیه از ادبای شعراء نیز بوده، در مدح استاد خود سید بحر العلوم گفته :

لسانی عن احصاء فضلك قاصر	وفکری عن ادراك کنهك حاسر
جمعت من الاخلاق کل فضيلة	فلا فضل الا عن جنابك صادر
یکلفنی صحبی نشید مدیحکم	لزعهم انی علی ذاک قادر
فقلت لهم هیئات لست بقائل	لشمس الضحی یا شمس ضوئک ظاهر
و ما کنت للبدر المنیر بناعت	له ابدأ بالنور و اللیل عاکر

ولا للسماء بشراك انت رفيعة ولا للنجوم الزهر هن زواهر

۱۸ - شیخ حسین نجف - فرزند حاج نجف بن محمد در سال ۱۱۵۹ هجری قمری متولد شد پس از طی مراتب تحصیلات ابتدائی و مقدماتی برای تکمیل نفس و نیل بمراتب سامیه از ملازمین درس علامه سید بحر العلوم شد و بدرجه ای از علم و تقوی رسید که گوی سبقت را از هم کنان ربود و بدینکه درباره وی گفته شد: هو عند العلماء فوق منزلة العلماء و دون رتبة الامام .

شیخ محمد طه نجف رساله مستقلة ای در سال ۱۳۰۵ هجری قمری در شرح حال جدش شیخ حسین نجف با استدعاء مرحوم سید ریحان الله کشفی بروجردی تألیف نموده و درباره او میگوید: عين الاعيان و نادرة الزمان سلمان عصره كان مثلاً في التقوى و طهارة النفس .

سید محسن امین عاملی در اعیان الشیعه جلد ۲۷ ص ۲۵۱ می نویسد:

سید جواد عاملی صاحب مفتاح الکرامه می گفت: اگر من سید و از فرزندان رسول اکرم ﷺ نبودم دوست داشتم از فرزندان شیخ حسین نجف باشم. وی در مسجد هندی نماز میخواند و علماء و زهاد و حتی استادش سید بحر العلوم باو اقتدا می کردند و باینکه ذکر رکوع و سجود را بحدی طول میداد که گاهی در رکوع و سجود هفتاد مرتبه تسبیح میگفت مسجد هندی مملو از جمعیت می شد.

مرحوم شیخ حسین نجف اضافه بر علوم و معارف اسلامی طبع شعر نیز داشت و در این فن مهارت تامی دارا بوده و قصائدش در مدائح ائمه علیهم السلام بسیار است برای نمونه و تبرک چند شعر از قصیده رائیه اش در مدح امیر المؤمنین عليه السلام ذکر می شود:

ایا علة الایجاد حاربك الفكر	وفی فهم معنى ذاك التبس الامر
و قد قال قوم فيك و الستر دونهم	بانك رب كيف لو كشف الستر
حباك اله العرش شطر صفاته	راك لها اهلا وهذا هو الفخر
و كنت سفير الله للمخلق داعياً	و كل الانام الحق عندهم مرّ

وقد خصك الباری بما خص نفسه
 بسيفك قسامت للنبي محمد
 قطعت رؤس المشركين بحده
 و كنت دليلاً للانام على الهدى
 وقد كنت عيناً للاله على الوری
 و كنت عن الباری يداً مستطيلة
 عن الله قد كنت الامین علی الوری
 كلامك كالقرآن نور و حکمة
 فلولاك ما كنا لنعرف ربنا
 و لولاك ماصلي مصلّ لربنا
 بك الانبياء المرسلون توسلت
 و ايدتهم سرّاً و جهراً بقوة
 فسرّاً و جهراً للنبي محمد
 فآدم لما انه فيك قد دعی
 سفينة نوح فيك كانت نجاتها
 وان خليل الله من ناره نجا
 و ذلك فضل الله يؤتيه من يشا
 و منك عرفناه فبان لنا الامر
 شريعته ثم استقام له الامر
 و كسرت اصناماً لتعظيمها خرواً
 الى الرب تهديهم وعن ربهم قرّوا
 بعلمك ما يؤتى به الخير والشر
 على كل شيء ضمه البرّ و البحر
 كانك فيهم للمطيع اب برّ
 و كلّ كلام كان في جنبه هذر
 و ما كان للاسلام في مجلس ذكر
 ولا حج بيت الله لازيد ولا عمرو
 و باسمك يدعوا الكل ان نامهم امر
 من الله فيها خصك الباری البرّ
 و سائر رسل الله سرّاً ولا جهراً
 اجيب و لم تبق الخطيئة والوزر
 بيوم به الطوفان قد جاثها الامر
 بجاهك عند الله قد جاثها الامر
 على كلّ ذي فضل لك الفضل والفخر

مرحوم شيخ حسين نجف در دوم محرم سال ۱۲۵۱ هجری بر حمت ايزدی، پیوست.

۱۹ - شيخ حسن بن محمد نصار نجفی - از مشاهير خاندان نصار در نجف

اشرف و از فضلاء و ادباء و شعراء زبردست باشعراء عصرش مطارحات و مراسلات
 بسیاری داشته مدتها از معارف بی کران و علوم سرشار علامه سید بحر العلوم استفاده
 کرده و در مدح استادش بحر العلوم قصائدي گفته برای نمونه چند شعر از قصیده ای
 انتخاب می شود :

- بارتك في المجد امجاد فما لحقوا
و من يباريك سدت دونه الطرق
هموا بمالم ينالوه فاقعدهم
عجز فما فتقوا شيئاً ولا رتقوا
لا يستطاع له علم ولا عمل
و لا يضاهي له خلق ولا خلق
لم يدرك ما العلم لولا علمه احد
ولم يثق بعري الاسلام من يثق
تلقاه حين يفيد العلم طالبه
بحراً يفيد اللثالي حين يندفق
- تاریخ وفاتش ضبط نیست در کتاب ماضی النجف و حاضرهما جلد سوم ص ۴۶۷
تألیف جعفر الشیخ باقر آل محبوبه می نویسد: گویند در سال ۱۲۸۸ هجری در گذشت
اگر این تاریخ صحیح باشد عمری طولانی داشته زیرا سید بحر العلوم استادش در سال
۱۲۱۲ قمری وفات کرده .
- ۲۰ - سید حسین بن ابوالحسن موسی عاملی - از علماء و ادباء قرن سیزدهم
پدرش نیز از اعظام و بزرگان عصر خود بوده معارف و علوم اسلامی را نخست از
پدرش و سپس از محضر پرفیض علامه سید بحر العلوم استفاده کرد و در سال ۱۲۳۰
هجری قمری در گذشت .
- ۲۱ - سید حیدر موسوی یزدی - از شاگردان معروف علامه سید بحر العلوم
است و به اجازه از طرف آن استاد بزرگوار مجاز و مفتخر شد در حدود سال ۱۲۶۰
هجری قمری وفات کرد .
- ۲۲ - سید دلدار علی هندی - از علماء و بزرگان قرن دوازدهم و سیزدهم
هجری است .
- دانشمند محترم جناب آقای دوانی در کتاب وحید بهیانی ص ۳۱۳ می نویسد:
محمد علی کشمیری در نجوم السماء می نویسد: عالم تحریر و فاضل شهیر سید دلدار -
علی نقوی هندی متولد سال ۱۱۶۶ و متوفی در سنه ۱۲۳۵ وی اول کسی است که در
عهد خود ببلاد هندوستان با جهاد رسیده و بنای جمعه و جماعت و ترویج ملت از ذات
مظهر البر کاتش بظهور آمد .

تا آنجا که می‌نویسد: بالجمله احوال فضل و کمال و اجتماع فنون و اجلال آن علامه عظیم المثال برتر از آن است که در احاطه تقریر و تحریر درآید بعد از فراغ از عقلیات بعثیات عالیات رفته و در کر بلای معلی از استاد الكل آقا باقر بهبهانی و آقا سید علی طباطبائی و آقا سید مهدی شهرستانی طاب ثراهم و در نجف اشرف از حضرت بحر العلوم آقا سید مهدی طباطبائی برو جردی تحصیل علوم فقه و حدیث و اصول فرمود و در مشهد از شهید رابع اکتساب کرد.

سید دلدار علی هندی نخستین کسی است که قواعد دین و ارکان شرع مبین را در هندوستان تأسیس و تشیید نمود و مکتب فقه و اصول و اجتهاد را بر فضلی آن دیار گشود و بالاخره در مسقط الرأسش لکنه و ندای حق را لبیک و در همانجا بخاک رفت.

سید دلدار علی هندی از نظر علم و تقوی و عظمت بمقامی سامی رسید بحدی که گویند مرحوم صاحب جواهر در یکی از نامه‌های خود او را بعظمت یاد کرده و بعنوان کتاب الله الناطق و خاتم المجتهدین و حجة الله علی العالمین و آیه الله العظمی فی الارضین ذکر نموده.

۲۳ - شیخ رفیع بن محمد ربیع جیلانی اصفهانی - از دانشمندان امامیه در قرن سیزدهم هجری مدتی از بحر بی پایان علوم و معارف علامه سید بحر العلوم استفاده کرد تا خود در شمار علماء اعلام و فقهاء عظام عصر گشت و در حدود ۱۲۴۵ هجری قمری بر حمت ایزدی پیوست.

۲۴ - ملا زین العابدین سلماسی - از علماء و بزرگان فضیلت در قرن سیزدهم و از صاحبان اسرار ملازم علامه سید بحر العلوم بوده است.

محدث قمی در فوائد الرضویه جلد اول ص ۱۹۵ می‌نویسد: استادم علامه نوری در دارالسلام زین العابدین بن محمد سلماسی را ذکر نموده و فرموده: وی عالمی

فاضل و کامل و ناسک و عابد و متخلق باخلاق روحانین بود .
 سلماسی از استادش بحر العلوم کرامات و مکاشفاتی نقل کرده که ببعض آنها
 پس از این اشاره می شود .

وی در ذی الحجه سال ۱۲۶۶ هجری از دنیا رفت .

۲۵- شیخ زین العابدین جد آل زین العاملمین - در سال ۱۲۱۲ هجری قمری
 همان سال وفات استادش او نیز در گذشت .

۲۶ - شیخ سلیمان بن احمد آل عبد الجبار بحرانی قطیفی -
 از فقهاء و محدثین قرن سیزدهم هجری بود . محدث قمی در فوائد الرضویه
 جلد اول ص ۲۰۳ می نویسد : شیخ سلیمان نزیل مسقط از بلاد عمان عالمی فاضل و
 محقق فقیه و محدث خواستاران علم و فضیلت از اطراف بلاد بسوی او شدرحال
 می نمودند او مرجعی بود که در معضلات مسائل و تحقیق حقایق به او مراجعه
 می کردند .

مؤلفات وی: النجوم الزاهرة فی فقه العترة الطاهرة و شرح مفاتیح فیض و شرح
 لمعه و ارشاد البشر فی شرح باب الحادی عشر و شرح فصول محقق طوسی و شرح
 ایساغوجی و شرح شمسیه و شرح تهذیب المنطق و رساله در جزء لایتجزی و رساله
 در رجعت و رساله در اصول خمس و رساله در رد نصاری .

شیخ سلیمان از شاگردان مخصوص بحر العلوم بشمار رفته در سال ۱۲۶۶ هجری
 قمری بر حمت ایزدی پیوست .

۲۷- سید صدرالدین العاملی - سید محمد بن سید صالح موسوی از اکابر
 فقهای شیعه در قرن سیزدهم هجری مادرش دختر شیخ علی بن شیخ محیی الدین بن
 شیخ علی بن شیخ محمد بن شیخ حسن بن شهید ثانی بوده .

شرح احوال او در روضات الجنات ص ۳۳۲ و در ریحانة الادب جلد دوم ص ۴۶۷
 ذکر شده . وی در غالب علوم و معارف اسلامی: فقه، اصول، حدیث، رجال، ادب، فنون

شعریه دارای حظی وافر بوده .

اودر سال ۱۱۹۳ هجری قمری در جبل عامل متولد و در هفت سالگی به همراه پدر نامور و عشیره اش بعراق عرب مهاجرت کرد و از اساتید بزرگ نجف اشرف از جمله سید بحر العلوم و سید علی طباطبائی و سید محسن اعرجی و شیخ سلیمان عاملی و سید جواد عاملی و میرزا محمد مهدی شهرستانی و شیخ جعفر کاشف الغطاء استفاده کرد و بشرف دامادی شیخ جعفر نائل آمد .

مرحوم سید صدرالدین بین شاگردان بحر العلوم با اینکه حدیث السن بود توجه بحر العلوم را از نظر فضیلت و توقد خاطر و تنور فکر و صفاء ذهن بخود جلب کرده بحدیکه سید بحر العلوم اشعار دره فقهیه را محض اطمینان از نظر وی میگذراند .

آثار علمیه و مصنفاتش بسیار است که هر يك كاشف از احاطه علمی او است از جمله : اسرة العتره در فقه استدلالی ؛ وحاشیه تسهیل ابن مالك ؛ وحاشیه منتهی المقال ، وحاشیه نقد الرجال ، حجة الظنون الخاصة و در آن دلیل انسداد وارد کرده است ؛ و قرة العین در نحو که با کوچکی حجم بر مغنی ترجیح داده شده ، والقسطاس المستقیم در اصول فقه ، و غیر اینها .

مرحوم صدرالدین عاملی در ۱۴ محرم ۱۲۶۳ در نجف اشرف در گذشت و در حجرات سمت بالای سر صحن مقدس مرتضوی مدفون گردید .

۲۸- سید صادق فحام - فرزند سید علی بن سید حسن حسینی وی در سال ۱۱۲۴ هجری در قریه حصین از قرای حله متولد شد و مبادی علوم را در حله فرا گرفت سپس به نجف اشرف مهاجرت کرد و از شیخ خضر فقه و اصول آموخت و مدتی هم در کربلا مشرف و از والد سید بحر العلوم سید مرتضی بروجرودی استفاده کرد و همچنین در محضر فرزند جلیلش سید بحر العلوم در نجف اشرف حاضر و از ملازمین و اصحاب و حواریین وی شد .

گویند در اوائل امر سید بحر العلوم و کاشف الغطاء از سید صادق فحام نحو

وادبیات فرا گرفته‌اند و بهمین جهت در هنگام ریاست از او بی‌نهایت احترام میکردند. از آثار علمیه سید صادق شرح شواهد قطر الندی است و هم چنین کتابی در فقه از کتاب طهارت تا نوافل رمضان و دره نجفیه در علم عربیه و تاریخ نجف و غیر اینها .
در ۲۱ شعبان سال ۱۲۰۵ هجری در نجف اشرف درگذشت .

۲۹- شیخ شمس الدین - فرزند جمال الدین بهبهانی از اکابر فقهاء و زهاد در قرن سیزدهم هجری بوده .

محدث قمی در فوائد الرضویه جلد اول ص ۲۰۹ می‌نویسد : شمس الدین بن جمال الدین عالم فاضل زاهد فقیه حکیم صاحب تألیفات کثیره در فقه و اصول و کلام از جمله شرح معالم و حواشی بر قوانین و مطول، تلمذ کرده بر استاد اکبر بهبهانی و علامه سید بحر العلوم طباطبائی و میرزا مهدی شهرستانی و صاحب ریاض و متوطن شده بود در ارض اقدس و در صحن عتیق در حجره مقابل گنبد مطهر منزل کرده بود و از مردم عزلت جسته و پیوسته مشغول تألیف بود تا آنکه در سال ۱۲۴۸ چهاردهم ماه رمضان بر حمت ایزدی پیوست قبرش در صفا همان حجره ایست که قریب پنجاه سال در آن منزل داشت و تدریس میکرد . تلمیذ او فاضل بسطامی در فردوس التواریخ احوال او را نگاشته .

۳۰- شیخ عبدالعلی - ابن امید علی رشتی غروی عالمی است فاضل، از آثار او شرح کتاب طهارت شرایع است به شرح مزجی که صاحب کشف الغطاء و صاحب ریاض آنرا تقریظ کرده‌اند . شیخ جعفر در تقریظ آن کتاب نوشته :

* بسم الله وله الحمد لقد اجاد وافاد وجاء بما فوق المراد قرة العين ومهجة
الفؤاد من نسبه الى نسبة الاولاد ونسبة الاولاد الى الالباء والاجداد العالم العلامة والفاضل
الفهامة والورع التقى ذوالقدر الجلی جناب عالی الجناب الشيخ عبدالعلی فیاله من
کتاب جامع ومصنف لطالب العلوم نافع قد شهد لمصنعه بطول الباع ورقة التفكير و کثرة
الاطلاع الخ * . سید بحر العلوم از مشایخ اجازات شیخ عبدالعلی بوده .

وی پس از سال ۱۲۲۶ هجری قمری درگذشت .

۳۱- سید عبدالله شبو - ابن محمد رضا علوی مشهور به مجلسی ثانی شرح حالش بمناسبت ترجمه سید رضا بروجردی والد سید حسین صاحب نخبه المقال ذکر خواهد شد .

۳۲- شیخ قاسم بن محمد آل محیی الدین- وی از مشاهیر علماء در قرن سیزدهم و از اساتید فقه و اصول در نجف بود . علوم و معارف خود را از علامه سید بحر العلوم و شیخ جعفر کاشف الغطا فرا گرفت و جمعی از اساطین و مراجع از موائد علمیه او بر خوردار شدند مانند صاحب جواهر و شیخ حسن صاحب انوار الفقاهه و شیخ محسن اعسم، آثار علمیه او عبارت است از ۱- منهج الانام در فقه سه مجلد ۲- شرح شرایع ۳- رساله در حجية خبر واحد .

وی در سال ۱۲۳۷ هجری قمری در نجف اشرف درگذشت .

۳۳- سید محمد جواد عاملی - فرزند سید محمد حسنی حسینی از فحول علماء امامیه و متتبعین اکابر فقههای اوائل قرن سیزدهم هجری . وی معارف و علوم اسلامی را از اساتید آن عصر از جمله وحید بهبهانی و علامه سید بحر العلوم فرا گرفت و مراجع پس از او مانند صاحب جواهر و غیره از شاگردان او بودند .

سید جواد عاملی در کثرت احاطه فقهیه و اطلاع بر مسائل خلافتیه و اقوال و ادله علماء متخصص و متفرد بوده حتی میرزای قمی صاحب قوانین بها آن همه جلال علمی که داشته در هر مسئله فقهی که تشخیص مخالف را طالب می شده بدو مراجعه می فرموده .

آثار علمیه سید جواد بسیار است ولیکن مشهورترین آثار او مفتاح الکرامه در شرح قواعد علامه است در ۳۲ جلد که بیشتر آن در هشت جلد قطور در مصر بطبع

رسیده و جلد ششم و هشتم آنرا مرحوم سید محسن عاملی در شام بچاپ رسانید و در سال ۱۳۷۶ هجری قمری جلد نهم این کتاب در ۵۸۵ صفحه بفرمان مرحوم آیه الله العظمی بروجردی در تهران بچاپ رسید .

مرحوم سید جواد عاملی در سال ۱۱۵۲ هجری قمری متولد و در سال ۱۲۲۶ در سن هفتاد و چهار سالگی بر حمت ایزدی پیوست .

۳۴- سید محمد علی - بلاغی - فرزند شیخ عباس بلاغی از مجتهدین پرهیزکار قرن سیزدهم و از شاگردان وحید بهبهانی و علامه سید بحر العلوم و شیخ جعفر کاشف الغطاء و سید محسن اعرجی بود . از آثار علمیة او جامع الاقوال در فقه در چند مجلد و شرح قواعد شهید و شرح تهذیب الاصول معروف است . او در حدود سال ۱۲۳۴ هجری قمری در گذشت .

۳۵ - سید محمد مجاهد صاحب مذاهل - شرح حالش بمناسبت اساتید حاج ملاعلی بروجردی ذکر می شود .

۳۶ - حاج سید محمد شفیع جاپلقی بروجردی - شرح حالش مستقلاً ذکر می شود .

۳۷ - سید محسن اعرجی - فرزند سید حسن بن مرتضی کاظمی از طراز اول علما و از مجتهدین بزرگ شیعه است، در سال ۱۱۳۰ هجری قمری در بغداد متولد و گویا تا سن سی سالگی بفکر تحصیل نیفتاده و در آن سال در اندیشه علم و دانش شد و با کوششی خستگی ناپذیر به تحصیل اشتغال ورزید . بتدریج لایق شد تا از معارف سید صدرالدین همدانی استاد وحید بهبهانی استفاده کند .

پس از در گذشت سید صدرالدین در محضر آقا باقر وحید حاضر گشت و از آن جناب استفاده سرشار برد و پس از مرگ وحید بهبهانی در محضر پرفیض علامه سید بحر العلوم حاضر و از آن دریای بی کران نیز حد اکثر فائده را برد و از معارف شیخ جعفر کاشف الغطاء نیز بهره و افری اندوخت . کم کم خود او از اساطین عصر و مراجع زمان خویش شد و جمعی از اعظام و فضلاء پس از او پرورش

یافتگان وی بودند مانند سید باقر حجة الاسلام و سید صدرالدین عاملی و حاج ابراهیم کلباسی و شیخ محمد تقی اصفهانی و سید عبدالله شبر . سید محسن اعرجی آثار علمی ارزنده ای دارد از جمله کتاب المصصول در علم اصول که میرزای قمی در قوانین از آن نام برده و رسائل در فقه در چند مجلد و کتاب وافى و فوائد رجالیه و منظومه در جمع اشباه و نظائر .

مرحوم سید محسن در سال ۱۲۲۷ یا ۱۲۴۰ هجری قمری بدرود حیات گفت .

۳۸ - سید محمد ابوالهیم کلباسی - فرزند حاج محمد حسن خراسانی

اصفهانی از اعظام فقهاء و اصولیین در قرن سیزدهم هجری است .

آقای دوانی در ضمن شاگردان آقادر کتاب وحید بهبهانی ص ۲۹۴ می نویسد :

حاج محمد ابراهیم کلباسی در سال ۱۱۸۰ متولد شده از همان دوران کودکی آثار رشد و نبوغ در جبینش هویدا بود . چون بعزم تحصیل بعثت عالیات تشریف حاصل کرد بمجلس پرفیض آقادر آمد و از انقباس قدسیه آن سرور بهره ها گرفت .

در مجلد ثانی از اشارات الاصول نوشته است که من زمانی بسیار در خدمت

آقامحمد باقر بهبهانی و آقا سید مهدی بحر العلوم تلمذ نمودم لیکن از این دو بزرگوار اجازه نخواستم و اگر اجازه میخواستم اجازه میدادند .

حاجی کلباسی گذشته از تدریس فقه و اصول و تألیف و تصنیف و اشتغال باین گونه امور

که از لوازم يك عالم فقیه است در مسجد حکیم بمنبر میرفت و در نهایت سلامت نفس و

تقوی و فضیلت و احتیاط مردم را موعظه می نمود و مخصوصاً در امر قضاء و بذل

و جوه به مستحقین بسیار احتیاط میکرد در این زمینه از وی داستان های خوش

مزه نقل میکنند .

از جمله در قصص العلماء آورده است که اگر فقیری از او چیزی میخواست شاهد

میخواست و آن شاهد را قسم میداد و آن فقیر را هم قسم می داد که این مالی که میدهم

اسراف نکنی و باعتدال خرج کنی از آن پس خرج یکماه می داد .

گویند شخصی خدمت ایشان برای مهمی شهادت داد آنجناب پرسید شغل تو چیست؟ گفت من غسالم پس شرایط غسل را از او سؤال کرد آن مرد گفت که زمان دفن چیزی در گوش مرده می گویم حاجی فرمود چه میگوئید؟ عرض کرد: میگویم خوشبسعادت تو که مردی و برای اداء شهادت خدمت حاجی کلباسی نرفتی .

از تألیفات کلباسی اشارات الاصول است در ۲ جلد که در مدت سی سال آنرا نوشته حاجی کلباسی در هشتم جمادی الاولی در سال ۱۲۶۱ هجری در گذشت و در تخت فولاد اصفهان بخاک رفت .

۳۹ - سید محمد رضا شبر .. والد سید عبدالله شبر عالم محقق علامه زمان - خود، شب زنده دار بعبادت و تهجد فاضل تحریر اضافه بر مقامات سامیه علم و تقوی در سخاو بذل کم نظیر بوده گویند هیچ گاه سائلی را رد نکرد حتی بعض اوقات قبای خود را گرو می گذاشت و بسائل کمک میکرد . وی در سال ۱۲۳۰ هجری در کاظمین در گذشت .

۴۰ - میرزا محمد اخباری - عبدالنبی استرآبادی در سال ۱۱۷۸ در هندوستان متولد شد و برای تحصیل علم به نجف و کاظمین آمد و از اساتید عصر از جمله علامه سید بحر العلوم استفاه کرد .

وی مردی زبان آور و جدلی و افراطی و در دشمنی بامجتهدین و بدگویی و تهمت به آنها سخت بی باک بوده بحدی که به لقب عدو العلماء ملقب شده در نتیجه مورد نفرت علماء قرار گرفت در نجف شیخ جعفر کاشف الغطاء و در کربلا آقا سید علی صاحب ریاض و در کاظمین آقا سید محسن اعرجی از او اظهار تنفر نمودند . بر اثر انزجار عمومی مجبور شد بایران بیاید و چون مردی زبان آور و ذوفنون و مخصوصاً در علوم غریبه و تسخیر جن احاطه کامل داشت مورد نظر فتحعلی شاه قرار گرفت و مقرب خاقان گردید .

آقای دوانی در زندگانی وحید بهبهانی ص ۲۵۰ می نویسد : میرزا محمد

اخباری باتکاء قدرت فتحعلی شاه به ترویج مسلک اخباری پرداخت و در اندک زمانی جمعی را در تهران و همدان و یزد و اصفهان اخباری گردانید این موضوع جریان داشت تا شیخ جعفر کبیر بایران مسافرت نمود .

میرزا محمد که خاطرات تلخی از شیخ داشت در مجلس شاه چند دفعه با وی به مذاکره پرداخت و منظورش این بود که شیخ را بپشت هم اندازی و قدرت بیان خود مغلوب کند و چون شیخ عرب بود و درست قادر بتکلم به فارسی نبود در پاسخ مسلح گویی- های میرزا محمد نتوانست درست از عهده بر آید. ولیکن میرزا محمد هم دست بردار نبود در آخر شیخ به وی فرمود اگر راست میگوئی حق با تو است حاضر شو تا مباحله کنیم و در حق یکدیگر نفرین نمائیم فنجعل لعنة الله على الكاذبين میرزا محمد برای مباحله حاضر نشد .

شیخ در اصفهان کتابی در تصویب مجتهدین و تخطئه اخباریین بنام حق المبین نوشت و همچنین کتابی دیگر بنام کشف الغطاء عن معایب میرزا محمد عدو العلماء در رد عقاید میرزا محمد تألیف کرد البته اشتباه نشود این کتاب غیر از کتاب کشف الغطاء در فقه است . میرزا محمد کتابی بنام قبسة العجول در اخبار و اصول نوشت .

مرحوم میرزای قمی در رد آن کتاب، کتابی بنام عین العین نوشت دوباره میرزا محمد کتابی دیگر در رد میرزای قمی بنام انسان العین نوشت .

میرزا محمد نزدیک هشتاد جلد کتاب در فنون متنوعه و علوم عقلیه تألیف کرده او مردی فوق العاده بود ولیکن بر اثر کج سلیمگی خود را مورد تنفر علماء قرارداد تا بالاخره در سال ۱۲۲۰ هجری قمری که فتحعلی شاه باروس در جنگ بود میرزا محمد که در تسخیر جن اطلاع کامل داشت خبر داد که جن سردار روس را میکشد و در فلان ساعت سرش را برای فتحعلی شاه میآورند و چنان بود که خبر داد .

فتحعلی شاه از وی بو حشت افتاد و ترسید که نکند روزی هم نظرش از شاه بر گردد

ودر اندیشهٔ زبانی بر آید لذا باتوطئه اورا روانهٔ عتبات کردند و در بغداد بتهریک داود پاشا برادر اسعد پاشا در سال ۱۲۳۲ هجری قمری کشته شد .

۴۱ - شیخ محمد تقی - فرزند عبدالرحیم رازی تهرانی اصفهانی از اکابر فحول علماء امامیه و اسطورهٔ قرن سیزدهم هجری فقیه اصولی محقق مدقق عابد زاهد از تلامذهٔ مخصوص سید بحر العلوم بود و تقریرات سید را با دقت نوشته و از سید علمی صاحب ریاض و سید محسن کاظمینی و شیخ جعفر کاشف الغطاء نیز استفاده کرد و به شرف دامادی شیخ جعفر استادش نائل آمد و از وی با اجازهٔ فتوی و روایت مجاز گشت در علوم و معارف اسلامی گوی سبقت را از دیگران ربود مخصوصاً در علم اصول تألیفات او بخصوص هدایة المسترشدين در شرح معالم الاصول کاشف از افکار عمیقۀ اومی باشد .

حوزهٔ درسی او از مهم ترین مجتمعات علمی بوده و در درس او قریب به سیصد نفر از اعیان فضلاء شرکت داشتند . در ۱۵ شوال سال ۱۲۴۸ هجری در اصفهان در گذشت و در تخت فولاد اصفهان نزدیک قبر محقق خوانساری دفن شد .

۴۲ - شیخ محمد علمی بلاغی - فرزند شیخ عباس از رجال علم و از فرسان فقه و اصول، عالمی عامل و فاضلی کامل و ادیبی بارع بود . علوم و معارف اسلامی را از وحید بهبهانی و علامه سید بحر العلوم و صاحب کشف الغطا و سید محسن اعرجی فرا گرفت. آثاری ثمینه از خود بیادگار گذاشت از جمله شرح تهذیب الوصول الی علم الاصول در سه مجلد . و در فقه قریب سی مجلد بنام جامع الاقوال پس از سال ۱۲۲۸ هجری در گذشت .

۴۳ - حاج سید محمد باقر سلطان آبادی -

۴۴ - حاج آقا محسن عراقی سلطان آبادی -

۴۵ - شیخ میرزا ضیاء الدین نزیل بروجرد -

شرح حال این سه نفر پس از این ذکر می شود .

۳۶ - شیخ محمد رضای نحوی - فرزند شیخ احمد نحوی از ادباء و مجتهدین قرن سیزدهم در اوائل جوانی کاسب و بشغل بزازی اشتغال داشت ولیکن همان موقع طبعی موزون و لطیف داشت و شعر خوب می سرود تا یکی از فرزندان سید بحر العلوم بنام سید محمد در کوچکی در گذشت درسوگ او و تعزیت سید شعراء شعرها گفتند و محمد رضای نحوی هم در آن هنگام بهمین مناسبت قصیده ای گفت که مورد پسند سید شد و او را مورد تقدیر قرار داد و تشویق به تحصیل علوم اسلامی فرمود و سپس مانند پدری مهربان او را تربیت کرد تا بعد اجتهاد رسید؛ سید بحر العلوم هنگامیکه دره فقهیه را نظم میکرد اشعار خود را بر شیخ محمد رضا نحوی عرضه میداشت و از صفاء ذهن او استفاده میفرمود .

در کتاب ماضی النجف و حاضرها جلد سوم ص ۴۵۲ می نویسد :
 * الفاضل الادیب و الشاعر اللیب احد الشعراء المشهورین و الفصحاء المذکورین ذو فضل باهر و ادب و افرادك بشعره افاصی المجد و بادیه منتهی الحد و صدق فیه قول البنیة الولد سرایه و له نثر كالدر و عقود كالجوهر كان مقامه تارة بالغری و اخرى بالحلة یقرط المسامع بدرره . و قال السید جعفر الخرسان فی مجموعه : شیخنا و مولانا قاموس لغة العرب و عقد قلادة الادب العالم العامل التقى النقی الشیخ محمد رضا النحوی *
 قصائد بسیاری در مدح استادش سید بحر العلوم گفته از جمله قصیده ایست که بمناسبت عید فطر سال ۱۲۱۰ سرود و در اول آن گفته :

مولای لنا فیک ذا الیوم عیدان	ثانیهما اول و الاول الثانی
و ما علیک له فی السبق سابقه	ما آدم و رسول الله سیان
العید یوم و ثانیه و ثالثه	وانت فی کل آن عیدنا الانی

تادرماده تاریخ قصیده میگوید :

لذاک قالوا و ارخنا مقالتهم (مولای فیک لنا ذا الیوم عیدان)

۱۲۱۰

از جمله قصیده ایست که در سال ۱۱۹۸ هجری قمری بمناسبت بهبودی و شفاء سید بحر العلوم از بیماری گفته :

۲۲۲	قرن سیزدهم	تاریخ بروجرد
-----	------------	--------------

یا ایها المولی الذی
یا من بنشر علومه
و ابان کل خفیه
نادر ماده تاریخ میگوید :

فهنالك قد اרכתها (البست ثوب العافیه)

۱۱۹۸

شیخ محمد رضانحوی شعرو ادب را بنحو توارث از پدر و برادرانش بارث برد
زیرا پدرش شیخ احمد نحوی نیز از اکابر علماء ادب و از شاگردان بحر العلوم بود و
مختصری از شرح حالش ذکر شد؛ برادرانش : شیخ محسن و شیخ حسن و شیخ حمزه
نیز از ادبا و شعراء عصر خود بودند .

شیخ محمد رضانحوی در سال ۱۲۲۶ هجری قمری در نجف اشرف در گذشت.

۴۷ - شیخ عبدالرحیم بروجردی - نزیل طهران شرح حالش مستقلا
ذکر می شود .

۴۸ - شیخ محمد علی بروجردی - ترجمه مختصری از او بعد از ذکر
خواهد شد .

۴۹ - ملا محمد حسن بن معصوم - رضوی مشهدی معروف به سید قیصر
از دانشمندان سده سیزدهم هجری و از شاگردان وحید بهبهانی و علامه سید بحر العلوم
و شیخ جعفر کاشف الغطاء پس از مدتها تحصیل در عتبات عالیات به مشهد مقدس
مهاجرت نمود و چهار سال در مدرسه بالاسر بافاضه فقه مشغول شد سپس باصفهان رفت
و همسری اختیار کرد و پس از چند سال دوباره به مشهد مشرف و در آن آستان ملائک
پاسبان بخدمات علمی و مذهبی مشغول تا در آخر عمر به فلج گرفتار برای معالجه به
طهران رفت و از آنجا بقم در آن مکان مقدس در سال ۱۲۵۵ در گذشت .

۵۰ - سید محمد زینی - فرزند سید زین الدین احمد بن علی حسینی عطار

بغدادی نجفی از علماء افاضل و ادباء امانل در قرن سیزدهم هجری است با شعراء و ادباء عصر خود مراسلات و مکاتبات بسیاری داشته خانه اش محل اجتماع ادباء و محدثین و فقهاء آن زمان بود مخصوصاً در روز پنجشنبه از ایام هفته .

وی در اوائل از شاگردان میرزا محمد اخباری بود و سپس از محضر علامه سید بحر العلوم استفاده کرد . مؤلفاتی در علم معانی و بیان و بدیع دارد و کتابی نیز در تفسیر قرآن . در سال ۱۲۱۶ هجری قمری درگذشت .

۵۱ - شیخ محمد تقی ملاکتاب - فرزند شیخ محمد احمدی بیانی نجفی از مجتهدین و فقهاء سده سیزدهم و از شاگردان وحید بهبهانی و علامه بحر العلوم و سید علی صاحب ریاض و شیخ جعفر کاشف الغطاء بود . از آثار علمیه او کتاب الدلائل الباهرة فی فقه العترة الطاهرة می باشد که استادش کاشف الغطاء بر آن تقریظ نوشته . وی در سال ۱۲۵۰ هجری تقریباً درگذشت .

۵۲ - سید محمد باقر رشتی حجة السلام - بمناسبت ذکر اساتید حاج سید شفیع بروجردی پس از این ذکر خواهد شد .

۵۳ - شیخ محمد علی هزارجریبی - فرزند آقا باقر بن میرزا محمد باقر مازندرانی هزارجریبی در سال ۱۱۹۰ هجری قمری در نجف متولد شد و مقدمات و معارف و علوم اسلامی را فرا گرفت و سپس از افاضات اساطین آن عصر مانند علامه سید بحر العلوم که در اوائل امرش از وی استفاده کرد و میرزای قمی و ملا احمد نراقی و سید جواد عاملی استفاده و استفاضه نمود و بشرف دامادی شیخ جعفر کاشف الغطاء نائل گشت .

آثار علمیه او مخزن الاسرار ، حاشیه بر شرح لمعه ؛ بحر زاجر در فقه ؛ لتالی المتلالیء در اصول فقه ، حواشی قواعد و معالم و قوانین و شرایع است . او در سال ۱۲۴۵ قمری درگذشت .

۵۴ - شیخ محمد علی اعسم - فرزند شیخ حسین نجفی از علماء شعراء و

ادباء بارعین در عصر خود معارف عقلی و نقلی را از محضر علامه سید بحر العلوم و شیخ جعفر کاشف الغطاء استفاده کرد. آثار علمیه او منظومه‌هایی است در موارث و عدد و رضاع و دیات و اطعمه و اشربه دره فقهیه سید بحر العلوم را به سه شعر تقریظ کرد:

درة علم هی مابین الدرر	فاتحة الكتاب مابین السور
تری علی ابیاتها طلاوة	کانما استقت من التلاوة
لذاک فاقت کل نظم جید	وسید الاقوال قول السید

در مدایح و مرثی معصومین علیهم السلام قصائد و قطعات بسیاری سروده برای تبرک‌بذکر چند شعر اکتفا می‌شود:

ذكر الطفوف و يوم عاشوراء	منعاً جفونی لذة الا غفاه
لم انسه لما سری من یثرب	بعصاة من رهطه النجباء
حتى اتوا ارض الطفوف بنینوا	ارض الکروب و ارض کل بلاء
خطوا الرحال فذا محط خيامنا	و هنا تكون مصارع الشهداء
و بهذه یغدو جوادى صاهلا	مرخی العنان یجول فی البیداء
و بهذه اغد و لطفلی حاملا	فی الکف اطلب جرعة من ماء

شیخ محمد علی اعسم که در سال ۱۲۳۳ قمری هجری در نجف اشرف درگذشت.

۵۵ - شیخ محمد رضا ازری - از ادباء و شعراء قرن سیزدهم هجری است مدتی از دریای بی‌کران علامه سید بحر العلوم استفاده نمود قصائد بسیاری در مدائح و مرثی معصومین علیهم السلام دارد از جمله هائیه معروفه در مرثیه ابو الفضل العباس علیه السلام که بعنوان تبرک ذکر می‌شود:

الله اکبر ای بدر خرعن	افق الهدایة فاستشاط ظلامها
فمن المعزی السبط سبط محمد	بفتی له الاشراف طأطأها ماها
واخ کریم لم یخنه بمشهد	حیث السراة کبابها اقدامها

تالله لا انس ابن فاطم اذجلا	عنه المعجاجة يستكر قتامها
و هوى عليه ما هنالك قائلا	اليوم بان عن اليمين حسامها
اليوم سار عن الكتائب كبشها	اليوم غاب عن الهداة امامها
اليوم آل الى التفرق جمعنا	اليوم حل عن البنود نظامها
اليوم نامت اعين بك لم نتم	و تسهدت اخرى فعز منامها
اشقيق روحى هل تراك علمت اذ	غودرت وانثالت عليك لثامها
ان خلت طبقت السماء على الثرى	او دكدكت فوق الربى اعلامها
لكن اهان الخطب عندى اننى	بك لاحق امر قضى علامها

شیخ محمد رضا ازری در سال ۱۲۴۰ هجری قمری درگذشت. مخفی نماند که این ازری برادر شیخ کاظم ازری معروف صاحب هائیه در مدح آل الرسول است. ۵۶ - شیخ عبدالنبی قزوینی یزدی - از علمای بزرگ و اساطین قرن سیزدهم هجری است، معاصر است با وحید بهبهانی و سید بحر العلوم و سید باو اجازه روایت داده و کتاب معروف خود را بنام تکمیل امل الآمل بفرمان سید بحر العلوم تألیف نموده چنانکه در همان کتاب باین موضوع تصریح کرده و گفته است: اگر چه مدتی بود اراده داشتم امل الآمل را تکمیل نمایم لکن بکار نپرداختم تا آنکه بحکم آنجناب (سید بحر العلوم) که واجب الامتثال است بجمعش شتافتم.

علامه بحر العلوم بنقل آقای دوانی در کتاب وحید بهبهانی در اجازه مفصلی که بعنوان تقریظ بر کتاب مزبور نوشته می نویسد: الحمد لله توفیق یافتم بتشریف کتابی که شیخ عالم فاضل محقق کامل، کوه شامخ علم و ستون راسخ فضل اسوه علمای گذشته و قدوة فضلی آینده بازمانده نوامیس سلف و استاد اساتید خلف؛ قطب دائره کمال و خورشید آسمان فضل و افضال شیخ عالم زکی و مولی مذهب نقی ملا عبدالنبی قزوینی یزدی الخ.

وی در سال ۱۲۰۰ هجری قمری درگذشت.

وفات سید بحر العلوم

سید بحر العلوم در سن ۵۷ سالگی در ماه رجب سال ۱۲۱۲ هجری بسرای جاوید شتافت و بامرک خویش جامعه مسلمین را داغدار کرد .

روز مرگش روزی تلخ و ناگوار بود مردم بسرو سینه می زدند و از چشمان سیلاب اشک می ریختند پیکرش را روی دست بلند کرده و دور شهر گردش دادند تهلیل و تکبیر وضحه و گریه و ناله در سراسر شهر مقدس نجف حکومت میکرد در آخر بدن را به صحن شریف آوردند تصادفاً آن روز فرزند برومندش مرحوم سید رضا بحر العلوم در نجف حاضر نبود مردم منتظر بودند که علامه مقدس زاهد و روح شیخ حسین نجف براو نماز بخواند زیرا آرزوی سید بحر العلوم در زندگی همین بود و لیکن بعکس انتظار، مرحوم سید میرزا محمد مهدی شهرستانی حایری براو نماز خواند .

علامه نوری در مستدرک داستانی عجیب بمناسبت مقام نقل نموده از مسلا زین العابدین سلماسی که میگوید : قبل از وفات سید بحر العلوم من در کنارش بودم فرمود کاش شیخ حسین نجف بر من نماز میخواند ولیکن کسی بجز آقا میرزا محمد مهدی شهرستانی بر من نماز نخواهد خواند تعجب کردم زیرا در آن روز میرزا مهدی در کربلا بود. تا پس از وفات و غسل و کفن، جنازه را بصحن بردند علماء و مجتهدین بودند من بیاد سخن بحر العلوم افتادم که فرمود جز شهرستانی بر من نماز نمیخواند ناگهان شهرستانی از در شرقی صحن در لباس سفر رسید و تمام علماء و بزرگان او را مقدم داشته و طبق پیش گوئی سید او نماز را خواند .

جنازه اش را نزدیک قبر شیخ طوسی قدس سره دفن نمودند و ماده تاریخ وفاتش

کلمه غریب است چنانچه مرحوم سید حسین بروجردی در نخبه المقال گفته :

السید المهدی الطباطبائی بحر العلوم صفوة الصفاء

و المرتضی والده سعید

مات غربیاً عمره مجید

۱۲۱۲ ۵۷

در مصیبت هائله او شعرا و ادباء قصائدی سرودند از جمله سید احمد عطار
بغدادی گفت :

عزیز علی المهدی فقد سمیه
فقدناه فقد الارض صوب عهادها
اجل وعلی هادی الانام الی الرشد
وفقد السما للبدر والنحر للعقد
اصیب به الاسلام حزناً فارخوا
اثار مصاب القائم السید المهدی

۱۲۱۲

مصرع آخر در صورتیکه کلمه شریفه قائم بایاء حساب شود ماده تاریخ وفات است.
از جمله شعرائیکه در این حادثه جانگداز شعر سرود سید محمد زین الدین بود
که گفت :

الیوم جدد رزع آل محمد صلی الله علیه و آله
حاولت اعلی القول فی تاریخه
و قضی بحزن للانام مجدد
لمصیبة المهدی ناخ المهدی

۱۲۱۲

وقصیدت ثانی ما نظمت مؤرخاً
و دعت یا مهدی شرع محمد

۱۲۱۲

و نیز سید احمد عطار سابق الذکر گفت :

لله خطب جلیل شب فی
اذاب قلب المجد بل کاد ان
کل فؤاد لهب الوجد
حزن اعلی من ساد کل الملاء
یذیب قلب المجد الصلد
واحد هذا العصر من مثله
بجده و الجد و الجد
کم مقله قد نثرت لؤلؤاً
یجل عن مثل و عن ند
کم ذاب قلب یوم ارخت قد
لفقد ذاک الجوهر الفرد
(اذاب قلب القائم المهدی)

۱۲۱۲

از جمله شیخ محمد هادی نحوی گفت:

مضی السید المهدی فلیک من بکی
فتی قد حوی العلم الالهی یافعاً
مضی قمرالاسلام مصباح جوہ
مضی من ملا الدنيا جلالاً و هیبة
لیک علیہ العلم والحلم و الحجی
فقدناک یافرد الزمان و وتره
در فقدان سید بحر العلوم تنہا ادباء و شعراء عرب شعر نسروند بلکه فارسی
زبانان نیز در آن مصیبت عظمی در قالب زبان فارسی تأسف خود را بسطک نظم آوردند
از جمله :

عجب غمی است که دل زین مصیبت جانکاه

بسینه خون شد و بیرون ز چشم پر نم رفت

خرد چو سال وفات توجست با وی گفت

سمی مهدی صاحب زمان ز عالم رفت

ولیکن مصراع اخیر باماده تاریخ وفات منطبق نیست .

کرامات بحر العلوم

علماء رجال و دانشمندان تراجم احوال که احوال مرحوم سید بحر العلوم را
نوشته اند همگی او را صاحب کرامات و خوارق عادات معرفی کرده اند .

در ابیاتیکه بمناسبت نسب مرحوم سید محمد بن سید عبدالکریم بروجردی
جّد سید بحر العلوم پیش از این ذکر شد اشاراتی بکرامات آن ذات بابرکات شد .
ادباء و شعراء معاصر او در قصائدی که در مدح وی گفته اند تصریحاً یا تلویحاً
بکرامات وی اشاره نموده اند .

مرحوم سید جواد عاملی هنگامیکه کتاب مفتاح الکرامه خود را به سید بحر العلوم داد تا نظر صائب خود را بر آن کتاب معطوف فرماید قصیده‌ای گفت و در محضر سید بحر العلوم خواند که قسمتی از آن ذکر می‌شود :

الیک زمام الخلق یا خیر مرشد	وانت نظام الکون فی کل مشهد
وانت امین الله قمت بامرہ	علی الدین والدنیا بامر محمد
و حجته العصماء من کل وصمة	و آیتہ الکبری علی الیوم والغد
لک المعجزات البینات اقلها	یقیم علی سامی الهدی کل مقصد
و کم فرقة ضلت فروع اصولها	رددتم الی الاصل الاصول المرصد
وفی درسک المیمون اعدل شاهد	علی سرك المخزون فی کل مشهد
مدحتک لانی رجوتک للغنی	وان غاض و فری من طریف و متلد
و لکننی عایت فیك شمائل	عرفت بها عرف النبی محمد

فکر میکنیم قبل از ذکر کرامات لازم است مقدمه‌ای ذکر شود در معنی کرامت و امکان آن از نظر عقل و علم زیرا ممکن است بعضی منکر این قبیل قضایا باشند.

کرامت چیست و فرق آن با معجزه کدام است ؟

کرامت یا معجزه گفتار و یا کرداری است که ظاهراً برخلاف موازین محسوسه طبیعی است و کسی نمی‌تواند مانند آنرا بگوید و یا بیاورد جز آن کس که با ما و اراء طبیعت سروکار داشته باشد و فرق معجزه و کرامت این است که آن امر خارق عادت و طبیعت اگر مقارن تحدی و غلبه بر خصم شد بنام معجزه و الا کرامت نامیده میشود فرق معجزه و کرامت با سحر این است که سحر در مجلس و محل مخصوصی واقع می‌شود و مختص کسانی است که در آن محل و مجلس حاضرند و برای دیگران که خارج از آن محل باشند بی‌اثر است حتی گویند گاهی ساحر در آغاز اسامی حاضرین را می‌نویسد آنگاه اعمال سحر می‌نماید و اگر کسی غیر از آنها که نامش نوشته

شده حاضر شود آن امور غریبه را مشاهده نمی کند ولیکن معجزه و کرامت چنین نیست اگر کوری شفا داده شد هر کس او را مشاهده کند بی‌نا می بیند.

فرق دیگر آنکه در معجزه و کرامت احتیاج با سبب و ابزار مادی نیست بلکه تنها اراده و توجهی از طرف صاحب معجزه و کرامت کافی است بخلاف سحر که بدون اسباب و ابزار مادی پدید نمی شود.

فرق دیگر، در معجزه و کرامت احدی قدرت معارضه و ابطال آن را ندارد بخلاف سحر که ممکن است معارضی اقوی پدید شود و آن را باطل نماید.

آیا امور خارق عادت و طبیعت ممکن است یا محال؟

جمعی که پیشرفتهای صنعتی جهان، آنان را مقهور ساخته و خیال میکنند که بشر به تمام رازهای طبیعت پی برده و دیگر رازنهفته‌ای در این عالم نیست، منکر معجزات و کرامات می باشند.

این دسته گمان میکنند که کلید اسرار تمام عالم هستی در دسترس آنها قرار گرفته و همه مجهولات جهان حل و کشف شده. در نتیجه این اندیشه هر حقیقت و واقعیتی که با فکر محدود و اندیشه نارسای آنان سازش نداشت بی رحمانه آنرا رد کرده و شانه از زیر بار پذیرفتن آن خالی میکنند در صورتیکه خردمندان و دوراندیشان می دانند که علم بشر با تمام پیشرفتهایش هنوز به یک هزارم اسرار جهان نرسیده بلکه معلومات کنونی انسان در مقابل مجهولاتش چون نمی است ازیم و همچون قطره ایست از دریا.

روشن فکران جهان همگی باین حقیقت معترفند: نزدیک تر چیزها بما خود ما است تا کنون به اسرار خود پی نبرده ایم، هنوز حقیقت حیات و زندگی خود را درک نکرده ایم. بگفتار فلاماریسون فلک شناس ده سال پی در پی سؤال از مجهول میکنیم و متأسفانه به يك پاسخ نائل نمی شویم حیات چیست؟ مرگ چیست؟ خواب چیست؟ بیداری چیست؟ شعور چیست؟ فکر چیست؟ اراده چیست؟ غم چیست؟ شادمانی

چیست؟ غضب چیست؟

انیشیتین به نقل از کتاب خلاصه فلسفه نظریه انیشیتین ص ۱۱ میگوید: معمای خلقت و افسانه سر بزرگ هنوز لاینحل است حتی نمی توان مطمئن بود که این راز در آخر کار گشودنی باشد. آنچه تا کنون از کتاب طبیعت خوانده ایم بسیار ناچیز است زیرا با این همه که باصول زبان طبیعت آشنا شده ایم میدانیم که هنوز از حل و کشف کامل خیلی دوریم.

دکتر الکسیس کاریل در کتاب انسان موجود ناشناخته می نویسد:
با آنکه ما امروز وارث گنجینه هائی از مطالعات دانشمندان وفلاسفه و عرفا و شعرا هستیم هنوز جز باطلاعات جسته و گریخته که زائیده روشهای علمی خود ما است دسترسی نداریم چه لزومی دارد که حقیقت همیشه برای ما ساده و قابل فهم باشد ممکن است حقایقی هم در جهان یافت شود که ما آنرا ندانسته و یادداشتن آن برای ما دشوار گردد.

ویلیام جمس می نویسد: علم ما همچون قطره ایست ولی جهل ما یک دریای عظیم، تنها چیزیکه ممکن است بطور مؤکد گفته شود آنست که عالم معلومات طبیعی فعلی ما محاط بعالم وسیع تری از نوع دیگر است که ما تا کنون خواص آنرا درک نکرده ایم.

شارت ریشیه فرانسوی که یکی از استادان دانشکده طب فرانسه است در مقدمه کتاب نموده های روحی می نویسد: درعین اینکه باید انسان از علوم امروز احترام کند این موضوع را نیز باید معتقد باشد که علوم امروز هر چند پیشرفت کند باز نواقص فاحشی دارد. اگر از یک مرد بربری یا یک دهقان مصری یا یک دهاتی روسی درباره معلوماتش راجع به طبیعت سؤال نمائیم یک دهم مطالبی را که یک کودک کلاس ابتدائی دانسته نمیداند. و من میدانم روزی بیاید که علماء عصر ما در مقابل مردم آن روز مانند دهاتی ها باشند در مقابل اساتید دانشگاه فرانسه.

اکنون انصاف دهیم باین همه اعترافات دانشمندان بزرگ قدیم و جدید درباره محدود و ناچیز بودن علوم بشر آیا خلاف وجدان و عقل سالم نیست که کسی بصرف نفهمیدن يك حقیقت آنرا منکر شود .

معجزه و کرامت حقیقت مسلمه ایست از حقایق این جهان و قطعاً اسبابی نیز دارد منتها آن اسباب از سنخ ماده نیست تامشهود همه کس باشد ؛ ولیکن ما چون اسیر اسباب مادی شدیم از علل ماوراء طبیعت بی خبر مانده و دم از انکار میزنیم . جلال الدین رومی خوش سروده است :

چشم بر اسباب از چه دوختیم	گرزخوش چشمان کرشم آموختیم
هست بر اسباب اسبابی دگر	در سبب منگر در آن افکن نظر
انبیاء در قطع اسباب آمدند	معجزات خویش بر کیوان زدند
بی سبب مریح را بشکافتند	بی زراعت جاش گندم یافتند
ریگها هم آرد شد از سعیشان	پشم بز ابریشم آمد کشکشان
جمله قرآن است در قطع سبب	عز درویش و هلاک بولهب
مرغ بابیلی دوسه سنگ افکند	لشگر زفت حبش را بشکند
پیل را سوراخ سوراخ افکند	سنگ مرغی کو بیالا پرزند
دم گاو کشته بر مقتول زن	تا شود زنده هماندم در کفن
حلق ببریده جهد از جای خویش	خود بخود جوید ز خون بالای خویش
هم چنین ز آغاز قرآن تا تمام	رفض اسباب است و علت والسلام
بند معقولات آمد فلسفی	شهسوار عقل عقل آمد صفی
عقل عقلت مغز و عقل تست پوست	معدۀ حیوان همیشه پوست جواست
آن سیاه و آن سفیدار قدر یافت	زان شب قدر است کاخ تراست
قیمت همیان و کیسه از زراست	بی زری همیان و کیسه ابتر است
همچنان که قدر تن از جان بود	قدر جان از پرتو جانان بود

اگر چه جمعی از یاهو گویان و منفی باfan، کرامات و معجزات و خوارق عادات را خرافات می‌بندارند و آنها را موهومات قلمداد میکنند اما با انکار آن دسته واقع، حقیقت خود را ازدست نمی‌دهد.

اعتقاد به معجزات و کرامات از نظر متدینین بادیان الهی و کتب سماوی یک اصل مسلم است زیرا قرآن مجید معجزات بسیاری برای پیغمبران صریحاً اثبات میکند ولیکن برای کسانی که چشم و گوش بسته پیرو افکار بیگانگان و اورپائیان، هستند ناچاریم از نظر تنبیه افکار آنها قسمتی از اعترافات دانشمندان غرب را درباره معجزات و کرامات نقل کنیم.

دکتر الکسیس کارل فیزیولوژیست و زیست شناس (بیولوژی) فرانسوی و اولین برندهٔ جایزه نوبل در کتاب انسان موجود ناشناخته می‌نویسد: در هر کشور و هر عصر مردم بکیفیت معجزه و درمان سریع کم و بیش بیماریها در زیارتگاهها و اماکن مقدسه معتقد بوده‌اند اما امروز پایه این اعتقادات سست شده و جمعی از پزشکان وجود معجزه را جایز نمی‌شمرند. مع هذا این انکار با مشاهداتی که در دست داریم باید مورد غور و تأمل قرار گیرد.

موارد زیادی از این مشاهدات بوسیلهٔ مؤسسهٔ پزشکی لورد جمع آوری شده. اطلاعات کنونی مادر بارهٔ تأثیر فوری نیایش (دعا) در شفای امراض روی شرح حال بیمارانی که از امراض گوناگون چون سل استخوانی، زخمهای چرکین، سل پوستی، سرطان و غیره درمان یافته‌اند متکی است.

چگونگی معالجه نزد این و آن تفاوتی ندارد اغلب درد شدیدی احساس و سپس شفای کامل فرا میرسد بعد از چند ثانیه و یا چند دقیقه و یا حداکثر چند ساعت زخمها جوش می‌خورد و علائم بیماری از میان میرود و اشتهای مریض باز میگردد. گاهی اختلالات عملی پیش از ضایعات عضوی از بین میرود در صورتیکه برای تغییر شکل استخوانی در بیماری پوست و یا عقده‌های لنفاوی سرطانی و برگشتن

آنها بحال طبیعی حداقل بطور اغلب دو یا سه روز وقت لازم است این شفای معجزه آسا با سرعت عجیب التیام ضایعات عضوی مشخص است و شکمی نیست که میزان این التیام و شفا خیلی بیشتر از حد طبیعی می گردد .

و باز در همین زمینه پس از نقل يك سلسله مطالب میگوید : ولی برای ما ممکن نیست که علل این مسائل خارق العاده را با کوششهای علمی خود درک کنیم مشاهدات و مسموعات درباره معجزات و کرامات بحدی زیاد و پی در پی و متواتر می باشد که انسان قطع پیدا میکند به تحقق آن اگر چه نسبت بجزئیات و افراد قاطع نشویم ولیکن بطور کلی جازم به امکان و وقوع آن هستیم.

کرامات و خوارق عادات

نویسنده محترم کتاب کیفر گناه آقای سید هاشم رسولی محلاتی در همان کتاب جزء دوم ص ۲۶ می نویسد : یکی از تجار محترم تهران که اکنون زنده است و در نزدیکی ماباغی دارد نقل کرد که هنگامیکه این باغ را خریدم از نظر آب سخت در مضیقه بودیم و لوله کشی هم نبود لذا ناچار شدیم در یکی از نقاط باغ چاه نیمه عمیقی حفر کنیم و بوسیله موتور باغ را مشروب نمائیم ولی هر نقطه را حفر کردیم به آب نرسید و مبالغ زیادی صرف و به نتیجه نرسیدیم .

در این خلال بقصد زیارت حضرت ثامن الائمه علیهم السلام سفری به مشهد نمودم و نظر به سابقه ای که با مرحوم حاج شیخ حسنعلی اصفهانی رحمه الله داشتم به دیدنش رفتم و در ضمن جریان حفر چاههای متعدد باغ را برای ایشان عرض کردم. آن مرحوم فرمود من دستوری میدهم که پس از مراجعت به تهران اگر طبق آن دستور هر کجای باغ را حفر کنید به آب برسید و هیچگاه هم خشک نشود و بحد کافی نیز باشد مشروط بر اینکه شیری هم در خارج باغ بگذارید تا رهگذران استفاده کنند .

شرط مزبور را پذیرفتم و آن مرحوم يك تکه کاغذ برداشت و چند جمله دعا روی آن نوشت و بمن داد و گفت هر نقطه را که خواستید حفر کنید ابتداء این کاغذ را در آنجا بگذارید و سپس شروع بحفاری کنید و هنگامیکه بآب رسیدید این کاغذ را در چاه بیندازید .

من به نهران مراجعت کردم و طبق دستور ایشان عمل کردیم و هم اکنون سالها است که از این چاه در طول سال استفاده میکنیم و گاهی در تابستان در هر روزی چندین ساعت بوسیله موتور آب میکشیم و هیچ گونه نقصانی در آن پیدا نشده و طبق دستور آن مرحوم شیری هم در پشت دیوار باغ نصب کردیم که عموم مردم از آن استفاده کنند . . .

حتی در خارج از محیط های مذهبی برخی از مراضین در اثر ریاضتهای سخت بدنی کارهای خارق العاده ای انجام می دهند که با هیچ عاملی از نظر طبیعت قابل انطباق نیست .

در یکی از مجلات مصری دانشمندان مادی جهان را مخاطب ساخته و میگوید: ای دانشمندان آیا داستان زیر که در چند سال پیش اتفاق افتاده با کدام علم و قانونی منطبق است و چگونه برای شما قابل درک است . . . و سپس داستانی بساین شرح نقل میکنند که در دوازده سال قبل در یکی از شهرهای هندوستان مرد فقیری از همین مراضین سوار قطار شد پس از گذشتن یکی دو ایستگاه مأمورین برای بازدید بلیطها و کنترل مسافری در واگنهای قطار براه افتادند تا باین فقیر مراض رسیدند و از وی مطالبه بلیط شد .

مراض گفت بلیط ندارم رئیس قطار گفت قیمت بلیط را بده تا برایت بلیط صادر کنم . پاسخداد پول ندارم رئیس قطار گفت پس باید در اولین ایستگاه پیاده شوی . و بدنبال آن بمأمورین قطار دستور داد این مرد را در اولین ایستگاه پیاده کنید .

قطار به ایستگاه رسید و مأمورین برای پیاده نمودن مراض آمدند . مراض

روی به آنها کرد و گفت : اگر مرا پیاده کنید قطار حرکت نخواهد کرد . مأمورین پوزخندی زده و او را از قطار پائین کردند .

مرتاض مزبور بکنار تپه‌ای که در آن نزدیکی بود رفت و روی آن تپه لم داد ولی چشمان خود را بقطار دوخت . مأمورین قطار پس از انجام کارهای خود سوت کشیدند و مسافری سوار شده راننده لکو موتیف هم سوت کشیده و دکمه حرکت رازد و ترمز را آزاد نمود ولی با کمال تعجب مشاهده کرد که قطار میخکوب شده و اصلاً از جا حرکت نمی‌کند .

قدری این طرف و آن طرف را نگاه کرد و پیچ و مهره‌ها را آزمایش کرد مشاهده کرده درست و منظم است امانتی فهمد چرا حرکت نمی‌کند کم کم مأمورین و رؤسای قطار و ایستگاه متوجه شده پائین آمدند مهندس و میکانیک آوردند ولیکن هر چه بیشتر تلاش کردند کمتر نتیجه گرفتند .

فکر کردند ممکن است يك اشکال فنی غیر مرئی در دستگاه لکو موتیف پیدا شده لذا لکو موتیف دیگری آوردند و بجای بستند و لسی با کمال تعجب دیدند آن لکو موتیف نیز از حرکت ایستاد . تا بالاخره یکی از مأمورین گفت : شاید آن فقری را که ما پیاده کردیم و بما گفت : اگر مرا پیاده کنید قطار حرکت نخواهد کرد از مرتاضین بوده و کاری کرده که موجب توقف قطار گردیده است .

شروع بجستجو کردند و او را روی تپه‌ای یافتند . نزد وی آمدند و پس از معذرت خواهی درخواست کردند مجانی تا هر کجا بخواهد سوار شود ولی او نپذیرفت و گفت هر وقت قانونی گذرانید که از این پس هر فقیر مرتاضی که بخواهد از شهری به شهر دیگر سفر کند او را برایگان سوار کنید آن موقع من سوار می‌شوم .

مشکل عجیبی گرفتار شده بودند و بالاخره پس از قولی که در این باره باو دادند و اصرار زیادی که از طرف مأمورین و مسافری برای سوار شدن او شد مرتاض برخاست و سوار قطار شد و بمحض سوار شدن او قطار حرکت کرد .

اینها و هزاران نمونه دیگر شواهدی است بر اینکه در این عالم قوانینی حکمفرما

است که با هیچ عامل طبیعی و علت مادی وفق نمی‌دهد اما حقیقت دارد.
 اکنون که تاحدی روشن شد صدور کرامت و امور خارق عادت محال عقلی
 و علمی نیست بلکه امری است ممکن چند نمونه از کرامت‌های منقوله از علامه سید
 بحر العلوم ذکر می‌شود:

علامه نوری در کلمه طیبیه از ملا زین العابدین سلماسی بانی قلعه سامراء نقل
 میکنند که شبی فقیه اجل وسید اکمل آقا سید جواد عاملی صاحب مفتاح الکرامه
 بخوردن غذا مشغول بود متوجه شد کسی در خانه رامیکوبد در را باز کرد خادم سید
 بحر العلوم را دید که باو گفت سید بحر العلوم منتظر شما است.

سید جواد میگوید خود را بعجله حضور استاد سید بحر العلوم رساندم چون
 چشم سید بمن افتاد فرمود آیا از خدا نمیترسی آیا از خدا حیا نمیکنی. عرض کردم
 چه شده فرمود مردی از همسایگان توهفت روز است که برنج و گندم نچشیده و در
 این مدت از بقالی خرما ی زاهدی نسبه میکرد. امروز بقال باو گفت قرض تو بفلان
 مبلغ رسیده او شرمند شد و از بقال چیزی نگرفت و خود و عیال وی شب را بدون
 غذا بسر می‌برند و تو خوش میگذرانی و میخوری با اینکه خانه‌اش بخانه تو متصل
 است و نام او شیخ محمد نجم عاملی است.

سید جواد عرض کرد والله مطلع نبودم فرمود اگر مطلع بودی و باو کمک
 نمیکردی یهودی بودی و این غضب من بر تو بخاطر تجسس نکردن تو است اکنون
 این کیسه را بتو میدهم و این مجموعه را هم خادم با تو میآورد بخانه آن شخص ببر
 و کیسه را زیر فرش او بگذار و مجموعه را هم برنگردان و من شام نمیخورم تا تو بر
 نگردی و خبر دهی که او شام خورده و سیر شده.

سید جواد و خادم بخانه آن شخص رفتند و مجموعه را بزمین گذاشتند و سید
 فرمود خوش داشتم امشب با تو شام خورده باشم آن شخص عرض کرد این غذای تو
 نیست زیرا طبخی است که عرب نمی‌تواند تهیه کند و تا خبر ندهی و مرا از واقع مطلع

نسازي از اين غذا نميخورم سيدجواد ناچار قضيه را نقل كرد .
 آن شخص گفت بخدا سوگند احدى از احوال من اطلاع نداشته حتى
 همسايگان ؛ سيد بحر العلوم از كجا مطلع شده و آن كيسه محقوى شصت عددشوش
 بود كه نام پول آن عصر است و هر شوشى تقريباً دو قران مى شود .

حكايه ديگر

محدث قمى در فوائد الرضويه جلد دوم ص ۶۷۸ مى نويسد : شيخ ما علامه
 نورى بسند صحيح نقل فرموده كه وقتى سيد بحر العلوم بكر بلا مشرف مى شد جماعتى
 در خدمتش مشرف بودند از جمله شاگردش شيخ تقى ملاكتاب و در خارج قافله
 نيز شخصى سير مى كرد وليكن در هر كجا سيد فرود مى آمد و منزل ميكرد آن شخص
 نيز فرود مى آمد و هنگام حر كت سيد او نيز حر كت ميكرد .

سيد باو التفات فرمود و با اشاره اورا طلبيد آن شخص نزديك آمد و دست
 سيد را بوسيد سيد احوال جمعى از خويشان و مردان و زنان اهل بيت اورا و هم چنين
 همسايگان اورا تا قريب بچهل نفر سؤال كرد و آن شخص خوشحال مى شد و جواب
 ميداد شكل و لهجه آن مرد شبیه به اهل عراق نبود ما از سيد سؤال كرديم اين كيست
 فرمود از اهل يمن است . گفتيم شما چه وقت در يمن ساكن بوده ايد كه اين جماعت
 را شناخته ايد . سيد سر بزيار افكند و فرمود سبحان الله اگر سؤال كنيد از من وجب
 بوجوب زمين را هر آينه خبر ميدهم از آن .

حكايه ديگر

محدث قمى در فوائد ص ۶۷۹ و زنوزى در رياض الجنة از ملا زين العابدين
 سلماسى كه از مفاخر شاگردان بحر العلوم است نقل ميكنند كه گفت من در محضر
 علامه بحر العلوم حاضر بودم شخصى از آنجناب راجع به امكان رؤيت طلعت غراى

امام عصر علیه السلام در غیبت کبری سؤال نمود.

سید غلیانی در دست داشت و مشغول کشیدن آن بود در این هنگام در جواب سائل ساکت شدند و سر را زیر انداخته و با خود آهسته بطوریکه من میشنیدم میفرمود چه بگویم و حال آنکه حضرت مرا در بغل گرفته و سیمه خود چسبانیده است و از طرف دیگر وارد شده که مدعی رؤیت را تکذیب کنید و این سخن را مکرر مینمود سپس در جواب سائل فرمود از اهل بیت عصمت رسیده است که تکذیب کنید کسی را که مدعی رؤیت شد. و بهمین دو کلمه قناعت کرد و به آنچه آهسته فرمود اشاره نکرد.

حکایت دیگر

محدث قمی در فوائد الرضویه جلد دوم ص ۶۸۰ می نویسد: ملازین العابدین سلماسی از ناظر امور سید بحر العلوم نقل کرده که گفت: در ایامیکه سید بحر العلوم مجاور مکه معظمه بود با اینکه آنجناب غریب بود و دور افتاده و منقطع از اهل و خویشان، امدادی قوی و مطمئن داشت و در آن هنگام نیز بذل و عطایش بسیار بود اتفاقاً روزی چیزی نداشتیم پس چگونگی حال را خدمت سید عرض کردم که مخارج زیاد و چیزی در دست نیست پس چیزی نفرمود عادت سید بر این بود که صبح طوافی دور کعبه میکرد و بخانه می آمد و در اطاق مخصوص بخود میرفت.

ماقلیانی برای او میبردیم میکشید و سپس با طاق دیگر میرفت و شاگردان از هر مذهبی جمع می شدند و برای هر صنف بطریق مذهبش درس میگفت. آن روز که روز قبلش جریان تنگدستی را گفته بودم سید از طواف برگشت حسب عادت هر روز قلیانرا حاضر کردم ناگاه کسی در را کوبید پس سید بشدت مضطرب گشت و بمن فرمود قلیانرا بگیر و بیرون باش و خود بشتاب در را باز کرد.

شخصی جلیل و بزرگوار بهیئت اعراب داخل شد و نشست و سید در نهایت

ذلت و مسکنت و ادب نزدیک در نشست و بمن اشاره کرد که قلیا را نبرم پس ساعتی با او سخن گفت و برخاست در را باز کرد و دست آن شخص را بوسید و او را بر ناقه‌ای که بر در خانه خوابیده بود سوار کرد آن شخص بزفت و سید بارنگ متغیر برگشت و برای بدست من داد و فرمود این حواله ایست بر مرد صرافی که در کوه صفا حجره دارد برونزد او و حواله را نشان بده و پولها را بگیر و بیاور .

آن برات را گرفتم و به همان صراف که فرموده بود دادم برات را بوسید و گفت برو چند نفر حمال بیاور رفتم چهار نفر حمال بردم بمقداری که آن چهارتن حمال توانستند ریال فرانسه آورد و بار کرد و ریال فرانسه معادل پنج قران بود .

حمالها ریالها را بخانه سید آوردند روزی رفتم تا از صراف تحقیق کنم و برات دهند را بشناسم ولیکن نه صرافی دیدم نه دکانی پس از کسی که در آنجا بود پرسیدم از حال صراف گفت مادر اینجا هرگز صرافی ندیده‌ایم .

آن هنگام متوجه شدم این قضیه از اسرار مرموز و کشف از عظمت مقام سید بحر العلوم بود .

حکایت دیگر

دانشمند محترم آقای دوانی در کتاب زندگانی وحید بهبهانی ص ۲۳۰ مینویسد : علامه نوری از عالم عامل و زاهد کامل آقا رضا فرزند حاج ملا محمد نائینی خواهرزاده عالم فقیه جلیل حاج محمد ابراهیم کلباسی از ملازمین العابدین سلما سی نقل کرده که گفت : روزی در نجف اشرف در مجلس درس آیت الله علامه بحر العلوم نشسته بودیم که عالم محقق میرزای قمی صاحب قوانین بروی وارد شد و آن مرحوم در آن سال از ایران آمده بود که بزیارت بیت الله برود .

با ورود مرحوم میرزا شاگردان که بیش از یکصد نفر بودند برخاستند و رفتند فقط من و سه تن از شاگردان خاص بحر العلوم که در نهایت صلاح و سداد و تقوی و

اجتهاد بودند ما ندیم .

محقق قمی به علامه بحر العلوم گفت شما باتوقف در نجف اشرف مرتبه فرزندی روحانی و جسمانی و قرب مکان ظاهری و باطنی را دریافته اید ، بنابراین از آن نعمتهای غیر متناهی که بدست آورده اید بهمانیز تصدق نمائید علامه بحر العلوم بدون تأمل فرمود من شب گذشته یادوشب قبل (تردید از راوی است) بمسجد کوفه رفته بودم که نافلة شب را آنجا بخوانم و اول صبح به نجف اشرف مراجعت کنم تا درس و بحث تعطیل نشود .

چون از مسجد بیرون آمدم شوقی پیدا کردم که به مسجد سهله نیز بروم ولی بعد منصرف شدم چه ترسیدم مبدا دیر به نجف برسم و مباحثه آن روز ترك شود . ولیکن هر لحظه شوقم زیادتیر و دلم میل رفتن مسجد سهله داشت در همان حال که ایستاده بودم و در رفتن و نرفتن تردید داشتم بادی وزید و غباری برخاست و مرا به آن صوب حرکت داد و چیزی نگذشت که بمسجد سهله رسیدم . چون وارد مسجد شدم از زوار و مترددین خبری نبود مگر شخص بزرگواری که مشغول مناجات باقاضی الحاجات است و با کلماتی سخن میگوید که دل را منقلب و چشم را گریان می کند . از شنیدن آن کلمات حال من متغیر و دلم از جا کنده شد و زانوهایم مرتعش و اشکم جاری گردید . در تمام دعاهائیکه در اخبار دیده بودم نظیر آن کلمات جانفزا ندیده دانستم مناجات کننده ای آن کلمات را انشاء می کند گوش فراداشتم و از آن مناجات و الفاظ متلذذ می شدم تا از راز و نیاز فارغ شد ملتفت من شد و بزبان فارسی فرمود مهدی بیا قدم بقدم جلورفته تا آنجا که دست آنجناب بدست من رسید و بکلمه ای تکلم فرمود .

سلماسی گوید چون کلام سید باینجا رسید یکدفعه از این رشته سخن دست کشید و بجواب سؤال قبلی محقق قمی پرداخت . میرزای قمی دوباره از آن کلام خفی سؤال کرد ولی سید بدست اشاره فرمود که آن از اسرار مکتوم است .

حکایت دیگر

و نیز علامه نوری از ملازمین العابدین سلماسی نقل کرده که گفت : بامرحوم سید بحر العلوم در حرم عسکریین علیهما سلام الله نماز میخواندیم سید پس از تشهد رکعت دوم خواست حرکت کند ولیکن بر خلاف انتظار جالی یساو دست داد و توقف کرد پس از اندکی برخاست. چون از نماز فارغ شد همه ما تعجب کردیم تا آنکه بمنزل برگشتیم و طعام حاضر شد یکی از ساداتیکه در آن مجلس و نماز حاضر بود بمن اشاره کرد که علت پدید شدن آن حالت و توقف اندکرا از سید بحر العلوم سؤال نمائیم .

سید خود ملتفت شد فرمود در چه مطلبی گفتگو دارید عرض کردم میخواهند سر آنحالات و توقف که در نماز بشما دست داد بفهمند .

فرمود حضرت حجة العصر والزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف برای سلام پدیر بزرگوار خود وارد حرم شد من از مشاهده جمال دل آرای آنجناب از خود بی خود شدم تا آنکه از حرم بیرون رفتم .

حکایت دیگر

محدث قمی از ملازمین العابدین سلماسی نقل میکند که گفت : شبی در حرم مطهر امیر المؤمنین علیه السلام علامه بحر العلوم را دیدم عرق بر چهره و صورتش نشسته و رنگش قرمز و باین شعر مترنم است .

چه خوش است صوت قرآن ز تو دلربا شنیدن

برخت نظاره کردن سخن خدا شنیدن

سپس ساکت شد من جلو رفتم عرض کردم شما را چه می شود فرمود در ورود

بحرم، امام زمان را دیدم و بالحنی جاذب قرآن میخواند این است که آن شعر

بزبانم جاری شد .

فرزندان سید بحر العلوم

مرحوم سید بحر العلوم دارای سه فرزند بوده يك دختر و دو پسر .

دخترش همسر سید محمد معروف به مجاهد و صاحب کتاب مناهل فرزند سید علی طباطبائی صاحب کتاب ریاض المسائل است . شرح حال سید محمد مجاهد در ذیل عنوان اساتید حاج سید شفیع بروجردی ذکر می شود .

یکی از پسران سید بحر العلوم بنام سید محمد بوده و در کوچکی از دنیا رفت . این کودک در استعداد و ذكاء آیتی بشمار رفته .

در مقدمه فوائد رجالیه ص ۱۲۷ بمناسبت مرگ این کودک داستانی جالب نقل میکند : سید بحر العلوم روزی بسیار گرم میخواست بکربلا مشرف شود آن روز سید محمد که هنوز چهار سال کامل نداشت بدامن سید چسبید و اشکها ریخت شاید پدرش او را باخود بکربلا ببرد چون مأیوس شد عرض کرد بابا اگر مرا باخود بکربلا نبری در بر گشتن مرا نخواهی دید .

چون هوا گرم بود سید نمیخواست در آن هوای سوزان بچه ناراحت شود بسخنان او اعتنائی نکرد و رفت . کودک پس از رفتن پدرش از شدت گریه مریض شد و پیش از آمدن سید از دنیا رفت .

سید بحر العلوم از این حادثه سخت متأسف شد و در مرثیه این کودک قصیده ای سرود که بعضی آن ذکر می شود :

عش ما تشاء فغایة الاحیاء	موت وما الدنیا بدار بقاء
ینبى عن الامر الخفی کانما	یلقی الیه الامر بالایحاء
لو كنت شاهده لقلت محدث	مستودع لسرائر الانباء
لا ینقضی عجبی له اذ قد نعی	لی نفسه فی لوعة وبكاء

۲۴۴	قرن سیزدهم	تاریخ بروجرد
-----	------------	--------------

ازجاء يعدو من ورائی صارخاً	متعلقاً من شجوه بردائی
قال اصطحبنی حیث تذهب اننی	من بعد نأیک لست فی الاحیاء
اشفقت من عنف المسیر ومن اذی	حر الهجیر ورشدة الرضاء
فترکته والنفس موقنة بما	حکم القضاء به من الامضاء
اودی عقیب فظامه حولین لم	یکملهما اذمر فی الاثناء
درر تنائر حینما ارخته	انی ادخرت محمداً لرجائی

۱۲۰۰

عدد حروف مصراع آخر بحساب جمل ابجدی مطابق است با ۱۶۰۴ و از این عدد عدد کلمه درر که ۴۰۴ می باشد کسر شود باقی مانده ۱۲۰۰ می باشد که تاریخ وفات کودک است .

سیده محمد رضا - فرزند دوم سید بحر العلوم: مرحوم سید محمد رضا جد خاندان جلیل بحر العلوم است . وی در سال ۱۱۸۹ هجری قمری متولد شده و در ولادتش ادباء عصر در تهنیت سید بحر العلوم شعرها سرودند از جمله شیخ محمد رضا نحوی در تاریخ ولادت گفت :

بشری فان الرضا بن المرتضی ولدا	وانجز الله للاسلام ما وعدا
حبا به الله مهدی الزمان فیا	له هدی متبعاً من ربه بهدی
قد طاب اصلا ومیلاً و تربیة	لذاک ارخت (قد طاب الرضا ولدا)

۱۱۸۹

شیخ محمد علی اعسم در تاریخ این ولادت گفت :

فان یسئل الاصحاب عن مولد الرضا وقد ارخوه (بالرضا هنی المهدی)

۱۱۸۹

پس از تحصیلات مقدماتی برای فرا گرفتن معلومات نهائی و معارف راقیه در محضر اساتید آن عصر مانند والد ماجدش بحر العلوم و شیخ جعفر کاشف الغطاء

حاضر شد و استفاده کرد و هم چنین از شیخ محمد سعید دینوری و شیخ محمد تقی ملا کتاب و سید محمد قصیر خراسانی قدس الله اسرار هم استفاده نمود تا بتدریج ، خود از افاضل آن زمان بشمار آمد .

درس بیست و چهار سالگی پدر را از دست داد و پس از پدر مشار بالبنان گشت از آثار علمیه او کشف القناع در اصحاب اجماع و شرح لمعه و شرح شرایع معروف است . در سال ۱۲۵۳ هجری قمری درگذشت .

احفاد سید بحر العلوم

مرحوم سید محمد رضا سه دختر و هفت پسر بیادگار گذاشت . یکی از دختران او همسر مرحوم شیخ محمد حسن بن شیخ باقر صاحب جواهر الکلام بود . شرح حال صاحب جواهر بمناسبت شیخ علی جواهری که از احفاد او است در جای خود ذکر می شود یکی دیگر از دختران او همسر مرحوم سید علی نقی حنفید سید مجاهد طباطبائی است .

وی از اعظم مجتهدین کربلا و از ریاست و شهرت و اعتبار دین و دنیا سهمی عظیم داشت در ماه صفر سال ۱۲۸۹ هجری قمری درگذشت نامه ای بخط او موجود است که در ذیل احوال حاج میرزا ابوالقاسم طباطبائی بروجردی کلیشه می شود .

یکی دیگر از دخترانش همسر حاج میرزا داود بن حجة الاسلام حاج ملا اسد الله بروجردی بوده است . شرح حال حاج میرزا داود در ذیل احوال پدرش حجة الاسلام ذکر می شود و اما پسران سید محمد رضا بحر العلوم عبارتند از :

۱- سید کاظم بن سید محمد رضا از دانشمندان پرهیز کار بود و بشرف دامادی مرحوم صاحب جواهر مفتخر و در سال ۱۲۸۸ قمری درگذشت .

۲- سید محمد تقی بن سید محمد رضا در سال ۱۲۱۹ قمری متولد و ذخائر علمی را از اساتید عصر از جمله صاحب جواهر فرا گرفت تا خود از مشاهیر زمان بشمار

آمد و در سن ۲۶ سالگی در سال ۱۲۴۵ کتابی بنام قواعد الاصول در اصول فقه تألیف نمود تا در بیست و یکم رمضان سال ۱۲۸۹ در کربلا در گذشت و پیکرش را به نجف حمل و در کنار پدر و جدش ب خاک رفت .

۳- سید علی بن سید محمد رضا در سال ۱۲۲۴ قمری در نجف اشرف متولد شد در هوش و ذكاء از نوابغ عصر خود بود و معارف خویش را از مرحوم صاحب جواهر فرا گرفت زعامت حوزه علمیه و کیان تدریس باو منتهی شد و در فقه و اصول کتابهایی نوشت که مشهورتر از همه کتاب برهان قاطع در شرح مختصر نافع است. وی در دوم جمادی الثانیه سال ۱۲۹۸ هجری قمری در نجف اشرف در گذشت:

۴- سید محمد علی بن سید محمد رضا از فضلاء و اکابر عصر خود بود در حدود سال ۱۳۰۰ هجری در گذشت .

۵- سید حسین بن سید محمد رضا از مشاهیر علماء و ادباء قرن سیزدهم و چهاردهم هجری است در سال ۱۲۲۱ هجری قمری متولد و تحصیلات خود را در محضر اساتید نامی آن عصر مخصوصاً مرحوم صاحب جواهر بکمال رسانید و پس از وفات صاحب جواهر آراء بزرگان متفق شد که سید حسین بحر العلوم ریاست و زعامت حوزه را عهده دار شود ولیکن او نپذیرفت .

سید محسن عاملی جلد ۲۶ ص ۵۸ در ترجمه سید حسین می نویسد :

* کان فقیهاً ماهراً اصولياً ادیباً شاعراً جلیلاً نبیلاً زاهداً ورعاً . و قد عرضت علیه خیریه اودة الهندية (وهی انیتسلم فی کل شهر ۵۰۰۰ روپیه) فلم یقبلها بل خرج من النجف وسکن کربلاء مدةً فراراً من الرئاسة وانزوی وکان لا یأذن لاحد بالدخول علیه . *

جمعی از دانشمندان از معارف او استفاده کرده اند مانند میرزا جعفر بن میرزا علی نقی طباطبائی و سید محمد بن اسماعیل موسوی ساروی و سید مرتضی کشمیری و شیخ فضل الله مازندرانی حایری و میرزا صادق تبریزی و میرزا محمد همدانی

صاحب فصوص البواقیت .

پس از درگذشت مرحوم صاحب جواهر مرحوم سید حسین به بیماری چشم گرفتار شد بحدیکه اطباء عراق از معالجه اش عاجز شدند ناچار به ایران مسافرت نمود اطباء تهران او را مایوس ساختند برای استشفاء بطرف خراسان رفت و در مشهد مقدس بخانه مرحوم علامه شیخ محمد رحیم بروجرودی که ترجمه اش پس از این ذکر می شود وارد و در حالیکه چشمش نابینا بود بحرم مطهر مشرف و عرض کرد: من برای معالجه به اطباء مراجعه نمودم مرا نومید ساختند. بجدت امیرالمؤمنین وجد دیگر سید الشهداء و پدرت موسی بن جعفر علیهم السلام پناه بردم هیچ یک عنایتی نفرمودند اکنون بشما پناه آورده ام و با حالت انکسار و خضوعی وصف ناشدنی بخواندن این قصیده مشغول شد:

کسم اغلتک علی رغم ید الغیر	فلم تدع لك من رسم ولا اثر
اراک من عظم ماتحویه من کرب	تجوب قفر الفیافی البید فی خطر
احشاک من لوعة الاحزان مشعله	ودمع عینیک یحکی جدولی نهر
لاغروان لا یطیق الصبر ذو وصب	مضنی الفؤاد یریح الجفن من سهر
فلست تنفک کلاً عن شدائدھا	لا والمقام و رکن البیت والحجر
ولا ینجیک من ضر تکابده	سوی علی بن موسی خیرة الخیر
ذاک الهمام الذی ان صال یوم دغی	حکی ابالحسن الکرار خیر سری
سامی مقام اقام الدین فی حجج	لسم تبی غیاً لغا ولا و لسم تذر
ان خانک الدهر او اصمتک اسهمه	فالجمأ الیه لکی تنجی من الدهر
من قاس کفیه بالبحر المحيط فقد	اطری بابلغ اطراء علی البحر
وفقت یاطوس آفاق السماء علا	مذحل فیک سلیل الطاهر الطهر
یا آیه الحق بل یا معدن الدرر	یا اشرف الخلق یا بن الصید من مضر
قد حزت فضلاً عن الصید الکرام کما	فی الفضل حازت لیا لی القدر عن آخر

و کم بدت لك من آى و معجزة	یصفولها كل ذى قدر و مقتدر
واسيت جدك فى اشجان غربته	حتى قضيت بفتك الغادر الاشر
لهفى لذاك الابى الضيم حين هوى	عن سرجه دامى الخدين والنحر
لم انسه و هو عار بالعرى جدلا	افديه من جدل بالترب منعفر
هل كيفما حرموه الماء وهو غدا	لامه فاطم من جملة المهر
بانيرأ فاق كل النيرات سنا	فمن سناه ضياء الشمس و القمر
قصدت قبرك من اقصى البلادولا	يخيب ناله راجسى قبرك العطر
رجوت منك شفا عيني وصحتها	فامنن على بها واكشف قذا بصرى
صلى الاله عليك الدهر متصلا	ما ان يسح سحاب المزن بالمطر

(شعراء الغری تألیف علی خاقانی جلد سوم ص ۲۱۶ تا ۲۲۶)

هنوز قصیده اش تمام نشده برق امید در چشمانش درخشید و خداوند منان به برکت شاه خراسان دیدگانش را روشن ساخت .

وی مدتی در خراسان اقامت داشت و سپس بقصد عراق حرکت نمود ولیکن مردم بروجرد الحاح و اصرار کردند تا بروجرد آمد و مورد استقبال عموم طبقات قرار گرفت و در تهنیت ورودش سخن سرایان و شاعران قصائدی سرودند از جمله مرحوم حاج ملا اسماعیل فارس بروجردی گفت:

رسید موكب مسعود فخر دوده عدنان

بسوی شهر بروجرد از دیار خراسان

چو پا بخاك بروجرد سود سودز رفعت

كلاله گوشه این خداکدان بگوشه حیوان

ادیب عالم و عادل لیب جماع و کامل

ادیب کامل و فاضل حمیب حضرت سبوحان

۲۴۹	قرن سیزدهم	احفاد سید بحر العلوم
-----	------------	----------------------

فروغ دیده حیدر قوام مذهب جعفر
 امین ملت احمد امام و عالم دوران
 محیط فضل و سپهر کمال و نجم سعادت
 که قاصر است ز وصفش زبان و کلام سخنران
 بهین سلاله بحر العلوم و فخر افاضل
 مهین نتیجه ایجاد و شمع محفل ایمان
 حسین اسم و حسن فطرت و خلیل سجیت
 که پیش طبع روانش فسرده چشمه حیوان
 ابو تمام فرزدد جریر و اخطل و اعشی
 ز دقت نظرش جمله محو و هائم و حیران
 یکی سفینه بود علم او به بحر شریعت
 که هر که ساکن او شد ندید لطمه طوفان
 کسیکه پیش تودم زد ز فهم و فضل و بلاغت
 چنان بود که برد زر به کان و زیره بکرمان
 خصوص من که از این مدح بی ملاحظه خواهم
 کنم مساحت و سنجم بکیل و گز خور و عمان
 سخن بیایه قدر تو مشکل آمده بر من
 اگر چه مشکل هر نظم نزد من شده آسان
 همای فضل تو سایه فکن بفرق زمانه
 لوای علم تو پرچم کشان بساحت کیهان
 هزار شاعر مداح حضرت تو چو فارس
 هزار و اصف و صاف صفوت تو چو حسان
 مدت دو سال یا بیشتر در بر و جرد با فاضله مشغول و علماء بر و جرد از محضر

پرفیض او استفاده نمودند تا در سال ۱۲۸۷ هجری قمری به نجف اشرف مراجعت کرد و با استقبال پرشور اهالی مواجه شد و تا سال ۱۳۰۶ بتدریس و افاضه اشتغال ورزید و در سال مذکور روز ۲۶ ذیحجه بر اثر سقوط از سطح خانه بزمین درگذشت
سید محمد تقی بحر العلوم در مرثیه او گفته :

رقی ذو المساعی یناجی الکریم	فشاهد نور الاله العظیم
فاوجس فی نفسه خیفه	من الله رب العباد الکریم
تموجه تلقاء بیت الحرام	و وادی منی و الصفا و الحطیم
و خر صعیداً لوجه الصعید	خضوعاً لمحی العظام الرمیم
فوافی النذیر بعزی بنیه	بارض الجواد و موسی الکظیم
و نادى بشجوه لتاریخه	(فخر الحسین کموسى الکلیم)
فززل عرش الاله الجلیل	وقد حل فی الکون خطب جسیم

۶- سید جواد بن محمد رضا بحر العلوم از فضلاء بارع و علماء باتقوی در کربلا زندگی میکرد و در حدود سال ۱۳۲۰ هجری قمری درگذشت .

۷- سید عبدالحسین بن محمد رضا از فضلاء محترمین کربلای معلی بوده و به شرف دامادی سید ابراهیم قزوینی صاحب ضوابط مفتخر شد . و پس از سال ۱۳۳۰ هجری درگذشت .

خانندان بحر العلوم اکنون از خاندانهای ریشه دار نجف اشرف است و پیوسته در میان آنها شخصیتهای نامی علمی و ادبی بوده و هست .

محمد مهدی بن محمد حسن بروجرودی

از دانشمندان و نویسندگان قرن سیزدهم هجری و در خوشنویسی مشهور بوده از جمله آثار او استنساخ کتاب جهانگشای نادری است که در تاریخ ۱۲۲۰ هجری قمری با خط تحریری زیبا نوشته و این نسخه فعلاً در کتابخانه مجلس شورای ملی است .

آقای سعید نفیسی در فهرس کتابخانه مجلس جلد ششم تحت شماره ۲۲۷۸ می نویسد: تاریخ جهانگشای نادری تألیف میرزا مهدیخان بن محمد نصیر استرآبادی (۱) متخلص بکوکب است کاتب در پایان نسخه رقم کرده است:

* تمت علی یدالفقیر ابن محمد حسن البروجردی محمد مهدی سنه عشرین و مائین بعد الالف *

تاریخ وفات وی بدست نیامد.

(۱) میرزا مهدی خان فرزند محمد نصیر استرآبادی منشی مخصوص و آموزگار نادر شاه افشار و از مردان سیاسی و باهوش عصر نادری در ایران بشمار رفته . میرزا مهدی خدمت پنج پادشاه را کرد که هر يك دشمن پادشاه پیشین بودند و او را کشته یا کور کردند .

این مرد پس از قتل مخدوم قبلی بخدمت قاتل کمر می بست او دو کتاب در مدح نادر شاه نوشت ولیکن پس از قتل نادر با استقبال قاتل او یعنی علی شاه که بعد عادلشاه لقب گرفت شتافت و در صدد برآمد کتابی هم در مدح عادلشاه قاتل نادر شاه بنویسد و اگر عمر سلطنت عادلشاه کفاف میکرد مردم امروز از میرزا مهدی استرآبادی کتابی هم در مدح عادلشاه می دیدند.

محمد جعفر جابلقی بروجردی

محمد جعفر فرزند حسین علی جابلقی از فقهاء و اصولیین در قرن سیزدهم هجری است. وی پس از اخذ معارف مقدماتی از زادگاه خویش بطرف اصفهان رفت و در آنجا ساکن و از اکابر علماء، علوم عالیہ را فرا گرفت تا خود از اعظام فقهاء عصر بشمار رفت و از آثار علمیه او کتابی است در اصول فقه بنام تذکره که در سال ۱۲۲۶ هجری قمری در اصفهان تألیف نموده . تاریخ وفاتش بدست نیامد.

در معجم المؤلفین جلد نهم ص ۱۵۱ می نویسد :

* محمد جعفر بن حسین علی جابلقی فقیه اصولی من مؤلفاته التذکرۃ فی نبذة من مهمات اصول الفقه فی اصفهان سنة ۱۲۲۶* .

مرحوم آقابزرگ نیز در اعلام الشیعه جلد دوم ص ۲۴۸ در ترجمه محمد جعفر جابلقی مضمون فوق را تقریباً ذکر نموده .

محمد صادق نحوی بروجرودی

از دانشمندان و ادباء قرن سیزدهم هجری است .

از آثار علمیه او کتابی است در ترجمه بهجة المرضیه تألیف جلال الدین سیوطی

متوفی ۹۱۰ بفارسی .

مرحوم آقا بزرگ در الذریعه جلد چهارم می نویسد: نسخه ای از ترجمه بهجة

المرضیه تألیف محمد صادق نحوی بروجرودی مورخ سال ۱۲۳۳ هجری قمری در

کتابخانه جمال الدین میثمی دیدم .

و نیز از آثار او شرحی فارسی است بر الفیه ابن مالک (۱) که با استدعاء جمعی

از جمله فرزندان محمد حسن از نظر تجزیه و ترکیب نوشته و نسخه مخطوط این کتاب

اکنون در کتابخانه مدرسه نوربخش بروجرود موجود است.

(۱) جمال الدین محمد بن عبدالله بن مالک از پیشوایان نحو و ادب و از رجال فضیلت

و کمال در سال ۶۰۱ هجری متولد و پس از تحصیلات در شام و حلب در جمیع معارف اسلامی

مخصوصاً در نحو و ادب سرآمد نحویین و ادباء زمان شد. می نویسد: هیچ گاه بی تأمل سخن

نمی گفت و لذا اغلب اوقات ساکت بود .

چهنحوش گفت سنائی :

ورنه جانرا فرامشی بهتر

نطق زیبا زخامشی بهتر

ورنه گنگی زخامشی بهتر

در سخن دربیایدت سفتن

به که بیهوده گوی بیهوده باز

گنگ اندر حدیث کم آواز

ابن مالک در سال ۶۷۲ هجری قمری درگذشت .

علی محمد خطاط بروجرودی

از خوشنویسان و خطاطان قرن سیزدهم هجری است.

از آثار او نسخه ایست از کتاب انیس الطلاب تألیف محمد جعفر بن محمد علی ابن محمد باقر بهبهانی که ترجمه اش در ضمن ترجمه مرحوم سید محمد طباطبائی بروجرودی ذکر شد. کتاب مزبور مشتمل است بر یکصد فائده در فقه و اصول و در سال ۱۲۱۵ هجری قمری تألیف شده.

علی محمد بروجرودی در سال ۱۲۳۳ هجری قمری این کتاب را با خط نسخ استنساخ نموده و نسخه مذکوره اکنون در دانشکده الهیات دانشگاه تهران موجود است.

سیدرضا خطاط بروجرودی

سیدرضا فرزند سید احمد بروجرودی از خطاطان قرن سیزدهم هجری است از آثار او نسخه ایست از کتاب حدائق در فقه تألیف شیخ یوسف بحرانی (۱) جلد دوم این کتاب باخط نسخ او در دانشکده الهیات دانشگاه تهران موجود است .

(۱) شیخ یوسف بن احمد بن ابراهیم بحرانی عالم ربانی فقیه جلیل محدث نبیل محقق مدقق مسلکی متوسط بین اخباری و اصولی داشته استاد صاحب ریاض و ازمشایخ روایت سیدبحر- العلوم است آثار علمیه اش درغایت جودت و متانت و مورد توجه اکابر علماء می باشند . وی در روز شنبه چهارم ربیع الاول سال یکهزار و یکصد و هشتاد و شش در کربلا درگذشت صاحب نخبه العقال سید حسین بروجرودی درنخبه درمدت عمر و تاریخ وفاتش گوید :

شیخ جلیل قدوة الاعیان

ویوسف بن احمد البحرانی

وبعد (عد) قبضه (لناظهر)

له حدائق قد استوفی الخبر

سید عبدالعظیم بروجردی

از فضلاء و ادباء قرن سیزدهم هجری است .
وی در انواع علوم ادبیه مخصوصاً فصاحت و بلاغت اطلاعات عمیقۀ داشته
و از آثار علمیه او رسالۀ ایست در علم معانی و بیان .
نسخه ای از این رسالۀ مورخ بیست و یکم ربیع الثانی سال ۱۲۳۴ که بقلم شیخ
اسماعیل بن علی بن حسن بن عبد الله ماحوزی نوشته شده اکنون در کتابخانۀ مدرسه
آیت الله بروجردی در نجف اشرف موجود است .



شریف بروجرودی

شریف فرزند محمدصادق بروجرودی از دانشمندان و خوشنویسان قرن سیزدهم هجری است .

از آثار او نسخه ایست از کتاب قواعد اصولی و فقهی تألیف شهید اول (۱) که در تاریخ ۱۲۴۰ هجری قمری استنساخ نموده و این نسخه اکنون در کتابخانه مدرسه نوربخش بروجرود موجود است .

(۱) شهید اول شمس الدین محمد مکی در سال ۷۳۴ هجری قمری متولد شد و از اکابر علمای امامیه و اعظام فقهاء و مجتهدین شیعه است . از جمعی از دانشمندان اجازه داشته و اغلب اجازات علماء شیعه با و منتهی می شود، مرویات و مصنفات عامه را نیز از چهل نفر از اکابر آنان در مکه و مدینه و مصر و شام و بغداد و بیت المقدس روایت میکنند .

وی در فنون شعریه نیز مهارت داشته و اشعار طریفه دارد از جمله :

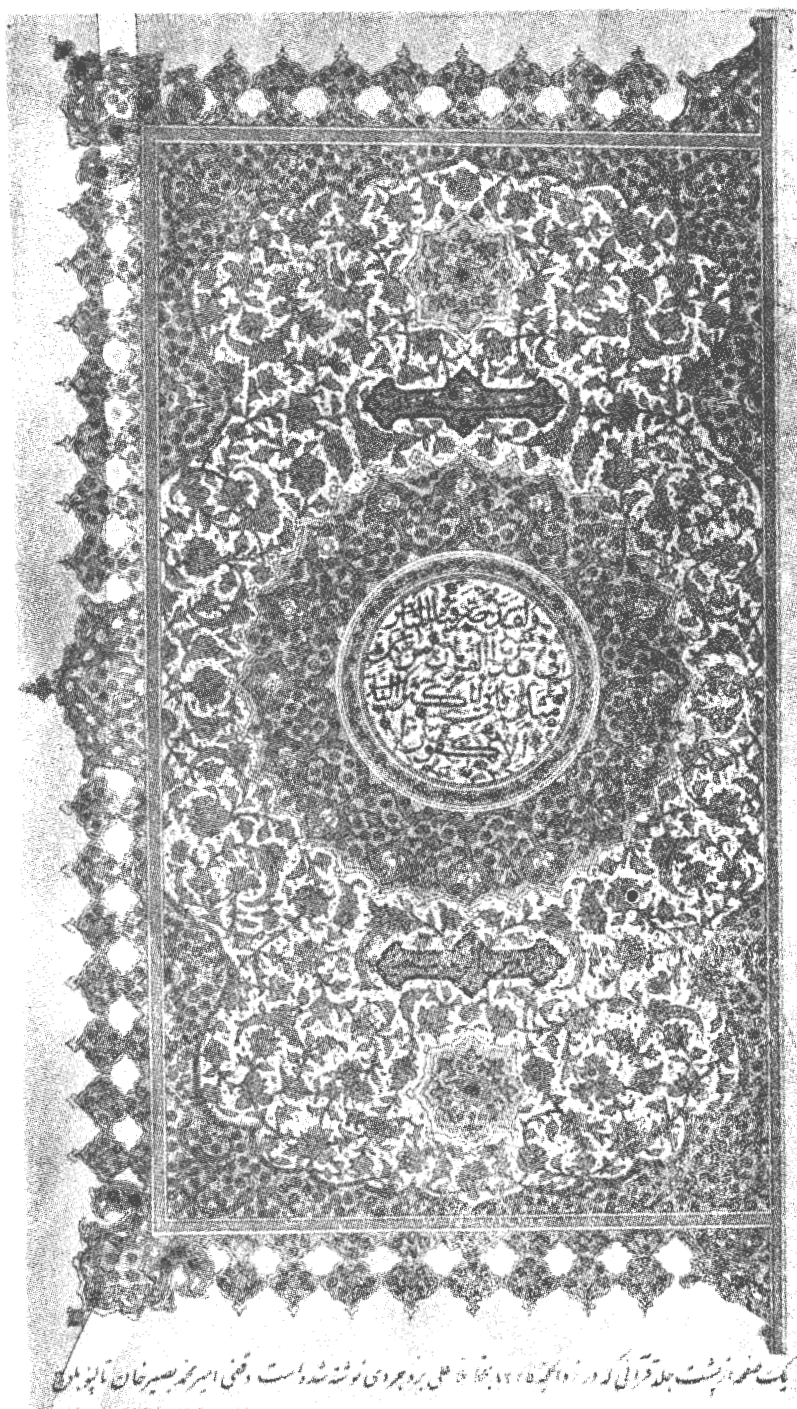
عظمت مصیبة عبدك المسكين	فی نومه عن مهر حور العین
الاولیاء تمتعوا بك فی الدجی	بتهجد و تخشع و حنین
فطرتنی عن قرع بابك دونهم	اتری لعظم جرائمی سقونی
اوجدتهم لم یذنبوا فرحمتهم	ام اذنبوا فعفوت عنهم دونی
ان لم یكن للعفو عندك . سوضع	للمذنبین فاین حسن ظنونی .

شهید اول بر اثر سعایت دشمنان یکسال در شام زندانی و سپس بافتوای قاضی برهان الدین مالکی در سال ۷۸۶ کشته و سنگسار و سوخته شد .

گویند لمعه دمشقیه را در مدت هفت روز در زندان نوشت با اینکه جز مختصر نافع کتابی دیگر با او نبود .

ملاعلی خوشنویس بر و جردی

از دانشمندان و خوشنویسان سده سیزدهم هجری است .
 از آثار او استنساخ قرآنی است با خط زیبای نسخ با ترجمه فارسی بخط شکسته
 نستعلیق در ذیحجه سال ۱۲۴۵ هجری قمری نوشته شده سورة فاتحة الكتاب و آغاز
 بقره و مؤذنین با خط ثلث و قلم زر، می باشد و تفسیری بخط حسن بن جعفر بن یعقوب
 کشمیری مورخ شعبان ۱۲۴۵ ضمیمه دارد .
 این قرآن همه اش مذهب و مرصع و از نفایس آثار هنری کشمیر است که بامر
 نصیرخان تالپر بلوچ حمزوی سلطان مملکت هند نوشته شده و در رمضان سال ۱۲۵۸
 هجری وقف روضه رضویه و اکنون در موزه کتابخانه آستان قدس رضوی موجود
 است . جلد دروغنی دود لای هر صفحه يك ورق پوست آهو گذاشته شده .



یک صفحه از پشت جلد قرآنی که در زمانه قاجار و پهلوی بر روی نوشته شده است و قفسه امیر محمد صییر خان تاجیک بلوچ

محمد حسین بروجرودی

فرزند باقر از علماء و فقهاء قرن سیزدهم هجری است .

زر کلی در کتاب اعلام جلد دوم ص ۳۸۰ و هم چنین عمر رضا کماله جلد نهم ص ۲۵۳ می نویسند : محمد حسین بن باقر بروجرودی در سال ۱۲۴۶ هجری قمری در قید حیات بوده است از آثار علمیه او کتاب اسرار الصلوة است که بنام منهاج الولاده موسوم و در بیستم رمضان از تألیف آن فارغ شده .
نامبرده غیر از شیخ حسین بن آقا باقر است که صاحب نص جلی است و پس از این ذکر می شود .

مرحوم آقا بزرگ در الذریعه جلد دوم ص ۴۷ و در الکرام البررة می نویسد :
شیخ آقا محمد حسین بن آقا باقر بروجرودی عالمی است فاضل از تصانیف او منهاج الولاده در اسرار صلوة است که کاشف از فضل و علم او است .

ملا عبد الله بروجرودی

فرزند نوروز علی از دانشمندان و نویسندگان قرن سیزدهم هجری است. معارف و علوم اسلامی را از اساتید عصر مخصوصاً از علامه جلیل مرحوم سید جعفر کشفی فراگرفت.

از آثار علمیه او کتاب سرور الشیعه در احوال معصومین علیهم السلام است که هنوز چاپ نشده. و دیگر استنساخ کتاب میزان الملوك تألیف استادش سید جعفر کشفی است.

کتاب نامبرده چنانکه پس از این در احوال مرحوم کشفی ذکر خواهد شد در روش کشور داری و برای حسام السلطنه محمد تقی میرزا حاکم بروجرود تألیف و مؤلف در آخر ذیحجه سال ۱۲۴۶ هجری از آن فارغ شده و ملا عبد الله شاگردش همان اوان با استنساخ این کتاب اشتغال داشته و در تاریخ پنجشنبه ۳۷ محرم ۱۲۴۷ هجری از آن فراغت یافته.

این نسخه اکنون در کتابخانه دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران موجود است.

سید جواد طباطبائی بروجردی

سید جواد فرزند سید مرتضی بن سید محمد طباطبائی از فضلاء قرن سیزدهم هجری است .

وی کوچکترین فرزندان سید مرتضی و برادر سید بحر العلوم وجد اعلای سادات طباطبائی بروجرد است .

مرحوم حاج میرزا محمود در مواهب السنیة شرح دره بحر العلوم می نویسد :
* واما جدی الماجد الجواد فکان فاضلاً جلیلاً عابداً و قوراً عظیماً فی عیون
الامراء و الحکام * .

در نهم شوال سال ۱۲۴۲ یا ۱۲۴۸ هجری قمری در بروجرد در گذشت و در روز مرگش تعطیل عمومی شد و مردم همگی بسرو سینه می زدند حتی یهودان با توریة در مراسم عزاء شرکت جستند .

آرامگاه او اکنون در خیابان صفای بروجرد معروف و مزار و مورد احترام مردم است .

حاج میرزا علی نقی طباطبائی

حاج میرزا علی نقی فرزند سید جواد بن سید مرتضی از فقهاء و اصولیین در قرن سیزدهم هجری است .

در سال ۱۱۸۸ هجری قمری متولد شد . تحصیلات خود را در زادگاه خویش بروجرد شروع کرد و از دانشمندان آن عصر استفاده نمود تا در علم و تقوی گوی سبقت را از همکنان ربود و سپس برای تکمیل خویش از بروجرد خارج و مدتی از محضر پرفیض مرحوم میرزای قمی استفاده نمود .

مرحوم سید محسن عاملی در اعیان الشیعه جلد ۴۲ ص ۱۹۷ و کحاله در معجم المؤلفین جلد ۷ ص ۲۵۵ می نویسند : علی نقی طباطبائی بن جواد بن مرتضی بروجردی فقیه و اصولی و دقیق النظر و زاهد و ورع بود .

آثار علمیه اش بسیار است ولیکن غالباً کامل نشده اند از جمله حاشیه برزبدۃ الاصول شیخ بهاء الدین و حاشیه بر قوانین الاصول استادش میرزای قمی است . کتابهایی را نیز بخط خود استنساخ نموده از جمله تمهید القواعد شهید که در سن بیست و دو سالگی یعنی سال ۱۲۱۰ هجری قمری استنساخ کرده و این نسخه

اکنون در کتابخانه مدرسه نوربخش بروجرد موجود است .

وی نهم ربیع الاول در سال ۱۲۴۹ هجری قمری در سن ۶۱ سالگی درگذشت و در بروجرد در جوار پدرش بخاک رفت و از او فرزندی با فضیلت بیادگار ماند : حاج میرزا ابوالقاسم - حاج میرزا محمود که شرح حال آنها پس از این ذکر می شود - میرزا ابوتراب - میرزا حسن - میرزا احمد که جد مرحوم آیه الله العظمی بروجردی است .

میرزا محمد بروجرودی

میرزا محمد بروجرودی از نویسندگان مشهور قرن سیزدهم هجری است در پایان کار ترقی کردواز مقربین بلکه از وزراء فتحعلیشاه قاجار شد .

میرزا عبدالله سنندجی در تذکره حدیقه امان الهی ص ۱۳۹ بمناسبت آقا کاظم پرتو بروجرودی فرزند میرزا محمد می نویسد : آقا کاظم خلف مرحوم آقا محمد اصل ایشان از دارالسرور بروجرود والدش در زمان صبا ببلده طویه مذکوره آمده در خدمت مرحوم مغفور خسروخان جنت مقام اعلی جد حضرت سبط خلافت و فخر ولایت برسم چاکری می زیسته آخر الامر ترقیات عظیم کرده چنانچه دربندگی آن خسرو باوقار مرجع اهالی آن دیار و ملجأ صغار و کبار آن روزگار گشته .

در سبک شناسی جلد سوم ص ۳۳۵ می نویسد : میرزا محمد بروجرودی از منشیان خاصه عهد فتحعلیشاه و محمدشاه بود و نامه ای از او که به پسرش نوشته در حاشیه آخر مخزن الانشاء چاپ شده .

معصوم علی شاه (۱) در طرائق الحقایق جلد سوم ص ۲۳۷ می نویسد : مرحوم

(۱) حاج میرزا معصوم بن حاج میرزا زین العابدین بن نائب الصدر از اکابر عرفای شاه

نعمه الهی در سال ۱۲۷۰ متولد و در سال ۱۳۴۴ قمری درگذشت .

میرزا کاظم خلف الصدق میرزا محمد بروجردی است که در زمرة وزرای خاقان مغفور است و مرحوم میرزا ابوالقاسم قائم مقام در قصیده میمیه اورا ستوده است .
میرزا ابوالقاسم قائم مقام فراهانی که از ادباء عصر فتحعلی شاه است و در سال ۱۲۳۷ هجری قمری پس از پدرش بوزارت شاه منصوب و به قائم مقام ملقب شد و در سال ۱۲۵۰ در گذشت نامه ای به میرزا محمد بروجردی نوشته که فرهاد میرزا آن نامه را ضمن منشآت قائم مقام آورده .

قائم مقام در جواب نامه میرزا محمد بروجردی می نویسد :

* جاء الكتاب فجائني روح وريحان وراحة مما حوت نكت البلاغة والبراعة والفصاحة جمعت صحيفتك الشريفة بالكناية والصراحة بين اللطافة والفظافة والملاحاة .
قد وصلت بي رقعة ظريفة فى بقعة شريفة مرسله من اسم النبى الى كنيته موصلة قلب الشجى الى منسيته واقعة فى العين محل السواد راقعة بالرفق خروق الفؤاد فوثبت عليها ونظرت فيها نظر الصب الكثيب على وجه الحبيب اذا كان بعد الصدود و الصدد بعد العهود مازلت امتع فكرى بها و ازجج ذكرى لها وارد طرفى فيها متفكراً فى كنه معانيها متحيراً فى وجه غوايتها تنقل عيني فى كل ساعة ودقيقة من حديقة الى حديقة و يطير القلب من غصن الى غصن ومن شجرة الى شجرة يستطعم ثمراً بعد ثمرة وماهى الارياض ذات بهج ترقع فيها القلوب والمهج وجنات ذات فواكه واثمار تستلذ منه الطباع والافكار وما انا الا كابي عائل جوعان حضر على مائدة السلطان يعطف من ادام الى ادام وياً كل من طعام بعد طعام جاهلاً بما ياكل ويطعم انظر الى خط كانه جنح طاوس او صدغ عروس فاعطف من لفظ كانه لحظ غزال ام ليل وصال ثم ابتغى كشف القناع واهوى الوقوف والاطلاع على باطن حجلة العرائس وحجرة النفائس فشغلنى دفاق المعانى عن دفاق الالفاظ .
تارة اشكر سعى الاخ العزيز وفضل انعامه واخرى يسكونى شوق كلامه وذوق مدامه فاصبح متقلبا بين السكر والشكر ولا ادري فيم اطمع ومم اقنع أبديع البيان عن صنيع البنان ام يحلو المطا بية عن حسن المكاتبه او بصريح الروايات عن فصيح الكنايات

ام تلمیح الاشارات وتنقیح العبارات .

بچه عضو تو زنم بوسه نداند چکند بر سر سفره سلطان چو نشیند درویش
کانی رزقت الحجج و دخلت البيت فرايت قبله کسل مارايت اواردت بیاب
سلطان الملوك وامام الانام فشهدت ملكاً واماما في كل محل ومقام واسئل الله التوفيق
واشكره فيما اقدر واطيق على مارزقت خیر الکلام من خیر الکرام* .

بین قائم مقام و میرزا محمد بروجردی زمانی تیره شده و همان موقع قائم مقام
قصیده‌ای برای ظل السلطان سروده و در آن قصیده از میرزا محمد بد گوئی نموده و گفته:
چون دگر احکام پیمبر نبود لا جرم طاعت همنام پیمبر گیریم
گوهر کان بروجرد محمد که بنام از همه عالم امکانش برتر گیریم
آنکه چون کلك گهر بارش رفتار کند جیب و دامن ورق پر درو گوهر گیریم
کلك او را به غلط آهوی تبت گوئیم خط او را بخط نافه اذفر گیریم
پس خطا باشد اگر نافه آهوی خطا با خط منشی شهزاده برابر گیریم
ز آنچه همنام نبی کرد در احکام نبی داستان دگر اندر صف محشر گیریم



شیخ محمد تقی قمی نزیل بروجرد

از علماء وزهاد قرن سیزدهم هجری است .

رحل اقامت را در بروجرد افکند و در سال ۱۲۵۱ هجری قمری که بیماری طاعون پدید شد این عالم بزرگوار و پارسا بر جمیع قربانیان طاعون در این شهر نماز خوانده و خود آخرین قربانی می شود و همان سال به مرض نامبرده درگذشت و در جهان آباد مقبره عمومی این شهر بخاک رفت .

لوح قبرش در سال ۱۳۷۴ هجری قمری تجدید و کلمات ذیل بر آن حجاری شده :

* قد ارتحل من دار الفناء الى دار البقاء العالم الاورع الاتقى الذى بلغ فى الزهد غاية و نال فى التقوى نهائة سلمان عصره و ابوذر زمانه المولى النبيل والشيخ الجليل الشيخ محمد تقى القمى و كان رحمه الله فى البروجرد فى عام الطاعون و صلى على الاموات و كان آخر من مات بذلك المرض و دفن فى هذا المكان فى سنة احدى و خمسين و مائتين بعد الالف *



عبدالکریم خوشنویس بروجرودی

عبدالکریم فرزند محمد از دانشمندان و خوشنویسان قرن سیزدهم هجری است . از آثار او استنساخ قوانین الاصول میرزا ابوالقاسم قمی است . این کتاب را با خط زیبا و نسخ نوشته و در تاریخ ۱۲۵۵ هجری قمری از استنساخ آن فارق شده این نسخه اکنون در کتابخانه مدرسه علمیه نور بخش بروجرود موجود است .

شیخ محمد حسین بروجرودی

شیخ محمد حسین فرزند معصوم بروجرودی از اکابر علماء قرن سیزدهم هجری است. در انواع علوم و معارف اسلامی مخصوصاً در علم کلام و حکمت و حدیث و رجال مهارت و اطلاعات عمیق داشته است.

از آثار علمیه او رجالی است در شرح حال شش نفر از اکابر شیعه: نواب اربعه (۱)

(۱) نواب اربعه چهار نفر از علماء پارسا و بافضیلت بودند که در عصر غیبت صغری نیابت خاصه از جانب امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف داشتند و آنها عبارتند از:

۱- ابو عمر و عثمان بن سعید که ۲۵۷ هجری قمری درگذشت.

۲- محمد بن عثمان بن سعید که چهل و هشت سال پس از پدرش نیابت داشت و در سال ۳۰۵ درگذشت.

۳- حسین بن روح نوبختی که بیست و یک سال نیابت خاصه داشت و در سال ۳۲۶ وفات کرد.

۴- علی بن محمد سمری که چهار سال تقریباً سفارت داشت و در سال ۳۲۹ از دنیا رفت. و با مرگ وی غیبت کبری شروع و پایان این شب دیجور را خدا می داند.

قرنها است شیعیان گرفتار فشار و ذلت و اسارت و صبح و شام اشکبار و مترنم به مضمون این اشعار:

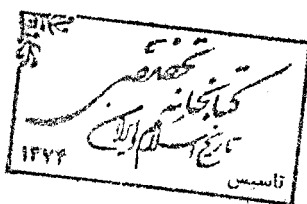
ای آینه ذات نما پرده برانداز / تا بنگرم آن آینه ذات نما را

و کلینی (۱) و صدوق المحدثین .

این کتاب را بفرمان محمد شاه قاجار نوشته و نسخه‌ای از آن اکنون در کتابخانه ملک در تهران موجود است .

و دیگر از آثار علمیه او کتابی است فارسی در افعال عباد و جبر و اختیار و قضاء و قدر بنام صراط حق .

این کتاب را نیز بنام محمد شاه قاجار نوشته و در سه شنبه دهه آخر رجب سال ۱۲۶۲ هجری از تألیف آن فراغت یافته است .



/ سرمایه‌دین سست و شریعت زمین‌دوخت

عصری است که مردم زره مکر و جهالت

وقت فرج است ای شه‌خوبان فرجی بخش

بگزیده خلاق همگی راه خطا را

بسا پرتو خورشید ستایند شها را

این ملت افسرده دل و بی سر و پا را

(۱) محمد بن یعقوب کلینی از محدثین بزرگ قرن سوم و چهارم هجری است که در

سال ۳۲۹ هجری قمری درگذشت و از آثار ارزنده او کتاب شریف کافی است که مشتمل است

بر ۱۶۱۹۹ حدیث و در مدت بیست سال آنرا گرد آورده .



نقی خطاط بروجردی

نقی فرزند آقامحمد علی بروجردی از فضلا و خطاطان قرن سیزدهم هجری است از ولادت و تحصیلات و وفات او اطلاعی بدست نیامد .

از آثار خطی او نسخه ایست از کتاب شرایع محقق (۱) که در تاریخ ۱۲۶۳ هجری با خط نسخ نوشته و این نسخه اکنون در کتابخانه مدرسه نوربخش بروجرد موجود است.

(۱) محقق شیخ جعفر بن حسن ابوالقاسم از مفاخر علماء امامیه در قرن هفتم هجری است . در مضماری مسابقت گوی مکرمت را در جمیع علوم و معارف اسلامی از اقران ربود تا محقق علی الاطلاق شد . وی در میان دانشمندان شیعه آفتابی است درخشان که اشراقات علمیه اش نور افکن تمام بلاد اسلامی گردید و آثار علمیه اش مطرح انظار اکابر امامیه است از جمله کتاب شرایع است در تمامی دوره فقه که از زمان مؤلف تا کنون مورد توجه فحول و شروح و حواشی بسیار بر آن نگاشته اند . محقق در ماه ربیع الآخر سال ۷۶۶ در گذشت و جمله ذبده المحققین رحمه الله مساده تاریخ وفات او است وی در ادب و فصاحت و بلاغت و فریحه شعری نیز کم نظیر بوده و از اشعار او است :

وغسافلا وسهام الدهر تسمیه
والدهر قد ملأ الاسماع واعیه
وغدرها بالذی کانت تصافیه
یوماً تشیب النواصی من دواهیہ

یار اقدأ والمنا یا غیر راقدة
بعاً اغترارک والایام مرصدة
اما ارتک اللیالی قیح دخلتها
رفقاً بنفسک یا مغرور ان لها

سید جعفر کشفی بر وجودی

مرحوم آیه الله سید جعفر بن ابی اسحاق دارابی کشفی از نوادر زمان و اعاجیب دوران در قرن سیزدهم هجری است .
نسب وی با ۳۴ واسطه به پیشوای هفتمین موسی بن جعفر علیهما السلام
منتهی می شود .

سید محمد علی روضاتی (۱) در جامع الانساب جلد اول ص ۲۴ می نویسد :
سید جعفر کشفی دارابی فرزند ابی اسحاق ابرهیم بن عبدالله محدث بن عبدالکریم بن
ابوالفضل محمد بن ابوالمعالی محمد بن قاسم بن محمود بن علامه علی مجنون بن
ناصر بن محمد بخشایش بن محمود بن حسام الدین بن یحیی بن حکیم عارف خضر
ابن حسین بن محمد مهدی بن حسن بن محمد داعی بن مهدی مهنابن محمد فقیه بن حسن

(۱) سید محمد علی بن محمد هاشم روضاتی از علماء و دانشمندان رجال و انساب معاصر
است در سال ۱۳۰۹ شمسی متولد پس از یازده سال تحصیل در علوم جدید و علوم اسلامی
متوجه پنج سال در اصفهان و پنج سال در قم تحصیل نمود و سپس باصفهان مراجعت نمود و از
بسیاری از مراجع و اعظام با اجازه روایت مجاز و موفق شده اکنون در محله چهار سوی اصفهان
در مسجدی اقامه جماعت میکند .

ابن مرتضی بن حمزة بن ابی طالب بن محمد رضی بن قاسم بن ابوطاهر زید نقیب بن ابوالعز محمد بن ابوالحسن طاهر بن ابوالحسن علی بن ابوجعفر محمد بن علی بن ابراهیم مجاب ابن محمد بن موسی بن جعفر علیهما الصلوٰة والسلام .

نسب کان علیه من شمس الضحی نوراً و من فلق الصباح عموداً
شرف تتابع کابر عن کابر کالرمح انبوب علی انبوب
وتللاء النجوم الزهر علی اسلافه کالغیث شؤ بوب علی شؤ بوب
در این سلسله علیه شخصیت‌هایی برجسته از نظر علم و تقوی و فضیلت دیده می‌شود که بچندتن از آنها اشاره می‌شود:

فرزندان موسی بن جعفر (ع)

شیخ مفید (۱) در کتاب ارشاد می‌نویسد : آنحضرت ۳۷ فرزند داشته ۱۸ پسر و ۱۹ تن دختر .

پسران آنحضرت عبارتند از : علی بن موسی الرضا علیهما السلام ، ابراهیم ، عباس ، قاسم ، اسماعیل ؛ جعفر ، هرون ، حسن ، احمد ، محمد ، حمزه ، عبدالله ، اسحق ، هبه الله ، زید ، محسن ، فضل ، سلیمان .

دختران آنحضرت عبارتند از : فاطمه کبری ، فاطمه صغری ؛ رقیه ، حکیمه ، ام ابیها ، رقیه صغری ، کلثوم ، ام جعفر ، لبابه ، زینب ، خدیجه ، علیه ؛ آمنه ، حسنیه

(۱) شیخ مفید محمد بن محمد بن نعمان بغدادی در کودکی با پدرش از عکبرا که ده فرسخی بغداد است بیگداد آمد و پس از تکمیل مقدمات بدرس ابو عبدالله حسین بن علی جعل و ابویاسر و علی بن عیسی رمانی حاضر و از طرف رمانی به لقب مفید ملقب شد. فضل او در کلام و فقه و حدیث شهر از آن است که ذکر شود. توقعاتی از طرف ولی عصر (عج) برای او رسیده که کاشف از مراتب او است. آثار علمی او بسیار است از جمله الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد. وی در سوم رمضان سال ۴۱۳ در بغداد در گذشت و گویند هشتاد هزار نفر شیعه از او تشیع نمودند .

بریهه ، عایشه ، ام سلمه ، میمونه ، ام کلثوم .

گویند : نسل موسی بن جعفر علیهما السلام از طرف پسرانش باقی است زیرا ظاهراً دختران آنحضرت هیچ یک شوهر نکردند .

ابن واضح یعقوبی (۱) در تاریخش می نویسد : * اوصی موسی بن جعفر علیهما السلام آن لا تزوج بناته فلم تزوج واحدة منهن الا ام سلمة فانها تزوجت بمصر تزوجها القاسم بن محمد بن جعفر بن محمد فجری فی هذا بینة و بین اهله شیء شدید حتی حلف انه ما کشف لها کتفاً و انه ما اراد الا ان یحج بها * .

معنی نباشد که گفتار یعقوبی و نقل وصیت مزبور خالی از حقیقت است زیرا این وصیت منافی شأن مقام ولایت و امامت است . و باضافه مخالف است با نص صریح وصایای آنحضرت که دیگران نقل کرده اند .

صادق المحدثین (۲) در عیون اخبار الرضا علیه السلام در باب پنجم نسخه وصایای موسی بن جعفر علیهما السلام نقل میکند و از جمله آن این است :

* و لا یزوج بناتی احد من اخوتهن و من امهاتهن و لا سلطان و لا عمل لهن الا برأیه و مشورته (ای علی بن موسی الرضا علیه السلام) فان فعلوا ذلك فقد خالفوا الله تعالی

(۱) احمد بن ابی یعقوب بن واضح کاتب معروف به یعقوبی از مشاهیر مورخین و جغرافی

دانان قرن سوم هجری است و بین سال ۲۷۸ و ۲۸۴ درگذشت .

جرجی زیدان در آداب اللغة العربیه می نویسد : از مزایای تاریخ یعقوبی این است که

اضافه بر قدمش مؤلف آن شیعی است و پاره ای از مطالب از بنی عباس نقل کرده که دیگران از ذکر آنها امتناع دارند .

(۲) محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی از مشاهیر و اعیان شیعه در قرن چهارم هجری

و استاد شیخ مفید است و بدعای امام زمان عجل الله فرجه متولد شده و بر اثر همان دعا از خدمت گذاران بزرگ اسلامی شد وی در حدود سیصد کتاب مختلف در معارف اسلامی نوشته .

وی در سال ۳۸۱ درری درگذشت و قبرش اکنون معروف و مزار عموم طبقات است .

ورسوله وحادوه فی ملکه وهو اعرف بمناکح قومه ان اراد ان یزوج زوج وان اراد ان یترک یترک * .

ابن بابویه در همان باب پنجم حدیث دیگری نقل کرده راجع بصدقات حضرت موسی بن جعفر علیه السلام، در ضمن آن حدیث امام علیه السلام فرموده:

* فان تزوجت امرئة من ولد موسی بن جعفر فلاحق لها فی هذه الصدقة حتی ترجع اليها بغير زوج * تا اینکه میفرماید : * وليس لولد بناتی فی صدقتی هذه حق الا ان یکون آبائهم من ولدی * .

از این حدیثها استفاده می شود که امام علیه السلام از تزویج دخترهایش نهی نفرموده منتها در حدیث اول تصریح فرموده که امر آنها در اختیار فرزندش امام علی بن موسی الرضا علیهما السلام می باشد و دختران بامشاوره و صلاح دید برادر بزرگوار و امام زمانشان می توانند شوهر کنند .

بنابر این شوهر نکردن دختران موسی بن جعفر علیهما السلام مسلم نیست بلکه خلاف آن از مورخین نقل شده چنانچه در پیش ذکر شد. بنقل سید عبدالرزاق کمونه در کتاب مشاهد العترة الطاهرة سه تن از امامزاده ها که هر یک بچهار واسطه به امام زین العابدین علیه السلام میرسند در بروجرد مدفون و مادر آنها فاطمه دختر موسی بن جعفر علیهما السلام است . والله العالم .

اجداد و نیاکان سید جعفر کشفی بروجردی

محمد عابد فرزند موسی بن جعفر علیهما السلام

جداعلای سید جعفر کشفی دارابی بروجردی محمد عابد است . محمد عابد برادر اعیانی احمد شاه چراغ است .

وی مردی متقی و جلیل القدر و شب زنده دار بوده . مفید در ارشاد از هاشمیه کنیز رقیه دختر موسی بن جعفر نقل می کند که گفت :

* کان محمد بن موسی صاحب وضوء و صلوة و كان ليله كله يتوضأ و یصلی و یسمع سكب الماء ثم یصلی لیلا ثم یهدأ ساعة فیرقد فیقوم و یسمع سكب الماء و الوضوء ثم یصلی لیلا ثم یرقد سوبعة ثم یقوم فیسمع سكب الماء و الوضوء ثم یصلی ولا یزال ليله كذلك حتی یصبح و مارأیته الا ذكرت قول الله عزوجل : كانوا قلیلا من اللیل ما یهجعون *

در شبها کم میخوابید و بیشتر به نماز و وضوء اشتغال داشت بحدیکه بادیدنش آیه کریمه قرآن در وصف شب زنده دارها بنظر می آمد . اورا بجهت کثرت عبادت و بندگی محمد عابد می گفتند . مزارش در شیراز در محله بازار مرغ است .
جنید شیرازی (۱) در کتاب شد الازار ص ۲۹۲ می نویسد :

* ۲۰۹- السید محمد بن موسی یقال انه اخوه (ای اخو احمد بن موسی) وهو مزار متبرک یسکن فیہ السادة الاخیار و الصلحاء الابرار یعقد علیه الذور و فیہ لرجال الغیب حضور و حبور و تاریخه یعلم من تاریخ اخیه من یتبعه و یتغیه *

فرصت شیرازی (۲) در آثار عجم ص ۴۴۸ می نویسد : محمد بن موسی در عهد خلفاء به شیراز آمده و در آنجا منزوی شد .

(۱) شیخ الاسلام حاج معین الدین ابوالقاسم جنید بن محمود شیرازی از دانشمندان قرن هشتم هجری است و کتابش شد الازار فی حط الاوزار عن زوار المزار در تراجم ۳۱۵ نفر از رجال مدفون در شیراز می باشد که آنرا در سال ۷۹۱ تألیف نمود و این کتاب در سال ۱۳۶۸ با اهتمام علامه قزوینی و عباس اقبال در تهران چاپ شد .

(۲) فرصت سید میرزا محمد نصیر حسینی شیرازی از ادباء و شعراء اوائل قرن (حاضر) چهاردهم هجری است او شاعری ماهر و ادیبی باهر و در بسیاری از علوم مانند حساب و هیت و منطق و اسطرلاب و هندسه و نحو و اشتقاق و نقاشی و صورتنگری دستی توانا داشته .
از آثار وی آثار عجم در تاریخ فارس و عجائب آن می باشد که در سال ۱۳۱۳ تألیف کرده او .
در سال ۱۳۳۸ یا ۱۳۳۹ قمری درگذشت .

گویند قرآن می نوشت و از حق الکتابه کلام الله مجید بندهای بسیاری خرید و آزاد کرد. چند سال قبل شبی آن بزرگوار را خواب دیدم در حالیکه قرآن مجید کتابت می نمود فقیر را فرمود: تمثال مرا بکش و اشاره کرد پرده ای که برای تصویر مهیا داشتم چون بیدار گردیدم چراغ افروخته تا هنوز شبیه مبارکش از نظرم نرفته بود بر آن پرده مذکور طر حی ریختم و تا دوروز با تمام رسانیدم و بر آن بقعه وقفش ساختم. در اینکه محمد عابد را شهید نموده اند یا بمرک طبیعی در گذشته مختلف نوشته اند.

بهر حال بقعه منوره اش مطاف و زیارتگاه و محل فیض است. سید محمد عابد هفت فرزند داشت چهار دختر بنامهای: حکیمه، کلثوم، بریهه، فاطمه، و سه پسر بنامهای: جعفر، ابراهیم، محمد. و نسل وی از ابراهیم باقی ماند.

ابراهیم معجب فرزند سید محمد عابد

سبب ملقب شدن ابراهیم به معجب بنابر آنچه از سید تاج الدین ابن زهره نقل شده این است که در حرم حضرت سید الشهداء علیه السلام داخل شد و عرض کرد السلام علیک یا اباه آهنگی شنید و علیک السلام یا ولدی.

سید محمد علی روضانی در جامع الانساب ص ۱۰۹ می نویسد: در کتاب مدینه الحسین از جنات ثمانیه تألیف سید محمد باقر بن مرتضی نقل کرده که پس از استیلاء منتصر بر خلافت بعد از کشته شدن متوکل در سال ۲۴۷ هجری چون بنای ملاطفت با آل علی علیه السلام گذارد و فدک را به آنان باز گردانید و دستور منع تعقیب از زوار حسین علیه السلام را صادر نمود جماعتی از سادات و اشراف بکر بلا مهاجرت نمودند که در رأس آنها ابراهیم معجب بن محمد عابد و ذریه محمد افطس و اولاد عیسی بن زید بودند.

معروف این است که قبر ابراهیم مجاب در حائر مقدس است در عمدة الطالب می نویسد : * ابراهیم الضریر بن محمد بن موسی الکاظم المعروف بالمعجائب و قبره بمشهد الحسين عليه السلام * ولیکن فرصت شیوازی در آثار عجم ص ۴۴۹ می نویسد : در طرف دست چپ سید محمد عابد در شیراز مرقد کوچکی است و در آن لوحی که بر آن نقش است (ابراهیم بن محمد بن موسی) و میگویند فرزند آن حضرت است. اعقاب ابراهیم مجاب از سه فرزند است : محمد حایری ، احمد ، علی . . . والد - نام والد ماجد مرحوم سید جعفر کشفی از چند موضع از مجلدات الذریعه واعیان الشیعه اسحق ، و در چند جلد از الذریعه ابواسحق ضبط شده و هم چنین در نخبه المقال مرحوم سید حسین بروجردی که خود از شاگردان مرحوم کشفی است ابواسحق نوشته شده و نیز در مؤلفات خود سید جعفر ابواسحق ضبط شده .

قطعاً ابواسحق کنیه است و نام دیگری دارد .

در مقدمه کتاب اجابة المضطربین که چند سال قبل تجدید طبع شد نام ابواسحق را یعقوب ذکر نموده . ولیکن از شجره ای که از آقای سید محمد علی روضاتی نقل شد در جامع الانساب نام ابواسحق را ، ابراهیم ضبط نموده . والله العالم . والد - مادر مرحوم سید جعفر از بانوان پرورش یافته در محیط علم و ادب و تقوی بنا به آنچه در مقدمه اجابة المضطربین نوشته دختر مرحوم شیخ حسین بحرانی است. شیخ حسین جد مادری سید جعفر کشفی از شخصیت های برجسته قرن دوازدهم و سیزدهم هجری است . وی فرزند محمد بن احمد بن ابراهیم ابن عصفور برادرزاده شیخ یوسف بحرانی صاحب حدائق است .

جد مادری سید جعفر کشفی

مرحوم شیخ حسین در عصر خود رئیس علماء و دانشمندان اخباری و در فقه و حدیث در بانی خروشان و در قوت حافظه از اعاجیب عصر خویش بشمار رفته و از

کثرت حافظه او داستانها نقل کرده اند .

محدث قمی در فوائد الرضویه ص ۱۲۸ می نویسد : * الحسين بن محمد ابن احمد البحرانی ابن اخ الشيخ يوسف و امه بنت الشيخ سليمان الما حوزی كان شيخ الاخبارية في عصره و علامتهم في وقته متبحراً في الفقه والحديث طويل الباع كثير الاطلاع معروف بكثرة الحافظة . *

گویند مرحوم شیخ حسین کتابی در حدیث عاریه کرد چند روزی بعد آنرا پس داد و بسفر حج مشرف شد پس از مسافرت جزواتی را که از حفظ نوشته بود برای مقابله و تصحیح نزد صاحب کتاب آورد و از او استدعاء مقابله کرد . او عرض کرد لابد در این سفر نسخه ای از این کتاب پیدا کردید در پاسخ فرمود نه بلکه در همان چند روزیکه کتاب را بمن دادید احادیث آنرا حفظ کردم بعد در مسافرت این جزوات را از حفظ نوشتم . پس از مقابله نخستین در اسناد و متن و ترتیب ابواب کمترین زیادی و نقصان دیده نشد .

مرحوم شیخ حسین آثار علمیه اش بسیار است از جمله نفحة قدسیه در فقه صلوٰة یومیه، این کتاب را در ظرف سه روز با ذکر تمام احکام صلوٰة و اقوال و ادله بکاتب از حفظ املاء کرد . و انوار اللوامع در شرح مفاتیح الشرایع و روضه سماویه در شرح کفایه محقق و سوائح در شرح بدایه شیخ حر عاملی و شرح کتاب امام هشتم علیه السلام بمأمون در شرایع دین و تکمله حدائق الناظره و مفاتیح الغیب و تبیان در تفسیر قرآن و اللجنة الوقیه در نقیه و فواید حسینیّه بطرز منتخب طریحی و منظومه در فقه و کتاب الاشراف در منع از بیع اوقاف و شارحة الصدور در اصول دین .

مرحوم شیخ یوسف بحرانی عمویش لؤلؤه را بخاطر او و شیخ خلف برادر زاده دیگرش نوشت . و پس از مرحوم شیخ یوسف ریاست علمی و تدریس به شیخ حسین منتهی شد و خواستاران قضیلت و طلاب علوم از بلاد اطراف مانند قطیف و احساء بطرف او شد و در حال می نمودند تا در شب یازدهم شوال سال ۱۲۱۶ هجری قمری بمړه طبیعی در گذشت یا شهید شد .

سید جعفر کشفی

مرحوم سید جعفر کشفی در سال ۱۱۸۹ قمری در شیراز یا اصطهبانات متولد شد و تا سن هفت سالگی در ظل عنایات پدر و از آن پس مادر کریمه و فاضله اش او را با اصطهبانات برد تحصیلات مقدماتی را در آنجا پایان رسانید و در حدود سال ۱۲۰۸ هجری در سن ۱۹ سالگی بنجف اشرف مشرف و در محضر اساطین علم و اساتید فضیلت حاضر و از انفاس قدسیه و دروس عالیّه آنها استفاده کرد تا بتدریج در سایه استعداد فعالیت مداوم از مدرسین معروف نجف بشمار رفت و پروانگان شیفته و عاشق علم و معرفت بگرد شمع فروزان وی جمع و از او استفاده می بردند و لیکن در آشوب عراق ناچار شد بایران مهاجرت کند .

بر اثر اصرار محمد تقی میرزا حاکم بروجرد رحل اقامت را در این شهر افکند و بتدریس و افاضه مشغول گشت و تشنگان فضیلت بر کنار دریای جوشان معرفتش نشستند و سیراب می شدند. از جمله شاگردانش مفسر خبیر و رجالی بصیر سید حسین است که در نخبه المقال در ترجمه استادش گفته :

سیدنا الاصفی الجلیل جعفر ابن ابی اسحاق المفسر

قد کان بدراً لسماء العلم و بعد لمح غاب نجم العلم

۷۸ ۱۲۶۷

مصراع اخیر ماده تاریخ مدت عمر و زمان وفات او است میگوید : ستاره درخشان علم و دانش پس از لحظه ای غروب کرد . کلمه لمح که با حساب جمل نشانه عدد ۷۸ می باشد عمروی و جمله غاب نجم العلم که با حساب جمل نشانه عدد ۱۲۶۷ می باشد تاریخ وفات او است .

کلمات دانشمندان در باره سید جعفر کشفی

ار باب تراجم احوال و علماء رجال از معاصرین و متأخرین همگی مرحوم

سید جعفر را بعظمت و فضیلت و عرفان و کرامت ستوده اند .

فسائی (۱) در فارسنامه ناصری که در سال ۱۳۰۴ هجری قمری تألیف کرده . در جلد دوم ص ۱۷۸ می نویسد : سید جعفر کشفی در اوائل سن تمیز وارد نجف اشرف گشته مدتها بر ریاضیات شاقه مشغول گردید و ابواب مکاشفات را بر خود باز دید پس شروع در تألیف و تصنیف نمود و در هر علمی کتابی مرغوب نگاشت . و شهره آفاق گردید و موطن خود را در چهار جا قرار داد که در هر چند سال در یکی از آنها دو سال توقف می نمود : بروجرد ، اصفهان ، یزد ، اصطهبانات ، و چون وارد یکی از اماکن می شد جماعتی از اهل علم برای استفاده و استفاضه مجتمع می شدند و بحسب ظاهر برك کتابی نه در خانه نه در کتابخانه و نه در نزد خود نداشت و آنچه رامیگفت از حفظ خاطر بود و بیشتر اوقات آیه ای از کلام الله مجید را عنوان می فرمود و آنچه متعلق بآن آیه بود با استدالات عقلیه و نقلیه بیان می کرد .

سپهر در ناسخ التواریخ قاجار می نویسد : آقا سید جعفر دارابی ملقب بکشاف مردی از اجله علماء بود و بیرون طریقت شیخ احمد احسائی و قانون صدرالدین شیرازی روشی داشت و در تفسیر قرآن مجید و تأویل احادیث با فقهاء عصر خالی از بینونتی نبود و بسیار وقت از وی مسموع شد که در فلان سفر با خضر علیه السلام همراه بودم و هفتاد بطن قرآن را کشف نمودم و علمای عصر از این کلمات معجب با او از در مبارات بیرون نمی شدند چه او را شیخوختی بنهایت و زهدادتی بکمال و فضیلت بسزا بود و کتب مؤلفات او در نزد فضلاء مکانتی تمام داشت .

اعتماد السلطنه در کتاب المآثر والآثار که در سال ۱۳۰۶ قمری تألیف کرده می نویسد : سید جعفر دارابی کشفی از اجله علماء جامعین مابین علم و ایقان و ذوق

(۱) حاج میرزا حسن فسائی از نویسندگان زیر دست و مورخین و اطباء قرن سیزدهم و

چهاردهم در سال ۱۳۱۶ در شیراز درگذشت و کتاب فارسنامه او حاوی احوال سلاطین ، وزراء ،

حکام ، علماء و جغرافیای فارس است .

و عرفان بود و در فن تفسیر نظیر نداشت کرامات بسیاری از وی مشهور است.
در نجوم السماء ص ۴۱۹ می نویسد: مرحوم سید جعفر کشفی باینکه باشیخ
احمد احسائی (۱) معاند بود ولیکن در روش عقلی طریقهٔ او را داشت.
فرصت شیرازی در آثار عجم که در سال ۱۳۱۳ قمری تألیف کرده می نویسد:
جناب آسید جعفر معروف بکشفی قدوة علماء عصر و زبدهٔ فضلاء دهر در اجتهاد
و فتاوی شهیر و در علم تفسیر و حدیث بی نظیر.

حاج میرزا معصوم در طرائق الحقایق جلد سوم ص ۲۵۵ می نویسد:
* السید السند والعالم المعتمد منبع الاسرار ومطلع الانوار کشاف الایات
والخبر آقاسید جعفر الحسینی المشتهر بالکشفی الدارابی الاصطهباناتی *.

والد ماجدش از داراب رفع علائق نمود و با اصطهبانات متوطن گردید و در
حدود سال هزار و صد و هشتاد و اند حضرت باری وی را بآن مولود مفتخر فرمود
بعد از سن رشد و تمیز به نجف اشرف مشرف گشته پس از تکمیل علم رسمی مشغول

(۱) شیخ احمد بن زین الدین احسائی بحرانی از اعاجیب قرن سیزدهم هجری است در
فقه و حدیث و طب و نجوم و ریاضی و علم حروف و اعداد و طلسمات و صنعت مهارت تمام داشته
از بسیاری از علماء مانند سید بحر العلوم و صاحب ریاض و شیخ جعفر کاشف الغطا و میرزا مهدی
شهرستانی مجاز بوده در او اوسط عمر به بلاد عجم آمد و در اصفهان مقیم شد و مدتی هم در
کرمانشاه اقامت کرد و سپس بکربلا رفت تا بقیه عمر را در آن مکان شریف سپری کند .
شیخ احمد احسائی با طریقه متصوفه سخت مخالف بوده و محیی الدین رامین الدین و
حتی محسن فیض راسمى لقب داده . درباره شیخ احسائی و روشش مردم دو عقیده متضاد دارند جمعی
او را غالی دانسته و مطعون می نمایند و جمعی هم او را بزرگترین عرفاء و استا دترین حکماء
فیلسوف عصر میدانند .

باری شیخ احمد احسائی در آخر عمر بمدینه منوره رفت و در آنجا زیست تا در سال
۱۲۴۱ یا ۱۲۴۲ یا ۱۲۴۳ یا ۱۲۴۴ درگذشت .

بر ریاضیات و عبادات گردید ابواب مکاشفات بر دیده دلش گشوده گشت و بر مسند تعلیم و تعلم بر نشست .

و در ترجمه آیات قرآن مجید و معانی اخبار صعاب قیام نمود و سه شهر و یک قصبه را مرکز قرار داد عاقبت الامر در بر وجود روانش بعالم باقی شتافت و کلمه «غاب نجم العلم» تاریخ شد.

۱۲۶۷

مرحوم آقا بزرگ در جلد دوم اعلام الشیعه می نویسد:

* السید جعفر الدارابی من اعظم علماء الامامیة متبحر محقق و جامع متقن و مصنف جلیل ولد فی ۱۱۸۹ و نشأ علی حب العلم فغاص بحاره و اقتحم لجبهه حتی جمع بین العلم و الایقان و الذوق و العرفان و اصبح اوحدياً من عباقرة الامة و فسی الرعیل الاول من حامل الویة العلم و ناشری احکام الدین و المروجین للشرع المظهر و هو من اعاجیب الزمان و اغالیط الدهر فقد کان وحید عصره فی فنون التفسیر و العرفان و له آثار تكون غرة ناصعة فی جبین الدهر * .

مدرس تبریزی در جلد سوم ریحانة الادب ص ۳۶۶ می نویسد : سید جعفر بن ابی اسحق موسوی علوی دارابی الاصل بروجردی الموطن کشفی الشهرة از اجلای علمای امامیه قرن سیزدهم هجرت که اصل ایشان از داراب جرد فارس است . عالمی است ادیب ؛ نحوی ؛ عارف ، فقیه ، اصولی ؛ محدث ، مفسر ، متکلم جلیل القدر و عظیم المنزله و بالخصوص در حدیث و تفسیر بی نظیر .

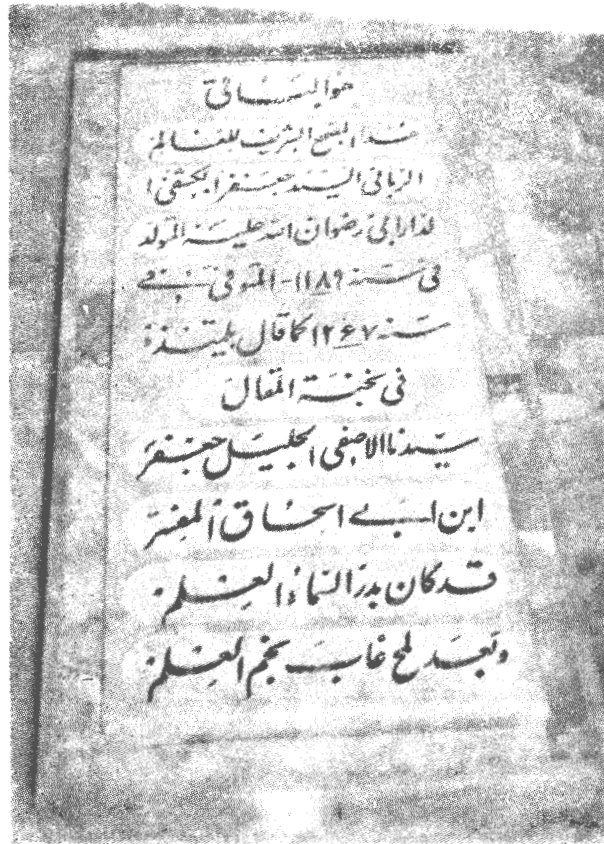
سید جعفر کشفی و کرامات

از مرحوم سید جعفر کشفی قدس سره کراماتی نقل میکنند از جمله صاحب طرائق در جلد سوم ص ۴۵۵ در ترجمه آقا سید ریحان الله می نویسد : از جناب آقا مرتضی برادر زاده مشارالیه مسموع شد که میگفت جد بزرگوارم سید کشفی رادر

اواخر امر و خواتم عمر فرزندی نرینه آمد تسمیه را علی عاده قرآن بگشود و این کریمه اول . . . بود : روح وریحان و جنة نعیم فرمود نام این پسر روح الله بفتح راه و حق مرا پسر دیگر عطا خواهد فرمود نام او ریحان الله است و از آن پس عمر من بسر خواهد رسید و قضا را هم چنین شد که استکشاف کرده و خبر داده بود. این مطلب را بعین همین الفاظ در المآثر و الآثار که قبل از طرائق تألیف شده آورده و قطعاً صاحب طرائق از آن گزرفته یکسال پس از ولادت سید ریحان الله مرحوم کشفی در سال ۱۲۶۷ در گذشت و در بروجرد اکنون آرامگاه او در محله صوفیان جنب مسجدی است بنام مسجد دوخواهران و مزار و مورد احترام عموم مردم است.



مقبره مرحوم کشفی



لوح قبر مرحوم کشفی

سید جعفر کشفی و شعر

مرحوم سید جعفر کشفی اضافه بر معارف فقهی و اصولی و کلامی و فلسفی و عرفانی دارای معارف ادبی و قریحه شعری نیز بوده . منظومه‌های او در فنون متنوعه کاشف از قدرت ادبی و قریحه شعری او است .

در خلال مطالب علمی و عرفانی و اخلاقی کتاب تحفة الملوك شعرهائی از اثر طبع و قاد او مشاهده می‌شود که ازدقت در آنها معلوم می‌شود بانشاء انواع شعرتوانا بوده است . برای نمونه ابیاتی ذکر می‌شود:

در آخر تحفة الملوك گوید :

مه مه ای طوطی سخن بسیار شد
داستان عقل بسی پایان بود
آنچه اول داشتی در سربگویی
آخر حرفت سرودی ساز کن
ای شهنشاه مرا معذور دار
آنچه فرمودی بیار آورده ام
زود آوردن ز رسم مور نیست
ای سلیمان تحفه ات گردیر شد
من ز خود چیزی نی و نی داشتم
حرف من حرف توای شهزاده ام
باغ هم از باغبان بار آورد
گر که من باغم تو بودی باغبان
آنچه گفתי بازگو آن گفته ام
حرف من حرف توو تو جان من
مل خور و گل رخ بهم یکسانید
گلستان از گلبنان گلدان بود
جان من از جان جانان جان گرفت
ای خدا و ندا تو میدانی و من
جان را با جان جانان صحبتی است
(هر که را اسرار حق آموختند)
ای خدا و ندا حجاب جان و تن
حشر من با حشر آن جانانه کن

زین سخن هر صفحه ای طو مار شد
آنچه ناید در بیان عقل آن بود
حرف اول را بیا از سر بگویی
واز حدی از مثنوی آغاز کن
تو سلیمان واری و من مور وار
گرچه دیر ای شهریار آورده ام
راه موران کم کم است ره دور نیست
(مهلتی بایست تا خون شیر شد)
آنچه ام انداختی بر داشتم
هر چه را شه داده آنرا زاده ام
گر گل و گر لاله گر خار آورد
ور که ریحانم تو بودی بوستان
مهره را سوراخ یا در سفته ام
دو نباشد جنبش يك جان و تن
بلبل و گل نیز يك دستانیند
گل فشان و خرم و خندان بود
دردم از لطفش کنون درمان گرفت
درس من چیست زین گونه سخن
کشف این اسرارها را مهلتی است
(مهر کردند و دهانش دوختند)
زود بر دار از میان آن و من
با سلیمان مور را هم خانه کن

از جمالش خاطر مفرزان دار از رخس بیگانگان بیگانه دار
ختم حرفم حرف تو است ای ذوالجلال زانکه حمد تو بود خیر المقال

* * *

صبح آمد که در میکرده ها بگشایند سر خم بهر گشاد دل ما بگشایند
در میخانه گشادند باخلاص درای بیش از آن تادر تزویر و ریا بگشایند
بسته تا چند بود کار ندیمان وقت است که نکویان گره از بند قبا بگشایند

* * *

زان آستان که قبله ارباب دولت است محروم بودن از عدم قابلیت است

* * *

گفتمش حرف باغیار نمی باید گفت زیر لب گفت که بسیار نمی باید گفت

* * *

سخن دانی که از هر سوی بینی کلك گفتارش بدان شاخ گلی ماند که باشد غنچه بسیارش

* * *

کسیکه چشم ندارد چه حاصل از شاهد و گر که گوش ندارد چه سود از گفتار

* * *

حکیم و عاقل و دانا کسی بود که سخن بفهم گوید و کم گوید و نکو گوید

* * *

بمدرسه مدهید از حدیث وصل نشان که بر فقیه نمی چسبد این سخن بسریش

* * *

راز مگشای بهر کس که در این مرکز خاک سیر کردیم بسی محرم اسرار نبود

مؤلفات و آثار علمیه سید جعفر کشفی

آثار علمیه مرحوم سید جعفر کشفی بسیار است بادقت و مطالعه این آثار بقدرت علمی او پی میبریم :

ان آثارنا تدل علینا
فانظروا بعدنا الی الآثار
مؤلفات وی بشرح ذیل است :

۱- اجابة المضطربین - فارسی است در اصول و فروع دین بخواهش محمد تقی میرزا حسام السلطنة حاکم بروجرد تألیف شده . این کتاب مشتمل است بر یک مقدمه و دو مقال و یک خاتمه و هر یک از مقدمه و مقال را بچند نصرت و هر نصرت را بچند اجابه تقسیم نموده است .

مقدمه در معنی دین و رمز احتیاج به آن و سایر اموری که مربوط باصل دین یا دین حنیف اسلام است مقال اول در اصول دین مشتمل بر پنج نصرت بترتیب اصول پنجگانه اسلام با تحقیقات علمیه و بیانات عرفانیه مقال دوم در فروع دین و خاتمه در تهذیب نفس . جلد اول این کتاب مشتمل بر مقدمه و یک مقال برای اولین بار سال ۱۳۰۶ هجری قمری در هند چاپ شده و چند سال پیش در طهران تجدید چاپ شد .

۲- بلد الامین - عربی است منظومه ایست در علم کلام و اصول عقائد قریب یکهزار بیت مطلع آن :

بسم القديم الملك العلام
و پس از حمد و ثنای پروردگار می گوید:

بعد فهذا نخبة العقول	و زبدة الکلام فی الاصول
سميته بالبلد الامین	فی البحث عن علم اصول الدین
هذا هو الموسوم بالکلام	مصدره فی مصدر الاسلام
نسبته من سایر العلوم	کنسبة الشمس من النجوم

فصوله التوحید ثم العدل	و فی نبوة النبی فصل
و رابع الفصول فی الامامة	خامسها المعاد و القيامة
صنفته لاصدقاء السدين	هداهم الله الى اليقين
حررته فی النجف الغری	مشرفاً بالمرتضى على

این منظومه را در سن بیست و یک سالگی در سال ۱۲۱۰ هجری در نجف اشرف بسلك نظم در آورده و نسخه های مخطوطش بسیار است و نسخه مورخ ۱۲۵۸ که بوسیله عبدالحسین نامی استنساخ شده در کربلای معلی در مکتبه العباس موجود است. محقق اصطهباناتی که ترجمه اش بمناسبت ترجمه اسباط سید جعفر کشفی ذکر می شود شرحی عمیقانه بر این کتاب بنام الحصن الحصین فی شرح البلد الامین نوشته. ۳- تحفة الملوك - فارسی است کتابی است نفیس در عقل و جهل و جنود آنها و تعدیل قوای انسانی در سال ۱۲۳۳ بنام فتحعلیشاه و بدرخواست محمد تقی میرزا حسام السلطنة ملقب به شهنشاه تألیف شده و ماده تاریخ تألیف تحفة الملوك ملوك الکلام یا تحفة الملوك قائد الامم می باشد زیرا هر يك از دو جمله مزبور از نظر عدد ابجدی منطبق است با عدد ۱۲۳۳.

این کتاب تا کنون سه بار طبع شده و مرتب است بر سه طبق و در هر طبق تحفه هائی است طبق اول در حقیقت عقل طبق دوم در ارتباط عقل با موجودات سفلیه طبق سوم در خواص و آثار عقل.

یکی از شعراء بنام محمود که ظاهراً حاج محمود بن حاج نجف بروجردی است و ترجمه اش در بخش مخصوص شعرای بروجرد ذکر می شود قصیده غزائی در تاریخ ۱۲۷۳ هجری قمری در تقریظ این کتاب و توصیف مؤلف سروده و بمدح و ثنای امیر المؤمنین علیه السلام ختم کرده :

هزار شکر که از	فزود ایرانرا قدر و قیمت و مقدار
زخار خارعد و گشته بود بس ویران	وليك عدل شهنشاه آمدش معمار

جهان خدا و خدا بنده ناصرالدین شه
 شهنشاهی که بحفظ ثغور سد سنور
 بعهد دولت این پادشاه دین پرور
 علی الخصوص هم اکنون که منطبق گردید
 کتاب تحفه مرحوم سید کشفی
 مگو کتاب که بحری است مملو از لؤلؤ
 بیاض اوست به از لوح سینه غلمان
 نکات دلکش او قلب را کند تنویر
 اولوالنهی ز مضامین او قرین شرف
 چو آب نیل که سبیطی از او شود محظوظ
 کنون بخاک بروجرد رشک دارد عرش
 سمی جعفر صادق سبحانه فضل و شرف
 محیط دائره علم و مرکز دانش
 ز فرقه علما آنچنان بود ممتاز
 به پیش حکمت او مشکلات بطلیموس
 یکی چو ابجد اطفال مانده بی رونق
 بچار رکن جهان صیت فضل و دانش او
 مصنفات ورا شرح کی توانم داد
 ز مشکلات «سنابرق» او چه شرح دهم
 سزد که ثانی سبع المثنایش خوانم
 «شهاب قابوسش» هم چو بحر اقیانوس
 «ز نکته های دربار» رق منشورش
 ز درهای یتیم «کفایه الایتماش»

پناه ملت بیضا خدیو عدل شعار
 کشیده حفظش حصنی چو گنبد دوار
 گرفت رونق شرع محمد مختار
 بسال دوصد و هفتاد و سه ز بعد هزار
 که هست منبع اسرار و مطلع انوار
 مگو کتاب که فلکی است محشوازدینار
 سواد او است پر از مشگک تبت و تاتار
 چنانکه صیقل از آئینه می برد زنگار
 ولی جهول از او مبتلای عیب و عوار
 ولی بقبطی سوزنده تر بود از نار
 که گشته مضجع آن مفخر اولوالابصار
 سپهر مجد و معانی جهان عزو وقار
 دلیل راه نجات و سلیل هشت و چهار
 که ز انبیا بشرافت محمد مختار
 به نزد دانش او معضلات بهمنیار
 یکی چو صنعت بطلال مانده بی مقدار
 چنان رسید که مستغنی آمد از اظهار
 که هست بیرون ز حد و عدو حصرو شمار
 که هست حل رموزات و کاشف اسرار
 اگر حسود بد اندیش ناکند انکار
 لبالب آمده از درو لؤلؤ شهوار
 شده است نشر علوم ائمه اطهار
 که هست بیرون ز موج بحر و رمل قفار

چگونه وصف نمایم که با هزار زبان
اگر چه شرح دهم از کتاب «صید البحر»
اصول و فقه و معانی و منطق و تفسیر
علوم عقلی و نقلی و باطن و ظاهر
ولی چه سود که مجهول قدر بود بدهر
از این سراچه فانی چه شد بعالم قدس
بلی چو عقل ز سررفت تن شود معلول
چراغ علم شد از بعد رحلتش خاموش
دل خراب من از غم درون سینه ریش
از آنکه آمده کالای معرفت کاسد
به آنکه مختصر آرم من این چکامه نغز
ولی مطلق و فیض نخست و مظهر ذات
سپهر مجد خبیر ضمیر و بدر منیر
شهاب ثاقب و نجم زکی و قطب وجود
قوام آیت کبریا و منبع تو قیر
جمال ذات و نخستین حباب بحر وجود
ردیف احمد مختار در شب اسراء
علی عالی اعلی و قالع خبیر
من و مدایح او بالغدو و الاصال
زلطف حضرت دادار منطبع گردید
ز فیض حضرت معبود «خامه محمود»
سزد که اهل بروجرد مفتخر آیند

ز وصف او نتوان گفت عشری از اعشار
که هست بحری موج و قلزمی زخار
کلام و طب و ریاضی و حکمت و اخبار
بداد الفت بایکدیگر چولیل و نهار
نفو باین حرکات سپهر کج رفتار
مزاج دهر غلیل آمد و زمانه نزار
بلی چو روح ز تن شد روان فتدازکار
بلی چو مهر فروشد جهان نساید تار
پراز خروش بود چون درون موسیقار
وز آنکه رونق دین رفته اندر این بازار
بمدحت اسدالله حیدر کبرار
وصی برحق و نفس نبی امام کبار
سحاب رحمت و باران لطف و فخر فخار
محیط خلق و محاط مهیمن دادار
نظام ملت بیضاء مطلع انوار
کمال قدرت دادار و اولین آثار
سمی حضرت ستار و محرم اسرار
ولی والی والا و قانع کفیار
من و ستایش او بالعشی و الابدکار
مر این صحیفه که گنجینه ایست از اسرار
نمود لؤلؤ منضود بر صحیفه نثار
به این قصیده غرای محکم ستوار

کتاب تحفة الملوك تاکنون سه بار در تهران و تبریز چاپ شده و اضافه بر آن نسخ مخطوطه بسیاری هست از جمله نسخه نفیس بسیار خوش خطی مورخ ۱۲۵۴ در حیات مؤلف بجهت بهمن میرزا حاکم بروجرد فرزند فتحعلیشاه نوشته شده که اکنون در کتابخانه مجلس در تهران موجود است.

۴- جمع الشتات المتفرقة فی الاجماعات المحقة المتحققة .

۵- منظومه بررد ابن حجر - ابن حجر عسقلانی احمد بن علی متوفی سال ۵۸۲ هجری در انکار امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف اشعاری بافته :

ماأن للسرداب ان یلد الذی صیرتموه یزعمکم الانسانا
فعلى عقولکم العفاء فانکم نلثتم العنقاء و الغیلانا

مرحوم سید جعفر در این منظومه با نظم بدیع اورا پاسخ گفته . این منظومه در ضمن مجموعه ای در مکتبه العباس علیه السلام در کربلای معلی که بوسیله آقای سید عباس ابن علی اکبر کاشانی حائری تأسیس شده موجود است.

۶- الرطب الیابس فی الاجماع المتخالف المتعاکس .

۷- الرق المنشور فی اثبات معراج نبینا المنصور .

این کتاب با براهین عقلیه و ریاضیه تحت عنوان رق اثبات معراج جسمانی پیغمبر صلی الله علیه و آله می نماید ؛ نسخه اصلی این کتاب بخط مؤلف در اختیار فرزندش مرحوم حجة الاسلام آقا سید ریحان الله بوده پس از وفات آن مرحوم کتابخانه اش از میان رفت و این نسخه را علامه نسابه آیه الله نجفی مرعشی خریداری و اکنون در کتابخانه معظم له در قم می باشد .

آغاز این کتاب :

سبحان الذی اسرى بعبده لیلا من المسجد الحرام الی المسجد الاقصی
الذی بارکنا حوله لنریه من آیاته الکبری .

تألیف این کتاب در نجف اشرف در سال ۱۲۳۱ هجری قمری شروع شده.

۸- سنابرق فی شرح البازغ من الشرق -- عربی است.

این کتاب شرحی است مفصل توضیحی و تفسیری و تأویلی بردعای رجبیه که از ناحیه مقدسه صادر و در هر روز از رجب خوانده می شود : اللهم انسی اسمک بمعانی جمیع ما یدعوك الخ مشتمل است بر معانی و مطالب کثیره معقوله. این کتاب را در سال ۱۲۵۳ هجری قمری در یزد شروع فرموده و در ذیقعدۀ همان سال در یزد و جرد تمام نموده . یابگفته مرحوم آقا بزرگ در سال ۱۲۶۱ هجری از تألیف آن فارغ شده و آخرین تألیف او است .

۹- شرق و برق یا برق و شرق - فارسی است این کتاب شرح چند حدیث است بالفاظ و جملات فصیح و بلیغ و مسجع و مقفی بمشرب ذوق و عرفان حدیث را به عنوان برق و شرق آنرا بعنوان شرق ذکر می نماید .

این کتاب در سال ۱۲۲۴ هجری قمری در نجف اشرف تألیف شده و نسخه ای بخط مؤلف بفرزندش آقا سید ریحان الله منتقل شده و نسخه دیگر با خط زیبا و خوش بقلم عبدالحسین مورخ ۱۲۵۸ هجری در مکتبه العباس علیه السلام در کر بلا موجود است .

۱۰- الشریفیه - ارجوزه ایست در منطق مرتب است برده باب و خاتمه و عناوین مطالب ابواب را کلمه قانون قرار داده .

آغاز این کتاب :

بسم الله فتح كل الالسنه	و الحمد لله جميع الالزمنه
قد عجزت عن حمده الفحول	مسا درى الموضوع والمحمول
الى قوله :	

الموسوى ابن ابى اسحاقا	يكشف عن منطقه النطاقا
لما رايت النظم كان اقربا	للضبط و الناس اليه ارغبا

نظمت فی الفن اللآلی والدرر	وضعت فیہ کل شیء بقدر
حررتها مثنی التصنیف	فی النجف الاشرف للشریف
منه الی تصنیفها دعیت	فبا لشریفیة قد سمیت

این دومین تألیف مرحوم سید جعفر است که پس از بلدالامین در سال ۱۲۱۱ هجری قمری به پایان رسیده چنانکه در آخر کتاب فرموده :

الختم فی الف مضی من هجرة و المأتین ثم احدى عشرة
نسخه ای از این رساله در کربلای معلی در مکتبه العباس موجود است. مرحوم
صدرالافاضل شرحی عالمانه بر این کتاب نوشته .

۱۱ - الشموس والعکوس - در معرفت ائمه معصومین علیهم السلام و تنزیه آنها
از اکل حرام . آغاز آن : * هذه عکوس ملکية و شمس فلكية يتضوع منها نهار تنزیه
الامام عن اکل الحرام * .

نسخه ای از این کتاب در سال ۱۳۵۸ هجری قمری با خطی زیبا استنساخ شده و در
مکتبه العباس موجود است .

۱۲ - صید البحر - در علم اصول فقه و فوائد متفرقه و نکات دقیقه، نسخه ای از این
کتاب در کتابخانه میرزا احمد شیخ الاسلام در اصطهبانات موجود است .

۱۳ - کفایة الایتام - یعنی ایتام آل محمد من عوام الناس . فارسی است در
فقه استدلالی در ۳ جلد اول در عبادات جلد دوم در مناکحات و معاملات و ایقاعات
جلد سوم در ارث و حدود و سیاسات .

این کتاب را نیز مانند بعض دیگر بخواهش حسام السلطنه حاکم بروجرد در سال
۱۲۵۹ تألیف کرده . نسخه اصل بخط مؤلف در کتابخانه دانشگاه تهران موجود
است ولیکن نویسنده مقدمه کتاب اجابة المضطربین تاریخ تألیف کفایه را پانزدهم
شعبان سال ۱۲۴۰ هجری نوشته ممکن است نسخه دانشگاه بخط مؤلف استنساخ

از نسخه اصل باشد . والله العالم .

۱۴ - منظومه در علم صرف ونحو - مطلع آن :

احمد رباً صرف الرياحا اشكر من قد فلق الاصباحا

الى ان قال :

ام العلوم النحو والصرف اب و كل علم بعد ذين يطلب

۱۵ - شهب قابوس - در حجية اجماع . اين كتاب را در سال ۱۲۵۵ هجری قمری

شروع کرده و در پانزدهم شعبان ۱۲۵۸ ختم فرموده . نسخه ای از اين كتاب بخط نستعلیق حاج محمد بن نادعلی بروجردی در ۱۸ ذیحجه ۱۲۶۰ نوشته شده در کتابخانه دکتر اصغر مهدوی موجود است .

۱۶ - میزان الملوک - فارسی است . اين كتاب در قواعد کشور داری و بیخاطر

حسام السلطنه حاکم بروجرد در سال ۱۲۴۶ هجری قمری تألیف شده و مرتب است برده باب وهربابی چند تمهید و بمناسبت عدد ابوابش به عشره کامله ملقب شده .
عناوین ابواب :

۱- عدالت ۲- خلافت ۳- کیفیت سلطنت ۴- سلوک ملوک بارعیت .

۵- سلوک وزراء و ارباب قلم ۶- سلوک علماء و مفتیان و وعاظ و قاضیان ۷- سلوک

دهاقین و زارعین ۸- سلوک ارباب نعم و دولت ۹- سلوک تجار و کسبه ۱۰- سلوک اهل حرف و صنعت . نسخه ای از این كتاب مورخ ۲۷ محرم ۱۲۴۷ بخط ملا عبدالله بروجردی در دانشکده الهیات دانشگاه تهران موجود است .

۱۷ - نخبة العقول - کتابی است مختصر در اصول فقه مختارات خود را در تحت

عنوان نخبه و رد قول مخالف را تحت عنوان محاکمه آورده این كتاب بلبق سبع المثانی ملقب و دارای پنج باب و يك مقدمه و يك خاتمه است باب اول در اوامرو نواهی باب دوم در عام و خاص و مطلق و مقید و مجمل و مبين و ناسخ و منسوخ باب سوم اخبار باب چهارم عقل باب پنجم دليل عقل خاتمه در اجتهاد و تقلید .

این کتاب را در سال ۱۲۱۲ هجری قمری در نجف اشرف تألیف کرده .
نسخه‌ای از آن در کتابخانه آستان رضوی و نسخه دیگر مورخ ۱۲۵۸ در کربلای معلی
در مکتبه العباس موجود است .

فرزندان سید جعفر کشفی

مرحوم سید جعفر کشفی از ۵ نفر زن ۱۳ نفر اولاد داشته يك دختر و
دوازده پسر :

- ۱- بیبی بتول که همسر میر مرشد اصطهباناتی بوده است .
- ۲- ریحان الله ۳- سید روح الله ۴- سید موسی . مادر هر سه نفر بروجردی
است ۵- سید اسحاق ۶- سید صبغة الله ۷- سید یعقوب . مادر این سه تن نجفی است
- ۸- سید مصطفی مادرش اصطهباناتی است .
- ۹- سید عیسی ۱۰- سید سیناء مادر این دو نفر اصفهانی است .
- ۱۱- سید علی ۱۲- سید حسن ۱۳- سید یحیی مادر هر سه نفر یزدی است :
- شرح احوال سید ریحان الله و سید اسحاق و سید صبغة الله و سید سیناء و سید
یعقوب و سید یحیی به ترتیب زمان پس از این ذکر می شود.

احفاد سید جعفر کشفی

- ۱- میر سید محمد حقایق کشفی فرزند سید مصطفی ابن سید جعفر کشفی از
دانشمندان قرن چهاردهم هجری است . ادیب اریب و شاعر ماهری بوده .
مرحوم آقا بزرگ در الذریعه جلد نهم ص ۲۵۷ می نویسد : برادرزاده میر سید -
محمد حقایق کشفی سید موسی بن سید جعفر بن سید مصطفی بن سید جعفر کشفی قریب یک هزار
بیت از اشعار حقایق را که در مدایح معصومین علیهم السلام می باشد جمع و تدوین
نموده است .

سید محمد علی روضاتی در جامع الانساب ص ۱۱۸ می نویسد : مرحوم سید محمد مدیر مدرسه حقایق در اصفهان بوده و در سال ۱۳۲۷ هجری قمری در گذشت.

۲- حاج سید مهدی کشفی از فرزندان علامه خبیر سید ریحان الله فرزند سید جعفر کشفی از دانشمندان و مروجین عصر حاضر بود .

آقای محمد رازی در آثار الحجه جلد اول ص ۲۲۷ می نویسد :

او در جمعه چهارم شعبان سال ۱۳۱۴ قمری در تهران متولد و پس از تحصیلات علوم جدید به تحصیلات علوم و معارف اسلامی پرداخت . علوم ادبی را از ادیب طهرانی و آقای شیخ علی رشتی فرا گرفت و بسال ۱۳۴۱ قمری بقم مشرف و در محضر حاج شیخ فاضل و مرحوم آیه الله خوانساری و آیه الله آسید ابوالحسن قزوینی و مرحوم میرزا علی اکبر حکمی یزدی استفاده نمود و پس از در گذشت مرحوم آیه الله حائری بطهران رفت و بترویج دین و تدریس فقه و اصول و علوم ریاضی و تفسیر پرداخت نادر ۲۲ محرم سال ۱۳۶۷ داعی حق را لبیک گفت و جنازه اش را با تجلیل بقم بردند .

۳- سید موسی مقتدی کشفی - فرزند سید جعفر بن سید مصفی ابن سید جعفر کشفی بروجردی از علماء جامع معاصر است .

ساکن اصطهبانات شیراز از آثار علمی او کتاب محافل الشهداء در مصائب شهدای کربلا است که در سال ۱۳۷۶ هجری قمری در تهران چاپ شده.

و دیگر کتاب بحر المعارف در علوم قرآن است که در سال ۱۳۸۹ قمری در تهران بطبع رسیده است .

۴- میر سید محمد اصطهباناتی - فرزند سید جعفر بن سید مصفی ابن سید جعفر کشفی بروجردی از فضلاء و گویندگان و شعراء معاصر است محمد حسین رکن - زاده آدمیت در کتاب دانشمندان و سخن سرايان فارس جلد چهارم ص ۳۳۸ می نویسد :

آقای میر سید محمد اصطهباناتی متخلص به ذره فرزند مرحوم سید جعفر کشفی از فضلاء و وعاظ و شاعران معاصر است .

آقای محقق در سالنامه فرهنگ اصطهبانات سال ۱۳۳۷ و ۱۳۳۸ می نویسد :
این روحانی روشن فکر علاوه بر جمع بین محراب و منبر شاعری مبتکر و با ذوق است غزل ذیل از او است :

رنك می نیست که بر لعل لب شیرین است
خورده خون دل فرهاد و لبش رنگین است
ریخت خون دلم از طرز نگه کردن تو
چشم آهو که کند صید دل شیر این است
نیمه شب ماه چه زیبا است ولی زیباتر تو
مهر رویت وسط طره چین در چین است
گل و سنبل به بهار است ولیکن ما را
روز و شب از رخ زلفت همه فروردین است
اشك ای دیده برخساره زردم مفشان
نقره کوبی مکن این صفحه که خودزین است
مژده ایدل که رخ زرد بخون سرخ شود
سیل اشگی که بر او می گذرد خونین است
روشنائی بشب تار چه حاجت باشد
که بیاد مهی از دیده روان پروین است
ز آتش لشگر غم شهر دلم کرده سقوط
فوج غم ارتش سرخ است و دلم برلین است
آفتاب احدیت همه جا تابان است
(ذره) راعشق همین مهر فقط آئین است

از اشعار ذره تضمین شعر سعدی است بمناسبت تودیع سیدالشهداء علیه السلام با
فرزندش علی اکبر در روز عاشوراء :

ای بخصال پیمبری شده نائل از همه عالم دلم بسوی تو مایل
آینه ذات احمدی بخصائل چشم بدت دورای بدیع شمائل

ماه من و شمع جمع و میر قبال

زخم دلم را تو مرهمی و دوائی چون بشب آریم بی تو روز جدائی
ای رخت آئینه جلال خدائی جلوه کنان میروی و باز پس آئی

سرو ندیدم بدین صفت متمایل

مهر بچهرت گرش مشابتهی هست از مه رویت شعاع عاریتی هست
جلوه حقست در تو هر صفتی هست هر صفتی را دلیل معرفتی هست

روی تو بر قدرت خدا است دلایل

نه بتوانم نهاد رو سوی هامون نی ز دلم می رود خیال تو بیرون
چهره زردم ببین و دیده پر خون قصه لیلی مخوان و غصه مجنون

عشق تو منسوخ کرد ذکر اوائل

هر دو یکی هست جان عاشق و معشوق نیست نگر در نشان عاشق و معشوق
مرک نباشد زبان عاشق و معشوق پرده چه باشد میان عاشق و معشوق

سدسکندر نه حاجب است و نه حائل

یوسف من رویت اربمصر بدیدند در عوض دست دل ز جان ببردند
بی خبر آنان که عشق تو نگزیدند نام تو میرفت و عارفان بشنیدند

هر دو بر قص آمدند سامع و قائل

بی خبران را خبر کنند و به بینند تا که بمقتل نظر کنند و ببینند
بر من و اکبر نظر کنند و ببینند گو همه شهرم نظر کنند و به بینند

دست در آغوش یار کرده حمایل

درازلم مهر تویکی شده باجان کی رود از سینه مهرت ای شه خوبان
جان بلب است و بدل محبت جانان دور به آخر رسید و عمر به پایان
شوق نوسا کن نگشت و مهر تو زایل

عشق حسین جلوه کرد بر همه آثار هوش محمد که «ذره» است به یکبار
بر دو بشد روز روشنش چو شب تار سعدی از این پس نه عاقل است و نه هشیار
عشق بچربید برفنون فضایل

ذره اصطهباناتی ابیاتی هم در مرثیه مرحوم آیه الله العظمی بروجری سروده
که در شرح حال معظم له ذکر می شود.

اسباط سید جعفر کشفی بروجردی

طبق آنچه مرحوم آقا بزرگ تهرانی در الذریعه جلد هشتم می نویسد: مرحوم
سید جعفر کشفی دختری داشته بنام بیبی بتول که همسر سید جلیل آقا میر مرشد
اصطهباناتی بوده و اسباط مرحوم کشفی از این دختر است.
در بین اسباط سید جعفر شخصیت های برجسته علمی و ادبی تا کنون چند نفر
دیده و شنیده شده که بعضی از آنها اشاره می شود.

محقق اصطهباناتی سبط سید جعفر کشفی

میرزا ابوالحسن بن اسماعیل اصطهباناتی ملقب به محقق العلماء . وی در
سال ۱۲۵۵ هجری قمری متولد شد . و تحصیلات مقدماتی و نهائی را در یزد و مشهد
و اصفهان فرا گرفت تا در اغلب فنون و معارف استاد شد مخصوصاً در ریاضیات.

مرحوم آقا بزرگ تهرانی در نقباء البشر جلد اول ص ۳۵ می نویسد : میرزا
ابوالحسن سبط سید جعفر دارابی عالمی است جلیل و بزرگوار و فاضلی است مصنف
جماعتی از دانشمندان از موائد علمی او استفاده کردند از جمله میرزا محمد رضا

یزدی و آغا محمد جعفر کرمانی. آثار علمیه او بسیار است از جمله:

- ۱- الحصن الحصین در شرح بلد الامین تألیف جدامی او سید جعفر کشفی چنانکه پیش از این ذکر شد.
- ۲- حاشیه تحریر اقلیدس ۳- رساله ای در هیئت ۴- سلسبیل در عرفان و اصول عقائد در سال ۱۳۱۲ در ۴۱۶ صفحه در بمبئی چاپ شده ۵- شرح تشریح الافلاک شیخ بهائی که در سال ۱۲۸۴ در تهران چاپ شده ۶- شرح دعای کمیل مطبوع است ۷- لمعات النور در تفسیر آیه نور ۸- مطلع الانوار و منبع الاسرار در علم کلام بفارسی در سال ۱۳۱۷ در شیراز چاپ شده ۹- رساله در قبله که به خواش مرحوم میرزا ابراهیم مجتهد شیرازی محلاتی نوشته و چاپ شده.
- مرحوم محقق اصطهباناتی در سن ۸۴ سالگی در ماه ذیحجه سال ۱۳۳۸ در اصطهبانات جهان را وداع گفت.

سید ابو تراب اصطهباناتی

اعتماد الشریعه سید ابو تراب بن میر محمد صالح مادرش عذرا بیگم دختر بیبی بیگم دختر مرحوم سید جعفر کشفی است. او در سال ۱۳۰۵ متولد و تحصیلات مقدماتی و نهائی را در محضر اساتید عصرش مخصوصاً محقق اصطهباناتی سابق الذکر فرا گرفت و اضافه بر معارف مذهبی و علوم دینی بفنون ادبی نیز کاملاً آشنا بوده. از آثار علمیه اش منظومه ایست در نحو بنام حدائق الاعراب و منظومه دیگری است در صرف بنام درة التألیف.

وی در سن ۵۶ سالگی در سال ۱۳۶۱ جهان را ترک گفت.

قطعه شعری از آثار او در مدح امیر المؤمنین علیه السلام تیمناً ذکر می شود:

دردل بدید دیده یکی نور بی حجاب	شد در عجب که چیست بشب نیست آفتاب
پس چون دقیق کرد نظر را در آن شعاع	حب علی مشاهده بنمود بی نقاب
هر آدمی که حب علی نیست دردش	دارد بر او شرف به یقین خو کو وهم کلاب

۳۰۲	قرن سیزدهم	تاریخ بروجرد
-----	------------	--------------

روشن تراست در دل صاحب دلان ز شمع	نور امیر عرش سر بر فلک جناب
مقصود از رسالت پیغمبران نبود	الا بیان فضل همین نور مستطاب
آن را که ذره ای ز ولایش نصیب شد	باشد نصیب جنت خلدش بلا حساب
اهلا و مرحباً ز بهشت وصال او	با دوستان شاه ولایت رسد خطاب
حب علی کند به یقین محو سیئات	مانند بغض او که بود مبطل ثواب
هر ظهر یا که بطن و یا بطن بطن	از فضل شأن او است زهر آیه آفتاب
مدح علی نوشتن و گفتن سبب شود	محو گناه سابق و لاحق بلا ارتیاب
من چند جرعه چون زمی مدح و منقبت	نوشم ز عشق شاه شوم بی خور و خراب
هر ذره فاش با من شیدا کند ندا	روحي فدا تراب نعال ابی تراب

شیخ المحققین سبط سید جعفر کشفی

میرزا احمد فرزند محقق العلماء سابق الذکر در سال ۱۲۹۱ هجری قمری متولد شد و در ظل عنایات اساتیدی بزرگ مانند پدرش و مرحوم حاج سید علی حکیم گازرونی پرورش یافت .

باضافه علوم متداوله در علوم غریبه نیز مانند جعفر اطلاعاتی داشته تألیفاتش بشرح ذیل است .

۱- بیان الحق در مهدویت شخصیه و شخصیت مهدویه . براین مرحوم آیه الله سید ابوالحسن اصفهانی تقریظی نوشته ۲- تنبیهات عشر ۳- کشکول ادباء .

۴- کشکول عرفاء ۵- رساله در وجوب نماز جمعه که بخواهش مرحوم سید عبدالحسین مجتهدلاری که ازدوستان صمیمی او بود نوشته .

شیخ المحققین درس ۴۶ سالگی در سال ۱۳۵۴ جهان را وداع کرد و در جوار امامزاده عبدالله در شهری بخاک رفت .

فخر المحققین

محمد هادی، شیخ الاسلامی فرزند میرزا احمد فوق الذکر در ۲۵ ذی قعدة سال ۱۳۲۸ قمری در اصطهبانات متولد برای تحصیل مراتب علمیه بشیر از رفت و در علوم قدیمه از قبیل صرف و نحو و معانی و بیان و منطق و حکمت و تفسیر و فقه و اصول معارفی اندوخته و اکنون از وعاظ و سخنوران و نویسندگان عصر حاضر است . تألیفات و آثار علمیه او بشرح ذیل است .

۱- بستان معرفت یا کشکول شیخ الاسلامی چند جزء است تنها یک جزئیش طبع شده .

۲- دانش نامه شیخ الاسلامی در معارف پنج گانه اعتقادی ، چهار جلد از آن چاپ شده .

۳- فلسفه شهادت یا رمز محبت عربی .

۴- ترجمه فارسی فلسفه شهادت چاپ شده .

شاگردان سید جعفر کشفی

مرحوم سید جعفر کشفی در بروجرد و سایر شهرهائی که هر دو سال زیست میکرد مجلس درس داشته و شیفتگان علم و فضیلت پروانه صفت بر گرد شمع وجود او در حرکت می آمدند .

از تلامذه و شاگردان او در بلاد یزد و اصفهان و اصطهبانات و نجف خبری نداریم ولیکن بذکر چند تن از شاگردان وی در بروجرد اکتفا میکنیم .

سید حسین بروجردی

سید حسین بن سید رضا حسینی صاحب نخبه المقال که خود یکی از ستارگان

فروزان علم و ادب در بروجرد بوده و شرح حال او مستقلاً ذکر می شود .
او در نخبة المقال در حرف جیم از استادش مرحوم سیدجعفر چنانچه درپیش
ذکر شد نام برده :

سید ناالاصفی الجلیل جعفر ابن ابی اسحاق المفسر

حاج میرزا صالح لرستانی

حاج میرزا صالح فرزند ملا ابراهیم از طائفة شهر یاروند .
آقای ساکی در تاریخ لرستان ص ۶۰ می نویسد: حاج میرزا صالح لرستانی
فرزند ملا ابراهیم از طائفة شهر یاروند است .
آقای ساکی در تاریخ لرستان ص ۶۰ می نویسد : حاج میرزا صالح لرستانی
در بروجرد نزد مرحوم سید جعفر کشفی به تحصیل علوم دینی پرداخت و سپس
به نجف اشرف رفت و تحصیلات خود را تا درجه اجتهاد از مرحوم میرزای شیرازی
ادامه داد تا در سال ۱۳۲۱ قمری در خرم آباد وفات کرد .
مرحوم حاج میرزا صالح اضافه بر معارف علوم فقه و اصول در فن شعر نیز مهارت
داشته و این غزل از اوست :

نهان در چین زلفت چین یا تار است یاهر دو
ندانم عقرب جراره یا مسار است یاهر دو
برو دیوانه شواز می که سر عقل دریایی
دهی اندر بهایش خرقه یا دستار یاهر دو
نباشد خرقه تقوی که پیچیده بسر صالح
نهان دارد بزیر خرقه دف یا تار یا هر دو

اورنگ زیب میرزا

اورنگ زیب میرزا فرزند حسام السلطنة محمد تقی میرزا حاکم بروجرد . مادرش زنی از ترکمانان بود . او در زمان حکومت پدرش در بروجرد از محضر دانشمندان و مجتهدین این شهر استفاده میکرد مخصوصاً از محضر پرفیض مرحوم سید جعفر کشفی و حاج ملاسیدالله و حاج ملاعلی و حاج سیدشفیع جابلقی و ملاحسین بروجردی بیشتر استفادہ می نمود .

مرحوم آقا بزرگ تهرانی در الکرام البرره می نویسد : اورنگ زیب میرزا عالمی است فقیه از بزرگان طائفه قاجاریه از تألیفات او است : مشارق الانوار فی احکام الله الواحد القهار المستنبطة من اخبار الائمة الاطهار . این کتاب شرح مختصر نافع است و بنام مجمع الجوامع نیز خوانده شده .

در این کتاب از اساتید و مشایخ خود نام می برد و برای هر یک رمزی بخصوص و تعبیری مخصوص قرار داده از مرحوم سید جعفر کشفی به الاستاد الکاشفی و از حاج ملاسیدالله حجة الاسلام به استاذنا الفاضل و از حاج سید شفیع جابلقی به سیدنا الاستاذ و از ملاحسین بروجردی به استاذنا المعاصر و از حاج ملاعلی به شیخنا البروجردی تعبیر کرده .

اورنگ زیب میرزا ظاهراً در حدود سال ۱۲۸۷ هجری قمری جهان را وداع کرد .

شیخ عبدالحسین

شیخ عبدالحسین فرزند زین العابدین از فضلا و شاگردان مرحوم سید جعفر کشفی است چند کتاب از تألیفات استادش را استنساخ کرده مانند بلد الامین و شریفیه و نخبه العقول و شمس و مکوس و شرق و برق و رد بر ابن حجر و غالباً بر حاشیه

این کتابها حواشی و شروحی نوشته که دلالت بر نباهت و معرفت و کمال اومی نماید
 و از استنساخ این کتب در تاریخ ۱۲۵۸ قمری فارغ شده .
 مرحوم آقا بزرگ تهرانی در الکرام البررة می نویسد : یحتمل ان یکون
 من تلامذة الکشفی :

ملا عبدالله بروجردی

ملا عبدالله بن نوروز علی بروجردی صاحب کتاب سرور الشیعه که در سال ۱۲۴۷
 قمری میزان الملوک استادش را استنساخ کرده .

سید یحیی دارابی

سید یحیی دارابی بزرگترین فرزند سید جعفر کشفی قدس سره می باشد . او اگر چه از نظر انتساب جسمانی از خاندان جلیل کشفی بود ولیکن از جنبه روحانیت نمونه ای از کنعان پسر نوح بود که بابدان بنشست و خاندان نبوت را گم کرد. او فرزندی طالح و عملی غیر صالح بود چنانچه بنوح خطاب شد : انه لیس من اهلک انه عمل غیر صالح . عجب در این است که مرحوم سید جعفر کشفی با بصیرت کاملش آینده این پسر را پیش بینی فرموده .

صاحب طرائق در جلد سوم آن کتاب ص ۴۵۶ می نویسد : مرحوم عم والد راقم می فرمود هر وقت سید یحیی نزد پدر می آمد پدرش می فرمود : از چشم تو مشاهده است که فسادی در سرداری .

سید یحیی در حدود ۱۲۲۶ هجری قمری متولد و در سال ۱۲۶۶ در چهل سالگی در انقلاب نیزیز کشته شد .

زعیم الدوله در مفتاح باب الابواب ص ۱۹۳ می نویسد : پس از کشتن باب انقلاب خونینی در ایران جز انقلاب سید یحیی دارابی واقع نشد .

سید یحیی با پدرش همیشه اختلاف نظر تناقضی داشت تا عاقبت مجبور شد که از پدرش مفارقت و مدتی در تهران اقامت نماید. در این موقع خبر خروج باب بگوشش رسید پس بسوی او حرکت نمود باب را ملاقات و دعوتش را اجابت و مأموریت یافت که به تهران مراجعت و مردم را با امر باب دعوت کند.

مشارالیه به تهران برگشت و مشغول بدعوت گردید ولی سعی او بی فائده بود باین میگویند: دارایی با مرشاه نزد باب رفت تا او را آزمایش نماید ولی وقتی باب را ملاقات کرد مفتون وی شده از مأموریتش دست کشید و نامه ای بصدر اعظم نوشت که در آن نامه باب را در دعوی خویش تأیید کرد. دارایی بعد از تهران به یزد رفت و در آنجا به محمد عبدالله یاغی معروف پیوست و در طغیان و سرکشی وی علیه حکومت شرکت کرد و چون یاغی مذکور شکست خورد دارایی به بروجرد رفت و در آنجا مشغول بدعوت شد ولی در آنجا کسی بحرفش گوش نداد پس از آنجا به شیراز و از شیراز بشهر کوچک فسا که از شهرهای فارس می باشد رفت.

در آنجا دو هزار نفر از او متابعت کردند و او هم آنها را مسلح و فنون جنگ رابه آنها تعلیم کرد.

این قضیه بگوش فیروز میرزا ملقب به نصره الدوله رسید او میرزا فضل الله ملقب به نصیر الملك را برای قلع و قمع آنها فرستاد. و نیز سه تن از امراء بنام ولی خان سیلاخوری و مهر علیخان و مصطفی خان بمددوی فرستاد آنها جدیت نمودند تا آتش فتنه را خاموش سازند و بعد از جنگ های متعدد در فسا و ریز آتش این انقلاب بکشته شدن سید یحیی و سیصد و پنجاه و چارتن از پیروانش در میدان جنگ خاموش گردید.

سی نفر از بزرگان بابیه ها و دو تن پسران سید یحیی اسیر و بعد آن سی نفر را در شیراز کشتند و دو نفر پسران سید یحیی را با احترام سیادت و انتسابشان بخاندان نبوت معاف کردند.

این قضیه در سال ۱۲۶۷ هجری قمری واقع شد .

رضاقلیخان هدایت امیر الشعراء در ملحقات روضة الصفا جلد دهم ص ۴۵۶ می نویسد : جناب فاضل کامل حاج سیدجعفر فارسی اصطهباناتی مشهور به دارابی عالمی بود فاضل و فاضلی کامل و مدتهادر دابجرد بزیست پس بیرو جرد متوطن شد و به نشر علوم عقلی و نقلی پرداخت و مؤلفات نفیسه ای از او بماند .

سید یحیی فرزندش نه بر طبق طبیعت او رفتاری نمودی و نه بر طبق طریقه او گفتار داشت . باعلی محمد باب حسن ظنی داشت به یزد رفت در آنجا قصد خروج داشت از آنجا به نیریز رفت و خلق را بر گرد خود جمع نمود و عوام را بفریفت و این قضیه در هنگامی بود که مردم نیریز حاکم خود حاج زین العابدین خان را بیرون کرده بودند و مقدم سید یحیی برای آنها مغنم بود . لذا بر خط ارادتش سر نهادند .

سید یحیی در این موقع فرمان قتل برادر حاکم، علی اصغر خان را با خواندانش صادر کرد مریدان هم فرمان را بموقع اجراء گذاشتند .

این اخبار موحشه در چهار منزلی شیراز بفیروز میرزا رسید مصطفی قلیخان که سر تیمپ دو فوج قدیم و جدید همدانی بود مأمور سر کوبی اشرار شدند ، حرکت نموده با سپاه خویش تا به نیریز رسیدند . خسته و کوفته شده در کنار شهر شب را آرمیدند .

مریدان سید یحیی بفرمان او بر آنها شبیه خون زدند و در آن تاریکی خونها ریخته شد و سر و دستها قطع تا نزدیک صبح جنگیدند و بالاخره بابیان شکست خورده و عقب نشینی کردند بالاخره سید یحیی با جمع گرفتار و بقتل رسیدند .

حاکم نیریز حاج زین العابدین خان باردیگر در مرکز حکومت خود استقلال حاصل کرد ولیکن پس از چندی او را در گرما به کارد زدند .

حاج میرزا حسن نیکو بیرو جردی در فلسفه نیکو جلد سوم ص ۱۱۹ می نویسد : چون آوازه سید باب منتشر شد سید یحیی دارابی که اهل منبر بود طالب فحص و تحقیق

شد بتوسط لطفعلی خان پیش خدمت پیشنهادی بسریر سلطنت و مقام وزارت حاج میرزا آقاسی داد که هر گاه رأی روشن وزارنی تعلق گیرد و امر مطاع سلطنتی صادر شود بنفسه به شیراز رفته و حقیقت راز را آشکار نماید و آتش این فتنه را در صدور خاموش نماید و این آئین نو آموخته را از قلوب فراموش بدارد .

محمد شاه که در این گونه امور مساهله و مسامحه می نموده است وی را با اعطای يك رأس اسب و یکصد تومان وجه نقد بشیراز می فرستد .

اینجا بهائیان با این عبارت میگویند : وقتی حضرت اعلی - باب - دعوت کرد غلغله در تمام ممالک اسلامی افتاد و جمیع علماء اسلام بامیر بادشاه اجتماع نموده و يك نفر از میانه خود که اعلم و اقله و ناطق تر بود برای مجادله علی محمد باب انتخاب نمودند و او همین سید عالی جناب بود .

سید یحیی هنگامی که به شیراز رسید باب مرادده علنی باعلی محمد باب مسدود بود ولیکن بابی مخصوص و مستور از خانه حاج سیدعلی خان بر روی اهل حال و اصحاب راز باز بود سید علی محمد از همان باب بدانجا آمده و از وقایع مطلع می شد و دستورات لازمه را کتباً یا شفاهاً می داد .

سید یحیی نخست بر حاج سید جواد کربلائی وارد و جزوه ای ترتیب داد حاوی بعضی از مسائل، جزوه را شبانه به علی محمد باب دادند تا مطالعه کند و جواب دهد .

علی محمد باب شرح سوره کوثر را بهمان تأویلات و تعبیرات نموده و در جواب سید یحیی میدهد .

حالا آن جواب واقعاً پاسخ سؤالات سید یحیی بوده بانه و آن تفسیر سوره کوثر و آن تأویلات درست بوده بانه خارج از موضوع تاریخ است همین قدر سید یحیی را قانع و مرید و فدائی میکند بطوریکه از شیراز یکسر به بروجرد میرود و به تبلیغ مشغول می شود و آنجا کسی گوش بحرفهای او نمی دهد ناچار ببلاد و شهرهای دیگر مخصوصاً جنوب ایران مسافرت میکند .

گاه از یزد بحدود شیراز و گاهی از فارس بحوالی یزد تاخت و تاز میکند تا در یزد بانفاق محمد عبدالله که یکی از خودسران بود با آقا خان نائب الحکومه سه روز میجنگد و از آن فتنه و فساد کاری بر سر مراد نرفت فوراً به شیراز و بطرف فسامی رود اتفاقاً حکومت شیراز هم معزول بوده و سرپرست معینی مردم در آن حدود نداشتند دارابی از فرصت استفاده کرد سیصد نفر از همین مردم جمع کرد و از فسا بجانب نیریز شتافت و از قضا آنجا هم مردم بر زین العابدین خان حاکم شوریده بودند و رسیدن سیدیحیی را بفال نیک گرفتند و برای کوبیدن حکومت قریب دوهزار نفر گرد او جمع شدند و نیز در یک طرف نیریز که قلعه خرابه بود فرود آمد و برج و باروی آن قلعه را بساختند و در آنجا ساکن شدند .

نصیر الملک بدو نوشت : چه شمارا واداشته چنین آتشی برافروزی که در انجام خانمان خویشتن را بسوزی پیش از آنکه این آتش بزرگ شود و جهان را فرو گیرد به آب خرد و حکمت خاموش کن و این خیالات و اوهام را فراموش ، چون کتاب نصیر الملک بوی رسید برای اغفال او پاسخ داد جماعتی که پیرامن و اطراف من انجمن شده اند و بنا فرمائی دولت سر بر آورده اند من از بطش انسان می هراسم و نمی توانم علنی از آنان کناره جویم چه بیم آن است که مرا هلاک کنند بنا بر این گروهی را بفرست مرا از این بلا برهانند و ببلاد شیراز برسانند .

بالجمله در همان شب چون ظلمت جهان را فرا گرفت بر زین العابدین خسان شبیخون آورد و اصحاب او صیحه کتان و هلله گویان با شمشیرهای کشیده به نیریز در آمدند و تیغ در مرد و زن نهادند و علی عسکر خان برادر مهتر زین العابدین خان بزحمت بسیار از میان آن گیر و دار قرار کرده و صورت حال را به نصیر الملک نوشت .

مردان پس از این فتح دل بارادت سید نهادند و اموال و ائقال حکومت و کسانش را بیغما بردند و زیاده از دوهزار مرد جنگی آماده ساخت و در این وقت که فیروز میرزای نصرت الدوله که از طهران طریق فارس می سپرد چهار منزل از این سوی

شیراز این خبر و آواز بشنید بلاد رنگ خطی بشیراز نوشت و دستور داد که بصواب دید نصیر الملك شجاع الملك باتفاق مصطفی قلیخان سرتیپ و دو فوج جدید و قدیم قراگوزلو بیرون شوند و سید یحیی را دفع دهند .

پس از رسیدن شاهزاده بشیراز نصیر الملك شجاع الملك را با یکصد سوار بیرون فرستاد و به زین العابدین خان فرمان داد چندانکه تواند از مردم آن حدود و محال چریک و لشگری مهیا سازد و به شجاع الملك به پیوند و مصطفی قلیخان را از پس او با سرباز و توپ و قورخانه لایق بیرون فرستاد و این هر سه لشکر در عرض راه با هم پیوسته شدند و طریق نیریز برگرفتند .

از قضا یکروز که سید یحیی خیمه ای از زین العابدین خان حکومت بغارت برده بود و در کنار حصار خویش استوار نموده و اصحاب او با تیغ های کشیده اطرافش بودند و چشم و گوش بر خطابه او می دادند و او پیروان خود را به بردباری و استقامت نصیحت می نمود و بغلبه بر خصم تحریض و ترغیب میکرد و ضمناً میگفت هرگز از توپ و تفنگ نهراسید و از مبارزه در بیم نشوید زیرا توپ و تیر و تیغ همه در فرمان من است بغیر اجازه من تأثیری در آنها نیست .

در این گونه سخنان بود که از دور لشکر پدیدار و مشغول تیر اندازی شدند گلوله توپی بسوی خیمه یحیی رها کردند بر ستون خیمه آمد و از آن گذشت سواریرا در کنار خیمه هدف قرار داد خیمه بر سر یحیی فرود آمد مریدان دانستند که بدون فرمان او گلوله کار میکند بقلعه فرار کردند و اطراف برج و بارو را محکم ساختند و سپاه نیز بکار سنگر پرداختند و مدت پنج روز هر دو لشکر نگران یکدیگر بودند. مصطفی قلیخان هر چه خواست بدون جنگ آتش فتنه را خاموش کند نتوانست سید یحیی مطمئن بود غلبه خواهد کرد شب ششم کاغذ پاره هائی بعنوان تعویذ و طلسم برگردن پیروان آویخت که آنان از تیر و نیزه و شمشیر در امان باشند سیصد تن از آنها را آماده شبیخون نمود همگی با شمشیرهای بران و گرزها از قلعه بیرون تاختند

وصیحه زنان روی به لشگر نهادند و از نیمه شب تا بصبح رزم دادند و مصطفی قلیخان را بصدمت چوب آزار فراوان دادند و با تلفات زیاد بقلعه خویش مراجعت نمودند و کشتگان خود را بقلعه بردند و شبانه در پس دیوار قلعه مدفون ساختند .

پيروان که تا آن موقع مسحور اعمال سید یحیی شده بودند متوجه شدند که سخنان او دروغ است و کلمات او بی فروغ باحرزها و کاغذهای تعویذی نمی توان جلوی شمشیر و توپ و گلوله رفت . عاقبت جمعی از آنها مجروح و کشته شدند کم کم از اطرافش پراکنده شدند و بخانه های خود رفتند .

پس از سه روز دیگر بار سید یحیی آمادۀ شبیخون شد ولیکن کاری نکرد توپ ها بجانب آنها گشوده شد بقلعه گریختند در آخر سید یحیی تسلیم شد و پیروانش پراکنده شدند او را بخانه مصطفی قلیخان بردند و مقرر شد سید یحیی بعد از این آرام در خانه خود باشد و دست از این فتنه ها بردارد بایکتن ملازم روانه منزل شد .

در میان راه پسران علی عسکر خان و جماعتی از مجوسین بر سر او تاختند و او را کشتند و دو پسرش را با سی تن از اصحاب باکنده و زنجیر بشیراز روان ساختند نصره الدوله پسرانش را بعنوان احترام سیادت آزاد نمود .

سید محمد بروجرودی

از علماء و بزرگان قرن سیزدهم هجری است .

نسب شریفش بنا بر گفته شیخ محمد رازی در گنجینه دانشمندان جلد دوم ص ۱۲ بحضرت زین العابدین علیه السلام میرسد و یکی از اجداد ایشان جناب ابوالقاسم جعفر بن الحسین بن علی بن حسن مکفوف بن حسن افطس ابن علی اصغر بن الامام علی بن حسین است که در بروجرود بامامزاده جعفر معروف و مزاری مشهور دارد .

از مرحوم سید محمد کراماتی نقل شده از جمله : حاکم بروجرود باوی بنای مخاصمت گذارده فرمان میدهد او را بگیرند مأمورین جرئت گرفتن او را پیدا نمیکنند . همان شب حاکم بمرضی سخت گرفتار وفات میکند .

مرحوم سید محمد از بروجرود به تبریز مهاجرت میکند و در سال ۱۲۷۰ هجری قمری در تبریز در گذشت و از احفاد او اکنون علامه زمان و فقیه دوران جامع معقول و منقول و حاوی فروع و اصول آیه الله العظمی سید کاظم شریعتمداری است (۱) .

فرزند سید حسن فرزند سید محمد خاندان محترم سجادیه در بروجرود از منسوبین اومی باشند .

(۱) آیه الله شریعتمداری از مراجع بزرگ شیعه در عصر حاضر است وی در سال ۱۳۲۲ هجری قمری در تبریز متولد شد و پس از طی مقدمات لازمه مدتی از معارف آیه الله حاج میرزا /

سید صبغة الله کشفی بروجردی

سید صبغة الله فرزند سید جعفر کشفی بروجردی . اودر نجف اشرف متولد شده و تحصیلات مقدماتی و نهائی را در همان مکان مقدس از اساتید و اکابر آن عصر

✓ صادق و آیت الله حاج میرزا ابوالحسن انگجی استفاده کرده و در همان زمان بتدریس سطوح عالی رساتل و مکاسب مشغول بود .

در سال ۱۳۴۳ قمری بقم مهاجرت و از ذخائر علمی مرحوم آية الله حائری استفاضه نمود و علوم حکمت را از میرزا علی اکبر یزدی آموخت و مدتی نیز در نجف اشرف از آیات عظام نائینی و عراقی و سید ابوالحسن اصفهانی بهره ور شد و سپس بادعوت علماء تبریز از عراق به ایران مراجعت و به تبریز رفت و در آنجا با فاضله مشغول شد تا سال ۱۳۶۹ قمری بدرخواست گروهی از فضلاء تبریزی مقیم قم بآنجامهاجرت و از روز ورودش بقم مورد توجه آية الله بروجردی قدس سره بود و در امور مهمه با او مشورت میکرد و پس از مرگ آية الله بروجردی با همکاری مراجع دیگر حوزه علمیه قم را از خطر سقوط حفظ و



تمثال مبارك حضرت آية الله العظمی آقاي شریعتمداری

اکنون حوزه درسش از پر جمعیت ترین حوزه های دینی است .

فرا گرفت و از ذخائر علمی اساطین فضیلت بهره‌مند شد مخصوصاً از بحر موج مرحوم صاحب جواهر و دریای بی کران مرحوم شیخ مرتضی انصاری بیشتر استفاده کرد تا بعدیکه از شاگردان مخصوص آنها بشمار رفت .

او پس از سال ۱۲۷۰ هجری قمری درگذشت . از آثار علمی او تفسیری است بنام بصائر الایمان یا درة الصفا فی تفسیر ائمة الهدی درسه جلد .

جلد اول از ابتداء قرآن تا سورة كهف . جلد دوم از سورة كهف تا سورة يس . جلد سوم تا آخر قرآن . و همچنین کتاب دیگری دارد بنام «مشکوة العباد فی سفينة النجاة لیوم المعاد» این کتاب در سال ۱۲۶۷ هجری قمری در هند بچاپ سنگی طبع شده . و همچنین از آثار علمی او شرحی است بر دره بحر العلوم نجفی بروجردی بنام مفاتیح الکلام و بامفتاح المفاتیح که در شمار شروح درة فقهیه سابقاً ذکر شد . مرحوم آقا بزرگ در کتاب الکرام البررة می نویسد : نسخه ای از این کتاب در کتابخانه شیخ جعفر محبوبه صاحب ماضی النجف و حاضرها دیدم که مؤلف در لکنه سال ۱۲۷۰ هجری قمری در ظهر آن کتاب خطی نوشته و به سید محمد بن سید دلدار آنرا هدیه کرده و مجلد صلوة همین کتاب را در کتابخانه شیخ هادی کاشف الغطا دیدم و در آخر این مجلد از مرحوم صاحب جواهر و مرحوم شیخ مرتضی انصاری اجازه ای برای مؤلف موجود است که او را به الشیخ العالم الفقیه وصف کرده اند .

علماء رجال و صاحبان تراجم احوال غالباً سید صبغة الله را به فقه و فضیلت ستوده اند .

آقای شیخ مرتضی انصاری در زندگانی مرحوم شیخ مرتضی انصاری ص ۲۷۳ در شمار شاگردان شیخ می نویسد : سید صبغة الله فرزند سید جعفر معروف به کشفی ابن ابی اسحاق موسوی دارابی بروجردی از علماء شیعه و فقهاء امامیه متولد در نجف اشرف و از شاگردان صاحب جواهر و شیخ بوده و در کربلای معلی دارفانی

راوداع گفته و پدر بزرگوارش یکی از متبحرین و علماء موشکاف و از مروجین این مذهب که شهرتی بسزا دارد و آثار قلمی او معروف است .

مرحوم آقا بزرگ در الذریعه جلد سوم ص ۱۲۳ می نویسد :

* کان هومن تلامیذ صاحب الجواهر والعلامة الانصاری و تفسیره مزجی کبیر

یقرب من تفسیر الصافی * .

حجة الاسلام حاج ملا اسدالله بروجردي

حجة الاسلام حاج ملا اسدالله بن حاج عبدالله از بزرگترین علماء قرن سیزدهم هجری است . در مصروی بروجردي از نظر علم و روحانیت رونقی بسزا گرفت و از هر گوشه و کنار طالبین علم و خواستاران فضیلت باین دیار رهسپار می شدند . عموم دانشمندان رجال و ارباب ترا جم احوال از معاصرین و متاخرین بعظمت علمی و موقعیت اجتماعی مرحوم حاج ملا اسدالله اعتراف کرده و همگی او را بفقاہت و فضیلت یاد نموده اند .

مرحوم حاج سید شفیع بروجردي که از معاصرین مرحوم حجة الاسلام است در کتاب روضة البهیة ص ۲۶۲ در ذکر معاصرین می نویسد : فاضل عالم کامل محقق مدقق حاج ملا اسدالله بن عبدالله بروجردي از شاگردان مرحوم سید محمد معروف به مجاهد صاحب مناهل فرزند سید علی طباطبائی صاحب ریاض و داماد مرحوم سید بحر العلوم بوده است و هم چنین مدتی از ذخائر علمی و مواند فقهی مرحوم سید میرزا ابوالقاسم بن سید حسین نهاوندی که از اکابر فقها و محدثین بوده (۱) بهره مند شده و مدتی نیز از دریای بیکران مرحوم میرزای قمی فائده برد .

(۱) سید میرزا ابوالقاسم از فقها و متکلمین و محدثین اوائل قرن سیزدهم بوده که در سال

سید حسین بروجردی که از شاگردان حجة الاسلام بوده در نخبه المقال گوید :

ثم ابن عبد الله شيخنا الاجل محقق حبر جلیل مبتجل

سید محمد باقر خوانساری در روضات الجنات که در سال ۱۲۷۱ هجری قمری از تألیف آن فارغ شده می نویسد :

الحاج مولی اسدالله بن الحاج عبد الله البروجردی كان من اعظم فضلاء هذه الاواخر ماهرأ في الفقه والاصول مصنفأ فيها قرء على الميرزا ابی القاسم القمي صاحب القوانين وتزوج بابنته في حيوته ورزق منهما اولادأ فضلاء وكان يدعى الافضلية على جميع علماء عصره واوتى سعة في امر الدنيا وعسرة شامخة عند الخواص والعوام وطولا في العمر الا انه كان ذا جر بزة عجيبة لا يستقر رأيه الشريف على فتوى غالبأ وكان رحمه الله اول السلسلة في بيت العلم ومات في اواخر سنة سبعين ومأتين بعد الالف وقسم بمراسم تعزيتة غالب بلاد الشيعية وكان مسقط رأسه ومصرع نفسه في بلدة دار السرور بروجر د .

اعتماد السلطنة درمآثر و آثار ص ۱۴۰ می نویسد : مرحوم شیخ انصاری مدتی در بروجر د در مجلس درس مرحوم حجة الاسلام حاج ملاسدا الله حاضر می شده و بعد اقوال و آرائش را در مجالس علمی خود نقل میکرد .

مدرس تبریزی در ریحانة الادب جلد اول ص ۳۱۱ می نویسد : حجة الاسلام حاج ملاسدا الله از اکابر علماء امامیه و در اواخر عمر ادعای اعلمیت نمود باب علم را مفتوح میدانسته و در فقاہت مشربی مکاشفانه داشت و در هنگام استدلال و احتجاج دریائی بوده مواج و آوازه وصیت فقاہت او مشهور دیار بوده و در عهد وی بروجر د مرکز تحصیل علوم شرعیہ و مجمع افاضل ایران گردیده و شیخ مرتضی انصاری یک چندی در ایام تکمیل در حوزة وی حاضر و در اوقات ریاست خود اقوال او را نقل میکرد. و عبادت و تقوی و ریاضات شاقه اش مشهور و توقیعی رفیع از ناحیه مقدسه بنام وی صادر و گروهی بصدور خوارق عادات درباره وی معتقدند و علاوه از ثروت علمی

دارای ثروت مادی و اموال و مستغلات بسیاری نیز بوده .

ومنه من فاز بکلتیهما قد جمع الدنيا مع الاخرة

سید محسن عاملی در اعیان الشیعه جلد یازدهم ص ۱۴۹ گفتار صاحب روضات رادر باره حاج ملاسیدالله نقل کرده و اضافه میکند :

* کان مشهوراً بالعلم والفقاها وتلمذ علیه الشیخ مرتضی الانصاری فی اول امره وفی ایام ریاسته ینقل اقواله وفتاواه ویقول علی اجماعاته المنقولة * .

وسپس می نویسد : * وقد اخطأ صاحب الروضات فی ترجمته عدة اخطاء * .

یعنی صاحب روضات در ترجمه حاج ملاسیدالله چند اشتباه مرتکب شده .

ممکن است از اشتباهات صاحب روضات یکی این باشد که گفته در حیوة و زندگی مرحوم میرزای قمی مرحوم حاج ملاسیدالله بادرش ازدواج کرده و مسلم این مطلب اشتباه است بلکه ازدواج وی بادرش میرزای قمی پس از مرگ میرزا بوده بدلیل ماده تاریخی که در این ازدواج نقل شده چنانکه اعتماد السلطنة درمآثر و آثار می نویسد : حاج ملاسیدالله بعد از فوت میرزا بشرف این مصاهره نائل شده فتحعلیخان صبا ملک الشعراء در تاریخ این عرس می فرماید :

عقل گفتا اسداللهی باز همدم دخت ابی القاسم شد

و خاقان مغفور هزار تومان صلۀ این شعر راداد .

ولیکن مخفی نماند که جمله اسداللهی باز تا آخر از نظر عدد جمل مطابق است با ۱۶۹۳

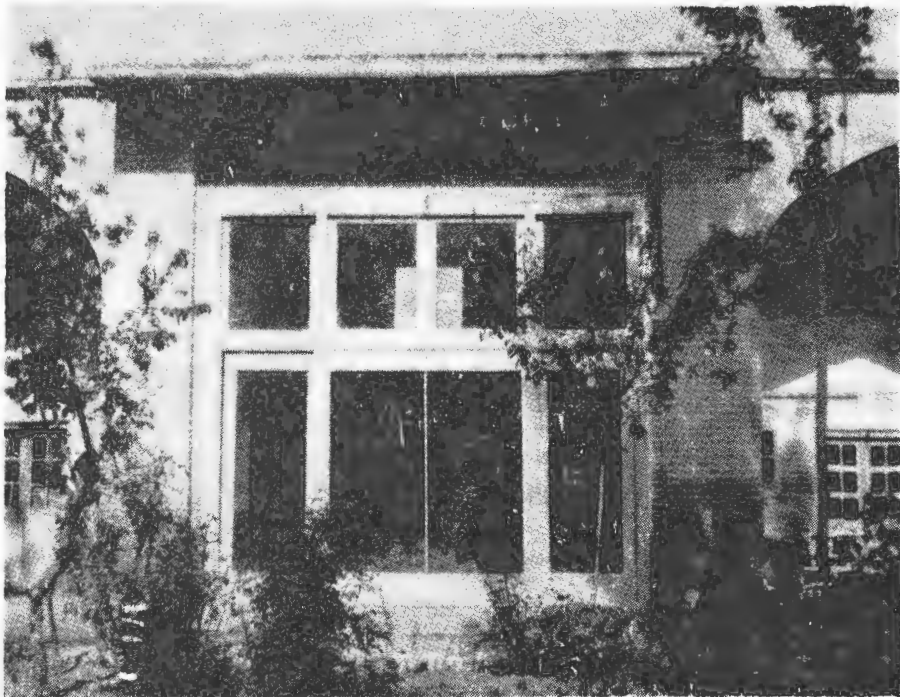
و قطعاً این تاریخ اشتباه است مگر گفته شود کلمه دخت اشتباه است و کلمه بنت صحیح است در این صورت عدد جمله ۱۲۴۱ می باشد که تاریخ ازدواج است و در این تاریخ میرزای قمی زنده نبوده زیرا میرزای قمی در سال ۱۲۳۱ یا ۱۲۳۳ وفات کرد .

ولیکن در این ماده تاریخ مواجه با اشکال دیگری می شویم و آن این است که گوینده این ماده تاریخ بنقل اعتماد السلطنة فتحعلی خان صبا می باشد با اینکه در این تاریخ فتحلی خان زنده نبود و در عروسی شعری بگوید چون فتحعلی خان در سال ۱۲۲۸ یا

۱۲۳۸ در گذشته مگر بگوئیم کلمه ابو القاسم با او باید حساب شود نه ابی القاسم یا یا که در این صورت چهار عدد کم می شود و تاریخ ازدواج سال ۱۲۳۷ می شود و بگوئیم فتحعلی خان صباهم در تاریخ ۱۲۳۸ وفات کرد نه در سال ۱۲۲۸ .

و ممکن است گفته شود شعر از فرزند فتحعلی خان صبا یعنی محمود خان ملك الشعراء است که مدتی دربر و جرد پیشکار اللهقلی میرزای ایلخانی بوده و راجع به قصر خلد برین دربر و جرد در تاریخ ۱۲۳۱ قصیده ای گفته است . والله العالم .

مرحوم حجة الاسلام در محرم سال ۱۲۷۱ هجری قمری دربر و جرد وفات کرد و در همانجا در مدسه ای که بفرمان او ساخته بودند دفن شد و آرامگاه او اکنون مزار و مورد احترام مردم است .



نمای بیرونی مقبره حاج ملاسدا الله

و تا چند روز پس از مرگش غالب بلاد و شهرهای شیعه در عزاء و مراسم سوگواری شریک و متأثر بودند .

صاحب روضات، تاریخ وفات او را ۱۲۷۰ ذکر نموده ولیکن این اشتباه است زیرا در منتظم ناصری جلد سوم ص ۲۳۶ می نویسد : مرحوم حاج ملا اسدالله در سال ۱۲۷۱ به بیماری مطبقة بدرود زندگانی را گفت . و این گفتار اقرب بصحیح است چون ماده تاریخهایی که برای وفات وی گفته شده مؤید همین قول است . یکی از شعراء بروجرد بنام صادق مداح در تاریخ وفاتش گفته :

گریست صادق مداح و گفت تاریخش عمود دین بشکست و نمند کعبه دین

۱۲۷۱

و در لوحی نیز که بر قبر آن مرحوم است بهمین تاریخ تصریح شده :

* هذا المرقند المطهر قد اضطلع فيه شيخنا المعظم واستادنا الاكرم رئيس الملة والدين حجة الاسلام والمسلمين آية الله في الارضين وارث علم الانبياء والمرسلين كاشف اسرار الاولين والآخرين العبد الاواه المتضرع الى مولاه الحاج مولی اسدالله عطر الله تربته واعلى الله رتبته في عشر الثالث من المحرم احدى وسبعين ومأتين بعد الالف *

بر چهار گوشه لوح قبر دو بیت نوشته شده که بیت اولش از سید ابراهیم عطار متوفی ۱۲۱۵ می باشد که در مرثیه سید مرتضی والد بحر العلوم گفته و بیت دوم که متضمن تاریخ وفات است معلوم نیست از کی است :

ارأيت هذا اليوم ما صنع الردى بدعائم التقوى واعلام الهدى

يا طالب التاريخ بعد وفاته الحجة ارخ في جنان خلدا

یعنی جمله الحجة فی جنان خلدا تاریخ وفات است که مطابق است با ۱۲۷۱.



سنگ روی قبر حاج ملااسدالله

مؤلفات حجة الاسلام

مرحوم حجة الاسلام حاج ملااسدالله بر اثر مرجعیت و ریاستی که داشته ، و از طرف دیگر اشتغالات بحثی و تدریس طلاب و دانشجویان موفق نشده از خود آثار علمی بیادگار بگذارد بجز تعلیقه بر قواعد علامه و شاید هلت دیگر این باشد که اودارای جولان فکر و جربرزه شدیدی بود که غالباً چنانچه از روضات نقل شد فکر ورایش بر امری مستقر نمیگشت و این معنی مانع تألیف و تصنیف است .

آقای خان بابا مشاور در مؤلفین کتب چاپی جلد اول ص ۵۴۹ می نویسد :
«شیخ اسدالله بن عبدالله صدوق بروجردی متوفی ۱۲۷۰ یا ۱۲۷۱ قمری عالم فاضل
کامل در فقه و اصول تلمیذ صاحب قوانین و داماد وی در بروجرد مقیم بوده و در آنجا
بدرود زندگی گفت .

تألیف چاپی او که در بمبئی و تهران چند مرتبه چاپ شده مفتاح الجنان است .
مخفی نباشد که استناد کتاب مفتاح الجنان به مرحوم حاج ملا اسدالله کاملاً
اشتباه است زیرا مقام معظم له شامخ تر از آن است که کتاب مملو از مجامیل و ادعیه ای
مانند دعای حبی تألیف کند .

منشأ اشتباه آقای خان بابا مشاور ظاهر این است که کتاب مفتاح الجنان معروف
را بعضی استناد داده اند به شیخ اسدالله بروجردی معروف به صدوق و این شخص
از نظر زمان از مرحوم حاج ملا اسدالله متأخر است و از نظر شخصیت علمی هم قابل
مقایسه با آن مرحوم نیست .

مؤید این سخن این است که در فهرس کتابخانه قدس رضوی در ۲ جلد مکرر
می نویسد : شیخ اسدالله بروجردی معروف بصدوق از مشاهیر اهل منبر و مراثی
بوده چندی است وفات یافته کتابی دارد بنام مفتاح الجنان که مکرر بطبع رسیده
این کتاب مجموعه ایست متضمن ادعیه و اعمال و زیارات و احراز و ختومات و حاوی
ادعیه غیر مأثوره مانند دعای حبی و الحاقات نیز بپاره ای از زیارات مأثوره مانند
زیارت وارث چون حاوی غث و سمین بود محدث قمی آنرا تهذیب نمود بنام
مفاتیح الجنان .

پس نویسنده محترم کتاب مؤلفین چاپی را تشابه اسمی با اشتباه انداخته که مفتاح
الجنان را بمرحوم حاج ملا اسدالله حجة الاسلام نسبت داده .

و با اضافه اگر تأمل بیشتری نمائیم متوجه می شویم که استناد مفتاح الجنان معروف به
شیخ اسدالله بروجردی نیز خلاف تحقیق است زیرا این کتاب مفتاح الجنان معروف
تألیف ملا رحمة الله کرمانی صاحب حاشیه رسائل شیخ مرتضی انصاری است .

مؤید این سخن گفتار علامه خبیر و نسابة شهیر آية الله نجفی مرعشی است که
 ظهر رسائل شیخ، مطبوع سال ۱۳۷۴ قمری می نویسد :

* العلامة الملا رحمة الله الكرمانی هو العلامة الاصولی الفقیه الادیب الایة الظاهرة
 الملا رحمة الله الكرمانی كان من مهرة الاصول خريئاً فيه تلمذ لدى جماعة منهم العلامة
 المحقق الحاج ميرزا محمد حسن الاشتیانی صاحب التعليقة الشهيرة وكان رحمه الله
 شديد النكير على امر المشروطة الدستورية الحادثة في ايران حتى راموا قتله فهرب الى
 العراق وله آثار و تأليف منها الحاشية على كتاب الرسائل وقد طبعت على هواشه
 في احدى طبعاته ويناضل غالباً المحقق الخراسانی صاحب الكفاية كما هو غيرستیر
 على من سبرها و من آثاره كتاب مفتاح الجنان في الادعية و الزيارات فانه اول من
 جمعها ورتبها زمن اقامته ببلدة بمبئی و من بلاد الهند باستدعاء تجرة الكتب ولكن الاسف
 قد دس فيه في طبعاته الاخيرة ما لم يذكره المؤلف من الامور الضعاف .

فرزندان مرحوم حجة الاسلام

مرحوم حجة الاسلام حاج ملاسید الله علی المسموع یازده پسر داشت بشرح ذیل:

- ۱- داود ۲- سلیمان ۳- یوسف ۴- عسکری ۵- مهدی ۶- محمود ۷- ابو الحسن
- ۸- جمال الدین ۹- نور الدین ۱۰- فخر الدین ۱۱- ضیاء الدین .

و از این یازده تن فقط شرح حال هفت نفر بدست آمد که به ترتیب نگاشته می شود.

- ۱- حاج میرزا داود ارشد اولاد حجة الاسلام بوده .

اعتماد السلطنة درمناثر و آثار ص ۱۷۳ می نویسد : فرزند ارشد ملاسید الله بنام
 حاج میرزا داود بروجردی از مشاهیر مروجین احکام معدود بود و بمصاهرت مرحوم
 سید محمد مهدی بحر العلوم تشرف داشت .

مخفی نماند که اگر مراد اعتماد السلطنة از مصاهرت بحر العلوم مصاهرت
 بلا واسطه باشد صحیح نیست زیرا مرحوم سید بحر العلوم يك دختر بیش نداشت که

همسر سید محمد مجاهد فرزند صاحب ریاض بوده مگر آنکه مصاهره با واسطه باشد یعنی از دختران مرحوم سید محمد رضا فرزند سید بحر العلوم ازدواج کرده باشد چون مرحوم سید محمد رضا سه دختر داشت یکی از آنها همسر صاحب جواهر بوده دوم همسر سید علی نقی حنفی سید محمد مجاهد و سوم همسر حاج میرزا داود بوده. مرحوم آقا بزرگ تهرانی در الکرام البررة می نویسد : حاج میرزا داود عالمی است جلیل و فقیهی است فاضل او و برادرش ضیاء الدین از همسر اول حجة الاسلام به وجود آمدند . وی با دختر سید رضا فرزند سید مهدی بحر العلوم ازدواج کرد او از علماء و دانشمندان و مراجع عصر خود بوده است .

۲- میرزا ضیاء الدین برادر اعیانی حاج میرزا داود او نیز از شخصیت‌های برجسته و مورد احترام عصر خود بوده است .

۳- میرزا محمد مهدی : بگفتار اعتماد السلطنه در متأثر و آثار : وی از اعظم و بزرگان و افاضل زمان بوده .

از مرحوم حجة الاسلام والمسلمین حاج آقا بهاء الدین حجتی شنیدم می فرمود : مادر حاج میرزا مهدی و مرحوم حاج میرزا عسکری بانوئی فاضله و با ایمان و علویه بنام حاجیه بی بی دختر مرحوم سید جواد طباطبائی برادر سید بحر العلوم بوده این زن از لحاظ تقوی و فضیلت شخصی مورد احترام بانوان عصر خود بود .

۴- حاج میرزا عسکری شریف بروجردی

اعتماد السلطنه در متأثر و آثار می نویسد : حاج میرزا عسکری از فضایل اولاد حاج ملا اسد الله است .

مرحوم آقا بزرگ تهرانی در قسم سوم نقباء البشر می نویسد : حاج میرزا عسکری فرزند حجة الاسلام حاج ملا اسد الله از علماء و دانشمندان روشن فکر و بیدار دل و از بزرگان و اعظم عصر خود و از نظر علمی و تمکن مادی ثروتمند و پس از پدرش بوظائف شرعیه و خدمات دینی و مذهبی قیام کرد تا در سال ۱۳۴۳ هجری قمری

درگذشت .

و در کتاب الکرام البرره می نویسد : * الشيخ العسکری البروجردی این المولی اسدالله عالم فاضل کان من رجال الدین و مراجع الامور القائمین بالوظائف الشرعیة * .

مرحوم حاج میرزا عسکری اضافه بر علوم و معارف اسلامی قریحه شعری نیز داشته در سال ۱۳۳۳ هجری قمری مخمس در صلوات و درود بر معصومین علیهم السلام انشاء کرده و از بعض ابیاتش استفاده می شود که در نجف اشرف انشاء نموده مرحوم نافذ این مخمس را در دیوانش آورده و در باره آن می نویسد :

* هذه الابیات العالیة یلیق ان یکتب بالنور علی حدود الحور مما انشده العالم الجلیل کاشف اسرار علوم المتقدمین و المتأخرین حجة الاسلام و المسلمین الحاج میرزا عسکری البروجردی * .

۵- آقا جمال الدین محمد اواز اعظم عصر و از بزرگان علم و ادب و فقه و حدیث بشمار رفته و از طرف پدر بزرگوارش به اجازه اجتهاد مفتخر شد.

اعتماد السلطنه در المآثر و الآثار ص ۱۴۰ می نویسد : فرزندان مرحوم حجة الاسلام حاج ملا اسدالله بنام فخرالدین محمد جمال الدین محمد نور الدین محمد هر سه نفر از مفاخر علما و از طرف پدر بدریافت اجازه اجتهاد نائل آمدند و آن اجازه را بخط مرحوم حجة الاسلام نزد سبطش نجم الدین علی اکبر در تهران زیارت کردم.

مخفی نماید که کلمه سبط در عبارت فوق الذکر از سهو قلم است زیرا اگر چه این کلمه بر مطلق فرزند فرزند اطلاق می شود ولیکن غالباً در فرزند دختر استعمال شده مقابل حفید که در فرزند پسر استعمال می شود .

و این تنبیه بخاطر آن بود که نجم الدین علی اکبر فرزند جمال الدین محمد است چنانچه پس از این ذکر می شود بنا بر این وی حفید حجة الاسلام است نه سبط او.

اعتماد السلطنه در مآثر و آثار ص ۱۴۳ و سید محسن عاملی در اعیان الشیعه

جلد هیجدهم ص ۴۸۸ می نویسد: آقا جمال الدین محمد فرزند حجة الاسلام حاج ملا اسد الله بروجردی اجتهاد و فقاہتش مسلم و در حدیث و تفسیر و تتبع در جمیع علوم اسلامیہ و فنون شرعیہ تبصری داشته .

در اواخر ایام به مشہد رضوی مشرف و سپس به طهران آمد و در آنجا ساکن شد و چند سال به ترویج دین و ہدایت خلق مشغول شد در فصاحت و سخنوری مانند او کم دیدہ شدہ و نشنیدم کسی چون او محبوبیت و مقبولیت عامہ داشتہ باشد مادرش دختر مرحوم میرزا ابوالقاسم قمی صاحب قوانین بودہ .

مرحوم آقا بزرگ تهرانی در نقباء البشر فی القرن الرابع عشر جلد اول ص ۴۶۳

می نویسد :

* جمال الدین محمد البروجردی ابن حجة الاسلام الحاج مولی اسد الله عالم متفنن و فقیہ متبحر کان طویل الباع فی الحدیث و التفسیر و الوعظ و الخطابة و انه کان یرقی المنبر و یرشد الناس ولم یرافصح منه لہجة ولا اجل منه عند الناس قدراً فقد کان اقبال الخلق علیہ منقطع النظیر بل لم یسمع بمثلہ * .

اعتماد السلطنہ در روزنامہ خاطرات ص ۳۴۴ می نویسد: آقا جمال مجتہد بروجردی

مقیم تہران سال ۱۳۰۲ روز چہار شنبہ شانزدہم جمادی الاولی در گذشت .

پس از وفات مرحوم آقا جمال الدین فرزند ارشدش آقا علی اکبر نجم الدین

مورد توجہ مردم شد و او نیز چون پدرش جامع فضائل و فواضل بود .

اعتماد السلطنہ در مآثر و آثار می نویسد : آقای علی اکبر بروجردی مقیم تہران

خلف الصدق آقا جمال الدین مجتہد است اعلی الله مقامہ بعلم و فضل و وثاقت و عدل امتیازی بین دارد از اقران و در علم حدیث و تفسیر و شعب ادب بمقامی سامی نائل گردیدہ بعد از رحلت پدر جلیل القدرش مسجد و محراب و منبر مدرسہ مرحوم دوست علیخان نظام الدولہ حسب الارث والا استحقاق بروی اختصاص بہم رسانید .

آن فاضل کامل بفرط فطانت و وحدت ذہن و توقد خاطر و لطف قریحہ از

دونیای اعلای خود حاج ملاسدالله و میرزا ابوالقاسم قمی خبر می‌دهد .

نژاد از دو کس دارد این نیک‌پی .

علامه قزوینی در یادداشت‌هایش می‌نویسد : علی‌اکبر بروجرودی پسر مرحوم آقا جمال بروجرودی پیش نماز مدرسه مرحوم معیر الممالک در تهران که در تمام سن طفولیت مابین نماز محله و واعظ مابود و همه اهل محله و اعضاء خانواده باو معتاد بودیم و سپس در او ان مشروطیت گوئیا برضد مشروطه قیام نمود بتبع مرحوم شیخ فضل‌الله نوری که دختر آقا علی‌اکبر زن پسر او میرزا هادی بود او آخر رجب یا اوائل شعبان ۱۳۴۶ قمری در مشهد وفات کرد .

. اعتماد السلطنه در روزنامه خاطرات ص ۷۸۸ می‌نویسد : آقا علی‌اکبر از علماء

و دانشمندانی بود که راجع به تنباکو سروصدا کرد .

کسروی (۱) در تاریخ مشروطه جلد سوم ص ۹۰۳ مرحوم آقا علی‌اکبر

۱- احمد کسروی در سال ۱۳۰۸ قمری در تبریز متولد مقدمات فارسی و عربی را همانجا

تحصیل و در مدرسه آمریکائی تبریز مدرس عربی شد سپس داخل در عدلیه و کم‌کم رئیس دادگستری خوزستان شد سپس بوکالت مشغول و دوره زندگانی اوسه قسمت است .

۱- از بدو جوانی تا موقع اقامت تهران سعی در کسب علوم و بحث با مبلغین مسیحی و

تألیف کتاب صرف و نحو .

۲- تغییر لباس از عمامه بکلاه و تأسیس مجله پیمان و کناره‌گیری از اسلامیت و تنفر

از زبان عربی و پیروی از مرام ایران باستان و فراگرفتن زبان ارمنی .

۳- پیروی از عقائد گاندی نقد تمدن اروپائی و فساد آن برای بشر و مبارزه با اختلافات

مذهبی تصوف و بهائی و تشیع و اصرار در تنزیه زبان فارسی از لغات عربی و رای در مذهب

شیعه بمسلك و هابی‌ها حمله بقرآن و احادیث و تمجید از حکومت دیکتاتوری تشکیل مجالس

جشن سوزاندن قرآن و دواوین شعرا و کتب ادعیه و در نتیجه اسائه ادب بتمام مسائل دینی

و مذهبی تا در سال ۱۳۲۴ شمسی در کاخ وزارت دادگستری روز روشن بضرب گلوله‌ای

مقتول شد .

بروجردی را از مخالفین سرسخت مشروطه معرفی کرده و می نویسد :
 روزیکشنبه محمد علی میرزا حاجی امام جمعه خویی را به باغ شاه خواست
 باو دستور داده تلگرافخانه آمده با تبریزیان گفت و شنید کند .

حاج امام جمعه خواستار شد شاه پاسخی از روی مهر به تلگراف تبریزیان
 بفرستد و بعین الدوله دستور دهد راه بروی شهر باز کنند در همان هنگام حاجی علی-
 اکبر بروجردی از بستگان حاجی شیخ فضل الله در دربار می بود چون حاجی امام
 جمعه از شاه خواستار شد که سر بمشروطه فرود آورد این مرده سستیزی پرداخته .
 ۶- نورالدین محمد: از اجله فضلاء و علماء قرن سیزدهم بوده . وی نیز
 مانند برادران اعیانی خود جمال الدین محمد و فخرالدین محمد از طرف پدر با اجازه
 اجتهاد مفتخر شد . اواز شاگردان مخصوص شیخ مرتضی انصاری قدس سره بود
 و مدتها از آن دریای مواج استفاده کرد .

مؤلف شخصیت انصاری در آن کتاب ص ۳۰۳ می نویسد : شیخ محمد بروجردی
 نورالدین محمد از اجله فضلاء و در خوبی ذهن و ذکاوت اعجوبه عصر بوده و بحدت
 نظر و فرط فطانت اشتها تمام داشته و در عتبات عالیات در عنفوان جوانی هنگامی که
 در خدمت شیخ مرتضی انصاری بفر گرفتن فقه و اصول اشتغال داشت و تحصیلات
 خود را بپایان میرسانید از این دنیا رخت بر بست . مادرش دختر مرحوم محقق قمی بوده .
 ۷- فخرالدین محمد: از ادباء و فقهاء زمان خود و چون دو برادرش از اسباط
 مرحوم میرزای قمی است و او نیز از طرف والد ماجدش مجاز با اجازه اجتهاد شد
 مرحوم میرزا فخرالدین اضافه بر جنبه فقاها از شعر و شاعری نیز بهره و افری داشته
 و در غالب کتابها او را به فضیلت ستوده اند .

زین العابدین علی بن حسین صفوی گنجوی در کتاب تحفة الالباء فی تذکرة
 الاولیاء و الشرفا که سرگذشت معاصران مؤلف است و از کتب مخطوطه دانشگاه
 تهران تحت شماره ۲۵۱۳ می باشد مرحوم میرزا فخرالدین را به عظمت و فقاهاست

و ادب یاد کرده .

اعتماد السلطنه در متأثر و آثار می نویسد : میرزا فخرالدین فرزند حجة الاسلام از مجتهدین و اهل ذوق و عرفان بود ، دربر و جرد و حدود آن ریاست داشت و شعر هم میگفت : مثنوی او بنظر رسیده و اولادش بسیارند .
قصائد و غزلیات مرحوم میرزا فخرالدین بسیار ، فقط برای نمونه در اینجایک قصیده از او ذکر می شود و پس از این در بخش شعراء برو جرد نیز چند غزل از او یاد گردد .

قصیده

صبا از ما بگو آن لعبت شوخ شکر خارا
که غارت کرده خیل غمزهات یارا دل مارا
ندارد ناله من بر دل سخت تو تأثیری
نه تدبیری که بتوان نرم کردن سنگ خارارا
بیا بلبل که بوی عشق می آید ز صوت تو
تو گل را یاد آرو من گل روی دل آرا را
ز حسن یوسف مصری خبر گر نیست کی شاید
ملامت کردن یاران همی عشق زلیخا را
نگار من بهار من بت سیمین عذار من
نبیند حال زار من گشاید دست یغما را
دلش چون آینه روشن خطش چون سبزه در گلشن
نماید در سر و گردن نماید طور سینا را
همه شب چشم بر پروین نیاید سرسوی بالین
بلی راحت کجا بی دوست باشد یار شیدا را

مرا چون بوم ویرانه اگر سوزی چو پروانه
 که دور از یار جانانه نخواهم فرش دیبا را
 نواخوان چون شود بلبل غزلخوانی کند بر گل
 بیاغ از لاله و سنبل بیفکن بزم صبحا را
 بساط عیش در گلشن خدا را زودتر افکن
 که حمرت داده اشک من همه گلهای حمرا را
 بگو بآباد نیروزی که باشادی وفیروزی
 عبیر آمیز کن دامان کوه و طرف صحرا را
 دواوین بساتین را بکن تزیین بده آئین
 که در تدوین بسر دارم مدیح شاه بطحارا
 مه بطحا شه یثرب امام مشرق و مغرب
 جمال الله مثال الله علی آن زوج زهرا را
 بقدرت دست ربانی برتبت سر سبحانی
 بشوکت احمد ثانی مهین دادار دنیا را
 مناقب از قدس کونه جلالش را خدا آگه
 نمود از روی وجه الله منور لیل اسری را
 ازل گفتا زهی عزت ابد گفتا زهی رفعت
 چه تشریف خداوندی بداد آن سرو بالا را
 تأمل لو کشف کی یکشف المعنی الذی قلنا
 ز سر من عارف میجو تو «مازددت یقیناً» را
 حوریم قدس را مشعر حرم زویافته زیور
 ز عکسش خسرو خاور منور کرده غبرا را
 قیران مشتری بازهره آمد از ازل ظاهر
 نبی الله به سرالله چو کرد انعام زهرا را

ز رخ بوقع گراندازد شرر در عالم اندازد
 وگر خود را عیان سازد نماید حی یکتا را
 اگر کافر بدانندم وگر غالی بخوانندم
 در آذر گر نشانندم که آئین این بودما را
 زشوق روی نیکویت چنان دیوانه و شیدا
 شدم کز شوق نتوانم شناسائی سر از پا را
 تورو بنمای وجان بستان مرا ای یار جانانه
 نخواهم غیر روی تو نه دنیا را نه عقبی را
 سخن ار اندکی گفتم بسینه راز بنهفتم
 امین کی باشم ارظاهر کنم من سر لیلی را
 ز فخرالدین نیاید شرح حرفی در مدیح تو
 چسان سازند اندر کوزه ای امواج دریا را
 شها این تحفه لایق نیست میدانم تو را لیکن
 سلیمان وار از موری تو پذیر این هدایا را
 نبودی گر «یحذرکم» گشودم منطقی دیگر
 نه بر معیار فهم خلق مقدار تولی را
 ولاغیر از ولای او نداری حاصلی دیگر
 ترا امروز می باید تمکن زاد فردا را
 نعیم فانی و باقی به قشری باد ارزانی
 الامطر علینا یاسماء العشق مدرا را

شاگردان حجة الاسلام حاج ملاسیدالله^۱

حوزه درس مرحوم حاج ملاسیدالله از حوزه های علمیه قزوین، سیزدهم و جمعی

از اکابر از آن متخرج شدند که بعض آنها بشرح ذیل است :

۱- ملا محمد علی محلاتی فرزند زین العابدین از اعظم علماء در قرن سیزدهم و چهاردهم هجری است تحصیلات مقدماتی و نهائی را در بروجرد و تهران بپایان رسانید در بروجرد از اساطین آن عصر مرحوم حجة الاسلام حاج ملا اسدالله و مرحوم حاج سید شفیع جابلقی و مرحوم حاج میرزا محمود طباطبائی قدس الله اسرارهم استفاده کرد و از اعضاء تصحیح مواهب السنیة تألیف حاج میرزا محمود طباطبائی بود و در تهران هم از محضر پر فیض حاج شیخ عبدالرحیم بروجردی استفاضه نمود تا به سرحد منیع اجتهاد رسید و بخواهش ارادتمندان و مقلدین رساله عملیه بنام مفتاح السعاده نوشت که در سال ۱۲۸۲ هجری قمری بطبع رسید و کاشف از مرجعیت او است .

وی گذشته از مراتب سامیه علمی دارای مقامات عالیه عملی نیز بوده مردی زاهد و متقی و معرض از لذات دنیا بشمار میرفت و جمعی از اعظم علماء از مراتب علمی و عملی او بهره ور شدند از جمله مرحوم حاج میرزا حسین نوری صاحب مستدرک مدنی از موائد علمی او برخوردار شد .

محدث قمی در فوائد الرضویه ص ۵۶۷ می نویسد :

* محمد علی بن زین العابدین المحلاتی قرء علیه شیخنا العلامة النوری فی اوائل امره فی طهران کان زاهداً ورعاً نبیلاً متبحراً فی الاصول والفقه مجانباً لاهل الدنيا و لذاتها له مصنفات فی الفقه و الاصول و کان اکثر تلمذه علی السید محمد شفیع و الحاج المولی اسدالله البروجردی هاجر الی طهران و عکف علی العالم الفقیه الحاج شیخ عبدالرحیم البروجردی . *

مرحوم ملا محمد علی محلاتی در سال ۱۳۰۶ هجری قمری در مشهد مقدس وفات کرد و فرزندش بنام شیخ اسماعیل محلاتی بیادگار گذاشت که او نیز از مفاخر امامیه و مدتی در بروجرد ساکن بوده و شرح حالش بمناسبت ترجمه فرزندش شیخ محمد

بارقلی بروجرودی پس از این ذکر می‌شود .

۲- شیخ عبدالرحیم نهاوندی : از اکابر علماء قرن سیزدهم و چهاردهم هجری است که مدتی در بروجرود از معارف و علوم اساتید آن زمان از جمله مرحوم حجة الاسلام حاج ملاسیدالله استفاده کرده .

مرتضی انصاری در شخصیت انصاری ص ۲۸۱ در ردیف شاگردان شیخ مرتضی انصاری می‌نویسد :

میرزا عبدالرحیم نهاوندی از اکابر علما و در فقه و اصول مشهور و بزه و تقوی معروف و ادیب و شاعر نیز بوده و از وطن خود برای تحصیل بیروجرود رفت و سطوح را در آنجا دید سپس رهسپار نجف اشرف گردید و از محضر صاحب جواهر استفاده برد و بعد از فوت صاحب جواهر تحصیلات خود را نزد شیخ مرتضی انصاری پایان رساند و در زمان حیات استاد خود بنای تدریس گذاشت .

و بسال ۱۲۸۹ بزیارت مشهد مشرف و در بازگشت باصرار جمعی در تهران توقف نمود و در حدود دوازده سال در مدرسه مروی تدریس میکرد و مورد توجه فضلاء واقع شد تا آنکه در نهم ربیع الثانی سال ۱۳۰۴ قمری در آنجا بدرود جهان گفت و جنازه اش ، بقم نقل و در صحن جدید مدفون شد و ی حاشیه ای بر رسائل استاد خود دارد .

فرزندش بنام حاج شیخ محمد در مراتب علمیه و اخلاق فاضله طاق و از علماء معاصر و بسال ۱۳۷۱ در تهران وفات نمود و تفسیری بنام نفحات الرحمن در چهار جلد تدوین و بچاپ رسید .

محدث قمی در فوائد الرضویه ص ۲۲۸ می‌نویسد :

عبدالرحیم نهاوندی در علم اصول و فقه شهره آفاق و در زهد و تقوی محل اتفاق و در شعرو ادب یگانه و طاق بوده .

او در بدایت عمر به تحصیل خط کوشیده این کمال را چون بکمال درجه

رسانید بهوای علوم دینیه قطع علائق دنیای دنییه نمود از نهانند به پروچرد رفت در مدت قلیله کسب فضائل جمیله و جلب فواضل جلیله نموده چون بحظ وافر و فیضی متکاثر نائل گردید طائر عزمش در خاطر عاطر اوج گرفت از آن صفحات با برکات بعتبات عرش درجات عروج یافت و بنجف اشرف مشرف و از انوار شمس فلک فقاقت و متأثر فخر الاوائل والاواخر الشیخ محمد حسن صاحب جواهر بتمامت حواس سرگرم اقتباس گردید .

بعد از نفاذ این نعمت و افتقاد این رحمت باخلاص بحضورت آیه الله المملک الباری المحقق الانصاری اختصاص گزید بتوجهات آن آفتاب درخشان و ترشحات آن سمحان در افشان روز بروز در انظار اولی الابصاء بروز و تجلی تازه نمود و از جواهر تحقیقات رشیده و تدقیقات انبیه بوجود مسعود حلی بی اندازه میفزود تادر علم و عمل اشتها شمس فی رابعة النهار یافت .

پس از سی سال تقریباً ریاضت و اقامت در آن مشهد مقدس و مدت ها افاقت و امامت در آن مقام اقدس بعزم زیارت حضرت ثامن الائمه وضامن الامه متوجه ایران و در مراجعت از سفر خیریت اثر بطهران ورود و باصرار و ابرام جلی از افاصل اختیار و جمعی از اعلام عظام رحل اقامت گشوده و در مدرسه فخریه قریب ۱۲ سال تدریس فرمود . همواره علما از خرمنش خوشه ها برداشتند و از مخزنش توشه ها بر گرفتند وفاتش در نهم ربیع الثانی سنه ۱۳۰۴ واقع شد .

قلت فی تاریخ وفاته :

اندک طود العلم لما ان ثوی	تحت الجنادل مقتدی الاعلام
عبد الرحیم حمی شرع محمد	کھف الانام و کسافل الایتام
قد قیل لی ارخ رزیتہ التی	یشوی لظاها القلب فی الاعوام
فاجبت ابعث واحداً فاقوله	عز النبسی بثلمة الاسلام

مخفی نماند که مصراع اخیر که ماده تاریخ وفات است منطبق است با ۱۳۰۵ مگر یکی از الف‌ها در حساب نیاید .

۳- شیخ محمد رحیم بروجردی - علامه جلیل ومجتهد نبیل در صفحه خراسان مرجعیت تامه وعامه داشته ترجمه اش مستقلا ذکر می شود .

۴- حاج سید محمد باقر سلطان آبادی - فرزند سید ابوالقاسم از اعظام علماء قرن سیزدهم مدتی در بروجرد از اساتید آن عصر مخصوصاً حجة الاسلام حاج ملا اسدالله استفاده کرد .

آقا بزرگ تهرانی در اعلام الشیعه جلد اول ص ۱۹۴ می نویسد : سید محمد باقر سلطان آبادی عالمی جلیل وپارسا ومتقی واز شاگردان حجة الاسلام حاج ملا- اسدالله بروجردی است ثقة الاسلام حاج میرزا حسین نوری در دارالسلام جلد دوم ص ۱۵۶ از سید محمد باقر سلطان آبادی تجلیل نموده وسپس کرامتی بوسیله او از حضرت زینب علیها السلام نقل میکند :

سیدسند وجبر معتمد عالم عامل و قدوه ارباب فضائل دریای خروشان عمدة العلماء الراسخین سید محمد باقر سلطان آبادی برای من نقل کرد که در ایامیکه در بروجرد بتحصیل وتعلم اشتغال داشتم به مرض وبیماری سختی گرفتار شدم در آنجا معالجه نشد ناچار بوطنم اراك مراجعت نمودم شاید از بیماری نجات یابم ولیکن فائده نبردم بلکه مرض شدت کرد تاب چشم سرایت نمود عاقبت چشم چپ را اذ دست دادم واطباء از معالجه عاجز شدند وخواب وآرام نیز از من سلب شده واز استعمال دارو ومعالجه خسته شدم .

در آن هنگام برادرم عازم مسافرت عتبات عالیات شد درمن نیز شوقی پدیدو عشقی سوزان بر زیارت عتاب مقدسه سراسر وجودم را گرفت .

روح پدرم شاد که میگفت باستاد فرزند مرا جز سخن عشق نیاموز مصمم شدم با او بروم شاید از برکت آستان ملائک پاسبان کربلا خداوند

شفاعنايت كند هر چند اطباء و دوستان از حر كت منعم كردند اثرى نبخشيد .

دست از طلب ندارم تا كام من بر آيد يا جان رسد بجانان يا جان زن بر آيد
پزشگان اعلام خطر نمودند و گفتند اگر مسافرت كنى در منزل دوم بكلى نابينا
خواهى شد . من بعنوان مشايعت بر ادرم يك منزل رفتم در آنجا مردى از پاكان مرا
بر رفتن بسفر تشويق كرد و بر آتش عشقم دامن زد و گفت تو اگر طالب شفا باشى
بايد از اين خاندان طلب كنى و لنعم ماقال الفيض الكاشانى قدس سره :

سالك راه حق بيا نور هدى زما طلب	نور بصيرت از در عترت مصطفى طلب
هست سفينه نجات عترت و نا خدا خدا	دست در آن سفينه زن دامن نا خدا طلب
خسته در در ا بگو هرزه مگرد كو بكو	از در ما شفا بجو و زدم ما دوا طلب
دمدمم بگوش هوش ميفكنند اين سروش	معرفت از طلب كنى از بركات ما طلب
مفلس بى نوا بيا از بر ما بير نوا	صاحب مدعا بيا از در ما دعا طلب

آن مرد پاك سيرت گفت من خود مدت ۹ سال به بيمارى قلبى گرفتار و طبيبان
از علاجم عاجز شدند و آخر بزيارت سيد الشهداء عليه السلام رفتم و از بركت آن
حضرت خداوندم شفا بخشيد . سخنان اين شخص در من تاثيرى عميق بخشيد تصميم
قطعى بر رفتن گرفتم و ليكن در منزل دوم مرض شديد تر شد بحدى كه دوستان و همراهان
هدف تير ملامتم قرار دادند و باتفاق گفتند يا تو برگرد يا ما مراجعت ميكنيم . گفتم
تا صبح مرا مهلت دهيد .

آن شب تا نزديك سحر از شدت درد خواب نرفتم و ليكن نزديكى سحر بخواب
شدم رؤيائى عجيب دست داد در آن رؤيا صديقه صغرى زينب كبرى عليها السلام
را ديدم و زبان بشكايتم گشودم آن حضرت پيش آمد و گوشه مقنعه اش بچشم من ماليد
از خواب بيدار شدم در حالى كه از درد چشم اثرى نبود .

دوستان را بيدار نمودم و از خواب خود و شفاء چشم آنها را مطلع كردم
تمام اهل كاروان با خبر شدند و ابراز مسرت و شادى نمودند .

محدث نوری پس از ذکر این کرامت می نویسد : استاد بزرگوارم ملا فتح علی سلطان آبادی فرمود: من خود ناظر و شاهد این قضیه بودم .

۵ - سید محسن عراقی - فرزند ابوالقاسم برادر سید محمد باقر سابق الذکر از اکابر دانشمندان قرن سیزدهم در جمیع علوم و معارف اسلامی مخصوصاً در فلسفه عقلیه ماهر بوده و مدتی در بروجرد از ذخائر علمی مرحوم حجة الاسلام حاج ملا اسدالله وهم چنین از حاج شفیع جابلقی استفاده کرده .

محدث قمی در فوائد الرضویه ص ۳۷۵ می نویسد :

*محسن السلطان آبادی السید الجلیل والفاضل النبیل عالم بالعلوم والعقاید، روح اعلام المعقول وله آثار فی ترویج العلم والعلماء منها مدرسة حسنة بناها فی بلده وعین لها اوقافاً کان من السادات الاشراف الاجلاء فی عصرنا وکان من تلامذة حجة الاسلام الحاج ملا اسدالله البروجردی وله عدة اولاد فضلاء علماء لهم المساعی الخیرية *.

۶ - ملا شیخ علمی بروجردی - از بزرگان واعاظم فقهاء قرن سیزدهم. اعتماد السلطنة در المآثر والاثار می نویسد : آقا شیخ علی بروجردی از جمله شاگردان حاج ملا اسدالله بود. بزهد و ریاضیات و علو درجه و فقاہت اشتہار داشت.

۷ - شیخ عبدالرحیم بروجردی - از مشاهیر بزرگان و از معارف مجتهدان طهران در قرن سیزدهم هجری در ۱۶ رمضان سال ۱۲۷۷ در گذشت شرح حالش بعد از این مستقلاً ذکر می شود .

۸ - ملاحسین بن آقا باقر بروجردی - صاحب نص جلی در امامت امیر المؤمنین، ترجمه اش پس از این مستقلاً ذکر می شود .

۹ - شیخ محمود عراقی - فرزند جعفر بن قاسم نسبش بگفته خود در مقدمه دارالسلام به میثم تمار می رسد . وی از علماء و فقهاء قرن سیزدهم و چهاردهم هجری است در سال ۱۲۴۰ هجری قمری در قریه ای از قرای کزاز متولد و در هشت سالگی بکره رود رفت و صرف و نحو و مقدمات اولیه را آنجا فرا گرفت سپس برای تکمیل خویش

بروجرد آمد و از معاریف و اکابر علمی این شهر مدت ده سال استفاده کرد .
 ۵ سال در حوزة درس مرحوم حجة الاسلام حاج ملاسیدالله و ۵ سال هم از
 محضر پرفیض مرحوم حاج سید شفیع بروجردی فقه و اصول استفاده نمود تا بمقام
 رفیع اجتهاد رسید و از اساتید عالیقدر خود مجاز شد و حاج ملاسیدالله و حاج سید
 شفیع در سال ۱۲۶۵ که بیست و پنج سال بیشتر از سنش نمیرفت و باو اجازه اجتهاد دادند .
 شیخ محمود از بروجرد به اراك و تهران و آذربایجان و خراسان مسافرتها کرد
 و در آخر هسپار نجف اشرف شد و مدت ده سال از دریای مواج شیخ مرتضی انصاری
 بهره ور شد و پس از وفات استادش به ایران بازگشت و مدتی در همدان توقف نمود
 و بعد در تهران اقامت گزید .

در اواخر دارالسلام خود گوید : بعد از وفات استادش شیخ مرتضی انصاری
 اورادر خواب دید در بیابانی وسیع که در آن نهری عظیم جاری بود ایستاده پس جام
 آبی که در دست داشت بدست من داد و فرمود که از این نهر آب بیاور چون جام را
 گرفته و بر لب نهر رفتم از این طرف نهر پر کردم دیدم کرم ریزه بسیار در آن نمودار
 است . پس از آن طرف دیگر پر کردم باز کرم بسیار در آن دیدم .

باخود گفتم وسط نهر باید خالص باشد بر پللی که بر آن نهر بود بر آمدم و جام
 از وسط نهر پر کردم ولیکن باز هم خالی از کرم ندیدم استاد فرمود تسدبیری نما
 و بیاور دانستم مقصودش این است که آنرا صاف نمایم .

پس از خواب این رؤیای عجیبه را برای بعض از علماء گفتم فرمود علم آب
 است و مقصود شیخ مرتضی از صاف کردن آب تنقیح مطالب علمیه است .

بهمین جهت تصمیم گرفتم تمام تحقیقات فقهیه و اصولیه استاد را از مسموعات
 و غیر مسموعات جمع و تحقیق و تحریر نمایم پس جمیع مسودات خود آن مرحوم
 را با تقریرات شاگردان ایشان جمع و با دقت تمام تنقیح نموده و در اصول، کتاب
 جوامع را و در فقه کتاب لوامع را نوشتم و بار دیگر موفق شدم در اصول کتاب قوامع

ودر فقه کتاب خزائن را تألیف کردم .

شیخ محمود عراقی در سال ۱۳۰۶ قمری بگفته صاحب کتاب شخصیت انصاری و در سال ۱۳۰۸ بنقل خان بابا مشار در مؤلفین کتب چاپی جلد ششم و در سال ۱۳۱۰ بنقل مدوس تبریزی در ریحانة الادب در تهران در گذشت و جنازه اش را به نجف اشرف حمل و بخاک سپردند .

مرحوم شیخ محمود عراقی آثار بدیعه و تألیفات نفیسه از خود بیادگار گذاشت: مشکوة النیرین در احوال معصومین علیهم السلام کفایة الراشدین در رد مبدعین، جوامع الشنات در مسائل اصولیه لوامع النکات جامع مسائل فقهیه شیخ مرتضی غیر از آنچه در مکاسب و طهارت است، قوامع الفضول در اصول خزائن الاحکام در شرح قواعد دارالسلام در حالات امام زمان عجل الله فرجه الشریف .

۱۰ - میرزا سید ضیاء الدین بروجرودی - از علماء و دانشمندان قرن سیزدهم هجری است که در قلعه بروجرود ساکن بوده .

اعتماد السلطنه در متأثر و آثار ص ۱۷۳ می نویسد: سید ضیاء الدین از اهل قلعه بروجرود از شاگردان حجة الاسلام بروجرودی است .

۱۱ - ملا احمد خوانساری - از شخصیت های علمی و برجسته در قرن سیزدهم ساکن ملایر بود . مدتها در بروجرود از اساتید این شهر مخصوصاً از حجة الاسلام استفاده علمی کرد .

اعتماد السلطنه در متأثر و آثار می نویسد: ملا احمد خوانساری که در فروع و اصول از صنایع اساتید و محققین فحول بود فقه را در خدمت حاج ملا سید الله و اصول را در محضر شریف العلماء مازندرانی و شیخ محمد تقی صاحب حاشیه معالم فرا گرفت کتاب مصابیح الاصول و مصنفات دیگرش از علو مقام او خبر می دهد .

۱۲ - محمد تقی گلپایگانی - از مجتهدین و اکابر فقهاء قرن سیزدهم و بگفته اعتماد السلطنه در متأثر و آثار از شاگردان مرحوم حجة الاسلام حاج ملا سید الله است .

۱۳- حاج سید علی بروجردی - فرزند سید عبدالکریم بن علی بن محمد طباطبائی بروجردی که از فقهاء بزرگ قرن سیزدهم و ساکن اصفهان بوده ترجمه او بمناسبت شرح احوال مرحوم سید محمد طباطبائی بروجردی ذکر شد .

۱۴- حاج سید علی اصغر بروجردی - فرزند حاج سید شفیع جابلقی ترجمه اش در ذیل احوال والد ماجدش ذکر می شود.

۱۵- ملا اسماعیل بروجردی - فرزند اسحق از علماء قرن سیزدهم و چهاردهم هجری و در حدود سال ۱۳۰۷ در گذشت ترجمه اش بعد از این ذکر می شود .

۱۶- شیخ علی اصغر بروجردی - صاحب نور الانوار پس از این ذکر خواهد شد .

۱۷- اورنگ زیب میرزا - فرزند حسام السلطنه حاکم بروجرد . احوال او در ذیل احوال مرحوم سید جعفر کشفی ذکر و گفته شد که اورنگ در کتاب مجمع الجوامع از استادش حاج ملا صدق الله به استاذنا الفاضل تعبیر میکند .

۱۸- مرحوم علامه جلیل وزاهد متقی - ملا عبدالله بروجردی قدس سره ترجمه اش بعد از این مستقلاً ذکر می شود .

۱۹- شیخ مرتضی انصاری - اعتماد السلطنه در المآثر والآثار و صاحب دائرة المعارف الاسلامیه و مدرس تیریزی در ریحانة الادب ، شیخ مرتضی انصاری را از شاگردان مرحوم حاج ملا صدق الله شمرده اند ولیکن نویسنده محترم کتاب شخصیت انصاری، این موضوع را نفی کرده .

ترجمه شیخ مرتضی انصاری در بخش واردین بروجرد ذکر می شود .

۲۰- حاج شیخ عبدالرحیم کرمانشاهی - فرزند ملا عبدالرحمن بن ملا عبدالاحد بن ملا عبدالجلیل کرمانشاهی . وی در سال ۱۲۲۲ هجری قمری متولد ، علوم مقدماتی و سطحی و مقداری از خارج را در کرمانشاه و سپس در بروجرد استفاده نمود . در سال ۱۲۵۵ به نجف اشرف مشرف و از محضر شیخ حسن کاشف الغطاء صاحب انوار الفقاهه و صاحب جواهر استفاده کرد تا بمرتبه عالیه اجتهاد رسید و از

اساتید نامبرده وهم چنین از سید علی نقی طباطبائی حائری وحجة الاسلام حاج ملا اسدالله بروجردی وسید علی بحر العلوم باجازه اجتهاد مفتخر شد وسپس بکرمانشاه مراجعت کرد ومرجعیت تامه رادارا وعمر رابفتوی وقضاء وتألیف وارشاد وترویج دین بپایان رسانید تادرسال ۱۳۰۵ قمری در کرمانشاه وفات کرد وجنازه اش به نجف اشرف حمل ودروادی السلام بخاک رفت.

از آثار علمی او کتابی است بنام رجس
الشیطان فی رد اهل البیان و کتاب دیگر بنام
سر الاسرار فی مصیبة ابی الائمة الاطهار، هر دو
کتاب چاپ شده و کتاب دیگر دقائق الاصول
در ۶۰۰۰ بیت نسخه اش بخط مؤلف در
کتابخانه فرزندش شیخ هادی جلیلی موجود
است .



مرحوم شیخ عبدالرحیم
کرمانشاهی

۲۱- ملا محمد شریف بیغشی - شریف
العلماء فرزند کربلایی حسن از علماء قرن

سیزدهم ترجمه اش ضمن اساتید شیخ عبدالرحیم بروجردی ذکر می شود .

۲۲- سید ضیاء الدین طباطبائی - فرزند میرزا ابوالقاسم طباطبائی
بروجردی ترجمه اش بعد از این ذکر خواهد شد .

۲۳- ملا محمد ابراهیم - فرزند شیخ زین العابدین فرزند حاج ملا اسماعیل
مازندرانی تحصیلات خود را در آستانه شروع کرد وبرای تکمیل بمراکز علمی
اصفهان وبروجرد وقمرهسپار ودر خدمت اساتیدی بزرگ چون مرحوم حجة الاسلام
حاج ملا اسدالله وحاج سید شفیع جابلقی استفاضه کرد . ودر شهر قم بدامادی فقیه
معروف حاج ملا محمد کزازی مفتخر وهما نجا مقیم وبتدریس اشتغال ورزید تا در

سال ۱۲۸۱ هجری قمری چشم از جهان بر بست و در شیخان بخاک سپرده شد .
مرحوم حاج سید شفیع استادش در روضه البهیة در ضمن شاگردان خود می نویسد:
* ومنهم العالم العامل الفاضل الكامل المحقق آخوند ملا محمد ابرهیم بن
الفاضل الكامل المرحوم الحاج زین العابدین الاستانة مسکناً ومدفناً والمازندرانی
اصلاً * .

سید اسدالله طباطبائی بروجرودی

از دانشمندان و سادات جلیل القدر در نیمه دوم قرن سیزدهم هجری است .
 از آثار علمی او کتاب منتخب الایات لدفع البلیات است شامل جمله ای از آیات
 استکفار و بعضی از ادعیه مأثوره در حفظ بفرمان ناصرالدین شاه قاجار در تاریخ دهه
 دوم رجب سال ۱۲۷۳ تألیف کرده و نسخه آن بخط مؤلف اکنون در کتابخانه آستانه
 قدس رضوی موجود است .

عبدالله خوشنویس بروجردی

عبدالله فرزند محمدصادق بروجردی از خوشنویسان قرن سیزدهم هجری است از آثار او استنساخ کتاب مفتاح المغلفات فی شرح المعلقات است . کتاب نامبرده تألیف احمد بن محمد بن عبدالکریم موسوی از ادباء سده سیزدهم است که در تاریخ ۱۶ شعبان سال ۱۲۷۳ برای خانلر میرزا احتشام الدوله تألیف کرده و عبدالله بن محمد صادق بروجردی بفرمان جلال الدین میرزا فرزند احتشام الدوله آنرا استنساخ نموده است .

آقای محمد تقی دانش پژوه در جلد پنجم نسخه های خطی ص ۹۹ می نویسد: نسخه نامبرده بخط عبدالله بروجردی اکنون در کتابخانه عبدالمجید در مشهد موجود است .



محمد خوشنویس بروجردی

از خوشنویسان قرن سیزدهم هجری است .

از آثار او دو نسخه از قرآن کریم است که با خط بسیار زیبای نسخ و نستعلیق

در تاریخ ۱۲۶۴ و ۱۲۷۵ هجری قمری استنساخ نموده است .

هر دو نسخه اکنون حزب شده در بروجرد موجود است .

شیخ علی اصغر نیر بروجردی

شیخ علی اصغر بن ملا علی اکبر نیر بروجردی از اکابر علماء قرن سیزدهم هجری است در سال ۱۲۳۱ هجری قمری در بروجرد متولد شد .

مبادی و مقدمات و سطوح را در زادگاه خود از اساتید آن عصر فرا گرفت و سپس برای نیل به مدارج عالیّه و وصول بدرجات سامیه به نجف اشرف مشرف و از اکابر آن زمان استفاده کرد و بیشتر در درس چند نفر که ذیلاً ذکر می شوند حاضر می شد :

۱- شیخ محمد حسن صاحب جواهر که شرح حالش پس از این بمناسبت یکی از نوادگان او که ساکن بروجرد است (شیخ علی جواهری) ذکر میشود .

۲- شیخ محمد حسین صاحب فصول که ترجمه مختصرش بمناسبت استادان شیخ عبدالرحیم بروجردی ذکر شد .

۳- شیخ حسن فقیه فرزند شیخ جعفر کاشف الغطا شرح حالش با اختصار در ردیف اساتید سید حسین بروجردی صاحب نخبه المقال ذکر شد .

۴- سید ابرهیم بن سید محمد باقر موسوی قزوینی حائری از علماء امامیه قرن سیزدهم هجری است ، وی در تمامی مراتب علمیه و حسن تقریر و انشاء و تحریر بی نظیر و در مکارم اخلاق طاق و در احاطه مسائل فروعیه و اصولیه و حید عصر

خود بوده .

درابتداء بمصاحبت والدش به کرمانشاه رفت و مبادی لازمه را از مدرسین آنجا فراگرفت سپس برای ارتقاء بمدارج عالیّه علمی به عتبات عالیات رفت و فقه را از شیخ علی کاشف الغطا و شیخ موسی کاشف الغطا و صاحب ریاض و پسرش سید مجاهد و اصول را از شریف العلماء مازندرانی استفاده کرد تا آنکه در حیات استادش شریف العلماء بتدریس مشغول و تا حدود یک هزار نفر از طلاب و علماء در درسش حاضر می شدند و از آثار او ضوابط الاصول از افادات و تقریرات شریف العلماء است مانند قواعد حاج شفیع .

مرحوم صاحب ضوابط در سال ۱۲۶۲ در کربلای معلی در گذشت و در همان خاک پاک مدفون شد .

مرحوم شیخ علی اصغر بروجردی پس از وصول بدرجات رفیعۀ علمیّه از نجف اشرف به ایران مراجعت و ساکن تهران شد .

اعتماد السلطنه در مآثر و آثار ص ۲۱۷ می نویسد : ملا علی اصغر بروجردی صاحب نورالانوار و رسائل دیگر است که بفارسی ساخته ، عالمی متعبد بود .

مدرس تبریزی در ریحانة الادب جلد اول ص ۱۵۶ می نویسد : بروجردی میرزا علی اصغر بن علی اکبر از اکابر علمای شیعه از شاگردان صاحب جوهر و صاحب فصول و صاحب ضوابط و شیخ حسن کاشف الغطا و دیگر اکابر وقت بوده و فیض حضور اکثر محدثین و مفسرین و حکمای آن عصر را دریافته و تألیفات نافعه جلیله دارد . در فهرس کتابخانه رضویه جلد پنجم ص ۳۴۲ می نویسد : شیخ علی اصغر

بروجردی متخلص به نیر از علماء جامع تهران است و در بروجرد نزد میرزا علی نقی طباطبائی بروجردی و حاج ملا اسدالله بروجردی تقلید نمود .

تاریخ وفات و درگذشت شیخ علی اصغر بروجردی بدست نیامد ولیکن از تاریخ ضیاء النور که از جمله تألیفات او است و در سال ۱۲۷۶ تألیف شده استفاده میشود

تأاریخ مزبور در قید حیوة بوده است .

هؤلغات شیخ علی اصغر بروجردی

مرحوم شیخ علی اصغر بروجردی آثار علمیه اش بسیار است بعضی از آنها چاپ شده .

۱- افاضات الرضویه در نشئات مختلفه و اوضاع عالم موت و برزخ و مراتب عقول و نفوس و ارواح . عربی است .

۲- بوارق اللامعه در خلافت امیر المؤمنین علیه السلام . عربی

۳- رساله تیممیه در احکام طهارات و تیمم . عربی و فارسی

۴- جوابات شیخ احمد فاروقی در پیرامن حدیث دوات و قلم که پیغمبر (ص) امر کرد هنگام مرگ برایش بیاورند و بعضی مانع شدند . این رساله در خاتمه نور الانوار چاپ شده .

۵- در مکتون مثنوی است عرفانی با تخلص اصغر در سال ۱۲۵۲ قمری در بروجرد تألیف نموده .

۶- رضاعیه در احکام رضاع و شرایط و فروع مربوطه، فارسی است .

۷- سیف المجاهدین در احکام جهاد و دفاع، فارسی است .

۸- شرح منظومه فقهیه فروع و صایا وفقه آل الرسول ﷺ استدلالی است، مانت و شارح یکی است . عربی است .

۹- صلوة جمعه در دوهزار بیت .

۱۰- ضیاء النور مثنوی است در بیان معارف حقّه و اخلاق اسلامیّه و کلمات و حکایات بزرگان در پند و اندرز . این کتاب در سال ۱۲۷۶ هجری قمری تألیف شده در تاریخ کتاب در آخر گوید :

طرح نه از غرفه بنما در حساب که بود تاریخ این زیبا حساب

- یعنی از عدد کلمه غرفه که ۱۲۸۵ می باشد عدد ۹ را طرح و اسقاط کن باقی مانده که ۱۲۷۶ باشد تاریخ تألیف کتاب خواهد بود .
- این کتاب تا کنون ۷ بار در تهران و بمبئی چاپ شده .
- ۱۱- طرائف مطالب متفرقه در فنون مختلفه .
- ۱۲- سیف الشیعه در ابطال خلافت دیگران
- ۱۳- ظلمه مظلومه در رد بابیه . فارسی است .
- ۱۴- عقائد الشیعه در تاریخ ۱۲۶۳ هجری قمری بنام محمدشاه غازی و حاج میرزا آقاسی تألیف شده و تا کنون در تهران و تبریز ۱۳ مرتبه چاپ شده .
- ۱۵- فرائد الشریعه در صفات انسان کامل، فارسی است .
- ۱۶- فیض الرضا در مراتب موت و برزخ و قیامت و نار و جنت . عربی است .
- ۱۷- فارق الحق در مسائل خلافتیه فروعیه بین الفریقین از طهارت تادیات . فارسی است .
- ۱۸- کفر و ایمان ، در بروجرد نوشته شده . فارسی است .
- ۱۹- اللؤلؤ المنشور در بعض خطب امیر المؤمنین علیه السلام و منظومه ای در وصایا تا کنون دوبار در تهران چاپ شده .
- ۲۰- مخزن الاسرار در پاره ای از اخبار وارده از ائمه علیهم السلام در اسرار عجیبه و اطوار مختلفه ایشان . عربی است .
- ۲۱- محجۀ بیضاء در مراتب مختلفه مبده و معاد . عربی است .
- ۲۲- لآلی الکلام در فروع و احکام از طهارت تادیات . عربی و فارسی است .
- ۲۳- معدن الحکمة در صفات ائمه علیهم السلام در بروجرد نوشته شده ، فارسی است .
- ۲۴- منهج الحق در مسائل مختلفه بین الفریقین از طهارت تادیات . عربی است .
- ۲۵- مهمات الاصول در مسائل اصولیه مربوط بفقہ . عربی است .

۲۶- مصائب السبطین ضمن عقائد الشیعه در تبریز چاپ شده .

۲۷- نور الانوار در احوال ولی الله الاعظم عجل الله فرجه الشریف. این کتاب مشتمل است بر یک مقدمه و چهارده نور و یک خاتمه .

در اسم و لقب و کنیه و ولادت و شمائل و صفات و معجزات و وکلاء امام زمان و کسانی که خدمتش رسیدند و مدعیان دروغگو و علائم ظهور و احوال اصحاب و شماره لشکریان آنحضرت از جمیع طوائف و کیفیت سیر و سلوک آنجناب در میان مردم و رجعت .

این کتاب از سال ۱۲۷۵ هجری و قمری تا کنون هفت مرتبه در تهران و بمبئی چاپ شده است .

سید حسین بروجردی صاحب نخبۃ المقال

نسب - سید حسین بن سید محمد رضا حسینی بروجردی بایست و شش واسطه
نسبش به جناب زید بن علی بن الحسین السجاد علیهم السلام میرسد .

زید بن علی بن الحسین جد اعلای صاحب نخبۃ المقال

زید بن علی بن حسین پس از امام محمد باقر علیه السلام افضل فرزندان امام زین العابدین
علیه السلام بوده .

شیخ مفید در ارشاد می نویسد : زید بن علی بن الحسین مردی عابد و پارسا
وفقیه و با سخاوت و شجاع بود بمنظور امر بمعروف و نهی از منکر و خونخواهی امام
حسین علیه السلام قیام نمود و بسیاری از شیعه بامامتش معتقد شدند زیرا خیال کردند زید
چون خروج به شمشیر نموده و مردم را به آل محمد دعوت میکند پس او امام است .
شیعه زیدیه عصمت و افضلیت را در امام شرط نمیدانند . از فرزندان فاطمه (ع)
هر کس که عالم و زاهد و شجاع و سخی باشد و سر بامامت بلند کند امام واجب الطاعه
خواهد بود چه از فرزندان امام حسن و چه از نسل امام حسین و از این رو است که طائفه ای
از آنها بامامت محمد و ابرهیم فرزندان عبدالله بن الحسن بن الحسن که در زمان

خلافت منصور خروج کردند و بشهادت رسیدند قائل شدند و جائز شمردند که در زمان واحد دو امام در دو ناحیه خروج کنند و هر يك امام باشند .

فرقه زیدیه بعد از وفات امام سجاد (ع) امامت حضرت باقر را منکرند و بامامت زید قائلند بلکه ظاهر فرق الشیعه نو بختی آن است که زیدیه حسینیه امامت حضرت امام حسن و امام سجاد را نیز باور ندارند چه اینکه در ص ۵۳ می نویسد :

شیعه علویه که امامت را از طرف خدا و رسول حق علی دانستند و پس از آن حضرت بامامت امام حسن و امام حسین قائل بودند پس از شهادت امام حسین چند فرقه شدند يك فرقه علی بن الحسین را بامامت شناخته و پیوسته بر امامت آن حضرت ثابت قدم بودند تا وفات کرد .

فرقه ای گفتند امامت بعد از حسین منقطع شد و بعد از او امامی نیست و فرقه ای امامت را بعد از حسین مخصوص اولاد حسن و حسین دانستند و گفتند هر کس از فرزندان آن دو بامامت برخیزد و مردم را بخود دعوت کند اطاعت او واجب است و علی بن ابیطالب علیه السلام در موقعیکه امر خود را اظهار کرد و مردم را دعوت نمود امام بود و پس از او فرزندش حسین بن علی پیش از خروج بریزید و بعد از خروج امام بود زیرا او پیوسته بامعویه و فرزندش یزید مخالف بود تا کشته شد .

و پس از او زید بن علی بن الحسین که در کوفه کشته شد و بعد از او پسرش یحیی بن زید بن علی که در خراسان شهید شد آنگاه برادرش عیسی بن زید بن علی و پس از او محمد بن عبدالله بن الحسن امام بودند و بعد از اینها هر کس از آل محمد خروج کند و مردم را بطاعت خدا بخواند امام است .

شهرستانی در ملل و نحل جلد اول ص ۲۵۲ می نویسد : چون زید بن علی کشته شد و بدارش زدند پسرش یحیی بامامت قیام کرد و بجانب خراسان رفت و بسیاری از مردم اطراف او را گرفتند و از ناحیه امام جعفر صادق (ع) خبر یافته بود که او هم مانند پدرش زید کشته می شود آنچه آنحضرت گفته واقع شد .

یحیی‌امر را بعد از خود به محمد و ابراهیم پسران عبدالله محض وا گذاشت و آن دو در مدینه خروج کردند ابراهیم به بصره رفت و مردم بر آن دو فراهم شدند و عاقبت هر دو بشهادت رسیدند .

امام جعفر صادق (ع) آنها را بتمام آنچه پیش آمد خبر داده بود و آنان را آگاه فرمود که پدران بزرگوارش اورا باین حوادث خبر داده و گفته‌اند که بنی‌امیه بر مردم حکومت می‌کنند و اگر کوهها در مقابل ایشان بایستند مغلوب می‌شوند. دشمنی اهل بیت را شعار خود خواهند ساخت و نباید کسی از اهل بیت در خلافت بنی‌امیه خروج کند تا خدا زوال ملک آنها را بخواهد .

علت خروج زید بطوریکه مسعودی در مروج الذهب جلد سوم ص ۲۱۸ می‌نویسد این بود که روزی زید بر هشام بن عبدالملک وارد شد هشام پیش از ورود زید بر مردم مجلس خود گفته بود طوری نزدیک یکدیگر بنشینند که برای زید در نزدیک خلیفه جای نشستن نباشد .

پس زید جای مناسب برای نشستن خود نیافت بهشام گفت : * لیس احدیکبر عن تقوی الله ولا یصغر دون تقوی الله * اکنون تو را ای هشام بتقوی دعوت میکنم از خدا بترس هشام گفت تو خود را شایسته خلافت میدانی و در انتظار آن نشسته‌ای با اینکه تو فرزند کنیزی بیش نیستی .

زید گفت : من کسی را نزد خدا بزرگتر از پیغمبر برگزیده نمی‌شناسم و نبوت از خلافت بالاتر است با اینکه اسماعیل بن ابراهیم که مادرش کنیزی بود بمقام مقدس نبوت مبعوث شد و بعد از همه اینها ای هشام چگونه شایسته خلافت نباشد مردیکه پدرش رسول خدا است و خود فرزند علی بن ابیطالب است .

هشام از جای خود برخاست و فرمان داد تا زید را در شام نگذارند زید از نزد هشام بیرون رفت و گفت : لم یکره قوم قط حرا لسیواف الاذلوا . پس چون بکوفه رسید مردم کوفه اورا گفتند حاضریم در راهت جان سپاریم و با اصرار تمام با

او بیعت نمودند ولیکن آخر بیعت را شکسته و گرفتار دشمنش ساختند تا کشته شد و سپس بدارش آویختند چهار سال بدنش بالای دار ماند و یک نفر از آن مردم که با او پیمان بسته بودند بادرست یازبان کمکش نکردند .

چون خبر شهادتش به امام جعفر صادق علیه السلام رسید سخت اندوهناک شد و آثار شکستگی خاطر در آن حضرت هویدا گشت و هزار دینار در میان خانواده های کسانی که بازید شهید شده بودند تقسیم فرمود :

مسعود سعد سلمان چه خوش سروده است :

گمان بری که وفاداردت سپهر مگر	تو این گمان مبرو در وقاحتش بنگر
چه شوخ جانورانیم راست پنداری	ندیده ایم حوادث نخوانده ایم عبور
فساد چرخ نبینیم و نشنویم همی	که چشمها همه کور است و گوشها همه کر
بهائیم و وحوشیم نه نه این و نه آن	که در بهائم حزم است و در وحوش حذر
بسا کسا که مه و مهر باشدش بالین	که عاقبت ز گل و چوب گرددش بستر
اگر ز آهن و فولاد سفته حصن کنی	چو حال آید دست اجل بکوبد در
بروشنی و بخوش عیشیت مشو غره	که ظلمت از پس نور است و زهر زیر شکر
براهت اندر چاه است سر نهاده متاز	بجامت اندر زهر است ناچشیده مخور
مرحوم سید حسین صاحب نخبة المقال از طرف مادر باسی و یک واسطه بجناب	
ابراهیم بن موسی بن جعفر علیهما السلام میرسد .	

مفید در ارشاد می نویسد : ابراهیم بن موسی بن جعفر مردی سخی و کریم بود در ایام مأمون از طرف محمد بن زید بن علی بن حسین که ابوالسرایا با او بیعت کرده بود حاکم و امیر یمن شد و زمانی که ابوالسرایا کشته شد و طالبین متفرق شدند مأمون ابراهیم را امان داد .

تاج الدین ابن زهره حسینی در کتاب غایة الاختصار در ذکر اجداد سید مرتضی و رضی در احوال ابراهیم بن موسی الکاظم (ع) می نویسد : امیر ابراهیم سیدی جلیل

وامیری نبیل وعالم وفاصل بود از پدرانش حدیث روایت نموده .

ابراهیم عاقبت در بغداد در گذشت وقبرش در جوار پدر بزرگوارش در مقابر قریش است . مرحوم سید حسین بروجردی از علماء وبزرگان قرن سیزدهم هجری است .

در ۲۳ شوال سال ۱۲۳۸ هجری دربروجرد متولد شد واز پدری بوجود آمد که او نیز درعصر خوداز مفاخر این شهر بشمار رفته وبطوریکه مرحوم محدث قمی در فوائد الرضویه ص ۱۵۵ می نویسد : مرحوم سید محمد رضا والد ماجد سید حسین از علامه بزرگوار سید عبدالله شبر (۱) مجاز بوده وبهمین مطلب سید حسین خود در نخبة المقال تصریح کرده :

وابن الرضا الشبر ذوالمحماد صنف مکثراً اجاز والدی

مرحوم سید حسین در نخبة المقال در تاریخ ولادت خود گوید :

وابن الرضا مصنف الكتاب ارشده الله الى الصواب

ومولدی اخیر من شوال فاختم لی اللهم بالصواب

جمله «اخیر من شوال» که مطابق است با عدد ۱۲۳۸ تاریخ میلاد او است بنابراین گفتار عمر رضا کحاله در معجم المؤلفین جلد چهارم ص ۷ که تاریخ ولادت سید حسین را مردد بین سال ۱۲۲۸ و ۱۲۳۸ ذکر نموده خلاف تحقیق است وهم چنین

(۱) سید عبدالله شبر محدث جلیل وفقیه خبیر ومتبع نبیل در عصر خود به مجلسی ثانی مشهور بوده متجاوز از پنجاه تألیف دارد . گویند صاحب مقایس شیخ اسدالله از سید عبدالله شبر علت توفیق در تألیف کتب کثیره را سؤال کرد .

در جواب گفت امام کاظم علیه السلام را در خواب دیدم بمن قلمی داد وفرمود بنویس از آن وقت موفق شدم بتألیف وهرچه از قلم من خارج شود از برکت آن قلم است .

هر بوی که از مشک قرنفل شنوی از دولت آن زلف چو سنبل شنوی

مرحوم شبر در سال ۱۲۳۰ در کاظمین در گذشت .

گفتار آیه الله مرعشی در حواشی نخبة المقال که ولادت سید حسین را در ماه رجب سال ۱۲۲۸ ذکر نموده مخالف گفتار خود ناظم است و باضافه آیه الله مرعشی در جای دیگر تصریح کرده برخلاف قول سابق خود میگوید :

وكان ميلاده لسبع ليال يقين من شوال المكرم .

مرحوم سید حسین تحصیلات مقدماتی و نهائی را در بروجرد زاد گاهش در محضر اساتید بزرگ آن عصر بیابان رسانید و برای تکمیل بیشتر بعبثات عالیات مسافرت نمود و از اساطین و اکابر نجف اشرف استفاضه کرد تا هنگامیکه خود از افاضل عصر بشمار رفت .

دانشمندان رجال و ارباب تراجم احوال، همگی او را به فضیلت و عظمت ستوده اند. حاج سیدعلی اصغر موسوی جابلقی بروجردی فرزند حاج سید شفیع که ترجمه اش ذکر شد در طرائف المقال که در سال ۱۲۹۴ قمری از تألیف آن فارغ شده و مقداری از آن در هند بطبع رسیده در باب اول می نویسد :

*السید حسین بن السیدرضا البروجردی کان عالماً جلیلاً و فقیها نبیلاً مجتهداً فی الاصول والفقه و الرجال بل التفسیر و غیرها من العلوم فی غایة الزهد من اجلاء تلامذة الوالد وله منه اجازة . *

و در خاتمه طرائف در امر اول در ضمن نامها و اسماء مؤلفین در رجال می نویسد :

*ومنهم السید السند والركن المعتمد الولی المسدد الاخ الروحانی والمحقق الصمدانی المؤید بالتأییدات لجمع الكمالات ومنبع السعادات السید حسین بن السید رضا الحسینی الهاشمی جعل الله الجنة مثواه وهذا السید کان فاضلاً جلیلاً و عالماً نبیلاً و رعاً کثیر الاشتغال متحرزاً عن الاشتغال مرجعاً للطلاب و متبوعاً لاولی الالباب مطاعاً لغالب الاصحاب فی بلدة بروجرد مجتهداً مع اطلاع بالقواعد الرياضية و الهيئة و علم الحساب و علم التفسیر و علوم الاداب جامعاً للفنون و حافظاً للرجال و الدراية و قد افرط فی الاشتغال لیلاً و نهاراً الى ان بلغ الغایة و تجاوز النهاية و ترقى من

حضیض التقليد الی مراتب الاستنباط والاجتهاد فاستجاز من الوالد طاب ثراه فاجازه
اجازة اجتهاد وروایة كما هو دأب المشايخ و الاساتید حفظاً لاتصال الاسانید و صوتاً
لها من الارسال والانقطاع * .

اعتماد السلطنة درمآثر و آثار ص ۱۷۸ می نویسد : آقاسید حسین بن سید رضا
بروجردی در اصول و رجال از جمله شاگردان سید جاپلقی بوده و در تفسیر و حدیث
بر سید دارابی تقلید نموده و در عداد نبهای فقهاء بشمار می آید .

محدث قمی در فوائد الرضویه ص ۱۵۵ می نویسد : الحسین بن محمد رضا
الحسینی البروجردی سید جلیل عالم نبیل شاعر فاضل مفسر ماهر تا آنجا که گوید :
وله فی مدح امیر المؤمنین علیه السلام :

یا و اصف المرتضی قد صرت فی تبه	هیئات هیئات مما قد تمنیه
هو الذی کان بیت الله مولده	وصاحب البیت ادری بالذی فیہ

وله ایضاً :

یا لائمى فی علسی لاتعادیه	فانه منشأ الاشیاء و منشیه
مهلا الی الحشر یوماً اذا قول لکم	فذلکن الذی لمتننی فیہ

آیه الله سید شهاب الدین مرعشی نجفی قمی در حواشی نخبة المقال می نویسد :
* هو العلامة السید حسین جمال الدین بن العالم الجلیل السید محمد رضا الحسینی
البروجردی الفقیه الاصولی الحکیم المتکلم الرجالی المفسر الادیب الشاعر البارع .

اساتید سید حسین

مرحوم سید حسین بروجردی ذخائر علمی خود را از بسیاری ازا کابر و اعظم
عصرش در بروجرد و نجف فرا گرفت ولیکن بیشتر استفاضه اش از محضر چند تن از
شخصیتهای ممتازی است که ذیلاً ذکر می شوند :

۱- حاج ملا اسد الله حجة الاسلام بروجردی که شرح حالش جداگانه ذکر شد،

۲- سید جعفر کشفی بروجردی که شرح حال او نیز ذکر شد . درنخبة المقال در ترجمه استاد گفته:

سیدنا الاصفی الجلیل جعفر ابن ابی اسحاق المفسر

۳- حاج سید شفیع جابلقی بروجردی ترجمه اش جداگانه ذکر شد .

۴- شیخ حسن بن شیخ جعفر کاشف الغطاء . وی از مفاخر علماء امامیه است که قبل از بیست سالگی بحد اجتهاد رسیده و برأی خود عمل می کرد .

شیخ حسن در سال ۱۲۰۱ هجری قمری متولد شد و شیخ محمدرضا نحوی در تاریخ میلادش گفت :

اهلاً بمولودله التاريخ قد انبته الله نبأاً حسناً

۱۲۰۱

پس از نشوء و نما و رسیدن بحد تمیز، به تحصیلات علمی شروع و در اندک مدتی مدارج مقدماتی و سطوح را به پیمود و به مدارج نهائی رسید . وی ذخائر و جواهر علمی را از پدرش مرحوم شیخ جعفر کاشف الغطاء و برادر خود شیخ موسی و سید جواد عاملی و شیخ اسدالله کاظمی و سید عبدالله شبر فرا گرفت تا خود از اعظام عصر و مفاخر دهر شد .

وی پس از درگذشت برادرش شیخ علی کاشف الغطاء با کمک مرحوم صاحب جواهر حوزه علمیه را اداره می کرد .

در قضیه نجیب پاشا عثمانی که در سال ۱۲۵۹ پس از آنکه کربلارا غارت و قتل عام کرد، عازم نجف شد تنها کسی که جلوی طغیان والی را گرفت مرحوم شیخ حسن بود در سال ۱۲۶۰ قمری والی بغداد مجلسی تشکیل داد تا دانشمندان فریقین باعلی محمد باب شیرازی مباحثه کنند و آن روز مقدم بر علماء شیعه مرحوم شیخ حسن بود . آن مرحوم در آن مجلس اعلام شریعت را بیا و روی مسلمین مخصوصاً شیعه را روشن و سفید فرمود .

آثار علمی وی بسیار است از جمله : تکمله بغیة الطالب . شرح مقدمات کشف

الغطاء . رساله در امامت. رساله در مکاسب تاخيارات، رساله درزکوة وخمس وصوم استدلالی . ومهمترین تألیفاتش انوار الفقاهه است که حاوی جمیع ابواب فقهاست جز صید وذباحه وسبق ورمایه و حدود و دیات .

مرحوم شیخ حسن کاشف الغطاء شاگردان مبرزی تربیت کرد از جمله شیخ عبدالرحیم بروجردی که پیش از این ذکر شد و دیگر مرحوم سید حسین بروجردی که در نخبه المقال تصریح به تلمذ خود در محضر شیخ حسن نموده :

و شیخنا ابن الشیخ جعفر حسن منه استفدنا برهه من الزمن

آیه الله سید شهاب الدین مرعشی در ذیل این شعر از نخبه المقال می نویسد :

* هو العلامة الفقیه الشیخ حسن بن فقیه الامامیه الشیخ جعفر کاشف الغطاء و کان الشیخ حسن من اجله عصره .*

وی در ذیقعه یاد ۲۷ شوال سال ۱۲۶۲ در طاعون عراق در گذشت و قبل از مرگش گویند پیش گوئی وفات خود را نمود .

حاج مولی نصر الله تراب در فولی در لمعات البیان پس از شرح مختصری از حالات شیخ حسن گوید : وبائی در نجف حادث گردید و من اخوف میخواستم بیرون بروم کتابی در نزد شیخ حسن بن کاشف الغطاء استادم داشتم برای گرفتن کتاب خدمت اورفتم کتاب را بمن داد و فرمود : هذا آخر ملاقاتی لك یعنی این آخرین دیدار است عرض کردم : من طرفی او من طرف جنابك آیامن از دنیا میروم قبل از شما یا جناب شما فرمود : بلکه از جانب من فراق و جدائی شود .

همان روز بیرون شدم در میان راه در کشتی خبر وفات آن مرحوم را شنیدم .

۵ -- شیخ محمد حسین صاحب فصول - ترجمه مختصری از او در ردیف استادان مرحوم شیخ عبدالرحیم بروجردی ذکر شد .

۶ -- شیخ محمد حسن صاحب جواهر فرزند باقر بن شیخ عبدالرحیم بن آقا محمد ابن ملا عبدالرحیم شریف اصفهانی از ارکان علمای امامیه و اساطین فقهائ اثنی عشریه

که مراتب کمالات او مسلم عامه و خاصه و ریاست مذهبی عموم امامیه از عرب و عجم به اوج منتهی گشت .

شرح احوال او بمناسبت ترجمه یکی از نوادگان بافضیلتش در بروجرد - شیخ علی جواهری - ذکر می شود .

مرحوم سید حسین بروجردی مدتی نیز از محضر پر فیض صاحب جواهر استفاضه و بشاگردی خود در نخبه المقال تصریح کرده :

ثم محمد حسن ابن الباقر شیخ جلیل صاحب الجواهر
منه استفدنا برهه مما سلف کان وفاته (علا ارض النجف)

۱۲۶۶

مؤلفات و مصنفات سید حسین بروجردی

آثار علمیه و مؤلفات نفیسه مرحوم سید حسین بسیار است و بعض آنها به قرار ذیل است .

۱ - نخبه المقال فی علم الرجال، این کتاب منظومه ایست در بحر رجز شامل ۱۳۱۳ بیت در روایان موثق و علماء و مشایخ حدیث امامیه مرتب به ترتیب حروف تهجی در سال ۱۲۶۰ قمری از تألیف آن فارغ شده و ماده تاریخ ختم و شماره ابیات خود را ذکر نموده :

عده ازیں با لغرائب تاریخه (باسم الامام الغائب)

۱۲۶۰

۱۳۱۳

این کتاب در سال ۱۳۱۳ قمری در تهران چاپ شده .

و در سال ۱۳۷۸ نیز قسمتی از این کتاب با توضیحات آیه الله نجفی مرعشی و بنام منیه الرجال در قم طبع شد .

مرحوم سید حسین در این کتاب مجاہیل و بعض متاخرین را ذکر نکرده و لذا

بنا بنقل مرحوم آقابزرگ تهرانی در الکرام البرره جلد دوم ص ۳۹۱ ملا علی بن عبد الله ابن محمد ابن محب الله بن محمد جعفر علیاری قراجه داغی تبریزی متوفی سال ۱۳۲۷ قمری. منظومه سید حسین را بمنظومه ای بنام منتهی المقال فی تتمه زبدة المقال تتمیم نموده و سپس اصل و تتمه را شرح کرده بنام بهجة الآمال فی شرح زبدة المقال و منتهی الآمال فی علم الرجال در ۵ مجلد سه جلد از آن شرح منظومه سید حسین بر و جردی است و دو جلد آن شرح تتمه است و در سال ۱۳۱۸ قمری از جلد پنجم فارغ شده . و سپس فرزندش میرزا محمد حسن علیاری مجلدات پنجگانه را مختصر نموده و با اسم مختصر المقال نامیده است .

۲- مستطرات، در این کتاب دانشمندان و راویانیکه بکنیه یا لقب و نسب شهرت یافته اند و در نخبه المقال یادآوری نشده اند درج شده و باضافه مصطلحات مرحوم علامه مجلسی رادربحار و فیض کاشانی رادروافی در تعبیر از رجال نقل نموده و توضیح داده ، این کتاب نیز بضمیمه نخبه المقال چاپ شده .

۳- الصراط المستقیم فی تفسیر الکتاب الکریم، این تفسیر سه جلد است . جلد اول چهارده مقدمه است و مقدمه یازدهم در جمع قرآن و کیفیت آن در حدود چهارصد صفحه است جلد دوم تفسیر فاتحه الکتاب در حدود دویست صفحه . این جلد رادرتاریخ پانزدهم ذیقعد سال ۱۲۷۱ شروع کرده است . جلد سوم از آغاز سوره بقره تا آیه ۱۶۶ در سال ۱۲۷۵ قمری آنرا شروع نموده .

نسخه ای از این تفسیر نزد نواده های مرحوم سید حسین مؤلف کتاب موجود است و نسخه ای نیز بنقل مرحوم آقابزرگ در مکتبه سبط مرحوم حاج شفیع حاج آقارضا بوده است .

۴- تفسیر سوره مبارکه سمیحه اسم ربك الاعلی . این تفسیر قریب ۱۳۰۰ بیت می باشد .

۵- تفسیر آیه مبارکه الله نور السموات والارض الخ .

۶- تعلیقات در اصول بر کتاب قواعد الشریفه استادش حاج سید شفیع جابلقی

۳۶۲	قرن سیزدهم	تاریخ بروجرد
-----	------------	--------------

بروجردی .

۷- دیوان شعر .

۸- رساله امر بشیء مقتضی نهی از ضد است . نسخه‌ای از این رساله نزد نگارنده موجود است .

۹- تعلیقات تفسیریہ بر تفسیر قاضی بیضاوی.

۱۰- مقیاس المدرایه فی احکام الولاية . نسخه‌ای از این رساله نزد نگارنده موجود است .

وفات سید حسین بروجردی

تاریخ وفات مرحوم سید حسین را باختلاف نگاشته‌اند ، آیه الله مرعشی ۱۲۷۷ نوشته نویسنده فهرس کتابخانه رضوی وفات او را مردد بین ۱۲۷۷ و ۱۲۸۴ نوشته نویسنده فهرس کتابخانه مدرسه فیضیه قم وفاتش را در سال ۱۲۷۷ ذکر نموده .
ماده تاریخی در تاریخ وفاتش گفته‌اند :

بدر سماء العلم والرجال ونجم العلم غائب فی حال

ماده تاریخ وفات در مصراع اخیر است و آن جمله «ونجم العلم غائب» می باشد ولیکن بادقت اگر حساب کنیم این جمله با هیچ يك از گفته های فوق مطابق نیست زیرا ما قبل باء و او کلمه غایب اگر یا ، حساب کنیم که نماینده عدد ۱۰ می باشد مطابق است با ۱۲۸۳ و اگر الف حساب کنیم که نماینده عدد يك می باشد مطابق است با ۱۲۷۴ مگر آنکه جمله نجم العلم غایب بدون حرف و او ماده تاریخ باشد و غایب نیز با یاء خوانده شود که در این صورت مطابق است با ۱۲۷۷ و کلمه حال مدت عمر او می باشد که ۳۹ سال باشد .

در لغت نامه دهخدا حرف حاء ص ۶۴۶ وفات سید حسین را سال ۱۲۷۶ قمری ذکر نموده و در جای دیگر از همان کتاب ۱۲۸۴ قمری - ۱۸۶۷ میلادی یاد کرده است .

والله العالم .

جنازه مرحوم سید حسین رابه نجف اشرف حمل نمودند و در آن خاک پاک
دفن شد .

فرزندان و نوادگان مرحوم سید حسین

از فرزندان مرحوم سید حسین تنها يك نفر معروف است و آن مرحوم حاج
سید نور الدین است که از علماء قرن سیزدهم و چهاردهم هجری بود و پس از پدر
مورد توجه و احترام مردم بوده و بمناسبت نام او نوادگان مرحوم سید حسین به لقب
نوری معروف و ملقبند .

مرحوم حاج سید نورالدین مدتی از محضر پدرش مرحوم سید حسین و چندی
نیز از معارف و علوم و اخلاق علامه زاهد و متقی آن عصر مرحوم آخوند ملا عبدالله
استفاده کرد و در سن چهل و چهار سالگی در مدینه منوره درگذشت .

محدث قمی در فوائد الرضویه ص ۱۵۵ می نویسد : فرزند جلیل آقا سید حسین
سید زاهد متقی صالح حاج سید نورالدین بوده که در سفر حج بعد از مراجعت از
بیت الله الحرام در مدینه وفات کرد و فعلاً فرزند او آقا سید عبدالحسین مشغول است
به تحصیل علم و کمال .

آقا سید عبدالحسین نوری بروجردی

آقا سید عبدالحسین فرزند سید نورالدین فرزند سید حسین بروجردی در سال
۱۲۸۶ قمری متولد، سطوح و مبادی علمیه را در بروجرد از اساتید عصرش فرا گرفت
و سپس در سال ۱۳۲۱ برای تکمیل خود در سن سی و پنج سالگی به نجف اشرف
مشرف و در محضر اکابر آن زمان مانند آخوند ملا کاظم خراسانی و سید کاظم

یزدی استفاده کرد و پس از چند سال با ذخائر علمی فراوان بایران و وطن خود بروجرد برگشت .

مرحوم آقا بزرگ تهرانی در قسم سوم از انباء البشر می نویسد : آقا سید عبدالحسین عالمی است بارع و فاضل از آثار او استنساخ کتاب خلاف شیخ طوسی است در سه جلد مورخ سال ۱۳۵۰ و تفسیر سوره سبح اسم ربك الاعلی از تألیفات جدش مرحوم سید حسین بن سید رضا در یک هزار و سیصد بیت سال ۱۳۴۵ قمری از استنساخ آن فارغ شده ، مرحوم سید عبدالحسین نوری در عصر ناسو عا سال ۱۳۷۲ در سن هشتاد و پنج سالگی در بروجرد بعارضه سکتة قلبی در گذشت و در جهان آباد مقبره عمومی این شهر بخاک رفت و سه پسر و ۸ دختر از او بجای ماند .

یکی از پسرانش آقا سید محمد نوری از تجار متدین اکنون در تهران به تجارت مشغول است، دیگر آقا سید محمد حسن عالم و فاضل و متقی مدت بیست و دو سال در نجف اشرف به تحصیل معارف اسلامی و تکمیل مدارج علمی اشتغال داشت و از اساتید بزرگی دروس ادب و فقه و اصول را فرا گرفت و سپس بایران برگشت چندی در بروجرد و پس از آن به تهران مهاجرت نمود و اکنون از فضلا ساکن تهران و از ائمه جماعت مرکز بشمار میرود .



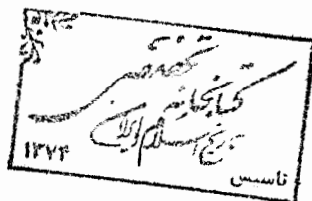
مرحوم سید عبدالحسین نوری مولود ۱۲۶۱ و فوت ۱۳۳۱ در بروجرد به سن ۸۴ سالگی

شیخ حسن بروجردي

شیخ حسن فرزند ملارضا بروجردي از دانشمندان قرن سیزدهم هجری است. معارف و علوم اسلامی را از اساتید معروف مخصوصاً از میرزای قمی فراگرفت و سپس در بروجردي بتدریس و افاضه مشغول و جمعی از افاضل و اعلام از ذخائر علمی او بهره ور شدند از جمله سید علی بن محمد بن ثابت آل کمونه . مرحوم آقا بزرگ تهرانی در الکرام البرره می نویسد :

*الشیخ حسن بن ملارضا بروجردي من العلماء الاعلام وصفه السيد عبد الحسين البروجردی النجفی المتوفی ۱۳۳۵ فی رسالته فی آل کمونه بقوله : العالم الجامع وقال انه كان من تلامیذ المحقق القمی ثم قال : ان والدي السيد علی بن محمد بن ثابت آل کمونه المتوفی ۱۲۹۹ قرء فی بروجردي علی السيد حسین صاحب المنظومة فی الرجال و المولی زین العابدین الکلبایگانی نزیل بروجردي ثم علی المترجم (الشیخ حسن البروجردی)

اقول ومن قوله ثم علی المترجم يظهر انه تلمذ علی الشیخ حسن البروجردی بعد وفاة السيد حسین ویأتی ان وفاة السيد كانت فی ۱۲۷۶ فعليه تكون وفاة المترجم بعد التاريخ *



۹۲

حاج میرزا ابوالقاسم طباطبائی بروجردی

علامه جلیل وسید نبیل حجة الاسلام والمسلمین حاج میرزا ابوالقاسم فرزند سید علی نقی بن سید جواد بن سید مرتضی بن سید محمد طباطبائی بروجردی از اکابر علماء واعاظم فقهاء در قرن سیزدهم هجری است .

وی در شب سه شنبه یازدهم ربیع الاول سال ۱۲۳۰ هجری قمری متولد شد . تحصیلات مقدماتی و سطح و خارج را در محضر اساتید آن عصر مخصوصاً والد ماجدش پایان رسانید و سپس برای تکمیل بیشتر باصفهان مسافرت کرد و از اساطین فضیلت استفاضه نمود . در سال ۱۲۴۹ هجری قمری چنانکه در گذشت والد بزرگوار خود را ازدست داد .

او با اینکه از برادرش مرحوم حجة الاسلام حاج میرزا محمود طباطبائی بزرگتر بود ولیکن در محضر درس معظم له حاضر می شد و افاضات او را می نوشت . مراتب علمیة او مورد تأیید مشارالیه بود و از طرف وی در سن ۲۶ سالگی با اجازه سامیه اجتهاد مفتخر شد .

آن اجازه بخط مرحوم حاج میرزا محمود طباطبائی در حاشیه رساله ای که از تألیفات حاج میرزا ابوالقاسم است مذکور و برای تیمن و تبرک عین آن اجازه کلیشه

اکبر من اخیه السید محمود شارح المنظومة * .

مرحوم آقا بزرگ طهرانی در الکرام البرره می نویسد :

* السید میرزا ابوالقاسم البروجردی کان من علماء بروجرد الاجلاء ومراجع الامور بها * .

مرحوم حاج میرزا ابوالقاسم طباطبائی در سال ۱۲۷۷ هجری قمری در سن ۴۷ سالگی وفات نمود .

مرحوم آیه الله العظمی بروجردی در شجره سادات طباطبائی بروجرد در ص ۳۷ می نویسد :

از حجة الاسلام میرزا ابوالقاسم فرزند میرزا علی نقی بك پسر بنام سید ضیاء الدین وسه دختر بیادگار ماند یکی از آنها بنام حاجیه بیگم آغا همسر حاج آقا علی فرزند سید عبدالوهاب و دیگر بنام حاجیه قمر آغا همسر حاج آقا عبدالحسین ومادر آقا عبد الله وسوم بنام حاجیه گوهر آغا همسر حاج آقا محمد فرزند حاج میرزا محمود بودند . ترجمه سید ضیاء الدین پسر از این ذکر می شود .

شیخ عبدالرحیم بروجردی

شیخ عبدالرحیم علامه بزگوار و فقیه عالی مقدار از اکابر علماء و فحول مجتهدین قرن سیزدهم هجری است. علوم و معارف خود را از اساطین عصر در بروجر و نجف فراگرفت. اساتید بزرگی که از آنها استفاضه نموده بسیارند برای نمونه فقط چند نفر ذکر می شود.

اساتید شیخ عبدالرحیم بروجردی

۱ - مرحوم حجة الاسلام حاج ملاسیدالله که ترجمه اش پیش از این ذکر شد.

۲ - شیخ محمد شریف بیغشی فرزند کربلائی حسن از اهل بیغش که از اعمال ملابراست بوده او در عصر خود به لقب شریف العلماء ملقب شد ولیکن اشتباه نشود این شریف العلماء غیر از شریف العلماء مازندرانی معروف است که استاد حاج سید شفیع جابلقی است و ترجمه اش بعد از این ذکر می شود.

مرحوم آقا بزرگ تهرانی در الکرام البرره می نویسد: محمد شریف بن کربلائی حسن بیغشی از شاگردان حاج ملاسیدالله حجة الاسلام بروجردی است اعتماد السلطنه

درمثنای آثار می نویسد: بزرگان علماء در امروز افتخار بشاگردی وی دارند مانند شیخ عبدالرحیم بروجردی در تهران و شیخ عبدالرحیم بروجردی در خراسان و سید محمد باقر عراقی و سید محسن عراقی و میرزا ضیاءالدین نزیل قلعه از اعمال بروجرد و ملا احمد خوانساری نزیل ملایر و سیدعلی بروجردی.

از سخنان اعتماد السلطنه معلوم می شود که محمد شریف بیغشی در موقع تألیف کتاب مثنای آثار یعنی سال ۱۳۰۶ قمری زنده بود: است.

۳- شیخ حسن بن شیخ جعفر کاشف الغطاء صاحب انوار الفقاهة در سال ۱۲۶۲ هجری قمری در گذشت شرح حالش بمناسبت احوال اساتید سید حسین بروجردی صاحب نخبه المقال ذکر می شود.

۴- شیخ موسی فرزند شیخ جعفر کاشف الغطاء از رجال علم و مفاخر شیعه در قرن سیزدهم است. او عالمی محقق و فقیهی مدقق و کثیر الاحتیاط، در عصر خود بی نظیر بوده. او در مراتب سامیه علمی بحدی رسید که پدرش او را بر جمیع فقههای شیعه غیر از محقق و شهید اول ترجیح داده.

گویند روزی از شیخ جعفر پرسیدند افقه مردم کی است گفت من و فرزندم موسی و شهید اول جعفر الشیخ باقر در ماضی النجف جلد سوم ص ۲۰۰ می نویسد: پس از وفات شیخ جعفر کاشف الغطاء با آنکه در بین شاگردان او و علامه سید بحر العلوم فضیلتی نامداری وجود داشت مع ذلك مردم در تعیین اعلم سرگردان و مردد بودند تا آنکه مرحوم میرزای قمی بعتبات عالیات آمد مردم از او خواستار تعیین اعلم شدند.

محقق فرمود من چند مسئله می نویسم و جواب مسائل را از چند نفری که در نظر هست که شیخ موسی نیز یکی از آنان می باشد می خواهم و از جواب های آنها اعلم معلوم می شود.

آن چند نفر جواب مسائل را نوشتند محقق امر فرمود تا مردم در صحن مطهر گرد

آیند سپس بر منبر رفت و فرمود در این محضر و محل شریف شهادت می‌دهم که مرجع عام و حجت خدا بر شما شیخ موسی فرزند شیخ جعفر است . ان حجة الله علیکم
الشیخ موسی ابن الشیخ جعفر وانه افضل الكل واعلم الكل .

پس از مرگ شریف العلماء مازندرانی علماء و فضلائیکه همه از شریف استفاده می‌بردند از کر بلا به نجف مهاجرت نمودند و پروانه صفت گردش مع وجود شیخ موسی در حرکت آمدند و جمیع علماء از وی اطاعت نمودند و لذا او را سلطان العلماء گفتند
مرحوم شیخ موسی در سال ۱۲۴۱ در گذشت .

۵- شیخ عالی کاشف الغطا فرزند شیخ جعفر عالم و فاضل و زاهد و مجتهد
مورد وثوق خاص و عام پس از پدرش شیخ جعفر و برادرش شیخ موسی سابق
الذکر ریاست باو منتهی شد در حوزهٔ درسش زیاده از يك هزار نفر عرب و عجم
شرکت داشتند .

۶- شیخ محمد حسن صاحب جواهر متوفی در سال ۱۲۶۶ شرح حالش در
ضمن اساتید سید حسین صاحب نخبه المقال ذکر می‌شود .

۷- شیخ محمد حسین صاحب فصول فرزند عبدالرحیم اصفهانی برادر شیخ
محمد تقی صاحب شرح معالم . او از اکابر علماء امامیه در اواسط قرن سیزدهم هجری
است . فقیه اصولی محقق مدقق جامع معقول و منقول و حاوی فروع و اصول و صاحب
فکری بس عمیق بوده .

مدرس تبریزی در ریحانة الادب جلد دوم ص ۴۳۴ می‌نویسد : کتاب فصول
در تحقیقات انبیه و تدقیقات رشیه اجمع و اکمل کتب اصولیه بوده و محل استفاده
اکابر و فحول و فهم مطالب آن و تفتن بر نکات دقائق آن مایهٔ افتخار افاضل می‌باشد
و از آن رو که این کتاب حاوی بعضی از مطالب حکمت و معقول نیز می‌باشد لذا
فهم و تدریس مقاصد آن بی اطلاع از اصطلاحات معقولی مشکل بلکه خارج از امکان
عادی است .

صاحب فصول در طعن و تشنیع بر شیخیه و اتباع شیخ احمد احسائی اهتمام تمام داشته و آشکارا اظهار تبری از عقائد ایشان میکرده است .
مرحوم سید حسین بروجردی در نخبه المقال می گوید :

اخو التقی قدوة الفحول مصنف الفصول فی الاصول

وی در سال ۱۲۶۱ هجری قمری در کربلای معلی درگذشت و در بقعه صاحب ضوابط دفن شد .

مرحوم شیخ عبد الرحیم بروجردی از اساطین نامبرده در سابق استفاضه کرد تا به مراتب عالی و درجات سامیه اجتهاد رسید و تهران را برای اقامت اختیار کرد .
و مورد تعظیم و احترام خاص و عام شد . علماء رجال و تاریخ معاصر و متأخر او را به اجتهاد و فقاہت و تبحر و جلالت وصف کرده اند .

اعتماد السلطنه در المآثر و آثار می نویسد : شیخ عبدالرحیم بروجردی از اجله مجتهدین دار الخلافه تهران بوده و میرزا تقی خان امیر نظام اتابك اعظم (۱) در

(۱) میرزا تقی خان امیر کبیر از بزرگترین رجال دوره اخیر تاریخ ایران است .

وی اصلاً از مردم هزازه از قرای فراهان پدرش کربلائی قربان ابتدا در خدمت میرزا ابوالقاسم قائم مقام ثانی سمت آشپزی و بعد ناظری داشته و امیر کبیر هم از جوانی در دستگاه قائم مقام تربیت شد و از منشیان زبردست او شد سپس در خدمت میرزا محمدخان زنگنه امیر نظام بمعاونت رسید و بلقب وزیر نظام ملقب شد .

شهرتش هنگامی شروع شد که با خسرو میرزا مأمور بطرز بورك شد و در طی سفارت عثمانی و بستن معاهده دوم ارزنة الروم و بر اثر کفایتی که از وی در ایام اقامت در آن شهر بروز کرد نام او بهمة گوشها رسید .

پس از مرگ محمدشاه در سال ۱۲۶۴ هجری امیر نظام ناصرالدین شاه را که در تبریز بجای پدر جلوس کرده بود در ۲ ذی قعدة بطهران آورد و شاه با و لقب اتابك اعظم داد و او را بصدارت برگزید سال بعد خواهرش را با امیر کبیر داد .

۳۷۶	قرن سیزدهم	تاریخ بروجرد
-----	------------	--------------

اوائل امر صدارتش نسبت بوی اظهار عقیدت میکرده است ولیکن گویند بموجبی سخت از او بر مید و اعتقادش منفسخ گردید .

مرحوم آقا بزرگ تهرانی در الکرام البررة می نویسد :

* الشیخ عبدالرحیم بروجردی عالم کبیر و فقیه جلیل کان من مشاهیر طهران و رجال العلم الافاضل فیها .

علامه نوری در مستدرک الوسائل جلد سوم ص ۸۷۷ می نویسد :

* العالم الفقیه النبیة الحاج شیخ عبدالرحیم البروجردی طاب ثراه والد ام اولادی و کان من الفقهاء المتبحرین والعلماء البارعین *

تنکابنی (۱) در قصص العلماء می نویسد : حاج محمد کریم خان قاجار کرمانی (۲)

در مدت کوتاه صدارتش (سه سال و سه ماه) در راه ترقی و تعالی ایران خدمات ارزنده انجام داد و لیکن متأسفانه بدخو اهان و حسودان سعایت کردند تا ناصرالدین شاه فرمان داد در ۱۸ ربیع الاول سال ۱۲۶۸ قمری در حمام فین کاشان او را کشتند .

(۱) میرزا محمد بن سلیمان تنکابنی از دانشمندان اوائل قرن چهاردهم هجری است . فقیه ، اصولی ، ادیب و شاعر از شاگردان صاحب ضوابط است مؤلفات بسیاری دارد که اشهر از همه قصص العلماء است که در حدود ۲۰۰ نفر از علما و مشایخ اجازات را در آن ترجمه کرده تنکابنی در سال ۱۳۰۲ هجری قمری درگذشت .

(۲) حاج محمد کریم خان بن ابراهیم قاجار کرمانی از بزرگان قرن سیزدهم و در جمیع فنون عقلیه و نقلیه دعوی استادی می نمود بعد از سید کاظم رشتی گروهی بروی گرویدند و او را رکن رابع از اصول عقائد خویش گرفتند .

او در ۱۸ محرم ۱۲۲۵ متولد و در شعبان ۱۲۸۸ در راه مکه درگذشت و جماعت شیخیه بعد از او دو فرقه شدند عده ای حاج محمد رحیم خان فرزندش را رکن رابع دانستند و جمعی حاج میرزا محمد باقر همدانی را رکن رابع گرفتند .

که از شاگردان سید کاظم و مؤسس رکن رابع است بدار الخلافه آمد علماء ترك دید و بازدید او نمودند روزی در منزل معتمد الدوله عباسقلی خان جوان شیر بود .

شیخ عبدالرحیم فقیه بروجردی که از تلامذه شیخ موسی و شیخ علی محقق ثالث است بدیدنش رفت حاج محمد کریم خان بشیخ گفت ما وارد دار الخلافه شدیم علماء را هم خبر کردند ولیکن باما مر او ده نکردند گویا مارا ضال و مضل میدانند .

حاج شیخ عبدالرحیم کلامی گفت که حاصلش این است : ضال بودن را نمیدانم اما در مضل بودن شما خلاقی نیست زیرا شما در کتاب مرشد العوام نوشته و مکرر بالای منابر گفته ای که علماء این عصر کلمات و مطالب مارا نمی فهمند و بدین سبب مارا تکفیر میکنند و شکی نیست که کلمات و اخباریکه علماء عصر بامهارتشان در علم قدرت درك و فهم آن را نداشته باشند چنین سخنان و کلمات را در کتاب فارسی نوشتن و چاپ کردن و بدست عوام دادن و بر بالای منابر در محضر اکابر و اصاغر و عوام و خواص اظهار نمودن قطعاً موجب گمراهی و اضلال است مگر از ائمه علیهم السلام نقل نشده :

كلم الناس علی قدر عقولهم .

و نیز فرموده اند : ما كل ما يعلم يقال ولا كلما يقال حان وقته .

حاج محمد کریم خان گفت امیر المؤمنین علیه السلام خود بالای منبر می فرمود :

انا خالق السموات و الارضین با اینکه عوام و خواص نشسته بودند پس آنهم اضلال است .

شیخ عبدالرحیم فرمود چرا شما باید بچنین خبر معتقد باشید در آن عهد که بعضی مانند اهل شام العیاذ بالله علی را کافر می دانستند و بعضی دیگر او را خلیفه چهارم و نادری او را خلیفه بلا فصل در چنین عصری چگونه می شود که آنحضرت بالای منبر بگوید من خالق آسمانها و زمین ها هستم اگر چنین سخن میگفت قطعاً او را می کشتند . مرحوم حاج شیخ عبدالرحیم بروجردی در پنجشنبه ۱۶ رمضان سال ۱۲۷۷ در گذشت .

شاگردان حاج شیخ عبدالرحیم

مرحوم حاج شیخ عبدالرحیم بروجردی در تهران به تدریس و افاضه اشتغال داشت و حوزه در سیش در آن عصر کمأ و کیفأ از حوزه های مهم بشمار میرفت و جمعی از اکابر از محضر پر فیضش استفاده کرده اند که برای نمونه چند نفر ذکر می شود :

۱- علامه محدث نوری حاج میرزا حسین بن محمدتقی طبرسی که اضافه بر شاگردی بدامادی مرحوم حاج شیخ عبدالرحیم بروجردی نیز مفتخر شد .
 علامه نوری از اکابر وثقات و شخصیت های ممتاز عصر حاضر قرن چهاردهم هجری است .

مدرس تبریزی در ریحانة الادب جلد دوم ص ۴۴۰ می نویسد :

صاحب مستدرک الوسائل عالم ربانی قدوسی صاحب فیض قدسی صفوة خاتم الفقهاء والمحدثین المتقدمین والمتأخرین ناشر آثار الائمة الطاهرین حاج میرزا حسین ابن محمدتقی ابن میرزا محمدعلی نوری طبرسی از وثقات و اکابر علمای امامیه اثنی عشریه اوائل قرن حاضر چهاردهم هجرت . فقیه ، محدث ، متببع ، مفسر ، رجالی ، عابد . زاهد ، متورع ، متقی ، و مقام قدس و تقوی و ورع و عبادت و کمالات نفسانیه وی معروف و در علم حدیث و تفسیر و معرفت احوال طبقات محدثین و روایات و تراجم احوال علمای اسلام بی نظیر و در ترویج اصول مذهب جعفری و تشیید مبانی طریقت حقه اثنی عشری و نشر آثار ائمة اطهار علیهم السلام اهتمام تمام بکار برده و کمتر کسی بیایه خدمات دینیة وی موفق گردیده و در حقیقت تالی محمدین ثلثه و ثالث مجلسیین بوده بلکه از اعظام اساتید وقت به مجلسی هم ترجیحش می دادند .

او از مشایخ اجازه علامه معاصر متببع شیخ آقابزرگ تهرانی و محدث معروف حاج شیخ عباس قمی و بسیاری از معاصرین بوده .

مرحوم محدث قمی که خود از شاگردان علامه نوری است در فوائد الرضویه ص ۱۴۹ در ترجمه استاد می نویسد :

*شیخنا الاجل الاعظم و عمادنا الرفع الاقوم صفوة المتقدمین والمتأخرین خاتم الفقهاء والمحدثین سحاب الفضل الهاتل وبحر العلم الذی لیس له ساحل مستخرج کنوز الاخبار ومحیی ما اندرس من الآثار کنز الافاضل ونهرها الجاری شیخنا ومولانا العلامة المحدث الثقة النوری * .

در ۱۸ شوال سال ۱۲۵۴ در یکی از قرای نور مازندران متولد شد و در تهران بر عالم فقیه جناب حاج شیخ عبدالرحیم بروجرودی والدعیال خویش تلمذ کرد و در سال ۱۲۷۸ هجری بعراق عرب هجرت فرمود .

وی قبل از مهاجرتش بعراق در سال ۱۲۷۳ چنانچه خود در آخر مستدرک فرموده با استاد و پدرزنش مرحوم حاج شیخ عبدالرحیم به نجف اشرف مسافرت میکند. مرحوم حاج شیخ عبدالرحیم پس از زیارت بر میگردد ولیکن مرحوم نوری برای تکمیل مراتب علمی اقامت کرد تا چهار سال بعد یعنی سال ۱۲۷۷ که استادش مرحوم حاج شیخ عبدالرحیم بروجرودی در گذشت .

وی از عراق به تهران بر میگردد و پس از چند ماه دیگر بعثیات مراجعت و ملازم شیخ عبدالحمین تهرانی و مدتی در کربلا مقیم و سپس دو سال در کاظمین اقامت کرد و در سال ۱۲۸۰ بحج مشرف و پس از مراجعت بنجف اشرف رحل اقامت افکند و از درس مرحوم شیخ مرتضی انصاری قدس سره مدت قلیلی استفاده میکند و در سال ۱۲۸۴ دوباره به ایران برای زیارت ثامن الحجج علیهم السلام مراجعت و پس از دو سال بعراق بر میگردد و چند سال در سرمن رأی از مرحوم میرزا محمد شیرازی بهره ور می شود .

مرحوم نوری قبل از اینکه در تهران ملازم درس مرحوم حاج شیخ عبدالرحیم بروجرودی شود مدتی در اوائل تحصیلاتش ملازم درس مرحوم ملا محمد علی محلاتی

که از شاگردان حاج ملا اسدالله بروجردی و حاج سید شفیع و حاج شیخ عبدالرحیم بروجردی است بوده .

علامه نوری در ۱۷ یا ۲۷ جمادی الاخره سال ۱۳۲۰ قمری در سن ۶۶ سالگی در نجف اشرف وفات کرد و آثار علمی بسیاری از خود بیادگار گذاشت از جمله مستدرک الوسائل ، و دارالسلام ، و فیض القدسی ، و کلمه طیبه ، و لؤلؤ و مرجان ، و معالم العبر ، و نفس الرحمن ، و نجم الثاقب .

۲- ملا محمد علی محلاتی ترجمه اش در ضمن ترجمه شاگردان مرحوم حجة الاسلام حاج ملا اسدالله ذکر و از محدث قمی در فوائد الرضویه نقل شده که ملا محمد علی محلاتی پس از مدتها استفاده در بروجرد از محاضر پر فیض حاج سید شفیع و حاج ملا اسدالله به تهران مهاجرت کرد .

و عکف علی العالم الفقیه الحاج شیخ عبدالرحیم البروجردی .

ملا محمد علی جمعی از اعظام را تربیت کرد از جمله مرحوم محدث عظیم الشأن علامه نوری که قبلاً ذکر شد چنانچه در مستدرک الوسائل جلد سوم ص ۸۷۸ بآن تصریح کرده و می نویسد .

*توفی والدی العلامة اعلی الله مقامه وانا بن ثمان سنین لاحد یربینی الی ان بلغت اوان الحلم فانعم الله تعالی علی بملازمة العالم الجلیل الفقیه النبیہ الزاهد الورع النبیل المولی محمد علی المحلاتی قدس الله تعالی روحه الزکیة ابن الورع الزاهد آقازین العابدین ابن المرحوم موسی رضا المحلاتی وکان عالماً زاهداً عابداً متبحراً فی الاصول بارعاً فی الفقه مجانباً لاهل الدنیا ولدائنها مشغولاً بنفسه و اصلاح رسمه وکان اعلم اهل زمانه ممن ادر کنتهم فی تدريس الروضة والریاض والقوانین و اترابها لم یدخل نفسه فی مناصب الحكومة و الفتوی و اخذ الحقوق و غیرها و کان اکثر تتلمذه عند العالم الرفیع السید محمد شفیع الجابلقی و علامة عصره الحاج مولى اسدالله البروجردی رحمهما الله * .

۳- شیخ محمد حسن مامقانی - فرزند ملا عبدالله بن محمد باقر در سال ۱۲۳۸ قمری در مامقان متولد شد با پدرش بکر بلارفت و در هشت سالگی پدر را از دست داد صاحب فصول او را تربیت کرد و مدرسی بر ای او تعیین نمود و در مدرسه خان به تحصیل مشغول تا صاحب فصول درگذشت . به نجف مشرف و در آنجا به تحصیلات خود ادامه داد تا در سال ۱۲۵۵ جمعی از اهالی تبریز که زیارت آمده بودند از او استدعاء و خواهش کردند به تبریز برگردد و از طرف مرحوم صاحب جواهر نیز فرمان داده شد به تبریز برود .

فرمان صاحب جواهر را اطاعت کرد و به تبریز مهاجرت نمود مدتی در مدرسه حاج صفر علی به مراتب علمیه خود افزود و در همین مدرسه از معارف علمی مرحوم حاج شیخ عبدالرحیم بروجردی استفاده کرد و از دروس استادش تقریرات صوم را نوشت .

چنانچه مرحوم آقا بزرگ تهرانی در الکرام البرره در ضمن ترجمه حاج شیخ عبدالرحیم بروجردی می نویسد :

*وقد قرء علی المترجم له ایضاً العلامة الشیخ محمد حسن المامقانی فی تبریز و کتب من تقریر بحثه فی الصوم مقدار اجزاء فرغ من کتابتها فی عشر رمضان ۱۲۶۳ ذکر ذلك ولده الشیخ عبدالله المامقانی وقال انه ضمن مجموعة بخط والدی عندی * . شیخ محمد حسن مامقانی در سال ۱۲۷۰ هجری قمری برای بار دوم به نجف اشرف مشرف و بتدریس متون اشتغال ورزید .

شیخ جعفر شیخ باقر در ماضی النجف و حاضرها جلد سوم ص ۲۵۳ می نویسد :
*كان الشیخ حسن المامقانی عالماً نحریراً وفاضلاً خبیراً اصولیاً فقیهاً لغویاً مهذباً فاهماً للاخبار و العبارات معتدلاً السلیقة حسن الطریقة ادیباً لیبياً عالی الهمة زاهداً متقیاً مخالفاً لهواه خشناً فی جنب الله مؤدباً للحقوق موصلها صبوراً متوکلاً

۳۸۲	قرن سیزدهم	تاریخ بروجرد
-----	------------	--------------

عفیفاً عزیز النفس .

در هیجدهم محرم سال ۱۳۲۳ قمری وفات کرد .

۴- سید محمد قاضی - فرزند سید فرج الله دزفولی شرح حالش در جای خود

ذکر میشود .

ملا علی اصغر بروجرودی و ملا مهدی

ملا علی اصغر و فرزندش ملا مهدی از دانشمندان قرن سیزدهم هجری از آثار علمی آنها کتابی است بنام غناء الادیب در شرح مغنی اللیبب تألیف ابن هشام در تاریخ شعبان سال ۱۲۷۷ تدوین شده و پدر و پسر هر دو در تألیف این کتاب شرکت داشتند .

نسخه‌ای از این کتاب در کتابخانه شیخ احمد بیانی مؤلف تاریخ گویندگان اسلام در اصفهان موجود است .

هدایت بروجردی

هدایت فرزند محمدحسین از خطاطان و خوشنویسان قرن سیزدهم هجری است.
از آثار او نسخه ایست از مواهب السنیة تألیف حاج میرزا محمود بروجردی
مورخ بتاریخ ۱۲۷۸ هجری قمری باخط زیبای نسخ .
این نسخه اکنون در کتابخانه مدرسه نوربخش بروجرد موجود است .

حاج ملاعلی بروجرودی

حاج ملاعلی فرزند محمدشریف از اکابر علماء بروجرود و از اعظام مجتهدین در قرن سیزدهم هجری است. در تقوی و امر بمعروف و نهی از منکر و تعصب در دین کم نظیر بوده.

اعتماد السلطنه در متأثر و آثار می نویسد: ملاعلی بروجرودی از جمله فحول مجتهدین عصر محمدشاه است و در حیات حجة الحق فقیه اعلم میرزای قمی بر تبت علیای مصاحرت وی نائل گردید.

مرحوم ملاعلی بروجرودی تحصیلات مقدماتی و سطوح را در بروجرود محضر اساتید آن عصر فراگرفت سپس برای تکمیل خود مسافرتها کرد و از اساتید بسیاری استفاده کرد که بچند نفر اشاره میکنیم:

اساتید حاج ملاعلی بروجرودی

۱- سید میروا ابوالقاسم بن حسین بن میرزا زکی نهاوندی همدانی از علماء برجسته و اکابر قرن سیزدهم هجری بوده و در سال ۱۲۴۰ قمری بدرود حیات گفت. جمعی از علماء از ذخائر علمی او استفاده کردند که از جمله مرحوم ملاعلی

بروجردی بود .

۲- سید محمد مجاهد فرزند سید علی صاحب ریاض از مشاهیر علمای امامیه
اواسط قرن سیزدهم هجری وبمناسبت یکی از تألیفاتش کتاب مناهل در فقه او را بنام
صاحب مناهل می نامند .

علوم و معارف خود را از والد ماجدش سید علی صاحب ریاض و از پدرزنش
مرحوم سید مهدی بحر العلوم فرا گرفت و در حیات پدر از زادگاه خود کربلا به ایران
آمد و در اصفهان اقامت کرد و به تدریس و افاضه مشغول و مرجع استفاده افاضل شد
و کتاب مفاتیح الاصول خود را در آنجا نوشت تا آنکه والدش وفات کرد .

پس از در گذشت او عازم عراق و در کاظمین مقیم و بانجام وظائف مربوطه مشغول
شد تا آنکه فتح علی شاه قاجار تصمیم گرفت با دولت شوروی که دست تعدی بیلا در مسلمین
دراز کرده بجنگد برای اینکه از معنویت سید استفاده کند از او دعوت کرد که در سپاه
مسلمین شرکت کند .

سید محمد اجابت کرده با پانصد نفر از علماء که محقق نراقی نیز در میان آنها بود
حرکت فرمود و در لشکر ایران حاضر شد و بهمین جهت او را سید مجاهد گفتند در این
سفر بی اندازه مورد عنایات ملوکانه و احترام و تعظیم عموم مردم قرار گرفت تا بحدی که
گویند در حوض مسجد شاه قزوین وضو گرفت مردم آن شهر در اندک زمانی تمام آب
حوض را بعنوان تبرک و استشفاء بردند .

مرحوم محدث قمی در فواید الرضویه پس از ذکر داستان فوق می نویسد :
این واقعه شبیه است به داستانیکه ابو الفرج نقل کرده که هنگامیکه نصر بن سیار یحیی
ابن زید بن علی بن الحسین علیهما السلام را در قید و بند زندانی نمود و لید بن یزید بن عبد الملك
ابن مروان امر کرد یحیی را از زندان رها کنند جمعی از متولین شیعه و افراد با ایمان
نزد آهنگری که قید را از پای یحیی بیرون آورد رفتند و خواستار آن قید شدند آهنگر
قید را در معرض مزایده گذاشت تا قیمت به بیست هزار درهم رسید آخر آن قید را

بشرکت خوریده و پاره پاره نمودند و از ذرات آن برای تبرک نگین انگشتر تهیه نمودند. داستان دیگر شبیه داستانهای مزبور این است که دانشمندان عامه در ترجمه ابن تیمیه احمد بن حلیم حنبلی نقل کرده اند که وقتی در بیستم ذی القعدة سال ۷۲۸ در شام یادر مراکش فوت کرد زیاده از دویست هزار نفر مردوزن در تشییع جنازه اش حاضر شدند و جمعی آب غسل او را برای تبرک آشامیدند و سدریکه باقی ماند بین خود تقسیم کردند و طاقه ای که بر سر داشت به پانصد درهم خریدند.

سید محمد مجاهد سال ۱۲۴۲ در قزوین در گذشت و جنازه اش را بکر بلای معلی حمل و در بازار بین الحرمین مدفون شد.

آثار علمیه او بسیارند از جمله: الوسائل در اصول فقه و مصابیح در فقه و مفاتیح در اصول و حاشیه بر معالم و رساله در استصحاب و مناهل در فقه و کتابی در اغلاط مشهوره. مرحوم سید محمد مجاهد شاگردانی برجسته تربیت کرد که پس از او هر یک چشم و چراغ شیعه شدند از جمله شاگردانش مرحوم شیخ مرتضی انصاری و دیگر مرحوم حاج سید شفیع بروجردی و دیگر حاج ملاعلی بروجردی بودند.

از مرحوم سید محمد مجاهد فتاوی غریبه ای نقل شده از جمله گویند قائل بود هر کس در بیابان هر چه پیدا کند مال او است اگر چه صاحبش معلوم باشد. در مسافرتش به ایران در یکی از منازل غلیانش فراموش شد کسی پیدا کرد و برای آنجناب آورد قبول نفرمود و گفت چون تو او را یافتی مال تو می باشد.

۴ - میرزا ابوالقاسم قمی صاحب قوانین - فرزند حسن در اصل گیلانی است زیرا پدرش مرحوم میرزا حسن از اهالی شفت رشت بوده ولیکن میرزا ابوالقاسم در جاپلق بروجرد متولد شد.

عالم جلیل مرحوم حاج سید شفیع جاپلقی که در اوائل سن در جاپلق و قم بخدمت مرحوم میرزا رسیده در کتاب اجازاتش معروف به الروضة البهیه که بسبک

لؤلؤة البحرین نوشته از آقا سید محمد مجاهد استادش که در پیش ذکر شد نقل میکند که اودر یکی از اجازاتش درضمن ذکر اساتید خود، مرحوم میرزای قمی را چنین ستوده :

قطب دائرة تحقیق و تدقیق ، مقنن قوانین اصول ، مشید مبانی فروع ، قدوة العلماء العاملين ، اسوة الفقهاء الراسخین ، مولای مکرم بلکه والد معظم مولانا میرزا ابوالقاسم گیلانی نور الله ضریحه و افاض علیه انواره .
 در روضه البهیة می نویسد : پدر مرحوم میرزا برای تحصیل علم دینی باصفهان آمد و بر عالمان عاملان کاملان میرزا حبیب الله جدمادری من و برادر وی میرزا هدایت الله که جدمادری خود میرزا است تلمذ نمود .

و چون آن دو بزرگوار بدرخواست مردم برای قضاء و حکومت شرعی و ترویج شریعت به جابلق آمدند و پادشاه نیز آنها را شیخ الاسلام آن سامان قرار داد . میرزا حسن پدر مرحوم میرزای قمی نیز با استادان خود از اصفهان بجابلق و همانجا بادختر میرزا هدایت الله استادش ازدواج نمود و مرحوم میرزای قمی در آنجا متولد شد و پس از نشو و نما دروس مقدماتی و علوم ادبیه را نزد پدرش ملاحظه که در آن موقع عالمی جامع و فاضلی بارع بود و کتابی بوزن کشکول بنام کأس السائلین دارد، فراگرفت و سپس در خدمت عالم عامل المنزه من کل شین آقا سید حسین خوانساری علوم فقه و اصول را آموخت بعد از آن بکر بلا رفت و بر جمعی از اساتید تلمذ کرد و پس از تکمیل تحصیل به جابلق مراجعت فرمود .

در قریه دره باغ که موطن پدر و مادرش بود ساکن شد و از آنجا که آنده کوچک بود و در نهایت سختی میگذراند لذا با استدعاء حاج محمد سلطان که از ثروتمندان آنجا بود بده دیگری بنام قلعه بابو نزدیک دره باغ منتقل شد و بتدریس مشغول گشت ولیکن جز برادرش میرزا هدایت الله و علی دوست خان فرزند حاج طاهر کسی نبود که از وی استفاده کند و اهل آن قریه آن قدر بی دانش بودند که بین آنجناب و آخوند

مکتبی که ملاسبز علی نام داشت فرق نمیگذاشتند بلکه میان او و ملاشاه مراد که از ملاسبز علی هم پست تر بود تمیز نمی دادند .

از این رو کار بر میرزا تنگ و زندگی برای او سخت شد لذا باصفهان مسافرت کرد و مدتی در مدرسه کاسه گران توقف نمود و چون در آنجا از برخی مدعیان فضل اهانت دید به شیراز رفت و دوسه سال در آنجا بود و عالم کامل شیخ عبدالنبی و فرزندش شیخ مفید از او پذیرائی نمودند و هفتاد تومان یادویست تومان باو دادند باصفهان برگشت و از آن پول مقداری کتب مورد احتیاج خرید و سپس به جابلق مراجعت کرد و جمعی از طلاب اصول و فقه بر دور او جمع شدند ولیکن این بار نیز وضع محیط و تنگی معیشت او را ناراحت کرد و ناچار بدار الایمان قم مسافرت نمود و در آنجا تا پایان عمر توطن اختیار فرمود . خداوند هم وسعت رزق بسوی ارزانی داشت و مقبول همگان واقع شد .

فان مع العسر یسراً ... ویابی الله الان یتیم نوره . ان الله لایضیع اجر المحسنین .

آقای دوانی در کتاب زندگی وحید بهبهانی ص ۲۵۹ در ضمن احوال شاگردان آقا می نویسد : حاج سید شفیع علت مسافرت مرحوم میرزا را بقم توضیح نداده ولی چنانکه در برخی از کتب و از جمله قصص العلماء می نویسد :

بر اثر کم شعوری مردم ده وعدم تشخیص مقام منیع او گاه می شد که برای يك موضوع پوچ سر و صدا راه می انداختند و رسیدگی به آن امر را که بهیچ وجه در خور شأن مجتهد بزرگواری چون میرزا نبود بعهده او محول میکردند و این خود بیشتر بر ملالت روح و نکدر خاطر میرزا میافزود .

از جمله اینکه آخوند مکتب دار آنجا که گویا همان ملاسبز علی یا ملا شاه مراد بود به میرزا حسد می برد و توطئه میکرد که مگر میرزا را از ده بیرون کند .

روزی باهل ده گفت بمیرزا بگوئید بنویسد مار، چون تکلیف نمودند میرزا هم چاره ندید و نوشت مار، در این موقع آخوند مکتب دار فرصت را غنیمت شمرده

و شکل ماری که سرش گنده و دنباله اش باریک و دراز و پیچ خورده بود کشیده باهل ده نشان داد و گفت ای مردم بیائید خوب نگاه کنید و انصاف بدهید ما این است که من کشیده ام یا آنکه میرزا نوشته .

دهاتی های یسواد نوشته ملای مکتب دار را ترجیح دادند و گفتند ما این است

که تو نوشته ای .

این معنی موجب تأثر فوق العاده میرزا شد به حدیکه گریست و دست بآسمان برداشت و گفت خداوند! بیش از این ذلت مرا نخواه و از میان این مردم نجاتم ده و از آن موقع خداوند فرجی نمود تا بشهر قم که حرم اهل بیت بود آمد و توطن اختیار نمود .

آقا احمد درمرآت الاحوال می نویسد : قم در موقع آمدن میرزا چندان اهمیت نداشت ولیکن بمرور ایام علماء و فضلاء و سایر مؤمنین برای درك فیض حضور میرزا و استفاده های علمی از مکتب آن علامه محقق، بقم شناختند و بدین گونه رفته رفته آن شهرستان علمی و مذهبی رونق اولیه خود را بازیافت و در شمار مراکز علمی شیعه در آمد و مجمع فضلاء و دانشمندان گردید که تا امروز نیز باقی و معرف شخصیت بزرگ میرزا است. جزاه الله عن الاسلام خیراً .

مرحوم میرزا در سن ۱۸ سالگی بعتبات عالیات مشرف و پس از ۸ سال تحصیلات عالی به جابلق برگشت و سال ۱۱۸۴ قمری از شیراز باصفهان برگشت و در سال ۱۲۰۵ در سن ۴۹ سالگی قوانین را تألیف و در سن ۷۶ سالگی در سال ۱۲۳۱ قمری وفات کرد. ولیکن مرحوم سید حسین صاحب نخبه المقال عمر میرزای قمی را هشتاد و يك سال نوشته :

بوالقاسم الحبر المبین ابن الحسن

و ذو القوانین فریده الزمن

بعد وداع بان فی الرضوان

و شیخه الفقیه بهبهانی

مرحوم میرزا آثار علمی و تألیفات نفیسه بسیاری دارد از جمله : رساله در قاعده تسامح در ادله سنن ، رساله در جواز قضاء و تقلید مجتهد ، رساله در عموم حرمت ربا بالنسبة بسایر عقود معاوضات ، رساله در مواریت ، رساله رد بر صوفیه ، رسائل نامبرده در جامع الشتات اودرج است ، منظومه در علم معانی و بیان، دیوان شعر عربی و فارسی نزدیک پنجهزار بیت ، مناهج غنائم ، معین الخواص ، مرشد العوام هر چهار کتاب در فقه است ، رساله در اصول دین ، رساله در رد پآوری نصرانی ، مشهورترین تألیفات او قوانین است که شاهکار علم اصول است و از زمان تألیفش سال ۱۲۰۵ تا کنون همواره جزء برنامه درسی حوزه های علمیه شیعه بوده است .

مرحوم آقا بزرگ تهرانی در اعلام الشیعه می نویسد : پس از انتشار کتاب کفایة الاصول آیت الله خراسانی رغبت مردم بقوانین کم شد چه که قوانین مفصل است ولی چنانکه مشهور می باشد جلد اول قوانین همچنان مورد توجه اهل فضل و محصلین است و کمتر محصلی است که دوره سطح به بیند و جلد اول قوانین را نخواند . البته جلد دوم آن از دیر زمانی است که در برنامه درسی تدریس نمی شود . و این هم بعد از تألیف فرائد الاصول شیخ اجل شیخ مرتضی انصاری بوده نه کفایه زیرا فرائد مختصرتر و دارای مطالب و مبانی تازه تری بوده است بقسمی که طلاب علوم و مدرسین را از مراجعه و تدریس جلد دوم قوانین بی نیاز میکرد .

در روضات می نویسد : یکی از موثقین نقل میکرد که چون مرحوم میرزا قوانین را نوشت يك نسخه آنرا به نجف اشرف نزد علامه بحر العلوم بردند بحر العلوم پس از مطالعه و استحضار بقسمتی از مطالب آن با آنکه نمیدانست مصنف آن کیست فرمود مصنف این کتاب مبتلا بدرد گوش شده عرض کردند این کتاب از تألیفات میرزای قمی است و ایشان هم بعد از اتمام این کتاب بدرد گوش گرفتار و ثقل سامعه پیدا کرد .

آقای دوانی می نویسد : مرحوم میرزا يك پسر داشته که بگفته صاحب روضات

در زمان حیات پدرش غرق شد و بنا بر این بازماندگان مرحوم میرزا منحصر است به نوادگان دختری او .

طبق مدارك موجود و تحقیق زیادی که در این باره نموده ایم مرحوم میرزا شش دختر داشته : یکی از آنها همسر میرزا ابوطالب قمی بوده که خود شاگرد میرزا و از بزرگان فقهاء و علماء است . خاندان میرزا ابوطالب از خاندان های قدیم و معروف قم می باشند . خاندانهای سیدی و میرزائی و امام جمعه و پیشوائی و تولیت همه از نوادگان دختری مرحوم میرزا هستند .

دختر دیگر مرحوم میرزا همسر علامه فقیه و مجتهد بزرگ مرحوم حاج ملا اسدالله بروجردی بوده که از مشاهیر فقهاء شاگردان میرزا و استاد فقیه عظیم الشان حاج شیخ مرتضی انصاری بوده ؛ آراء مخصوصی داشته از جمله افتتاح باب العلم . مرحوم حاج ملا اسدالله از دختر میرزا سه پسر بنام آقا فخرالدین محمد و جمال الدین محمد و نورالدین محمد داشت که هر سه از مفاخر علماء و از طرف پدر بدریافت اجازه اجتهاد نائل آمدند .

دختر دیگر مرحوم میرزای قمی همسر ملا محمد نراقی متوفی بسال ۱۲۹۷ پسر حاج ملا احمد نراقی بوده که از آن مخدیره عالم فقیه میرزا ابوالقاسم نراقی بدنیا آمد . میرزا ابوالقاسم از اکابر علماء اوائل قرن چهاردهم هجری است و در سال ۱۳۱۹ قمری از دنیا رفت و کتاب حجیت ظنون و تسهیل الدلیل از تألیفات او است . دختر دیگر میرزا همسر مرحوم شیخ علی بحرینی و مادر شیخ محمد حسین بحرینی ساکن کهک قم بوده است .

دختر دیگرش همسر مرحوم میرزا علی رضا طاهری قمی از نوادگان ملا محمد طاهر شیخ الاسلام قمی متوفی ۱۰۹۷ مؤلف کتاب تحفة الاخیار در رد صوفیه می باشد .

دختر ششمی میرزا ازدواج نکرده از دنیا رفت .

تعجب است آقای دوانی باینکه تحقیقات قابل توجهی در این موضوع نموده اما بحکم الجواد قدیکبو والصارم قدینبو نامی از حاج ملاعلی بروجردی که از دامادهای مرحوم میرزای قمی است نبرده باینکه دامادی حاج ملاعلی برای مرحوم میرزا بین مورخین معروف است و اکنون در بروجرد خاندان بزرگی از نوادگان مرحوم میرزا و حاج ملاعلی موجود است که بنام قوانینی معروف می باشند.

پیش از این ذکر شد که اعتماد السلطنه در المآثر والآثار می نویسد : ملاعلی بروجردی در حیات حجة الحق فقیه اعلم میرزای قمی بر تبة علیای مصاهرت وی نائل گردید .

مرحوم آقا بزرگ تهرانی در الکرام البررة می نویسد :

* المولى على البروجردى عالم كبير من اهل الفضل الاجلاء واختاره المحقق القمى لمصاهرته فزوجه ابنته وولده منها ثلاثة اولاد * .

مرحوم حاج ملاعلی بروجردی در عصر خود عالمی عامل و فاضلی کامل و مجتهدی خبیر و شخصیتی کم نظیر بود، در بروجرد مجلس تدریس و افاضه داشت و خواستاران علم و فضیلت بر گرد آن مرکز تقوی و مکرمت جمع و از انوار علمیه او استناره و استفاضه می نمودند علماء معاصرش او را به عظمت نفسانی و فضائل روحانی شناخته و وصف کرده اند .

مرحوم حاج سید شفیع در روضة البهية در ذکر معاصرین می نویسد :

* ومنهم الفاضلان العاملان الكاملان المحققان المدققان الحاج ملاسد الله ابن عبد الله والاخواند ملی علی بن محمد شریف البروجردیان اصلا و مسکناً و هما رحمهما الله فی غاية الصداقة فی ایام التحصیل و فی اوائل الامر حين ارتکاب القضاء والامور الحسبية وبلوغ مرتبة الرئاسة و فی واسط الامر و اواخره فی غاية المخالفة الا ان الحق مع آخوند ملاعلی فانه آمر بالمعروف وناه عن المنکر ویتعصب فی الدین و هو رحمه الله من المتحابین فی الله و المبغضین فی الله فالسکوت فی هذا المقام اولی .

تاریخ وفات مرحوم حاج ملا علی بروجردی بدست نیامد ولیکن از عبارات مرحوم سید شفیع در روضة البهیة که ذکر شد استفاده می شود که در سال ۱۲۷۸ که تاریخ تألیف روضه است در قید حیات نبوده .

فرزندان و نوادگان حاج ملا علی بروجردی

مرحوم حاج ملا علی بروجردی از دختر مرحوم میرزای قمی دارای سه فرزند شد .

۱ - آقا جمال - وی یکی از مصابیق بارزۃ آیه کریمه یخرج المیت من الحی بود زیرا این شخص، منحرف و از داعیان و مبلغین بابیه گشت . و در آخر هم برگشت و بهائیها باو لقب پیر گفتار دادند و مطرود فریقین شد .

اعتماد السلطنة در المآثر و الآثار می نویسد : آقا جمال بروجردی فرزند حاج ملا علی بروجردی با اینکه پدرش عالمی خبیر و فقیهی بصیر بود و مادرش نیز دختر میرزای قمی صاحب قوانین بود و او خود از دعا بابیه شد و سنت پسر نوح احیاء کرد و کافه اسباط محقق قمی علی الخصوص آقا جمال الدین بروجردی فرزند حاج ملا اسدالله که بنام و نسب سهم آن شیطان رجیم بود در بادی امر بسی شرمنده ساخت .
هم دو جعفر بود کاین صادق آن کذاب بود

نیست تنها صادقی در نام جعفر داشتن

فرزندش آقا منیر از علماء اصفهان بود و حضرت آفریدگار از این افق تیره و تار طالع ساخت و بتجلی صفت مخرج الحی من المیت پرداخت .

او از دیدار پدر بیزار بود و بر فراز منبر بروی طعن میزد و صریحاً لعن میکرد .

همه کس ناخلف پسر دارد من بی چاره ناخلف پدرم

صبحی در خاطرات می نویسد :

آقا جمال بروجردی در ایام بهاء الله به بهائیهها گروید کم کم مورد توجه آنها

شد بعدیکه در حقش کرامت قائل شدند و گردنعلیش را سرمه چشم می نمودند و سوره اورا برای تبرک می بردند و از طرف بهاء بلقب اسم الله که مهمترین القاب است از نظر آنها ملقب و بحضرت اسم الله الجمال معروف شد و لیکن هنگامیکه اختلاف بین پسران بهاء در وصایت افتاد از آن جمع کناره گرفت از این جهت عبدالبهاء اورا لقب پیر گفتار داد .

آقا جمال دو پسر واقعی داشت :

۱ - آقا منیر که در اصفهان میزیست و از پیشوایان دین بود و پدر را تکفیر کرد .

۲ - حب الله که بهائیهها اورا بغض الله می گفتند پسری آراسته بفضائل بود در

زمان پدر در کوچکی ازدنیارفت .

یک پسر نیز بهائیهها بزور بریش آقا جمال بستند و در آخر بعد از برگشت آقا جمال

آن پسر را اوجدا شد و بطرف دائیش که از بهائیههای ثابت بود و سمساری داشت پیوست .

حاج آقا منیر الدین بن جمال الدین بن حاج ملاعلی بر و جردی از علماء برجسته

و دانشمندان نامی و نوابغ قرن چهاردهم هجری است مبادی علوم و سطوح معارف

را در بر و جرد از اساتید آن زمان فرا گرفت سپس برای تکمیل تحصیل بطرف اصفهان

رهسپار شد رفته رفته از اکابر و مشاهیر اصفهان بشمار رفت و به تدریس و افاضت اشتغال

ورزید و در جمیع معارف اسلامی بخصوص فقه و حدیث و رجال و درایه گوی سبقت

را از همکنان ربود .

از باب رجال و دانشمندان تراجم احوال او را به فضلیت و فقاہت یاد کرده اند .

در کتاب دانشمندان و بزرگان اصفهان ص ۵۰۵ می نویسد: حاج آقا منیر الدین

بر و جردی اصفهانی عالم فاضل زاهد جلیل از بزرگان فقها و مجتهدین و از رؤساء علماء

و محققین در بیست و یکم رجب سال ۱۲۶۹ قمری متولد شد .

مقدمات علوم را در بر و جرد از اساتید آن عصر یاد گرفته و سپس با اصفهان مراجعت

کرد و بدرس حاج شیخ محمد باقر مسجد شاهی (۱) حاضر شده و مدنی درس امراء درس میرزا محمد حسن شیرازی (۲) را درك نمود و سپس باصفهان مراجعت کرد و با کمال عزت و احترام و قدرت و نفوذ بین الخواص و العوام میزیسته در مسجد ایلچی اقامت جماعت و در منزل تدریس می نموده و در علم رجال و درایه مخصوصاً احاطه کامل داشت .

(۱) حاج شیخ محمد باقر فرزند حاج شیخ محمد تقی صاحب هدایة المسترشدين حاشیة معالم .

اونوة دختری شیخ جعفر کاشف الغطا بوده و از تلامذه صاحب جواهر و شیخ مرتضی انصاری و خال خود شیخ حسن کاشف الغطاء و در ترویج دین و دادرسی مظلومین و فقر اهتمام تمام داشته و متصدی فتوی و قضاء بوده و بحسب اطلاعات واصله اجرای حدود شرعی هم می نموده و جمعی از بایه بامرا و کشته شدند .

در سال ۱۳۱۰ به زم زیارت عتبات عالیات رهسپار عراق شد و همان سال در نجف اشرف در سن ۶۷ سالگی جهان را ترك گفت و در آرامگاه کاشف الغطا دفن شد .

(۲) میرزا محمد حسن فرزند محمود بن محمد اسماعیل حسنی معروف به مجدد شیرازی از اعیان مجتهدین وقت و از فحول علماء امامیه و اکابر فقهاء و جامع معقول و منقول و رئیس و زعیم شیعه و سرآمد علما در اوائل قرن چهاردهم بوده .

نامبرده در بانزدهم جمادی الاولی بسال ۱۲۳۰ متولد شده و بر اثر استعداد وافر که داشته قبل از بیست سالگی با اجازه اجتهاد مفتخر شد . او در سال ۱۳۵۹ وارد نجف اشرف شد و از صاحب جواهر و شیخ حسن کاشف الغطا استفاده کرد و از شاگردان مخصوص شیخ مرتضی انصاری بشمار رفت بعدیکه مورد احترام شیخ قرار گرفت و چند مرتبه شیخ مرتضی با جتهادش تصریح کرد بلکه می فرمود در سرا برای سه نفر میگویم میرزا محمد حسن شیرازی و میرزا حبیب الله رشتی و آقا حسن تهرانی نجم آبادی .

مجدد شیرازی در سال ۱۳۱۲ قمری وفات نمود .

مدرس تبریزی در ریحانة الادب جلد اول ص ۲۶ می نویسد : آقا منیر الدین بروجردی نواده دختری میرزا ابوالقاسم قمی صاحب قوانین از اجلای علمای امامیه و از شیخ محمد تقی صاحب هدایة المستر شدین اجازه روایت داشته .

مخفی نماند که مجاز بودن آقامنیر از شیخ محمد تقی اشتباه است زیرا مرحوم شیخ محمد تقی در سال ۱۲۴۸ وفات کرده و آقامنیر در آن موقع هنوز بدنیانیا آمده است . کحاله در معجم المؤلفین جلد سیزدهم ص ۲۵ می نویسد :

* منیر الدین بن جمال الدین بن علی بروجردی اصفهانی فاضل عارف بالرجال *

سید محسن عاملی در اعیان الشیعه جلد چهل و هشتم ص ۱۲۰ می نویسد :

* الشیخ آقا منیر الدین البروجردی کان من نوابغ العصر الاخیر فی الفقه

و الحدیث . *

تا آنکه میگوید : مشار الیه از استادش شیخ محمد باقر اصفهانی و ازدائی خود شیخ حسن کاشف الغطا صاحب انوار الفقاهة روایت میکند و از او نیز عده ای از بزرگان اجازه حدیث دارند از جمله شیخ ابوالقاسم بن محمد تقی قمی و سید میرزا فخر الدین شیخ الاسلام قمی سبط صاحب قوانین .

از عبارات اعیان الشیعه استفاده می شود که مادر آقا منیر الدین از دختران شیخ جعفر کاشف الغطا بوده است .

مرحوم حاج آقا منیر الدین ظهر ۲ شنبه هفدهم ربیع الثانی سال ۱۳۴۲ در سن ۷۳ سالگی زندگانی دنیا را وداع گفت و در تکیه ملک در اصفهان دفن شد .

تألیفات :

آثار نفیسه علمی و تألیفات مرحوم آقا منیر الدین بسیار است ، اسامی بعض آنها بشرح ذیل است :

۱- الفیه عربی در شرح حال علماء و اساتید خود .

- ۲- ترجمه حال عده‌ای از روایات
 - ۳- تتمیم منظومه بحر العلوم در فقه
 - ۴- منظومه در اصول فقه
 - ۵- فروق بین فریضه و نافله که تا دو بیست فرق و بیشتر قائل شده
 - ۶- اجوبه مسائل متفرقه استدلالیه بطرز جامع الشتات مرحوم میرزای قمی
 - ۷- منظومه در اصحاب اجماع و غیره
 - ۸- رسائل مستقلة در شرح راویان احادیث
- مرحوم حاج آقامیرالدین کتابخانه مفصل و بی نظیری در اصفهان داشته ولیکن پس از وفات، کتابخانه به پسرش حاج شیخ اسماعیل که او نیز از اهل علم و فضل بود رسید و او در جوانی در سال ۱۳۵۲ قمری در گذشت و جنب پدر بخاک رفت کتابخانه هم از بین رفت.
- ۲- میرزا ابوالحسن بروجردی - وی دومین فرزند حاج ملاعلی بروجردی و از علماء قرن سیزدهم هجری است از بروجرد به تهران مهاجرت کرد و در آنجا ساکن شد.
- اعتماد السلطنه در متأثر و آثار می نویسد: میرزا ابوالحسن بروجردی فرزند ملاعلی مجتهد بروجردی در محله سر تخت دار الخلافه تهران صاحب مسجد و محراب و اشتهار و اعتبار بود و بعد از وی پسرش آقا جلال الدین ابن چنین است.
- مرحوم آقا بزرگ تهرانی در الکرام البررة می نویسد:
- ❖ شیخ ابوالحسن بن ملاعلی بروجردی نزیل طهران عالم کبیر و ثقة صالح توفی حدود ۱۲۹۵ و قام مقامه ولده الجلیل الشیخ آقا جلال الدین ❖.
- در نقباء البشر فی اعیان القرن الرابع عشر می نویسد:
- ❖ آقا جلال الدین ابن المیرزا ابوالحسن بن المولی علی البروجردی الذی هو صهر المحقق القمی علی بنته عالم جلیل ❖.

۳- میرزا محمد مهدی - او سومین فرزند حاج ملاعلی بروجردی است. از میرزا مهدی دو فرزند عالم و فاضل و متقی بجای ماند : شیخ علی اصغر و شیخ زین الدین، شیخ علی اصغر از علماء و فقهاء زمان خود بوده و از او نیز دو فرزند عالم بیادگار ماند اول آقا باقر بن علی اصغر شیخ مهدی بن حاج ملاعلی بروجردی است او از علماء قرن چهاردهم هجری بود و مدتی از اساتید بزرگ نجف کسب فیض کرد و پس از تکمیل به ایران مراجعت نمود .

مرحوم آقا بزرگ تهرانی در اعلام الشیعه می نویسد : آقا باقر عالمی جلیل بود چندین سال در نجف اشرف از دوستان صمیمی من بود از محضر مرحوم آخوند ملا کاظم خراسانی و شیخ شریعت اصفهانی استفاده کرد و در حدود سال ۱۳۲۵ به بروجرد مراجعت نمود و سپس به مشهد رضوی مشرف و مجاورت را اختیار کرد تا در سال ۱۳۳۶ قمری در گذشت و در دارالسیاده دفن شد .

دوم از فرزندان شیخ علی اصغر بروجردی آقا نجم الدین است او نیز از علماء و ارسته و از زهاد محتاط و مؤتقین و ائمه جماعت مورد اعتماد بشمار میرفت و مدتی از ذخائر علمی مرحوم عالم ورع آ محمد ابراهیم بروجردی و مرحوم عالم متقی ملا عبدالله بروجردی بهره ور شد .



شیخ زین الدین - دیگر از فرزندان میرزا مهدی بن حاج ملا تصویری از مرحوم آقای نجم الدین بروجردی علی بروجردی شیخ زین الدین

است اواز علماء بزرگ و مورد وثوق واحترام خاص وعام در قرن چهاردهم عصر حاضر بود .

معارف وعلوم خود را از اکابر وفحول علماء بروجرد استفاده کرد چندی از محضر پرفیض سید عبدالرحمن طباطبائی بروجردی ومدتی از انفاس قدسیه آقا محمد ابراهیم بروجردی وزمانی از ذخائر علمیه مرحوم آیه الله شیخ حسین غروی بروجردی بهره ور شد تاخود یکی از معاریف ومشاهیر عصر گردید .



مرحوم زین الدین ابن مهدی
ابن مرحوم ملاعلی

مرحوم آقا بزرگ تهرانی در نقباء البشر
فی اعیان القرن الرابع عشر می نویسد :

* الشيخ زين الدين البروجردی بن الميرزا مهدی بن المولی علی البروجردی عالم جلیل و من العلماء المروحين وائمة الجماعة الموثقين فی بروجرد وهوا بن عم العلامة الشيخ آقامنیر بن آقا جمال نزيل اصفهان تشرف الى النجف للزيارة فی رجب ۱۳۴۴ فاجتمعنا به وتوفی ببروجرد فی ۱۸ صفر ۱۳۵۲ وقام مقامه ولده الارشد العالم الشيخ آقا علی وله غیره الشيخ محمد ومحمد حسن *

تاریخ فوق الذکر شاید اشتباه باشد زیرا فوتش بنا بگفته نواده اش ۲۸ صفر سال ۱۳۵۱ واقع شده وقبرش در مقبره جنوبی شاهزاده ابوالحسن در بروجرد واقع است.

ملا حسین جاپلقی بروجردی

از اعلام ومجتهدین قرن سیزدهم هجری است .

معارف وعلوم اسلامی را از اساتید واعاظم آن عصر مخصوصاً از مرحوم حاج سید شفیع بروجردی فراگرفت تا در زمان استاد از معاریف ومشاهیر مدرسین بشمار رفت وجمعی از بزرگان از ذخائر علمی اومستفیض می شدند از جمله اورنگ زیب میرزا فرزند حسام السلطنه فرزند فتحعلی شاه قاجار که در کتاب جامع الجوامع در شرح مختصر نافع از استادش ملا حسین بروجردی تعبیر میکند به استادنا المعاصر .

وی در آخر کار از طرف استادش مرحوم حاج سید شفیع بخاطر حکومت وقضاء در جاپلق منصوب ودر سال ۱۲۷۸ هجری قمری در همانجا درگذشت .

مرحوم حاج سید شفیع جاپلقی بروجردی در ردیف مستجیزین در خاتمه روضه البهیة می نویسد :

* ومنهم العالم العامل الكامل المحقق المدقق ذو الملكة القویة والفتانة الزکیة ملا حسین الجاپلقی الذی لیس له ثانی قدس سره مات هذه السنة ای سنة ثمان وسبعین ومائین بعد الالف وکان مشغولاً بالقضاء بین البریة بعد نصبی ایاه لذلك فی تلك الرستاق .

حاج سید شفیع جابلقی بروجردي

حاج سید محمد شفیع بن حاج سید علی اکبر موسوی، نژادش ظاهر آبه نظام الدین احمد میرسد که در بروجر د در جوار امامزاده قاسم مدفون و به پنج واسطه به موسی بن جعفر علیهما السلام میرسد .

علامه حاج سید شفیع از اکابر علماء و از اعظام فقهاء قرن سیزدهم هجری است . وی در جمیع علوم و معارف اسلامی مخصوصاً فقه و اصول و رجال و درایه و تفسیر و حدیث اطلاعات عمیقہ داشته و معاصرین و متأخرین او را به فضائل و فواضل ستوده اند.

اعتماد السلطنه در متأثر و آثار ص ۱۴۸ می نویسد : حاج سید شفیع از مشاهیر شاگردان شریف العلماء مازندرانی است و اصول کربلائیہ را در قواعدهش مانند صاحب ضوابط بسلك تحریر کشیده گروهی از مجتهدین عصر در اصول شاگردی او را نموده اند در علم حدیث و تصحیح اسناد و معرفت احوال و روایات و فن درایه بین الاقران بر همه مقدم بوده و جمله را مسلم ، اشتغالش بتدریس و ترویج در خطه بروجر د از بلاد ار کوچک بود .

مدرس تبریزی در ریحانة الادب جلد اول ص ۲۴۰ می نویسد: جابلقی از اکابر علماء و فقهاء امامیه در قرن سیزدهم هجرت جامع معقول و منقول و حاوی فروع و اصول و در رجال و حدیث بصیرتی بسزا داشته است. سید محمد مهدی اصفهانی در احسن الودیعہ فی تراجم مجتهدی الشیعہ ص ۳۲ می نویسد :

❖ العالم الرفیع ذوالفضل و المقام المنیع ابن الحاج سید علی اکبر مولانا الحاج السید محمد شفیع الموسوی الحسینی العلوی الجابلقی کان اعلى الله مقامه و رفع فی الخلد اعلامه من افاضل علماء هذه الا و اخر و افاحم فقهاهم الاکابر و قد اذعن لكثرة اطلاعه و طول ذراعه و سعة باعه فی العلوم اکثر فضلاء عصره و علماء دهره و مصره و بالجملة فقد کان رحمه الله مجتهداً فی الفروع و الاصول جامعاً للمعقول و المنقول عارفاً بالرجال و الحدیث ❖ .

مرحوم آقا بزرگ تهرانی در الکرام البررة می نویسد :

❖ السید شفیع الجابلقی ابن السید علی اکبر الموسوی من اکابر علماء عصره . هبط بروجرد فکان من مراجعها الاجلاء و فقهاها الاعاظم بل کان المقدم علی معاصریه من علمائها لانه کان غریز العلم و الفضل .

لهید فی الفقه و الاصول و الحدیث و الرجال و غیرها و هو من المتصلین البارعین کما تشهد بذلك آثاره المهمة و مصنفاته الجليلة و قد تخرج علیه و روی عنه عدد کبیر من رجال الفضل و الکمال ❖ .

اساتید حاج سید شفیع

مرحوم حاج سید شفیع بروجردی مقدمات اولیه و سطوح ابتدائیه را در جابلقی و بروجرد فراگرفت و سپس برای تکمیل تحصیلات و تتمیم مراتب سامیه علمیه به کاشان و اصفهان و کربلا مسافرت کرد و از مراجع بزرگ آن زمان و اساتید مشهور

آن دوران ذخائر علمی را استفاضه و بعد با گنجینه‌ای از معارف ثمینه بوطن برگشت و به تدریس وافاضه مشغول شد.

اساتید وی بسیارند تنها بذکر چند نفر اکتفا می‌شود :

۱- شریف العلماء مازندانی محمد شریف بن حسنعلی حائری اعجوبه زمان و وحید دوران مولد و مدفنش در کربلا واقع و تحصیلات او در اوائل بر سید محمد مجاهد و بعد ترقی نمود بر سیدعلی صاحب ریاض تلمذ کرد تا بحدیکه از درس استاد مستغنی شد و مدت کمی نیز در درس مرحوم میرزای قمی استفاده نمود.

سفری بمشهد رفت و پس از مراجعت بدرس حاضر نشد و بمطالعه و مباحثه پرداخت بقوت حافظه و دقت نظر و سرعت انتقال و قدرت بیان و خوبی سلیقه در تدریس و پشت کار زیاد موصوف بود باین جهت در اندک زمانی در مجلس درسش زیاده از هزار نفر استفاده میکرد و با کمی سن مربی گروهی از اعلام شد و جمعی از مجتهدین نامی نیمه دوم قرن سیزدهم هجری مانند شیخ مرتضی انصاری و صاحب ضوابط و سعید العلماء مازندرانی و ملا آقا دربندی و سید محمد شفیع جابلقی افتخار شاگردیش را داشتند .

شریف العلماء دو مجلس درس داشته یکی برای مبتدین و دیگر برای فضلاء و مجتهدین شبهای ماه رمضان ثانیمی از شب را با فاضله مشغول و نیمه دیگر را بعبادت سپری میکرد .

وی اغلب عمر خود را صرف تعلیم و تربیت شاگردان میکرد و بهمین جهت وقت تألیف نداشت فقط رساله در امر آموختن علم بانتهاء شرط بطور تفصیل نوشته لیکن بسیاری از شاگردانش تقریرات و افاضات او را جمع کرده اند از جمله مرحوم حاج سید شفیع که تقریرات استاد را در اصول بنام قواعد شریفیه یا اصول کربلائییه جمع نمود .

شریف العلماء در سال ۱۲۴۵ هجری قمری در کربلای معلی بعلمت طاعون در گذشت

و در سرداب خانه خود سمت جنوبی صحن شریف بھاك رفت .

۲- آقا سید محمد مجاهد فرزند سید علی صاحب ریاض که شرح حالش بمناسبت اساتید مرحوم حاج ملا علی بروجردی باختصار ذکر شد .

مرحوم حاج سید شفیع در اصفهان از مرحوم سید مجاهد استفاده کرد چنانچه در روضۃ البهیة می نویسد : پس از استیلای وهابیه بر کربلا و کشتارهای بی رحمانه آنها مرحوم سید مجاهد بایران آمد و ۱۳ سال در اصفهان اقامت کرد .

من در آنجا محضرش را درك نمودم بجان خودم سو گند سید مجاهد از هر کس بیانش نیکوتر بود . مسائل غامضه و مطالب دقیقه را بانیکو ترین بیان روشن می ساخت درمسش راهر طالب علمی میفهمید اگر چه مبتدی باشد .

وی دارای مناصب عالیة افتاء و قضا و حکومت خلاصه صاحب ریاست دینی و دنیوی بود .

۳- سید محمد مهدی فرزند صاحب ریاض و برادر کهنتر سید محمد مجاهد مادرشان دختر وحید بهبهانی بوده .

مرحوم سید محمد مهدی از نظر علم و تقوی و زهد و امر بمعروف و نهی از منکر کم نظیر و در زمان پدرش خود مجلس تدریس داشت و شاگردان پدرش بدرس او حاضر می شدند و شاگردانش بالغ بردویست نفر بودند .

از مرحوم شهید ثالث داستانی نقل شده که میگوید : هنگامیکه بعثات عالیات رفتم در مجلس درس صاحب ریاض حاضر شدم بحث در نسخ و جوب و عدم بقاء جواز بود من آنرا بشجره مقطوعه نقض کردم که پس از رفتن فصل ، جنس باقی میماند .

ناگهان جوانی حدیث السن که هنوز بر چهره اش مونیود بسخن آمد و محققانه تکلیم کرد و در نهایت فصاحت و بلاغت سخن گفت نزدیک شد من مغلوب شوم بآن جوان پر خاش کردم و گفتم ای کودک نامربوط می گوئی صاحب ریاض گفت با او طبق قاعده سخن بگو . او بچه است اما شیر بچه . بعد متوجه شدم او سید محمد مهدی

فرزند برومند آقا سید علی صاحب ریاض است .

مرحوم سید محمد مهدی در شاه عبدالعظیم بدرود حیات گفت .

۴- حاج ملا احمد نراقی فرزند مهدی بن ابی ذر کاشانی . وی بحری مواج و چراغی و حاج ، استادی متبحر و دریائی متفجر بود . از اکابر علماء و اعظام فقهاء قرن سیزدهم هجری است .

در علوم و معارف اسلامی نه تنها عالم و عارف بلکه در ریاضی و نجوم نیز سرآمد اقرآن بود . بزبان فارسی و عرب کاملاً مسلط مدتی نیز بفرا گرفتن زبان عبری پرداخت و علتش آن بود که در عصر او کشیشی از مبلغین مسیحی در آموختن زبان عربی و فارسی کوشید و ادبیات اسلامی را فرا گرفت و در حوزه علماء بزرگ حضور یافت و خود را مسلمانى پاك اعتقاد نشان داد .

پس از مدتی که خیال کرد مجتهد شده کتابی برضد اسلام تألیف کرد این کتاب را بنام شبهات پادری خوانده اند زیرا ایرانیان در زمان صفویه ثانیه اول عهد قاجاریه مبلغین مسیحی را بنام پادری می نامیدند .

مبلغ مزبور در کتاب خود اعتراف میکند که مدتها با مکر و فریب عنوان مسلمانى بر خود گرفته تا با کلیه احکام و قواعد اسلامی آشنا و اینک نظرات خود را بررد اصول اسلام می نگارد .

انتشار این کتاب در بین مردم مخصوصاً حوزه های علمی جوش و خروش پیدا آورد و برخی از دانشمندان منقول در صدد پاسخ برآمدند اما بزودی معلوم شد که جواب پادری دادن کار ایشان نیست زیرا مدعی از بیخ و بن اصول را قبول ندارد تا با آیات قرآن و احادیث و اخبار بتوان با او احتجاج کرد .

در آن زمان بین علماء منقول و دانشمندان معقول منافرتی بود و فقهاء، حکماء را تکفیر می نمودند اما پیدایش شبهات پادری موجب آشتی و صلح شد زیرا علماء منقول متوجه شدند باید با دلائل منطقی و براهین عقلی جواب پادری را بدهند، از جمله

حکماء آن عصر آخوند ملاعلی نوری حکیم بزرگوار بود که حوزه درس خود را شش ماه تعطیل و شب و روز کوشید تا کتاب جامعی بر پایه دلائل عقلی بر رد شبهات پادری و اثبات حقایق اسلام نوشت بنام *حجة الاسلام* که واقعاً حجت اسلام است و بانهایت فصاحت و بلاغت نگارش یافته است.

کتاب دیگر را مرحوم حاج ملا احمد نراقی نوشت بنام *سیف الامة* مرحوم نراقی برای تألیف این کتاب کوشش کرد تا زبان عبری را کاملاً فرا گرفت و با اضافه ده نفر از علماء یهود را جمع و کتابهای بسیاری از کتابخانه ملا موشه یهودی راجع بتورات و تلمود و تفاسیر آنها حاضر نمودند و مدت‌ها با همکاری علماء یهود براهین و دلائل متخذ از تورات را با دلائل طبیعی و عقلی آمیخته و در نتیجه کتاب *سیف الامة* را در جواب شبهات پادری نوشت.

مرحوم نراقی اضافه بر علوم و معارف دینی و مذهبی در شعر و ادب نیز بهره وافر داشت، طاق‌دیس او که منظومه‌مثنوی است شاهد قریحه شعری است. گویند زمانی که شاعر شوخ چشم و غزل سرای غمارا علماء تکفیر نمودند جمعی بصدد کشتن او بر آمدند او خود را بخانه مرحوم نراقی انساخت و از کشتن نجات یافت.

مرحوم نراقی گاهگاهی از اشعار خود برای یغما میخواند روزی یغما با کمال تعجب سؤال کرد شما با این همه کارهای مختلف و تألیفات گوناگون و قضاء حکومت و درس که دارید چگونه فرصت شعر گفتن را پیدا می کنید.

مرحوم نراقی پاسخ داد: چون من خشک مزاج هستم و بیش از دیگران باید در مستراح بمانم بهمین علت مستراح اختصاصی ساخته‌ام دارای آب روان و تمیز در آن هنگام وقت پیدا میکنم شعر بگویم.

یغما بالهجه شادمانی گفت صد شکر که مشکل من حل شد.

نراقی پرسید آن مشکل چه بود؟

یغما پاسخ داد من از اشعار شما غالباً بوئی نامطبوع می شنیدم حالا علتش را دانستم.
 نراقی خندید و فرمود از این باب هم باید شکر کنی که شامۀ تیزی داری.
 یغما سخت ناراحت شد و گفت این بار هزارم است که ثابت می شود صنف ملا و روحانی
 جائی نمی خواهد که آب زیرش برود.
 نراقی با همان حال نشاط فرمود از این سخن شما معلوم می شود که صنف شاعر
 جائی می خواهد که آب زیرش برود.
 مرحوم نراقی در اشعارش صفائی تخلص دارد. نمونه ای از اشعارش داستان ذیل
 است در بحر مثنوی.

خلیفه عباسی و طاووس یمانی

آن خلیفه می شدی اندر حرم	گرد بر گردش و شاقان و خدم
دید طاووس یمانی در رهش	در فروش آمد نهاد آگهش
بانگ بر زد کی تو نادان غوی	جانب گرمابه گویا میروی
چون شنید از وی خلیفه این مقال	گفت بنگر من کیم چشمی بمال
چونکه این بشنید طاووس از غضب	گفت چون نشنا سمت من ای عجب
ساکن اندر بول و در خون آمدی	از دو راه بول بیرون آمدی
اینت آغاز اینت انجام است و حال	از کثافات و پلیدی يك جوال
چون خلیفه این شنید از وی فروش	از نهادش شد به ابرو شد زهوش
حال ما این است یکسر ای پسر	دیده بگشا اول و آخر نگر
با چنین حالی زدن دم از منی	نیست جز از ابلهی و کودنی
ای خدا ای بحر احسان و کرم	از کرمه ایت جهان فرق نعم
هر کریمی جرعه نوش جام تست	ریزه خوار سفره احسان تو است
بنده گروزی ز مولایش گریخت	رشته مهر و محبت را گسیخت

چون که باز آید کند بازش قبول
این منم آن بنده بگریخته
گر به بخشی هم کریمی هم جواد
دست بر سر سر به پیش و عذر خواه
یک نظر کن از عنایت سوی من
نمونه ای از غزلیاتش غزل ذیل است.

گفتم زدعای من شبخیز حذر کن
گفتم که قدم در ره عشق تو نهیم گفت
گفتم نظری بر رخ زیبای تو خواهم
گفتم که صفائی هوس وصل تو دارد
گفتا برو اظهار ورع جای دگر کن
بگذار ولیکن قدم از پانه زسر کن
گفتا برو از هر دو جهان قطع نظر کن
گفتا ز سر خود هوس خام بدر کن

آثار علمی مرحوم ملا احمد نراقی بسیار است از جمله معراج السعاده در اخلاق که فارسی جامع السادات پدرش می باشد، طاق دیس که منظومه ایست مثنوی، و خزائن که کشکولی است مملو از مطالب علمی و اشعار و لغز و حکایات و مستند و رفته استدلالی، و شرح تجرید الاصول پدرش، و مناهج الوصول، و عین الاصول و عوائد الایام در قواعد کلیه فقهیه، و سیف الامة و غیر اینها.

در سال ۱۲۴۵ قمری به مرض و باء در گذشت و جنازه اش را به نجف اشرف حمل و در جوار حضرت شاه ولایت بخاک سپردند.

۵ - آقا محمد علی بن آقا محمد باقر مازندرانی غروی عالم فاضل جلیل، از شاگردان میرزای قمی از طرف او مجاز و سپس باصفهان رفت و بتدریس و افاضه مشغول تا در سال ۱۲۴۵ قمری در گذشت.

۶ - حاج ملا علی نوری مازندرانی حکیم ربانی از شاگردان آقا محمد بید آبادی و آقا میرزا ابوالقاسم مدرس اصفهانی بوده و در حکمت و کلام تعلیقات شریفه و تحقیقات منیغه دارد و از تألیفاتش تفسیر سورة توحید است زیاده بر سه هزار بیت

در ماه رجب سال ۱۲۴۶ درگذشت .

۷- حاج ملاعباسعلی کزازی الاصل کرمانشاهی المسکن .

۸- ملاعبدالحمید کره‌رودی از طائفه قاضی حسین، عالمی جلیل و فاضلی نبیل بوده است .

۹- ملا محمدجعفر آباده فارسی از فقهاء قرن سیزدهم در اصفهان از شاگردان مرحوم شفتی در سال ۱۲۸۰ وفات کرد .

۱۰- مرحوم علامه سید بحر العلوم که ترجمه اش مستقلاً ذکر شد . مرحوم سید شفیع در اوائل تحصیلش بر سید بحر العلوم شاگردی نموده .

۱۱- حجة الاسلام سید محمد باقر رشتی شفتی از اعظام علماء و اکابر فقهاء قرن سیزدهم در سال ۱۱۸۰ قمری در شفت گیلان جنوب غربی رشت متولد تابست سالگی در موطن خود بتحصيل مقدمات و سطوح اشتغال داشت و سپس عازم عتبات شد و در نجف اشرف از اساتید بزرگ آن عصر مانند سید بحر العلوم و صاحب ریاض و وحید بهبهانی و کاشف الغطا و ملامهدی نراقی استفاده نمود و از اکثر مراجع با اجازه اجتهاد مجاز شد سپس به ایران مراجعت و در قم از صاحب قوانین بهره‌ور شد و میرزا اجازه مفصلی برایش نوشت و بعد باصفهان آمده رحل اقامت افکند و بتدریس و افاضه و اقامه حدود بیش از چهل سال اشتغال داشت .

حجة الاسلام شفتی تنها از نظر علوم و معارف ثروتی بی‌کران نداشت بلکه از ثروت مالی و مادی نیز کاملاً بهره‌مند بود بحدی که گویند از زمان ائمه هده (ع) تا کنون هیچ‌یک از علماء حتی سیدمرتضی علم‌الهدی که نقیب طالبین بوده دارای آن ثروت نشده‌اند .

سال‌های هفتاد و هشت از تومانی در آن عصر مالیات می‌داد و در غالب شهرها از جمله بروجرد املاک داشت عوائد املاکش در بروجرد بیول آن زمان ۶ هزار تومان بود خلاصه از نظر ثروت مادی محسود غالب مردم حتی حکام عصرش بوده .

درباره اموالیکه به سید شفتی میرسید این داستان شایان ذکر است که گویند :
زمانیکه فتحعلی شاه موقتاً مقیم اصفهان و در عمارت هفت دست که بعد بهمت ظل السلطان
ویران شد ساکن بود روزی بادوربین خارج شهر را نگاه میکرد فیلی را دید که باباری
سنگین با عده ای از سواران مسلح می آید .

شاه از دیدن فیل شادمان شد و باطرافیان خود با تعجب خبر ورود فیل را داد
ولیکن برخلاف انتظارش فیل با سواران ۱ عمارت هفت دستگاه گذشت و به طرف
شهر روان شد .

ملازمین پادشاه که یقین داشتند معمولاً فیل جز برای پادشاه فرستاده نمی شود
برای بازرسی بدنبال کاروان رفته خبر آوردند که از جانب راجگان شیعه و بازرگانان
هند مال امام علیه السلام حمل کرده و بخدمت حجة الاسلام می برند .

فتحعلی شاه خاطرش مکدر شد ولیکن پس از ساعتی حجة الاسلام فرمان داد فیل را
نزد فتحعلیشاه ببرند تا متعلق به فیلخانه ملوکانه باشد .

از یکی از علماء آن عصر حکایت شده که روزی بدیدن سید محمد باقر حجة الاسلام
رفتم و او عادتاً در تالار کتابخانه می نشست و همانجا پذیرائی میکرد . همینکه وارد شدم
دو تپه بزرگ یکی مسکوک طلا و دیگری نقره در برابر سید دیدم و آن تپه ها بقدری بلند
بود که وقتی من نشستم روی او را نمی دیدم .

سید فرمان داد برای من غلیان آوردند چیزی نگذشت که سادات اصفهان بنا
بر اعلام قبلی دسته جمعی سر رسیدند و سید بهر نفر یک مشت طلا و یک مشت نقره می داد و
هنوز غلیان من پایان نرسیده بود که پولها تمام شد .

من از روی تعجب و تحسین خطاب به سید و گفتم شما در مال امام خیلی دراز
دستی میفرمائید سید با تبسم جواب داد : فرزند اگر در مال پدرش دست درازی نکنند
در کجا بکنند .

راجع به ثروت بیکران و مکنت بی حساب مرحوم حجة الاسلام همه علماء

معاصرین وی در تعجب بودند زیرا سید در آغاز کارش سخت فقیر و تنگدست بوده و از قبول کمک های دیگران هم خود داری میکرد؛ گاهی از شدت گرسنگی به حال غش میافتاده و هنگام ورود باصفهان جز يك سفره نان و يك كتاب در علم اصول چیزی نداشت .

پس باید دید آن مال وجاه و آن نفوذ کلمه و محبوبیت و رجاهت از کجا برای وی حاصل شده گویند: سید محمد باقر حجة الاسلام خودش چنین داستان نموده است : تازه عیالی اختیار کرده بودم و دو فرزند كوچك داشتم روزها در مدرسه درس میگفتم و نماز جماعت را خوانده بخانه میرفتم . در آمد من در آن روزها منحصر بود بپولهای کمی که گاهگاه بعضی برای نماز قضا یا نماز میت بمدرسه می آوردند و چون مردم اصفهان مرانمی شناختند هر قدر از آن بابت بطلبه های دیگر میدادند همانقدر هم بمن میدادند و بدیهی است باچنان در آمد اتفاقی و ناچیز وضع زندگی ماسخت بود زمانی برای ظهر و شام چیزی داشتیم گاهی هم نداشتیم .

يك روز مبلغ يكقران بمن رسید ببازار رفته قدری جگر بند که از گوشت ارزانتر بود خریدم نان نیز گرفتم و روانه خانه شدم در كوچه سر راه ویرانه ای بود متوجه شدم ماده سگی ضعیف و لاغر شش توله سك به پستان های خشكیده او افتاده و می مکیدند ولیکن چیزی نمی یافتند بهم دیگر غریبه و بانا امیدی پوست مادر را میجویدند .

بادیدن آن منظره پای من سست شد و حال سك بدبخت را به آسانی فهمیدم زیرا غالباً در خانه خودم گرسنگی مادر و اطفال را دیده و طعم تلخ آن اوضاع را چشیده بودم بی اختیار جگر بند را نزد سگها انداختم و آنها باحالتی که قابل وصف نیست آن را خوردند سپس سگ ماده نگاهی که معانی فراوان داشت بمن افکند و من بادیدگان اشگبار آن صحنه را ترك گفتم .

عصر همان روز از طرف حاکم اصفهان دنبال من آمدند که مرا نزد حاکم ببرند من نرفتم . ساعتی بعد حاکم خودش بدیدن من آمد و گفت پادشاه اسلام پناه فرمان

داده‌اند عالمی پاکدامن را از این شهر انتخاب و برای امامت جماعت به تهران بفرستم تا خاقان با او نماز بخواند و من بعد از تحقیقات شمارا در نظر گرفتم البته من این پیشنهاد را نپذیرفتم و در مقابل اصرار و ابرامهای حاکم مقاومت ورزیدم .

اما از همان روز شهرتم روز افزون شد و درهای زمین و آسمان برویم گشاده گشت و کارمن باینجا رسید که می‌بینید .

مرحوم شفقی از نظر عبادت و تقوی نیز کم نظیر بوده در نماز لرزه اندامش را می‌گرفت و چشمش از قطرات اشک پر می‌شد و از شدت گریه از خوف خدا در نتیجه چشمانش مجروح شد .

در اعانت به فقراء و بیچارگان جدی بود چند دکان نانوائی و قصابی مخصوص قراء قرارداد .

در اقامه حدود در بین علماء بی نظیر بوده گویند کسانی را که بدست خود از نظر اقامه حد بقتل رسانیده بود ۱۲۰ نفر بودند و آنها را که تازیانه زده از حساب بیرون است .

تدریس حجة الاسلام در نهایت دقت و متانت بوده تمام اقوال فقهاء را در يك مسئله بیان می‌کرده و در فهم کلمات آنها وجوه و احتمالات بسیار ذکر می‌نموده و سپس نقد و انتقاد و رد و ایراد یا تأیید می‌فرمود، وعده بسیاری از علماء و فقهاء تربیت شدگان او بودند .

از جمله آقا محمد مهدی کرباسی و حاج محمد ابراهیم قزوینی و حاج محمد جعفر آبداه‌ای و سید محمد باقر قزوینی و میرزا محمد تنکابنی و سید محمد باقر خوانساری و حاج سید شفیع جابلقی بروجردی .

مرحوم حجة الاسلام شفقی آثار علمیه‌اش بسیار است از جمله مطالع الانوار در شرح شرایع در ۵ جلد ، و الملتقط من آثار الائمة الطاهرین علیهم السلام و تحفة الابرار ، و جوابات المسائل ، وقضاء و شهادات و زهرة الباهرة در اصول ،

و رساله در مشترکات رجال ، و ۲۲ رساله در شرح حال ۲۲ نفر از روات که به طبع رسیده .

وی در یکشنبه دوم ربیع الاول سال ۱۲۶۰ قمری در اصفهان در گذشت و جنب مسجدش بخاک رفت و در سوگواری او تا یکسال در بلاد شیعه مراسم تعزیت برپای داشتند ! از آثار حجة الاسلام شفتی تعیین حدودی است که در مسجد الحرام برای طواف نمود و دیگر مسجد بیدآباد اصفهان که در سال ۱۲۴۵ شروع به ساختمانش کرد و مهمتر مسجدی است که بعد از صفویه در اصفهان ساخته شده .

شاگردان حاج سید شفیع جاپلقی بروجردی

بروجرد در قرن سیزدهم هجری یکی از مراکز علم و روحانیت بشمار رفته و چندین حوزه علمیه در این شهر برپاست چندی از قهرمانان علم و فضیلت تشکیل داده شد یکی از این حوزه ها بزعامت مرحوم حاج سید شفیع قدس سره ، اداره می شد . در این حوزه در ظل عنایات آن ذات بابرکات شاگردانی تربیت شد که هر یک بنوبه خود ستاره درخشانی در آسمان تقوی و علم و فضیلت بود چنانچه در سابق گذشت که اعتماد السلطنه در مآثر و آثار میگوید گروهی از مجتهدین عصر در اصول شاگرد او بودند .

برای نمونه بچندتن از آنها اشاره می شود :

- ۱- میرزا محمد حسن آشتیانی صاحب بحر الفوائد فرزند میرزا جعفر بن میرزا محمد تهرانی از اکابر علمای شیعه در اوائل قرن چهاردهم بوده .
- او در آشتیان که قصبه ایست بین قم و اراک در سال ۱۲۴۸ هجری قمری متولد شد و در همان قصبه خواندن و نوشتن را فرا گرفت در سن سیزده سالگی به بروجرد آمد و چهار سال به تعلیم مبادی و سطوح پرداخت و سپس مدت یکسال و نیم در درس مرحوم حاج سید شفیع شرکت نمود و مبانی علمی خود را در محضر پرفیض آن جناب محکم

نمود و با سرمایه مهم رهسپار نجف اشرف گشت و از علماء بزرگ آنجا مخصوصاً مرحوم شیخ مرتضی استفاضه کرد و نخستین کسبیکه تقریرات شیخ را نوشت او بود. پس از در گذشت استادش شیخ مرتضی در سال ۱۲۸۲ به تهران آمد و بنای تدریس گذاشت اهل فضل و دانش از هر سوی دور شمع وجودش را پروانه صفت گرفتند و از انوار علم و معارف وی استضائه نمودند.

مرحوم آشتیانی عمری را در نهایت احترام و اعزاز گذراند و در آن مدت بوظائف شرعی و خدمات مذهبیہ قیام می کرد.

دهخدا در لغت نامه حرف جاء ص ۵۷۰ می نویسد: آشتیانی در اجرای فتوا و حکم تحریم تنباکو که از طرف میرزا محمد حسن شیرازی در سامراء صادر شده بود در تهران فعالیت داشت و در سقوط شرکت انگلیس گیرنده امتیاز مؤثر بود.

آثار علمیہ اش بسیار است از جمله بحرال فوائد که از مشهورترین حواشی رسائل شیخ مرتضی است این کتاب حاوی تحقیقات عمیقہ و نکات دقیقہ است. و بقول مرحوم آقا بزرگ تهرانی تا کنون قریب ۴۰ حاشیہ بر رسائل شیخ نوشته شده ولیکن بہتر از همه بحرال فوائد است.

مرحوم آشتیانی در سال ۱۳۱۹ هجری قمری در گذشت و جنازه اش را بہ نجف حمل و در جوار حاج شیخ جعفر شوشتری دفن نمودند.

۲- ملا حسنعلی فرزند نوروز علی ملایری نویسرکانی اصفہانی.

سید محمد مهدی اصفہانی در احسن الودیعہ ص ۳۴ می نویسد: از جمله شاگردان حاج سید شفیع عالم ربانی و محقق صمدانی و زاهد و بی رغبت بدنای فانی آخوند حاج ملا حسین بن نوروز علی ملاثری نویسرکانی اصفہانی است.

وی علامہ ای بود در فروع و اصول و معقول و منقول و مؤلفات شریفہ و مصنفات لطیفہ اش شاہدی است صادق بر علو مقام او از جمله کشف الاسرار در شرح شرایع و مقاصد العلیہ حاشیہ قوانین درد و جلد و فصل الخطاب درد و جلد.

وی در اوائل امر در بروجرد در محضر اساتید آنجا مخصوصاً مرحوم حاج سید شفیع ذخائر علمی خود را کسب و سپس رهسپار اصفهان شد و ملازم بحث شیخ محمد تقی صاحب هدایة المستر شدین گردید و از طرف وی مجاز شد .

وی در بیست و دوم صفر سال ۱۲۸۶ بر حمت ایزدی پیوست .

۳- شیخ محمد رحیم بروجردی که در سال ۱۳۰۹ هجری قمری در مشهد مقدس وفات کرد ترجمه اش مستقلاً ذکر می شود .

۴- سید حسین بن سید رضا بروجردی صاحب نخبه المقال ترجمه اش مستقل ذکر می شود .

۵- ملا محمد علی محلاتی شیرازی ترجمه اش در ضمن شاگردان حاج ملا اسد الله بروجردی ذکر شد .

مرحوم حاج سید شفیع در ترجمه شاگردش در روضه البهیة می نویسد :

* العالم العامل الفاضل الكامل المحقق المدقق الولد الروحانی الشفیق الرفیق آخوند ملا محمد علی بن احمد المحلاتی وهو الان متوطن فی دار العلم شیراز مشغول بالتعلیم والتدریس والافتاء والقضاء بین الناس وهو حقیق بذلك . *

۶- ملا محمد علی سلطان آبادی عالمی محقق و فاضلی مدق بود اعتماد السلطنة در مآثر و آثار می نویسد : او عالمی ادیب و فاضلی اریب بوده و از فرط ذكاء وحدت ذهن و سرعت انتقال کثیر النصیب بعد بکرا ز رفت و بتدریس علوم و تربیت اشتغال ورزید ولیکن در آخر عمر بتصوف مایل گشت .

مرحوم حاج سید شفیع در روضه البهیة در ضمن تراجم شاگردان خود می نویسد :

* فممنهم العالم العامل الفاضل الادیب الاریب المحقق المدقق الذی لم یوجد

مثله فی الفطانة والذکاوة وسرعة الانتقال وقوة الجدل فیما رأینا من متعلمینا ومن مشایخنا محمد بن علی بن عبد الجبار السلطان آبادی فانه اول من اجزته واذنت له الفتوی والمرافعة و المحاکمات بین الناس الا انه قدس سره فی اواخر عمره مال الی طريقة التصوف وترك

الاشتغال كما هو حقه وفي اوائل امره كان شديدا لشوق الى التحصيل والى تربية الطالبين
وقد ربي جمعا كثير آمن الطالبين* .

۷. ملا علی اکبر بروجردی الاصل والقمی عاقبة عالم علام و فقیهه فهام از اجلاء
علماء وفحول فقهاء عصر خود بشمار رفته و بگفتار اعتماد السلطنه در مآثر و آثار او از
مشاهیر شاگردان حاج سید شفیع می باشد در وفات استاد مرثیه انشاء کرده و در آن چند
ماده تاریخ ذکر نموده که پس از این ذکر می شود .

۸. حاج سید اسماعیل خراسانی از علماء و مروجین در مشهد بوده. اعتماد السلطنه
در مآثر و آثار او را ذکر نموده و ظاهراً در تاریخ تألیف کتاب مآثر ۱۳۰۶ زنده
بوده است .

۹. اورنگ زیب میرزا فرزند حسام السلطنه حاکم بروجرد که در کتاب مجمع
الجوامع از حاج سید شفیع به سیدنا الاستاذ تعبیر کرده و ترجمه اش در ضمن شاگردان
مرحوم سید جعفر کشفی ذکر شد .

۱۰. شیخ محمود عراقی صاحب دارالسلام که مختصری از احوال او در ضمن
شاگردان مرحوم حاج ملا اسدالله ذکر شد ، اومت پنج سال از محضر انوار مرحوم
حاج سید شفیع در اصول فقه استفاده نمود .

۱۱. شیخ میرزا آقا نهاوندی از مجتهدین قرن چهاردهم هجری است که در
سال ۱۳۲۵ قمری در گذشت .

اعتماد السلطنه در مآثر و آثار می نویسد: میرزا آقا نهاوندی فقیهی نبیه و مجتهدی
محقق بود و در بروجرد می نشست و تکمیل اصول را نزد حاج سید شفیع استاد اصول
کربلائیة کرده بود و از اقبال دنیوی بهر بهر ندید .

مرحوم آقا بزرگ در نقباء البشر جلد اول ص ۱۷۳ می نویسد :

* المیرزا آقا النهاوندی عالم متفنن و فقیهه عارف تلمذ فی بروجرد علی العلامة
السید شفیع الجابلاقی و كانت عمدة اشتغاله باصفهان علی العلامة السید اسدالله بن السید

حجة الاسلام الاصفهانی و كان كثير الاعراض عن الدنيا و اهلها محباً و للعزلة و الانزواء. *

۱۲- ميرزا عبدالمحمد بن آقا عبد الله از خاندان آقا محمد علی بهبهانی کرمانشاهی عالمی جلیل و فقیهی نبیل است . امام قلی میرزا عماد الدوله حاکم کرمانشاه مسجد و مدرسه برای او بناء نمود .

مرحوم حاج سید شفیع در روضه البهیه در ضمن تراجم شاگردانش می نویسد:
* و منهم العالم الفاضل الجامع بین المعقول والمنقول الحاوی للفرع والاصول
المیرزا عبدالمحمد الکرمانشاهی * .

خان بابا مشاور در مؤلفین کتب چاپی جلد چهارم ص ۷ می نویسد: میرزا عبدالمحمد ابن بدر الدین آقا عبد الله کرمانشاهی از شاگردان صاحب روضه البهیه بوده و از وی اجازه داشته .

از آثار علمیه او رساله ایست در اصول دین که در سال ۱۳۱۰ قمری در تهران چاپ شده .

وی در سال ۱۳۰۳ قمری در گذشت .

۱۳- محمد حسن نهاوندی از علماء جامع بین علم و عمل ساکن نهاوند .

در احسن الودیعہ در ردیف شاگردان حاج سید شفیع می نویسد :

* و منهم العالم الکامل والفاضل النابه العابد الزاهد آخوند ملا محمد حسن
النهاوندی و كان رحمه الله فی نهاوند مشغولاً بالمباحثه و رفع الخصومات بین البریه * .
استادش حاج سید شفیع در خاتمه روضه البهیه در ردیف شاگردان می نویسد:
* و منهم الفاضل العالم العابد المحقق المدقق آخوند ملا محمد حسن
النهاوندی * .

۱۴- ملا حسین جابلقی از طرف استادش مرحوم حاج سید شفیع پس از رسیدن بمراتب عالیہ ای از علم و فضیلت بجابلقی فرستاده شد و در آنجا بحکومت و قضاء

اشتغال داشت تا در سال ۱۲۷۸ قمری درگذشت .

ترجمه او مستقلاً پیش از این ذکر شد .

۱۵ - شیخ علی نقی بروجردی شیخ الاسلام جداعلای خاندان شیخ الاسلامیها در بروجرد است.

وی از مرحوم حاج سید شفیع باجازه اجتهاد مفتخر شده چنانچه استادش در خاتمه روضه البهیة تصریح بآن کرده ترجمه اش مستقلاً ذکر خواهد شد .

۱۶ - حاج ملا محمد حسین کهرودی فرزند علی مراد .

وی تحصیلات مقدماتی و ابتدائی را در زادگاه خود کهرود فراگرفت و سپس برای تکمیل معارف به بروجرد آمد و از اکابر علماء این شهر مخصوصاً از استاد متبحر مرحوم حاج سید شفیع حداکثر استفاده را کرد .

صاحب مکارم الآثار می نویسد : حاج ملا محمد حسین کهرودی در بروجرد

۱۹ - حاشیه بر معالم از آثار مرحوم بهبهانی را مطالعه کرده . معروف است که وحید بهبهانی بیست مرتبه معالم الاصول را درس گفته و در هر مرتبه يك حاشیه بر آن نوشته است .

مرحوم کهرودی از بروجرد باصفهان رفت و مدتی در محضر ابوالعالی استفاده کرد تا بتدریج از مشاهیر آن عصر بشمار رفت و در همانجا متأهل شد و سپس به وطن مراجعت کرد . از وی دو پسر بجای ماند بنام فضل الله و نصر الله که پسر اولش فضل الله مدتی ریاست بهداری اراک را داشت .

در احسن الودیعه ص ۳۷ در ردیف شاگردان حاج سید شفیع می نویسد :

* و منهم العلم العلامة والبدر التمام الادیب الاریب والعارف اللیب الحاج

محمد حسین بن الحاج علی مراد الکهرودی *

۱۷ - ملا محمد ابرهیم آستانه از فضلاء محققین قرن سیزدهم هجری است

ترجمه اش در ردیف شاگردان مرحوم حجة الاسلام حاج ملا اسد الله بروجردی

ذکر شد .

۱۸- سید حسن قاینی خراسانی از دانشمندان قرن سیزدهم هجری است .

دراحسن الودیعہ درردیف شاگردان حاج سید شفیع بروجردی می نویسد :

* ومنهم السيد السند والمولى الجليل المعتمد فخر المحققين وافتخار المدققين السيد حسن القاینی الخراسانی *

سید شفیع اورادرخانمہ روضۃ البهیہ درردیف شاگردان آورده است .

۱۹- میرزا محمد مهدی کاشانی . اعتماد السلطنه درمآثر و آثار ص ۱۶۶ مینویسد :

میرزا محمد مهدی کاشانی فقیه نبیه وجیه و دردار المؤمنین باقامت جماعت و امر قضاء و حکومت مشغولی می نمود .

مرحوم حاج سید شفیع در روضۃ البهیہ درردیف شاگردانش می نویسد :

ومنهم الفاضل العالم العامل میرزا محمد الکاشی .

۲۰- شیخ عبدالحسین شیع العراقین فرزند علی تهرانی از اکابر علماء و مجتهدین

اواخر قرن سیزدهم هجری است .

او در تحقیق و دقت نظر وجودت فهم و سرعت انتقال و کثرت حافظه در فقه و

حدیث و رجال و لغت از نوادر معدود و مدتی مدید از محضر پرفیض مرحوم حاج سید

شفیع بروجردی استفاده کرد .

سید در خانمہ روضۃ البهیہ درردیف شاگردان و مجازین خود می نویسد :

* ومنهم الفاضل العالم المحقق المدقق ذوالملکة القویة و السلیقة المستقیمة

الالمعی الاوزعی اللوذعی الذی فی عصره یدر مضیء الشیخ عبد الحسین و هو

من اجلة العلماء الاعلام و من المجتهدین العظام مرجع الخاص العام و معتبر عند

الوزراء و السلطان و هو وصی الامیر کبیر میرزا تقی خان . *

مرحوم شیخ العراقین مدتی مدید هم از محضر مرحوم صاحب جواهر استفاده

کرد تا در سال ۱۲۷۳ قمری از طرف ناصر الدین شاه قاجار برای تذهیب جدید قبة مبارکه

حسینی مأمور شد بکربلا برود .

پس از تذهیب و کاشی کاریهای حجرات صحن و ایوان کربلا بسامراء مشرف و قبة عسکریین را نیز مذهب نمود و بعد از انجام مأموریت ها در کاظمین مریض شد در ۲۲ رمضان سال ۱۲۸۶ بر حمت ایزدی پیوست و جنازه اش بکربلا حمل و در حجره متصل بیاب سلطانی صحن مقدس دفن شد .

۲۱- شیخ محمد جعفر بن حاج میرزا آقاسی تهرانی از علماء و محدثین قرن سیزدهم هجری است اعتماد السلطنه در متأثر و آثار ص ۱۶۲ می نویسد : شیخ محمد جعفر بن حاج میرزا آقاسی اصلاً تهرانی است ولی در نجف اشرف سکنی داشت نامش در عداد مجازین از حاج سید شفیع جابلقی مسطور است .

استادش حاج سید شفیع در خاتمه روضة البهیه در ردیف تلامیذ خود می نویسد :
* ومنهم العالم الكامل الفاضل المحيط باطراف الکلام والناظر علی بصیرة فی الاخبار الواردة عن اهل العصمة شیخنا الشیخ محمد جعفر الطهرانی اصلاً و النجفی موطناً وفقه الله لمراضیه لیس له فی حسن الخلق وجودة الفهم والوثاقه ثانی . *
۲۲- سید محسن بن سید ابوالقاسم عراقی ترجمه اش در ردیف شاگردان مرحوم حجة الاسلام حاج ملا اسد الله ذکر شد .

استادش حاج سید شفیع در خاتمه روضة البهیه و در ردیف تلامیذ خود می نویسد :
* السيد السند والركن المعتمد السالك فی مسالك التحقيق والمعارج فی مدارج التدقیق البالغ الی مرتبة الارشاد الصاعد من حضيض التقليد الی اوج الاجتهاد قرة عینی و ثمرة فؤادی السيد محسن بن السيد ابوالقاسم و هو الان مسافر الی طواف بیت الله الحرام - ۱۲۷۸ - و قبل المسافرة كان مشغولاً بالقضاء بین الناس فی قصبة سلطان آباد . *

۲۳- ملا محمد سلطان آبادی از دانشمندان محقق در قرن سیزدهم هجری است استادش حاج سید شفیع در خاتمه روضة البهیه در ردیف تلامذه اش می نویسد :

از آنها است عالم فاضل و محقق عامل و مدقق کامل ملا محمد سلطان آبادی معروف به کبیر .

وی اکنون در سلطان آباد از رؤساء وقاضیان مورد اطمینان و وثاقت و دیانت است.

فرزندان حاج سید شفیع جاپلی بروجردی

از فرزندان مرحوم حاج سید شفیع بروجردی در تاریخ دو پسر و یک دختر مذکور است دخترش همسر سید علی محمد بن ارباب بن علی اکبر موسوی جاپلی برادرزاده اش بود و از وی سید رضا متولد شد.

سید رضا که بعداً بنام حاج آقا رضا معروف شد از اعظام علماء قرن چهاردهم هجری است که جامع بین ثروت مادی و معنوی بوده .

تحصیلات ابتدائی و مقداری سطح و خارج در اصفهان از اساتید معروف آن زمان بخصوص ابوالمعالی کرباسی فرا گرفت و سپس به نجف اشرف مهاجر نمود و ۵ سال در آنجا مقیم و از محضر پرفیض مرحوم میرزا حبیب الله رشتی و مرحوم آخوند خراسانی استفاده کرد در سال ۱۳۱۰ قمری به ایران مراجعت نمود و با دختر حاج آقا محسن عراقی ازدواج کرد تا حدود سال ۱۳۵۰ قمری با عزت و احترام و مکنّت و جاه در قید حیات بوده است .

و اما پسران مرحوم حاج سید شفیع بنام سید علی اکبر و سید علی اصغر هر دو نفر از شخصیت‌های علمی و مذهبی عصر خود بودند .

۱- حاج سید علی اکبر مشهور به آقا کوچک پسر بزرگ حاج سید شفیع بود . اعتماد السلطنه در مآثر و آثار می نویسد : آقا کوچک فقیهی فاضل بود و برتبه اجتهاد نائل یکسال بعد از پدر در گذشت .

مدرس تبریزی در ریحانة الادب جلد اول ص ۲۵ می نویسد : آقا کوچک از اجلاء علماء امامیه ادیب ارب فقیه اصولی محدث مفسر رجالی نخست مدتی در تحصیل

نحو و صرف و معانی و بیان و دیگر ادبیات معموله اهتمام بکار برده و سپس در تحصیل فقه و اصول و تفسیر و حدیث و رجال و علوم دینی و معارف حقّه صرف اوقات نموده تا از حضیض تقلید باوج اجتهاد و ارتقاء جسته و یکسال پیش از فوت پدر در سال ۱۲۷۹ قمری در گذشت. و موافق گفتار پدرش در حین اشتغال به تحصیل کتابی متقن در اصول نوشته که در تحقیقات آن مبتکر بوده و فکر عمیق متبحرین بدقائق آنها رسیده در فهرس کتابخانه آستانه رضوی جلد ششم می نویسد: سید علی اکبر متوفای ۱۲۸۱ فرزند بزرگ حاج سید محمد شفیع فقیهی فاضل بود دارای رساله ایست بنام استصحاب تحریر افادات درسی پدرش می باشد این رساله ضمیمه قواعد الشریفه پدرش چاپ شده.

۲- حاج سید علی اصغر فرزند حاج سید شفیع و کوچکتر از آقا کوچک بود وی از بزرگان علماء امامیه در قرن چهاردهم هجری بشمار رفته.

اعتماد السلطنه در متأثر و آثار می نویسد: حاج سید علی اصغر جابلقی بر پدرش حاج سید شفیع و حاج میرزا محمود طباطبائی و شیخ مرتضی انصاری تلمذ نموده و در علم رجال کتابی جامع مرتب بر طبقات نوشته.

سید محسن عاملی در اعیان الشیعه جلد ۴۱ ص ۸۴ می نویسد: سید علی اصغر جابلقی از پدرش بطریق مذکوره در روضة البهیة روایت کرده و در سال ۱۳۱۳ در گذشت.

مرتضی انصاری در کتاب شخصیت انصاری ص ۲۹۷ می نویسد: سید علی اصغر از اجله علماء و از جمله شاگردان پدر خود و حجة الاسلام بروجردی و شیخ مرتضی انصاری بوده و از پدر و برادر اجازه روایت داشته و یکی از مراجع امور در عصر خود بود و در جوار حضرت معصومه بخاک رفت.

سید علی اصغر تألیفات و آثار علمیه اش بسیار است از جمله:

۱- کتاب حج استدلالی که نسخه اش، اکنون در کتابخانه آیه الله سید شهاب

الدین مرعشی درقم موجود است .

۲- جامع المقاصد در اصول فقه از اول مباحث الفاظ تا آخر ادله سمعیه عقلیه در این کتاب بین کتاب قوانین و کتاب فصول محاکمه کرده و مطالب غالباً بعنوان محاکمه معنون شده .

۳- طبقات الرواة در دو جزء است جزء اول مرتب است بر دو ازده طبقه اول مشایخ عصر نامجلسی. دوم تاشهید اول سوم تاشیخ طوسی چهارم تاصدوق المحدثین پنجم تادوازدهم اصحاب ائمه علیهم السلام بترتیب هر امام و اصحاب پیغمبر ﷺ و القاب و نسب و کنی و تابعین و تابع تابعین .

و اما جزء دوم در فوائد رجالیه و تعیین جماعتی از رواة مختلف فیهم .

۴- طرائف المقال فی الرجال که در سال ۱۲۹۴ هجری قمری از تألیف آن فارغ شده و مقداری از این کتاب در هند چاپ شده .

مؤلفات حاج سید شفیع جاپلقی بروجردی

مرحوم حاج سید شفیع باریاست و قضا و حکومتی که در عصر خود داشته و باضافه کثرت اشتغالات تدریسی و اجتماعی آثار علمیش بسیار است ببعض از آنها اشاره می شود :

۱- القواعد الشریفیه- این کتاب از مؤلفات مفصله در اصول است مطالب تحت عنوان قاعده ذکر شده و بهمین مناسبت قواعد نام دارد و بمناسبت آنکه مطالب از درس های استاد مؤلف شریف العلماء گرفته شده کلمه الشریفیه در وصف آن آمده و نظر باینکه این مطالب در کربلای معلی استفاده شده گاهی این کتاب را اصول کربلائییه نام داده اند و مرتب است بر دو جلد .

جلد اول شامل عمده مباحث الفاظ و جلد دوم مرتب است بر چهار باب و خاتمه حاوی مباحث اجماع و اخبار و ادله عقلیه و اجتهاد و تقلید و تعادل و تراجیح.

مؤلف هنگام تألیف این کتاب مبادی لغویه را ذکر نکرد ولیکن فرزندش سید علی اکبر ملقب باقا کوچک تتمیم نمود و مبادی لغویه را بآن ضمیمه کرد.

۲- روضة البهیة بسبك لؤلؤة البحرین اجازه نامه مفصلی است که برای دو فرزندش نگاشته و مشتمل است بر تراجم و تحقیقات مخصوصاً شرح حال جمله‌ای از متأخرین از لؤلؤه. این کتاب در رمضان سال ۱۲۷۸ دو سال قبل از وفات مؤلف پایان یافته .

۳- حاشیه شرح کبیر و ریاض بنقل آقا بزرگ تهرانی در جلسه ششم الذریعه.

۴- رساله رضاعیه بنقل مرحوم آقا بزرگ از سبط حاج سید شفیع حاج آقا رضا موسوی .

۵- شرح تجارت شرح لمعه .

۶- مرشد العوام در صلوة، نسخه‌ای از این کتاب در یکصد و بیست صفحه در مکتبه العباس کربلای معلی موجود است .

۷- مناهج الاحکام فی مسائل الحلال و الحرام نسخه‌ای از این کتاب در یکصد و شصت و دو صفحه با خط بسیار زیبا در مکتبه العباس کربلا موجود است اولش :

الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد خیر خلقه و آله اجمعین و بعد فیقول المذنب الراجی غفوره الصمد السميع و شفاعة جده الامجد الشفیع بن علی اکبر الموسوی الجابلقی محمد شفیع ... و در آخر نوشته اللهم اخرجنا من الحيرة والضلالة بمحمد و آله الکرام البررة*

وفات مرحوم حاج سید شفیع بروجردی

مرحوم حاج سید شفیع در سال ۱۲۸۰ هجری قمری برحمت ایزدی پیوست و ادباء و شعرا بپارسی و عربی در مرثیه‌اش قصائد هائی سرودند از جمله شیخ محمد تقی دزفولی قطعه‌ای بفارسی در ماده تاریخ وفات گفت :

چه زد سید شفیع از این جهان سوی جنان خرگه

ز فیض عام خود اکلیل فضل افراشت تا برمه

همه کسر و بیان از بهر او وا حسرتا گویان

بنالیدند از دل در عزای او گه و بیگه

برای ضبط تاریخ وفاتش از دم غیبی

بگوش من ندا آمد (فمنهم من قضی نحبه)

۱۲۸۰

ملاعلی اکبر ادیب بروجردی که از شاگردان او بود در مرثیه استاد قصیده عربی

انشاء کرد و در آن چند ماده تاریخ آورد:

قد حدثت فسی هذه الازمنة

ظهور هم عن فقدم نور البصر

مصباح اهل الفضل والافاضة

والولد الصالح للامام

سلالة الاطياب والانجاب

و السند الفهامة المدقق

و السند الرکن الوثیق الکامل

و السند الحاکم بالدلائل

ممهّد القواعد الفرعية

و حافظ الحدود والاحکام

و جواهر الفضل مفید الحصر

عمدة اهل الفضل والتدقیق

کم شرح الاجمال بالبيان

کم کدة اکثر فی التفتیح

واکربتا عن المصيبة التي

للمسلمين حيث انه انکسر

شمس سماء العلم والافادة

رئيس اهل الشرع و الاسلام

بحر العلوم سيد الاصحاب

السيد العلامة المحقق

السيد القلب الامام الفاضل

السيد العارف بالمسائل

مؤسس المبانى الاصلية

مميز الحلال و الحرام

فريد دهر و وحيد العصر

قدوة اهل العلم و التحقیق

کم فتح الاقوال بالبيان

کم جهده ابذل بالترجیح

كم من دقائق بها قد ظفرا
 لم يلفتها عالم ممن سلف
 مستجمع او صاف الاولياء
 للمسلمين مشفق رؤف
 افادة كالموج في البحار
 خلقة احياء ادياً شعاعاً
 حباً و بغضاً شفقة عطاء
 موعظة فصيحة و دعوة
 قدراً هو الشريف والرفيع
 ملاذ كل مؤمن و متقى
 اجداده قد اكرموا مثواه
 تاريخ انخساف ذلك القمر

كم من مطالب عليها عثرا
 لم يطلعها فاضل ممن خلف
 مصداق قوله كانبيا
 للطالبين محسن عطف
 افاضة كالشمس في النهار
 تواضعاً و ملكاً دثاراً
 علماً وجوداً رنة سخاء
 في معدن الوحي له لاسوة
 تسمية محمد شفيع
 سيدنا المعظم الجابلقى
 و جعلوا في الجنة مأواه
 قل سيد مقدس مستبشر

١٢٨٠

و غفر وهب له غفر
 ١٢٨٠
 قد رضى عنه الهه كذا

١٢٨٠

فوز عظيم من الهه له

١٢٨٠

كذلك عن تاريخه ان مثلاً

جزاء الاعمال التي بها قد اترف
 مطابق في العدد لما مضى

في العدد و افي ايضاً معه

بالجنة جنابه قد ادخلوا

١٢٨٠

راجى الى الله العلى الاكبر

نظمه العبد الاقل الاحقر

حاج محمود بروجرودی

حاج محمود فرزند حاج نجف بروجرودی از دانشمندان و ادباء قرن سیزدهم هجری است .

معارف و علوم اسلامی را در زادگاه خویش فرا گرفت و در جمیع علوم متداوایه مخصوصاً علم قرآن اطلاعات عمیقہ یافت و در شعر و ادب گوی سبقت را از همکشان ربود قصیده‌ای از او در ضمن احوال مرحوم علامه سید جعفر کشفی در مدح تحفة الملوك و سایر مؤلفاتش پیش از این ذکر شد . در بخش شعراء نیز نمونه‌های دیگر از اشعاروی ذکر خواهد شد .

از آثار علمی او کتابی است در شأن نزول و اسباب تنزیل قرآنی که در سال ۱۲۸۴ هجری قمری در تبریز تألیف نموده از سورة حمد تا سورة ناس آغاز این کتاب :

بسم الله الرحمن الرحيم والصلوة والسلام على محمد وآله الطاهرين .
اما بعد پس از تمهید قواعد محامد الهی . . . این عبد مستهام و بنده گمنام . . .
ابن مرحوم حاج نجف البروجردی . محمود بخواہش بعضی از دوستان . . . بتألیف

این رساله که مجموعه ایست در شأن نزول و اسباب تنزیل آیات قرآنی پرداخته.
انجام: والسلام علی من اتبع الهدی بحمدالله الملك المنان در یوم چهارشنبه
هشتم ذیحجه الحرام از تألیف این رساله شریفه فراغت حاصل آمد محرره مؤلفه
ابن حاج نجف محمود بروجردی در تبریز فی تاریخ ذی الحجه الحرام ۱۲۸۴.
بنا بگفتار مؤلف فهرس کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران در جلد دوازدهم
ص ۲۶۲۵ این نسخه بخط مؤلف در ۲۱۲ صفحه اکنون در آن کتابخانه موجود است.

شیخ صادق بروجردی

شیخ صادق فرزند رضا از فضلاء و دانشمندان قرن سیزدهم هجری است معارف و علوم اسلامی را از اساتید عصر خود در بروجرد فرا گرفت مخصوصاً از سید محمد بن فرج الله دزفولی معروف به سید قاضی هاشمی مقیم بروجرد بیشتر استفاده کرد تا بحدی که از شاگردان مخصوص او بشمار رفت و بعضی از آثار علمی استادش را استنساخ کرد .

مرحوم آقا بزرگ تهرانی در الکرام البررة می نویسد : شیخ صادق بروجردی فرزند رضا عالمی است فاضل در بعضی از مکتبه های ایران بخط وی کتاب اساس المطالب دیده شد .

این کتاب تألیف استادش سید محمد فرزند فرج الله قاضی است در سال ۱۲۸۶ هجری قمری از استنساخ این کتاب فارغ شده ، موضوع این کتاب فن درایه و رجال است و بر حواشی آن تعلیقاتی از کاتب دیده می شود که کاشف از براعت و علم او است تاریخ وفات او معلوم نشد .

میرزا علی نقی امام جمعه

میرزا علی نقی امام جمعه از بزرگان علماء قرن سیزدهم هجری است. مورخین او را بفضیلت و فقاہت و منطق و ادب ستوده اند .

اعتماد السلطنه در مآثر و آثار می نویسد : میرزا علی نقی امام جمعه بروجرده در فقه و اصول و منطق و اعراب از صنایع اساتید بود و نژاد ایشان بمشایخ کاشان می رسد که تربیت آنجماعت در آن ولایت مزاری است مشهور منهم الشیخ سلیمان المجتهد .

مرحوم آقا بزرگ در قسم سوم از جزء اول نقباء البشر می نویسد :

* المیرزا علی نقی البروجردی کان من علماء بروجرد الافاضل و اماماً للجمعة فیہا و لما توفی خلف ولده الشیخ صدر الدین و قام مقامہ فی امامة الجمعة و غیرہا من الوظائف و الخدمات الدینیة *

مرحوم آقا سید محمد بن سیدہادی در روح و ربحان ص ۳۶ می نویسد : میرزا علی نقی امام جمعه در سال ۱۲۸۶ هجری قمری در گذشت . مساعده تاریخ وفاتش : (مات و حید معتمد امام جامع البلد) و قبر او در طرف غربی مسجد جامع بروجرد

می باشد و بر لوح قبرش کلمات ذیل نقر شده :

* صاحب هذا القبر المحفوف بالرحمة والرضوان كان عالماً عاملاً مجتهداً
عابداً زاهداً مقدساً متهجداً محققاً مدققاً اشهر من ان يوصف جامع المعقول والمنقول
وحید عصره وفريد دهره وشهد في حقه واظهر في الملاء حجة الاسلام الحاج مولى
اسد الله اعلى الله مقامه الشريف.

من شاء ان يرى من علماء المتقدمين مثل علم الهدى السيد المرتضى والشيخ
المفيد وامثالهما فليحضر في مجلس الاقا ميرزا على نقى . *

توفى في ربيع المولود ۱۲۸۶

اسدالله بن محمد صادق بروجردي

از دانشمندان و فضلاء و خوشنویسان قرن سیزدهم هجری است .

معارف مقدماتی را در زادگاه خود فراگرفت سپس بکربلا و نجف مشرف شد و از اساتید بزرگ عراق بهره ور شد و از آثار علمیة او کتاب صحیفه الشیعه فارسی است که باستدعاء بعض از محصلین و شاگردان خود بعنوان سؤال و جواب تألیف کرده و موضوع این کتاب اصول دین است . و کتاب دیگر در علم نحو یک دوره تا بحث نون تأکید نسخه ای از این کتاب بخط مؤلف مورخ ۱۲۶۷ در دانشکده الهیات دانشگاه تهران موجود است .

وی اضافه بر معارف فقهی و اصولی و کلامی در خوشنویسی نیز معروف بوده و چندین کتاب را با خط زیبای خود استنساخ کرده از جمله کتاب دلائل الاحکام تألیف سید ابراهیم قزوینی صاحب ضوابط متوفی در سال ۱۲۶۲ هجری است .

مرحوم آقا بزرگ تهرانی در الکرام البرره می نویسد . شیخ مسولی اسدالله بروجردي نجفی عالمی بارع و از فضلاء و مصنفین نجف اشرف بوده آثاری دار، و از آن جمله صحیفه الشیعه است و با خط او کتاب دلائل الاحکام سید ابراهیم قزوینی را

دیدم که در سال ۱۲۶۳ هجری قمری از کتابت آن فارغ و در آخرش به اقل الطلبة تعبیر کرده و از این تعبیر احتمال می‌رود از شاگردان صاحب ضوابط باشد و باخط او نیز کتاب مجمع المعارف در عقبات آخرت را دیدم که در سال ۱۲۸۶ هجری قمری از کتابتش فارغ شده .

از جمله آثار خطی او کتاب المغنی الیمنی است که در علم نحو مبی باشد و تألیف تقی الدین منصور بن فلاح یمنی نحوی است که در سال ۶۸۰ هجری قمری وفات کرده .

حمید مجید همدو در مخطوطات مکتبه العباس در کربلا ص ۲۶۰ می‌نویسد :
المغنی الیمنی تألیف تقی الدین منصور کتابی است در علوم نحو و صرف در
اسلوب و شرح و تعلیل و تحلیل قضایای نحویه بی‌نظیر است .

این کتاب در چهار جزء در یک مجلد ضخیم مشتمل بر ۱۲۲۵ صفحه است . با
خطی زیبا و واضح و مجداول بر نگهای سرخ و کبود وزرد و در هر صفحه ۲۷ سطر
و عناوین آن باخط سرخ نوشته شده .

در تاریخ ۶۷۲ هجری قمری مؤلف از آن فراغت یافته و در سال ۱۲۸۹
هجری قمری در پنجم جمادی الثانیه در کربلا بوسیله اسدالله بن محمد صادق بروجردی
استنساخ شده .

این نسخه در عالم منحصر بفرد است و حتی از نسخه اصلی نام و نشانی نیست .

سید علی بروجردی

سید علی فرزند محمد رضا بروجردی از دانشمندان و فقیهان قرن سیزدهم هجری است .

وی برادر مرحوم سید حسین صاحب نخبة المقال است .

معارف و علوم اسلامی را از اساتید نامی بروجرذ از جمله برادرش سید حسین و سید جعفر کشفی و حاج ملاعلی و حاج ملاسیدالله بروجردی و حاج سیدشفیع جابلقی فراگرفت .

مرحوم سید محسن جبل عاملی در اعیان الشیعه جلد ۲۷ ص ۱۹۱ و مرحوم حاج شیخ عباس قمی در فوائد الرضویه جلد اول ص ۱۵۵ در ذیل احوال مرحوم سید حسین صاحب نخبة المقال می نویسند : برادر او مرحوم سیدعلی محمد فقیه متبحر در سال ۱۲۹۲ هجری قمری، هشت سال پس از وفات او درگذشت .

سید علی محمد بروجرودی

سید علی محمد فرزند سید علی از اکابر علماء قرن سیزدهم هجری است .
 معارف و علوم اسلامی را از اساتید مشهور آن عصر از جمله مرحوم حاج
 ملا صد الله و حاج سید شفیع و حاج میرزا محمود طباطبائی فرا گرفت تا خود از مشاییر
 فقهاء آن زمان گشت و جمعی از طالبین از ذخائر علمی وی بهره ور شدند .
 او در سال ۱۲۹۳ هجری قمری ماه محرم در بروجرود در گذشت و در جهان آباد
 قبرستان عمومی این شهر بخاک سپرده شد .

بر لوح قبرش ابیاتی از همایون بروجرودی نوشته اند :

علامه علوم و عمل زاده بتول	شبل علی سلیل نبی آفتاب دین
سید علی محمد فاضل که در جهان	در هیچ قرن چرخ ندیده بر او قرین
محشور با امیر عرب گشت در جهان	بگرفته جا ز شوق باغوش حور عین
اندر مه محرم از این جهان گذشت	با جد خویش گشت بفردوس هم نشین
اینک دوششصد و نود و سه گذشته است	از هجرت رسول بتاریخش از سنین

يك كم نمود و گفت همايون بماده اش

بايد علي محمد زي خلد شد مكين

۱۲۹۳

آقای محمد تقی دانش پژوه در کتاب نشریه کتابخانه مرکزی دفتر سوم ص ۲۴۲ می نویسد : مشکوة الانوار در شرح منطق سعدیه تألیف علی محمد بن علی حسینی بروجردی است . نسخه ای از این کتاب در کتابخانه آقای محمود فرهاد معتمد که جزء کتابخانه فرهاد میرزا بوده است موجود است .

نگارنده گوید : محتمل است مؤلف کتاب نامبرده همان سید علی محمد بروجردی فوق الذکر باشد .

سید ضیاء الدین طباطبائی بروجرودی

فرزند میرزا ابوالقاسم طباطبائی از علماء قرن سیزدهم هجری است .
 معارف و علوم اسلامی را از اساتید آن عصر از جمله پدرش و مرحوم سید جعفر
 کشفی و مرحوم حجة الاسلام حاج ملا اسدالله و مرحوم حاج سید شفیع و عموی
 بزرگوارش مرحوم حجة الاسلام حاج میرزا محمود طباطبائی فراگرفت تا خود یکی
 از مشاهیر آن زمان شد و در سال ۱۲۹۴ هجری قمری درگذشت .
 مرحوم آقا بزرگ تهرانی در دو موضع از کتاب الکرام البرره او را ذکر نموده :
 نخست در ضمن ترجمه پدرش مرحوم سید ابوالقاسم طباطبائی می نویسد :
 * ویاتی ذکر ولده العالم الجلیل السید آقا ضیاء الدین والد السید آقا فخر الدین *
 و دیگر در ص ۶۷۳ همان کتاب می نویسد :
 * السید ضیاء الدین البروجردی ابن المیرزا ابوالقاسم الطباطبائی بن میرزا علی
 نقی بن السید جواد کان من تلامیذ حجة الاسلام المولی اسدالله البروجردی للمترجم
 ولد کان من العلماء الاجلاء ایضاً و هو السید آقا فخر الدین البروجردی المتوفی ۱۳۲۲
 ذکر لی تاریخ وفاته و ولده السید الجلیل السید غلامحسین عند الشرف بزيارة العتبات ۱۳۲۴
 كما ذکر تاریخ وفاته جده المترجم له ۱۲۹۲ *

میرزا داود بروجرودی

میرزا داود فرزند حاج سلیمان از دانشمندان و مورخین قرن سیزدهم هجری است. در سال ۱۲۶۵ هجری قمری متولد و معارف و علوم اسلامی را از اساطین عصر فراگرفت.

از کیفیت تحصیلات و استادان و همچنین تاریخ وفات او اطلاعی در دست نیست ولیکن از آثار او استفاده می‌شود وی ادیبی اریب و شاعری ماهر بوده است. از آثار علمی او دو کتاب در کتابخانه نگارنده موجود است :

اول کتابی است بنام مظهر المصائب در تاریخ زندگانی خمسة طيبة عليهم السلام این کتاب را در سال ۱۲۹۰ هجری قمری در سن ۲۵ سالگی تألیف نموده و از آخر کتاب استفاده می‌شود که کتاب دیگری نیز در احوال معصومین عليهم السلام تألیف کرده است.

مؤلف از نظر زندگی مادی سخت در فشار و تنگی بوده بحدی که دارالسرور بروجرود را دارالحرزن خوانده و می‌نویسد :

زمانیکه در دارالحرزن بروجرود از جفای فلک زشت خصال ، قائم از بارغم چون

هلال و ساغر عیشم از زهر حلال مالامال، خاطر مچون زلف مهوشان پریش و مشوش،
و جگر مچون مجمره آتش، پشت و پهلویم از سنك ستم خسته، و بر سینه ام نیر کینه
تا پر نشسته، دستم از دامن مقصود قصیر، و پایم از سلاسل محن در زنجیر، صورتم
از سیلی روزگار کبود، و دیده ام دوجوی خون چون رود، باری با قد خمیده، و زهر
حلال چشیده، پهلویم از سنك سپهر خسته، هنوز نهال عمرم به بیست و پنج سال
نرسیده بود، با این ماجرائی که در بیان تحریر در آوردم، مشغول بتألیف این کتاب که
مسمی بمظهر المصائب فی النواب بود گردیدم و زبانم بدین مقال گویا بود:

فغان ز کجروشیهای چرخ مینارنگ	فغان ز شعبده بازی این سپهر دو رنگ
فغان ز گردش انجم بعکس خواهش ما	که نیست سیر مدارش بدهر جز نیرنگ
فغان ز بخت بد تیره شب برش چون روز	که بامنش نبود میل غیر فتنه و جنگ
زمانه سخت بمن تنگ کرده میدان را	ز هر طرف که قدم میزنم خورد بر سنگ
و گر روم ز بی آب چشمه خشک شود	و گر روم ز بی نام نام گردد ننگ
و گسربجانب مقصود راه پیمایم	در اولین قدمم گام عقل گردد لنگ
ز کوهسار گرم راه سوی بحر افتد	بسوزد از تنف آهم بقعر بحر نهنگ
و گر ز بحر روم سوی کوهسار شود	تمام کوه و صحاری بسان ببر و پلنگ
بهر که دم زنم از دوستی و قرب، شود	عدوی جان و گریزد من بصدف و سنگ
شود چو قوس و قزح کجترم ز بد بختی	بهر که راست شوم من بسان تیر خدنگ
بکام هر که نهم شهد در عوض بشتاب	کند بز هر خورانیدن غمم آهنگ
سپاس و حمد خدا را تمام گشت کتاب	بدان سرای متاع من این بود در چنگ

در سال ۱۲۹۰ هجری قمری به اتمام رسانیدم این يك مجلد را انشاء الله باقی مصائب

ائمه علیهم السلام را در مجلد دیگر بیان خواهم نمود.

کتاب دیگر از او موجود است بنام سرور المصلین در نماز شب و کیفیت آن و
ادعیه مربوطه. این کتاب در سال ۱۲۹۴ هجری قمری چهار سال پس از تألیف

مظهر المصائب تألیف شده .

در خلال این دو کتاب شعرهایی از منشآت خود آورده که بعنوان نمونه دو قطعه ذکر می شود :

در تو حید و محبت، بخداوند

از مطلع دل زد علم يك لمعه از رخسار او

شد ذره ذره هستیم از پرتو انوار او

با آنکه ذرات تنم هر يك هزاران دیده شد

يك ذره هم دیده نشد از پرتو رخسار او

حسنش چه آید جلوه گر طاقت نیارد چشم سر

از دیده دل کن نظر تا بنگری دیدار او

عشقش نهال باغ جان میوه وصال باغ جان

تو بر نخواهی خورد از آن هم اوست بر خوردار او

بگذرز کوی آب و گل در رو بقصر جان و دل

یاسر خود بین متصل سری هم از اسرار او

اظهار حسن دلبری می بین زهرمه پیکری

پیدا است در هر مظهری آن حسن و آن انوار او

پر شد جهان یکسر از او شد نیک و بد مضطر از او

مؤمن از او کافر از او در قید نور و نار او

شهد عبادت چون غسل باشد شفا اندر مهل

گریان بکوی لم یزل دائم بود بیدار او

در مدح امیر المؤمنین (ع) گوید

ای از شرار تیغ تو هر قهرمان رمان
و زنوک خنجر جگر صف دران در آن
ای آنکه لطف تو است بهر خاص و عام عام
حکمت بعرش و فرش چو روح روان روان
بی حکم نافذت نکند ذوالقدر قدر
بی لاف مهر تو ندهد ذوالامان امان
برسد حریم تو از بهر افتخار
مالند روز و شب همه گلرخان رخان
بر رسم ارمغان بدرت هر صباح و شام
ز اطراف آورند بلند افسران سران
ای شاه هاشمی نسب ای شیر کردگار
ای بارگاه جاه تورا لامکان مکان
شد وقت آنکه از سرالطاف خسروی
گردد نتاج مهر تو بر شیعیان عیان
از دوری حریم تو گریان شدم بدهر
از لطف خویش زود کشانم کشان کشان

محمد اسماعیل بروجرودی

فرزند محمد حسین از دانشمندان و خوشنویسان قرن سیزدهم هجری است
از آثار او مجموعه ایست بخط نستعلیق اکنون در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
موجود است .

محمد تقی دانش پژوه در فهرس کتابخانه مرکزی جلد سیزدهم ص ۳۰۹۳ مینویسد:
مجموعه ای بخط نستعلیق از محمد اسماعیل بن محمد حسین تاجر بروجرودی در شعبان
۱۲۹۹ نوشته شده با چند سر لوحه زرین در ۱۴۹ برگ .

سید علی بروجردی

سید علی بن سید محمد بن سید ثابت از دانشمندان قرن سیزدهم هجری است
نسبش با ۲۸ واسطه به امام زین العابدین علیه السلام منتهی می شود. اجدادش از اهل عراق
ونخستین کسیکه از آنها به بروجرد مهاجرت کرد سید ثابت فرزند ناصر بن ابراهیم بود.
سید علی ، معارف و علوم اسلامی را از اساتید نامی عصر چون مرحوم حاج
ملا اسدالله و حاج سید شفیع و حاج میرزا محمود بروجردی فرا گرفت تا خود از
اعلام زمان بشمار رفت و در بروجرد با زنی طهرانیه ازدواج کرد و از وی پسری
بنام سید عبدالحسین متولد که از اعلام قرن چهاردهم بشمار رفت و ترجمه اش پس از
این ذکر خواهد شد .

سید علی در سال ۱۲۹۹ هجری قمری در بروجرد در گذشت و جنازه اش را
فرزندش سید عبدالحسین به نجف اشرف حمل و دفن کرد .

حجة الاسلام حاج میرزا محمود طباطبائی

حاج میرزا محمود فرزند سید علی نقی بن جواد بن مرتضی بن محمد بن عبد الکریم طباطبائی بروجردی از اکابر فقهاء قرن سیزدهم هجری است .

ترجمه پدران و اجدادش که همگی از اساطین علم و فضیلت بودند ذکر شد . وی در سال ۱۲۲۱ هجری قمری متولد و تحصیلات مقدماتی را در زادگاهش بروجرد از اساتید آن عصر مخصوصاً از والدما جدش فرا گرفت و سپس بمقصد تکمیل خویش بعتبات عالیات مشرف و از اکابر زمان استفاده کرد مخصوصاً از مرحوم حاج ابراهیم کرباسی (۱) و مرحوم صاحب جواهر (۲) بهره های و افری برد و

(۱) حاج ابراهیم بن محمد حسن خراسانی اصفهانی از فحول علماء و متبحرین فقهای امامیه قرن سیزدهم هجرت فقهی عابد و زاهد و قانع و کثیر الاحتیاط به حدیکه رساله عملی نمی نوشت و میگفت استخوان بدنم طاقت آتش جهنم ندارد تا آنکه باصرار میرزای قمی رساله ای نوشت و هرگاه کسی برای اداء شهادت در محضرش حاضر می شد از احکام شرعیه شغلش استفسار می نمود .

گویند روزی غسلی پیش او بشهادت رفت او نیز احکام و آداب غسل میت را از او سؤال کرد غسل تمامی آداب غسل را بیان کرد و ضمناً گفت در آخر کار بگوش میت چیزی می گوئیم .

فرمود آن چیست ؟ گفت می گوئیم خوشا بسعادت تو که مردی و برای شهادت پیش کرباسی نرفتی .

(۲) ترجمه اش ذکر خواهد شد .

استعداد و نبوغش بحدی بود که هنوز به سن ۲۵ سالگی نرسیده بمقام منبع اجتهاد نائل و چنانکه گذشت باینکه از برادرش مرحوم حاج میرزا ابوالقاسم کوچکتر بود در سن ۲۶ سالگی باو اجازه اجتهاد داده که عین آن اجازه بخط حاج میرزا محمود کلیشه شد و تاریخ آن اجازه ۱۲۵۶ هجری می باشد .

مخفی نماند که تاریخ ولادت حاج میرزا محمود چنانکه گذشت و در تذکره شجرة سادات طباطبا در بروجرد تألیف مرحوم آية الله العظمی بروجردی قدس سره تصریح شده ۱۲۲۱ هجری می باشد ولیکن با توجه باینکه مرحوم حاج میرزا ابوالقاسم طباطبائی از وی بزرگتر بوده و او بتصریح خودش در ظهور نسخه در النجفیه در سال ۱۲۳۰ متولد شده پس تاریخ مذکور در تذکره سهواست و شاید صحیح در تاریخ تولد حاج میرزا محمود سال ۱۲۳۱ هجری باشد والله العالم .

مرحوم حجة الاسلام طباطبائی در قرن سیزدهم از مشاهیر و از بزرگترین علماء عصر بوده علامه ای محقق و حبر و مدقق و فقیه بزرگ و ز عیمی سترک بشمار رفته و نزدیک پنجاه سال در صفحات غرب ایران ریاست و مرجعیت داشت .
علماء دانشمندان رجال و تاریخ از معاصرین و متأخرین او را بعظمت و فضیلت و امر بمعروف و نهی از منکر و قوت قلب ستوده اند .

مرحوم حاج سید شفیع جابلقی بروجردی که معاصر او بوده در روضه البهیة در شمار معاصرین می نویسد :

* ومنهم السيد السند والركن المعتمد الفاضل العالم الكامل آقا میرزا محمود وهومن اهل بروجرد اصلا ومسکناً ومرجوعاً اليه في الامور العامة والحسبية في هذا البلد وهذا السيد ابن ابن اخ بحر العلوم المسمى بالسيد جواد وهوسيد جليل رئيس في البلد ومعين على الفقراء ومسلط على الجبابرة والظلمة . *

اعتماد السلطنة در متأثر و آثار ص ۱۴۳ می نویسد : حاج میرزا محمود بروجردی از سلسله طباطبائیه آنجا است در امر بمعروف و نهی از منکر قلبی قوی داشت و از

این جهت چند بار بدربار گردون مدار احضار گردید .

در زمان ناصرالدین شاه مردم فتنه جو شاه را نسبت بمرحوم حاج میرزا محمود بدبین ساختند فرمان داد اورا بطهران تبعید نمایند هنگامیکه بشاه عبدالعظیم نزدیک شد آیه الله کنی (۱) باخبر گشت و فرمان داد تهران را تعطیل و شرایط تجلیل و استقبال را فراهم نمودند در نتیجه ناصرالدین شاه مرعوب و صدراعظم را با چند نفر از درباریان بعنوان استقبال و معذرت فرستاد و چنانکه در جلد دهم ملحقات روضة الصغای نویسد: ناصرالدین شاه خود از مرحوم حاج میرزا محمود دیدن نمود و معذرت طلبید.

سید محسن عاملی در اعیان الشیعه جلد ۴۸ می نویسد: سید میرزا محمود طباطبائی بروجردی فرزند سید علی نقی چنانکه در تتمه امل الامل نوشته از اعلام ایران و از اکابر زمان بود .

در علو قدر و بلندی شأن کم نظیر حتی حکام و وزیران از اومی ترسیدند و از حشمتش هراسان بودند ، او حدود خدا را اقامه میکرد و احکام حق را زنده می داشت نیرومندتر از او در امر بمعروف و نهی از منکر نیافتم . در زمان ما باجمعی از اصحاب و یاران بعنوان زیارت به سامراء آمد اورا مردی نیک منظر و نورانی دیدم چهره روشن و سیمائی زیبا داشت و آثار سیادت و بزرگی و انوار عبودیت و تقوی و بندگی در او هویدا بود . عمرش بهشتاد سال بالغ و در بسیاری از فنون اسلامی مانند فقه و اصول و حدیث و رجال و کلام و حکمت طبیعی و الهی و علوم ادب و عرب او را بعد کمال یافتم و نسبت به کلمات فقهاء و اقوال نادره آنها اطلاعات عمیق داشت .

(۱) حاج ملاعلی تهرانی کنی از بزرگان علمای امامیه در قرن سیزدهم و چهاردهم هجری است در سال ۱۲۲۰ قمری در کن (بروزن حق) دوفرسخی تهران متولد و پس از تحصیلات مقدمات معموله بعبات عالیات رفت و از صاحب جواهر و صاحب ضوابط استفاده نمود و در فقه و اصول و حدیث و رجال و تفسیر متبحر و بتهران برگشت و مرجع استفاده اکابر قرار گرفت تا در سال ۱۳۰۶ قمری وفات و در جوار حضرت عبدالعظیم دفن شد .

مرحوم آیه الله بروجردی در تذکره شجره سادات طباطبائی بروجرد ص ۳۸ می نویسد :

* و اما المیرزا محمود فکان عالماً عاملاً رئیساً محتشماً نافذ الحکم فی بلدة بروجرد آمراً بالمعروف ناهیاً عن المنکر صنف کتاب مواهب السنیة شرح الدرۃ المنظومة فی مجلدات * .

مرحوم حاج میرزا محمود سفری بمکه مشرف و این سفر هفت ماه طول کشید و در مراجعت با استقبال گرم و پر شور مردم مواجه شد و ادبا و شاعران شعرها و قصائدی سرودند از جمله حاج ملا اسماعیل فارس بروجردی هنگام زیارت معظم له قصیده ذیل را انشاء کرد :

و یحک ای شهر بروجرد بامصار بیال
که بگسترد همای شرفت از سر بال
وجد کن وجد که از مشرق پر نور حجاز
کو کب مجد درخشید و دم صبح وصال
روسوی یثرب و بطحا کن و یعقوب صفت
بوی پیراهن یوسف شنو از باد شمال
برگشا بساب سعادت بر رخ ای دارسرور
که رسد موکب محمود بصد جاه و جلال
ای خضر مقدم و عیسی دم و داود مقال
بـارک الله لنا مقدمک کیف الحال
منسک فرض ادا کرده اجر تو جزیل
ضاعف الله ولیک الاجر لاجل الاعمال
عقل را هشته افادات تو بر سر اکلیل
جهل را بسته اشارات تو بر پای عقال

هست یکسان بیه بر همت دریا اثرت
سیم با سنگ و گهر باخزف و در بسفال
خضم اگر جست تشبه بتو نبود عجیبی
دال بس از ره تحریر شبیه است بسفال
لیک این يك بعدد هفتصد آن چار بود
بنگر این فرق و بین کیف ضربنا الامثال
وصف حالی شنو ای شمع جهان از فارس
که پس از تو بچسان سخت بما شد احوال
هفت مه مدت هجران تو را سخت بما
سخت و دشوارتر از نائبة هفتصد سال
تنگ ظرفان سبك فطرت و بی شرم و جهول
تیز کردند بخون ریزی خلقی چنگال
چرخ میکرد در آن دامیه هر روز مرا
بایکی خرس سفاهتگر نادان بجوال
گفتم ای چرخ بمن این همه آزار چیست
نیستم طفل مرا سخره مکن چون اطفال
از پی خاطر دنیا طلبی چند بقهر
چون منی میکنی از دست حوادث پامال
منم امروز که خورشید تو هر صبح و مسا
روشنی را کند از خاطر من استظلال
در سخن سنجی و انشاء مضامین بدیع
اندر این دوره مرا شبه و نظیر است محال
بعدن طعنه زند خاک بر وجود ز من
بسکه از لجه طبعم کشد این كلك لثال

بگذرد قرنی وزین خلاق نه بینی دیار
 نام من ماند ونی ملک تو باید نی مال
 بهترک باش بمن ورنه برم شکوه زتو
 برادر داور دین مظهر آیات جلال
 دست حق نفس پیمبر اسدالله که هست
 به سخا دشمن مال و به و غا دشمن مال
 آنکه گر شحنة حفظش بکشد بانك امان
 رخنه در حصن بدنهای نرسد از آجال
 نشتر جودش اگر بر رگ مبروص رسد
 عوض خون جهدش لعل مذهب از قیال
 وصف او نیست که گویند در از خیبر کند
 یاسر از عمرو بیرسد بمیدان قتال
 در کف قدرت و میزان توانائی او
 نه سپهر آمده کم وزن تر از يك مثقال
 گفت یزدان «ومن الماء حیات الاشیاء»
 گوش واکن که براین نکته کنم استدلال
 آب آن نیست که در جوی رود یا دریا
 آب آن نیست که خیزد زعیون وزجبال
 آب انوار ولایت بود ای مرد حکیم
 ورنه پیدا که براین آب حیوه است محال
 هست چون نور ولایت بهمه کون محیط
 هر کجا سیر نمائی به محیط است مثال

ممکنات است بسانسوار ولایت زنده

شیء بی روح نگیرد بوجود استقلال

فارس این مسئله درحیز تقریر تو نیست

ظرف افهام بود تنگ و عظیم است مثال

حجة الاسلام حاج میرزا محمود

طباطبائی در روز چهارشنبه

۲۱ ذیحجه سال ۱۳۰۰ قمری

در سن قریب به هفتاد یا

هشتاد سالگی در بروجرد

بر حمت ایزدی پیوست و با

مرگ خویش صفحہ غرب

ایران را سوگوار و مخصوصاً

بروجرد تا مدتی در اندوه

و محنت و ماتم فرو رفت با

تجلیلی بی نظیر جنازه اش را

در محله صوفیان بخاک سپردند

و قبر او اکنون مزار و مورد

احترام خاص و عام است .



مقبره حاج میرزا محمود

حاج ملا اسماعیل فارس بروجردی در تاریخ وفات مرحوم حجة الاسلام طباطبائی

سروده است :

شد حجة الاسلام بخلد سرمد

در آخر سال یک هزار و سیصد

۴۵۲	قرن سیزدهم	تاریخ بروجرد
تاریخ وفات او ز فارس جستند	در تحت یکی اسم از اسماء احمد	
بنوشت بسنگ پنج بار یا را حم و گفت	کین پنج دو یست و شصت باشد بعدد	
تاریخ چه پنج بار یا را حم شد	با رحمت حق خفت در آغوش لحد	
۱۳۰۰		
در ماتم محمود فلک بسکه گریست	اینک ز شفق شده است چشمش ارم	
یا را حم پنجم ز تو بشنید سروش	زد بانک که خوش بخواب در مهد لحد	

آثار علمیه حجة الاسلام

۱- مسلی المصابین کتابی است نظیر مسکن الفؤاد شهید بخاطر بهرام میرزا قاجار تألیف و چاپ شده .

۲- مواهب السنیة شرحی است استدلالی بر منظومه فقهی بحر العلوم تاریخ شروع معلوم نیست ولیکن قبل از سی و سه سالگی به تألیف آن مشغول و بعد از سی و سه سالگی تهذیب و تصحیح اتمام کرده تا کنون سه جلد از آن چاپ شده به ترتیب ذیل جلد اول از اول طهارت تا آخر باب اغسال در چهار جزء مرتب شده و در تاریخ بیست و نهم شعبان سال ۱۲۶۸ جزء چهارم ختم یافته .

این جلد را فرزند مؤلف سید هبة الله و شیخ رحیم خوانساری و ملا عبد الله در محضر مؤلف تصحیح نموده اند و اثر دستخط مؤلف در باب گواهی مقابله در آخر کتاب ترسیم شده و در آغاز این جلد قصیده رمانیه سید بحر العلوم مذکور است . در سال ۱۲۸۰ قمری بطبع رسید .

جلد دوم مشتمل بر دو جزء و در تاریخ ۲۸ ذیحجه ۱۲۸۵ ختم و بوسیله فرزند مؤلف سید هبة الله و ملا محمد علی محلاتی و شیخ شریف بن شیخ عبدالحسین نجفی تصحیح و در سال ۱۲۸۸ طبع شده .

در سال ۱۲۹۴ قمری مرحوم حجة الاسلام بمشهد مقدس مشرف و دو جلد از

کتاب مواهب السنیة را بر آستانه قدس وقف نموده و با خط خود وقف نامه را مرقوم داشته . جلد سوم مواهب در زمان ریاست و زعامت مرحوم آیه الله بروجردی قدس سره بفرمان معظم له چاپ شد .

۳ - رسالة عملیه

فرزندان حجة الاسلام طباطبائی

فرزندان مرحوم حاج میرزا محمود طباطبائی بنا به گفته مرحوم آیه الله بروجردی در شجره سادات طباطبائی بروجرد یازده نفر بودند ۶ - دختر و پنج پسر .

پسرانش عبارتند از ۱ - هبت الله ۲ - آقا محمد ۳ - آقا طاهر ۴ - آقا عبدالحسین ۵ - آقا ابوالمجد همگی در عصر خود از اکابر و زعماء علماء بوده اند و در جای خود شرح حال آنها ذکر می شود .

شاگردان حجة الاسلام طباطبائی

مجلس درس مرحوم حجة الاسلام حاج میرزا محمود در قرن سیزدهم از حوزه های مهم علمی بشمار رفته و بسیاری از دانشمندان قرن چهاردهم در بروجرد و همدان و خوانسار و محلات و نهاوند از تربیت یافتگان آن حوزه می باشند که بنام بعض آنها اشاره می شود :

- ۱ - حاج سید هبة الله فرزندان حاج میرزا محمود که چنانکه ذکر شد از مصححین مواهب السنیة بوده و ترجمه اش در جای خود ذکر می شود .
- ۲ - ملا محمد علی محلاتی شیرازی از اعضاء تصحیح مواهب و صاحب کتاب مفتاح السعادة رساله عملیه که در سال ۱۲۸۲ طبع شده و معلوم می شود در آن عصر مقلد و مرجع بوده ترجمه اش در ضمن شاگردان حاج ملا اسد الله و حاج سید شفیع ذکر شد .

۳- سید ابوطالب بروجردی از مراجع شرعیه در قرن چهاردهم هجری است. ترجمه‌اش در جای خود ذکر می‌شود.

۴- شیخ شریف فرزند شیخ عبدالحسین بن صاحب جواهر از اکابر قرن چهاردهم است ذخائر علمی خود را از اساطین فضیلت چون حاج میرزا حسین خلیلی و شیخ محمد حسین کاظمی و حاج شیخ هادی تهرانی استفاده کرد و چهار سال نیز از مواهب و فیوضات صاحب مواهب بهره‌ور شد.

در ۲۷ رمضان سال ۱۳۱۴ در نجف اشرف جهان را وداع و در مقبره خاندان جواهری دفن شد و از آثار علمیه‌اش کتاب مثير الاحزان است که مشتمل است بر احادیث صحیحه و اشعار رائقه برده مجلس مرتب و در دو جزء منظم شده.

۵- شیخ محمد باقر بهاری فرزند محمد جعفر همدانی از علماء قرن چهاردهم است در سال ۱۲۷۷ قمری متولد و علوم مقدماتی را از والدش فرا گرفت و سپس بهمدان و بروجرد آمد و در محضر حاج میرزا محمود طباطبائی چندی بهره‌ور شد و پس از فراغت از سطوح و خارج به نجف اشرف رهسپار و نزد ملا حسین قلی همدانی به تحصیلات خود ادامه داد و پس از بیست سال توقف در نجف بهمدان برگشت تا در سال ۱۳۳۲ قمری در گذشت و از آثار علمی او که چاپ شده کتابهای ذیل است:

- ۱- ایضاح الخفاء در رد استبعاد ۲- تسدید المکارم و تفضیح المظالم در موارد و تحریقاتی که در مصر از مکارم الاخلاق شده ۳- درة النجفیه ۴- الطلع النضید فی ابطال المنع من لعن یزید.

۶- ملا عبد الله بروجردی همدانی که از مشاهیر و از اعضاء تصحیح جلد اول مواهب السنیه بوده و ترجمه‌اش در جای خود ذکر می‌شود.

۷- شیخ رحیم خوا انساری از اعلام و اعضاء تصحیح جلد اول مواهب السنیه است.

۸- میرزا محمد حجت همدانی فرزند شیخ محمد حسن شریف در سال ۱۲۷۶ در همدان متولد و پس از فرا گرفتن علوم مقدماتی بروجرد آمد و از ذخائر

علمی مرحوم حاج میرزا محمود بهره و افری برد و سپس باصفهان و از آنجا بنجف رفت و مدت هشت سال از ملا حبیب الله رشتی و دیگران استفاده کرد، در سال ۱۳۰۲ خورشیدی بهمدان برگشت و بتدریس و نشر احکام و اجرای وظائف دینی پرداخت. او در مسائل و احکام فقهی ماهر و از ریاضیات نیز بهره و افری داشته و رسائلی چند در فقه و اصول و حاشیه بر فرائد نوشته که هیچیک بطبع نرسیده .

وی در سال ۱۳۲۱ خورشیدی در همدان در گذشت و جنازه اش را بقم بردند و بانجلیلی بخاک سپردند از فرزندان او یکی حاج شیخ اسدالله معروف بشیخ العراقین و دیگر دکنر محمود حجت است .

۹- حاج سید علی اصغر فرزند حاج سید شفیع بر و جردی از اعلام قرن چهاردهم ترجمه اش در ذیل ترجمه والدش ذکر شد.



سید محمد حسن نوربخش بروجردی

سید محمد حسن فرزند سید مؤمن بن محمد صالح نوربخشی از احفاد سید محمد نوربخش و از علماء قرن سیزدهم هجری است .

ذخائر علمی را از اساتید آن عصر مخصوصاً از مرحوم میرزای قمی فراگرفت و تقریرات استادش را در اصول فقه نوشته و نسخه‌ای از آن بخط نسخ و نستعلیق اکنون در کتابخانه دانشکده پزشکی تهران بشماره ۳۰۳ موجود است .

آقای محمد تقی دانش پژوه در دفتر سوم فهرس نسخه‌های خطی ص ۱۷ می نویسد: تقریرات محمد حسن بن مؤمن بن محمد صالح نوربخشی نسخ و نستعلیق سده سیزدهم، نسخه را ریحان الله بن جعفر موسوی از ورثه مؤلف خریداری کرده است بغلی جلد تیماج حنائی ضریبی کتاب اندکی در عرفان شیعی و بیشتر در اصول فقه است عربی و فارسی هم دارد و بخشی از آن شرح متنی است عربی و فارسی، مؤلف شاگرد میرزای قمی است .

مدرسه نوربخش بروجرد محتمل است بفرمان میرزای قمی بتوسط سید محمد حسن نوربخش ساخته شده باشد .

از احفاد نامبرده سید عبدالغفار نوربخش بروجردی است که فرزند سیدعلی نقی فرزند محمد حسن بن سید مؤمن نوربخشی بوده و از دانشمندان نامی و سخنوران قرن چهاردهم است.

مرحوم آقا بزرگ تهرانی در قسم سوم از جزء اول نقباء البشر می نویسد : سید عبدالغفار بن سید علی نقی دقین بروجرد بن محمد حسن بن سید مؤمن بروجردی نوربخشی سخنوری است بارع و فاضلی است بزرگوار از احفاد سید محمد نوربخش است (۱).

جدش سید مؤمن و پدرش سید علی نقی در بروجرد مدفونند ولیکن او خود بتهران رفت و در زمان مرحوم شیخ فضل الله نوری شهید در سال ۱۳۲۷ قمری از وعظ و سخنوران مشهور تهران و بزیور کمال و معرفت آراسته تاد در حدود ۱۳۵۵ قمری در گذشت.

تاریخ وفات مرحوم سید محسن نوربخش بدست نیامد ولیکن قبرا و در محله مزار کوچک در بروجرد نزدیک آرامگاه مرحوم سید جعفر کشفی معروف و اکنون محدود بدیواری است.

سادات جلیل نوربخش در بروجرد گویا همگی از منسوبین نامبرده باشند.

(۱) سید محمد بن محمد بن عبدالله خراسانی موسوی نسبش با ۱۷ واسطه بحضرت موسی بن جعفر علیه السلام موصول و از شاگردان ابن فهد حلی متوفی بسال ۸۴۱ قمری بوده است . در تمامی عمر لباس سیاه می پوشید .

وی در سال ۷۹۵ در خراسان متولد و در ۷ سالگی حافظ قرآن شد و در فنون طریقت مرید علاء الدوله سمنانی و خواجه اسحق ختلانی بوده و از طرف خواجه بنوربخش ملقب شد و بمقام ارشاد نائل بر اثر سعایت دشمنان از طرف شاه رخ میرزا متوفی ۸۵۰ محکوم بقتل شد و لذا فرار کرد تا بعد از وفات شاه رخ بهری آمد و بارشاد مشغول تاد ۱۶ ربیع الاول ۸۶۹ در قرية سولغان وفات یافت پسرش شاه قاسم فیض بخش جانشین اوست .



ملا محمد بروجرودی

ملا محمد از مفسرین قرن سیزدهم هجری است .

مرحوم آقا بزرگ تهرانی در الذریعه جلد چهارم می نویسد : حاج شیخ
عبدالمجید همدانی متوفی ۱۳۴۶ برای من حکایت کرد که تفسیر ملا محمد بروجرودی را
در کتابخانه فرزندش ملا عبداللہ بروجرودی دیده است .
شرح حال ملا عبداللہ فرزند ملا محمد پس از این ذکر می شود .

میرزا محمد صادق بروجرودی

از دانشمندان و اکابر قرن سیزدهم هجری است .

اعتماد السلطنه در کتاب المآثر والاثار می نویسد: میرزا محمد صادق بروجرودی

در عرفان معروف و امام جمعه بروجرود بود .

تاریخ وفات وی معلوم نشد ولیکن از کلام اعتماد السلطنه استفاده می شود

که در زمان تألیف کتاب المآثر : (۱۳۰۶) در قید حیات نبوده است .

سید اسحق کشفی بر وجودی

سید اسحق فرزند سید جعفر کشفی بر وجودی از افاضل علماء قرن سیزدهم و ساکن تهران در عصر خویش بوظائف شرعی مشغول و در مسجد صاحب دیوان اقامه جماعت میکرد .

مرحوم آقا بزرگ تهرانی در الکرام البرره می نویسد :

* اسحق بن سید جعفر الکشفی عالم جلیل کان من اجلاء طهران و افاضلها الاعلام و وجهاتها الاشراف و کان امام الجماعة فی مسجد صاحب الديوان * .

محمد علی خوشنویس بر و جردی

از خوشنویسان و خطاطان قرن سیزدهم هجری است .
از آثار او نسخه ایست از کتاب روضة الانوار عباسی که تألیف ملامحمد باقر
سبزواری است . (۱)

(۱) محمد باقر بن محمد مؤمن خراسانی سبزواری فاضل محقق حکیم مثاله فقیه محدث
عالم نقاد از دانشمندان بزرگ در قرن یازدهم هجری در سال ۱۰۹۰ در اصفهان درگذشت و جنازه اش
را بمشهد حمل کردند .
او از شاگردان مخصوص شیخ بهائی بوده و از آثار نعیسه اش کتاب روضة الانوار نامبرده
است که در آداب ملوک تألیف شده .

ملازین العابدین بروجردی

از علماء وفقهاء ومجتهدين قرن سیزدهم هجری است .

اعتماد السلطنة درمآثر وآثار می نویسد : ملازین العابدین مجتهد بروجردی از شاگردان مشهور ملا علی مجتهد بروجردی است و در خطه مسطوره بقضاء وحکومات شرعیه اشتغال داشت .

مرحوم آقا بزرگ تهرانی در الکرام البررة می نویسد :

المولى زين العابدين البروجردى عالم جليل و مجتهد فاضل كان صاحب المحكمة الشرعية فى بروجرد ويظهر من رسالة السيد عبد الحسين كمونة البروجردى النجفى التى الفها فى ١٣١٧ ق ان المترجم له كان استاذ والده السيد على و انه كان كلبا يگانياً فنزل بروجرد * .

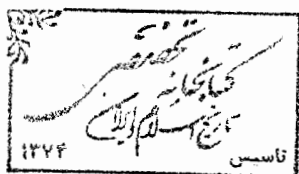
آخوند ملا محسن بروجرودی

آخوند ملا محسن فرزند ملا عبدالرضا بروجرودی از اکابر علماء قرن سیزدهم و اوایل قرن چهاردهم هجری است. پدرش ملا عبدالرضا نیز از مفاخر عصر و علماء مشهور بروجرود بوده و در سال ۱۲۳۹ هجری قمری درگذشت و جدش رفیع الدین محمد صاحب ابواب الجنان متوفی سال ۱۰۸۹ هجری است که شرح حالش بمناسبت مرحوم شیخ علی اصغر جنانی ذکر می شود.

مرحوم آخوند ملا محسن معارف اولیه را از پدرش فرا گرفت و پس از درگذشت وی در محضر اساتید علمی بروجرود مانند مرحوم سید جعفر کشفی و سید حسین صاحب نخبه المقال و حجة الاسلام حاج ملا اسد الله و حاج سید شفیع و حجة الاسلام حاج میرزا محمود بروجرودی حاضر و بهره فراوان برد تا بمقام منبع اجتهاد رسید و از فقهاء نامی زمانش بشمار رفت.

از آثار علمیه او کتابی است در تفسیر سورة حمد و توحید بنام مجمع المطالب و منتهی المآرب کتابی است نفیس که حقیقتش مرحوم شیخ علی اصغر جنانی در کتاب نور الابصار از آن کتاب مطالبی ارزنده نقل کرده.

اعتماد السلطنه در متأثر و آثار می نویسد ملا محسن مجتهد بروجرودی در شب عاشورا سال ۱۳۰۳ هجری درگذشت طائفه محسنی اکنون در بروجرود از نواده های او بشمار میروند.



۱۱۷

میر سید محمد مهدی بروجردی

میر سید محمد مهدی فرزند میر سید علی طباطبائی بروجردی ابن سید عبدالکریم ابن سید علی بن سید محمد طباطبائی از اکابر علماء اصفهان در اواخر قرن سیزدهم و اوایل قرن چهاردهم هجری بوده .

مرحوم آیه الله العظمی بروجردی قدس سره بنا بر آنچه در تذکرة انساب طباطبائی های بروجرّد ص ۳۰ ذکر فرموده میر سید محمد مهدی را قبل از رفتنش باصفهان ملاقات کرده .

سید مصلح الدین مهدوی در تذکرة القیور ص ۵۱۱ می نویسد : میرزا محمد مهدی بروجردی فرزند حاج میر سید علی فاضل زاهد در پانزدهم شعبان سال ۱۳۰۲ هجری در گذشت و در تکیه آقا حسین خوانساری در اصفهان دفن شد .

حاج سید علی طباطبائی بروجردی

حاج سید علی فرزند سید عبدالکریم بن سید علی بن سید محمد طباطبائی بروجردی ، از اکابر علماء و اعظام فقهاء در قرن سیزدهم و چهاردهم هجری است . مورخین و علماء رجال او را با عظمت و جلال یاد کرده اند .

سید محسن عاملی در اعیان الشیعه جلد ۴۱ ص ۳۱۰ و آقا بزرگ تهرانی در الذریعه جلد اول ص ۲۰۷ و مهدوی در تذکره القبور ص ۴۳۵ و کحاله در معجم المؤلفین می نویسند .

مرحوم سید علی طباطبائی بروجردی عالمی بزرگوار و فقیهی عالمقدار بود تحصیلات خویش را در زادگاهش بروجرد بنهایت رساند و از بزرگان علمی آن شهر بهره ور شد مخصوصاً از حجة الاسلام حاج ملا اسدالله بروجردی بیشتر استفادہ کرد و سپس باصفهان مهاجرت و از اساتید بزرگ آن شهر بهره های فراوان برد و بالاخص از سه نفر بیشتر کسب فیض نمود : مرحوم حاج اباده (۱) و مرحوم آقا محمد مهدی کرباسی (۲)

(۱) حاج اباده حاج محمد جعفر از علماء بزرگ و فقهاء معروف اصفهان و از شاگردان مرحوم شفتی، در فقه استدلالی تالیفی دارد و شرحی نیز بر تجرید خواجه طوسی نوشته و در سال ۱۲۸۰ هجری قمری درگذشت .

(۲) آقا محمد مهدی فرزند علامه حاج محمد ابراهیم عالم زاهد و روح متقی از فحول علماء

و مرحوم حاج سیداسدالله بیدآبادی (۱) تا کم کم خود از اکابر علمی آن عصر بشمار آمد و در اصفهان بتدریس و افاضه مشغول و جمعی از شیفتگان علم و فضیلت در حوزة تدریس او شرکت داشتند .

ضمناً در مسجد در کوشک نیز امامت جماعت داشت . از آثار علمیه او کتابی است در اصول فقه و کتابی دیگر در شرح هدایه شیخ حر عاملی که تا کنون به طبع نرسیده اند .

مرحوم سیدعلی در شب پنجشنبه دهم ربیع الاول سال ۱۳۰۶ هجری در گذشت و در مقبره آقا حسین خوانساری در اصفهان دفن شد .

رحمت شاعر اصفهانی در ماده تاریخ وفاتش گفته :

رحمت حق از بی تاریخ گفت (ان لسانیا لعلی عظیم)

۱۳۰۶

سیدعلی طباطبائی جداعلی سادات جلیل القدر طباطبائی بروجردی مقیم اصفهان

و معتمدین قرن سیزدهم و مورد وثوق و احترام قاطبه طبقات بودند .

وی در اصفهان متولد و از پدرش وحجة الاسلام شفتی استفاده کرده تا خود مرجعیت تامه یافت و کتابهای در فقه و اصول و ادب و منطق نوشته تا در چهارم جمادی الثانیه سال ۱۲۷۸ هجری در گذشت و جنب پدرش مقابل مسجد کلیم دفن شد .

(۱) حاج سیداسدالله بیدآبادی عالم فاضل محقق مدقق زاهد عابد فرزند مرحوم حاج سید محمد باقر حجة الاسلام شفتی در سال ۱۲۲۸ هجری قمری متولد و در آخر جمادی الثانیه سال ۱۲۹۰ در کرند در گذشت و جنازه اش به نجف اشرف حمل و مقابل قبر شیخ مرتضی انصاری دفن شد .

مرحوم بیدآبادی از شاگردان صاحب جواهر و درجات زهد و تقوی بطوریکه نوشته اند بر پدر مقدم بوده و از دنیا و مردم بالانحص امراء و بزرگان اعتراض کلی داشته .

است و از وی سه فرزند برومند پدید شد که هر یک در فضائل و فواضل نمونه باهری از پدر بودند .

مرحوم آیه الله بروجردی قدس سره در شجره انساب ص ۳۰ مرقوم داشته :
* و اما السید علی فانتقل الى اصبهان و كان عالماً جليلاً و كان له اولاد: الميرزا مهدي والميرزا محمد باقر والميرزا ابو الحسن لقيتهم ولهم اعقاب * .

شیخ الاسلام بروجرودی

شیخ علی نقی شیخ الاسلام از اکابر علماء و اعظم فقهاء قرن سیزدهم و چهاردهم
هجری است.

وی در جمیع علوم و معارف اسلامی مطلع و دارای تحقیقات عمیق بوده و
علماء رجال و تاریخ او را بعلم و فضیلت و زهد و فقاہت ستوده اند .

مرحوم حاج سید شفیع بروجرودی با واجازة اجتهاد داده و در خاتمة روضة
البہیہ در ردیف علمائیکہ از طرف او با واجازة اجتهاد نائل شده اند می نویسد :

❖ و منهم الشیخ المحقق المدقق الفاضل العالم الکامل الزاهد الشیخ الاسلام
الشیخ علی نقی البروجردی دام عزہ ❖ .

فاضل مراغی اعتماد السلطنة در متأثر و آثار می نویسد :

شیخ علی نقی بروجرودی شیخ الاسلام دارالسرور مزبور است و عالمی عامل
و فقیهی فاضل و بدرجۃ اجتهاد نائل می باشد صحبتش مکرر ادراک شده .

مرحوم سید محمد بن سیدهادی بروجرودی در کتاب روح وریحان ص ۳۶
می نویسد : میرزا علی نقی شیخ الاسلام علیہ الرحمہ در سال ۱۳۰۶ هجری قمری
در گذشت .

حاج ملامهدی بروجرودی

فرزند حاج محسن از فقهاء و مجتهدین قرن سیزدهم هجری است .
پس از تحصیلات عالی و وصول به مرتبه سامیه اجتهاد در بروجرود به تدریس فقه
و اصول و تفسیر اشتغال ورزید و جمعی از طلاب مستعد از بیانات عالمانه و نظرات
دقیقانه او استفاده می نمودند .

از ولادت و وفات او اطلاعی در دست نیست فقط از متأثر و آثار استفاده می شود
که در سال ۱۳۰۶ هجری قمری که زمان تألیف آن کتاب است وی در قید حیات نبوده است .
اعتماد السلطنه در متأثر و آثار می نویسد: حاج ملامهدی بروجرودی پسر حاج محسن
مجتهدی دقیق النظر زکی الخاطر بود و در بروجرود بتدریس علوم فقه و اصول و تفسیر
اشتغال همی داشت . از او بانزوا و انقطاع و انفراد میل زیاد احساس می شد .

سید ضیاء الدین بروجردی

سید ضیاء الدین قلعه‌ای از اکابر دانشمندان قرن سیزدهم و چهاردهم هجری است
ذخائر علمی خود را از اساتید آن عصر فراگرفت و بیشتر از موائد علمی مرحوم
حجة الاسلام حاج ملا اسدالله بروجردی بهره ورشد چنانکه در ردیف شاگردان آن
مرحوم ذکر گشت . سال وفاتش بدست نیامد ولیکن از آنچه اعتمادالسلطنه درمآثر
و آثار ص ۱۷۳ نقل کرده استفاده می‌شود که در سال تألیف آن کتاب که ۱۳۰۶ قمری
باشد زنده بوده .

مرحوم آقا بزرگ در ترجمه سید ضیاء الدین بروجردی می‌نویسد:
❦ کان من العلماء الاعلام فی قلعة من محال بروجرد وهو من تلامیذ العلامة
الشهیر المولی اسدالله البروجردی ذکره الفاضل المراغی فی المآثر وعده من علماء
عصر السلطان ناصر الدین شاه و ظاهر کلامه انه کان حياً حین التألیف وهو سنة ۱۳۰۶ ❦

ملا اسماعیل بروجرودی

ملا اسماعیل فرزند اسحق بروجرودی حائری ، از اکابر علماء قرن سیزدهم و چهاردهم هجری است .

معارف و علوم مقدماتی را در بروجرود فرا گرفت و از اساتید عصرش مخصوصاً از محضر پرفیض مرحوم حجة الاسلام حاج ملا اسدالله بروجرودی استفاضه کرد . پس از درگذشت استادش در سال ۱۲۷۱ هجری قمری به نجف اشرف رهسپار و از بحر مواج مرشیخ مرتضی انصاری قدس سره بهره ور شد تا در جمیع فنون اسلامی بالاخص در فقه و اصول و منطق و حکمت و ریاضیات ماهر و سپس رحل اقامت بکربلای معلی انداخت و بافاضه و تدریس علوم مزبوره پرداخت و جمعی پروانه صفت بر شمع وجودش گرد آمده و از ذخائر علمی او مستفیض شدند .

از جمله سبط او مرحوم شیخ عبدالرحیم (۱) فرزند عبدالحسین بن شیخ محمد-

۱- شیخ عبدالرحیم حائری از دانشمندان بنام و از احفاد صاحب فصول و از اسباط ملا

اسماعیل بروجرودی است . در دوم ربیع الاول سال ۱۲۹۴ در کربلا متولد و در سن ۷۲ سالگی در سال ۱۳۶۷ هجری درگذشت .

وی از نوابغ قرن چهاردهم و اغلب علوم را قبل از پانزده سالگی فرا گرفت و در هر يك

حسین صاحب الفصول که در اوائل عمر مدتی کوتاه از جدش استفاده کرد و در همان زمان قلیل بسیاری از اسرار خفیه و علوم سریه را از ایشان بهره برداری کرد و تقریرات و تحقیقاتی در علم فقه و اصول و کلام و حکمت الهیه از افادات او نوشت .
از جمله شاگردانش حاج ملاعلی بن خلیل (۱) بود که در علوم ریاضی از او استفاده کرد .

مر از علوم صرف و نحو و منطق و بیان و معانی و بدیع و فقه و اصول کتب و رسائلی تالیف کرد و بیش از سی اجازه روائی و اجتهادی از علماء اعلام و فقهاء عظام دریافت نمود .

در سال ۱۳۱۰ قمری با صفهان مهاجرت کرد و پس از ده سال اقامت در سال ۱۳۲۰ قمری بعثت معاودت نمود و مقیم نجف شد در سال ۱۳۳۰ قمری در انقلاب عراق و جنگ بین الملل بایران آمد و در طهران اقامت کرد در سال ۱۳۴۹ قمری پس از دومرتبه حج بقم رفت و بافاضة و اقامه جمعه و جماعت مشغول و سپس به طهران بر دشت تا در سال ۱۳۶۷ قمری درگذشت .

آثار علمیه مرحوم شیخ عبدالرحیم زیاد است از جمله : داستان حی بن یقظان و احوال ابدال و سلامان ، دعوت بشر بیگانگی ، مشرق الانوار در اسرار قرآن ، مجمع الاسرار ، رساله در نماز و روزه ساکنان قطب ، رساله در وجوب عینی نماز جمعه ، ملخص المقال ارجوزه در رجال ، موجز المقال در علم درایه .

(۱) حاج ملاعلی فرزند میرزا خلیل طبیب طهرانی مقیم نجف در سال ۱۲۲۶ قمری متولد و پس از وصول بحد تمیز معارف مقدماتی را از اساتید عصر فرا گرفت و سپس اصول را از شریف العلماء و صاحب فصول و فقه را از صاحب جواهر و ریاضیات را از ملا اسماعیل بروجردی استفاده کرد تا خود بمقامی سامی اجتهاد رسید و اضافه بر مراتب علمیه در زهد و بی رغبتی بدنی کم نظیر بود .

از آثار علمیة او خزائن الاحکام در شرح تلخیص المرام در چند جلد ، و سبیل الهدایه در علم درایه است .

وی در سال ۱۲۹۶ قمری در سن هفتاد سالگی درگذشت .

در کتاب ماضی النجف و حاضرها جلد دوم ص ۲۴۱ می نویسد : مولی اسماعیل بروجردی در ریاضیات مخصوصاً یدی طولاً داشته خواستاران علوم ریاضی در درس او حاضر می شدند و از جمله شاگردانش حاج ملاعلی بن خلیل بود . مرحوم آغا بزرگ در طبقات اعلام الشیعه جزء اول ص ۱۵۱ می نویسد :

* المولی اسماعیل بن اسحق البروجردی الحائری عالم جلیل کان تتلمذه علی المولی اسدالله البروجردی و ادرك فی النجف بحث الشیخ الانصاری حکم ای سبطه الشیخ عبدالرحیم بن عبدالحسین بن مؤلف الفصول ان له تصانیف فی الفقه و کتب اجازة للمسید محمد البحرانی فی ج ۱ - ۱۳۰۶ *

و در کتاب الکرام البررة می نویسد :

* الشیخ ملا اسماعیل البروجردی من علماء عصره الماهرین فی العلوم الرياضية قرنها علیه العلامة ملاعلی الخلیلی المولود فی ۱۲۲۶ . *

از جمله شاگردانش شیخ محمد صالح (۱) فرزند میرزا فضل الله مازندرانی است که در سال ۱۲۹۷ هجری قمری در کربلا متولد شد و در کودکی مرحوم ملا اسماعیل بروجردی را ملاقات و در همان مدت کوتاه شطر و افری از ذخائر علمی وی استفاده کرد .

مرحوم ملا اسماعیل بروجردی حائری در حدود سال ۱۳۰۷ هجری قمری در کربلا معلی در گذشت و در همان خاک پاک دفن شد .

(۱) شیخ محمد صالح مازندرانی حائری در کربلا متولد مادرش دختر ملامحمد یوسف استرآبادی صاحب صیغ العقود است مقدمات عربی را در کربلا فرا گرفت و دوازده سال در نجف بتحصیل اشتغال ورزید و در سال ۱۳۲۴ قمری بایران آمد و به بابل مازندران مقیم شد و سپس درسنان رفت و به تدریس و افاضه اشتغال ورزید و آثار ارزنده ای را تالیف کرد .

از جمله : حکمت بوعلی سینا در سه جلد - دیوان الادب - سیاتک الذهب فی اصول المذهب - رساله در منجزات مریض .

شیخ محمد رحیم بروجردی

حجة الاسلام و المسلمین علامه جلیل و فقیه نبیل حاج شیخ محمد رحیم بن محمد بروجردی مشهدی معروف ببالا خیابانی، زیرا سکونتش در ارض اقدس رضوی در محله خیابان علیا بوده است.

وی در روز هفدهم ربیع الاول که مولد رسول اکرم ﷺ است در سال ۱۲۲۴-۱۲۲۵ در بروجرد متولد و پس از وصول به رشد بتحصیل ادب و زبان عرب مشغول و برائش استعداد و فعالیت مهارتی در ادبیات عرب بدست میآورد که در همان اوان کودکی کتابی در نحو تصنیف میکند که مورد قبول طلاب و دانشجویان میشود، سپس در محضر علماء و فقهاء عصرش حضور بهم رسانیده و از هر خرمنی خوشه ای چیده و پس از تکمیل سطوح بدرس خارج پرداخته و از سید بزرگوار و علامه عالی مقدار سید شفیع جابلقی و حجة الاسلام و المسلمین حاج ملا اسد الله



شیخ محمد رحیم بروجردی

استفاضه میکنند و تقریرات دروس آنانرا مدون فرموده تا در سال ۱۲۴۱ هجری که هنوز سن او بهفده سال بالغ نشده بنجف اشرف مشرف و در آن دریای مواج فضیلت شناور میشود و از اساطین علمی مخصوصاً از مرحوم شیخ محمد حسن صاحب جواهر قدس سره حداکثر استفاده را می نماید و در خلال همان اوقات شرحی محققانه بر مختصر نافع در فقه تألیف می کند که مورد تحسین و تقدیر مرحوم صاحب جواهر می شود و در نتیجه او را با اجازه اجتهاد مفتخر ساخته باینکه صاحب جواهر باشخصاصی معدود اجازه اجتهاد داده .

مرحوم آغا بزرگ طهرانی در جزء اول نقباء البشر ص ۲۷۲ می نویسد :

مرحوم شیخ رحیم بروجردی عالمی است متضلع و فقیهی است بزرگ از اعاظم و بزرگان در مشهد مقدس از شاگردان صاحب جواهر و او مجتهدی مسلم الاجتهاد است . سپس از صاحب تکملة امل الامل سید صدر ، داستانی نقل میکند که سید محمد هندی که سیدی عالم و مورد اعتماد و ضابط بود گفت : روزی در محضر مرحوم صاحب جواهر بودم او در منبر مشغول تدریس بود ضمناً فرمود بعض از دوستانم از ایران نامه ای نوشته و در آن مر قوم داشته که محمد شاه قاجار میگوید : شیخ محمد حسن در نجف کارخانه مجتهد سازی دارد و از آن کارخانه مجتهد تحویل ایران می دهد باینکه من بآنها که فرستاده ام اجازه قضا و حکومت داده ام نه اجازه اجتهاد و من در تمام عمرم بکسی اجازه اجتهاد نداده ام مگر چهار نفر : شیخ عبدالله نعمت عاملی و شیخ عبدالحسین طهرانی و ملاعلی کنی و شیخ رحیم بروجردی .

مرحوم شیخ محمد رحیم در سال ۱۲۵۱ هجری قمری در سن ۲۶ سالگی مجاز با اجازه اجتهاد شد و مدتی در نجف اشرف بتدریس پرداخت و سپس در کربلا مقیم شد تا در سال ۱۲۵۸ قمری سوم رجب باصرار اعیان مشهد و بزرگان خراسان و امر صاحب جواهر مجاور آستان قدس رضوی شد و بترویج علوم و نشر احکام اشتغال ورزید و جمعی از علما در محضرش حاضر و از ذخائر علمیش مستفیض شدند .

از جمله میرزا محمد همدانی که در سال ۱۲۸۳ قمری از طرف استادش با اجازه مفتخر و در حدود سال ۱۳۰۴ درگذشت و امام الحرمین میرزا محمد کاظمی همدانی که عالمی جامع و فاضلی کامل و در کاظمین به قضا اشتغال داشت و از طرف ناصرالدین شاه بامام الحرمین ملقب و او نیز در سال ۱۳۰۴ وفات کرد و محمد حسن فرزند ملاعلی قاضی و غیر اینها .

مرحوم شیخ محمد رحیم بروجردی دوبار بسفر حج مشرف و در سال ۱۲۶۶ هجری قمری پس از فتنه سالار و افتتاح بلد بتولیت آن آستان ملک پاسبان مفتخر و منصوب شد .

مرحوم سید محسن عاملی در جزء ۴۴ کتاب اعیان الشیعه ص ۲۷۲ می نویسد :
* الشيخ محمد رحیم البروجردی کان مقبولا عند عامة اهل المشهد المقدس بل کل بلاد خراسان قرء الفقه عند فقیه الشیعة و محیی الشریعة المولی اسد الله البروجردی الشهیر بحجة الاسلام و کل الفقه علی صاحب الجواهر و قرء علم الاصول علی السید شفیع الجابلقی و له مصنفات مفیده فی الحدیث و الفقه و غیرهما و فی سنة ۱۲۶۶ بعد فتنه سالار نصب متولياً علی الاستانة و جرى فی هذا المنصب الجلیل علی موجب الشرع . *

آقای بامداد در رجال ایران جلد پنجم ص ۲۴۷ می نویسد : در سال ۱۲۷۶ که محمد حسنخان سالار قلعه و قمع گردید و فتنه خراسان فرونشست میرزا اتقی خان امیر کبیر که در تمام امور مملکتی وارد بود و اشخاص را خوب می شناخت حاج شیخ محمد رحیم مجتهد بروجردی را که شخصی موجه و مدبر بود بتولیت آستان قدس رضوی منصوب نمود و اتفاقاً همان طوریکه امیر کبیر او را شناخته بود خوب از عهده کار خویش برآمد تا حدودی که برای او امکان داشت جبران خرابیهارا نمود و مدت تولیت او یکسال بود .

مرحوم مدرس اول میرزا عبدالرحمن در تاریخ علماء خراسان می نویسد :

الحبر العليم والماجد العظيم ثقة الاسلام ومقتدى الانام مولينا الاجل الشيخ محمد رحيم ادام الله افضاله واجزل نواله . زبان از حد مدايخش خسته و كليل وخامه از تحرير متأثر ومناقبش شكسته و عليل است همانا بجز اينكه رئيس مقدم و افضل واعلم علماء خراسان بل وحيد عصر ويگانه زمان است بهتر آنكه در بيان معالي فخار ايشان باين دو شعر اقتصار رود :

احيي رسوم الشرع والسنن التي يزهي بها دين النبي ويزان
علم الهدى هو حجة الاسلام من في كـل مكرمة له سلطان
اکنون كه سن شريفش بهفتاد سال است آنی از مواظبت تدريس وتصنيف و
ضبط مسائل واقامة دلائل غفلت ندارد وهيچ شغل بزرگی راساعتی معطل و شاغل از
آنها قرار نميدهد كسانيكه از حوزة درس ومحضر شريف وبركت انفاس قدسيه آن
فقيه كامل بدرجۀ افضليت واشتهار نائل شده اند بسيارند غالب در توابع بلاد خراسان
هريك مطايعت تامه ومرجعيت عامه دارند .

مرحوم شيخ محمد رحيم بر اثر بيماری و بقاء در سلخ ربيع الثاني سال ۱۳۰۹
قمری وفات كرد در سن ۸۵ سالگی و در دارالسياده در جوار علسی بن موسى الرضا
عليهما سلام الله دفن ولفظ (شيخ عليه الرحمه) ماده تاريخ اوست .
گوهری هراتی در تاريخ وفاتش سروده :

بگفتش كه برگو بپای صفا «بقصر برين شد محمد رحيم»

۱۳۰۹

مؤلفات

مرحوم شيخ محمد رحيم آثار نفيسه وارزنده علمی از خود بيادگار گذاشت
كه متأسفانه هيچ يك از آنها بزور طبع نرسيده :
۱ - كتابی در نحو كه در بروجرد در حوادث سن نوشت و مقبول طلاب و

دانشجویان شد.

۲ - تقریرات دروس فقه و اصول مرحوم حاج ملاسیدالله و مرحوم حاج سید شفیع جاپلقی بروجردی .

۳ - شرح مختصر نافع که مورد تحسین و تقدیر مرحوم صاحب جواهر شد و در نتیجه او را باجازهٔ اجتهاد مفتخر داشت .

۴ - هدایة الرضویه ، در آداب و فضل زیارت حضرت رضا علیه الصلوٰة والسلام در این کتاب بجهات فقهی و حدیثی پرداخته و آنرا بر سه باب ترتیب داده و مفصلترین کتابی است که در این باب تألیف شده در سال ۱۲۸۳ قمری که از سفر مکه و عتبات عالیات برگشته کتاب مزبور را تألیف چند ورق از این کتاب در زمان نجل بزرگوارش شیخ عبدالحسین بالاخیابانی چاپ شد .

۵ - رساله در اثبات سیادت - کتابی است فقهی و استدلالی در پاسخ سؤال وارد از لکنه‌و در کیفیت اثبات نسب سیادت و هاشمیت در تاریخ ۱۲۶۲ قمری خاتمه یافته .

۶ - رساله در بیع فضولی .

۷ - مجموعه در مطالب متفرقه .

۸ - جوامع الکلام در شرح قواعد الاحکام علامه حلی شرح مفصلی است و تعداد مجلدات آن از ۱۳ جلد متجاوز است .

۹ - رساله در اجازه شیخ میرزا محمد همدانی متوفی حدود ۱۳۰۴ مورخ ۱۲۸۳

۱۰ - رساله در اعمال سال .

کتاب و رسائل مزبوره مخلوطه اکنون در کتابخانهٔ آستانهٔ قدس رضوی موجود است .

مرحوم شیخ محمد رحیم کتابخانهٔ مفصلی محقوی کتب نفیسه داشته که مجموعاً به کتابخانهٔ ملی حاج حسین ملک در طهران منتقل شده است .

فرزندان

از مرحوم شیخ محمد رحیم بروجردی دو فرزند بیادگار ماند که هر یک در علم و فضیلت نمونه‌ای از پدر بودند :

۱- شیخ حسن بن شیخ محمد رحیم از علماء قرن چهاردهم هجری است ذخائر علمی خود را از اساتید آن عصر مخصوصاً از والد ماجد خویش فراگرفت و سپس به نجف اشرف مشرف و از اعلام و اساطین آن حوزه مقدسه مخصوصاً از مرحوم میرزا حبیب‌الله رشتی (۱) استفاضه کرد تا جمیع فنون اسلامی مخصوصاً در فقه و اصول مهارت پیدا کرد و پس از وفات والدش در سال ۱۳۰۹ قمری بمشهد مقدس برگشت و بجای پدرش مورد وثوق و توجه عام و خاص شد تا سال ۱۳۱۵ زنده بود .
مرحوم آقا بزرگ در نقباء البشر ص ۳۹۸ می‌نویسد :

*الشیخ حسن بن الشیخ محمد رحیم البروجردی المشهدی عالم جلیل متبحر و مرجع ثقة ورع و كان من المتبحرين في الفقه و اصوله عادالي المشهد المقدس بعد وفاة والده فقام مقامه و كان موثقاً به عند الخاصة والعامة ادر كنه في زیارتی الاول للامام الرضا عليه السلام في ۱۳۱۰ و كان حياً الى سنة ۱۳۱۵ *

۲- شیخ عبدالحسین بن شیخ محمد رحیم از دانشمندان قرن چهاردهم هجری است در علم و تقوی و مکارم اخلاقی و اهتمام بامور مستمندان شهرتی بسزا داشته و پس از برادرش مرحوم شیخ حسن مرجعیت و ریاست باورسید تادر دوازدهم شعبان سال ۱۳۴۴ در گذشت .

مرحوم آقا بزرگ در نقباء البشر می‌نویسد :

(۱) حاج میرزا حبیب‌الله رشتی محقق مدق در اصول استاد علماء عصر خود از بزرگان

شاگردان شیخ مرتضی انصاری در سال ۱۲۳۴ متولد و در شب ۱۴ جمادی الاخره ۱۳۱۲ قمری در گذشت .

* الشیخ عبدالحسین بن الشیخ محمد رحیم البروجردی الخراسانی عالم جلیل و کان من الاعیان العلماء فی مشهد الرضا علیه السلام وله مکانة سامیة عند الخواص والعوام و کان واسع العلم غزیر الفضل شدید الورع طیب الاخلاق یهتم بامور الفقراء و طلاب العلم و یتصدی لقضاء حوائجهم* .

از مرحوم شیخ عبدالحسین نیز فرزندی دانشمند و فاضل بیادگار ماند بنام شیخ احمد رکن از خطباء و سخنوران معاصر بود و از آثار او کتابی است بنام بستان الناظر شبیه کشکول است و از مطالب این کتاب حادثه روس است در مشهد رضوی سال ۱۳۲۸ هجری قمری .

میرزا جهان بخش بروجردی

میرزا جهان بخش بروجردی از علماء جامعین در قرن چهاردهم هجری است در جمیع فنون و علوم اسلامی ماهر و باضافه در ریاضیات و هیئت شهرت داشت و جمعی در محضرش بهره ور شدند .

از جمله مرحوم شیخ عبدالحسین فرزند شیخ عیسی رشتی گیلانی (۱) که مدتی از ریاضیات و هیئت در حوزه درس وی استفاده کامل کرد :

(۱) شیخ عبدالحسین بن عیسی رشتی گیلانی طهرانی حائری در کربلا متولد شد و از اساتید عصر معارف خود را کسب کرد و مدتی در طهران و قم با استفاضه و افاضه اشتغال داشت و بیشتر بحال تجرد و انزوا زندگانی می نمود .

آثار علمیه نفیسی از خود بیادگار گذاشت از جمله : اتحادیه مسلمین بمناسبت تضییقات روس و انگلیس - شرح کفایة الاصول که در سال ۱۳۷۰ در نجف چاپ شده ، کشف الاشتباه . در رد موسی جارالله که در سال ۱۳۵۶ در دهلی بطبع رسیده ..

ملا عبدالله بروجرودی

ملا عبدالله فرزند ملا محمد بروجرودی همدانی از فقهاء نامی قرن چهاردهم هجری است. پدرش مرحوم ملا محمد از اعلام مفسرین در قرن سیزدهم بود.

مرحوم آقا بزرگ در نقباء البشر می نویسد:

شیخ عبدالله فرزند ملا محمد بروجرودی همدانی فقیهی پرهیزگار بود و پدرش از علماء اعلام و مفسرین افاضل، تفسیری ارزنده داشت.

مرحوم ملا عبدالله از بزرگان علماء و در تقوی و زهد و عبادت و امر بمعروف و نهی از منکر نامور بود و در همدان جمعی از اعظام مراجع را او تربیت کرد، از جمله: شیخ محمد هادی همدانی و شیخ ربیع همدانی و شیخ محمد تقی همدانی و شیخ علی رضا همدانی و سید میرزا فتاح همدانی و غیر اینها که هر یک پس از استاد از اعلام مراجع بشمار رفتند.

مرحوم ملا عبدالله بروجرودی در همدان با طائفه شیخیه مبارزات سختی داشت تا بجائی که آنان را تکفیر کرد و از طرف شیخیه اعمال نفوذ شد و چند بار او را بطهران تبعید کردند و بهمین جهت در تهران شهرتی بسزا کسب نمود و مردم بصلاح و

فضیلت و تقوی و عدالت وی واقف و خاص و عام پروانه وار گرد شمع وجودش در حرکت آمدند و مورد وثوق همگان شد و در نماز جماعت خلعتی کثیر باو اقتدای کردند تا در سال ۱۳۱۳ هجری قمری در همدان درگذشت .

فرزندش میرزا اسماعیل بروجردی همدانی پس از پدر مورد وثوق و اعتماد مردم شد . و فرزند دیگرش شیخ محمد که در هنگام وفات پدر جنین بود و سپس متولد شد اکنون عالمی جلیل و بزرگوار و در همدان مرجع امور مردم است .
دکتر مهدی درخشان در کتاب بزرگان همدان جلد دوم می نویسد:

آخوند ملا عبدالله بروجردی همدانی از بزرگترین دانشمندان و فقهاء و زهاد عصر خود بوده و در همدان سکونت داشت و در بحث علم امام علیه السلام با مرحوم شیخ اسماعیل متوفی ۱۳۰۶ هجری قمری که از شاگردان ملا احمد خوانساری ساکن ملایر و شیخ مرتضی انصاری بود مباحثات بسیار داشت و مزارش در مدخل قبرستان همدان واقع و دارای بقعه و بارگاهی است و اکنون زیارتگاه عموم است .

مرحوم اعتماد السلطنه در روزنامه خاطرات ص ۸۴۳ داستانی از مرحوم ملا عبدالله بروجردی راجع بیهودیها نقل کرده که کاشف از نفوذ وی می باشد .

می نویسد : سه شنبه ۲۲ جمادی الاولی ۱۳۱۰ قمری معلوم شد تلگراف پریروز که امین السلطان را متغیر کرد چه بود : ملا عبدالله که در همدان مقتدا بود حکم کرده بود که یهودیها باید علامتی در لباس داشته باشند که با مسلمانها فرق داشته باشند از آنجائیکه یهودیهای همدان زیاده از پنج شش هزار نفر بودند و در حمایت انگلیس هستند ایلچی انگلیس ظاهراً از ملا عبدالله شکایت کرده ، او را بطهران خواستند اهل همدان تمام شوریدند .

شاه حکم کرد شش هزار قشون بسرداری آقا بالاخان و کیل الدوله و دونفر از صاحب منصبهای اطریشی بروند همدان را قتل عام کنند خداوند انشاء الله عاقبت امور را خیر کند .

حاج سید هبة الله طباطبائی بروجردی

حاج سید هبة الله فرزند حجة الاسلام حاج میرزا محمود طباطبائی بروجردی از علماء و فقهاء ورؤساء قرن چهاردهم هجری است .

ذخائر علمی خود را در محضر والد ماجدش فرا گرفت و در تصحیح مواهب السنیة شرح دره تألیف پدرش شرکت داشت و پس از درگذشت مرحوم حجة الاسلام ریاست و مرجعیت باو منتقل شد و مدت سیزده سال زعیم و مورد احترام خاص و عام بود تا در سال ۱۳۱۳ یا ۱۳۱۴ هجری قمری درگذشت .

مرحوم آية الله العظمی بروجردی قدس سره در تذکره انساب ص ۳۹ می نویسد
اعقب الميرزا محمود السيد هبة الله وهو اكبر ولده وصار رئيساً محتشماً
وجيهاً عند الناس .

سید محمد دزفولی مقیم بروجرد

سید محمد فرزند فرج الله دزفولی معروف بسید قاضی هاشمی ابن اسدالله بن محمد بن قاضی مجدالدین ، جد اعلایش قاضی مجدالدین که بهمان مناسبت این فامیل را قاضی گویند از اکابر علماء و از شاگردان سید نعمت الله جزائری بوده و در ۱۱۶۰ قمری وفات کرده .

سید محمد قاضی معروف بصلواتی و از دانشمندان قرن چهاردم هجری است . ذخائر علمی خود را از اساتید عصرش در دزفول فراگرفت و مدتی از محضر مرحوم شیخ مرتضی انصاری استفاضه کرد و تقریرات او را در درابه و رجال در کتابی بنام اساس المطالب نوشت و مدتی هم در تهران از محضر مرحوم حاج شیخ عبدالرحیم بروجرودی بهره ور و از وی با اجازه اجتهاد مجاز شد و در آخر ببروجرد آمد و رحل اقامت افکند . از آثار علمی او کتابی است نفیس بنام فاروق الحق در بیان ۸۶ مسئله اختلافی میان اصولیان و اخباریان در تاریخ ۲۰ جمادی الثانی ۱۲۸۰ قمری از تألیف آن فارغ شده و این کتاب ضمیمه الحق المبین شماره ۱۵۵ چاپ شده . مرحوم سید محمد در سال ۱۳۱۶ هجری قمری در نجف اشرف وفات کرد

و فرزند بیادگار گذاشت بنام سید فاضل هاشمی که از علماء نامی همدان بشمار رفته
و در فقه و تقوی و فضیلت مشهور بود .

وی ذخائر علمی خود را از سید محمد حسن شیرازی قدس سره فرا گرفت
و از آثار علمی او کتابی است رد بر صوفیه بنام رد اهل البدع چنانکه شاگردش آیة الله
سید شهاب الدین مرعشی قمی ذکر نموده و هم چنین رساله ایست در رد بر مسیحیت
بفارسی و رساله دیگر در حرمت خمر که بچاپ رسیده .

سید فاضل در سال ۱۳۴۴ در گذشت و فرزند سید عبدالحسین بیادگار
گذاشت که او نیز از علماء و از شاگردان مرحوم سید مجدد شیرازی بوده در حیات
استادش بهمدان رفت و در آنجا بخدمات شرعیه مشغول شد و از آثار علمی او کتاب
شهاب ثاقب فی تفضیح الکاذب در رد بایه است که در سال ۱۳۳۳ بطبع رسیده است .

محمد هادی امینی در معجم رجال الفکر فی النجف ص ۵۶۱ می نویسد :

«عبدالحسین ابن السید فاضل البروجردی الهمدانی فقیه نقی من اجلاء العلماء».

حاج سید ابوطالب بروجرودی

حاج سید ابوطالب از فقهاء و مراجع قرن چهاردهم هجری است .
ذخائر علمی خود را از اساتید عصرش مخصوصاً از مرحوم سید یعقوب فرزند
سید جعفر کشفی فراگرفت و بشرف دامادی او مفتخر شد و سپس در حوزه مرحوم
حجة الاسلام حاج میرزا محمود طباطبائی شرکت و از آن بحر مواج استفاده کرد
تا از اصحاب خاص معظم له بشمار رفت و پس از استاد از مراجع مورد وثوق مردم شد.
اعتماد السلطنه در مآثر و آثار می نویسد :

حاج سید ابوطالب بروجرودی از اصحاب حاج میرزا محمود بود و در تاریخ
تألیف این کتاب مآثر و آثار (۱۳۰۶) حسب الاستحقاق مرجع شرعیات و امور حسبیة
آن مملکت است ، شرف صحبتش مکرر اتفاق افتاده .

مرحوم آقا بزرگ طهرانی در طبقات اعلام الشیعه جلد اول ص ۵۶ می نویسد :
* السید ابوطالب البروجردی کان من العلماء الاجلاء والرؤساء المطاعین
فی بروجرد تلمذ علی العلامة المیرزا محمود الطباطبائی توفی بعد ۱۳۲۰ وهو

صهر السيد يعقوب ابن سيد جعفر الكشفي وله ولد اسمه الاغا محمد ترشح نائباً عن
بروجرد في الدورة الاولى من مجلس البرلمان الايراني . *

مرحوم سيد ابوطالب بنقل آقا بزرگ بعد از ۱۳۲۰ هجری قمری و بنقل
مرحوم سيد محمد فرزند سيد هادی بروجردی در روح وريحان ص ۳۶ در سال ۱۳۱۶
هجری وفات کرد .

شیخ حسین بروجرودی

ملاحسین فرزند آقا باقر بروجرودی از علماء نامی قرن چهاردم هجری است ذخائر علمی خود را از اساتید عصرش مخصوصاً از علامه زمان مرحوم حجة الاسلام حاج ملاسیدالله بروجرودی فراگرفت و چندین اثر علمی از خود بیادگار گذاشت :

۱- النص الجلی در امامت علی بن ابیطالب علیه السلام مشتمل است بر چهل آیه از قرآن بضمیمه روایات و احادیث از امامه و اهل سنت در سال ۱۲۷۳ قمری از تألیف آن فارغ و در سال ۱۳۲۰ بمباشرت فرزندش آقانورالدین در طهران چاپ شده.

۲- تفسیر قرآن مبسوط و مفصل .

۳- اسرار التنزیل در تفسیر قرآن مختصری است از تفسیر سابق

۴- لب الاصول در علم اصول فقه .

۵- رساله در رد نصاری .

۶- رساله در شرح حدیث الحقیقه کمیل بن زیاد .

۷- منهاج الولادة در اسرار صلوة در سال ۱۲۴۶ قمری آنرا تألیف کرده.

مرحوم شیخ حسین در عصر خود مشار بالبنان و در فقاہت و فضیلت گوی سبقت

را از بسیاری از اقران ربوده .

اعتماد السلطنه درمناثر و آثار ص ۱۷۳ می نویسد :

مولی حسین بن آقا باقر بروجردی از مجتهدین مسلم و از تلامذه معتبر حجة الاسلام حاج ملا اسدالله بروجردی است از جمعی کثیر مجاز بود و اجازات خود را بطور طومار همی همراه داشت .

زر کلی در اعلام جلد ۲ ص ۳۸۰ و کحاله در معجم المؤلفین جلد نهم ص ۲۵۳ و مرحوم آقا بزرگ در الذریعه جلد دوم ص ۴۳ و جلد چهارم ص ۲۷۱ و نقباء البشر اورا بعظمت و فقاہت و تحقیق و مهارت در علوم ستوده اند :

✽ مولی حسین بن آقا باقر کان من اکابر العلماء و کان احد رجال الدین الاعاظم فی عصره و کانت له ید طولی فی جملة من العلوم الاسلامیة فقد کان متبحراً فی الکلام و محققاً فی التفسیر و ماهرأفی الفقه و بارعاً فی الاصول و ثقة فی الحدیث و غیر ذلك من العلوم وله آثار جلیلة و تصانیف هامة ✽ .

وفات مرحوم شیخ حسین بنقل مرحوم آقا بزرگ بعد از سال ۱۳۰۶ قمری و بنقل دهخدا در لغت نامه در سال ۱۳۲۰ قمری واقع شده .

از او فرزندی بیادگار ماند بنام شیخ آقا نورالدین که او نیز از دانشمندان زمان بوده مقیم طهران شد و در سال ۱۳۳۶ قمری درگذشت .

سید عبدالرحمن طباطبائی بروجردی

حجة الاسلام سید عبدالرحمن فرزند سید ابوالقاسم طباطبائی ازیلیائی بروجردی
ابن سید حسن بن سید علی بن سید محمد طباطبائی از اکابر علماء قرن چهاردهم
هجری است .

ذخائر علمی رادر زادگاهش بروجرد از اساتید عصر فرا گرفت و سپس به نجف
اشرف مشرف و از اساطین آن حوزه مقدسه استفاضه کرد و بعد به بروجرد مراجعت
و از اصحاب خاص مرحوم حجة الاسلام حاج میرزا محمود طباطبائی بشمار رفت
نادر ردیف اکابر علماء و فقها این شهرستان قرار گرفت و آثار علمیه ارزنده ای از خود
بیادگار گذاشت :

۲- مصابیح المناهج در علم اصول فقه که در سال ۱۲۷۵ هجری قمری در نجف
اشرف تألیف کرده .

۲- نور الانوار در شرح درة بحر العلوم در فقه که در زمان مرحوم حاج میرزا
محمود بعد از تألیف مواهب السنیة شروع شده و در سال ۱۳۰۲ روز ۲۶ ذیحجه
دو سال پس از وفات حجة الاسلام از جلد اولش فارغ شده .

مرحوم آیه الله بروجردی در تذکره انساب ص ۳۱ می نویسد: *السید عبدالرحمن
كان عالماً فقیهاً متقیاً یوم الناس بالمسجد الجامع ببروجرد .

مرحوم سید عبدالرحمن طبق نوشته فرزندش سید محمد حسن درظهر مصابیح
المناهج در پانزدهم ربیع الثانی سال ۱۳۲۲ درگذشت . و از خود دو فرزند صالح
بیادگار گذاشت .

اول سید محمد حسن که از دانشمندان قرن چهاردهم هجری است و ترجمه اش
در جای خود ذکر می شود .

دوم سید حسین که از علماء عاملین در قرن حاضر بود و در توضیح و خوش
خلقی معروف و محبوب خاص و عام بود در سال ۱۳۶۰ قمری درگذشت و در جهان آباد
بروجرد دفن شد . مرحوم آیه الله بروجردی در تذکره انساب ص ۳۱ می نویسد :
*السید حسین كان عادلاً وجیهاً یوم الناس بعد والده مات وخلف ولدین
السید رضا كان یوم الناس بعد والده مات وله اولادو السید ابرهیم و هو حی بطهران . *
مرحوم عالم عامل و فاضل کامل سید رضا اولیائی چهار سال پس از والد ماجدش
در سال ۱۳۶۴ قمری درگذشت .

شیخ غلام حسین بروجرودی

شیخ غلام حسین فرزند علی اکبر از دانشمندان نامی قرن چهاردهم هجری است تحصیلات خود را در بروجرود شروع و برای تکمیل آن بقم و طهران رفت و در مدرسه مرحوم شیخ هادی ساکن و از اساتید عصر بهره‌ور شد تا بمقام سامی از علم و فضیلت رسید و جمعی از مستعدین گردش جمع و از ذخائر علمی او مستفیض می‌شدند. از جمله دهخدا (۱) که مدتی در ادبیات از وی استفاده کرد.

(۱) علی اکبر فرزند خان بابا بن آقاخان قزوینی. دهخدا در سال ۱۲۹۸ قمری در تهران بدنیا آمد و در کوچکی پدر را از دست داد ولیکن تحت سرپرستی مادر بتحصیل معارف و علوم معموله فارسی و عربی مشغول شد و در سال ۱۳۱۹ قمری درس ۲۲ سالگی در مدرسه سیاسی وارد شد در طلوع مشروطیت بنگارندگی روزنامه صور اسرافیل پرداخت و پس از بسته شدن مجلس به اروپا تبعید شد.

در دوره دوم مجلس بنماینده‌گی کرمان منتخب و بطهران برگشت و بفاصله چند سال بریاست دانشکده حقوق و علوم سیاسی منصوب و تا سال ۱۳۲۰ شمسی در این شغل باقی بود و در بقیه ادوار زندگانی خود از همه قطع علاقه کرد و انزوا را اختیار و بتألیف پرداخت. از جمله امثال و حکم در چهار جلد، شرح حال ابوریحان بیرونی، لغت نامه، مجموعه اشعار دهخدا.

مرحوم دهخدا در سال ۱۳۳۴ شمسی درگذشت.

مؤلفین کتب چاپی جلد چهارم ص ۵۰۹

مرحوم شیخ غلام حسین خدمات علمی ارزنده‌ای انجام داده از جمله تصحیح
چند کتاب مفید و سودمند بشرح ذیل :

۱- نفلیه شهید اول بوسیله او تصحیح و در سال ۱۳۰۸ قمری در تهران چاپ شد.

۲- تذکرة الفقهاء علامه حلی بوسیله او تصحیح و در سال ۱۳۲۳ قمری در

قم چاپ شد .

۳ - مختلف علامه حلی بوسیله او تصحیح و در سال ۱۳۲۴ قمری در طهران

بطبع رسید :

سید سینا کشفی بروجردی

سید سیناء فرزند علامه تحریر سید جعفر کشفی دارابی بروجردی از علماء قرن چهاردهم هجری و از اکابر خاندان جلیل کشفی است .

تحصیلات مقدماتی را از والد ماجد اخذ و پس از وفات وی در محضر اساتید عصر حاضر و از ذخائر علمی آنان بهره ور شد تا در بسیاری از علوم و فنون اسلامی مهارت و تبحر یافت مخصوصاً در تفسیر و علوم قرآن متخصص شد .

مرحوم آقا بزرگ تهرانی در نقباء البشر فی اعیان القرن الرابع عشر ص ۸۳۲

می نویسد :

* السید سیناء البروجردی عالم جامع و فاضل ضلیع من افاضل العلماء و اعلام اهل الفضل و من مشاهیر رجال اسرته و البارزین فیها فقد کان جامعاً ماهرأ و متقناً متقناً فی جملة من العلوم الاسلامیة و کان له تخصص فی التفسیر و علوم القرآن و براعة فائقة فیها . *

سید مصلح الدین مهدوی در رجال اصفهان ص ۳۶۶ می نویسد : سید سیناء بروجردی یکی از فرزندان دوازده گانه سید جعفر بن اسحق دارابی بروجردی معروف به کشفی است . عالم و فاضل و جامع بوده و به تفسیر و فقه تخصص داشته در اواخر عمر در اصفهان ساکن و اعقابش در اصفهان و نجف آباد به کشفی معروفند . وی در سال ۱۳۲۵ هجری قمری در گذشت .

آقا محمد ابراهیم بروجردی

آقا محمد ابراهیم فرزند محمد حسن نویسرکانی بروجردی از علماء و مراجع وزهاد قرن چهاردهم هجری است مادرش از سادات طباطبائی بروجرد دختر سید مظفر ابن سید حسین بن سید علی بن سید محمد طباطبائی . و پدرش مرحوم ملا محمد حسن از مجتهدین قرن سیزدهم و از شاگردان و مجازین مرحوم حاج سید شفیع بروجردی بوده از نویسندگان بروجرد آمد و در آنجا رحل اقامت افکند و در آخر به نجف مشرف و در آنجا قبل از سال ۱۳۰۰ قمری بخاک رفت .

اعتماد السلطنه در مآثر و آثار می نویسد : ملا حسن نویسرکانی از علماء ساکن بروجرد فقاقت و زهدوی مسلم عصر است خاکش در نجف اشرف است .
مرحوم آقا بزرگ در الکرام البررة می نویسد : الشیخ مولی حسن نویسرکانی عالمی کبیر و فقیهی مسلم الاجتهاد از زعماء دین در بروجرد بشمار میرفت .
مرحوم حاج سید شفیع در کتاب روضة البهیة که در سال ۱۲۷۸ قمری تألیف کرده در ردیف اشخاصیکه از وی استجازه کردند و به آنها اجازه داده می نویسد :
از آنها است جامع اصول و فروع فرزند روحانی آخوند ملا محمد حسن

تویسرکانی زهد و تقوی و عبادتش محتاج به بیان نیست و مهارتش در اصول و تحقیقش در فروع نیازمند بذکر نمیباشد او با کمال لیاقتش در قضاء و افتاء از شدت ورع و احتیاط خود را در معرض افتاء و قضاء قرار نمیدهد او عالمی است ربانی و محقق است صمدانی الخ .

مرحوم آقا محمد ابراهیم پس از والد ماجدش مورد توجه خاص و عام شد زیرا مظهری کامل و مرآتی تمام نما برای فضیلت و زهد و فقامت پدر بود جمعی از علماء و بزرگان در مجلس درسش حاضر و از افاضات قدسیه اش مستفیض می شدند .

از جمله مرحوم شیخ علی اصغر جنانی بروجرودی که ترجمه اش در جای خود ذکر می شود و مرحوم آقا زین الدین قوانینی بروجرودی .

مرحوم آقا بزرگ در اعلام الشیعه می نویسد : آقا محمد ابراهیم تویسرکانی بروجرودی فرزند محمد حسن عالمی است جلیل و بزرگوار مرجعیت در بروجرود پس از وفات پدرش با و منتقل تا در ماه ذی الحجه سال ۱۳۲۵ در گذشت و دو فرزند بجای خود گذاشت :

۱ - شیخ آقا مجتبی که از اعلام بشمار میرفت و از شاگردان آیه الله ملا کاظم خراسانی و آیه الله سید کاظم یزدی بود .

۲ - شیخ آقا مصطفی که کوچکتر از برادرش بود .

در مرگ مرحوم آقا محمد ابراهیم مردم بروجرود عموماً سوگوار شدند و شعرا اشعاری سرودند از جمله مرحوم صامت بروجرودی قطعه ای گفت :

حافظ شرع نبی کشف عباد ابراهیم	بسوی خلد برین بال گشاد ابراهیم
در شب عاشق ذیحجه و عید قربان	بفدا کردن جان کرد جهاد ابراهیم
ز شمع چون خلف پاک خلیل الرحمن	جان شیرین بفدا داد که داد ابراهیم
کند با تیشه علم و عمل از بیشه دهر	سالها ریشه طغیان و فساد ابراهیم
کرد بر خلق عیان صدق حدیث نبوی	ز دماء شهدا فضل مداد ابراهیم

ترک جان کرده و از پای فتاد ابراهیم	بمنای ره حق وقت وقوف عرفات
خود روان شد بجنان بادل شاد ابراهیم	تاقیامت جگر خلق جهان راهمه سوخت
زانکه از حب وطن ساخته یاد ابراهیم	جان پاکش ز بدن جانب علیین رفت
عمرها از کرم کف جواد ابراهیم	بهر ایام و ارامل پدری بود رؤف
دادچون جان گرامی زوداد ابراهیم	پی تحصیل حیات ابدو حسن مثاب
(قدم شوق بجنات نهاد ابراهیم)	کرد انشاء پی تاریخ وفاتش صامت

۱۳۲۵

مرقد مرحوم آقا محمد ابراهیم اکنون در بروجرد مقبره و مزاری است معروف
و مورد احترام مردم در کوی سوزنی خیابان سعدی و مرحوم صامت بروجردی راجع
به این مقبره نیز قطعه شعری سروده :

در این مقام ز زندان دهر گشت مقیم	چو مقتدای جهان کرد جان بحق تسلیم
از این شرافت بی منتهای فیض عظیم	بعرش سود سرفخر خویشتن رافرش
که در بهاء بها بود همچو در یتیم	نمود گوهر پاکی مقام در دل خاک
محل امن خواص و عوام در تعظیم	بنور وادی ایمن چو طور سینا گشت
(صفای خلد ببین و مقام ابراهیم)	رقم نمود بتاریخ مرقدش صامت

۱۳۲۵

حاج آقا محمد طباطبائی بروجردی

حاج آقا محمد فرزند حجة الاسلام حاج
میرزا محمود طباطبائی از علماء قرن چهاردهم
هجری است . ریاست پس از برادرش مرحوم
حاج آقا هبة الله به وی منتقل شد .
در امر بمعروف و نهی از منکر شجاع
و قلبی قوی داشته . در زمان حکومت سالار
الدوله از طرف او بخرم آباد تبعید شد ولیکن
با فاصله کمی آزاد و بروجرد برگشت و با
استقبال کم نظیر مردم مواجه شد .



حجة الاسلام حاج آقا محمد
طباطبائی

۱۳۵

میرزا ابوتراب اصفهانی بروجردی

میرزا ابوتراب بروجردی از فقهاء وزهاد قرن چهاردهم هجری است .
آقای مهدوی در کتاب بزرگان اصفهان ص ۶۷ می نویسد : میرزا ابوتراب
بروجردی عالم فقیه زاهد در محله شمس آباد اصفهان ساکن بوده و در مسجد همان
محل نماز میخوانده در شب یکشنبه ۱۵ شوال ۱۳۲۸ قمری وفات و در تخت فولاد
بیرون بقعه مادرشاهزاده مدفون شده .

وی دارای چندین پسر بوده از جمله حاج میرزا حسن بروجردی و میرزا علی
واعظ از واعظ معروف اصفهان در ۲۵ ربیع الثانی ۱۳۵۸ وفات و در صحن تکیه
بروجردی مدفون گردید .

شیخ علی بروجردی

شیخ علی فرزند شیرعلی بروجردی از علماء قرن چهاردهم هجری است .
در حدود سال ۱۲۹۰ قمری در بروجرده متولد و پس از وصول به تمیز، علوم
مقدمانی را در زادگاهش فراگرفت و برای تکمیل خویش به نجف اشرف مشرف و در
آنجا رحل اقامت افکند و از اساتید عصرش بهره ور شد تا در جمیع علوم اسلامی
ماهر مخصوصاً در رجال که منظومه ای در آن علم بسلک نظم آورد بنام *عدة الخلف فی عدة*
السلف در دو هزار و هفتصد و ده بیت.

سید محسن عاملی در *ایان الشیعه* جلد ۳۶ ص ۴۷ و صاحب *معجم المؤلفین*
جلد یازدهم ص ۱۴ و آقا بزرگ در *مصفی المقال* ص ۳۰۹ و *الذریعه* جزء پانزدهم او را
ترجمه و یاد کرده اند .

مرحوم آقا بزرگ می نویسد : من کتاب *عدة الخلف* را دیدم مرتب است بر دو
باب باب اول در ترجمه علماء و مجتهدین در ده فصل از دانشمندان قرن سیزدهم
تا قرن چهاردهم و باب دوم در دوازده گفتار در احوال معصومین علیهم السلام در هر
مقاله و گفتار هشت فصل قرار داده و در خاتمه باب اول شش فائده در تراجم مشایخ
طوسی و صدوق و کلینی و محدثات و کثی و القاب و انساب و جمعی از علماء

قرن چهاردهم .

نمونه‌ای از ابیات :

و بعد فالعاصی المسیء السهوری لاغازه الله السی غیر الغری
 یقول بشری بآکرام البررة و افنکم الصحیفة المطهرة
 ادرجت فی ذالطی عدة السلف سمیتها فیها بعة الخلف
 در موضع دیگر بنام شیخ محمد بن شیرعلی ضبط شده .

محمد هادی امینی در معجم رجال الفکر و الادب ص ۶۶ می نویسد :

* محمد علی بن الشیخ شیرعلی السهوری المتوفی ۱۳۲۸ عالم متبع فقیه اصولی
 له دستور العمل منظومة فی الفقه و عدة الخلف فی عدة السلف و دیوان شعر منه * :
 مهر مهرش نامه مشکین طراز بر سپاس کرد گاری گشت باز

در معجم المؤلفین می نویسد : محمد علی سهوری بروجردی نزیل نجف در
 سال ۱۳۲۸ هجری قمری وفات کرد و هنوز بسن چهل نرسیده بود .

مرحوم آقا بزرگ در الذریعه می نویسد : وی در سال ۱۳۱۴ وارد نجف شد و در
 سال ۱۳۲۸ بمرض سل از دنیا رفت .

سید ریحان الله بروجردي

سید ریحان الله کوچکترین فرزندان مرحوم سید جعفر کشفی دارابی از علماء قرن چهاردهم هجری است .

سید ریحان الله در سه شنبه شانزدهم جمادی الاولی سال ۱۲۶۲ یا ۱۲۶۶ یا ۱۲۶۷ هجری متولد شد .

صاحب طرائق نقل کرده : قبل از ولادت سید ریحان الله برادرش سید روح الله متولد شد و مرحوم علامه سید جعفر کشفی برای تعیین اسم باقر آن تفال نمود آیه کریمه فروح و ریحان و جنة نعیم در اول صفحه دیده شد فرمود نام این کودک روح الله بفتح راء است و بعد از این پسری خداوند عنایت کند که ریحان الله نام دارد و پس از آن خواهم مرد از قضا چنان بود که پیش بینی کرده بود .

مرحوم سید ریحان الله مبادی و سطوح را در بروجر د از اساتید عصر فرا گرفت و سپس برای تکمیل بیشتر به اصفهان رفت و از محضر علماء آن شهر حد اکثر استفاده را کرد و از آن پس به نجف اشرف مهاجرت کرد و در آن حوزه مبارکه در ظل توجّهات امیر المؤمنین علیه السلام بدرجات سامیه از علم و فضیلت رسید و

پس از مدتی بروجرد برگشت و مدتی نیز در همدان ساکن شد و بوظائف شرعیه اشتغال ورزید تا همدان را نیز ترك گفت و در اواسط عمر به تهران رفت و در آنجا مرجع خاص و عام شد.

مرحوم سید ریحان الله در اوایل قرن چهاردهم هجری از مشاهیر علماء و مجتهدین بشمار می رفت. دانشمندان تاریخ و رجال از معاصرين و متأخرین همگی او را به عظمت و جلالت یاد کرده اند.

اعتماد السلطنه در مآثر و آثار می نویسد :

سید ریحان الله فقیهی فاضل و متبعی کامل است باحاطه احوال رجال و تراجم علماء فریقین و اتساع دائره حدیث و تفسیر نیز از النظیر است بر موعظه منبری نیز تسلطی یافته و بزهد و تقوی و مواظبت بر تلاوت و مناجات اشتها دارد.

آقای ریحان الله از چند سال است که موطن خود بروجرد را ترك گفته و بدار الخلافه تهران اقامت گزیده و اینجا هم مسجد امامت جماعت دارد و هم مجلس افادت و افاضت. زعیم الدوله (۱) در مفتاح باب الابواب ص ۱۹۳ می نویسد : عالم علامه دانشمند بسیار فهیم و مجتهد شهیر سید ریحان الله . حظ و نصیب بامن مساعد شد که در خلال دو سال توقفم در تهران مکرر در محضر وی حاضر گشتم و با وجود زیادتى کار و پریشانی خیال هر وقت فرصتی حاصل می شد فوراً بزیارتش مبادرت میورزیدم او را در علم فقه و اصول دریای بی پایانی یافتیم و مرد جامع معقول و منقولی شناختم.

(۱) زعیم الدوله دکتر میرزا محمد مهدی خان تبریزی مقیم قاهره بالغ بر ۸۰ سال عمر کرد

و قریب ۶۰ سال در مصر متوقف بود.

وی اول کسی است که در مصر روزنامه فارسی منتشر کرد و از آثار علمی او کتاب مفتاح باب الابواب است در تاریخ باب و بهاء این کتاب از بهترین و نسبتاً بی طرف ترین کتب مؤلفه در تاریخ بهائیت است.

زعیم الدوله در سال ۱۳۳۳ هجری قمری درگذشت.

استاد علامه قزوینی (۱) در یادداشت‌های تاریخی مجله یادگار شماره دهم از سال سوم ص ۲۳ می‌نویسد :

سید ریحان‌الله در سال ۱۲۶۷ هجری قمری متولد شد و تقریباً بلافاصله پس از تولد او پدرش سید جعفر کشفی وفات یافت و از مقایسه تاریخ تولد آقا سید ریحان‌الله و برادرش سید یحیی دارابی که در حدود ۱۲۲۶ متولد شده واضح می‌شود که تفاوت بین ولادت این دو برادر قریب چهل سال است و از مقایسه تاریخ قتل سید یحیی و وفات سیدریحان‌الله معلوم می‌شود تفاوت تاریخ در مرگ آنها ۶۲ سال است و این نسبتاً از نوادر اتفاقات است .

آقا سید ریحان‌الله در اواسط عمر از بر و جرد که موطن او بود بطهران انتقال جست و در آنجا صاحب محراب و منبر و مجلس درس و وعظ و تذکیر گردید و متدرجاً از علماء مشهور آن بلده در شمار آمد .

مرحوم سید ریحان‌الله علاوه بر علوم فقه و اصول و حدیث در ادبیات و رجال و تراجم علمای فریقین نیز احاطه کامل داشت . نگارنده این سطور خوب بخاطر دارم که در ایام جوانی که تقریباً هفده یا هیجده سال داشتم مرحوم شمس العلماء و عبدالباقی آبادی

(۱) میرزا محمدخان بن حاج ملا عبدالوهاب بن عبدالعلی قزوینی در سال ۱۲۹۴ قمری در محله دروازه قزوین تهران متولد و پدرش از نویسندگان چهارگانه نامه دانشوران است . قزوینی صرف و نحو و فقه و کلام و حکمت قدیم و اصول فقه و خارج را نزد اساتید معروف تهران مخصوصاً حاج شیخ هادی نجم‌آبادی و سید احمد ادیب پیشاوری و شمس العلماء شیخ محمد مهدی قزوینی استفاده کرد و در سال ۱۳۲۲ قمری بلندن رفت پس از دو سال توقف از لندن به پاریس و ۹ سال در پاریس متوقف و در سال ۱۳۳۳ به برلن رفت و پس از گذراندن ۳۶ سال در خارج در سال ۱۳۱۸ شمسی بازن و فرزند بطهران برگشت و در سال ۱۳۶۸ قمری در سن ۷۴ سالگی از جهان درگذشت و در حضرت عبدالعظیم در آرامگاه ابوالفتح رازی دفن شد .

یکی از مؤلفین نامه دانشوران که وصی پدر من و متکفل امور ما بود مرا روزی بمجلس همین آقا سید ربیعان الله مرحوم برد و مرا با او معرفی کرد و گفت این جوان پسر مرحوم مولی عبدالوهاب قزوینی یکی از هم کاران مادر تألیف نامه دانشوران است و از نحو و صرف و ادبیات عرب بی اطلاع نیست.

آن مرحوم از من یکی دو بیت از اشعار مشهور ابونواس را که مطلع آنها این است :

و دار ندای عطلوها و ادلجوا	بها اثر منهم جدید و دارس
حبست بهاشملی و جمعت شملهم	وانی علی امثال تلك لحابس
اقمنا بها يوماً و يوماً و ثالثاً	ویوماً له یوم الترحل خامس

پرسید و من نیز آنچه در این باب می دانستم یا در همان مجلس بخاطر من رسید شرح دادم و آن مرحوم تحسین فرمود و من الان هیچ بخاطر ندارم که چه گفتم و آنچه گفتم آیا درست بود یا نه ولی در هر صورت تحسین آن مرحوم از من در آن مجلس عام در آن سن حساس و اائل جوانی در من اثری عظیم نمود از تشویق و تصمیم بر ادامه سعی و کوشش و اقصی درجه دقت در تصحیح مطالب که در مجلس دیگری اگر کسی بهمان نحو بدون مقدمه سؤالی از من بکند درست جواب دهم و خجالت نبرم.

عباسقلی خان سپهر (۱) در جلد سوم ناسخ التواریخ احوال موسی بن جعفر

(۱) لسان الملك عباسقلی فرزند محمد تقی سپهر ثانی مورخی است بزرگوار و مظهر کمالات والد ماجدش بود.

تألیفات نفیسه اش معرف مقامات علمیه و کثرت احاطه او است مانند اوصاف ناصری در احوال ناصرالدین شاه، و برهان النبوه، و ناسخ التواریخ طراز المذهب در احوال حضرت زینب و مشکوة الادب احوال حضرت سجاد، و ناسخ حضرت باقر، و ناسخ احوال موسی بن جعفر، و محمود التواریخ در احوال محمود سبکتکین، و شامل التواریخ در احوال مغول، و سلوک الملوك در اقوال سلاطین و حکماء.

او در سال ۱۳۴۰ قمری درگذشت.

عليهما السلام می نویسد :

آقا سید ریحان الله مجتهد علام و حبر قمقام و فقیه ایام و ملجأ انام و قبله خاص و عام بود سالها از مسکن خود بر و جرد بدار الخلافه تهران انتقال و دارای مسند فتوی و حکومت و محراب و امامت و جماعت و منبر موعظت و درس افادت و افاضت و محضر مرجعیت و استفاده بود .

سالها این بنده حقیر در خدمتش بارادت و مراودت و استفاضه گذراندم و هر وقت فراغتی دست می داد از ادراك شرف حضور فضائل دستورش مباهی می گردیدم آنجناب مستطاب نیز نهایت توجه و عنایت و مساعدت را با این بنده داشت . این سید بزرگوار در سال ۱۳۲۸ قمری در تهران منزل شخصی خود وفات کرد و در تشییع او از دحام و احتشام بزرگی روی داد و خاص و عام مصیبت زده و اندوهناک و نالان بودند و از اولاد امجادشان آقای آسید محمد و آقای آموسی فرزند رشید کامل عالم و فاضل آن مرحوم مبرور دودمان سیادت و سعادت و فقاہت را مشعلی فروزان و نیری تابان است .

مرحوم آقا بزرگ در نقباء البشر می نویسد :

سید ریحان بروجردی عالمی کبیر و فقیهی جلیل و زعیمی مطاع بود . مبادی و سطوح را در بروجرد فرا گرفت و سپس باصفهان رفت و از بعض دانشمندان بهره ور و از آنجا به نجف اشرف مهاجرت و در محضر اساتید آن عصر حاضر تا حائز مرتبه بلند شد و بروجرد و همدان باز گشت و در عصر ملا عبدالله همدانی در همدان بوظائف شرعیہ قیام نمود و بعد همدان را رها و بطهران رحل اقامت افکند از آن پس مرجع خاص و عام شد .

او فقیهی متبحر و اصولی محقق و رجالی خبیر و محدثی بارع و مفسری فاضل بود و در تمام علوم اسلامی مخصوصاً فقه و رجال و حدیث احاطه کامل و اطلاعات عمیقہ داشت ، خطیب و سخنوری توانا بود که عموم مردم حتی علماء و فضلاء از مواعظ

و بیانات سودمند و جالبش بهره‌مند می‌شدند .

در ورع و صلاح و عبادت و وظائف عبودیت کوشا . خلاصه اوجامع فضائل و فواضل و اخلاق پسندیده و سجایای حمیده بود او در اواخر از رؤساء بزرگ مذهبی در تهران بشمار رفت و رساله عملیه او طبع و مردم در تقلید باو رجوع نمودند تا در ۲۸ جمادی سال ۱۳۲۸ قمری درگذشت .

دارای آثاری نفیس و تألیفاتی ارزنده است از جمله ریحان القلوب در اخلاق ، فواکه الفقهاء در فقه ، ترجمه خلاصه الاذکار ، شمس الطالعه در شرح زیارت جامعه مرحوم سید ریحان الله کتابخانه عظیمی داشت که کم و کیفاً از بزرگترین کتابخانه‌های تهران بشمار می‌رفت و حاوی آثاری نفیسه در انواع علوم بود که اختصاص بخود داشت و در آن تاریخ بهشتاد هزار دینار عراقی تقویم شد .

شاگردان سید ریحان الله

علماء و دانشمندانیکه از محضر پسر فیض سید ریحان الله استفاضه کرده‌اند بسیارند از جمله :

- ۱ - شیخ محمد صادق بروجردی که از خواص اصحاب بود و پس از این ذکر می‌شود .
- ۲ - علامه سید شمس الدین محمود حسینی مرعشی والد آیه الله مرعشی نجفی قمی .
- ۳ - آقا شیخ هادی مقدس جعفری بروجردی که پس از این ذکر می‌شود .
- ۴ - سید عبدالحسین بن سید علی آل کمونۀ بروجردی که ترجمه اش مستقلاً ذکر می‌شود .
- ۵ - سید محمد فرزند سید ریحان الله که ترجمه اش در جای خود ذکر خواهد شد .

ملا محمد صادق بروجردي

شیخ محمد صادق بروجردي از فقهاء معروف قرن چهاردهم هجری است
مقدمات علمی خود را در بروجردي از اساتید عصر فرا گرفت سپس به تهران رفت و از
خواص اصحاب مرحوم علامه زمان سید ریحان الله شد .

اعتماد السلطنة درمآثر و آثار می نویسد: ملا محمد صادق بروجردي فقیهی فاضل و
ادیبی ماهر و متبعی بارع است وفی التاریخ (۱۳۰۶ ق) در تهران است .

مرحوم آقا بزرگ تهرانی در نقباء البشر می نویسد:

* الشیخ محمد صادق البروجردی عالم فاضل جلیل کان من المعروفین بالفضل
والکمال فی طهران و کانت له صلة وثیقة وصحبة دائمة بالعلامة السید ریحان الله
البروجردی و کان کثیر المرادة معه و کان حیا الی زمان وفاة السید (۱۳۲۸ ق) *

آخوند ملا عبدالله

آية الله آخوند ملاعبدالله فرزند ملا عبدالباقی بن محمد بن درویش بروجردی
از علماء و فقهاء وزهاد قرن چهاردهم هجری است .

والد ماجدش از دانشمندان پرهیز کار در قرن سیزدهم بوده . مرحوم آقا بزرگ
در کتاب الکرام البرره می نویسد :

✽ الشيخ عبدالباقی البروجردی بن محمد فقیه جلیل کان من العلماء الانقیاء
الزهاد فی بروجرد فی عصر حجة السلام الحاج ملا اسدالله المتوفی ۱۲۷۱ و توفی
هو بعدة بعة سنین وهو والد العالم الفاضل الورع المولی عبدالله البروجردی . ✽
و در کتاب نقباء البشر قسم سوم از جزء اول می نویسد :

مرحوم ملاعبدالله در سال ۱۲۵۶ هجری قمری متولد و پس از وصول بحد
تمیز بفرا گرفتن زبان عرب و ادب مشغول و سطوح را از اساتید عصر مخصوصاً والد
ماجدش فرا گرفته و مقداری نیز از مرحوم حجة السلام حاج ملا اسدالله بهره ور و
سپس برای تکمیل خویش باصفهان رهسپار و از اساتید آنجا استفاضه کرد بالاخص
از مرحوم شیخ محمد باقر اصفهانی فرزند شیخ محمد تقی صاحب هدایة المسترشدين
حد اکثر فایده را برد تا بمرتبہ سامیه از فضیلت رسید و در فقه و حدیث و کلام و سائر

علوم اسلامی بر اقران برتری یافت و سپس بیرو جرد برگشت و بتدریس و افاضت و امامت اشتغال جست و جمعی از طلاب و خواستاران علم در محضر پرفیضش حاضر و بهره‌مند شدند و عده‌ای از آنها بمراتب عالیہ و درجات سامیہ رسیدند .

از جمله زعیم بزرگ جهان تشیع مرحوم آیة الله العظمی برو جردی قدس سره بود که بعض سطوح را در اوائل تحصیلانش از معظم له استفاده کرد .

وی اضافه بر مراتب علمیہ در زهد و تقوی نیز کم نظیر و گویند در قنوت نماز شب دعای ابو حمزہ ثمالی میخواند و کراماتی از او نقل می نمایند .

مرحوم ملا عبداللہ در ۲۸ صفر سال ۱۳۲۹ هجری در سن هفتاد و سه سالگی در برو جرد در گذشت و در طرف جنوب مسجد رنگینه که از آثار آن مرحوم بود و مرحوم حاج جعفر روغنی برو جردی آنرا تمام نمود دفن شد .

مرحوم ناطق برو جردی قطعه شعری در تاریخ فوت وی سروده :

یگانه عالم فاضل سپهر زهد و ورع	که بد مروج دین چون نبی عالیجاء
چنان مروج شرع نبی بدی بجہان	که کفر گشت چو عنقا بقاف در دیماہ
کسی ندید چو او عالمی بلا تفصیل	کسی ندید چو او زاهدی بلا اشباہ
بدی سپهر فقاہت و حید عصر و زمان	که بود دامن پاکش بری ز لوٹ گناہ
باخذ علم بدر بار حضرش هر صبح	عطارد آمدی از چرخ مینہاد جباہ
ہزار حیف از آن مہر آسمان عقول	کہ کرد ماتم او چون ہلال چہرہ ماہ
چورفت طایر و روحش بشاخساز جنان	بداد زینت و فر بر جنان ز لطف الہ
نوشت از پی تاریخ فوت او ناطق	(چو مہ سریر بجننت ببرد عبداللہ)

۱۳۲۹

و مرحوم صامت برو جردی نیز قطعه شعری در تاریخ عمران مسجد رنگینه کہ

بفرمان وی عمران شدہ سرودہ :

در زمان دولت فرمانروای کشور جم

شد مظفر خسرو فرخندہ ظل اللہ اعظم

جامع علم و عمل مجموعه توفیق و تقوی

حافظ دین حامی شرع رسول الله خاتم

آیت الله مقتدای خلق عبدالله که یزدان

کرده حفظ بیضه اسلام را بروی مسلم

جامع المعقول والمنقول کز درک معارف

ساخت از هر باب کشف معضلات ما تقدم

فخر اقران و اماثل ذخیر ایتام و ارامل

آنکه بر اسرار شد از قوه قدسیه ملهم

از پی تعمیر بیت الله فرمان بلیغش

کرد حاجی جعفر پاکیزه طینت را مصمم

کرد این سرداب و مسجد را بنا از فیض یزدان

باقیات صالحاتی کرد بهر خود فراهم

کلك صامت بهر تاریخ بنای آن رقمزد

(زیر این مسجد چو کعبه گشت جای آب زمزم)

۱۳۲۳

مؤلفات

از مرحوم آخوند ملا عبدالله چند اثر علمی در فقه و اصول باقی مانده که تا کنون
طبع نشده اند .

۱- صلوٰة ناقص ۲- رساله در اجماع ۳- رساله در مقدمه واجب ۴- رساله در
اجتماع امرونی ۵- رساله در قطع .

فرزندان

از مرحوم آخوند ملا عبدالله فرزندان بیادگار ماند که هر يك در فضیلت نمونه

بাহری از والد ماجد خود بوده هستند .



مرحوم شیخ محمد

۱- عالم فاضل آمر بمعروف و ناهی از منکر مرحوم حجة الاسلام شیخ محمد که در سوم محرم سال ۱۳۰۳ هجری قمری متولد و پس از وصول بحدر شد سطوح را از اساتید عصر مخصوصاً از پدر بزرگوارش فرا گرفت و سپس برای تکمیل خویش رهسپار نجف شد و از اساطین آن حوزه مقدسه بهره ور شد در آخر بروجرد برگشت و پس از شش ماه درس ۶۱ سالگی در ماه صفر سال ۱۳۶۲ درگذشت .

۲- حجة الاسلام شیخ محمد حسن که از علماء و مراجع مشهد مقدس بشمار رفته و در همانجا درگذشت .

۳- حجة الاسلام حاج آقا محمد بروجردی که هنوز متولد نشده والد ماجد را از دست داد و در سال ۱۳۲۹ ق بدینا آمد و پس از وصول بحد تمیز تحصیلات ابتدائی و مقدماتی را در دبستان جمال بروجرد فرا گرفته و سپس بقم رهسپار و در آن حوزه ذخائر علمی خود را از اساتید بزرگی استفادہ کرد تا بمرتبہی سامیہ ای از علم و فضیلت رسید .

بعض اساتید وی بگفتار خودش بشرح ذیل می باشند :

۱- آية الله ميرزا محمد علی شاه آبادی . وی از اکابر علماء امامیه و جامع معقول و منقول و حاوی فروع و اصول بوده در سال ۱۲۹۲ قمری در اصفهان بدینا آمد و معارف خود را از والد ماجدش که از تلامذہ صاحب جواهر بوده و برادرش آقا شیخ احمد مجتهد معروف بحسین آبادی و میرزا هاشم چهارسوقی و حاج میرزا حسن آشتیانی و میرزا هاشم گیلانی و آخوند خراسانی و حاج میرزا حسین خلیلی و میرزا محمد تقی

شیرازی فراگرفت و پس از وصول بمراتب عالیة اجتهاد از نجف بایران آمد و در طهران خیابان شاه آباد ساکن و لذا بشاه آبادی معروف شد و مدتی هم در قم ساکن و جمعی از فضلاء از محضرش استفاده کردند .

از جمله شاگردانش صاحب ترجمه : حاج آقا محمد بروجردی است که در عنفوان شباب از عرفان معظم له استفاده نمود . مرحوم شاه آبادی در سال ۱۳۴۷ بقم آمد و در سال ۱۳۵۴ بتهران برگشت تا در ماه صفر ۱۳۶۹ در گذشت و درری دفن شد .
۲- شیخ محمد علی اراکی قمی فرزند حاج میرزا آقای فراهانی در سال ۱۳۱۲ قمری در اراک متولد شد و تا سال ۱۳۴۰ معارف اولیه و سطوح را از اساتید عصرش فراگرفت و سپس از خواص شاگردان مرحوم آیه الله حائری شد و به همراهی او بقم مهاجرت و تقریرات فقه و اصول معظم له را نوشت و اکنون از اعظم قم بشمار است .

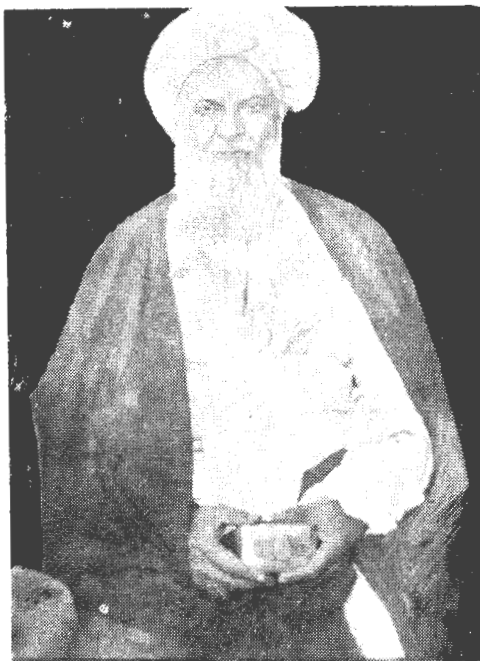
۳- حاج میرزا خلیل فرزند ابوطالب کمره ای در سال ۱۳۱۷ قمری متولد شد مقدمات علوم ادبی را در جاپلق و خوانسار خواند و در سال ۱۳۳۷ بسططان آباد عراق رفت و نزد آیه الله حائری یزدی و سایر اساتید، فقه و اصول و علوم عقلی و ریاضی و اخلاق را آموخت در سال ۱۳۴۰ بقم مهاجرت و تا سال ۱۳۵۴ در آن حوزه بافاده و استفاده مشغول و جمعی از او بهره ور شدند از جمله : صاحب ترجمه آقای بروجردی است که در فلسفه از معظم له استفاده کرد .

۴- آیه الله سید محمد حجت کوه کمری تبریزی در سال ۱۳۱۰ قمری در تبریز متولد و معارف اولیه و سطوح فقه و اصول را از والد ماجدش آقا میرزا علی آقا کوه کمری فرا گرفت و در سال ۱۳۳۰ قمری بنجف مشرف و در حوزه درس علامه دهر سید محمد کاظم یزدی تفقه نمود و فن رجال و حدیث را از سید ابوتراب خوانساری فرا گرفت و در فقه و اصول از شریعت اصفهانی و شیخ علی قوچانی و حاج میرزا حسین نائینی و سید محمد فیروز آبادی و آقا ضیاء عراقی بهره ور شد تا بمراتب سامیه علمی ارتقا جست .

در سال ۱۳۴۹ ق بایران برگشت و بقم رفت تا پس از فوت مرحوم حائری قدس سره که مشارالینان شد و اضافه برافاضه و تدریس خدمات ارزنده ای نمود از جمله بناء مدرسه حجتیه در قم و در سال ۱۳۷۲ قمری ارتحال کرد .

۵- مرحوم ادیب تهرانی حاج میرزا محمد علی که در سال ۱۳۰۲ قمری در تهران متولد و علوم ادب و فقه و اصول را از آقا شیخ بزرگ ساوجی و شیخ عبدالحسین دشتی و آیه الله حائری قمی فرا گرفت و سپس در قم بتدریس مطول و ادبیات و فقه و اصول مشغول و در سال ۱۳۶۹ قمری در گذشت .

۶- مرحوم آیه الله مؤسس حوزه علمیه قم حاج شیخ عبدالکریم حائری قدس سره ، وی در سال ۱۲۷۶ قمری در قریه مهرجرد از نوابع یزد متولد و پس از فرا گرفتن معارف اولیه بنجف اشرف مهاجرت کرد و در حوزه های علمیه اساتید عصر از جمله میرزا محمد تقی شیرازی و حاج شیخ فضل الله نوری و آخوند خراسانی و علامه سید کاظم یزدی و سید محمد فشارکی شرکت کرد و پس از وفات آخوند خراسانی

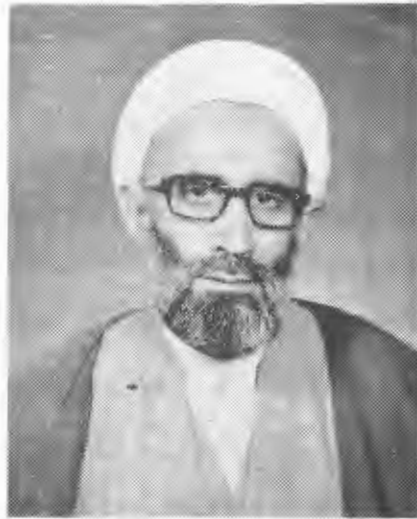


حضرت آیه الله حاج شیخ عبد الکریم

بکربلا رفت و بتدریس و افاضه مشغول شد تا در سال ۱۳۳۲ قمری بعراق سلطان آباد رفت و بسال ۱۳۴۰ بقم هجرت کرد و تأسیس حوزه علمیه نمود و بتر بیت علماء و فضلاء اشتغال ورزید و جمعی از مراجع علمیه پس از وی همگی پرورش یافته های او بوده و هستند . وی اضافه بر تدریس و افاضه مؤسسات و بناهای علمیه و خیریه بسیاری دارد از جمله بیمارستان قم- قبرستان جدید کتابخانه مدرسه

فیضیه - بناء طبقه فوقانی مدرسه فیضیه و مدرسه دارالشفاء و عمران سایر مدارس .
وی در سال ۱۳۵۵ هجری قمری ذی القعدة در سن ۸۳ سالگی در گذشت و در مسجد
بالاسر جای تدریس خود دفن شد و ماده تاریخ فوتش : (لدی الکریم حبل ضیفاً
عبده) می باشد .

از آثار علمیة او تقریرات درس استادش
فشارکی و درر الفوائد در اصول و کتاب الصلوة
و کتاب الرضاع است .



حجة الاسلام آقای آقامحمد
بروجردی

حجة الاسلام حاج آقامحمد بروجردی
پس از فرا گرفتن علوم متداوله اسلامی از
استاد فوق الذکر از قم به بروجرد برگشت و با فاضله
و تدریس اشتغال ورزید مدتی در مسجد رنگینه
اقامه جماعت میکرد و ضمناً درس اخلاق و نهج
البلاغه می گفت و جمعی از علاقه مندان بخصوص
جوانان روشن از بیانات او مستفیض می شدند

و سپس برای اقامه جماعت بمسجد جامع رفت و در همان مسجد رنگینه کنار آرامگاه
والد ماجدش بتدریس و افاضة فقه و اصول مشغول و اکنون صبح و عصر جمعی از طلاب
علوم دینی از افادات معظم له بهره ور می شوند .

وی اضافه بر خدمات علمی در عمران مساجد و مظاهر مذهبی نیز فعال و کوشا
است . و فقه الله تعالی لمراضیه .

۱۴۰

سید محمد بروجرودی

سید محمد فرزند نورالدین بروجرودی از دانشمندان عصر حاضر و از آثار او

کتابهای ذیل دیده شد :

۱- جغرافیای تهیه که در سال ۱۳۲۹ قمری با چاپ سنگی در تهران چاپ شده.

۲- قواعد عربی که در سال ۱۳۲۸ قمری با چاپ سنگی در ۸۷ صفحه در تهران

چاپ شده .

ملا احمد نحوی بروجردی

شیخ احمد نحوی بروجردی از اکابر علماء و مجتهدین در قرن سیزدهم و چهاردهم
هجری است .

در سال ۱۲۶۲ هجری قمری در بروجرّد متولد و پس از وصول بحد تمیز معارف
و علوم اسلامی رادر زادگاهش از اساتید نامی این شهر از جمله مرحوم حاج سید شفیع
جابلقی و مرحوم حجة الاسلام حاج میرزا محمود طباطبائی فرا گرفت تا بیه پایة بلند
اجتهاد رسید و از مشاهیر اصولیین در عصر خود بشمار رفت .

مرحوم آقا بزرگ تهرانی در الکرام البررة اورا ترجمه نموده و از مرحوم ملا
حبیب الله کاشانی نقل کرده که در کتاب لباب الالقب اورا باجتهاد توصیف و گفته :
هوالمجتهد الاصولی البحت .

مرحوم شیخ احمد در سال ۱۳۳۳ هجری قمری در گذشت .

سید عبدالحسین آل کهونه بر وجودی

سید عبدالحسین بر وجودی فرزند سید علی بن سید محمد بن ثابت بن ناصر بن ابراهیم بن اسماعیل بن مبارک بن بدرالدین بن احمد بن محمد بن حسین بن ناصرالدین بابیست و نه واسطه به حسین اصغر فرزند زین العابدین علیه السلام میرسد .

سید عبدالحسین بر وجودی خود رساله ای در سال ۱۳۱۷ هجری قمری نوشته راجع به نسب و قبیلہ و طائفہ و تصانیف خویش و در آن می نویسد :

سید محمد ناصر جد اعلام در زندان روم بود در سال ۹۱۶ هجری شاه اسماعیل صفوی اورا نجات داد و بعنوان خدمت اعتبار مقدسه بعراق فرستاد تا در سال ۹۲۱ پس از پنج سال خدمتگذاری عتبات عالیات در جنگ سلطان سلیم بدرجہ شهادت رسید و نقابت اشراف و افتخار خدمت بفرزندش سید حسین رسید تا سال ۹۵۰ این منصب را داشت . و جد سید ثابت بر اثر حادثه ای که باملا یوسف ابن ملا محمود خازن روضہ حیدریہ در نجف اتفاق افتاده از عراق ببروجرد آمد و او نخستین کسی بود از اجداد که ببروجرد آمد .

والدش سید علی دربروجرد بازنی طهرانیه ازدواج کرد و سید عبدالحسین از

او متولد شد . مرحوم سیدعلی از علماء قرن سیزدهم هجری بود و چنانکه گذشت در سال ۱۲۹۹ هجری قمری در بروجرد وفات کرد .

سیدعبدالحسین در روز دوشنبه ۱۶ ذیحجه سال ۱۲۶۸ در بروجرد متولد و پس از وصول به حد تمیز خواندن و نوشتن آموخت و مبادی علوم اسلامی را از والد ماجدش فرا گرفت و سپس از اساتید عصر مخصوصاً علامه سید ریحان الله کشفی بروجردی استفاضه کرد و در خلال تحصیلات بشرح دره سید بحر العلوم اشتغال ورزید و در سن ۳۰ سالگی در سال ۱۲۹۸ به نجف اشرف رهسپار و در درس شیخ محمد حسین کاظمی حاضر گشت .

پس از یکسال که والد ماجدش را از دست داد به بروجرد آمد و جنازه اش را به نجف حمل و در آن خاک پاک دفن نمود آن زمان تصمیم داشت به بروجرد بعنوان اقامت برگردد ولیکن استادش مرحوم شیخ محمد حسین کاظمی او را از این تصمیم منصرف ساخت و لذا برای بردن عائله به این شهر برگشت قریب یکسال ماند و سپس در ربیع الاول سال ۱۳۰۱ با عائله به نجف مراجعت کرد و ملازم استادش شد تا سال ۱۳۰۸ قمری که مرحوم کاظمی وفات کرد .

مرحوم آقا بزرگ تهرانی در قسم سوم از جزء اول اعلام الشیعه ص ۱۰۵۱ می نویسد :

✽ کان السيد عبدالحسین آل کمونة البروجردی احد العلماء المصنفین و الفقهاء الصالحین و المؤلفین الافاضل الاعلام اعترف له معاصروه بسمو المكانة و كانت له عند العلماء والخواص منزلة رفيعة و هو يقيم الصلوة في الحرم الشريف و كانت له جماعة مختصرة الي ان توفي ايام حصار النجف الاشرف في شهر رجب ۱۳۳۶ و دفن في الصحن الشريف المرتضوی اذ لم يتمكنوا من اخراجه نعشه الى وادي السلام ✽ .

سید محسن عاملی در اعیان الشیعه جلد ۴ ص ۱۱۷ می نویسد : ✽ السيد عبدالحسین آل کمونة البروجردی المولد النجفی الاصل والمسکن ولد فی دار السرور بروجرد فی ۲۶

ذیحجه ۱۲۶۸ و توفی فی رجب ۱۳۳۵ و النجف فی حصار فلم یکن دفنه فی مقبرتهم لشد ابواب الصحن الشریف فدفن خارجہ فی جهة باب الطوسی . *

مؤلفات

مرحوم سید عبدالحسین آثار علمیه ارزنده بسیاری از خود بیادگار گذاشت نامهای آنها بقرار ذیل است :

- ۱ - رساله در قاعدة قرعه ۲ - رساله در قاعدة شك بعد از فراغ ۳ - رساله در قاعدة يد ۴ - رساله در قاعدة من ملك شيئاً ملك الا فراره ۵ - رساله در اصالة الصحة ۶ - رساله در حمل فعل مسلم بر صحة ۷ - رساله كمبيه در معنى كمين ۸ - رساله در تحقيق مكاسب محرمة ۹ - رساله در ماهية محرمات ۱۰ - رساله در معاملات ۱۱ - رساله در تكليف كفار بفروع وعدم آن ۱۲ - رساله در حق و حكم ۱۳ - رساله در نجاسة ملاقی شبهة محصورة ۱۴ - رساله در استحالة مطهرة ۱۵ - رساله در جمع بين صلواتين كه مسقط اذان است ۱۶ - رساله در احكام مساجد ومشاهد ۱۷ - رساله در ماهية بيع معاطات ۱۸ - نور الهداية در تفسير آية نور ۱۹ - رساله در شرح خطبة حسين عليه السلام و كلمات قصار آنحضرت ۲۰ - حاشية رياض ۲۱ - رساله در اصل برائت ۲۲ - رساله در تعادل و تراجيح ۲۳ - شرح مناظرة مأمون باعلى بن موسى الرضا عليه السلام ۲۴ - رساله از طهارت تا فروع صلاة ۲۵ - منظومه در رجال ۲۶ - شرح نهج البلاغه ۲۷ - رساله در مباحث الفاظ تا آخر بحث مشتق .

۱۲۳

یارقلی بروجرودی

شیخ محمد محلاتی یارقلی فرزند شیخ محمد اسماعیل بن ملامحمد علی بن آقازین العابدین بن آقاموسی .

جدش ملامحمد علی محلاتی از دانشمندان و مجتهدین قرن سیزدهم و از شاگردان حجة الاسلام حاج میرزا محمود طباطبائی و حاج سید شفیع بروجرودی بوده و در آخر در شیراز ریاستی بدست آورد .

والد ماجدش علامه تحریر محقق شیخ اسماعیل در سال ۱۲۶۹ هجری قمری متولد و مدتی در بروجرود با استفاضه و افاضه و تعلیم و تعلم اشتغال داشت و در این شهر زنی صالحه از خاندانی صالح ازدواج کرد و در سال ۱۲۹۵ یا ۱۲۹۷ قمری از همان زن شیخ محمد یارقلی متولد شد .

مرحوم شیخ اسماعیل جز یارقلی فرزندان دیگر نیز داشته که آنها نیز از بزرگان علم و ادب بشمارند .

۱ - ثقة الاسلام آقا شیخ علی که در سال ۱۳۲۷ قمری از نجف به ایران حرکت نمود و در سال ۱۳۳۵ در کرمانشاه بدست شخصی ناشناس کشته شد .

۲ - حجة الاسلام حاج آقا حسین روحانی در سال ۱۳۲۱ در نجف متولد و در سال ۱۳۴۵ به محلات رفت و بمشاغل شرعی پرداخت .

۳ - آقا حسن روحانی که از شاگردان آیه الله حاج شیخ عبدالکریم حائری بود و در سال ۱۳۵۰ قمری از سلك روحانیت خارج و در طهران بشغل وکالت دادگستری اشتغال ورزید .

۴ - آقا میرزا ابوتراب که مدتی در قم اشتغال داشت و بعد مهندس شد . مرحوم شیخ اسماعیل مدتی در بر و جرد و مدتی در نجف و سامراء ساکن بوده و در محضر میرزا حبیب الله رشتی حاضر و سپس مشغول تدریس و تألیف شد . تادر ۱۳ ربیع الاول سال ۱۳۴۳ قمری در نجف اشرف در گذشت . و تألیفات سودمند و مفیدی بیادگار گذاشت :

- ۱- تنقیح الابحاث فی النفقات الثلاث الزوجة والاقارب والمماليك .
 - ۲- نفائس الفوائد فی مهمات اصول الفقه .
 - ۳- لباب الاصول باسقاط القشور والفضول .
 - ۴- اللآلی المربوطة فی حقیقة المشروطة الذهنیة چاپ شده .
 - ۵- انوار العلم والمعرفة در اصول دین چاپ شده .
 - ۶- رساله در شبهة آلمانیة .
 - ۷- الدرر اللوامع فی جملة من مسائل الفقه والاصول والرجال .
- شیخ محمد یارقلی پس از وصول به حد تمیز علوم ادب و زبان عرب را از والد ماجدش فراگرفت و فقه و اصول را از محضر پرفیض مرحوم آیه الله خراسانی و هم چنین آیه الله شیخ الشریعه اصفهانی استفادة کرد و سپس به افاضه و تدریس اشتغال جست و جمعی از افاضل و اعلام از ذخائر علمیة او بهره ور شدند از جمله :

- ۱- آقا میرزا احمد منجم شیرازی .
- ۲- مورخ طبیب آقا میرزا محمد خلیلی صاحب معجم ادباء الاطباء .
- ۳- علامه نسابه حضرت آیه الله نجفی مرعشی قمی مدظله .

۴-- علامه تحریر استاد حضرت آیه الله حاج شیخ علی محمد نجفی بروجردی رضوان الله علیه که ترجمه اش در جای خود ذکر می شود .

مؤلفات

آثار علمیه و مؤلفات نفیسه مرحوم یار قلی بسیار است از جمله :

- ۱-- گفتار خوش یار قلی در رد بهائیه تا کنون چند بار چاپ شده .
 - ۲-- میزان و میهمان در رد شیخیه چاپ شده .
 - ۳-- اصول دین در سه جلد برای شاگردان مدارس ابتدائی و متوسطه که جلد اولش در سال ۱۳۳۲ قمری چاپ شده .
 - ۴-- حاشیه کفایة الاصول .
 - ۵-- رساله در نفی تحریف قرآن .
 - ۶-- تعلیقات بر شوارق .
 - ۷-- مجموعه خطب پیغمبر ﷺ که بفرمان والدش جمع کرده .
 - ۸-- سر قضیه عاشوراء .
 - ۹-- اشعاری در اخلاق و مواعظ از منشئات خودش .
- مرحوم شیخ محمد اضافه بر مراتب علمیه در سایر کمالات، قدرت بیان، توانائی قلم جودت فهم، حسن اخلاق تدبیر و سیاست، ایمان و پرهیزکاری نیز مشهور و در خدمت بندگان خدا سعی بلیغ مبذول میداشت .
- مسافرتهاى بهندوستان و بنادر جنوب ایران و بمبئی و نجف و بغداد و موصل و کرکوک نموده و در طی این مسافرتها با ارباب فضل و دانش ملاقات و افاده و استفاده نموده .
- وی در ۱۷ محرم سال ۱۳۳۶ در محلات درس ۴۰ سالگی در گذشت و در کنار قبرستان عمومی آن شهر دفن و مزارش مورد توجه مردم است .

شیخ محمود بروجرودی

حاج شیخ محمود فرزند حاج ملا صالح بروجرودی از دانشمندان و افاضل قرن چهاردهم هجری است .

علوم مقدماتی را در زادگاهش بروجرود فرا گرفت و سپس رهسپار تهران شد و از اساتید بزرگ ؛ فقه و اصول و سایر فنون اسلامی را استفاده کرد مخصوصاً از مرحوم آیه الله حاج میرزا حسن آشتیانی (۱) در فقه و اصول و از محضر حکیم معروف آقا محمد رضا قمشه ای در معقول بیشتر استفاده نمود تا کم کم از اعلام و مشاهیر عصرش

(۱) حاج میرزا محمد حسن آشتیانی از اعظم علماء و مجتهدین قرن سیزدهم و چهاردهم که بعد از شیخ مرتضی انصاری استادش تا کنون مابین علماء شیعه به تبحر و احاطه او در علم اصول فقه و سعه اطلاع او در جمیع جزئیات و شقوق مسائل آن فن ، نیامده است .

آثار علمیه او از قبیل بحر الفوائد شرح فرائد الاصول و رساله اجزاء و رساله اوانی و رساله لباس مشکوک و رساله نفی عسر و حرج و رساله جمع بین قصه قرآن و دعا و کتاب قضاء ، معروف و شواهدی بینه بر غزارت اطلاعات اومی باشند .

ترجمه اش بنحو اختصار در ضمن شاگردان حاج سید شفیع بروجرودی ذکر شد .

بشمار آمد . در استنساخ و تصحیح کتب علمیه و تحشیه و طبع آنها و لغ و حرص وافر داشته و از این راه خدمات ارزنده‌ای انجام داده تا در سال ۱۳۳۷ هجری قمری که که از زیارت اعتاب مقدسه عراق بر میگردد میان قصر شیرین و کرمانشاه بدست چند نفر دزد کشته شد .

در فهرست کتابخانه آستان قدس جلد پنجم و ششم می نویسد : شیخ محمود ابن صالح بروجردی تهرانی از فضلاء جامع و متبع بارع در تهران مقیم بوده و در فن تصحیح و تحشیه ماهر و بارع تصحیح مکارم الاخلاق و مناقب ابن شهر آشوب نمونه ایست از فضلش .

مرحوم علامه امینی در شهداء الفضیله ص ۳۷۵ می نویسد : شیخ محمود بروجردی عالم فاضل فرزند حاج مولی صالح بروجردی نزیل طهران از اعلام افاضل بود در منقول از حاج میرزا محمد حسن آشتیانی و در معقول از متاله حکیم آقا محمد رضا قمشهای (۱) بهره ور شد .

(۱) میرزا محمد رضا صهبا قمشهای از منادید مدرسین کتب عرفان و مردی خوش خلق و با ذوق بوده در اصفهان میزیسته اواخر عمر بطهران رفته و در مدرسه صدر (میرزا شفیع صدر اعظم) کتب محیی الدین و شروح آن را تدریس میکرد و شعر هم می سرود و در اشعار خود صهبا تخلص میکرد .

وفاتش با حاج ملا علی کنی در ۲۷ محرم سال ۱۳۰۶ قمری در یکشب اتفاق افتاد ولیکن در تشییع جنازه قمشهای فقط میرزا ابوالحسن جلوه و چند نفر دیگر حاضر بوده اند و در این بابویه دفن شد .

(مجله یادگار سال ۳ شماره ۱ ص ۷۵)

آثار علمیه نفیسه از او موجود است از قبیل الاسفار الاربعه و تحقیقها ، وحاشیه شرح فصوص الحکم، و رساله‌ای در وحدت وجود .

مؤلفات و آثار علمیه

- ۱- نخبة الاداب فارسی و عربی ترجمه خلاصة الاذکار مرحوم فیض کاشانی در سال ۱۳۱۵ قمری در ۲۹۳ صفحه در تهران چاپ شده .
- ۲- حاشیه و تصحیح مناقب ابن شهر آشوب در دو جلد در تهران بخط احمد نفرشی ۱۳۱۶ قمری در تهران چاپ شده .
- ۳ - تصحیح مکارم الاخلاق طبرسی (۱) که حسب الامر میرزا محمد حسن شیرازی تصحیح و مواضع حذف و تفسیر و تحریفی که در چاپهای مصر از این کتاب شده تعیین و خیانت مصریهارا در کتب روشن نموده و در تهران سال ۱۳۱۴ قمری بخط احمد نفرشی چاپ شده .
- ۴ - تصحیح جامع السعادات نراقی در سال ۱۳۱۲ قمری در طهران چاپ شده .
- ۵ - تصحیح الاعضالات العوبصات فی فنون العلم والصناعات میرداماد (۲) در (۱) رضی الدین ابونصر حسن بن امین الدین فضل بن حسن طبرسی فاضل کامل فقیه محدث از اکابر علمای قرن ششم هجری است والد ماجدش صاحب مجمع البیان است که در سال ۵۲۸ فوت کرده .
- (۲) محمد باقر بن محمد حسینی استرآبادی چون پدرش داماد محقق ثانی بود به داماد ملقب شد و این لقب به پسرش رسید .
- میرداماد محقق است خبیر و مدققی است بصیر حکیمی است کامل و نقاد و فیلسوفی است متبحر و وقاد .
- گویند چهل سال در بستر استراحت نخفت و در تمام ایام تکلیف نافله را از دست نداد .
- و در آخر عمر از اصفهان به همراهی سلطان شاه صفی بزیارت عتبات عالیات رفت و سال ۱۰۴۱ هجری قمری در نجف اشرف در گذشت و در همانجا دفن شد .
- در تاریخ فولش گفته شده : (عروس علم دین را مرده داماد)

سال ۱۳۱۷ قمری در تهران چاپ شده .

۶ - تصحیح التحصین فی صفات العارفین ابن فهد حلی (۱) که در هامش مکارم الاخلاق در سال ۱۳۱۴ قمری طبع شده .

۷ - تصحیح الفصول فی دعوات اعقاب الفرائض ابن فهد حلی که در سال ۱۳۱۴ قمری در طهران طبع شده .

۸ - تصحیح قبسات - ایماضات - تشریفات - صحیفة القدس - خلسة الملکوت - ایفاضات - حدوث العالم - اثولوجیا ارسطو تألیف میرداماد که در سال ۱۳۱۵ قمری چاپ شده .

۹ - تصحیح انسب الشداد که در سال ۱۳۱۷ قمری در تهران چاپ شده .

۱۰ - تصحیح وجیزه مجلسی دوم که در سال ۱۳۱۲ ق طبع شده .

۱۱ - تصحیح وجیزه شیخ بهاء الدین عاملی که در تهران سال ۱۳۱۲ طبع شده .

۱۲ - تصحیح الخلافة الکبری قمشه ای در سال ۱۳۱۵ ق طبع شده .

۱۳ - تصحیح جمع بین الرأیین در سال ۱۳۱۵ طبع شده .

(۱) جمال السالکین احمد بن محمد بن فهد حلی عالم عابد فقیه زاهد در سال ۷۵۷

قمری متولد و در سال ۸۴۱ قمری فوت و در کربلا معلی دفن شد .

قبرش کنار خیمه گاه معروف است و آثار نفیسه ای از او بیادگار موجود است از قبیل

التحصین فی صفات العارفین . وعدة الداعی وغایة الایجاز فی فروض الصلوة ، وفصول فی دهوات اعقاب الفرائض .

صدرالدین امام جمعه بروجرود

آقا صدرالدین فرزند میرزا علی نقی بروجرودی از علماء و مجتهدین قرن چهاردهم هجری است .

والد ماجدش از اکابر فقهاء قرن سیزدهم هجری و پیش از این ترجمه اش ذکر شد .

آقا صدرالدین پس از وصول بحد تمیز ذخائر علمی خود را در آغاز از پدرش فراگرفت و سپس از اساتید عصر چون مرحوم حاج ملا اسدالله و مرحوم حاج سید شفیع و مرحوم حجة الاسلام حاج میرزا محمود استفاضه کرد تا خود در ردیف اعظم علماء بشمار آمد .

اعتماد السلطنه در متأثر و آثار می نویسد : آقا صدرالدین امام جمعه بروجرود این منصب را این سلسله در این دولت بر سبیل وراثت می دارند مشارالیه خلف میرزا علی نقی آنی الذکر است .

آقا بزرگ تهرانی در قسم سوم از جزء اول نقباء البشر می نویسد : شیخ صدرالدین فرزند میرزا علی نقی بروجرودی دانشمندی است بزرگوار پدرش از علماء افاضل و امام

جمعه بروجرد بود پس از مرگش صدرالدین نامبرده بجای او قرار گرفت و بامامت جمعه و جماعت و خدمات دینی و مذهبی مشغول شد .

در سال ۱۳۳۸ قمری درگذشت و در طرف شرق مسجد جامع بروجرد مدفون شد و بر لوح قبرش کلمات ذیل حجاری شده :

* قدتوفی العالم العامل الجلیل و الفقیه الجامع الکامل النبیل مقتدی الانام
مروج الاحکام وحید عصره و فرید دهره فخر المحققین آقا صدرالدین امام جمعه
ابن اعلم العلماء الراشدين وافقه الفقهاء و المجتهدين الالعی الاوزعی اللوزعی
المیرزا علی نقی *

۱۲۶

میر سید محمد باقر بروجودی

میر سید محمد باقر فرزند میر سید علی طباطبائی بروجودی اصفهانی از دانشمندان
قرن چهاردهم و از شخصیت‌های برجسته اصفهان است .
والد ماجدش از اکابر علماء و ترجمه‌اش پیش از این ذکر شد .
در کتاب دانشمندان و بزرگان اصفهان ص ۶۹ می نویسد : حاج میرزا محمد
باقر عالم و فاضل و محقق از شاگردان پدر خود و مرحوم حاج سید مهدی نحوی و
دیگران بشمار رفته و بعزت و احترام زیسته تا در ۲۲ رجب سال ۱۳۴۰ هجری وفات
یافت و در تخت فولاد اصفهان دفن شد .

شیخ محمد علی آیتی بروجردی

شیخ محمد علی فرزند شیخ حسن آیتی بروجردی در سال ۱۳۱۳ هجری قمری در بروجرد متولد و در ۶ سالگی به خواندن و نوشتن پرداخت و در ظرف سه ماه قرآن کریم را فراگرفت و با شوق فراوانی به تحصیل ادب و زبان عرب مشغول شد پس ۱۵ سالگی نرسیده در تحریر و نویسندگی و انواع خطوط استاد شد.

در خلال تحصیلات ادبی به گفتن شعر می پرداخت و در زبان عربی و فارسی طبعش موزون بود و در علوم ادب و صرف و نحو و معانی و بیان و منطق گوی سبقت را از همکنان ربود و سپس برای تکمیل بیشتر به نجف اشرف و در دروس مرحوم آیه الله سید کاظم صاحب عروة الوثقی (۱) و شریعت اصفهانی و شیخ محمد تقی

(۱) سید محمد کاظم بن عبدالعظیم طباطبائی یزدی از اکابر فقهاء قرن چهاردهم هجری است در سال ۱۲۵۶ قمری در یکی از قرای یزد متولد و پس از بلوغ باصفهان رفت و در محضر اساتید عصر حاضر تا بدرجه اجتهاد رسید و سپس بنجف مشرف و در محضر میرزای شیرازی استفاده کرد.

پس از وفات استادش ریاست مذهبی باو مسلم شد تا در سال ۱۳۳۷ در سن ۸۱ سالگی در نجف اشرف وفات کرد و جنب باب طوسی مدفون گشت.

شیرازی (۱) وسید عبدالهادی شیرازی (۲) شرکت نمود .

درفقه و اصول معارفی ارزنده اندوخت تاخود در ردیف و شمار مدرسین عالی قرار گرفت پس از مدتی بفرمان استادش مرحوم آیة الله سید کاظم یزدی با پدر و مادرش بایران برگشت و يك سال در دزفول در محضر پرفیض آیة الله شیخ محمد رضا دزفولی طاب رمله استفاده کرد و در سال ۱۳۳۵ به بروجرد برگشت و در محضر مبارک حضرت آیة الله بروجردی و درس با شکوه مرحوم آیة الله شیخ حسین غروی مدت دو سال استفاده کرد و در خلال آن دو سال در مدرسه علمیه مقیم بود .

(۱) میرزا محمد تقی بن محبعلی شیرازی حائری در سال ۱۲۵۶ قمری در شیراز متولد و در سن ۱۶ سالگی در سال ۱۲۷۱ قمری با پدر و برادرش علاءه میرزا محمد علی بکر بسلا مهاجرت کرد و بتحصیلات خود ادامه داد تا بسرحد منیع اجتهاد رسید و کم کم از علماء طراز اول و مراجع بزرگ تقلید شد تا در سال ۱۳۳۸ قمری در کربلا درگذشت و در صحن حسینی مدفون شد .

از آثار علمیة او تعلیقه اش بر مکاسب شیخ انصاری معروف است.

(۲) حاج سید عبدالهادی بن اسماعیل حسینی شیرازی در سال ۱۳۰۰ قمری متولد و پس از تکمیل مقدمات و سطوح درس را برای تحصیلات بیشتر در سال ۱۳۲۶ قمری بنجف مهاجرت کرد و بتحصیلات خود ادامه داد و بعد از وفات آیة الله خراسانی بسامراه مراجعت نمود و پس از هفت سال در سال ۱۳۳۷ قمری ثانیاً بنجف رهسپار و در محضر شریعت اصفهانی حاضر و استفاده کرد و پس از وفات وی بتدریس فقه و اصول پرداخت .

در سال ۱۳۶۹ قمری برای معالجه چشم بایران آمد و در بیمارستان فیروزآبادی بستری شد و پس از مدتی توقف بقم رهسپار و مورد استقبال و تجلیل خاص و هام گشت و بعد از چندی بنجف مراجعت کرد .

پس از درگذشت آیة الله العظمی بروجردی مرجعیت بوی مسلم شد ولیکن ریاستش اندکی بیش نبود در عصر جمعه دهم صفر سال ۱۳۸۲ قمری در کوفه درگذشت و در خاک پاک نجف دفن شد .

گویند رئیس مدرسه فرمان داده بود در شبها کسی در مدرسه صدا بلند نکند تا مزاحمتی برای مطالعه طلاب فراهم نشود شبی مدرس مدرسه با صدای بلند از اشکالی جواب میداد و غافل از نظام مدرسه بود که خود وضع کرده شیخ محمد علی آیتی این آیه کریمه را با نوشت : « اَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَ تَنْهَوْنَ أَنْفُسَكُمْ » رئیس مدرسه از خواب غفلت بیدار و تشکر نمود .

مرحوم شیخ محمد علی آیتی قریب سه سال در بروجرد ساکن و در خانه خود اقامه جماعت می کرد تا محسود حاسدان شد و باتیرمای حسد و نبال حقد او را هدف قرار دادند و در نتیجه نتوانست در وطن زیست کند ناچار به اراک سلطان آباد رفت و در سلك فضلاء حوزه مرحوم حاج شیخ عبدالکریم حائری قرار گرفت و در بلاغت و معانی و بیان و فصاحت و منطق مشار بالبنان شد و مورد توجه و تقدیر حاج آقا نورالله اراکی گشت ولیکن متأسفانه کامی از جهان ندید و در سن ۲۸ سالگی در سال ۱۳۴۰ هجری قمری بمرض قولنج در اراک از دنیا رفت و در همانجا دفن شد .

از حضرت آیه الله حاج شیخ علی محمد نجفی بروجردی رضوان الله علیه شنیدم که می گفت :

مرحوم آیتی شیخ محمد علی باکمی سن در فطانت و ذکاء و ورع و تقوی آیتی بود ، در مدرسه شاهزاده بروجرد هم بحث بودیم .

کنا کزوج حمامة فی ایكة متنعمین بصحة و شباب

دخل الزمان بنا ففرق بیننا ان الزمان مفرق الاحباب

آن مرحوم زمانی می خواست از درس قوانین مرحوم آیه الله سید عبدالهادی شیرازی استفاده کند آیه الله در آغاز او را امتحان کرد پس از احراز صلاحیت با و اجازه شرکت داد .

مؤلفات

- ۱ - مدامع العین فی مصیبة الحسین بوسیلة محمد باقر ایروانی چاپ شده .
- ۲ - الدرر والثالی فی تلخیص الامالی - مخطوط - عربی .
- ۳ - اولو الفرید منظومه ایست در منطق در سن ۲۰ سالگی برشته نظم آورده .
و در مقدمه اش گوید .

احمد به منطق من فضله	من به علی لا بعد له
اشکره علی النعیم الدائر	هیئات عن هذا اللسان القاصر
ثم علی الصراط الف رحمة	و آله المیزان میز الامة
لاسیما وصیه الطهر الولی	من هو عند الله ذوالشان العلی
و المقتدی من ولده الامجاد	أئمة الهدی علی العباد
وبعد فال محتاج بالرب الولی	(محمد بدعی ویتلی به علی)
بقول یا اخوان دینی الصافیة	حیوا و هاؤم اقرؤا کتابیة
ینطق بالحق غنی اللیب	مهذب فی غایة التهذیب
آفاقه شمسیة مطالعه	افلاکه قدسیة طوالعه
مکمل بالجواهر النضید	سمیته باللؤلؤ الفرید
و انسه ارجوزة و جیزة	جوهره نفیسة عزیزة
طلع بیلدة البروجرد طلع	فیا له من الاساس المتبع
و در آخر منظومه اش گوید :	
تاریخ ما شرعت فیه ساعیاً	(طلع من الرضوان یبدوزاهیا)

- ۵ - فوائد المرضیه فی شرح القواعد النحویة والصرفیة .
- ۶ - چند رساله مختصره در موضوعات منشیته فقهی و اصولی و منطقی و ادبی .
- مرحوم آیتی اشعار فارسی و عربی بسیار دارد که در بخش شعراء ببعض آنها اشاره می شود .

سید محمد کاظم نحوی بروجردی

سید محمد کاظم نحوی موسوی بروجردی از ادباء و نحویین قرن چهاردهم هجری است .

علوم مقدمانی و مبادی را در زادگاه خود فراگرفت و سپس برای تکمیل خویش به نجف اشرف رهسپار و رحل اقامت افکند و در مدرسه قوام ساکن شد تا در سال ۱۳۴۲ درگذشت .

از آثار علمیة او رساله ایست بنام تهلیلیه در اعراب کلمة مبارکة لا اله الا الله .

مرحوم آقا بزرك در جلد چهارم الذریعه می نویسد:

﴿ تهلیلیه فی اعراب کلمة التوحید و اثبات ان اله خبر مقدم و الله مبتدع مؤخر فلا یتحتاج الی حذف و اضمار کما ذهب الیه الزمخشری خلافاً للجل النحاة للسید محمد کاظم الموسوی المعمر الشهیر بالنحوی البروجردی المجاور للنجف نزیل مدرسه قوام المتوفی بها فی ۱۳۴۲ ﴾

ابراهیم بن رضی موسوی بروجردی

سید ابراهیم فرزند سید رضی موسوی بروجردی از علماء و سادات محترم بروجرد در قرن چهاردهم هجری است.

او در اصل خوانساری ولیکن در بروجرد متولد شد و پس از وصول بحد تمیز علوم اسلامی و معارف ادبی را از اساتید عصرش از جمله مرحوم ملا ابوالقاسم گلپایگانی فرا گرفت و از آثار او شرح چهل حدیث است که از اربعین شیخ بهاء الدین و میر فاضل الله تفرشی و کتب شهید بر گزیده و هم چنین مجموعه ای بنام کشکول و چندین کتاب را نیز استنساخ کرده .

از جمله رساله ای در قرائت و تجوید تألیف عماد الدین علی قاری استر آبادی که بفرمان یکی از خوانین صفویه تألیف و در تاریخ ربیع الثانی ۱۳۴۶ هجری استنساخ شده و رساله در بحر العلوم در فقه و منظومه ملاحیب الله کاشانی و بلد الامین کشفی که در تاریخ ۲۰ صفر ۱۳۳۷ هجری استنساخ و الفیه شهید که در ۱۵ ربیع الاول سال ۱۳۳۷ هجری از استنساخ آن فارغ شده .

ملا ابو القاسم گلپایگانی بروجردی

ملا ابو القاسم فرزند علی اصغر گلپایگانی بروجردی از اکابر علماء وزهاد قرن چهاردهم هجری است .

وی معارف اسلامی را از اساتید عصرش فرا گرفته و در زمان خود از مشاهیر علماء و مدرسین بشمار رفت و جمعی از محضرش استفاده کرده اند تألیفات علمیّه او بسیار است از جمله :

۱- ترجمه ینابیع الموده تألیف شیخ سلیمان نقش بندی (۱) در ۱۳۲۰ قمری ترجمه شده .

(۱) شیخ سلیمان بن ابراهیم خواجه کلان حسینی بلخی حنفی نقشبندی در سال ۱۲۲۰

قمری در بلخ متولد از سادات حسینی و مشایخ صوفیه و فضلاء و محدثین بوده .

در قندوز مسجد و مدرسه و خانقاه تأسیس کرد و در سال ۱۲۶۹ با سیصد نفر از مریدان خود بقصد مکه از راه ایران و عراق باستانبول رفت و از طرف سلطان عبدالعزیز عثمانی مأمور تنظیم تکیه شیخ مراد بخارائی شد و در آنجا بارشاد و تدریس مشغول و در ۶ شعبان سال ۱۲۹۲ در استانبول درگذشت و در خانقاه مرادیه دفن شد .

از آثار او ینابیع الموده است که تا کنون چند بار در استانبول و ایران و بمبئی چاپ شده

۵۴۰	قرن چهاردهم	تاریخ بروجرد
-----	-------------	--------------

- ۲ - کشکول در ۱۳۲۰ قمری تألیف شده
- ۳ - رشحاح الفاطمیه بفارسی در مصائب و فضائل فاطمه علیها السلام در ۱۳۲۴ قمری تألیف شده .
- ۴ - شرح منظومه سید محسن کاظمی (۱) در دو جلد در فقه در تاریخ ۱۳۳۸ قمری از تألیف آن فارغ شده .

(۱) سید محسن بن حسن اعرجی کاظمی در حدود سال ۱۱۳۷ هجری قمری متولد شده . عالمی محقق و فقیهی مدقق است و در زهد و تقوی نیز گوی سبقت را از همگنان ره بود در سال ۱۲۲۷ قمری در سن ۹۰ سالگی در گذشت و در تاریخ فوتش گفته شده : (بموتك محسن مات الصلاح) .

وی تا سال چهل از زندگی به تجارت اشتغال داشت و سپس بنجف اشرف مشرف و به تحصیل معارف اسلامی مشغول و تا سال ۱۱۸۶ قمری که طاعون پدید شد و اهل نجف غالباً متفرق شدند او نیز خارج شد و پس از اعام طاعون بنجف برگشت و از آن پس تألیفات خود را شروع کرد و آثار ارزنده ای از خود یادگار گذاشت .

از جمله : ۱- وسائل در فقه چاپ شده ۲- محصول در اصول ۳- وافی در شرح وافی تونی ۴- سلاله الاجتهاد ۵- شرح مقدمات حدائق ۶- منظومه در فقه .

حاج میرزا ابوالحسن بروجردي اصفهانی

حاج میرزا ابوالحسن فرزند میرسید علی طباطبائی بروجردي از رجال علمی قرن چهاردهم هجری است .

وی عالمی عامل و فاضلی کامل و از مجتهدین عصرش بشمار رفته ساکن اصفهان بود ذخائر علمی خود را در آغاز از والد ماجدش میرسید علی که ترجمه اش ذکر شد فرا گرفت و سپس از اساتید معروف اصفهان مانند حاج سید مهدی نحوی و آقا میرزا محمد باقر چهارسوقی (۱) و حاج میرزا بدیع درب امامی (۲) بهره ور شد

(۱) میرزا محمد باقر موسوی چهارسوقی صاحب روضات الجنات در ۲۲ صفر ۱۲۲۶ قمری در خوانسار متولد و در ۸ جمادی الاولی ۱۳۱۳ قمری در اصفهان درگذشت .
صاحب روضات از آیات عظیمه خداوند بوده در علوم مختلفه اسلامی فقه و اصول و کلام و اخبار و تاریخ و رجال و منطق و ادب مهارتی تمام داشته مؤلفات نفیسه اش شاهد احاطه علمی او است .

از جمله روضات الجنات که شامل ترجمه ۷۵۷ نفر از فضلا اسلامی و شعراء قدیم و جدید است .

(۲) حاج میرزا بدیع اصفهانی از اکابر علماء اصفهان در سرودن شعر فارسی و قوت حافظه و خوش خطی و سرعت انتقال و حاضر جوابی کم نظیر بوده در سال ۱۳۱۸ قمری در گذشت.

وبعد برای تکمیل تحصیلات به نجف اشرف مشرف و چند سال در حوزة علمیه مقدسه شرکت و از اساطین علم و فضیلت حداکثر نصیب را برد و سپس به اصفهان مراجعت و مورد تجلیل و احترام قرار میگیرد و بتدریس و افاضه اشتغال میورزد و جمعی از علماء افتخار شاگردیش را دارند .

از جمله شیخ محمد ابراهیم کرباسی (۱) که بسمت دامادی او نیز افتخار داشت و از جمله سید محمد باقر نحوی . (۲)

میرزا ابوالحسن طباطبائی پس از مرگ پدر مدتی بجای او در مسجد در کوشک اصفهان اقامه جماعت میکرد تا در سن هفتاد سالگی در ۱۸ ذی قعدة ۱۳۴۸ هجری قمری در گذشت و در تخت فولاد اصفهان دفن و برای او تکیه عالی بنا کردند که بنام وی مشهور است یک هفته قبل از مرگش یکی از اکابر علماء اصفهان بنام آقا میرزا احمد مدرس در گذشت بهمین مناسبت شاعری بنام انصاری در ماده تاریخ وفات حاج میرزا ابوالحسن سرود :

از مقام قاب قوسینی یکی آمد بگفت
بود در معراج احمد بو الحسن بار و رفیق

۱۳۴۷

ماده تاریخ فوق مطابق است با آنچه مرحوم آقا بزرگ در نقباء البشر در ترجمه میرزا ابوالحسن گفته :

* السید ابوالحسن بروجردی بن سید علی طباطبائی عالم جلیل و خطیب بارع
توفی با صبهان فی ۱۷ ذی قعدة ۱۳۴۷ *

(۱) شیخ محمد ابراهیم کرباسی از علماء متأخرین در سال ۱۳۰۰ هجری در نجف متولد و در سال ۱۳۵۷ قمری در تهران وفات کرد و در رمفون شد از آثار او کتاب فوائد السنیة است در فقه .

(۲) سید محمد باقر نحوی عالم فاضل مجتهد زاهد در سال ۱۳۵۰ هجری قمری در گذشت

شیخ محمد ابراهیم مدرس بروجردی

شیخ محمد ابراهیم فرزند ملامحمد از اعظام علماء و مدرسین در قرن چهاردهم هجری است .

ذخائر علمی خود را از اساتید عصر فرا گرفت تا خود مشار بالبنان و در ردیف اکابر علماء و مدرسین قرار گرفت و بتدریس و افاضه مشغول شد و جمعی از فضلاء از او استفاده کرده اند تا در ۲۳ شوال ۱۳۴۹ هجری در گذشت و در جهان آباد مقبره عمومی بروجرد دفن شد .

بر لوح قبرش کلمات ذیل حجاری شده :

❖ العالم العامل شمس فلك التحقيق وسيارة سماء التدقيق عمدة العلماء العاملين زين الزاهدین والمتورعين فخر الفقهاء والمجتهدین مروج شريعة سيد المرسلين حجة الاسلام والمسلمين آقا شيخ محمد ابراهيم مدرس ❖ .

۱۵۳

حاج ملا ابوطالب بروجرودی

حاج ملا ابوطالب فرزند حاج یوسف بروجرودی از علماء قرن چهاردهم
هجری است .

وی از دانشمندان و فضلاء معروف عصر خویش بوده و در جمادی الثانی سال
۱۳۵۰ هجری قمری در بروجرود در گذشت و در مقبره عمومی جهان آباد دفن شد .

حاج سید حسن اولیائی بروجودی

سید محمد حسن اولیائی فرزند سید عبدالرحمن از اکابر علماء قرن چهاردهم هجری است .

مقدمات علوم اسلامی را از اساتید عصرش مخصوصاً از والد ماجدش قرار گرفت و سپس برای تکمیل بیشتر بطهران رفت از سال ۱۳۰۴ هجری قمری تا ۱۳۰۸ مدت چهار سال در تهران اقامت کرد و با استفاضه و افاضه مشغول شد در سال ۱۳۰۹ در زمان ریاست مرحوم آیت الله شیرازی بسامره رفت و در محضر حاج سید اسماعیل صدر با استفاضه اشتغال ورزید در سال ۱۳۱۴ هجری با استادش بکاظمین مهاجرت و در آنجا مقیم شد و سپس بکر بلاء و از آن پس بایران آمد و مدت ۵ ماه در بروجرد اقامت کرد و مورد توجه اهالی مخصوصاً علماء قرار گرفت . در سال ۱۳۲۴ قمری از راه بیروت و شام بمکه معظمه مشرف و بعد از مراجعت بطهران رفت و در آنجا بتدریس و تألیف مشغول شد .

مرحوم حاج سید محمد حسن اولیائی در فقه و اصول و کلام و رجال و حکمت مشار بالبنان بوده و در هر يك از فنون مذکوره کتابهایی تألیف کرده .

مؤلفات

- ۱ - کشف المرموز و ابراز الکنوز تعلیقه ایست بر فرائد شیخ مرتضی انصاری که در سامراء سال ۱۳۱۰ شروع شده .
- ۲ - فوائد فقهیه و اصولیه که فایده اولی از آن نسبت بین حکم ظاهری و واقعی است در کاظمین سال ۱۳۱۱ تألیف شده .
- ۳ - الحجة البالغة این کتاب فارسی و در رد فرقه بهائیه و جواب ابو الفضل گلپایگانی در فرائد است و در سال ۱۳۲۱ تألیف شده .
- ۴ - رساله در رد شبهات محمد عبده این رساله در سال ۱۳۲۲ قمری راجع به امام زمان عجل الله تعالی فرجه است .
- ۵ - تعلیقه نجات العباد تألیف جواهر .
- ۶ - تعلیقه موالید العقود .
- ۷ - تعلیقه بر شرح لمعه در سال ۱۳۲۵ قمری شروع و در یکشنبه هشتم ربیع الاول ۱۳۳۳ قمری از آن فارغ شده .
- ۸ - مستدرک الرجال در تحقیقات رجال کتب اربعه است مخصوصاً رجالی که از قلم دانشمندان رجال سقط شده این کتاب در سال ۱۳۳۷ قمری تألیف شده و مؤلف در سال ۱۳۴۰ بر رجال شیخ عبداللطیف بن علی بن احمد شامی عاملی که در سال ۱۲۳۲ قمری تألیف شده بر خورد میکند در نجف آنرا استنساخ و سپس در هامش کتاب مستدرک به تحقیقات وی بار مزعوف اشاره میکند .
- ۹ - تعلیقه بر مجلی ابن ابی جمهور بنام الرحیق المختوم در دو جلد اول در توحید ذاتی و صفاتی در سال ۱۳۴۷ قمری و جلد دوم در توحید افعالی در سال ۱۳۴۸ تألیف شده .
- ۱۰ - مجموعه اشعار متفرقه عربی و فارسی در مطالب متنوعه و مدایح معصومین (ع)

کتاب مذکورہ مخطوط بخط مؤلف در کتابخانہ سید جلیل حاج آقا احمد اولیائی
بروجردی فعلاً موجود است .

مرحوم حاج سید محمد حسن اولیائی اضافہ بر مراتب علمیہ در سرودن شعر
نیز قدرت داشتہ و در آخر کشف الحجة کہ استنساخ نمودہ از اشعار خود آورده است
ولیکن متأسفانہ آن نسخہ راز یارت نکردم .

محمد بن عظیم بروجردی

محمد بن عظیم بن رفیع بن شفیع بروجردی طهرانی نجفی از علماء قرن چهاردهم هجری است .

در آغاز جوانی از بروجرده طهران رفت و بکارهای دولتی اشتغال ورزید لیکن بزودی استعفاء نموده به تحصیل معارف اسلامی پرداخت و در مدرسه حاج ابوالحسن معمار ساکن و در طریق علم و فضیلت جد و جهدی وافر نمود و از اساتید نامی عصر مانند مرحوم حاج میرزا حسین خلیلی تهرانی و شیخ هادی تهرانی حداکثر استفاضه را نمود و سپس بعراق و نجف مشرف و از آن حوزه مقدسه نیز بهره وافق گرفت تا خود از مشاهیر زمان بشمار رفت و اضافه بر مراتب علمیه در گفتن شعر نیز توانائی داشت و از آثار او رجوزه ایست در اصول فقه .

در رمضان سال ۱۳۵۰ قمری در گذشت .

محمد هادی امینی در معجم رجال الفکر و الادب ص ۶۶ می نویسد :

* محمد ابن الشیخ عظیم بن رفیع بن شفیع الطهرانی المتوفی ۱۳۵۰ / ۱۹۳۱ عالم جلیل متبع کان فی اوائل شبابه موظفاً حکومياً ثم استقال و تفرغ للعلم و التدريس له الدرر الغریبه منظومه فی اصول الفقه *

شیخ محمد رضا ذرفولی نزیل بروجرد

العالم المحقق والفاضل المدقق الحاج شیخ محمد رضا بن العالم الجلیل شیخ محمد جواد بن محقق فقیه شیخ محسن بن شیخ اسماعیل .

جدش شیخ محسن از اعظم علماء و صاحب تصانیف کثیره است و از جمله :
حاشیه مبسوطه بر معالم الاصول ، معارف خود را از برادر محقق خویش یعنی شیخ اسدالله صاحب مقابس فراگرفت و همچنین از حاج سید محمد باقر رشتی در اصفهان استفاضه کرد .

شیخ محمد رضا در سال ۱۲۷۴ قمری متولد و پس از وصول بحد تمیز معارف اولیه و علوم مقدماتی را از والد ماجدش فراگرفت و بعد در محضر عمویش شیخ محمد طاهر (۱) صاحب مصباح الهدایة در فقه حاضر و بهره ور شد و سپس برای تکمیل بیشتر بنجف اشرف رهسپار و از اساتید آن حوزه مقدسه مخصوصاً آخوند ملا کاظم خراسانی استفاضه کرد تا بمقام منیع اجتهاد رسید و در ردیف اکابر علمای امامیه و فقهائى اثنى عشریه قرار گرفت .

(۱) شیخ محمد طاهر بن محسن بن اسماعیل از اجله علماء قرن چهاردهم در خوزستان و در زهد و ورع و تقوی و فقاہت در تمام ایران و عراق شهرت داشته و در خوزستان و عربستان مرجع تقلید بود در سال ۱۲۳۰ متولد و در سال ۱۳۱۵ در ذوقول وفات کرد .

وی اضافه بر مراتب علمیه وزهد و تقوی در اصول سیاست نیز یگانه عصر بوده
باحسن تدبیر و نفوذ کلمه اش خوزستان را از فتنه و فساد در جنگ اول جهانی نجات داد .



آیه الله شیخ محمد رضا دزفولی

شیخ محمد رضا طبعی و قادداشته و گاه گاهی شعر می سروده مقداری از اشعار او ضمن مخزن الدرر خلیفه دزفولی (۱) در سال ۱۳۰۴ قمری در بمبئی چاپ شده .
از آثار خیریه او چند مسجد و چند حمام و احداث پل دزفول معروف است و از آثار علمیه اش چند کتاب و رساله بیادگار ماند :

- ۱- جهد المقل در اجوبه مسائل نظیر جامع الشتات قمی است .
- ۲- حاشیه رسائل شیخ انصاری .
- ۳- فیض الباری حاشیه بر مکاسب انصاری .
- ۴- کلمة التقوی رساله علمیه است . این کتاب را سید مهدی آل طیب که از شاگردان او بوده بفارسی ترجمه کرده بنام کلمة العلما و یکی دیگر از شاگردانش بنام شیخ محمد علی معزی آنرا شرح کرده بنام تجدید الدواریس .
- ۵- رساله عملیه فارسی منتخب منهج الرشاد .
- ۶- رساله رجالیه در ترجمه سهل بن زیاد .
- ۷- حاشیه فصول در علم اصول .

شاگردان

حوزه درس مرحوم شیخ محمد رضا در خوزستان و بروجرد از بهترین حوزه های علمیه بوده هنگامیکه بعنوان تغییر آب و هوا ببروجرد آمد بتدریس و افاضه مشغول شد گویند مرحوم آیه الله العظمی بروجردی فضلاء و علماء را ترغیب میفرمود که در حوزه درس او شرکت نمایند برای نمونه چند نفر از شاگردان او ذکر می شود که (۱) خلیفه ملاحسین بن ابوالحسن دزفولی متخلص به حقیر و ملقب بخلیفه در سال ۱۲۶۰ قمری در دزفول متولد و معارف و علوم اسلامی را فرا گرفت تا در ردیف خطباء و وعاظ عصر قرار گرفت و در سال ۱۳۴۷ قمری درگذشت .
از آثار او مخزن الدرر در اشعار شعرای دزفول و شوشتر است .

همگی ببرکت وی بدرجات سامیه علمی رسیدند :

۱ - آیه الله حاج سید اسدالله نبوی دزفولی در سال ۱۳۱۳ قمری متولد و پس از وصول بحد تمیز معارف مقدماتی را فرا گرفت و سپس بتحصیل معارف عالیه پرداخت و از اساتید عصر مخصوصاً آیه الله شیخ محمد رضا معزی حد اکثر استفاده را نمود تا خود در شمار علماء اعلام قرار گرفت و اکنون از مراجع خوزستان و ساکن دزفول است و جمعی از او تقلید می نمایند و رساله عملیه اش چند سال قبل چاپ شده .

آیه الله نبوی چند سال است که تابستانها

برای تغییر آب و هوا ببر و جرد تشریف می آورند
و از معارف و ذخائر علمی خویش خواستاران را
مستفیض و بهره ور می سازند



آیه الله نبوی دزفولی

۲ - آیه الله حاج سید محمد حسن آل

طیب فرزند سید محمد حسین بن محمد جعفر
ابن محمد حسین ابن جعفر بن طیب بن محمد
ابن نور الدین سید نعمت الله جزائری صاحب

انوار نعمایه . وی در سال ۱۳۲۹ قمری متولد شد و پس از وصول بحد تمیز معارف و علوم مقدماتی را فرا گرفت و سپس از اساتید عصر مخصوصاً والد ماجدش که از نوابغ علماء شوستر بودند و آقا سید محمد باقر آل طیب عمویش استفاضه کرد .

بعد برای تکمیل خود بدزفول رفت و از محضر آیه الله حاج شیخ محمد رضای معزی فقه و اصول و حدیث را بهره ور شد و در سال ۱۳۵۳ قمری بقم رهسپار و از آیه الله حائری و آیه الله حجت و آیه الله حاج سید احمد خوانساری استفاده کرد و حکمت و فلسفه را نیز در تهران از فیلسوف شهیر میرزا مهدی آشتیانی استفاضه نمود و سپس بشوستر مراجعت نمود اکنون در همان شهر بافاضه و تدریس و تربیت طلاب اشتغال دارد .

از آثار علمیه او تضمین الفیه ابن مالک است در کلام و فقه و اخلاق که دانشمند معاصر آقای حاج شیخ محمد رازی آنرا شرح و بچاپ رسانده است .

۳- حاج سید محمد لطیف سجادی آل علی در ۱۲ رجب سال ۱۳۲۶ قمری در شوشتر متولد تحصیلات ابتدائی را در مدرسه احمدیه ایرانیان کربلا و متوسطه و سطوح را در شوشتر و دزفول از اساتید عصر مخصوصاً از آیه الله حاج شیخ محمد رضا دزفولی فراگرفت و سپس بنجف مشرف و از اساطین آن حوزه مقدسه نیز بهره ور شد اکنون در تهران مقیم است و از آثار او کتاب ارمغان رمضان و پاسداران دین معروف است .

۴- سید محمد مهدی بن سید محمد تقی آل طیب از فقهاء شوشتر و صاحب رساله عملیه و تألیفات ارزنده از جمله شرح وصیت امیر المؤمنین علیه السلام است .

وی در سال ۱۳۱۰ قمری متولد و در سال ۱۳۶۲ قمری در گذشت .

۵- سید محمد تقی بن سید علی آل طیب مؤسس مدرسه آل طیب در اهواز در سال ۱۳۲۹ متولد و در سال ۱۳۶۵ در گذشت .

۶- آیه الله شیخ محمد علی بن عبدالحسین بن شیخ محمد طاهر معزی در سال ۱۲۹۹ قمری متولد شد معارف خود را از اساتید عصر مخصوصاً از مرحوم حاج شیخ محمد رضای معزی استفاده کرد و بشرف دامادی وی نیز مفتخر شد .

آثار علمیه اش زیاد است از جمله تجدید الدارس شرح کلمة الثقوی تألیف استادش که از چند جلد از آن چاپ شده و کتاب مفتاح التحقيق والترجمان که حواشی بر مرزبان نامه است . وی در سال ۱۳۹۰ قمری در گذشت .

۷- شیخ محمد کاظم معزی نوه او فرزند شیخ محمد بن شیخ محمدرضا دانشمندی کامل بود و در تهران سمت استادی در بعضی از دانشکده ها را داشت ترجمه قرآن و ترجمه کتاب ابوالشهداء حسین بن علی از آثار او است چند سال قبل در گذشت .

۸- سید نعمة الله بن سید محمد جعفر بن آیه الله حاج سید عبدالصمد جزائری

در سال ۱۳۲۶ قمری متولد پدر و نیا کانش تا علامه شهیر سید نعمت الله جزائری متوفی ۱۱۲ همه ازدانشمندان بنام اسلام بوده و در کتب تراجم مذکورند .
آن مرحوم باصغر سن جامع معقول و منقول و حاوی فروع و اصول بوده و استعدادی فوق العاده داشته بنحویکه قصیده صدبیتی را بایک بار خواندن حفظ می کرده بزبان عرب و انگلیسی نیز کاملاً مسلط و در فن و عظم و خطابه نیز کم نظیر بوده .
مرحوم آیه الله شیخ محمد رضای معزی باو توجهی خاص داشته و در مهاجرتش ببروجرد اورا همراه خود آورد .

وی پس از وفات استادش بنجف اشرف رفت و از مرحوم مشکینی صاحب حاشیه کفایه و آیه الله اصفهانی استفاده کرد و تقریرات درس آنها را نوشت . وی در سال ۱۳۶۲ قمری درگذشت .

۹ - مرحوم حجة الاسلام حاج شیخ بهاء الدین حجتی که از اعلام بروجرد بود و شرح حالش در جای خود ذکر می شود وی از استادش شیخ محمد رضا معزی با اجازه اجتهاد مجاز شد و اجازه اش را نگارنده دید .

مرحوم شیخ محمد رضا در عصر خود مشار بالبنان بود و محبوب خاص و عام و در اسفارش غالباً مواجه بانجلیلات فوق العاده مردم می شد .

علامه سید محمد جزائری فرزند سید نعمت الله که اکنون مقیم اهواز و در کوی زینون اقامه جماعت می کند در نامه ای که در تاریخ ۲۳ رمضان ۱۳۹۴ به نگارنده مرقوم فرمودند می نویسد:

مرحوم شیخ محمد رضا معزی در اواخر شعبان سال ۱۳۴۰ قمری باهواز وارد و میهمان مرحوم جدم حاج سید محمد جعفر فرزند آیه الله حاج سید عبد الصمد جزائری متوفی ۱۳۵۰ ق مؤسس مسجد جزائری اهواز بود پس از چند روز توقف رهسپار شوشتر شد و در منزل عالم بزرگوار حاج سید محمد مهدی جزائری برادر حاج سید محمد جعفر وارد ، اهالی شوشتر مقدمش را گرامی داشتند و جمعی کثیر از علماء و اعیان و

اشراف براهنمائی حاج سید محمد مهدی نامبرده مراسم استقبال را بجا آوردند و چند روز در مسجد جامع شوشتر اقامت جماعت کرد و حدود دوهزار نفر بوی اقتدا کردند و ملا عبد الجواد متخلص به ناطق قصیده‌ای در تهنیت ورود او بشوشتر گفته که در دیوانش مسطور و پس از چند روز توقف در اواسط ماه مبارک رمضان بدزفول مراجعت کرد.

مرحوم سید محسن جبل عاملی در اعیان الشیعه می نویسد :

* الشيخ محمد رضا الدزفولی المعزی کان فقیهاً ادیباً مقلداً ببلاد خوزستان یروی عنه السید شهاب الدین النجفی ویقال لاسرة المترجم آل معز الدین نسبتہ الی جدہم الاعلی الشیخ معز الدین محمد الذی کان من علماء زمان الشاہ طہاسب الصفوی الاول وقبره فی مقبرة تخت فولاد باصبهان *

مرحوم شیخ محمد رضا در هفتم رجب یا ماه جمادی الاولی سال ۱۳۵۲ قمری در بروجرد درگذشت و در جوار شاهزاده ابوالحسن بخاک رفت .
و آرامگاهش اکنون مورد احترام و مزار مردم است .

حاج آقا عبدالحسین طباطبائی موآهبی

مرحوم حجة الاسلام سيد جليل و عالم نبيل حاج آقا عبدالحسين فرزند مرحوم آية الله حاج ميرزا محمود طباطبائي صاحب مواهب السنية از رجال علمي و شخصيتهاي برجسته بروجرد بوده .

وي در سال ۱۲۷۵ قمری در بروجرد متولد و پس از وصول بحد رشد بتهصيل علوم اسلامي مشغول و معارف اوليه را از اساتيد عصرش كه همه از شاگردان والد ماجدش بودند فرا گرفت و سپس در درس پدر بزرگوارش شركت نمود تا بمقامي سامي از علم و فضيلت رسيد .

در سن ۲۵ سالگي پدر را از دست داد و پس از درگذشت برادرانش (حاج آقا هبة الله و حاج آقا محمد و حاج آقا طاهر) كه همگي از مشاهير بروجرد بودند رياست با و منتهی شد و از طرف جمعی از اعلام عصر مجاز بود .

مرحوم آقا بزرگ تهرانی در قسم سوم از جزء اول نباء البشر می نویسد :

* الحاج آقا عبدالحسين الطباطبائي البروجردی من بيت علم و فقاہة و تقوی و ریاسة نوارثوا العلم کابراً عن کابر و خلفاً عن سلف من عصر جدهم السيد محمد الذي هو جد السيد مهدي بحر العلوم .

كان من العلماء الاجلاء الفقهاء البارزين قرء على علماء عصره و مشاهيرهم
حتى اعترفوا له بالفضل والبراعة و اجازوه و قد انتهت اليه مرجعية اسرته و بلده
بعد وفاة اخوانه العلماء فقام بالوظائف الدينية في بروجرد خير قيام الى ان توفي * .



مرحوم حجة الاسلام آقاعبدالحسين طباطبائي

از آثار او عمران مدرسه علمیه نوربخش است در خیابان بحر العلوم در بروجرد. وی در سن ۷۵ سالگی در هفدهم رمضان سال ۱۳۵۰ قمری درگذشت و در مقبره خصوصی مرحوم آیه الله حاج میرزا محمود دفن شد و از او فرزندی عالم و فاضل بیادگار ماند بنام آقا عبد الله .

وی در علم و مکارم اخلاقی نمونه بارزی از پدر بوده . معارف اسلامی را از والد ماجدش فراگرفت و تا آخر عمر نیز در حوزه درس مرحوم آیه الله حاج شیخ حسین غروی شرکت نمود تا در سال ۱۳۵۱ قمری یکسال پس از والد ماجدش درگذشت و از اوسه پسر و چهار دختر بجای ماند که اکبر آنها آقای حاج سید علی اکبر مواهبی از سادات جلیل القدر و ائمه جماعت بروجرد است مردی متین و متواضع و مورد احترام و تعظیم مردمی باشد.



مرحوم آقا عبد الله مواهبی

سید محمد کشفی بروجردی



علامه سید محمد فرزند مرحوم سید ریحان الله فرزند مرحوم آیه الله سید جعفر کشفی در دهم شعبان سال ۱۲۹۲ قمری در بروجرد متولد و در سال ۱۳۰۱ در سن نه سالگی به همراه والد ماجدش بطهران مهاجرت کرد و پس از فرا گرفتن علوم مقدماتی معارف اسلامی را سطحاً و خارجاً از والد ماجد و اساتید دیگر از جمله سید عبدالکریم لاهیجی (۱) استفاده کرد و پس از وفات مرحوم سید ریحان الله در سال ۱۳۲۸ قمری مورد توجه خاص و عام شد و بتدریس و تبلیغ احکام

سید محمد کشفی بروجردی

اسلام و امر بمعروف و نهی از منکر اشتغال ورزید و تا سال ۱۳۰۵ شمسی همه ساله در ماه مبارک رمضان و شبهای جمعه در مسجد مرحوم سراج الملك در تهران منبر میرفت و فضلاء و طلاب علوم دینی از بیانات رشیده وی بهره ور می شدند تا در سه شنبه دهم

(۱) سید عبدالکریم لاهیجی در زمان مرحوم حاج ملاعلی کنی از نجف بطهران رفت و در مدرسه مروی بتدریس مشغول و تدریس رسمی شد و جمعی از علماء تهران از محضرش استفاده کردند.

جمادی الثانیه سال ۱۳۵۳ قمری در ۶۱ سالگی بر حمت ایزدی پیوست و در جوار حضرت عبدالعظیم در شهرری بخاک رفت و فرزندی با فضیلت بنام سید محمد باقر بیادگار گذاشت .

حجة الاسلام سید محمد باقر بروجردی در پنجم رجب سال ۱۳۲۱ قمری متولد شد . مبادی وسطوح را فراگرفت و سپس به تحصیل معارف عالیّه شروع کرد و از اساتید عصر مخصوصاً والد ماجدش حداکثر استفاده را کرد و پس از پدر تا کنون در همان مسجد سراج الملک باقائه جماعت و تبلیغ احکام اسلام مشغول و مورد احترام خاص و عام می باشد .



سید محمد باقر بروجردی

آیه الله غروی بروجردی

حجة الاسلام والمسلمین جامع المعقول والمنقول حاوی القواعد والاصول آیه الله

شیخ محمد حسین غروی .

در سال ۱۲۷۵ قمری در بروجرد چشم بر این جهان گشود و پس از وصول بحد
تمیز مبادی وسطوح را از اساتید عصر در همین شهر فرا گرفت و سپس برای تکمیل
بیشتر بعراق رفت و در آن زمان شهر سامراء بر اثر اقامت مرحوم آیه الله میرزا محمد
حسن شیرازی معروف بمیرزای بزرگ مرکز علم و مجمع فضلاء شده و بهمین علت
آیه الله غروی نیز در سامراء اقامت نمود و از اساطین آن حوزه مخصوصاً آیه الله
فشارکی (۱) سید محمد اصفهانی و آیه الله میرزا محمد تقی شیرازی و آیه الله میرزا

(۱) سید محمد اصفهانی فشارکی فرزند سید قاسم طباطبائی از اعظم مجتهدین و از

شاگردان میرزا محمد حسن شیرازی و در حیات استاد ریاست تدریس منحصر باو بوده . وی
در سال ۱۲۵۳ قمری متولد و در سوم ذیقعدة سال ۱۳۱۶ درگذشت و در نجف اشرف بخاک
رفت و جمعی از اکابر و علماء مانند میرزا نائینی و حاج شیخ عبدالکریم حائری از شاگردان
او بودند .

محمد حسن شیرازی حداکثر استفاده را نمود .

پس از ارتحال مرحوم میرزای بزرگ و هجرت علماء از سامراء به نجف اشرف او نیز بمصاحبت استادش سید محمد اصفهانی به نجف رهسپار و از مرحوم آیه الله ملا کاظم خراسانی و مرحوم آیه الله سید کاظم یزدی بهره ور و مورد توجه آنها قرار گرفت تا حدیکه او را باقامت در نجف ترغیب نمودند ولیکن بوسیله عروض کسالت در سال ۱۳۲۴ قمری ناچار شد برای معالجه بایران مراجعت کند و مدتی در طهران بمعالجه مشغول گشت .



آیه الله غروی بروجردی

علماء تهران مخصوصاً مرحوم آیه الله سید مصطفی کاشانی (۱) والد مرحوم سید ابوالقاسم کاشانی اصرار کردند بلکه معظم له در تهران مقیم شود . ولیکن اقبال قبول نکرد و بقصد مشهد حرکت میکند و یکسال و چند ماه در پناه آستان ملک پاسبان رضوی بتدریس و افاضه مشغول و جمعی از شیفته گان فضیلت از ذخائر علمی وی بهره ور می شوند ولیکن کسالت معهود عارض شده ناچار برای معالجه بتهران حرکت میکند .

پس از چند ماه معالجه بتوصیه اطباء مربوطه بیرون جرد بر میگردد و مساعدت آب و هوای این شهر باضافه اصرار اهالی او را باقامت در زاد گاهش ملزم می نماید و علماء و طلاب پروانه صفت بر شمع وجودش گرد آمده و از معارف وی استفادہ میکنند که نام بعض آنها بترتیب حروف تهجی ذکر می شود :

شاگردان آیه الله غروی

۱- مرحوم آقا ابوتراب شیخ الاسلامی .

۲- حجة الاسلام سید ابوالحسن قدغونی فرزند سید عبدالوهاب بن سید رضی بن عبدالوهاب بن عبدالصمد بن ابوطالب بن محمد علی بن حبیب الله بن محمد امین بن حبیب الله ابن ولی بن محمد بن احمد بن عبدالله بن شمس الدین بن محمد بن تاج الدین بن شرف الدین ابن صدر الدین حسین بن نظام الدین بن محمود بن جمال الدین بن محمود بن صدر الدین محمد بن مظفر الدین بن احمد بن عبدالله بن الامام کاظم موسی بن جعفر علیهما السلام . وی از سادات جلیل القدر و علماء اعلام ، در تواضع و مکارم اخلاقی و فضائل بهسانی کم نظیر و اکنون در مسجد مرحوم حاج عبدالله که بنام مسجد امیر المؤمنین (ع) نامیده شده اقامه جماعت میکند و بترویج احکام اسلام مشغول است .

(۱) حاج سید مصطفی بن حسین حسینی کاشانی از شاگردان حاج شیخ محمد باقر اصفهانی و از مجتهدین نامور عصر خود بشمار و صاحب تألیفاتی است از جمله رساله ایست در تجرّی . وی در ۱۹ رمضان سال ۱۳۳۷ قمری در کاظمین درگذشت و در جوار امام موسی کاظم علیه السلام بخاک رفت .

۳- حجة الاسلام والمسلمین سید سفد وحید معتمد حاج سید ابوالفضل مجاهدی

فرزند سید محمد رحیم بن سید محمد کاظم بن سید هادی بن سید مسیح .
وی عالمی نهیرو مورخی بصیر بود و در مکارم اخلاقی مخصو صبا عزت نفس و مناعت
طبع و صراحت لهجه در عصر خود نیز النظیر، مدتی در محضر مرحوم آیه الله غروی و سپس
در حوزه درس مرحوم آیه الله العظمی بروجردی استفاضه کرد و در کوی دودانگه بروجرد
در مسجدی بنام مسجد سرپل اقامه جماعت و تفسیر و تدریس و تبلیغ معارف اسلامی داشت .
نگارنده مدتی کم در مبادی ادبیه از ذخائر علمی او بهره ور
شده است جزاه الله حیراً .



در سال ۱۳۷۸ قمری در بروجرد در گذشت و جنازه اش
را بقم حمل و در جوار حضرت معصومه علیها السلام دفن
کردند .

۴- حجة الاسلام حاج میرزا ابوالقاسم محقق رازی

حجة الاسلام مجاهدی بروجردی ترجمه اش در جای خود ذکر می شود.

۵- حجة الاسلام حاج شیخ حسن کمره ای خاتمی بروجردی از علماء اعلام در

علم و عمل و تقوی و ورع مشهور . در سال ۱۲۸۹ قمری متولد و پس از وصول بحد
تمیز بتحصیل علوم اسلامی مشغول و ذخائر علمی را از اساتید ناموری استفاده کرد
سطوح اولیه را از مرحوم حجة الاسلام والمسلمین عالم عامل وزاهد کامل شیخ محمد
ابراهیم بروجردی فرا گرفت و پس از در گذشت استاد باصفهان رفت و از اساتید بزرگواری
مانند سید محمد باقر درچه ای در مدرسه نیمآورد استفاده نمود و سپس به نجف اشرف
مشرف و از مرحوم آیه الله آخوند خراسانی و شریعت اصفهانی قدس سرهما بهره ور
شد تا بدرجات سامیه ای از علم و فضیلت رسید و بوطن خود بروجرد برگشت و در حوزه
درس مرحوم آیه الله غروی شرکت نمود .

پس از در گذشت آن مرحوم از اصحاب حوزه درس مرحوم آیه الله العظمی

شاگردان آية الله غروی	قرن چهاردهم	۵۶۵
-----------------------	-------------	-----

بروجردی شد و ضمناً بتدریس و افاضه و اقامه جماعت میپرداخت .
وی اضافه بر مقامات علمیه دارای مکارم نفسانیه و سجایای کریمه اخلاقیه نیز بود.
در سال ۱۳۷۳ هجری قمری در بروجرد در گذشت و بقم حمل و در شیخان
دفن شد .

از او فرزندان صالح و با فضیلت بجای ماند که دو تن از آنها در سلك روحانیت است:
۱- حجة الاسلام والمسلمین شیخ محمدرضا خاتمی که ترجمه اش در ردیف
شاگردان مرحوم آية الله العظمی بروجردی ذکر خواهد شد .

۲- سخنور توانا شیخ هادی که جوانی است آزاد و در منبر با مطالب ارزنده
و بیانات آموزنده توأم با حرارت ، مستمعین را مجذوب میکند و اکنون در تهران
ساکن است .

۳- حجة الاسلام والمسلمین عالم عامل و فاضل کامل آقا حسین فرزند شیخ
ابو محمد از مشاییر علماء بروجرد و از مدرسین نامی این شهر بود مدتی در محضر
آية الله غروی استفاده کامل نمود و پس از در گذشت وی از اصحاب خاص مرحوم
آية الله العظمی بروجردی شد تا در ماه شعبان سال ۱۳۶۲ هجری قمری در گذشت و در
جوار امامزاده جعفر در بروجرد دفن شد .

۴- عالم فاضل آقا عبد الله مواهبی فرزند مرحوم حجة الاسلام حاج آقا عبدالحسین
طباطبائی . ترجمه اش مختصراً در جای خود ذکر شد .

۵- سید جلیل و عالم نبیل مرحوم سید عبد الوهاب فرزند سید رضی قدغونی
بروجردی . نسبش با ۲۶ واسطه بامام کاظم علیه السلام میرسد والد ماجدش سید رضی از
علماء پرهیز کار بوده و در دهم رجب المرجب سال یک هزار و دویست و هشتاد و هفت
قمری یا سال ۱۳۰۸ هجری قمری در گذشت . شاعری در تاریخ فوت او گفته :

حضرت سید رضی آن نسل پاک بو تراب

کرد عزم طوف کوی حضرت ختمی مآب

جامع فضل و کمال و حسن خلق و معرفت

هادی تقوی و زهد و عقل و قول با صواب

در طلوع صبح جمعه عاشر شهر رجب

وارد فردوس شد طوبی له حسن المثاب

وارد جنت چه شد از فضل عام ذوالجلال

صف کشیدند حور بان خلد دور آن جناب

منزل و تاریخ فروش شد در این مصرع بیان

در لب نهر جنان و میکند میل شراب

۱۳۰۸

مرحوم سید عبدالوهاب پس از تحصیل مبادی لازمه برای تکمیل بیشتر باصفهان رفت و از علامه فقیه اصولی حاج شیخ محمد باقر اصفهانی بهره ور شد و پس از چند سال از اصفهان بروجرد برگشت و در محضر علامه زاهد عابد مرحوم آخوند ملا عبدالله بروجردی حاضر و از معارف وی مستفیض و سپس در حوزه درس مرحوم آیه الله غروی شرکت نمود و از ذخائر علمیه او بهره برد .

مدتی در مسجدیکه برای والد ماجدش سید رضی ساخته شده و اکنون بنام مسجد باب الحوائج نامیده میشود و مدتی نیز در مسجد حاج عبدالله که اکنون مسجد امیر المؤمنین نام دارد اقامه جماعت و ترویج احکام اسلام میکرد تا در ششم شعبان ۱۳۶۰ هجری قمری در بروجرد در گذشت و در قریب رستان جهان آباد بخاک رفت و مزارش مورد احترام مردم است .
۶- حجة الاسلام والمسلمین عالم عابد و فاضل زاهد مرحوم شیخ علی اصغر غفوری . در علم و تقوی و زهد و ورع و تواضع مشهور بود .

۷- شیخ عالم عامل مرحوم شیخ علی اصغر جتانی که ترجمه اش در جای خود مستقلاً ذکر می شود .

۸- حجة الاسلام والمسلمین عالم عامل و زاهد کامل مرحوم میرزا علی اکبر

فرزند مرحوم شیخ حسین طبیب در علم و تقوی و زهد مشهور خاص و عام و از سال اول ورود مرحوم آية الله غروی از تلامیذ خاص او بود و در مشهد مقدس در گذشت و در دارالسیادة دفن شد .

۹- عالم زاهد مرحوم میرزا علی اکبر نظام العلماء رازانی

۱۰- حجة الاسلام والمسلمین حاج شیخ علی تألهی بروجردی از علماء اعلام و مجتهدین و الامقام وی تقریرات مرحوم آية الله غروی را در اصول برشته تحریر آورده ترجمه اش در جای خود ذکر می شود .

۱۱- عالم عامل آقا شیخ علی شیخ الاسلام فرزند مرحوم حجة الاسلام میرزا علی نقی . وی مردی متعبد و متواضع و حلیف قرآن بود ، در مسجد سلطانی اقامه جماعت میکرد تادر سه شنبه ۱۴ ذی قعدة سال ۱۳۸۲ قمری در گذشت و در جهان آباد بروجرد دفن شد .

۱۲- عالم عامل و فاضل کامل مرحوم آقا شیخ علی فرزند عالم جلیل آقا شیخ نقی بروجردی در ماه شعبان سال ۱۳۵۱ قمری در گذشت و در جهان آباد دفن شد .

۱۳- حجة الاسلام عالم عابد و فاضل زاهد مرحوم میرزا علی محمد مروج فرزند عالم جلیل حاج ملا احمد بروجردی در سال ۱۳۸۲ قمری در گذشت و در جهان آباد بخاک رفت .

۱۴- سید جلیل و عالم نبیل مرحوم آقا فخرالدین فرزند آقا عبدالغفار طباطبائی بروجردی مدتی در حوزه درس مرحوم آية الله غروی و سپس از اصحاب خاص مرحوم آية الله العظمی بروجردی قدس سرهما بود .

سیدی متواضع و متعبد در مسجد سید و مسجد بیرجندی اقامه جماعت میکرد تادر ۲۲ شعبان سال ۱۳۶۳ هجری در گذشت و در جنب مسجد بیرجندی دفن شد .

۱۵- عالم کامل مرحوم حاج آقا فخرالدین محسنی جنانی فرزند مرحوم آخوند ملا محسن که در علم و تقوی و زهد از مشاهیر علما و زهاد بروجرد بوده . مرحوم محسنی

نیز در مکارم اخلاقی و فضائل نفسانی نمونه کاملی از والد ماجدش بود .
در سال ۱۳۳۷ معادل ۱۳۷۷ هجری قمری در گذشت و جنازه اش بقم حمل و در
مقبره مرحوم آیه الله غروی دفن شد .

۱۶- حجة الاسلام والمسلمین سید سند
و عالم معتمد مرحوم حاج سید محسن شریعتمداری
فرزند سید شجاع الدین از علماء اعلام و مورد
احترام خاص و عام بود و اضافه بر مقامات علمی
در مکارم اخلاقی و فضائل نفسانی و منانت و وقار
کم نظیر . در مسجد جامع بروجرد اقامه جماعت
میکرد و گاهی نیز منبر میرفت و با بیانات
جذاب و شیوا مستمعین را مسحور و مجذوب
میساخت .



مرحوم شریعتمداری حاج
سید محسن



منظره ای از تشییع جنازه مرحوم شریعتمداری در حالیکه نگارنده
مشغول سسخرانی است

نگارنده ناچیز چند گاهی در مبادی ادبیه از محضرش استفاده نمودم جزا
الله خیراً .

مرحوم شریعتمداری در ماه ذیقعده سال ۱۳۰۳ هجری قمری متولد و پس از
هشتاد و دو سال زندگی در ماه شوال ۱۳۸۵ قمری در بروجرد در گذشت و جنازه اش با
تشییع کم نظیری هر کت و در جوار امام زاده جعفر دفن شد .

۱۷- عالم فاضل خطیب محدث حاج شیخ محمد حسین محجوبی فرزند مرحوم
عالم جلیل و محدث نبیل ملا ابو الحسن بن خطیب ادیب ملا حسین محجوب بروجردی .
جدش از ادباء و شعراء قرن سیزدهم و در سال ۱۲۹۸ هجری قمری در گذشت
و در وادی السلام نجف نزدیک قبر صالح و هود دفن شد .

مرحوم آقا بزرگ در الکرام البررة می نویسد :

* ملا حسین محجوب بروجردی کان خطیباً ادیباً و شاعراً مجیداً و کان
معاصراً لصاحب المواهب توفی قبله بعامین وله آثار ، منها : مجالس الموعظ رأیت
النسخة بخطه عند ولده الخطیب الجلیل المولی ابی الحسن وله ایضاً دیوان المدايح
و المراثی . *

و در الذریعه جلد نهم نیز او را ذکر نموده . و الدماجدش مرحوم ملا ابو الحسن
از وعاظ و محدثین بانقوی و فضیلت که در عصر خود کم نظیر بود . در سال ۱۳۴۹ قمری
در بروجرد در گذشت .

حاج محجوبی پس از تحصیل سطوح در دروس عالیّه فقه و اصول مرحوم
آية الله غروی شرکت نمود و پس از وفات او در محضر مرحوم آية الله العظمی بروجردی
قدس سره حاضر و از مطالب رشیکه معظم له حد اکثر استفاده کرد و از هنگام ورود
مرحوم آية الله حاج شیخ علی محمد نجفی بروجردی قدس سره در بروجرد قریب
هیجده سال در درس فقه و اصول وی شرکت نمود .

۱۸ - سیدجلیل و عالم نبیل مرحوم سید محمد زکی فرزند مرحوم سیدهادی ابن محمد کاظم بن هادی بن سید مسیحا بن سید میرزا محمد علی بن سید میرزا محمد حسین .

جدسومش سید مسیحادر سال ۱۱۰۷ قمری درگذشت. والد ماجدش سیدهادی در ۲۰ شعبان ۱۳۴۲ یا سال ۱۳۴۷ قمری وفات کرد .

مرحوم سید محمد زکی پس از تحصیل معارف اولیه مدتی در محضر مرحوم آیه الله غروی استفاضه کرد و پس از ارتحال معظم له در مجلس درس مرحوم آیه الله العظمی بروجردی شرکت نمود .

و از آثار او کتابی است در تاریخ و حوادث و وقایع و مطالب متفرقه متخذ از ۴۵ کتاب بنام روح وریحان . در سال ۱۳۳۶ قمری شروع بتألیف این کتاب نموده . برای نمونه چند مطلب از کتاب مزبور ذکر می شود :

در ص ۲۵ می نویسد : در سلخ ذی الحجه ۱۳۲۶ زلزله ای بین الطلوعین در بروجرد و اطراف حادث شد که چهار قریه از سیلاخور پائین و دوازده قریه از بختیاری خراب شد .

در ص ۲۶ می نویسد : در سال ۱۲۸۷ گندم در بروجرد خرواری یکتومان و سال ۱۲۸۸ خرواری ۱۲ تومان و سال ۱۲۸۹ خرواری ۲۰ تومان و در آن سال ۲۰۰۰ نفر در بروجرد از گرسنگی مردند .

در ص ۲۷ می نویسد : محل مدرسه مرحوم حجة الاسلام حاج ملا اسدالله در بروجرد سابق میکده بوده اسماعیل خان سرباز بروجردی در هنگام ساختن مدرسه در محضر حجة الاسلام بالبداهه میگوید :

زمین میکده را شیخ شهر مدرسه کرد مقام پاك دلان را محل وسوسه کرد
مرحوم سید محمد در یازدهم محرم سال ۱۳۶۷ قمری مطابق سوم آذرماه ۱۳۲۶ شمسی درگذشت .

۱۹ - حجة الاسلام و المسلمين عالم عامل و زاهد کامل مرحوم شیخ محمود جبرئیلی .

پس از تحصیل مبادی و سطوح مدنی در محضر مرحوم آیه الله غروی استفاده کرد و پس از وی تازمان حرکت مرحوم آیه الله العظمی بروجردی از آن بحر مواج استفاده کرد و از طرف معظم له به ریاست و مدیریت مدرسه نور بخش بروجرد منصوب شد.



مرحوم جبرئیلی

وی در زهد و تقوی و متانت کم نظیر و مورد احترام خاص و عام بود تا در سال ۱۳۷۶ قمری در ماه ذیقعد در بروجرد درگذشت و جنازه اش بقم حمل و در مقبره شیخان دفن شد .

۲۰ - عالم عامل و فاضل کامل میرزا محمود رازانی بروجردی فرزند حجة السلام آمیرزا ابوالقاسم در ۱۷ ربیع الاول ۱۳۵۷ قمری درگذشت .

۲۱ - حجة السلام مرحوم حاج میرزا مهدی

فرزند حاج میرزا محمود بروجردی از علماء اعلام مدنی در محضر مرحوم آیه الله غروی استفاده کرد . ترجمه اش در جای خود مستقلاً ذکر می شود .

درگذشت آیه الله غروی

مرحوم آیه الله غروی پس از ۲۸ سال زعامت و ریاست در بروجرد بمرض مرك بیمار و بقصد معالجه و استشفاء بتهران و مشهد حرکت میکند این مسافرت قریب هشت ماه طول میکشد بدستور اطباء بروجرد مراجعت و بفاصله چند روز در نوزدهم

ربیع الاول سال ۱۳۵۴ هجری قمری در سن ۷۸ سالگی بسرای جاودانی رحلت کرد و مردم بروجرد را عسو مادر سوک خود داغدار نمود. جنازه اش را بانجلیل فراوان بقم حمل و در مقبره مخصوصی دفن شد.

مرحوم آقا بزرگ نهرانی در نقباء البشر فی القرن الرابع عشر می نویسد:

«الشیخ حسین البروجردی الغروی المتولد ۱۲۷۵ و المتوفی ۱۳۵۴ کان من العلماء المحققین والفقهاء الافاضل تشرف الی العتبات بالعراق بعد ۱۳۰۰ فحضر فی سامراء مدة علی المجدد الشیرازی و کبار تلامذته کالمیرزا محمد تقی الشیرازی زعیم الثورة العراقية والسید محمد الفشارکی الاصفهانی و بعد وفاة المجدد فی ۱۳۱۲ بقلیل تشرف الی النجف فحضر بحث شیخنا المولی محمد کاظم الخراسانی حتی عدمن اجلاء تلامیذه ثم رجع الی بروجرد باجلال و اکبار و حصل علی مکانة سامية فکان زعیم الدین والدنیا و کان ثقة جلیل القدر کثیر البکاء یتلقب بالغروی و قام بالوظائف الشرعیة حتی ادركه الاجل و نقل الی قم و هو والد الشیخ الجلیل المیرزا محمد الغروی المعاصر ذکرناه فی هدیه الرازی.»

تألیفات

مرحوم آیه الله غروی از نظر مرجعیت و زعامت و اشتغالات درسی و اجتماعی کمتر توانست بتألیف و تصنیف بپردازد فقط سه کتاب ارزنده ای از وی بجای ماند:

- ۱- مجموعه ای در اخلاق در شرح صفات و فضائلیکه در یک انسان نمونه و حقیقی لازم است. در این کتاب نظرات فلاسفه شرق و غرب از عصر افلاطون تا عصر حاضر و کلمات بزرگان و آیات و اخبار وارده ذکر شده و هنوز طبع نشده.

- ۲- مجموعه ای در فقه استدلالی که حاوی معارف فقهیه است باز که ادله و اقوال فتاوی علمای مذاهب مختلفه. این کتاب نیز مخطوط است.

- ۳- مجموعه ای در شرح مصائب سید الشهداء علیه السلام حاوی مطالب عمیق و تحقیقات رشیه است و آن نیز طبع نشده.

فرزندان

از مرحوم آیه الله غروی سه فرزند بجای ماند يك پسر و دو دختر پسرش حجة الاسلام والمسلمین عالم خبیر و فاضل بصیر شیخ محمد غروی در ۲۱ رمضان سال ۱۳۲۱ قمری در نجف اشرف متولد در سه سالگی بمصاحبت والد ماجدش بایران آمد .

پس از وصول بحد تمیز بتمحصیلات فارسی و عربی شروع و مبادی ادب و معارف عرب را از اساتید عصر مانند مرحوم شیخ محمد علی آیتی که ترجمه اش ذکر شد و مرحوم میرزا لطف الله که ترجمه اش در جای خود ذکر می شود فرا گرفت و سپس سطوح ابتدائی فقه و اصول را از مرحوم آقای شیخ علی نقوی و حجة الاسلام آقای شیخ علی نالهی بهره ور شد و سطوح نهائی فقه و اصول را از مکاسب و رسائل شیخ



و کفایة الاصول آخوند خراسانی ابتداء از مرحوم حجة الاسلام آیه الله حاج سید اسماعیل گلپایگانی و سپس از والد ماجدش استفاده کرد تا از سطوح عالی فارغ و بخارج فقه و اصول پرداخت .

یکسال پس از فوت والدش در سال ۱۳۵۵ قمری بنجف اشرف مشرف و مدت دو سال از محضر اساطین فضیلت مرحوم آیه الله نائینی و مرحوم آیه الله ضیاء الدین عراقی و مرحوم آیه الله سید

حجة الاسلام غروی

ابوالحسن اصفهانی استفاضه نمود و از طرف آنان مجاز شد و بپروچر بردگشت و

بتدریس فقه و اصول و منطق و تفسیر و اخلاق اشتغال ورزید و ضمناً مدتی در مسجد شهرباری و مدتی در مسجد امام رضا علیه السلام اقامه جماعت نمود . اکنون در مسجدیکه بنام مسجد امام حسین (ع) نامیده شده باقامه جماعت و ترویج احکام اسلام اشتغال دارد و فقه الله تعالی .

دامادهای آیه الله غروی

۱- حجة الاسلام والمسلمین عالم بزرگوار و فاضل عالی مقدار شیخ محمد حسین رازانی فرزند مرحوم حجة الاسلام میرزا علی محمد .

والدما جدش از علماء میرز و معروف عصر خود و از اساتید مرحوم آیه الله العظمی بروجردی بوده در سال ۱۳۲۴ قمری در کربلا بر حمت ایزدی پیوسته .

از آثار باقیه او حاشیه ایست بر فرائد شیخ انصاری و شرحی است بر دعای صباح .

آقای رازانی در سال ۱۳۲۲ قمری در بروجرد متولد و در ۲ سالگی پدر را از دست داد و پس از وصول بحد تمیز مبادی علوم ادب



آقای رازانی

و عرب را از اساتید عصر فراگرفت و در سن ۲۰ سالگی در سال ۱۳۴۴ قمری برای تکمیل خویش بقم عزیمت و سطوح فقه و اصول را از اساتید فن استفاده کرد سپس در درس خارج مرحوم آیه الله حاج شیخ عبدالکریم حائری فقهاً و اصولاً شرکت

نمود و ضمناً بتدریس سطوح فقه و اصول مشغول تادر سال ۱۳۵۲ قمری بپروجرده مراجعت و بشرف دامادی مرحوم آیه الله غروی مفتخر و در پروجرده بتدریس مشغول شد. دوسال از محضر آیه الله غروی و سپس از محضر آیه الله العظمی بروجرده استفاضه کرد و پس از مهاجرت آیه الله بروجرده بقم ثانیاً عزیمت قم نمود و در تأسیس مجدد حوزه علمیه قم و تشکیلات منظم مربوط بحوزه فعالیت بسزائی داشت و سعی داشت که اضافه بر سامان داشتن حوزه از حیث برنامه تحصیلاتی، شعب مختلفه و عظم و خطابه و تخصص در رشته های اصول دین و علم اخلاق و اعزام مبلغ بشرستانهای داخل و کشورهای خارج دایر شود و لیکن حوادث و موانع و مشکلاتی مانع از تحقق آمال مذکوره شد و ثانیاً بپروجرده مراجعت و مانند سابق بتدریس و مباحثات دسته جمعی مشغول و اکنون چند سالی است که بطهران مهاجرت و در آنجا خواستاران فضیلت از انوار معارفش بهره ور می شوند.

۲- حجة الاسلام والمسلمین عالم فاضل حاج شیخ علی محمد خرم آبادی فرزند مرحوم حجة الاسلام حاج شیخ محمد. والدما جدش اراعلام بروجرده و از شاگردان مرحوم آیه الله غروی و در سال ۱۳۴۵ شمسی درگذشت.

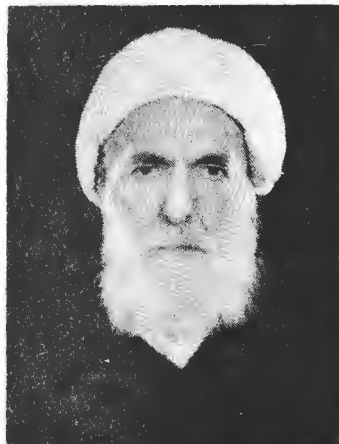
آقای خرم آبادی در سال ۱۳۲۲ قمری در پروجرده متولد و تا سن ۲۵ سالگی مقدمات و علوم ادبیه را از والد ماجد و سطوح فقه و اصول را از شیخ محمد ابراهیم مدرس و حاج سید اسماعیل گلپایگانی فرا گرفت و سپس در محضر مرحوم آیه الله غروی حاضر و حداکثر استفاده را برد و ضمناً بشرف دامای او مفتخر شد و پس از فوت معظم له مدت ۹ سال در درس مرحوم آیه الله العظمی بروجرده شرکت و از ذخائر علمی وی بهره ور گردید.

پس از مهاجرت آیه الله بروجرده بقم مدت ۱۵ سال در مدرسه علمیه نوربخش بروجرده بتدریس فقه و اصول و منطق و فلسفه مشغول و جمعی از طلاب از او استفاضه می کردند.

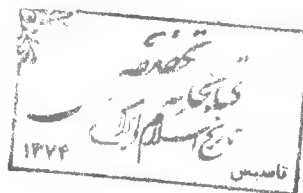
از جمله نگارنده ناچیز در منطق و فلسفه کتاب شمسیه و شرح منظومه سبزواری

را از وی استفاده نمودم .

آقای خرم آبادی پس از درگذشت والد ماجدش در سال ۱۳۳۴ شمسی بتهران مهاجرت و تاکنون در یوسف آباد ساکن و در مسجد خلیل الرحمن باقاعه جماعت و تبلیغ احکام اسلام مشغول و ضمناً در مدرسه صدر جنب مسجد شاه تهران بتدریس فقه و اصول اشتغال دارد و از آثار او کتاب مبسوطی است در اصول عقائد که در آستانه طبع است .



آقای خرم آبادی



حاج شیخ اسماعیل عقدائی بروجردی



مرحوم عقدائی

حجة الاسلام والمسلمین عالم عامل وفاضل
کامل مرحوم حاج شیخ اسماعیل فرزند مرحوم
حجة الاسلام حاج شیخ محمد حسین . والد
ماجدش از اعلام عصر خود بوده و در مکه معظمه
در گذشت .

حاج شیخ اسماعیل در عقدا یزد متولد و در
سن سه سالگی پدر را از دست داد، دوران کودکی
را در عقدا گذراند و سپس برای تحصیل علم
باصفهان رفت و از اساتید فضیلت مانند مرحوم
درچه ای استفاده کرد و در آنجا با مرحوم آیه الله
العظمی بروجردی آشنا و هم بحث شد .

پس از چندی از اصفهان به نجف اشرف مشرف و مدت هشت سال در آن حوزه
مقدس به تکمیل خویش پرداخت و از اساطین عصر مانند مرحوم آیه الله سید کاظم یزدی

صاحب عروة الوثقی بهره ورشد تا بمراتب سامیه از فضیلت نائل و سپس عازم ایران و با دعوت مرحوم آیه الله العظمی بروجردی بحساب آشنائی سابق بروجرد آمد و در مدرسه نوربخش بروجرد بافاضه و تدریس مشغول و جمعی از خواستاران علم از ذخائر علمی او بهره ورشدند .

از جمله حجة الاسلام والمسلمین حاج سید طاهر کاظمینی بروجردی که ترجمه اش در ضمن شاگردان مرحوم آیه الله بروجردی ذکر می شود و از جمله عالم فاضل آیه الله زاده بروجردی حاج سید محمد حسن طباطبائی .

مرحوم عقدائی در ماه ذی القعدة سال ۱۳۶۰ قمری در بروجرد در گذشت و در مقبرة جهان آباد دفن شد .

آية الله سيد ابوالمجد طباطبائی

حجة الاسلام والمسلمين آية الله سيد ابوالمجد طباطبائی - بروجردی فرزند
حجة الاسلام والمسلمين آية الله حاج ميرزا محمود صاحب مواهب السنية .
ترجمة والده ماجدش در جای خود ذکر شد .

مادرش از سيدات صالحه دختر مرحوم سيد حسين بن سيد جواد بن سيد مرتضى
ابن سيد محمد طباطبائی بوده .

مرحوم سيد ابوالمجد مبادئ علوم اسلامي را در زادگاهش بروجرد از اساتيد
عصر فراگرفت و برای تحصیلات عاليه بنجف اشرف مشرف و از اعلام آن حوزه
مقدسه مخصوصاً از مرحوم آخوند ملا کاظم خراسانی حد اکثر استفاده را برد .

بنابه آنچه در ظهر کفاية الاصول بخط خود نوشته سال ۱۳۲۳ و ۱۳۲۲ قمری
در درس مرحوم آية الله آخوند شرکت داشته و سپس بروجرد مراجعت و بافاضه
و تدریس مشغول و جمعی از شیفته گان فضیلت را از علوم و معارف ثمينه خویش
بهره ور ساخت .

مرحوم آقا بزرگ تهرانی در طبقات اعلام الشيعة می نویسد :

* السيد ابوالمجد بن شارح الدرة الميرزا محمود الطباطبائي البروجردی
عالم فاضل جلیل من بیت علم قدیم من لدن جدہم السيد محمد جد السيد مهدی
بحر العلوم الطباطبائي كان في النجف الاشرف من تلاميذ شيخنا الخراساني وهو اصغر
اخوته الاعلام الاغامة الله والاغا طاهر والاغا عبدالحسين *.

مرحوم آية الله سيد ابوالمجد اضافہ بر علوم و معارف اسلامي در ادبيات و سرودن
شعر قدرت و اطلاعات عميقه داشته و در اشعار خویش به مکارم تخلص ميکرده.

نمونه ای از اشعار وی ذکر می شود :

جان میدهم ز صدق و صفا در منای دوست

من راضیم بهر دو جهان بهارضای دوست

نه شوق حور و ذوق قصور و نه خوف نار

هر جا که دوست روم از قفای دوست

* * *

در عشق رخت ز خوبشتن رفته منم

چون زلف تو بی قرار و آشفته منم

بی روی گلّت نگر دلم پر خون است

در باغ تو چون غنچه نشکفته منم

* * *

محبوب همه خلق جهان باشی تو

اندر تن خلق همچو جان باشی تو

طوبی قد و کوثر لب و شیرین سخنی

چیزی که بوصف ناید آن باشی تو

مرحوم آية الله سيد ابوالمجد در ۲۶ صفر سال ۱۳۶۲ قمری در بروجرد

در گذشت و در جوار قبر والد ماجدش در مقبره خصوصي بخاك رفت و از وی ۶ پسر

ویک دختر پیدا شد :

آقا نجفی - آقا محسن - آقا محمد - آقا کاظم - آقا حسین - آقا ابوالفضل.



مرحوم آية الله سيد ابوالمجد طباطبائی

شیخ علی اصغر جنانی بروجردی

حجة الاسلام والمسلمین مرحوم شیخ علی اصغر جنانی فرزند اکبر بن محسن ابن عبدالرضا بروجردی .

اجدادش از اعلام و مشاهیر عصر بوده اند جد نزدیکش مرحوم ملا محسن بروجردی از مجتهدین قرن سیزدهم هجری بوده که ترجمه اش در جای خود ذکر شد. جد اوسطش مرحوم ملا عبدالرضا بروجردی عالمی عامل و فاضلی کامل و از مفاخر این شهر بوده و در سال ۱۲۴۹ قمری در گذشته و جد اعلایش علامه خبیر و خطیب و سخنور بصیر رفیع الدین محمد بن فتح الله قزوینی صاحب کتاب ابواب الجنان بوده و بهمین سبب مرحوم شیخ علی اصغر بجنانی ملقب شده .

مرحوم ملا رفیع مشهور بواعظ قزوینی از مردم صفی آباد قزوین و از دانشمندان بنام و از خطباء و شعراء و نویسندگان مشهور قرن یازدهم بوده مدتی از محضر دانشمند و فقیه معروف ملا خلیل قزوینی متوفی بسال ۱۰۸۹ قمری استفاده کرده و در مسجد جامع قزوین عهده دار تبلیغ و خطابه بوده و در رمضان سال ۱۰۸۹ قمری یعنی همان سال فوت استادش در گذشت .

از آثار علمیه وی کتاب ابواب الجنان است در اخلاق و مواعظ که مؤلف

تصمیم داشته بشماره درهای بهشت آن کتاب را در هشت باب یا هشت جلد تنظیم کند باب اول را در زمان شاه عباس ثانی و باب دوم را بسال ۱۰۸۹ قمری هنگام تاجگذاری مجدد شاه صفی ثانی بعنوان شاه سلیمان تمام نموده ولیکن بنگارش سایر ابواب یا مجلدات موفق نشده .

فرزندش ملا محمد شفیع که پس از پدر در مسجد جامع قزوین وعظ مینمود آنرا تمیم کرده .

مرحوم شیخ علی اصغر جنانی در سال ۱۳۰۰ قمری در بروجرد متولد و پس از وصول بحد تمیز به تحصیل مبادی و معارف ادبیه و عربیه همت گماشت دوازده سال در مدرسه شاهزاده که اکنون اثری از آن نیست ساکن بود.

صرف و نحو را از ادیب ارباب مرحوم ملا احمد نحوی بروجردی متوفی ۱۳۳۳ قمری وفقه و اصول را از محضر پر فیض عالم عابد و فقیه زاهد آقا محمد ابراهیم بروجردی متوفی ۱۳۲۵ قمری فرا گرفت و سپس به ارال گرفت و مدتی از آقا نورالدین سلطان آبادی (۱) و حاج میرزا علیخان (۲) استفاده کرد و سپس به بروجرد مراجعت و در محضر مرحوم آیه الله غروی حاضر و حدا کثر استفاده رانمود تا بدرجات سامیه ای از علم و فضیلت رسید و پس از آیه الله غروی از ذخائر علمی مرحوم آیه الله العظمی بروجردی نیز بهره ور شد .

مرحوم جنانی عشقی عجیب بکتاب و مطالعه و مباحثه داشت و از آثار علمیه او کتابی است بنام نورالابصار که در سال ۱۳۵۷ قمری از تألیف آن فارغ شبیه کشکولی است منظم و مرتب بر ۱۸ فصل و یک خاتمه در حل شبهات قرآنی و مسائل مشکله فقهیه و فروق بعض لغات و موالید و وفيات معصومین علیهم السلام و تاریخ ملوک و سلاطین ایران و وفيات جمعی از علماء بروجرد و علائم ظهور امام عصر عجل الله تعالی

(۱) آقا نور اراکی برادرزاده و داماد حاج آقا محسن عراقی و مرجعی عالقدر بود و ریاست حوزه علمیه اراک قبل از آیه الله حائری با او بوده و در حدود پنجاه سالگی درگذشت و قبرش مزار مردم اراک است .

(۲) حاج میرزا محمد علیخان از دانشمندان معروف و از مدرسین حوزه علمیه اراک بوده

فرجه و معمیات و الغاز و اشعار مشکله و حکایات مضحکه .

و در آخر این کتاب مختصراً در شرح حال خود می نویسد :

* قدولدت فی سنة ثلاثمائة بعد الالف من الهجرة فی بلدنا المعروف ببروجرد و كنت قریباً من اثنتی عشرة سنة فی المدرسة المعروفة بمدرسة الارک وقد خرب فی هذا الزمان بحیث لم یکن منها اثر فی الان .

وقد تلمذت برهة من الزمان عند العالم الکامل ازهد اهل زمانه واورع من امثاله و اقرانه العالم العامل الجلیل المسمى باسم حضرة الخلیل آقامحمد ابراهیم نورالله مضجعه الشریف وعلی السید السند والرکن المعتمد مروج شریعة سید المرسلین آقا نورالدین السلطان آبادی وعلی العالم العامل حاج میرزا محمد علی خان العراقی . وقرأت النحو عند العالم الفاضل آخوند ملا احمد الشهیر بالنحوی وحضرت مجلس درس من الفضلاء الکرام ولا ینطول بذکر الکلام *

برای نمونه و تیمن و تبرک حدیثی از کتاب نامبرده نقل می شود :

* سئل المأمون عن الرضا عليه السلام عن دلیل خلافة امیر المؤمنین عليه السلام فقال الرضا فی جوابه : آية انفسنا . قال المأمون : لولا انسا ئنا . فقال الامام عليه السلام : لولا ابنا ئنا . *

مرحوم جنانی در شرح این حدیث می نویسد :

* ان مقصود الامام عليه السلام من آية انفسنا ان علیاً عليه السلام نفس الرسول و مراد المأمون من قوله لولا انسا ئنا ان النساء فی مقابل الرجال فمراد الرسول صلی الله علیه و آله من انفسنا الرجال لا خصوص علی عليه السلام فاجاب الامام عليه السلام بقوله لولا ابنا ئنا . ای لو كان المراد بانفسنا الرجال فلامعنی لقوله ابنا ئنا لان الابناء رجال فیدخل فی انفسنا فالمراد بانفسنا لیس الرجال بل رجل مخصوص وهو علی عليه السلام *



مرحوم شیخ علی
اصغر جنانی

مرحوم شیخ علی اصغر جنانی در ۲۹ صفر سال ۱۳۶۲

قمری بر حمت ایزدی پیوست .

حاج شیخ صادق سربندی بروجردی

حجة الاسلام والمسلمین عالم ربانی و فقیه زاهد عابد متقی مرحوم حاج شیخ محمد صادق سربندی بروجردی فرزند میرزا محمد .

معارف مقدماتی و سطوح رادر بروجرد از اساتید عصرش فرا گرفت و برای تکمیل تحصیلات از بروجرد باصفهان رفت و از اعظام اعلام آن شهر چون میرزا ابوالمعالی و جهانگیر خان و شیخ محمدعلی ثقة الاسلام و شیخ محمدتقی مشهور به آقا نجفی (۱) استفاده کامل کرد و از اساتید نامبرده با اجازه اجتهاد مجاز شد و سپس بنجف اشرف رهسپار و از مرحوم میرزا حبیب الله رشتی (۲) و آخوند ملا کاظم خراسانی استفاده کرد.

(۱) آقانجفی محمدتقی بن محمد باقر اصفهانی عالم فاضل فقیه و صاحب تالیفات بسیار پدرش شیخ محمد باقر سبط شیخ اکبر کاشف الغطاء و داماد سید صدرالدین موسوی و از شاگردان شیخ مرتضی انصاری و جدش شیخ محمدتقی مؤلف هدایة المسترشدين است .
مرحوم آقانجفی در سال ۱۳۳۲ قمری در اصفهان درگذشت .

(۲) حاج میرزا حبیب الله بن محمدعلی رشتی نجفی محقق مدقق مؤسس در اصول استاد علماء عصر خود از اجلاء شاگردان شیخ مرتضی انصاری در سال ۱۲۳۴ قمری متولد و در شب ۱۴ جمادی الاخر سال ۱۳۱۲ قمری در نجف اشرف درگذشت و در یکی از حجرات صحن بخاک رفت .

همچنین از مرحوم آیه الله سید کاظم یزدی بهره‌ور و از آنها نیز مجاز شد و سپس بروجرود مراجعت و بتدریس و افاضه مشغول و ضمناً در مجلس درس مرحوم آیه الله العظمی بروجرودی نیز شرکت میکرد تا در شب ۱۲ جمادی الاولی سال ۱۳۶۵ قمری در بروجرود بر رحمت ایزدی پیوست و جنازه‌اش بقم حمل و دفن شد.

تألیفات

مرحوم حاج شیخ صادق آثار علمیه بسیاری در تفسیر و فقه و اصول و حدیث

بجای گذاشت که بعضی آنها را با خط خودش در کتابخانه فرزند برومندش عالم‌هازل حجة الاسلام حاج شیخ تقی شریعت‌دینم :

۱- رساله در تفسیر سورة فاتحه
الکتاب که گویا تقریرات بعضی اساتیدش باشد که از او تعبیر بمولی العلامة شیخنا المحقق الاستاذ نموده .

۲- رساله استدلالی در بیع کلی .

۳- رساله استدلالی در خیارات .

۴- رساله استدلالی در وجوب

صلوات بر پیغمبر ﷺ در موقع

شنیدن و ذکر نام آنحضرت و در تشهد .



مرحوم حجة الاسلام والمسلمین حاج شیخ صادق بروجرودی

- ۵- رساله در مقدمه واجب - ۶- رساله در قضاء - ۷- رساله در ولایت - ۸- رساله در حجیت ظن - ۹- مجموعه‌ای در احادیث متفرقه و اشعار و ادعیه .
- اضافه بر تألیف و تدوین رسائل و کتب مذکوره چند کتاب نفیس نیز از کتب قدماء به خط خود استنساخ کرده از جمله :
- ۱- کتاب شهاب در حکم و آداب تألیف شیخ یحیی بحرانی .
- ۲- منهاج الکرامه تألیف علامه حلی متوفی ۷۲۶ قمری که در سال ۱۳۰۵ قمری در اصفهان استنساخ کرد .
- ۳- قواعده شهید اول متوفی ۷۸۶ قمری که در سال ۱۳۰۶ قمری در اصفهان استنساخ نموده .

آیت الله حاج سید اسماعیل گلپایگانی

مرحوم آیت الله حاج سید اسماعیل گلپایگانی فرزند سید محمد فرزند حجة الاسلام حاج سید علی گلپایگانی .

جدش مرحوم حاج سید علی پس از تحصیل دوره مقدمات برای تکمیل و تحصیل دوره عالی از گلپایگان بدارالعلم بروجرده هجرت میکنند و از ذخائر علمیه اساتید آن عصر چون مرحوم آية الله سید جعفر کشفی و مرحوم آية الله حاج ملا اسدالله بهره ور تا رفته رفته خود در ردیف اعلام این شهر قرار میگیرد و مراتب تقوی و زهد او نظر اهالی بروجرده را جلب و در اندک زمانی محل وثوق و اعتماد و رتق و فتق امور مردم می شود .

از خدمات ارزنده اش حفر یکرشته قنات در تپه های شمال بروجرده بوده که تا قبل از لوله کشی اهالی از آب گوارای آن استفاده می نمودند .

آية الله حاج سید اسماعیل در حدود ۱۲۸۶ قمری متولد و پس از وصول بحد تمیز تحصیلات مقدماتی را در مدرسه شاهزاده که بدبیرستان پهلوی تبدیل شده تکمیل و برای دوره عالی بنجف اشرف مسافرت و پس از مدتی برائر استعداد در سلك شاگردان مرحوم آیت الله خراسانی قرار میگیرد و از آن بحر مواج حد اکثر استفاده را مینماید تا

بمقام منیع اجتهاد رسیده و از مراجع عصر با اجازهٔ اجتهاد مجاز و مفتخر می شود.
از جمله از طرف مرحوم آیه الله العظمی سید ابوالحسن اصفهانی قدس سره
مجاز می گردد که صورت اجازه در گوشهٔ عکس دیده می شود :
بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله رب العالمين وصلى الله على اشرف الانبياء
والمرسلين محمد وآله الطاهرين .

و بعد فان جناب العالم العلامة فخر الفقهاء العظام العالم الذي ليس له مثل
السيد اسماعيل البروجردى من المجتهدين العظام و الفقهاء الفخام قد بلغ مرتبة
الاجتهاد وعليه الاعتماد فله العمل بما يستنبطه من الاحكام على النهج المألوف
من الاعلام واجزت له ان يروى عنى ما صح لى روايته بطرقى المقررة المنتهية الى اهل بيت
العصمة عليهم السلام و ارجوان لا ينسانى من صالح الدعاء حرره الاحقر ابوالحسن
الموسوى الاصفهانى*.

پس از نیل بمقام اجتهاد عده ای از تجار و متعینین بروجرد که بعنوان زیارت بنجف
اشرف مشرف شده اند از مرحوم آیه الله خراسانی خواهش می کنند که آیه الله حاج
سید اسماعیل را بمراجعت بروجرد فرمان دهند .

باتقاضای آنان و فرمان صاحب کفایه ؛ معظم له بروجرد بر می گردد و بافاضه و
تدریس مشغول و در ابتدا در صحن شاهزاده ابوالحسن که قبل از احداث خیابان
وسیع بود اقامت جماعت می نماید و پس از چندی یکی از تجار بنام حاج محمد حسن
مسجدی در جنب خانهٔ ایشان بناء می کند و تا اواخر در آن مسجد بتدریس و ترویج
احکام اشتغال داشت .

مدتی نیز در مسجد شاه بتدریس خارج کفایه مشغول بود و جمعی از اعلام و
فضلاء از محضر او استفاده می کردند .

وی در اکثر معارف و علوم اسلامی مخصوصاً کلام و حکمت و اصول مهارت
داشته و در تقریر و سخن خوش بیان و معضلات مسائل را بایمانی ساده تقریر می کرد . در
مجلس درس شاگردان را غالباً بصبر و تحمل در برابر شدائد دعوت می کرد و قضایای

عجیبه ازدوران تحصیلی خود نقل می‌کرد .

ازجمله سید جلیل آقای سید محمد تقی حجازی از وی نقل می‌کند که فرمود :
شبی از شبهای تابستان در پشت بام منزل بمطالعه مشغول بودم و مسئله مورد
مطالعه مسئله وحدت وجود بود آراء و عقائد فلاسفه و حکما را مورد دقت قرار داده
بودم می‌خواستم خلاصه بحث را بنویسم .

شكوك وشبهاتی متوالیاً در نفس می‌گذشت ساعتی بیش بصبح باقی نمانده خسته
شده بودم قلم را بر زمین نهادم و بمتکا تکیه دادم متوجه لامپائی که غبار آلود و دود
زده بود شدم متوجه شدم رشته‌های باریکی روشن تر در اطراف لوله لامپانمایان است
دقت کردم دیدم نقش شده : شرك است شرك است .

فوراً کتابهارا کنار نهاده و از نوشتن بحث وحدت وجود (۱) منصرف شدم.

(۱) پس از مسئله اصالت وجود مهمترین مسائل فلسفه بحث وحدت یا کثرت وجود است.
در این مسئله گفته می‌شود پس از اعتقاد باینکه در جهان واقعی هست و موجودی داریم
و جهان موهوم محض نیست و این اصلی است غیر قابل تردید اصل دیگری داریم و آن این
است که بدون تردید ذهن ، به تکثیر اصل اول متوجه می‌شود یعنی مظاهر گوناگون و ماهیات
مختلفه‌ای از قبیل انسان و درخت و خورشید و سنك و عدد و مقدار و هزاران چیز دیگر تحت
عنوان موجود در می‌آورد و قهراً اصل اولی (موجودی داریم) بصورت (موجوداتی داریم) در ذهن
جلوه میکند .

حالا باید به بینیم این کثرتیکه بر ذهن جلوه میکند حقیقتی است یا موهوم یعنی این کثرت
ذهنی نماینده کثرت واقعی موجودات است یا آنکه ذهن بغلط کثرات می‌بیند .

اگر ماهیات را اموری عینی و واقعی بدانیم مسئله حل شده است و اما در صورتیکه وجود را
امری عینی و اصیل بدانیم و ماهیات را اعتبارات ذهن بدانیم جای گفتگو و بحث است که آیا
حقیقت وجود طاردهم است یا واحد است یا کثیر .

اگر واحد است چگونه امرواحد من جمیع الجهات منشأ انتزاع مہیات کثیره متباینه شده /

مرحوم آیه الله حاج سید اسماعیل گلپایگانی در اواخر زندگانی بواسطه تغییر و تحولات عمومی در روحانیت و کبر سن وضعف بینائی از مجالس عمومی کنار گرفت تا در اسفند ماه ۱۳۲۹ شمسی معادل با ۱۳۷۰ هجری قمری پس از ۸۴ سال زندگی بر رحمت ایزدی پیوست و در جهان آباد بروجرد در مقبره مخصوصی دفن شد .
بر لوح قبرش نقش شده .

* قد ار نحل من دار الفناء الی دار البقاء العالم العامل والفاضل الکامل جامع المعقول والمنقول سید العلماء الاعلام ونخبة الفقهاء الکرام المحقق المدقق حجة الاسلام السید السند الجلیل آقا سید اسماعیل الحسینی گلپایگانی و کان علیه الرحمة

✓ واگر کثیر است چرا وجود بیش از مفهوم واحد در ذهن ما ندارد .

بطور کلی در این مسئله سه نظر است :

۱- وحدت وجود .

۲- کثرت و تباین وجودات .

۳- وحدت در عین کثرت و کثرت در عین وحدت .

نظر اول منسوب بعرفا است و عرفاء باینکه پای بند استدلال نیستند و پای استدلالیان را چوبین می دانند و مکاشفه و شهود را فوق عقل می پندارند اما در این مسئله با استدلال به میدان آمده و میگویند :

وجود مساوی با وجوب ذاتی است و وجوب ذاتی مساوی با وحدت من جمیع الجهات است پس وجود مساوی با وحدت من جمیع الجهات است .

نظر دوم منسوب است بحکماء و مشاع و اتباع ارسطو که میگویند :

وجود امر واحد من جمیع الجهات نیست بلکه کثیر و مختلف است و هیچگونه میان حقایق وجودیه تشابهی نیست تنها ذهن ما است که مفهوم واحدی بنام مفهوم وجود انتزاع کرده .
نظر سوم این است که وجود حقیقت واحده است ولیکن دارای درجات و مراتب مختلفه است پس وجود واحد محض نیست بلکه وجودات در کار است برخلاف نظر عرفا و این وجودات متباین نیستند بلکه مراتب حقیقت واحده اند .

کثیراً بتذکر اشعار الهامش وله توجه الی مولاہ الجلیل *

دوبیت از ابیات زمخشری در هاشم لوح قبر منقوش است که مرحوم حاج
سید اسماعیل بسیار آن دوبیت را در مقام مناجات با قاضی الحاجات زمزمه میکرده :

یا من یری مد البعوض جناحها فی ظلمة اللیل الیهیم اللیل
و یری مناط عروقها فی نحرها والمخ فی تلك العظام النحل

* * *

بیت دیگر این است :

اغفر لعبد تاب من فرطاته ماکان منه فی الزمان الاول



مرحوم آية الله حاج سید اسماعیل گلپایگانی

آقا محمد حسن بروجردی خراسانی

حجة الاسلام والمسلمين آقا محمد حسن بروجردی فرزند مرحوم علامه ورع
 آخوند ملا عبد الله در بروجرد متولد و پس از تحصیلات مقدماتی بمشهد مقدس مهاجرت
 و از مشاهیر واعلام اساتید چون مرحوم آية الله حاج آقا حسين قمی و آية الله زاده
 خراسانی ميرزا محمد و آقا بزرگ شهیدی و ميرزا مهدي اصفهانی حداكثر استفاده را نمود
 و در فقه و اصول و ساير معارف اسلامي اطلاعات عميقه ای بدست آورد و آثار مخطوطه ای
 در فقه و اصول و معارف و مواعظ از خود بيادگار گذاشت .



مرحوم آقا محمد حسن بروجردی

مؤلف كتاب مستدرک سفينة البحار آقاى
 حاج شيخ على نمازى بهمناسبت ذکرمدارك کتابش
 می نویسد:

❦ ومن كتاب مجموعة لطيفة خطية تأليف
 الفاضل المعاصر صاحب المكارم والمفاخر و
 التأليفات فى الفقه والاصول وغيرها الشيخ محمد
 حسن بن العالم الجليل والفاضل الكامل النبيل

آخوند ملا عبدالله البروجردی رضوان الله تعالی علیهما وهو والدقرة عینیہ وخلفه
الصالح الشیخ محمد حسین البروجردی مؤلف کتاب پرچمدارانقلاب مؤتہ فی شرح
احوال جعفر الطیار *

مرحوم آقا محمد حسن بروجردی در ماه ربیع الثانی سال ۱۳۷۰ قمری برابر
با بهمن ماه ۱۳۲۹ شمسی در مشهد مقدس بر اثر سکته درگذشت و در زاویه شرقی صحن
مقدس عتیق بخاک رفت .

حجة الاسلام شيخ حسن امام جمعة

حجة الاسلام و المسلمين مرحوم شيخ حسن امام جمعه فرزند مرحوم حجة الاسلام آقا شبير .

والد ماجدش از اهلام بروجرد و از شاگردان سيد علي كوه كمره‌اي بوده .
 مرحوم شيخ حسن در سال ۱۲۹۱ قمری متولد و پس از وصول بحد تميز بشده ميل مبادي و معارف مقدماتي مشغول ، علوم و معارف اسلامي را از اساتيد عصر مخصوصاً از والد ماجد و عمويش مرحوم حجة الاسلام آقا صدر امام جمعه كه شرح حالش در محل خود ذكر شد فرا گرفت و مدتي نيز از محضر مرحوم حجة الاسلام آقا سيد عبدالرحمن طباطبائي كه ترجمه اش در سابق ذكر شد استفادة كامل كرد سپس بعلى انتسابش از طرف مادر بسادات رضوي قم بآن شهر مهاجرت كرد و چند سال در قم مقيم و بتدريس نجات العباد و شرح لمعه مشغول و پس از مدتي ببروجرد مراجعت ميكنند .
 بعد از چندي بعزم تشرف خراسان حركت و در مراجعت در تهران مقيم و از محضر مرحوم حجة الاسلام و المسلمين حاج شيخ فضل الله نوري (۱) استفاضه ميكنند .

(۱) عالم متعبد و ورع و فاضل مجاهد شيخ فضل الله نوري از اعلام و مشاهير قرن چهاردهم . علوم و معارف خود را از اساتيد عصرش مانند مرحوم آية الله حاج ميرزا حسن شيرازي فرا گرفت و مدتي نيز از محضر مرحوم حاج ميرزا حسين نوري صاحب مستدرک استفاضه نمود و بشرف دامادي او مفتخر شد .

وي با مشروطيت مبارزه كرد تا در ۱۳ رجب سال ۱۳۲۷ قمری در تهران بدار زده شد .

پس از کشته شدن شیخ در سال ۱۳۲۷ قمری با کمال تألمات روحی بروجرد برمیگردد و پس از چندی برای باردیگر بعزم تشریف بارض اقدس رضوی حرکت نموده و در حدود ۵ سال مجاور می شود .

در واقعهٔ توپ بستن روسها (۱) و اشغال حرم مطهر وی ۴۸ ساعت زندانی شده و در سال ۱۳۳۲ قمری دو سال پس از آن قضیه تأسف آور بروجرد مراجعت و به افاضه و استفاضه و مخصوصاً از محضر مبارك حضرت آية الله العظمی بروجردی بهره و افری برد و مورد وثوق و اعتماد و تفقد معظم له قرار میگیرد تا در سال ۱۳۷۳ قمری در سن ۸۲ سالگی داعی حق را لبیک گفت و در جنب آرامگاه امامزاده جعفر در بروجرد دفن شد . و رساله های پراکنده ای در فقه و اصول از خود بجای گذاشت .

فرزندش عالم عامل حجة الاسلام آقا هادی در فضائل و مکارم اخلاقی نمونه صالحی از والد ماجدش می باشد وی علوم و معارف خود را از والد ماجد فرا گرفته و مدتی هم در محضر مرحوم آية الله غروی و سپس در محضر مرحوم آية الله العظمی بروجردی بهره ور و مدت هیجده سال نیز از ذخائر علمی و اخلاقی مرحوم آية الله العظمی حاج شیخ علی محمد نجفی بروجردی استفاده کرد .

اکنون در مسجد جامع بروجرد باقائهٔ جماعت و ترویج احکام مشغول است.

(۱) در سال ۱۳۳۰ قمری از زمان حکومت رکن الدوله روسها به بهانه حفظ رعیت خود بمشهد وارد و دو نفر را بنام یوسف خان و طالب الحق تحریک باغتشاش نمودند و حرم و ضریح را بتوپ بستند هفتاد نفر کشته شد و سیصد نفر زن و مرد گرسنه و تشنه مدت ۴۸ ساعت در گوشه ای از صحن اسیر و زندانی زیر باران ببردند .

شیخ محمد تقی اراکی بروجردی

شیخ محمد تقی فرزند حسن بن غلامعلی در بروجرد متولد و در سن ۱۷ سالگی شروع به تحصیل نمود معارف ابتدائی و علوم مقدماتی را در این شهر فرا گرفت و سپس به نهاوند و کرمانشاه رفت .

پس از مدتی کوتاه به نجف اشرف رهسپار و از اساتید عصر در فقه و اصول استفاده کرد و در سال ۱۳۳۰ قمری بایران و بروجرد آمد و بعد از یکسال به اراک رفت و مدت ۲۰ سال در آنجا بوعظ و تدریس سطوح و ارشاد و اقامه جماعت اشتغال داشت و در سال ۱۳۵۳ قمری بطهران مهاجرت و بتألیف و تصنیف پرداخت تا در سال ۱۳۷۶ قمری برحمت ایزدی پیوست .

تألیفات

مرحوم شیخ محمد تقی در کلام و اخلاق و مواعظ و ادعیه تألیفات بسیاری دارد که بعض از آنها بطبع رسیده :

۱- سیر المنازل فارسی در بیان حال انسان از آغاز خلقت تا منزل آخر که بهشت

۵۹۸	قرن چهاردهم	تاریخ بروجرد
-----	-------------	--------------

یا جهنم است در سال ۱۳۶۴ قمری چاپ شده .

۲- مواعظ تقویه یکصد مجلس در مواعظ و نصایح و اخلاق در سال ۱۳۶۸
بطبع رسیده .

۳- رساله ای در عمل روز و شب .

۴- معرفت الانسان در سال ۱۳۶۹ چاپ شده .

۵- مناظرات در اصول عقائد مشتمل بر چهل مناظره در سال ۱۳۶۱ بطبع رسیده .

۶- العشرات المنجية من الهلكات در سال ۱۳۷۳ چاپ شده .

صاحب الداری بروجردی

حجة الاسلام و المسلمين عالم فاضل حاج میرزا عبدالحسین فرزند آخوند ملاعلی بروجردی . در سال ۱۳۰۸ قمری در بروجرد متولد و پس از وصول بحد تمیز معارف ابتدائی و علوم مقدماتی را در زادگاه خود فراگرفت و برای تکمیل خویش باراک رفت و از ذخائر علمیه آقا نورالدین عراقی و آخوند ملاعلی عراقی استفاده کرد تا سال ۱۳۳۲ قمری که مرحوم آیه الله حایری از کربلا به اراک تشریف برد آقای صاحب الداری بایشان پیوست و از خواص اصحاب و مقسم شهریه از طرف معظم له شد تا در تاریخ ۱۳۴۰ قمری که مرحوم آیه الله حایری بقم مهاجرت کرد و نیز بقم رهسپار شد .

آقای شیخ محمد رازی در آثار الحجج جلد اول ص ۱۷ می نویسد :
 آقای حاج میرزا عبدالحسین بروجردی معروف بصاحب الداری که مقسم آیه الله حایری در اراک بود برای نگارنده گفت که پس از توقف آیه الله حایری در قم اول کسیکه از اراک بایشان پیوست من بودم با حجة الاسلام حاج میرزا هدایت الله وحید گلبابگانی .

پس از اینکه دوماه بامر ایشان شهریه محصلین اراک را پرداختم و خدمتشان

رسیدم فرموده‌ام اندنی شدیم اگر شما هم بخواهید بمانید خدا کریم است بروید خانواده خود را بیاورید .

پس حاج میرزا هدایت بارک رفت و اصحاب آیه الله حایری را از قضیه مطلع و خانواده خود و مرا بقم آورد و رفته رفته حوزه علمیه قم تأسیس شد .

صاحب الداری تا آخر عمر مرحوم آیه الله حایری متصدی امور مدارس فیضیه و دارالشفاء و امور طلاب و سرپرست کتابخانه فیضیه و پس از ورود مرحوم آیه الله العظمی بروجردی نیز بسمت سرپرستی کتابخانه باقی بود و ضمناً از ابحاث معظم له استفاده میکرد تا در سال ۱۳۷۷ قمری ماه رجب درگذشت .

و از آثار علمیه او تعلیقه ایست بر رجال

ابی محمد .



مرحوم صاحب الداری

محقق رازانی بروجردی

حجة الاسلام والمسلمین عالم عامل وزاهد کامل حاج میرزا ابوالقاسم محقق رازانی در سال ۱۲۹۱ هجری قمری در بروجرد متولد و پس از طی مراحل کودکی تحصیلات مقدماتی را در زادگاه خود شروع و از محضر اعلام عصر چون مرحوم آية الله شیخ محمد ابراهیم و مرحوم آية الله حاج سید ابوطالب حجازی استفاضه نمود و سپس بنجف اشرف مشرف و از ذخائر علمیه اساتید بزرگ چون مرحوم آية الله خراسانی و مرحوم آية الله سید کاظم یزدی و مرحوم آية الله سید ابوالحسن اصفهانی بهره ور شد تا بدرجات سامیه علم رسید و با اخذ اجازه اجتهاد بزادگاه خویش مراجعت نمود و تا آخر عمر در مسجد سلطانی تدریس میکرد.

وی اضافه بر مقامات علمیه در زهد و تقوی و صفای باطن نیز کم نظیر بوده در سال ۱۳۴۰ قمری بسفر حج میرود و در چند فرسخی مکه با چند نفر از همراهان راه را گم می کنند و بعلت فقدان غذا و آب مشرف بمرك می شوند ولیکن بر اثر توسل و توجه بولی عصر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف همگی صحیح و سالم بمرکز مقصود میرسند شرح کامل و مفصل این قضیه در ترجمه نص جلی بقلم فرزندش آقای علی محمد رازانی نوشته شده.

مرحوم محقق رازانی پس از نود سال زندگی در ۳ شوال ۱۳۸۰ قمری معادل اول فروردین ۱۳۴۰ شمسی ده روز قبل از رحلت مرحوم آية الله العظمی بروجردی بر حمت ایزدی پیوست و جنازه اش بنجف اشرف حمل و در وادی السلام دفن شد.

پایان جلد دوم

فهرس اماکن و اعلام

۴۶۲ - ۴۶۵ - ۴۷۰ - ۴۷۳ - ۴۷۵ -	الف
۴۷۹ - ۴۸۲ - ۴۸۷ - ۴۸۸ - ۴۹۰ -	آذربایجان ص ۷۲ - ۷۵ - ۳۴۰
۴۹۵ - ۴۹۶ - ۴۹۷ - ۵۰۱ - ۵۰۲ -	آستانه ۳۲۳
۵۰۷ - ۵۰۹ - ۵۱۰ - ۵۳۷ - ۵۴۲ -	آشتیان ۲۱۴
۵۵۶ - ۵۶۹ - ۵۷۲ - ۵۷۹ -	آشتیانی حاج میرزا حسن ۵۱۳ - ۵۲۵ -
آقاخان نایب الحکومه ۳۱۱	۵۲۶
ملا آقای دربندی ۱۸۶ - ۴۰۴	آقا ابوالمجد طباطبائی ۲۵۳ - ۵۷۹ -
حاج میرزا آغاسی ۳۱۰ - ۳۵۱	۵۸۰ - ۵۸۱
میرزا آقای فراهمانی ۵۱۴	آقا بزرگ تهرانی ۱۰۵ - ۱۱۱ - ۱۳۶ -
میرزا آقانهاوندی ۳۱۷	۱۴۳ - ۱۸۵ - ۲۵۲ - ۲۵۳ - ۲۵۹ -
آل بویه ۳۶	۲۸۳ - ۲۹۳ - ۲۹۶ - ۳۰۰ - ۳۰۵ -
آلوسی ۶	۳۰۶ - ۳۱۶ - ۳۱۷ - ۳۲۸ - ۳۳۷ -
آمل ۲۶	۳۴۱ - ۳۴۳ - ۳۶۳ - ۳۶۶ - ۳۶۷ -
آمنه بنت موسی بن جعفر علیه السلام ۲۷۳	۳۷۱ - ۳۷۲ - ۳۷۶ - ۳۷۸ - ۳۸۱ -
آمنه دختر مجلسی اول ۱۳۶ - ۱۳۷ -	۳۹۱ - ۳۹۳ - ۳۹۸ - ۳۹۹ - ۴۰۰ -
۱۴۰ - ۱۸۸ - ۱۹۷	۴۰۳ - ۴۱۵ - ۴۱۷ - ۴۲۵ - ۴۳۰ -
	۴۳۱ - ۴۳۳ - ۴۳۸ - ۴۵۸ - ۴۵۹ -

- آية الله سيد ابوالحسن اصفهانی ۳۰۲ - ۵۸۹ - ۶۰۱
 آية الله خوانساری ۲۹۷
 آية الله شریعتمداری ۳۱۴ - ۳۱۵
 آية الله شیرازی حاج میرزا محمد تقی
 ۵۱۳ - ۵۱۵ - ۵۳۲ - ۵۳۳ - ۵۶۱ - ۵۷۲
 آية الله شیرازی حاج میرزا محمد حسن
 ۳۰۴ - ۳۷۹ - ۳۹۶ - ۴۱۵ - ۴۴۵ - ۴۸۶
 ۴۸۷ - ۵۲۷ - ۵۶۱ - ۵۶۲ - ۵۷۲
 آية الله حاج میرزا صادق ۳۱۴
 آية الله آفاضیاء الدین عراقی ۳۱۵ - ۵۱۴ - ۵۷۳
 آية الله غروی بروجردی ۴۰۰ - ۵۳۳ - ۵۵۸
 ۵۶۱ - ۵۶۲ - ۵۶۳ - ۵۶۴ - ۵۶۵
 ۵۶۶ - ۵۶۷ - ۵۶۸ - ۵۶۹ - ۵۷۰
 ۵۷۱ - ۵۷۲ - ۵۷۳ - ۵۷۴ - ۵۷۵
 ۵۸۳ - ۵۸۴ - ۵۹۳
 آية الله قمی حاج آقا حسین ۵۹۳
 آية الله مرعشی سید شهاب الدین ۱۱۰ - ۱۲۳
 ۲۹۲ - ۳۲۵ - ۳۵۸ - ۳۵۹ - ۳۶۱
 ۳۶۲ - ۳۶۴ - ۴۲۳ - ۴۸۴ - ۵۰۸
 ۵۲۳ - ۵۵۵
 آية الله سيد ابوالحسن اصفهانی ۳۰۲ - ۳۱۵
 ۵۵۴ - ۵۷۳ - ۶۰۱
 آية الله سيد ابوالحسن قزوینی ۲۹۷
 آية الله حاج میرزا ابوالحسن گنجة ۳۱۵
 آية الله العظمی بروجردی ۱۱۶ - ۱۳۶ - ۱۳۷
 ۱۳۸ - ۱۳۹ - ۱۴۰ - ۱۴۲ - ۱۶۰
 ۱۶۴ - ۲۱۶ - ۲۵۶ - ۲۶۳ - ۳۰۰
 ۳۱۵ - ۳۷۱ - ۴۴۶ - ۴۴۸ - ۴۵۳
 ۴۶۴ - ۴۶۷ - ۴۸۴ - ۴۹۲ - ۵۱۱
 ۵۱۳ - ۵۵۱ - ۵۶۴ - ۵۶۵ - ۵۶۷
 ۵۶۹ - ۵۷۰ - ۵۷۱ - ۵۷۴ - ۵۷۵
 ۵۷۷ - ۵۷۸ - ۵۸۳ - ۵۸۶ - ۵۹۶
 ۶۰۰ - ۶۰۱
 آية الله چهار سوقي ۲۰۴
 آية الله حائری حاج شیخ عبدالکریم
 ۲۹۷ - ۳۱۵ - ۵۱۴ - ۵۱۵ - ۵۵۲ - ۵۶۱
 ۵۸۳ - ۵۹۹ - ۶۰۰
 آية الله حجت کوه کمری ۵۱۴ - ۵۵۲
 آية الله خراسانی ملا کاظم صاحب کفایة
 ۱۰۵ - ۳۲۵ - ۳۶۵ - ۳۹۱ - ۳۹۹ - ۴۲۲
 ۴۹۷ - ۵۱۳ - ۵۱۵ - ۵۲۳ - ۵۳۳
 ۵۴۹ - ۵۶۲ - ۵۶۴ - ۵۷۲ - ۵۷۳
 ۵۷۹ - ۵۸۰ - ۵۸۵ - ۵۸۸

- آية الله نائینی حاج میرزا حسین ۵۱۴-
 ۵۷۳-۵۶۱
 ابان بن عثمان ۱۸۱
 ابراهیم بن ابراهیم طباطبا ۱۳۳
 ابراهیم غمر ۱۲۷-۱۲۹-۱۳۰-۱۳۱
 ابراهیم بن اسماعیل دیباج ۱۳۲-۱۳۳
 ابراهیم بن حسن بن اسحق ۶۴
 ابراهیم بن حسین ۲۲-۲۴-۲۵
 سید ابراهیم بن حسین اولیائی ۴۹۲
 سید ابراهیم بن رضی موسوی ۵۳۸
 میرزا ابراهیم شیرازی ۳۰۱
 ابراهیم بن عبدالله بن حسن ۳۵۳-۳۵۵
 شیخ ابراهیم عاملی ۲۰۳-۲۰۴
 سید ابراهیم عطار ۱۶۴-۱۶۵-۱۶۶
 ۲۰۱-۲۰۳-۳۲۲
 ابراهیم غمر ۱۲۷-۱۲۹-۱۳۰-۱۳۱
 ۱۳۲
 سید ابراهیم قزوینی صاحب ضوابط ۱۴۷-
 ۲۵۰-۳۴۸-۴۳۳
 حاج ابراهیم کرباسی ۲۱۷-۲۱۸-
 ۴۴۵-۵۴۲
 ابراهیم مجاب ۲۷۷-۲۷۸
 ابراهیم بن محمد بن موسی بن جعفر ۲۷۳-
 ابراهیم بن موسی الکاظم (ع) ۲۷۳-
 ۳۵۶-۳۵۷
 ابراهیم والد سید جعفر کشفی ۲۷۸
 ابن ابی اسحاق ۶
 ابن ابی جمهور ۵۴۶
 ابن اثیر ۵۲
 ابن بابویه صدوق المحدثین ۱۴۳-
 ۲۷۰-۲۷۴-۲۷۵-۴۲۴-
 ۵۰۱
 ابن بوش ۸۲-۸۳
 ابن تیمیه ۳۸۶
 ابن جریر طبری ۳۱
 ابن جنی ابوالفتح عثمان ۴۴-۴۵-۴۸
 ابن جوزی ابوالفرج ۵۴-۶۱-۶۴
 ابن حجر عسقلانی ۵۰-۸۴-۱۳۲-
 ۲۹۲
 ابن خلکان ۱۲-۶۰-۶۸
 ابن درید ۱۷
 ابن سواق ۲۳-۲۴-۲۵
 ابن شهر آشوب ۱۵-۱۳۴-۵۲۶-
 ۵۲۷
 ابن الصلاح ۵۳
 ابن طبرزد ۸۴

ابوالاسود ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳	ابن عمر ۱۷
ابوایوب انصاری ۱۷۱	ابن فورجه بروجردی ۴۲، ۴۳، ۴۵
ابوبصیر اسدی ۱۸۱	۴۸، ۴۷
ابوبکر ابن ابی قحافه ۱۰، ۳۱،	ابن فوطی ۷۵، ۸۵، ۸۷، ۸۸، ۸۹، ۹۰، ۹۱
۳۲، ۳۴	۹۳، ۹۴، ۹۵
ابوبکر احمد بن مظفر ۷۰	ابن قیس رانی ۵۸، ۶۵، ۶۶
ابوبکر بن مردویه ۴۹	ابن کلیب ۸۲، ۸۳
ابوبکر اسماعیلی ۲۸	ابن کمونه ۱۴۴
ابوبکر بیضاوی ۴۹	ابن المأمون ۵۵
ابوبکر احمد بن محمد بن مبارک ۸۱	ابن مالک ۲۵۳
ابوبکر عبدالله بن عمر فاروقی ۹۱	ابن معید تاج الدین ۱۳۱، ۱۳۲
ابوبکر محمد بن احمد جوهری بروجردی	ابن منده ۶۰، ۶۶
۶۱، ۶۲	ابن النجار ۸۲
ابوبکر محمد بن علی بروجردی ۵۱	ابن هزارمرد ۵۷
ابوبکر نجار محمد بن عمر بن بکیر ۲۳	ابن هشام ۳۸۳
میرزا ابو تراب معروف به میرزا آقا	ابو احمد عید الله بن محمد ۷۶
قرائینی ۱۸۶	ابوالأزهر بن حیان ۴۹
میرزا ابو تراب بروجردی طباطبائی ۲۶۳	ابو اسحاق ابراهیم بن احمد رازی
میرزا ابو تراب اصفهانی بروجردی ۵۰۰	۶۳، ۶۴
آقا میرزا ابو تراب ۵۲۳	ابو اسحاق شیرازی ۵۱، ۵۵، ۵۶، ۵۷
سید ابو تراب اصطهباناتی ۳۰۱	۶۴، ۶۳، ۷۱، ۷۲، ۷۳
سید ابو تراب خوانساری ۱۴۷	ابو اسحاق والد سید جعفر کشفی
ابو تراب شیخ الاسلامی ۵۶۳	بروجردی ۲۷۸
ابو تمام ۲۴۹	ابو اسماعیل ابراهیم بن ناصر ۱۳۵

- ابو تمام ابراهیم صیمری بروجردی ۵۴
 ۶۳ ، ۶۴
 ابو جعفر ثانی علیه السلام ۱۷۲
 ابو جعفر طبری ۲۰۷
 ابو جعفر صیدلانی ۸۲
 ابو حامد غزالی ۶۹ ، ۷۰
 ابو حامد اسفرائینی ۵۲
 ابو الحسن بن ابی بکر ۴۰ ، ۴۱
 ابو الحسن ناهلی ۱۹
 قاضی ابو الحسن بروجردی ۲۶ ، ۳۰
 ابو الحسن بروجردی ۷۸ ، ۷۹
 ملا ابو الحسن بروجردی ۵۶۹
 میرزا ابو الحسن بن سید علی بروجردی
 ۴۶۷
 ابو الحسن شریفی نجفی ۱۹۴
 حاج ابو الحسن ۶۴۸
 میرزا ابو الحسن بروجردی ۳۹۷ ، ۵۴۱
 ۵۴۲
 ابو الحسق عبد الرحیم بن عبد الرحمن ۸۱
 میرزا ابو الحسن جلوه ۵۲۶
 ابو الحسن بن ملا اسد الله ۳۲۵
 سید ابو الحسن غدقوئی ۵۶۴
 ابو الحسن علاف
 ابو الحسن بن عبد الرحمن ۲۰
 ابو حفص بروجردی ۱۹ ، ۲۰
 ابو حمزه ثمالی ۱۹۱ ، ۵۱۱
 ابو حنیفه دینوری ۴۸
 ابوذر غفاری ۱۶۹
 ابوریحان بیرونی ۴۹۳
 ابو السرایا ۱۳۳ ، ۳۵۶
 ابو سعد سمعانی ۲۵ ، ۵۹ ، ۶۴۶۶
 ۷۰۶۷ ، ۷۱ ، ۷۲ ، ۷۷ ، ۷۹ ، ۸۰
 ابو سعد نصر بن یعقوب ۳۸
 ابو سعید سیرافی ۵ ، ۱۶ ، ۱۸
 ابوسفیان ۱۰
 ابوسلیمان حمد بن محمد ۳۰
 حاج ملا ابوطالب بروجردی ۵۴۴
 میرزا ابوطالب بن میر ابوالعالی
 ۱۳۶ ، ۱۶۱
 سید ابوطالب بروجردی ۴۵۴ ، ۴۸۷
 ۴۸۸ ، ۶۰۱
 میرزا ابوطالب قمی داماد صاحب قوانین
 ۳۹۲
 ابوطالب لاریجانی نزیل بروجردی ۱۷۱
 ابوطالب کمره ۵۱۴
 ابوطاهر بن ابوهاشم ۲۰
 ابوطاهر زیادی ۵۲ ،

- ابو عامر جرجانی ۴۴
 ابو العباس احمد جرجانی ۲۰
 ابو العباس بن الفرات ۱۷
 ابو العباس خطیب بروجردی ۲۵، ۲۳، ۲۲
 ابو العباس میرد ۴۸
 ابو العباس نابلسی ۸۲
 ابو عبدان بروجردی ۷۱
 ابو عبد الرحمن عبد الله بن عثمان بن جبلة ۶۰
 ابو عبد الله بختيار ۸۱
 ابو عبد الله حافظ ۷۲
 ابو عبد الله زاهری بروجردی ۸۲
 ابو عبد الله زنجانی ۹
 ابو عبد الله صیمی ۵۲
 ابو عبد الله مؤدب بروجردی ۵، ۶، ۷، ۸، ۱۴
 ابو عیید جرجانی ۴۹
 ابو العلاء معری ۴۲، ۴۳، ۴۶
 ابو علی حائری ۱۴۶، ۱۷۶، ۲۰۰
 ابو علی حسن بن احمد ۷۰
 ابو عمرو ۶
 ابو الفتح بروجردی ۷۷، ۸۰
 ابو الفتوح رازی ۵۰۵
 ابو الفرج اصفهانی ۱۳۰، ۱۳۲، ۱۳۳، ۳۸۶
 ابو الفضل بن ابوالمجد طباطبائی ۵۸۱
 ابو الفضل حافظ بروجردی ۵۸، ۵۹، ۶۵، ۶۶، ۶۸
 ابو الفضل حسین بروجردی ۹۰
 ابو الفضل العباس (ع) ۲۲۴
 ابو الفضل عساکری ۷۲
 ابو الفضل گلپایگانی ۵۴۶
 سید ابو الفضل مجاهدی ۵۶۴
 میرزا ابو القاسم طباطبائی بروجردی ۲۴۵
 ۲۶۳، ۳۶۸، ۳۶۹، ۳۷۰، ۳۷۱، ۴۳۸
 میرزا ابو القاسم جعفر موسوی خوانساری
 ۱۹۱
 سید ابو القاسم جد صاحب روضات الجنات
 ۲۰۴
 میرزا ابو القاسم مدرس اصفهانی ۴۰۹
 سید ابو القاسم کاشانی ۵۶۳
 شیخ ابو القاسم بن محمد تقی قمی ۳۹۷
 ابو القاسم گلپایگانی بروجردی ۵۳۸، ۵۳۹
 سید میرزا ابو القاسم نهاوندی ۳۱۸، ۳۸۵
 ابو القاسم همدانی نزیل بروجردی ۵۴

- میرزا ابوالقاسم نراقی ۳۹۲
 سید ابوالقاسم بن احمد ۱۸۶
 ابو محمد ابراهیم فخرالدین حاجب
 بروجردی ۹۱
 امیر ابوالقاسم خاتون آبادی ۲۰۱ ، ۲۰۴
 میرزا ابوالقاسم قائم مقام ۲۵۶
 میرزا ابوالقاسم قمی ۲۶۸
 ابو محمد صاحب رجال ۶۰۰
 حاج میرزا ابوالقاسم رازانی ۵۶۴ ، ۶۰۱
 ابو محمد حسن بن احمد بروجردی ۳۵
 ۳۶ ، ۳۷ ، ۳۸ ، ۳۹
 ابو محمد دینوری ۲۸
 ابو محمد عبدالرحمن بن احمد دونی ۵۸
 ۶۵۹ ، ۶۶ ، ۶۷
 ابو محمد مکی ۵۹ ، ۶۰ ، ۶۶ ، ۶۷
 امیر ابوالمظفر احمدیلی ۷۴ ، ۷۵
 ابوالمظفر شیب بروجردی ۷۱
 ابوالمظفر محمد بن علی ۵۷
 ابوالمعاملی ۴۱۹ ، ۴۲۲ ، ۵۸۵
 میر ابوالعالی کبیر ۱۳۶ ، ۱۳۷
 ابو معشر طبری ۶۳ ، ۶۴
 ابو منصور بندار بن سواق ۲۳
 ابو منصور صالح بروجردی ۷۶
 ابو منصور عبدالملک ثعالبی ۳۶
 ابو منصور محمد بن عیسی ۳۰
 ابو موسی اشعری ۱۰
 ابوالنجم مدد بن صالح بروجردی ۷۷
 ابوالنجم رازانی بروجردی ۸۰
 ابو نصر احمد بن علی میکالی ۳۶
 ابو نصر اسماعیلی ۶۹
 ابو نصر رازانی بروجردی ۶۹ ، ۷۰
 ابو نصر زینبی ۷۱ ، ۷۲
 ابو نصر سید بن محمد ۸۰
 ابو نعیم اصفهانی ۱۵ ، ۱۶ ، ۱۷ ، ۱۸
 ابو نواس ۵۰۶
 ابویاسر ۲۷۳
 ابویعقوب یوسف همدانی ۶۴
 ابویعلی بن فرار ۴۹ ، ۵۰
 ابی ابن کعب ۷
 ابی حمدون ۲۰ ، ۲۱
 ابی عبدالرحمن ۲۴
 ابی هریره ۲۴
 ابیورد ۷۹
 احساء ۲۷۹
 آقا احمد صاحب مرآت الاحوال ۳۹۰
 احمد رحمه الله ۱۷۴
 احمد بن ابراهیم ۲۷۸
 احمد بن ابراهیم دورقی ۱۹
 احمد بن ابراهیم طباطبائی ۱۳۴

- احمد بن ابى جعفر ٤٠
 شيخ احمد اخسائى ٢٨١، ٢٨٢، ٣٧٥
 احمد بياتى ٣٨٣
 احمد اديب پشاورى ٥٠٥
 احمد تفرشى ٥٢٨
 احمد بن حسين رازى فناكى ٥٢، ٥٣
 احمد بن جنبل ٢٦، ٢٧
 حاج سيد احمد خوانسارى ٥٥٢
 احمد حسين آبادى ٥١٣
 شيخ احمد خوانسارى ٢٠٤
 ملا احمد خوانسارى ٣٤١، ٣٧٣، ٤٨٣
 احمد بن داود دينورى ٤٨
 احمد بن على بن حسنويه ٤١
 شيخ احمد فاروقى ٣٥٠
 شيخ احمد بن عبد الحسين مشهدى
 بروجردى ٤٨٠
 احمد بن فهد حلى ٥٢٨
 سيد احمد عطار ١٦٢، ١٦٦، ١٦٧، ٢٠٢
 ٢٠٣، ٢٢٧
 احمد بن فرات رازى ٢٩
 احمد بن محمد بن احمد طباطبائى ١٣٤
 احمد بن محمد بن بهنور ٤٩
 سيد احمد قزوينى ١٦٧، ١٦٨، ٣٠٥
 احمد بن محمد بن خالد بروجردى ٤٠، ٤١
 احمد بن محمد رادكانى ٦٩
 احمد بن محمد بن مالك جرجانى ٢١
 سيد احمد بن سيد حبيب ١٩٩
 احمد بن محمد بن صالح بروجردى ٢٢
 ٢٤، ٢٥
 احمد بن محمد بن عبد الكريم موسى ٣٤٦
 احمد بن محمد قطيعى ٤٠
 آقا احمد بن آقا محمد على بهبهانى ١٥١
 ١٥٢، ١٩٩
 احمد بن محمد بزنى ١٨١
 ميرزا احمد مدرس ص ٥٤٢
 احمد بن مظفر حافظ ٧٣
 ميرزا احمد منجم شيرازى ٥٢٣
 حاج ملا احمد ٥٦٧
 احمد بن منصور عتيقى ٤١
 ملا احمد نحوى ٥١٨
 حاج ملا احمد نراقى ١٩٨، ٤٠٦، ٤٠٧
 ٤٠٨، ٤٠٩
 احمد بن هبة الله ٧٢
 شيخ احمد نحوى بن شيخ حسن ٢٥، ٢٦
 ٢٢١، ٢٢٢
 ميرزا احمد ٢٦٣

احمد بن موسی الکاظم (ع) ۲۷۵، ۲۷۳

۲۷۶

احمد بن واضح یعقوبی ۲۷۴

میرزا احمد شیخ الاسلام ۲۹۴

میرزا احمد شیخ المحققین ۳۰۲

حاج سید احمد اولیائی ۵۴۷

ادیب تهرانی ۲۹۷

ملا احمد نحوی بروجردی ۵۸۳، ۵۸۴

اراک ۳۳۷، ۳۴۰، ۴۱۴، ۴۱۹، ۵۱۴، ۵۳۴

۵۸۳، ۵۹۷، ۵۹۹، ۶۰۰

ارسطو ۱۷۶، ۵۹۱

اروپا ۴۹۳

اسحق بن ابراهیم دیری ۴۱

ارزنة الروم ۳۷۵

اسحق بن ابراهیم غمر ۱۳۱

استانبول ۵۳۹

اسحق بن اسرائیل ۱۹، ۲۱

سید اسحق بن جعفر کشفی ۲۹۶، ۴۵۹

خواجه اسحق ختلانی ۴۵۷

میرزا اسحق شیخ الاسلام بروجردی ۱۰۴

اسحق مشرف بروجردی ۸۴

اسحق نبی ۱۲

اسحق بن موسی (ع) ۲۷۳

اسحق والدسید جعفر کشفی ۲۷۸

حاج ملا اسد الله حجة الاسلام بروجردی

۳۰۵، ۳۱۸، ۳۱۹، ۳۲۰، ۳۲۱، ۳۲۲

۳۲۳، ۳۲۴، ۳۲۵، ۳۲۶، ۳۲۷، ۳۲۸

۳۲۹، ۳۳۳، ۳۳۴، ۳۳۵، ۳۳۷، ۳۳۹

۳۴۰، ۳۴۱، ۳۴۲، ۳۴۳، ۳۴۹، ۳۵۹

۳۷۲، ۳۸۰، ۳۹۲، ۳۹۴، ۴۱۶، ۴۱۷

۴۱۹، ۴۲۱، ۴۳۲، ۴۳۵، ۴۳۶، ۴۳۸

۴۴۴، ۴۵۴، ۴۶۳، ۴۶۵، ۴۷۰، ۴۷۱

۴۷۳، ۴۷۴، ۴۷۶، ۴۷۸، ۴۸۹، ۴۹۰

۵۱۰، ۵۲۹، ۵۷۰، ۵۸۸

حاج سید اسد الله بید آبادی ۴۳۶

سید اسد الله اصفهانی ۴۱۷

شیخ اسد الله شوشتری ۱۷۷، ۲۰۰

اسد الله بن عبد الله صدوق بروجردی ۳۲۴

شیخ اسد الله صاحب مقایس ۳۵۷، ۳۶۰

۵۴۹

سید اسد الله طباطبائی بروجردی ۳۴۵

حاج شیخ اسد الله شیخ العراقین ۴۵۵

اسد الله بن محمد صادق بروجردی ۴۳۳،

۴۳۴

سید اسد الله نبوی دزفولی ۵۵۲

اسعد پاشا ۲۲۰

اسماء بن خارجه ۱۳۰	حاج سید اسماعیل گلپایگانی ۵۷۳، ۵۷۵
اسماعیل بن ابراهیم نبی (ع) ۳۵۵	۵۸۸، ۵۸۹
اسماعیل پاشا ۴۴، ۴۶	ملا اسماعیل عارف بروجردی ۱۲۴، ۱۲۵
اسماعیل بن ابراهیم غمر ۱۳۱، ۱۳۲، ۱۳۳	۱۲۶
ملا اسماعیل بروجردی ۱۰۸، ۱۱۳	حاج ملا اسماعیل فارس بروجردی ۴۴۸
ملا اسماعیل بن اسحق بروجردی ۳۴۲،	اسماعیل صاحب بن عباد ۳۵
۴۷۱، ۴۷۲، ۴۷۳	شیخ اسماعیل محلاتی ۳۳۴، ۵۲۲
حاج شیخ اسماعیل ۳۹۷	اسماعیل بن مسعود اسماعیلی ۷۱، ۷۲
شیخ اسماعیل ۴۸۳	حاج شیخ اسماعیل عقدائی بروجردی
حاج سید اسماعیل خراسانی ۳۱۷	۵۷۷
امیر اسماعیل خاتون آبادی ۱۱۸	اسماعیل خان سرباز ۵۷۰
سید اسماعیل دیباج ۱۲۷، ۱۲۹	اصبغ بن فرج ۲۴
میرزا اسماعیل بن ملا عبدالله بروجردی	اصطخری ۶۴
۴۸۳	دکتر اصغر مهدوی ۱۰۱، ۲۹۵
حاج سید اسماعیل صدر ۵۴۵	اصطهبانات ۲۸۰، ۲۸۱، ۲۸۲، ۲۹۷
آقا اسماعیل بن آقامحمد علی بهبهانی ۱۵۱	۲۹۸، ۳۰۱، ۳۰۳
۱۵۳	اصفهان ۱۵، ۱۶، ۲۹، ۳۵، ۴۹، ۵۹
حاج سید اسماعیل علوی طباطبائی	۶۵، ۶۶، ۷۰، ۷۱، ۷۲، ۸۲، ۹۸، ۱۰۰
بروجردی ۱۶۰	۱۰۲، ۱۰۴، ۱۰۵، ۱۰۶، ۱۰۷، ۱۱۰
شیخ اسماعیل بن علی بن حسن ۲۵۶	۱۱۲، ۱۱۳، ۱۱۴، ۱۱۵، ۱۱۶، ۱۱۷
شیخ اسماعیل عقدائی ۱۸۷، ۱۹۹	۱۱۸، ۱۳۴، ۱۳۵، ۱۳۸، ۱۳۹، ۱۴۰
اسماعیل بن موسی ۲۷۳	۱۴۷، ۱۴۸، ۱۵۷، ۱۵۸، ۱۵۹، ۱۶۲ ←

افلاطون ۱۷۶	۱۷۵، ۱۸۸، ۱۹۰، ۱۹۲، ۲۰۱، ۲۰۴
الکسیس کارل ۳۱، ۲۳۳	۲۱۸، ۲۱۹، ۲۲۰، ۲۲۲، ۲۵۲، ۲۷۲
الله‌قلی خان زنگنه ۱۴۸	۲۸۱، ۲۸۲، ۳۰۰، ۳۰۳، ۳۴۲، ۳۴۳
الیاس نبی ۱۳	۳۶۸، ۳۸۶، ۳۸۸، ۳۸۹، ۳۹۰، ۳۹۴
امام جمعه خوئی ۳۳۰	۳۹۵، ۳۹۶، ۳۹۷، ۳۹۸، ۴۰۰، ۴۰۳
اله‌قلی میرزا ۴۲۱	۴۰۵، ۴۰۹، ۴۱۰، ۴۱۱، ۴۱۲
امام الحرمین جوینی ۵۶، ۶۹	۴۱۴، ۴۱۶، ۴۱۷، ۴۱۹، ۴۲۲، ۴۵۵
امامزاده ابوالحسن ۴۰۰، ۵۸۹	۴۶۱، ۴۶۴، ۴۶۵، ۴۶۶، ۴۶۷، ۴۷۲
امامزاده عبدالله ۳۰۲	۴۹۵، ۵۰۰، ۵۰۳، ۵۰۷، ۵۱۰، ۵۱۳
امامزاده قاسم ۴۰۲	۵۲۶، ۵۲۷، ۵۳۱، ۵۴۱، ۵۴۲، ۵۴۹
امامزاده جعفر ۵۶۵، ۵۶۹، ۵۹۶	۵۵۵، ۵۶۴، ۵۶۶، ۵۷۷، ۵۸۵، ۵۸۷
امامزمان عج ۱۸۲، ۲۰۶، ۲۳۹، ۲۴۲	اعتماد السلطنه ۲۸۱، ۳۱۹، ۳۲۰، ۳۲۵
۲۷۴، ۲۶۹، ۲۹۲، ۳۴۱، ۳۵۲، ۵۴۶	۳۲۶، ۳۲۷، ۳۲۸، ۳۲۹، ۳۳۱، ۳۳۹
۶۰۱	۳۴۲، ۳۴۹، ۳۵۹، ۳۷۲، ۳۷۳، ۳۷۵
ام ابنتها بنت موسی ۲۷۳	۳۸۵، ۳۹۳، ۳۹۴، ۳۹۸، ۴۰۲، ۴۱۴
ام اسحق بنت ابراهیم غمر ۱۳۱	۴۱۶، ۴۱۷، ۴۲۰، ۴۲۱، ۴۲۲، ۴۲۳
ام جعفر بنت موسی ۲۷۴	۴۳۱، ۴۴۶، ۴۵۸، ۴۶۲، ۴۶۳
ام داود ۱۳۰	۴۶۸، ۴۶۹، ۴۷۷، ۴۸۳، ۴۸۷، ۴۹۰
ام سلمه بنت موسی ۲۷۴	۴۹۶، ۵۰۴، ۵۰۹، ۵۲۹
ام کلثوم بنت موسی ۲۷۴	اعتماد الدوله خاتم بیک ۱۵۷
امیر المؤمنین علیه السلام ۹، ۱۰، ۳۵	اعرج قاری ۶
۶۲، ۱۲۹، ۱۸۴، ۲۰۳، ۲۰۸، ۲۴۲	
۲۴۷، ۲۸۹، ۳۰۱، ۳۳۹، ۳۵۰، ۳۵۱	

۳۵۹، ۳۷۷، ۴۴۲، ۵۰۳، ۵۵۳، ۵۶۳، //

۵۶۶

امیر الخ بیک ۱۷۱

امیر کبیر ۴۲۰

امین السلطان ۴۸۳

علامه امینی ۵۲۶

اندلس ۱۳، ۸۲

انصاری شاعر ۵۴۲

انیشتن ۲۳۱

اورنگ زیب میرزا ۳۰۵، ۳۴۲، ۴۰۱، ۴۱۷

اهواز ۱۲، ۵۵۳، ۵۵۴

ایران ۴۴، ۹۸، ۱۳۸، ۱۴۰، ۱۴۸، ۱۵۱

۱۷۳، ۱۹۲، ۱۹۵، ۱۹۹، ۲۰۷، ۲۱۸، ۲۱۹

۲۴۰، ۲۴۷، ۲۵۱، ۲۸۰، ۲۸۹، ۳۰۷

۳۱۰، ۳۱۵، ۳۱۹، ۳۲۹، ۳۳۶، ۳۴۰، ۳۴۹

۳۶۶، ۳۷۵، ۳۷۶، ۳۷۹، ۳۸۶، ۳۸۷، ۳۹۹

۴۰۵، ۴۱۰، ۴۲۲، ۴۳۰، ۴۴۷، ۴۵۱

۴۷۳، ۴۷۵، ۵۱۶، ۵۱۵، ۵۲۲، ۵۲۴

۵۳۳، ۵۳۹، ۵۴۵، ۵۴۹، ۵۶۲، ۵۷۳

۵۷۸، ۵۸۳، ۵۹۷

ایرج افشار ۱۵۶

ب

بابل ۴۷۳

باقندی حافظ ابوبکر ۲۸، ۲۹، ۳۱

حضرت باقر (ع) ۱۳۳، ۱۸۰، ۳۵۴، ۵۰۶

سید باقر حجة الاسلام ۱۴۷، ۲۱۷، ۴۱۰

۴۱۱، ۴۱۲، ۴۱۳، ۴۱۴، ۴۶۵، ۴۶۶

آقا باقر بهبهانی ۱۱۶، ۱۷۶، ۱۹۹، ۲۰۰

۲۰۱، ۲۰۲، ۲۰۶، ۲۱۱، ۲۱۴، ۲۱۶

۲۱۷، ۳۹۰، ۴۱۹

آقا باقر بن علی اصغر بن میرزا مهدی ۳۹۹-

سید باقر قزوینی ۲۰۵

آقا بالا خان وکیل الدوله ۴۸۳

بامداد مهدی ۴۷۶

سلطان بایزید ۵

سید بحر العلوم نجفی بروجردی ۱۲۵

۱۳۵، ۱۳۶، ۱۴۰، ۱۴۱، ۱۴۵، ۱۵۲

۱۶۲، ۱۶۳، ۱۶۴، ۱۶۷، ۱۶۷، ۱۶۹

۱۷۲، ۱۷۳، ۱۷۴، ۱۷۶، ۱۷۷، ۱۷۸

۱۷۹، ۱۸۰، ۱۸۱، ۱۸۲، ۱۸۵، ۱۸۶

۱۸۸، ۱۸۹، ۱۹۰، ۱۹۱، ۱۹۲، ۱۹۳

۱۹۴، ۱۹۵، ۱۹۶، ۱۹۷، ۱۹۹، ۲۰۰

۲۰۱، ۲۰۲، ۲۰۳، ۲۰۴، ۲۰۵، ۲۰۶

۲۰۷، ۲۰۸، ۲۰۹، ۲۱۰، ۲۱۱، ۲۱۲

۲۱۳، ۲۱۴، ۲۱۵، ۲۱۶، ۲۱۷، ۲۱۸

بزرجمهر بن محمد بروجردی ۸۶، ۸۷

بصره ۱۰، ۱۲، ۲۸، ۱۱۷، ۱۴۴

بطلمیوس ۲۹۰

بعلبك ۱۰۰

بغداد ۵، ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۱۹

۲۰، ۲۱، ۲۲، ۲۳، ۲۴، ۲۶، ۲۷، ۲۸

۲۹، ۳۰، ۳۱، ۴۰، ۴۱، ۴۳، ۵۱، ۵۲

۵۵، ۵۶، ۵۷، ۶۱، ۶۲، ۶۳، ۶۴، ۶۵

۶۹، ۷۰، ۷۱، ۷۲، ۷۶، ۷۸، ۸۲، ۸۳

۸۶، ۸۷، ۸۸، ۹۱

۹۳، ۱۲۰، ۱۲۹، ۱۳۵، ۲۱۶، ۲۲۰

۲۵۷، ۳۵۷، ۳۷۳، ۳۶۰

بقراط ۱۷۶

بلخ ۵۳۹

بمبئی ۱، ۳۰۱، ۳۲۴، ۳۲۵، ۳۵۱، ۳۵۲

۵۲۴، ۵۳۹، ۵۵۱

بنی امیه ۳۵۵

بنی عباس ۱۷

بوعلی سیناء ۴۷۳

بهاء حسین علی ۳۹۴

بهاء الدوله دیلمی ۱۷

بهاء الدین احمد بروجردی ۸۸

بهاء الدین حجتی بروجردی ۳۲۶، ۵۵۴

۲۱۹، ۲۲۰، ۲۲۱، ۲۲۲، ۲۲۳، ۲۲۴

۲۲۵، ۲۲۶، ۲۲۷، ۲۲۸، ۲۲۹، ۲۳۱

۲۳۳، ۲۳۵، ۲۳۷، ۲۳۸، ۲۳۹، ۲۴۰

۲۴۱، ۲۴۲، ۲۴۳، ۲۴۴، ۲۴۵، ۲۴۶

۲۴۷، ۲۴۹، ۲۵۰، ۲۵۵، ۲۶۱، ۲۶۲

۲۸۲، ۳۱۶، ۳۱۸، ۳۲۲، ۳۲۵، ۳۲۶

۳۷۳، ۳۸۶، ۳۹۱، ۳۹۸، ۴۱۰، ۴۴۶

۴۵۲، ۴۹۱، ۵۲۰، ۵۳۸

بخارا ۵۲

بخاری ۶۰، ۶۷

بختیار بن عبدالله حاجبی ۸۱

بختیاری ۵۷۰

میرزا بدیع درب امامی ۵۴۱

بدر بن صالح بروجردی ۷۷، ۸۰

برلن ۵۰۵

برید بن معویه عجللی ۱۸۱

برهان الدین مالکی ۲۵۷

بریه بنت محمد بن موسی ۲۷۷

بریه بنت موسی ۲۷۴

آقا بزرگ تهرانی ۵۱۸، ۵۲۰، ۵۲۹

آقا بزرگ ساوجی ۵۱۵

آقا بزرگ شهیدی ۵۹۳

- سید تقی بن سید احمد قزوینی ۲۰۵
 میرزا تقیخان امیر کبیر ۳۷۵، ۴۷۶
 حاج شیخ تقی شریعت ۵۸۶
 شیخ تقی ملا کتاب ۲۳۸
 تقی الدین منصور بن فلاح یمنی نحوی ۴۳۴
 تنکابنی ۳۷۶
 تهران ۱۰۱، ۱۰۸، ۱۱۳، ۱۱۷، ۱۵۳
 ۱۷۴، ۱۸۶، ۲۱۶، ۲۱۹، ۲۲۲، ۲۳۴
 ۲۳۵، ۲۴۷، ۲۵۴، ۲۵۵، ۲۷۰، ۲۷۶
 ۲۸۸، ۲۹۲، ۲۹۴، ۲۹۵، ۲۹۷، ۳۰۱، ۳۰۸
 ۳۱۱، ۳۲۴، ۳۲۷، ۳۲۸، ۳۲۹، ۳۳۴
 ۳۳۵، ۳۳۶، ۳۳۹، ۳۴۰، ۳۴۱، ۳۴۹
 ۳۵۱، ۳۵۲، ۳۶۲، ۳۶۶، ۳۷۵، ۳۷۶
 ۳۷۸، ۳۷۹، ۳۸۰، ۳۹۸، ۴۱۲، ۴۱۵
 ۴۱۸، ۴۳۳، ۴۴۳، ۴۴۷، ۴۵۶، ۴۵۷
 ۴۵۹، ۴۷۲، ۴۷۸، ۴۸۱، ۴۸۲، ۴۸۳
 ۴۸۵، ۴۸۹، ۴۹۰، ۴۹۳، ۴۹۴، ۵۰۴
 ۵۰۵، ۵۰۷، ۵۰۸، ۵۰۹، ۵۱۴، ۵۱۵
 ۵۱۶، ۵۲۳، ۵۲۵، ۵۲۶، ۵۲۷، ۵۲۸
 ۵۴۲، ۵۴۵، ۵۴۸، ۵۵۲، ۵۵۳، ۵۵۹
 ۵۶۲، ۵۶۳، ۵۶۵، ۵۷۱، ۵۷۵، ۵۷۶
 ۵۹۵، ۵۹۷
 توپسرکان ۴۹۶
- شیخ بهائی ۱۵، ۹۹، ۱۰۰، ۱۰۲، ۱۰۳، ۱۱۴
 ۱۴۴، ۱۵۲، ۱۵۷، ۱۹۹، ۲۶۲، ۳۰۱
 ۴۶۱، ۵۲۸، ۵۳۸
 بهبهان ۱۸۸
 بهرام میرزا ۴۵۲
 بهزاد ۱۶
 بهمن میرزا ۲۹۲
 بهمنیار ۲۹۰
 حاجیه بی بی طباطبائی ۳۲۶
 حاجیه بیگم ۳۷۱
 بیبی بتول ۲۹۶، ۳۰۰
 بیت المقدس ۵۸، ۶۵، ۲۵۷
 بیرجندی ۵۶۷
 بیروت ۵۴۵
 بیضاء ۴۹
- پ
- پاریس ۵۰۵
- ت
- تاج الدین ابن زهره ۲۷۷، ۳۵۶
 تاج الدین سبکی ۵۱، ۵۷، ۵۵، ۷۱، ۷۶
 تاج الدین ابن معید ابو عبدالله ۱۳۱
 تبریز ۱۱۷، ۱۸۶، ۲۹۲، ۳۱۴، ۳۱۵
 ۳۲۹، ۳۵۱، ۳۷۵، ۳۸۱، ۵۱۴

ث

سید ثابت بن ناصر بن ابراهیم ۴۴۴، ۵۱۹

ثعالبی ۳۶، ۴۷

ثوری ۴۱

ج

جابر جعفری ۱۳۳

جالبی ۹۷، ۳۸۷، ۳۸۸، ۳۸۹، ۳۹۰

ج۴۰۱، ۴۱۸، ۵۱۴

جبل عامل ۹۸، ۱۱۱، ۲۰۳، ۲۱۳

جبال ۵۸

جرجی زیدان ۲۷۴

جریر بن ابی حازم ۳۱

جریر ۲۴۹

جزیره ۸۲

جزری شافعی ۵، ۲۱، ۲۲

جعفر بن ابراهیم طباطبائی ۱۳۳

جعفر بن حسن ۱۳۰

جعفر بن حسین ۳۱۴

سید جعفر خراسان ۲۲۱

حاج جعفر روغنی ۵۱۱، ۵۱۲

حاج شیخ جعفر شوشتری ۱۷۳، ۴۱۵

جعفر صادق علیه السلام ۹۶، ۱۳۰، ۱۳۲

ج۴۱۸، ۲۴۹، ۲۹۰، ۳۵۴، ۳۵۵، ۳۵۶

۳۹۴

جعفر طیار ۵۹۴

میرزا جعفر بن علی نقی ۲۴۶

شیخ جعفر کاشف الغطاء ۱۷۸، ۱۹۰

ج۲۰۱، ۲۰۲، ۲۰۳، ۲۰۵، ۲۰۶، ۲۰۷

ج۲۱۳، ۲۱۵، ۲۱۶، ۲۱۸، ۲۱۹، ۲۲۲

ج۲۲۳، ۲۲۴، ۲۴۴، ۳۴۸، ۳۶۰، ۳۶۱

ج۳۷۳، ۳۷۴، ۳۹۶، ۳۹۷

سید جعفر کشفی بروجردی ۲۶۰، ۲۷۲

ج۲۷۵، ۲۷۷، ۲۷۸، ۲۷۹، ۲۸۰، ۲۸۱

ج۲۸۲، ۲۸۳، ۲۸۴، ۲۸۵، ۲۸۷، ۲۸۸

ج۲۸۹، ۲۹۰، ۲۹۱، ۲۹۲، ۲۹۳، ۲۹۴

ج۲۹۵، ۲۹۶، ۲۹۷، ۲۹۸، ۲۹۹، ۳۰۰

ج۳۰۱، ۳۰۲، ۳۰۳، ۳۰۴، ۳۰۵، ۳۰۶

ج۳۰۷، ۳۰۹، ۳۱۶، ۳۴۲، ۳۶۰، ۴۱۷

ج۴۲۸، ۴۳۵، ۴۳۸، ۴۵۷، ۴۵۹، ۴۶۳

ج۴۸۷، ۴۸۸، ۴۹۵، ۵۰۳، ۵۰۵، ۵۵۹

۵۸۸

شیخ جعفر کمرئی ۱۱۴، ۱۱۵، ۱۱۶

ج۱۱۷، ۱۱۸، ۱۲۰، ۱۸۸

شیخ جعفر محبوبه ۲۱۰۰، ۳۱۶، ۳۷۳

۳۸۱

شیخ جعفر محقق ۲۷۱

جعفر بن محمد مارستانی ۲۰، ۲۱

- میرزا جعفر بن میرزا محمد طهرانی ۴۱۴
 جعفر بن محمد بن موسی علیه السلام ۲۷۷
 جعفر بن موسی (ع) ۲۷۳
 سید جعفر میر ابوالقاسم ۲۰۴
 جلال الدوله ۵۶
 جلال الدین رومی ۲۳۲
 جلال الدین عبدالرحمان سیوطی ۸۲
 ۲۵۳
 سید جلال الدین محدث ۱۵۲
 جلال الدین میرزا ۳۴۶
 آقا جلال الدین بن میرزا ابوالحسن ۳۹۸
 جمال الدین محمد بروجردی ۳۲۵
 ۳۲۷، ۳۲۸، ۳۲۹، ۳۳۰، ۳۹۲، ۳۹۴
 ۳۹۷
 آقا جمال محقق خوانساری ۱۱۴، ۱۱۶
 ۲۰۴
 آقا جمال فرزند ملا علی بروجردی ۳۹۴
 ۳۹۵، ۴۰۰
 سید جمال الدین نسابه ۱۲۹، ۱۳۲،
 ۱۳۴، ۱۳۵
 جمال الدین میثمی ۲۵۳
 جمیل بن دراج ۱۸۱
 جنید شیرازی ۲۷۶
 جواد طارمی ۱۸۷
 سید جواد عاملی ۱۷۸، ۱۸۳، ۲۰۸،
 ۲۱۳، ۲۱۵، ۲۱۶، ۲۲۰، ۲۲۹، ۲۳۷،
 ۳۶۰
 شیخ جواد بن شیخ علی ۱۸۷
 سید جواد بن سید مرتضی بروجردی
 طباطبائی ۱۷۶، ۲۶۱، ۲۶۲، ۳۶۸،
 ۴۳۸، ۴۴۶
 حاج سید جواد کربلایی ۳۱۰
 سید جواد بن محمد رضا بحر العلوم ۲۵۰
 جوهری بروجردی ۶۱
 میرزا جهان بخش بروجردی ۴۸۱
 جهانگیر خان ۵۸۵
 ح
 حبیب الله ۳۹۵
 حبیب آبادی ۱۶۲
 حبیب آبادی ۱۶۲
 میرزا حبیب الله جابلقی ۳۸۸
 ملا حبیب الله کاشانی ۵۱۸، ۵۳۸
 میرزا حبیب الله رشتی ۳۹۶، ۴۲۲، ۴۵۵
 ۴۷۹، ۵۲۳، ۵۸۵

آقا حسن روحانی ۵۲۳	حجاج بن یوسف ثقفی ۱۲، ۱۳
سید حسن صدر ۱۰۵	حسان ۲۴۵
آقا حسنعلی ۱۳۷	حسام السلطنة ۱۵۳، ۲۶۰، ۲۹۴، ۲۹۵
حاج شیخ حسنعلی اصفهانی ۲۳۴	۳۰۵، ۳۴۲، ۴۰۱
ملاح حسنعلی بن نوروزعلی ملایری ۴۱۵	شیخ حر عاملی ۹۸، ۲۷۹، ۴۶۶
حاج میرزا حسن فسائی ۲۸۱	امام حسن علیه السلام ۱۲، ۱۲۷
سید حسن قاینی ۴۲۰	۱۲۸، ۱۲۹، ۱۳۲، ۳۵۳، ۳۵۴، ۴۱۷
سید حسن کشفی ۲۹۶	حسن بن احمد بروجردی ۳۵
شیخ حسن کاشف الغطاء ۳۴۳، ۳۴۸،	حسن بن احمد بوعلی ۷۰
۳۴۹، ۳۶۰، ۳۶۱، ۳۷۳، ۳۹۶، ۳۹۷	حسن بن ابراهیم طباطبائی ۱۳۴
حاج شیخ کمره ۵۶۴	سید حسن بن احمد قزوینی ۲۰۵
سید حسن بن سید محمد ۳۱۴	حسن بن احمد نحوی ۲۲۲
حسن بن محبوب ۱۸۱	شیخ حسن آیتی بروجردی ۵۳۲
شیخ حسن بن محمد نصار نجفی ۲۰۹	شیخ حسن بروجردی ۳۶۷
حسن مثلث ۱۳۰	حاج سید حسن اولیائی بروجردی ۵۴۵
شیخ حسن صاحب انوار الفقاهه ۲۱۵	۵۴۷
حسن مثنی ۱۲۷، ۱۲۹، ۱۳۰، ۱۳۲	شیخ حسن امام جمعه بروجردی ۵۹۵
شیخ حسن بن محمد رحیم بروجردی ۴۷۹	حسن بن امین الدین طبرسی ۵۲۷
حسن بن موسی ۲۷۳	حسن بن ابوتراب بروجردی ۵۰۰
حاج میرزا حسن نیکو بروجردی ۳۰۹	حسن بن اسماعیل ۱۳۱
میرزا حسن والد میرزای قمی ۳۸۷، ۳۸۸	آقا حسن تهرانی ۳۹۶
حسنه بنت ابراهیم غمر ۱۳۱	حسن بن جعفر کشمیری ۲۵۸

حاج میرزا حسین خلیلی ۴۵۴، ۵۱۳، ۵۴۸	حسنیه بنت موسی ۲۷۳
حسین بن روح نوبختی ۲۶۹	امام حسین عليه السلام ۱۲، ۱۲۹، ۱۳۰، ۱۶۶،
سید حسین بن سید جواد طباطبائی ۵۷۹	۱۶۷، ۲۷۷، ۲۷۸، ۳۰۰، ۳۵۳، ۵۲۱،
حاج آقا حسین روحانی ۵۲۳	۵۳۴، ۵۵۳
حسین بن سید حیدر کرکی ۹۷	سید حسین بن ابوالحسن عاملی ۲۱۰
حسین اصغر بن زین العابدین ۵۱۹	سید حسین بروجردی ۱۶، ۸۶، ۹۹،
سید حسین بن ابوالقاسم جعفر موسوی	۱۰۳، ۱۸۹، ۱۹۵، ۱۹۸، ۲۱۵، ۲۲۶،
۱۹۱، ۱۹۲	۲۵۵، ۲۷۸، ۲۸۰، ۳۰۳، ۳۱۹، ۳۴۸،
حسین بن شیرک ۱۹	۳۵۳، ۳۵۶، ۳۵۷، ۳۵۸، ۳۵۹، ۳۶۱،
حسین بن ابوالقاسم خوانساری ۱۲۳	۳۶۲، ۳۶۳، ۳۶۴، ۳۶۵، ۳۶۶، ۳۶۷،
شیخ حسین طبیب ۵۶۷	۳۷۳، ۳۷۴، ۳۷۵، ۳۹۰، ۴۱۶، ۴۳۵،
شاه سلطان حسین صفوی ۱۱۵، ۱۱۸	۴۶۳
۱۳۸، ۱۴۰	آخوند ملا حسین بروجردی ۱۰۶
سید حسین بن عبدالرحمن اولیائی ۴۹۲	آقا حسین بن ابوالمجد طباطبائی ۵۸۱
حسین بن علی جعل ۱۷۳	سید حسین بحر العلوم ۱۸۴، ۱۸۵، ۱۸۷،
ملاحسین قلی همدانی ۴۵۴	۲۴۶، ۲۴۷
سید حسین بن امیر محمد ابراهیم قزوینی	آقا حسین بن شیخ ابو محمد ۵۶۵
۱۹۲	شیخ حسین بن آقا باقر بروجردی ۲۵۹،
حسین بن محمد بن عفرانصاری ۲۸	۳۰۵، ۳۳۹، ۴۸۹، ۴۹۰،
شیخ حسین مآخوری ۱۹۴	شیخ حسین بحرانی ۲۷۸، ۲۷۹،
ملاحسین محبوب بروجردی ۵۶۹	ملاحسین جابلقی ۴۰۱، ۴۱۸،
حاج حسین ملک ۴۷۸	سید حسین خوانساری ۱۱۷، ۳۸۸، ۴۶۴،
حسین بن ناصر الدین ۵۱۹	۴۶۶

سید حیدر موسوی ۲۱۰	حاج میرزا حسین نوری ۱۳۸، ۱۳۷، ۱۰۵
سید حیدر یزدی ۱۹۱	۱۵۱، ۱۶۸، ۱۶۹، ۱۷۳، ۱۷۷، ۱۹۲،
خ	۲۰۶، ۲۰۷، ۲۱۱، ۲۲۶، ۲۳۷، ۲۳۸،
خان بابا مشار ۳۲۴، ۳۴۱، ۴۱۸	۲۴۰، ۲۴۲، ۳۳۴، ۳۳۷، ۳۳۹، ۳۷۶،
خانلر میرزا ۳۴۶	۳۷۸، ۳۷۹، ۳۸۰، ۵۹۵
خدایچه بنت ابراهیم غمر ۱۳۱	شیخ حسین نجف ۱۶۸، ۱۹۶، ۲۰۸،
خدایچه بنت موسی ۲۷۳	۲۰۹، ۲۲۶
خراسان ۳۶، ۴۴، ۵۲، ۵۳، ۵۶، ۵۸	حفص ۲
۶۵، ۶۹، ۷۸، ۷۹، ۱۷۳، ۱۸۵، ۲۴۷	حله ۱۳۲، ۱۶۷، ۲۰۵، ۲۱۳، ۲۲۱،
۲۴۸، ۳۳۷، ۳۴۰، ۳۵۴، ۳۵۷، ۴۷۵	حمد بن محمد بن ابراهیم ۳۰
۴۷۶، ۴۷۷، ۵۹۵	حمد بن محمد بن فورجه برو جردی ۴۶
خرم آباد ۳۰۴، ۴۹۹	حماد بن عثمان ۱۸۱
خسرو میرزا ۳۷۵	حماد بن عیسی ۱۸۱
شیخ خضر ۲۱۳	حکیمه بنت محمد بن موسی بن جعفر ۲۷۳
خضر نبی ۲۸۱	حکیمه بنت موسی ۲۷۳
خطیب بغدادی ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۲۰، ۲۳	حلب ۲۵۳
۲۴، ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۴۰	شیخ حمزه بن احمد نحوی ۲۲۲
خطیب همدانی یوسف بن محمد ۶۳	حمزه بن موسی ۲۷۳
خلف بن احمد قیروانی ۱۷۹	حنظله ۲۰۴
شیخ خلف ۲۷۹	حمید مجید هلدو ۴۳۴
خلیفه دزفولی ملا حسین ۵۵۱	حویزه ۱۱۷
حاج میرزا اخیل ۵۱۴	حیدر ۲۴۹، ۲۹۱
ملا خلیل قزوینی ۵۸۲	حیدر آباد ۹۸، ۹۹

- خوانسار ۱۴۷، ۲۰۴، ۴۵۳، ۵۱۴، ۵۴۱،
 خواجه نصیر الدین طوسی ۸۶، ۱۰۶،
 خوزستان ۵۸، ۶۴، ۶۵، ۱۱۷، ۱۹۴،
 ۳۲۹، ۵۴۹، ۵۵۰، ۵۵۱، ۵۵۲، ۵۵۵،
 خوله دختر منظور ۱۲۹
 خوی ۱۴۶
 د
 داراب ۲۸۲، ۲۸۳، ۳۰۹،
 داود بن حسن ۱۳۰
 داود پاشا ۲۲۰
 حاج میرزا داود بن حاج ملا اسد الله
 بروجرودی ۲۴۵، ۳۲۵، ۳۲۶،
 میرزا داود بن سلیمان بروجرودی ۴۳۹،
 ۴۴۱
 داود عمید الدین بروجرودی ۸۹
 داود نبی ۱۲
 درویش قاسم مشهدی ۱۵۷
 دزفول ۵۳۳، ۵۴۹، ۵۵۱، ۵۵۲، ۵۵۳،
 دعبل خزاعی ۹۵
 سید دلدار هندی ۲۱۰، ۲۱۱،
 دمشق ۱، ۵۷، ۶۰، ۷۸، ۱۱۱، ۲۰۴،
 دوانی ۱۳۷، ۱۳۸، ۱۴۵، ۱۴۶، ۱۴۸،
 ۱۵۲، ۱۵۳، ۱۷۵، ۱۷۶، ۱۸۹، ۱۹۴،
 ۴۸۰، ۵۸۴،
 ۱۹۵، ۲۰۰، ۲۱۰، ۲۱۷، ۲۱۸، ۲۲۵،
 ۲۴۰، ۳۸۹، ۳۹۱، ۳۹۳،
 دوست علیخان ۳۲۸
 دونق ۱۴
 دهخدا علی اکبر ۳۶۴، ۴۱۵، ۴۹۰، ۴۹۳
 دهلی ۴۸۱
 دیالمه ۱۷
 دینور ۴۸
 ذ
 ذره میر سید محمد کشفی ۲۹۸، ۲۹۹، ۳۰۰،
 ذهبی محمد بن احمد بن عثمان ۳۰
 ر
 رازان ۷۷، ۸۰
 شیخ راضی بن محمد ۱۸۷
 راوندی ۷۵
 شیخ ربیع همدانی ۴۸۲
 رحمت اصفهانی ۴۶۶
 ملا رحمت الله کرمانی ۳۲۴، ۳۲۵،
 شیخ رحیم خوانساری ۴۵۲، ۴۵۴،
 رشت ۱۵۳، ۳۸۷، ۴۱۰
 امام رضا علیه السلام ۹۵، ۱۰۰، ۱۳۲،
 ۱۸۰، ۱۸۴، ۱۸۵، ۴۷۸، ۴۷۹،
 ۴۸۰، ۵۸۴،

سید رضا اولیائی بروجردی ۴۹۲	رکن الدوله ۵۹۶
سید رضا بن بحر العلوم ۱۸۳ ، ۲۲۶ ، ۳۲۶	روم ۵۱۹
حاج آقا رضا سبط حاج شفیع بروجردی ۴۲۵ ، ۴۲۲ ، ۳۶۳	سید روح الله ۲۸۴ ، ۲۹۶ ، ۵۰۳
سید رضا بن سید محمد طباطبائی ۱۴۴	رویس ۲
آقا رضا بن ملا محمد نائینی ۲۴۰	سید ریحان الله بروجردی ۲۸۳ ، ۲۰۸ ، ۱۲۳
سید رضا خطاط ۲۵۵	۲۸۴ ، ۲۹۲ ، ۲۹۳ ، ۴۹۶ ، ۲۹۷ ، ۴۵۶
رضاقلیخان هدایت ۳۰۹	۵۰۳ ، ۵۰۴ ، ۵۰۵ ، ۵۰۶ ، ۵۰۷ ، ۵۰۸
سعید رضا والد سید حسین بروجردی ۲۱۵	۵۰۹ ، ۵۲۰ ، ۵۵۹
میرزا رضا گلپایگانی ۱۸۷	ری ۴۴ ، ۵۳ ، ۲۷۴ ، ۳۰۲ ، ۴۵۷ ، ۵۱۴
سیدرضی ۳۵۶	۵۴۲ ، ۵۶۰
سیدرضی بن طاوس ۱۷۸	ز
سیدرضی بن سید محمد ۱۴۵	زجاج ۷
سیدرضی قدغویی ۵۶۵ ، ۵۶۶	زراره ۱۸۱
میرزا رفیعا طباطبائی ۱۰۶	زرکلی ۲۵۹ ، ۴۹۰
شیخ رفیع بن محمد ربیع جیلانی ۲۱۱	زعیم الدوله ۳۰۷ ، ۵۰۴
رفیع الدین محمد صاحب ابواب الجنان ۴۶۳	زلیخا ۳۳۱
رفیع الدین محمد بن فتح الله قزوینی ۵۸۲	زمخشری ۵۳۷ ، ۵۹۲
رقیه بنت ابراهیم غمر ۱۳۱	زنوز ۱۴۶
رقیه بنت موسی ﷺ ۲۷۵ ، ۲۷۳	زنوزی ۱۹۵ ، ۲۳۸
	زهراء (ع) ۳۳۲
	زکریانی (ع) ۱۳
	زیاد بن ایوب ۶۳
	زیاد بن سمیه ۱۰ ، ۱۱

۵۶۲، ۵۶۱، ۵۴۶، ۵۴۵، ۵۳۳، ۵۲۳
 ۵۷۲
 سرمن رای ۳۷۹
 ملاسبز علی ۳۸۹، ۳۸۸
 سبکی ۷۲، ۵۷، ۵۳
 سپهر ۲۸۱
 امام سجاد عليه السلام ۵۰۶، ۳۵۴
 سراج الملك ۵۵۹، ۵۶۰
 سرخس ۷۹
 سعد بن عبادہ ۳۲
 سعد بن منصور معروف به ابن کمونہ ۱۴۴
 سعدی ۲۹۹، ۳۰۰
 سعید العلماء مازندرانی ۴۰۴
 سکینه ۱۳۰
 سعید نفیسی ۲۵۱
 سلطان آباد ۴۲۱، ۵۱۴، ۵۱۵، ۵۳۴
 سلامة بن عمر نصیبی ۱۶، ۱۷
 سلطان سلیم ۵۱۹
 سلمان ۱۶۹
 سلیمان نبی (ع) ۱۳، ۳۳۳
 شاه سلیمان صفوی ۹۸، ۱۰۴، ۱۱۳، ۱۱۷
 ۵۸۳، ۱۴۷
 سلیمان بن احمد ۲۱۲

زید بن صالح بروجردی ۸۰
 زید بن علی بن الحسین ۳۵۳، ۳۵۴، ۳۵۵
 ۳۵۶
 زید بن موسی (ع) ۲۷۳
 زیدیه ۳۵۴
 زینب ۳۵۳، ۳۵۴، ۳۵۵، ۳۵۶
 زینب نبت موسی (ع) ۲۷۳
 حاج زین العابدین خان ۳۰۹، ۳۱۱، ۳۱۲
 امام زین العابدین عليه السلام ۲۷۵، ۳۱۴، ۳۵۳
 ۵۱۹، ۴۴۴
 زین العابدین علی بن حسین صفوی ۳۳۰
 ملا زین العابدین بروجردی ۴۶۲
 شیخ زین الدین بن میرزا مهدی ۳۹۹
 ۴۹۷، ۴۰۰
 شیخ زین العابدین ۲۱۲
 ملا زین العابدین سلماسی ۲۱۱، ۲۲۶
 ۲۳۷، ۲۳۸، ۲۳۹، ۲۴۰، ۲۴۱، ۲۴۲
 ملا زین العابدین گلپایگانی ۱۸۷، ۳۶۷
 س
 ساکی لرستانی ۳۰۴
 سالارالدوله ۴۹۹
 سامره ۱۹۵، ۲۳۷، ۳۹۶، ۴۱۵، ۴۲۱، ۴۴۷

سیوطی ۴۵، ۸۲	شیخ سلیمان عاملی ۲۱۳
ش	سلیمان بن عبد الملك ۱۳۰
شارت ریشیة فرانسوی ۲۳۱	سلیمان بن ملا اسد الله ۳۲۵
شام ۱۹، ۲۸، ۴۹، ۵۰، ۵۷، ۵۸، ۶۵	شیخ سلیمان مجتهد ۴۳۱
۳۸۷، ۲۵۷، ۲۵۳، ۲۱۶، ۸۲، ۷۸، ۶۹	سلیمان بن موسی ۲۷۳
۵۴۵	شیخ سلیمان نقش بندی ۵۳۹
شاه اسماعیل صفوی ۵۱۹	سمرقند ۱
شاهرخ میرزا ۴۵۷	سمعانی عبد الکریم ۲۵، ۴۱، ۵۹، ۶۶
شاه عبد العظیم ۴۰۶	۶۷، ۷۰
ملاشاده مراد ۳۸۹	سمنان ۴۷۳
شبيب بن حسن بروجردی ۷۱، ۲۷، ۷۳	سمیه ۱۰
آقاشبیر ۵۹۵	سنائی ۲۵۳
شریعت اصفهانی ۱۰۵، ۱۴۷، ۳۹۹، ۵۱۴	سولقان ۵۴۷
۵۲۳، ۵۳۲، ۵۳۳، ۵۶۴	سهل بن ابی خثیمه ۲۸
شریف بروجردی ۲۵۷	سهل بن زیاد ۵۵۱
سید شجاع الدین ۵۶۸	سهل بن سعد ساعدی ۳۱
شیخ شریف بن شیخ عبد الحسین نجفی	سهل سعلو کی ۵۲
۴۵۲، ۴۵۵	سیویه ۱۷
شریف العلماء بیغشی ۳۷۲	سید الشهداء علیه السلام ۱۳۰، ۱۶۳، ۱۹۵، ۱۹۸
شریف العلماء مازندرانی ۳۴۱، ۳۴۹	۲۴۷، ۲۷۷، ۲۹۹، ۳۳۸، ۵۷۲
۳۷۲، ۳۷۴، ۴۰۲، ۴۰۳، ۴۰۴، ۴۲۴	سید سیناء کشفی ۲۹۶، ۴۹۵
۴۷۲	سیلاخور پائین ۵۷۰
شریک بن عبد الله ۲۰	

شهاب شاعر ۱۸۹	شفت ۳۸۷، ۴۱۰
شهید ۹۸، ۹۹، ۱۳۱، ۲۵۷، ۲۶۲	حاج سید شفیع بروجردی ۱۹۷، ۱۹۸
۲۷۳، ۴۲۴، ۴۹۴، ۵۳۸، ۵۸۷	۲۱۶، ۲۲۳، ۳۴۳، ۳۰۵، ۳۱۸، ۳۳۴
شهید ثانی ۱۴۳	۳۳۹، ۳۴۰، ۳۴۲، ۳۴۳، ۳۴۴، ۳۴۹
شهید ثالث ۴۰۵	۳۵۸، ۳۵۹، ۳۶۰، ۳۶۳، ۳۷۲، ۳۸۰
شهرستانی ۱۵۴، ۳۵۴	۳۸۷، ۳۸۹، ۳۹۳، ۳۹۴، ۴۰۱، ۴۰۲
شیخ الرئيس ۹۹، ۱۴۶، ۱۷۶، ۲۰۰	۴۰۳، ۴۰۴، ۴۰۵، ۴۰۷، ۴۰۹، ۴۱۰
شیخ المحققین ۳۰۲	۴۱۱، ۴۱۳، ۴۱۴، ۴۱۵، ۴۱۶، ۴۱۷
شیراز ۵، ۱۰، ۴۹، ۹۱، ۱۴۸، ۲۷۶	۴۱۸، ۴۱۹، ۴۲۰، ۴۲۱، ۴۲۲، ۴۲۳
۲۷۸، ۲۸۰، ۲۸۱، ۲۹۷، ۳۰۱، ۳۰۳	۴۲۴، ۴۲۵، ۴۲۶، ۴۲۷، ۴۳۵، ۴۳۶
۳۰۸، ۳۰۹، ۳۱۰، ۳۱۱، ۳۱۲، ۳۸۹	۴۳۸، ۴۴۴، ۴۴۶، ۴۵۳، ۴۵۵، ۴۶۳
۳۹۰، ۴۱۶، ۵۲۲، ۵۳۳	۴۶۸، ۴۷۴، ۴۷۶، ۴۷۸، ۴۹۶، ۵۱۸
مدقق شیروانی ۱۱۶	۵۲۲، ۵۲۵، ۵۲۹
شیرین ۲۹۸	میرزا شفیع صدراعظم ۵۲۶
ص	شقراء ۱۱۱
صاحب بن عباد ۳۵، ۳۶	ملا شمس ۱۴۴
صادق بن رضا بروجردی ۴۳۰	شمس الدین آملی ۱۰۷
میرزا صادق تبریزی ۲۴۶	شمس الدین بروجردی ۸۸
حاج شیخ صادق سر بندی بروجردی	شیخ شمس الدین بهبهانی ۲۱۴
۵۸۵، ۵۸۶، ۵۸۷	شمس العلماء عبد الرب آبادی ۵۰۵
سید صادق فحام ۲۰۶، ۲۱۳، ۲۱۴	شوشتر ۱۱۳، ۱۲۴، ۵۵۱، ۵۵۲، ۵۵۳
محمد صادق بن ملا محمد ۱۸۷	۵۵۴، ۵۵۵

صادق مداح ۳۲۲	صفوان بن یحیی ۱۸۱
صالح نبی علیه السلام ۱۸۲، ۵۶۹	صفویه ۱۰۲، ۱۱۶
صبا محمد مظفر ۱۰۵	صفی آباد ۵۸۳
صالح بن حسین بروجردی ۷۶	شاه صفی ثانی ۵۸۳
حاج میرزا صالح لرستانی ۳۰۴	صلاح الدین ایوبی ۷۸
صامت بروجردی ۴۹۷، ۴۹۸، ۵۱۱	صنعاء ۴۱
۵۱۲	صیمره ۶۴
صنعة الله کشفی بروجردی ۱۸۷، ۲۹۶	ض
۳۱۵، ۳۱۶، ۳۱۷	ضیاء الدین بن حاج ملا اسد الله بروجردی
صبحی ۳۹۴	۳۲۵، ۳۲۶
صدرالدین امام جمعه بروجردی ۴۳۱	سید ضیاء الدین بروجردی ۳۴۱
۵۲۹، ۵۳۰	سید ضیاء الدین طباطبائی بن سید ابوالقاسم
ملا صدرای شیرازی ۱۴۴، ۲۸۱	۳۴۳، ۳۷۱، ۴۸۳
صدرالدین عاملی شارح وافیه ۱۱۶	سید ضیاء الدین قلعه بروجردی ۴۷۰
۱۱۸، ۲۱۲، ۲۱۳، ۲۱۷	شیخ میرزا ضیاء الدین بروجردی ۲۲۰
صدرالافاضل ۲۹۴	۳۷۳
صدرالدین همدانی ۱۸۸، ۱۹۴، ۲۰۴	ط
۲۱۶	طالب الحق ۵۹۶
صدرالدین موسوی ۵۸۵	حاج آقا طاهر ۴۵۸، ۵۵۶، ۵۸۰
صدوقین ۱۶۹	حاج سید طاهر کاظمینی ۵۷۸
صدقه ۶۰، ۶۷	طاهر بن محمد بن طاهر بروجردی
صفدی ۲۷، ۲۸، ۱۳۴	۵۷، ۵۶

عباس اقبال ۲۷۶	شیخ طه نجف ص ۱۰۵
عباس قلیخان معتمدالدوله ۳۷۷	طاوس یمانی ۴۰۸
سیدعباس کاشانی ۲۹۲	طبرسی ۵۲۷
حاج ملا عباسعلی کزازی ۴۱۰	طرسوس ۱۵
عباسقلی خان سپهر ۵۰۶	طریحی ۲۷۹
عباس بن موسی علیه السلام ۲۷۳	طغرل ۷۵
شاهعباس ثانی ۵۸۳	طوس ۶۹، ۷۰، ۷۸، ۸۶
عبدان ۶۰، ۶۷	شیخ طوسی ۱۳۲، ۱۶۹، ۱۸۲، ۱۸۳
میر عبدالباقی ۱۷۵، ۱۹۲، ۱۹۳	۲۲۶، ۳۶۶، ۴۲۴
آقا عبدالباقی ۱۳۷	خواجه طوسی ۲۱۲، ۴۶۵، ۵۰۱
عبدالبهاء ۳۹۶	شاه طهماسب صفوی ۹۶، ۹۷، ۵۵۵
ملا عبدالجواد ناطق ۵۵۵	ظ
شیخ عبدالحسین بالا خیابانی ۴۷۸،	ظالم بن عمرو ۹
۴۷۹، ۴۸۰	ظل السلطان ۲۶۶، ۴۱۱
سید عبدالحسین بروجردی ۴۴۴، ۴۶۲	ع
۵۰۸	عایشه بنت موسی علیه السلام ۴۷۴
شیخ عبدالحسین تهرانی ۳۷۹، ۴۷۵	حاج شیخ عباس قمی ۱۵۱، ۱۶۷، ۱۹۰
شیخ عبدالحسین شیخ العراقین ۲۰۷،	۱۹۳، ۲۱۱، ۲۱۲، ۲۱۴، ۲۳۸، ۲۳۹
۴۲۰	۲۴۲، ۲۷۹، ۳۲۴، ۳۳۴، ۳۳۵، ۳۳۹
سید عبدالحسین خاتون آبادی ۱۰۶	۳۵۷، ۳۵۹، ۳۶۵، ۳۷۸، ۳۷۹، ۳۸۰
۱۱۷	۳۸۶، ۴۳۵
شیخ عبدالحسین حلی ۱۸۵	شیخعباس بن شیخحسن ۱۸۷

شیخ عبدالحسین بن شیخ حسن ۱۸۷
سید عبدالحسین بن محمد رضا بحر العلوم
۲۵۰

سید عبدالحسین لاری ۳۰۲
شیخ عبدالحسین بن زین العابدین ۳۰۵
عبدالحسین کاتب بلد الامین کشفی
۳۰۵، ۲۹۳، ۲۸۹

سید عبدالحسین نوری ۳۶۵، ۳۶۶
حاج آقا عبد الحسین طباطبائی ۳۷۱،
۴۵۳، ۵۵۶، ۵۵۷، ۵۶۵، ۵۸۰
ملا عبدالحمید کره رودی ۴۱۰

عبدالحسین بن شیخ محمد حسین ۴۷۱
حاج میرزا عبدالحسین صاحب الداری
۵۹۹، ۶۰۰

شیخ عبدالحسین بن عیسی رشتی ۴۸۱
سید عبدالحسین بن فاضل هاشمی ۴۸۶
سید عبد الحسین آل کمونه بروجردی
۵۱۹، ۵۲۰، ۵۲۱

شیخ عبدالحسین رشتی ۵۱۵
عبدالرحمن بن احمد بروجردی ۵۵
عبدالرحمن بن احمد دونی ۵۸، ۵۹، ۶۶
۶۷

میرزا عبدالرحمن مدرس ۴۷۶
سید عبدالرحمن اولیائی ۴۰۰، ۴۹۱
۴۹۲، ۵۴۵، ۵۹۵

عبدالرحمن بن زیاد ۴۱
عبدالرحمن بن علی بن جوزی ۶۱
شیخ عبدالرحیم بروجردی ۱۳۷، ۲۲۲
۳۳۴، ۳۳۹، ۳۴۳، ۳۶۱، ۳۷۲، ۳۷۳
۳۷۶، ۳۷۷، ۳۷۸، ۳۷۹، ۳۸۰، ۳۸۱
۳۸۵

عبدالرحیم بن عبدالکریم سمعانی ۷۲
عبد الرحیم بن عبد الرحمن بوشنجی
۸۱

شیخ عبدالرحیم کرمانشاهی ۱۸۷، ۳۴۲
شیخ عبدالرحیم نهاوندی ۳۳۵، ۳۳۶
شیخ عبدالرحیم حائری ۴۷۱، ۴۷۲، ۴۷۳
عبدالرزاق ۴۱

عبدالرزاق لاهیجی ۲۰۴
عبدالرزاق کمونه ۲۷۵
ملا عبدالرضا بروجردی ۴۶۳، ۵۸۲

سید عبدالصمد جزائری ۵۵۴
عبدالعلی جاپلقی بروجردی ۹۸
عبدالعزیز بن علی ازجی ۲۹
عبدالعزیز ناصبی دهلوی ۱۱۲

- سلطان عبدالعزيز عثمانی ۵۳۹
 شاه عبدالعظیم ۴۴۷، ۵۰۵، ۵۶۰
 سید عبدالعظیم بروجردی ۲۵۶
 شیخ عبدالعلی بن امیدعلی ۲۱۴
 سید عبدالغفار نوربخش ۴۵۷
 آقا عبدالغفار طباطبائی ۵۶۷
 عبدالغنی برادر محتشم کاشانی ۱۸۴
 عبدالقیس ۱۱
 عبدالکریم بن فضل ۱۷
 عبدالکریم طباطبائی ۱۳۶، ۱۳۷، ۱۴۴
 عبدالکریم خوشنویس بروجردی ۲۶۸
 عبدالکریم بن علی بن محمد طباطبائی
 بروجردی ۳۴۲، ۴۶۵
 عبدالکریم حایری ۵۱۵، ۵۲۳، ۵۳۴، ۵۷۴
 سید عبدالکریم لامیجی ۵۵۹
 عبداللطیف بن علی شامی ۵۴۶
 ملا عبداللہ بن نوروزعلی بروجردی ۲۵۸
 ۲۵۹، ۲۶۰، ۳۰۶
 عبداللہ بن بکیر ۱۸۱
 آخوند ملا عبداللہ بروجردی ۳۴۲، ۳۶۵
 ۳۹۹، ۵۱۰، ۵۱۱، ۵۱۲، ۵۱۳، ۵۶۶
 ۵۹۳، ۵۹۴
 حاج عبداللہ ۵۶۳، ۵۶۶
 ملا عبداللہ تونی ۱۱۶
 عبداللہ بن دینار ۱۷
 عبداللہ بن حسن ۳۵۵
 سید عبداللہ جزائری ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۲۴
 ۱۲۶، ۱۳۸، ۱۴۰، ۱۴۲، ۱۴۳
 عبداللہ خطاط بروجردی ۱۱۰
 ملا عبداللہ شوشتری ۱۰۲، ۱۱۴
 میرزا عبداللہ سنندجی ۲۶۴
 سید عبداللہ شبیر ۲۱۵، ۲۱۷، ۳۵۷، ۳۶۰
 شیخ عبداللہ سماهیجی ۱۹۳
 عبداللہ خوشنویس بروجردی ۳۴۶
 آقا عبداللہ طباطبائی ۳۷۱، ۵۵۸، ۵۶۵
 شیخ عبداللہ مامقانی ۳۸۱
 ملا عبداللہ مصحح مواهب السنیہ ۴۵۲
 ۴۵۴
 عبداللہ بن ملا محمد بروجردی ۴۵۸، ۴۸۲
 ۴۸۳
 عبداللہ بن موسی بن جعفر ۲۷۳، ۵۶۳
 عبداللہ بن عثمان بن جبلہ ۶۰، ۶۷
 عبداللہ بن عمرو بن عاص ۲۴
 عبداللہ بن عیاش ۲۴
 عبداللہ بن نافع ۱۴
 ملا عبداللہ کاشانی ۱۱۰

سید عبدالهادی شیرازی ۵۳۳، ۵۳۴	عبدالله بن فضل شیرازی ۱۰۷
عبیدالله بن سعید بروجردی ۲۶، ۲۷، ۲۸	عبدالله بن محض ۱۳۰
۲۹، ۳۰، ۳۱، ۳۴	عبدالله بن ابراهیم طباطبائی ۱۳۴
عبیدالله بن محمد بن وهب ۲۸	ملا عبدالله بن محمد تقی مجلسی ۱۳۶
عتبه ۲۰۴	عبدالله بن مسکان ۱۸۱
عثمان ۱۲، ۱۳	عبدالله بن مغیره ۱۸۱
ابو عمر و عثمان بن سعید ۲۶۹	عبدالله بن مسعود ۷
عذرا بیگم ۳۰۱	شیخ عبدالله نعمت عاملی ۴۷۵
عراق ۱۲، ۴۹، ۵۲، ۵۳، ۵۷، ۵۸، ۶۵	عبدالله بن وهب ۲۴
۷۵، ۱۱۶، ۱۱۸، ۱۳۹، ۱۴۶، ۱۴۸	ملا عبدالله همدانی ۵۰۷
۱۶۹، ۱۷۶، ۱۹۰، ۱۹۴، ۲۰۳، ۲۱۳	عبدالمجید ۳۴۶
۲۳۸، ۲۴۷، ۲۴۸، ۲۸۰، ۳۱۵، ۳۲۵	عبدالملک ۱۲
۳۶۱، ۳۷۹، ۳۸۶، ۳۹۶، ۴۳۳، ۴۴۴	عبدالملک بروجردی ۷۵
۴۷۲، ۵۱۴، ۵۱۵، ۵۱۹، ۵۲۶، ۵۴۸	عبدالملک بن عمرزاز ۳۰، ۳۱، ۳۴
۵۴۹، ۵۶۱	عبدالمحمد بهبهانی ۴۱۸
عزالملک وزیر بروجردی ۷۴، ۷۵	عبدالمعز عمادالدین بروجردی ۸۵
حاج میرزا عسکری بروجردی ۳۲۵	ملا عبدالله النبی قزوینی ۱۲۵، ۱۹۲، ۲۲۵
۳۲۶، ۳۲۷	ملا عبدالله النبی ۱۴۶
عزالدین ابوالفضل بروجردی ۹۰	شیخ عبدالله النبی ۳۸۹
عسقلان ۵۰	عبدالمجید همدانی ۴۵۸
عزالدین ابوالفرج بروجردی ۹۳	عبدالواحد ابوالفتح بروجردی ۷۷
امام عصر (عج) ۱۷۸، ۱۸۴، ۱۸۳	ملا عبدالله الوهاب قزوینی ۵۰۶
عزالدین ابوالفضل محمد بروجردی ۹۴	سید عبدالله الوهاب بن رضی ۵۶۵، ۵۶۶

- عبدالدهله ۱۷
عطا ۸
عطاء بن یسار ۴۱
عقداء ۵۷۷
عکبر ۲۷۳
علاء الدوله سمنانی ۴۵۷
علاءالدین علی بن محمد قوشچی ۱۷۱
علم الهدی سید مرتضی ۱۳۲، ۱۷۶
علاءالدین گلستانه ۱۹۱
علامه حلی ۱۰۶، ۱۱۵، ۱۱۸، ۲۰۰، ۲۰۷
۳۲۳، ۴۷۸، ۴۹۴، ۵۸۷
علامه قزوینی ۵۰۵
علوی ۱۶۰
علی علیه السلام ۹، ۳۲۰، ۳۵۰، ۶۲۰، ۱۲۷، ۱۲۹
۱۷۴، ۲۰۳، ۲۷۷، ۲۸۹، ۲۹۱، ۳۰۱
۳۰۲، ۳۳۲، ۳۵۴، ۳۵۵، ۳۵۹، ۳۷۷
۴۸۹، ۵۸۴
علی اکبر ۲۹۹
میرزا علی اکبر حکمی ۲۹۷
علی بن ابراهیم طباطبائی ۱۳۴
علی بن ابراهیم غمر ۱۳۱
سید علی طباطبائی بروجردی ۱۶۰
سید علی بن ابراهیم عاملی ۱۸۷
سید علی بن احمد قزوینی ۲۰۵
علی بن ابراهیم مجاب ۲۷۸
علی اصغر خان ۳۰۹
میرزا علی اکبر یزدی ۳۱۵
علی اکبر بن جمال الدین ۳۲۷، ۳۲۸، ۳۲۹
۳۳۰
حاج سید علی اصغر بروجردی ۳۴۲
شیخ علی اصغر بروجردی ۳۴۲، ۳۴۷
۳۴۹، ۳۵۰، ۳۵۱
ملا علی اصغر بروجردی ۳۸۳
ملا شیخ علی بروجردی ۳۳۹
حاج سید علی بروجردی ۳۴۲
سید علی بروجردی ۳۷۳
حاج ملا علی بروجردی ۲۱۶، ۳۰۵
ملا علی بروجردی ۳۸۵، ۳۸۷، ۳۹۱
۳۹۳، ۳۹۴، ۳۹۶، ۳۹۷، ۳۹۸، ۳۹۹
۴۰۰، ۴۰۵، ۴۳۵، ۴۶۲
شیخ علی اصغر بن میرزا مهدی بروجردی
۳۹۹
حاج سید علی اکبر والد حاج سید شفیع
بروجردی ۴۰۳
ملا علی اکبر بروجردی الاصل ۴۱۷، ۴۲۶
۴۲۷
سید علی اصغر بن حاج سید شفیع

- بروجردی ۳۵۸، ۴۲۲، ۴۲۳، ۴۵۵، ۳۶۲، ۳۴۸
 سیدعلی اکبر بن حاج سیدشفیع بروجردی
 ۴۲۲، ۴۲۳، ۴۲۵
 شیخ علی اصغر جنانی بروجردی ۴۶۳
 ۴۹۷، ۵۶۶، ۵۸۲، ۵۸۳
 علی اصغر گلپایگانی ۵۳۹
 شیخ علی اصغر غفوری ۵۶۶
 میرزا علی اکبر بن شیخ حسین طبیب ۵۶۶
 میرزا علی اکبر نظام العلماء ۵۶۷
 حاج سیدعلی اکبر مواهبی ۵۵۸
 میر سیدعلی بروجردی اصفهانی ۵۳۱
 ۵۴۱، ۵۴۲
 علی بن اسماعیل محلاتی ۵۲۲
 سیدعلی بحر العلوم ۳۴۳
 شیخ علی بحرینی ۳۹۲
 میرزا علی واعظ بن میرزا ابو تراب
 بروجردی ۵۰۰
 علی اکبر دهخدا ۴۹۳
 علی اکبر والد شیخ غلام حسین بروجردی
 ۴۹۳
 شیخ علی تقوی ۵۷۳
 حاج شیخ علی تالهی ۵۶۷، ۵۷۳
 حاج شیخ علی جواهری بروجردی ۲۴۵
 ملاعلی خوشنویس بروجردی ۳۵۸
 حاج سیدعلی حکیم ۳۰۲
 حاج سیدعلی خان ۳۱۰
 حاج ملاعلی بن خلیل ۴۷۲، ۴۷۳
 حاج میرزا علیخان ۵۸۳
 علی بن دعل خزاعی ۹۵
 علی دوست خان ۳۸۸
 شیخ علی رشتی ۲۹۷
 میرزا علی رضای طاهری قمی ۳۹۲
 شیخ علی رضا همدانی ۴۸۲
 علی رضا خسروانی ۳۱
 شاه علی رضای دکنی ۱۴۸
 حاج آقا علی بن زین الدین قوانینی ۴۰۰
 شیخ علی بن شیرعلی بروجردی ۵۰۱
 آقا شیخ علی شیخ الاسلام بروجردی ۵۴۷

- آقاشیخ علی بن شیخ تقی ۵۶۷
 علی شاه ۲۵۱
 ملا علی عراقی ۵۹۹
 سید علی طباطبائی ۳۱۸
 سید علی صاحب ریاض ۱۵۳، ۱۵۲، ۱۴۶
 ۱۹۶، ۱۹۷، ۱۹۸، ۲۰۰، ۲۰۱، ۲۱۱
 ۲۱۳، ۲۱۸، ۲۲۰، ۲۲۳، ۲۴۳، ۳۸۶
 ۴۰۴، ۴۰۵، ۴۰۶
 علی عسکر خان ۳۱۱، ۳۱۳
 علی بن عبدالعال کرکی ۹۶
 ملا علی بن عبدالله علیاری ۳۶۳
 علی بن عمر نجم الدین کاتبی ۱۰۶
 علی بن عیسی رمانی ۲۷۳
 شیخ علی قوچانی ۵۱۴
 شیخ علی کاشف الغطا ۳۴۹، ۳۶۰
 ۳۷۴، ۳۷۷
 آقا علی بن عبدالوهاب ۳۷۱
 سید علی کشفی ۲۹۶
 ملا علی کنی ۴۴۷، ۴۷۵، ۵۲۶، ۵۵۹
 حاج سید علی گلپایگانی ۵۸۸
 علی بن محمد نهاوندی ۴۰، ۴۱
 سید علی کوه کمری ۵۹۵
 علی بن محمد ابوالحسن بروجردی ۵۲۲
- ۷۸، ۷۹
 میرزا علی آقا کوه کمری ۵۱۴
 سید علی بن محمد ۱۴۵
 سید علی بن محمد طباطبای شهاب ۱۳۵
 میر سید علی طباطبائی ۴۶۴، ۴۶۵، ۴۶۶
 سید علی بن محمد رضا ۲۴۶، ۴۳۵
 علی محمد خطاط ۲۵۴
 علی بن محمد سمی ۲۶۹
 علی محمد باب ۳۰۹، ۳۱۰، ۳۶۰
 سید علی بن محمد بن ثابت بروجردی
 ۳۶۷، ۴۴۴، ۴۶۲، ۵۱۹، ۵۲۰
 سید علی بن محمد بن ارباب جابلقی ۴۲۲
 سید علی محمد بن سید علی بروجردی
 ۴۳۶، ۴۳۷
 آیه الله حاج شیخ علی محمد نجفی
 بروجردی ۵۲۳، ۵۳۴، ۵۶۹
 علی محمد رازانی بروجردی ۶۰۱
 میرزا علی محمد مروج ۵۶۷
 میرزا علی محمد ۵۷۴
 حاج شیخ علی محمد خرم آبادی ۵۷۵
 علی بن موسی الرضا علیه السلام ۱۰۰
 ۱۷۲، ۲۴۷، ۲۷۳، ۲۷۴، ۲۷۵، ۴۷۷
 ۵۲۲

عمر رضا کحاله ۵۳، ۲۵۹، ۳۵۷، ۳۹۸	میرسید علی همدانی ۱۰۷
۴۶۵، ۴۹۰	علی نقی زمانی ۱۵۹
عمر بن یوسف بروجردی ۱۹، ۲۰، ۲۱	سید علی نقی حفید مجاهد ۲۴۵، ۳۲۶
عمر و ۲۰۴	۳۶۹، ۳۴۳
عمر و بن عبید ۶	سید علی نهاوندی نزیل بروجرد ۱۲۱، ۱۲۲
عمر بن مرداس ۱۴، ۱۷	میرزا علی نقی طباطبائی بروجردی ۳۴۹
عیسی ثقفی ۶	۳۶۸، ۴۳۸، ۴۴۷
عیسی بن زید ۲۷۷	شیخ علی نقی بروجردی ۴۱۹
عیسی بن ماهان ۴۸	سید علی یزدی ۱۹۲
سید عیسی کشفی ۲۹۶	ملا علی نوری ۴۰۷، ۴۰۹
عیسی نبی (ع) ۱۳	میرزا علی نقی امام جمعه بروجردی ۴۳۱
عین الدوله ۳۳۰	۴۳۲، ۵۲۹، ۵۳۰
غ	سید علی نقی بن محمد حسن نوربخش
غرمی ۱۱۹، ۲۲۱	بروجردی ۴۵۷
غریب عامی بروجردی ۱۱۳	شیخ علی نقی شیخ الاسلام بروجردی
غزالی ابو حامد ۶۹	۴۶۸، ۵۶۷
شیخ غلام حسین بروجردی ۴۹۳، ۴۹۴	علیه بنت موسی (ع) ۲۷۳
سید غلام حسین بن فخرالدین ۴۳۸	عماد الدین علی قاری استرآبادی ۵۳۸
ف	عماد الدوله امامقلی میرزا ۴۱۸
فاذجانی ۲۹	عمادالدین ابوالکرم محمد بروجردی ۹۵
فارس ۵۸، ۶۵، ۲۴۹، ۲۷۶، ۲۸۱	عماد کاتب ۷۵
۳۱۱، ۳۰۸، ۲۸۳	عمادالدین کاتب اصفهانی ۷۸
	عمان ۱۶، ۲۱۲

- ۳۳۰، ۳۳۱، ۳۳۳، ۳۹۲
 فخرالدین ابومحمد بروجردی ۸۶
 فخرالدین حاج بروجردی ۹۱، ۹۲
 میرزا فخرالدین شیخ الاسلام ۳۹۷
 آقا فخرالدین بن ضیاءالدین طباطبائی ۳۳۸
 آقا فخرالدین طباطبائی ۵۶۷
 حاج آقا فخرالدین محسنی ۵۶۷
 فخر المحققین ۲۰۰، ۳۰۳
 فراهان ۳۷۵
 فرانسه ۲۳۱، ۲۴۰
 فرزדق ۲۴۹
 فرهاد ۲۹۸
 فرهاد میرزا ۲۶۵، ۴۳۷
 فرصت شیرازی ۲۷۶، ۲۷۸، ۲۸۲
 فرج الله ذرفولی ۴۸۵
 فساء ۳۰۸، ۳۱۱
 فسائی ۲۸۱
 شیخ فضل الله مازندرانی ۲۴۶
 میرزا فضل الله نصیر الملك ۳۰۸
 شیخ فضل الله نوری ۳۲۹، ۳۳۰، ۴۵۷
 ۵۱۵، ۵۹۵، ۵۹۶
 فضل الله بن ملا محمد حسین ۴۱۹
 فضل بن موسی ۲۷۳
- فارابی ۹۹
 فارس بروجردی ۴۴۸، ۴۵۱، ۴۵۲
 حاج شیخ فاضل ۲۹۷
 فاضل تونی ۱۸۳
 فاضل بسطامی ۲۱۴
 فاضل خضری ۳۰۴
 سید فاضل هاشمی ۴۸۶
 فاضل هندی ۱۱۶، ۲۰۰
 فاطمه ۲۴۸، ۳۵۳، ۵۴۰
 فاطمه بنت ابراهیم غمر ۱۳۱
 فاطمه بنت ابراهیم طباطبا ۱۳۴
 فاطمه بنت الحسین ۱۳۰، ۱۳۱
 فاطمه فزاری ۱۳۰
 فاطمه بنت موسی ۲۷۳
 فاطمه صغری بنت موسی ۲۷۳، ۲۷۵
 فاطمه بنت محمد بن موسی ۲۷۷
 میرزا افتاح همدانی ۴۸۲
 فتحلی خان صبا ۳۲۰، ۳۲۱
 ملا فتح الله کاشانی ۱۵۶
 ملا فتحعلی سلطان آبادی ۳۳۹
 فتحعلی شاه قاجار ۱۹۶، ۲۱۸، ۲۱۹، ۲۶۴
 ۲۶۵، ۲۹۲، ۲۹۸، ۳۸۶، ۴۰۱، ۴۱۱
 فخرالدین محمد بروجردی ۳۲۵، ۳۲۷

قزوین ۳۸۶، ۳۸۷، ۵۸۲، ۵۸۳	فضولی ۱۰۱
قسطنطنیه ۱۷۱	فضیل بن یسار ۱۸۱
قزوینی ۲۷۶، ۳۲۹	فلسطین ۵۰
قصر شیرین ۵۲۶	فناکی ۲۵، ۵۳
قطیف ۲۷۹	فیروز میرزا ۳۰۸، ۳۰۹، ۳۱۱
قفط ۴۶	فیض کاشانی ۱۴۳، ۲۱۲، ۳۳۸، ۳۶۳
قفطی ۴۴، ۴۶	۵۲۷
حاجیه قمر آغا ۳۷۱	میر فیض الله تفرشی ۵۳۸
قم ۱۲۳، ۱۴۸، ۱۵۱، ۱۵۳، ۲۲۲، ۲۷۲	ق
۲۹۷، ۳۱۵، ۳۳۵، ۳۴۳، ۳۶۲، ۳۶۴	قائم مقام ۲۶۵، ۲۶۶، ۳۷۵
۳۸۷، ۳۸۹، ۳۹۰، ۳۹۲، ۴۱۰، ۴۱۴	قاسم بن ابراهیم طباطبا ۱۳۴
۴۲۳، ۴۵۵، ۴۷۲، ۴۸۱، ۴۹۳، ۴۹۴	قاجاریه ۳۰۵
۵۱۳، ۵۱۴، ۵۱۵، ۵۱۶، ۵۲۳، ۵۳۳	سید قاسم طباطبائی ۵۶۱
۵۵۲، ۵۶۴، ۵۶۵، ۵۶۸، ۵۷۱، ۵۷۲	قاسم بن محمد بن ابی بکر ۶۱
۵۷۴، ۵۷۵، ۵۸۶، ۵۹۵، ۵۹۹، ۶۰۰	قاسم بن محمد بن جعفر ۲۷۴
قندوز ۵۳۹	شیخ قاسم بن محمد آل محیی الدین ۲۱۵
قوام الدین، ۱۱۶، ۱۱۸	قاسم بن موسی ۲۷۳
قوشچی ۱۷۱	قاضی ابوالمظفر بروجردی ۵۶
قیروانی خلف بن احمد ۱۷۹	قاضی ابوسعید بروجردی ۵۵
ک	قاضی مجدالدین ۴۸۵
کاشان ۷۴، ۷۵، ۱۱۰، ۱۱۱، ۳۷۶، ۴۰۳	قاضی حسین ۴۱۰
۴۳۱	قالون ۲۲
کاشف الغطا ۱۸۲، ۴۱۰	قاهره ۱، ۲۸، ۴۵، ۵۰، ۵۰۴

کوک ۵۲۴	کاظم ۱۸۰، ۳۵۷، ۵۶۵
کرج ابودلف ۸۲	سید کاظم بن محمد رضا ۲۴۵
کرمان ۱۲۹، ۴۹۳	آقا کاظم پرتو برو جردی ۲۶۴، ۲۶۵
کرمانشاه ۱۵، ۱۱۸، ۱۳۸، ۱۳۹، ۱۴۰	شیخ کاظم ازدی ۲۲۵
۱۴۱، ۱۴۸، ۱۴۹، ۱۵۱، ۱۵۲، ۱۵۳	سید کاظم یزدی ۳۶۵، ۴۹۷، ۵۱۵، ۵۳۲
۱۷۳، ۲۸۲، ۳۴۳، ۳۴۹، ۴۱۸	۵۳۳، ۵۶۲، ۵۷۷، ۵۸۶، ۶۰۱
کرنند ۴۶۶	سید کاظم رشتی ۳۷۶، ۳۷۷
کره رود ۳۳۹، ۴۱۹	آقا کاظم بن ابوالمجد ۵۸۱
کزاز ۳۳۹، ۴۱۶	کاظمین ۴۴، ۱۱۸، ۱۴۸، ۱۹۷، ۲۱۸
کسروی ۳۲۹	۳۵۷، ۳۷۹، ۳۸۶، ۴۲۱، ۴۷۶، ۵۴۵
کشی ابو عمرو ۱۸۰	۵۴۶، ۵۶۳
کلباسی ۲۱۸	کینهاک ۱۵۶
ملا کلبعلی برو جردی ۱۰۲	کربلا ۱۴۵، ۱۴۶، ۱۵۱، ۱۵۴، ۱۶۱
کلثوم بنت موسی ۲۷۳	۱۶۳، ۱۶۴، ۱۷۲، ۱۸۸، ۱۸۹، ۱۹۵
کلثوم بنت محمد بن موسی ۲۷۷	۱۹۷، ۱۹۹، ۲۰۰، ۲۰۲، ۲۱۱، ۲۱۳
کلینی محمد بن یعقوب ۱۳۶، ۱۶۹، ۲۷۰	۴۲۶، ۲۳۸، ۲۴۳، ۲۴۵، ۲۴۶، ۲۵۵
۵۰۱	۲۷۷، ۲۸۲، ۲۸۹، ۲۹۲، ۲۹۳، ۲۹۴
کمره ۱۱۶، ۱۱۷، ۱۲۰	۲۹۶، ۲۹۷، ۳۳۷، ۳۴۹، ۳۶۰، ۳۷۴
کمیل بن زیاد ۴۸۹	۳۷۵، ۳۷۹، ۳۸۱، ۳۸۶، ۳۸۷، ۴۰۳
کن ۴۴۷	۴۰۴، ۴۰۵، ۴۲۱، ۴۲۴، ۴۲۵، ۴۳۳
کنعان بن نوح ۳۰۷	۴۳۴، ۴۷۱، ۴۷۳، ۴۷۵، ۴۸۱، ۵۱۵
کوفه ۲۸، ۷۰، ۱۳۱، ۱۳۳، ۱۴۳، ۱۷۲	۵۲۸، ۵۳۳، ۵۴۵، ۵۵۳، ۵۷۴، ۵۹۹
۱۸۲، ۲۴۱، ۳۵۴، ۳۵۵، ۵۲۲، ۵۹۷	کرج ۶۷

مآلقه ۸۲	کیخسرو بن قلج ارسلان ۷۵
آقامجتبی بروجردی ۴۹۷	گ
مجنون ۲۹۹	گاندی ۳۲۹
مالک ۱۴، ۱۷، ۱۸۰	گرگان ۶۹
محتشم کاشانی ۱۸۳	گلپایگان ۵۸۸
محلات ۵۲۲، ۵۲۴	حاجیه گوهر آغا ۳۷۱
مامقان ۲۸۱	گوهری هراتی ۴۷۷
متنبی ابو الطیب ۴۵	گیلان ۴۱۰
متوکل عباسی ۲۷۷	ل
ماوراءالنهر ۱۷۱	لبابه ۱۳۴
مجاهد ۲۷	لبابه بنت موسی ۲۷۳
مجدالدین شیرازی ۴۵	لرستان ۷۵
محمد (ص) ۵۵	لطفعلی خان ۳۱۰
سید محسن احر جی ۱۴۶، ۲۰۰، ۲۱۳	میرزایطفا الله بروجردی ۵۷۳
۲۱۶، ۲۱۷، ۲۱۸، ۲۲۰	لکنهو ۱۱۰، ۲۱۱، ۳۱۶، ۴۷۸
محلات ۴۵۳	لندن ۵۰۵
شیخ محمد ابراهیم مدرس ۵۴۳	لیث ۲۷
محمد اکبر بن ابراهیم غمر ۱۳۱	لیدن ۲۸
محمد بن ابراهیم شیرازی ملا صدرا ۱۴۴	لیلی ۲۹۹
محمد اسحق بروجردی ۱۰۵	م
محمد بن اسماعیل ابوعلی حائری ۱۴۶	مأمون ۱۳۱، ۲۷۹، ۳۵۶، ۵۴۸
۲۰۰	مازندران ۲۶، ۲۷، ۳۷۹، ۴۷۳
محمد بن ابراهیم بن زیاد ۱۴، ۱۵، ۱۷	

محمد بن اسماعیل بن بزيع ۱۷۲	محمد بن اسماعیل ۴۷۶، ۵۰۱، ۵۲۰، ۵۵۵
محمد بن ابراهيم اصفهانی ۲۹	شيخ محسن اعسم ۲۱۵
ميرزا محمد استرآبادی ۱۱۶	شيخ محسن بن اسماعیل ۵۴۹
محمد بن ابراهيم طباطبا ۱۳۳، ۱۳۴	سيد محسن بن ابوالقاسم عراقی ۲۲۰
محمد بن ابی عمير ۱۸۱	۳۳۹، ۳۷۳، ۴۲۱، ۴۲۲، ۵۸۳
و محمد بن سيد ابوطالب بروجردي ۴۸۸	سيد محمد ابراهيم کلباسی ۲۱۷، ۲۴۰
حاج محمد ابراهيم قزوینی ۴۱۳	محمد بن احمد بن عبدالله ۴۲
آقا محمد بن ابوالمجد طباطبائی ۵۸۱	ميرزا محمد اخباری ۲۱۸، ۲۱۹، ۲۲۳
ملا محمد ابراهيم آستانه ۴۱۹	محمد بن احمد بن منی بروجردي ۴۹، ۵۰
محمد بن احمد طباطبا ۱۳۴، ۱۳۵	شيخ محسن بن احمد نحوی ۲۲۲
محمد اسماعیل بروجردي ۴۴۳	آخوند ملا محسن ۵۶۷، ۵۸۲
محمد بن ادریس شافعی ۵۵، ۱۸۰	سيد محمد بن اسماعیل موسوی ۲۴۶
ملا محسن بروجردي ۴۶۳	سيد محسن کاظمی ۵۴۰
محمد بن احمد نزیل بروجردي ۸۲، ۸۳	محجوبی ۵۶۹
حاج محمد ابراهيم کرباسی ۴۶۵	محسن بن موسی ۲۷۳
محمد بن احمد بن خزاعیه ۱۳۴	محمد بن احمد بن ابراهيم ۲۷۸، ۲۷۹
حاج محسن بروجردي ۴۶۹	آقا محسن بن ابوالمجد طباطبائی ۵۸۱
سيد محسن شریعتمداری بروجردي ۵۶۸	میر سيد محمد اصطهباناتی ۲۹۷، ۲۹۸
۵۶۹	ملا محمد ابراهيم بن زین العابدین ۳۴۳
سيد محسن عاملی ۱۱۱، ۱۱۷، ۱۲۴	۳۴۴
۱۲۶، ۱۳۹، ۲۰۸، ۲۱۶، ۲۴۶، ۲۶۲	آقا محمد ابراهيم بروجردي ۳۹۹، ۴۰۰
۳۲۰، ۳۲۷، ۳۹۷، ۴۲۳، ۴۴۷، ۴۶۵	۴۹۶، ۴۹۷، ۴۹۸، ۵۶۴، ۵۸۳، ۵۸۴
	۶۰۱

محمد اکمل بهبهانی ۱۱۶، ۱۱۸	حاج آقا محمد بروجردی ۵۱۳، ۵۱۴
سید محمد باقر آل طیب ۵۵۲	۵۱۶
سید محمد باقر بروجردی ۵۶۰	سید محمد بروجردی ۵۱۷
شیخ محمد باقر اصفهانی ۵۱۰، ۵۶۳	میر سید محمد باقر بروجردی ۵۳۱
۵۵۵، ۵۶۶	سید محمد باقر شفتی ۲۲۳، ۴۱۰، ۴۱۱
سید محمد باقر درچه ۵۶۴	۴۱۲
سید محمد باقر خوانساری ۱۴۷، ۳۱۹	شیخ محمد باقر بهاری ۴۵۴
۴۱۳	ملا محمد باقر سبزواری ۴۶۱
محمد باقر بن میر داماد ۹۹، ۱۴۴، ۵۲۷، ۵۲۸	میرزا محمد باقر اصفهانی بروجردی ۴۶۷
ملا محمد باقر مجلسی ۱۵، ۹۸، ۱۰۸، ۱۱۰	محمد باقر بن محمد ۱۸۷
۱۱۲، ۱۱۳، ۱۱۵، ۱۱۶، ۱۱۷، ۱۱۸	شیخ محمد بیدآبادی ۱۹۶
۱۳۵، ۱۳۶، ۱۳۸، ۱۴۱، ۱۵۲، ۱۸۸	ملا محمد اسماعیل یزدی ۱۹۹
۱۹۲، ۳۶۳، ۴۲۴	محمد افطس ۲۷۷
سید محمد باقر قزوینی ۱۶۸، ۱۶۹، ۱۷۰	سید محمد باقر سلطان آبادی ۲۲۰، ۳۳۷
۴۱۳	۳۷۳
محمد باقر حجتی ۱۷۱	سید محمد بن بحر العلوم ۲۲۱، ۲۴۳، ۲۴۴
آقا محمد باقر هزار جریبی ۱۷۵، ۱۹۰	میرزا محمد بروجردی ۲۶۴، ۲۶۵، ۲۶۶
محمد باقر ایروانی ۵۳۵	سید محمد باقر بن مرتضی ۲۷۷
میرزا محمد باقر چهارسوقی ۵۴۱	امام محمد باقر ۳۵۳
سید محمد باقر نحوی ۵۴۲	سید محمد بروجردی ۳۱۴
ملا محمد بروجردی ۵۴۳	ملا محمد باقر سبزواری ۱۱۴، ۱۱۸، ۱۶۲
سید محمد باقر رشتی ۵۴۹	۲۷۹
سید محمد بحرانی ۴۷۳	میرزا محمد باقر همدانی ۳۷۶

شیخ محمد تقی دورقی ۱۹۴، ۲۰۲، ۲۰۶
 شیخ محمد تقی فرزند عبدالرحیم ۲۲۰
 ۳۷۴
 شیخ محمد تقی ملا کتاب ۲۲۳، ۲۴۵
 سید محمد تقی بن سید محمد رضا ۲۴۵
 محمد تقی میرزا ۲۶۰، ۲۸۰، ۲۸۸، ۲۸۹
 ۳۰۵
 میرزا محمد تنکا بنی ۴۱۳
 شیخ محمد تقی قمی برو جردی ۲۶۷
 ملا محمد جعفر آباده ۴۱۰، ۴۱۳، ۴۶۵
 محمد بن جریو طبری ۲۶
 محمد تقی گلپایگانی ۳۴۱
 سید محمد جعفر جزائری ۵۵۳، ۵۵۴
 سید محمد جزائری ۵۵۴
 آقامحمد حسن برو جردی ۵۹۳، ۵۹۴
 شیخ محمد جعفر بن میرزا آقاسی ۴۲۱
 سید محمد حسن آل طیب ۵۵۲
 شیخ محمد جعفر کاشف الغطاء ۱۵۲، ۱۵۳
 شیخ محمد جواد ۵۴۹
 حاج محمد حسن ۵۸۹
 حاج سید محمد حسن طباطبائی برو جردی
 ۵۷۸، ۱۱۶
 محمد بن حسن نقاش ۲۹

ملا محمد بن احمد نراقی ۳۹۲
 حاج شیخ محمد باقر مسجدشاهی ۳۹۶
 ۳۹۷
 آقا محمد بید آبادی ۴۰۹
 شیخ محمد تقی اراکی ۵۹۷
 سید محمد تقی آل طیب ۵۵۳
 شیخ محمد تقی آقاجفی ۵۸۵
 شیخ محمد تقی صاحب هدایه ۲۱۷، ۳۴۱
 ۳۹۶، ۳۹۷، ۴۱۶، ۵۸۵
 سید محمد تقی حجازی ۵۹۰
 ملا محمد تقی مجلسی اول ۱۰۲، ۱۰۳
 ۱۰۶، ۱۱۴، ۱۱۸، ۱۳۵، ۱۳۶، ۱۲۷
 ۱۴۰، ۱۴۱، ۱۵۲، ۱۶۱، ۵۲۸
 شیخ محمد تقی بن ملا احمد برو جردی
 ۱۱۰، ۱۱۱
 میرزا محمد تقی کرمانی مظفر علی شاه ۱۵۳
 سید محمد تقی بحر العلوم ۱۶۴، ۲۵۰
 شیخ محمد تقی همدانی ۴۸۲
 محمد تقی سپهر ۵۰۶
 شیخ محمد تقی دزفولی ۴۲۵
 محمد تقی دانش پژوه ۱۱۳، ۳۴۶، ۳۳۷
 ۴۴۳، ۴۵۶

سید محمد جواد زینی ۲۰۲	ملا محمد حسن بن معصوم ۲۲۲
محمد بن حسن حر عاملی ۹۸	میرزا محمد حسن علیاری ۳۶۳
سید محمد جواد عاملی ۲۱۵	محمد حسن بن محمد صادق ۲۵۳
ابو جعفر محمد بن حسن طوسی ۱۳۲	سید محمد حسن نوری ۳۶۶
محمد جعفر جابلقی ۲۵۲	شیخ محمد حسن مامقانی ۳۸۱
محمد بن حسن ولید استاد صدوق ۱۴۳	شیخ محمد حسن بن زین الدین ۴۰۰
محمد جعفر بهبهانی ۱۵۱، ۱۵۲، ۲۵۴	شیخ محمد حسین بروجردی ۵۹۴
سید محمد حسن زنوزی ۱۴۶	حاج شیخ محمد حسین عقدائی ۵۷۷
محمد جعفر کرمانی ۳۰۱	میر محمد حسین خاتون آبادی ۱۵
سید محمد حسن اولیائی ۴۹۲، ۵۴۵، ۵۴۷	میرزا محمد حسین خوشنویس بروجردی ۱۰۷
شیخ محمد حسن صاحب جواهر ۲۴۵	محمد بن آقا حسین خوانساری ۱۱۴
۳۳۶، ۳۴۸، ۳۶۱، ۳۶۲، ۳۷۴، ۴۷۵	آقا محمد حسین بن ملا صالح ۱۳۷
۴۷۹، ۴۸۰	محمد بن حسین خطاط بروجردی ۱۵۶
محمد حسن بن ملا علی قاینی ۴۷۶	میر سید محمد حسین بروجردی ۱۵۹
محمد حسن سالار ۴۷۶	محمد بن حسین عاملی شیخ بهاء ۱۰۰
محمد حسن تویسر کانی ۳۹۶	شیخ محمد حسین کاظمی ۴۵۴، ۵۲۰
میرزا محمد حسن آشتیانی ۳۲۵، ۴۱۴	حاج ملا محمد حسین کره رودی ۴۱۹
محمد حسن نهاوندی ۴۱۸	محمد حسین بن باقر بروجردی ۲۵۹
میرزا محمد حجت همدانی ۴۵۴	شیخ محمد حسین بن معصوم بروجردی ۲۶۹
شیخ محمد حسن شریف ۴۵۴	محمد حسین رکن زاده آدمیت ۲۹۷
سید محمد حسن نوربخش بروجردی ۴۵۶	شیخ محمد حسین صاحب فصول ۳۴۸، ۳۶۱
۴۵۷	۳۷۴
محمد حایری ۲۷۸	

۴۷۴، ۴۷۵، ۴۷۶، ۴۷۷، ۴۷۸	شیخ محمد حسین بحرینی ۳۹۲
محمد رضا قمشه ۵۲۵، ۵۲۶، ۵۲۸	شیخ محمد حرزالدین ۲۰۵
سید محمد رضا بحر العلوم ۱۹۹، ۲۴۴، ۳۶۹، ۳۲۶، ۲۴۵	محمد بن حمد بن فورجه ۴۴
سید محمد رضا شبیر ۲۱۸	محمد بن حمید ۶۳
شیخ محمد رضا نحوی ۲۲۱، ۲۲۲، ۲۴۴	میرزا محمد خراسانی ۵۹۳
شیخ محمد رضا ازدی ۲۲۴، ۲۲۵	میر سید محمد حقایق کشفی ۲۹۶، ۲۹۷
میرزا محمد رضا یزدی ۳۰۰	حاج شیخ محمد خرم آبادی ۵۷۵
سید محمد رضا حسینی ۳۵۷	ملا محمد خوانساری ۱۴۳
حاج محمد رحیم خان قاجار ۳۷۶	میرزا محمد خان قزوینی ۵۰۵
سید محمد زکی ۵۷۰	میرزا محمد خلیلی ۵۲۳
ملا محمد زمان منجم ۱۵۷	محمد خوشنویس بروجردی ۳۴۷
محمد بن زکریا رازی ۱۹۹	میرزا محمد خان زنگنه ۳۷۵
سید محمد زینی ۲۲۲	محمد دیباج اصغر ۱۳۱
سید محمد زین الدین ۲۲۷	سید محمد دزفولی ۴۸۵، ۱۹۳
محمد بن زید بن علی بن الحسین (ع) ۳۵۶	سید محمد بن دلدار ۳۱۶
شیخ محمد بن زین الدین قوانینی ۴۰۰	شیخ محمد رازی ۲۹۷، ۳۱۴، ۵۵۳، ۵۹۷
ملا محمد سراب ۱۸	سید محمد بن ریحان الله بروجردی ۵۰۷
آقا محمد سعید بن ملا صالح ۱۳۷	۵۵۹، ۵۰۸
حاج محمد سلطان ۳۸۸	شیخ محمد رضا خاتمی ۵۶۵
ملا محمد سلطان آبادی ۴۱۶، ۴۲۱، ۴۲۲	شیخ محمد رضا دزفولی ۵۳۳، ۵۴۹، ۵۵۰
شیخ محمد سعید دینوری ۲۴۵	۵۵۱، ۵۵۲، ۵۵۳، ۵۵۴، ۵۵۵
محمد بن شاکر ۴۷	شیخ محمد رحیم بروجردی ۲۴۷، ۳۳۷
	۴۱۶، ۳۷۳

محمد بن طاهر مقدسی ۵۸، ۵۹، ۶۰، ۶۵	ملا محمد شمس ۱۴۴
۶۷، ۶۸	محمد شریف ۳۸۵
سید محمد طباطبائی بروجردی ۱۲۱	محمد شفیع تبریزی ۱۴۶
۱۲۶، ۱۲۷، ۱۳۵، ۱۳۶، ۱۳۷، ۱۳۸	ملا محمد شفیع قزوینی ۵۸۳
۱۳۹، ۱۴۰، ۱۴۲، ۱۴۳، ۱۴۴، ۱۴۵	سید محمد شهشانی ۱۴۷
۱۵۰، ۱۵۵، ۱۶۰، ۱۶۱، ۱۷۲، ۱۷۷	محمد شاه قاجار ۳۱۰، ۲۷۰، ۲۶۴، ۱۵۳
۱۸۸، ۱۹۹، ۲۲۸، ۲۵۴، ۳۴۲	۳۷۵، ۳۸۵، ۴۷۵
شیخ محمد طاهر بن محسن ۵۴۹	شیخ محمد بن شیر علی ۵۰۲
شیخ محمد طه نجف ۲۰۸	ملا محمد شریف بیغشی ۳۷۳، ۳۷۲، ۳۴۳
محمد بن عبدالله ۱۱۹، ۱۲۷، ۱۲۸، ۲۰۹	حاج شیخ محمد صادق سربندی ۵۸۵
۲۲۴، ۲۲۷، ۲۲۹، ۲۹۰، ۲۹۴	سید محمد صادق بحر العلوم ۱۲۷، ۱۳۶
محمد بن عبدالله بن حسن ۳۵۳، ۳۵۴، ۳۵۵	۱۴۰، ۱۷۳، ۱۸۵، ۲۰۰
آقا محمد علی مازندرانی غروی ۴۰۹	ملا محمد صالح مازندرانی ۱۳۶، ۱۳۷
حاج میرزا محمد علی ادیب ۵۱۵	۱۳۸، ۱۴۰، ۱۵۲، ۱۶۱، ۱۹۷
شیخ محمد علی معزی ۵۵۱	شیخ محمد صالح بن فضل الله ۴۷۳
شیخ محمد علی بن عبدالحسین ۵۵۳	شیخ محمد صادق بروجردی ۵۰۸، ۵۰۹
شیخ محمد علی آیتی ۵۳۲، ۵۳۴، ۵۳۵	میرزا محمد صادق بروجردی ۴۵۸
۵۷۳	ملا محمد صادق بن ملا محمد ۱۹۱
میرزا محمد علیخان ۵۸۳، ۵۸۴	میرزا محمد صادق مجلسی ۱۹۲
شیخ محمد علی ثقة الاسلام ۵۸۵	محمد صادق نحوی بروجردی ۲۵۳
محمد علی رشتی نجفی ۵۸۵	محمد صادق بروجردی ۲۵۷، ۳۴۶
سید محمد بن عبدالکریم طباطبائی ۵۵۶	ملا محمد طاهر قمی ۳۹۲
۵۸۰	حاج آقا محمد طباطبائی ۳۷۱، ۴۵۳، ۴۹۹
	۵۵۶

- محمد بن عبدالله مؤدب بروجردی ۵
 محمد بن عبدالله بن اشته اصفهانی ۸، ۷، ۶
 محمد بن عیسی بروجردی ۱۴، ۱۵، ۱۶
 ۱۷، ۱۸
 محمد بن عمر بن بکیر ۲۳، ۲۴
 محمد بن عثمان سواق ۲۳، ۲۴
 محمد بن عمران دینوری ۲۹، ۳۱
 محمد بن عیسی همدانی ۳۰
 محمد بن علی بروجردی ۵۱
 محمد بن عبیداسدی ۶۳
 محمد بن عتیق سوارقی ۷۸، ۷۹
 محمد بن علی اردبیلی ۱۱۵
 میرزا محمد علی حبیب آبادی ۱۶۲
 آقا محمد علی بروجردی ۱۲۶
 محمد بن علی بن شهر آشوب ۱۳۴
 محمد بن علی الجواد (ع) ۱۷۲
 میرزا محمد علی بن محب علی شیرازی
 ۵۳۳
 محمد عبده بروجردی ۵۴۶
 محمد بن عظیم بروجردی ۵۴۸
 محمد بن ملا عبدالله بروجردی همدانی
 ۴۸۳
 محمد علی بن شیر علی بروجردی ۵۰۲
 شیخ محمد بن ملا عبدالله ۵۱۳
 میرزا محمد علی شاه آبادی ۵۱۳
 شیخ محمد علی اراکی ۵۱۴
 ملا محمد علی محلاتی ۳۳۴، ۳۷۹، ۳۸۰
 ۴۱۶، ۴۵۲، ۴۵۳، ۵۲۲
 محمد علی خوشنویس بروجردی ۴۶۱
 شیخ محمد علی اعسم ۱۸۶، ۲۲۳، ۲۲۴
 ۲۴۴
 شیخ محمد علی بن غانم ۱۸۷
 ملا محمد علی بن محمد حسن ۱۸۷
 میرزا محمد علی بن ملا محمد نصیر ۱۸۷
 سید محمد عصار ۱۸۷
 آقا محمد علی بهبهانی ۱۴۰، ۱۴۵، ۱۴۶
 ۱۴۷، ۱۴۸، ۱۴۹، ۱۵۰، ۱۵۱، ۱۵۲
 ۱۵۳، ۱۵۹، ۱۶۰، ۱۶۱، ۱۶۷، ۱۹۹
 سید محمد علی روضاتی ۲۰۳
 محمد علی کشمیری ۲۱۰
 محمد بن علی بن خاتون ۹۹
 سید محمد علی بلاغی ۲۱۶
 شیخ محمد علی بلاغی ۲۲۰
 شیخ محمد علی بروجردی ۲۲۲
 سید محمد علی بن سید محمد رضا
 ۲۴۶
 محمد بن علی بن بابویه ۲۷۴

میرزا محمد کاظمی همدانی ۴۷۶	محمد علی بن محمد طاهر مدرس خیابانی
حاج ملا محمد کزازی ۳۴۳	۳۴۱، ۳۱۹، ۲۸۳، ۱۹۵، ۱۸۴، ۱۱۷، ۹۷
حاج سید محمد لطیف سجادی ۵۵۳	۴۲۲، ۴۰۳، ۳۹۷، ۳۷۸، ۳۷۴، ۳۴۹، ۳۴۲
حاج محمد کریم خان قاجار ۳۷۷، ۳۷۶	محمد علی روضاتی ۲۷۸، ۲۷۷، ۲۷۲
میرزا محمد مهدی خان زعیم الدوله ۵۰۴	۲۹۷
سید محمد مهدی بن سید محمد تقی ۵۵۳	محمد عبدالله یاغی ۳۱۱، ۳۰۸
محمد بن محمد بن عبدالله باهلی ۲۱، ۲۰	شیخ محمد فتونی ۱۹۳، ۱۹۴، ۲۰۲
محمد بن محمد بن سلیمان باغندی ۲۸	۲۰۶
محمد بن محمد غزالی ۶۹	محمد علی میرزا ۳۳۰
محمد مظفر حسین صبا ۱۰۵	سید محمد فشار کی ۵۶۱، ۵۱۶، ۵۱۵
محمد محسن بروجردی ۱۰۸، ۱۱۳	۵۷۲، ۵۶۲
محمد بن محمد بن نعمان مفید ۱۳۲، ۱۲۹	میرزا محمد غروی ۵۷۳، ۵۷۲
۳۵۶، ۳۵۳، ۲۷۵، ۲۷۴، ۲۷۳، ۱۶۹	سید محمد فیروز آبادی ۵۱۴
۴۳۲	سید محمد قاضی دزفولی ۲۸۲
میرزا محمد مهدی شهرستانی ۱۴۶	محمد بن فرج الله دزفولی ۴۳۰
سید محمد مجاهد ۳۱۸، ۲۴۳، ۲۱۶، ۱۵۲	شیخ محمد کاظم معزی ۵۵۳
۴۰۵، ۴۰۴، ۳۸۸، ۳۸۷، ۳۶۹، ۳۴۹، ۳۲۶	محمد بن فرج بن یزداد بروجردی ۹۳
محمد مؤمن بروجردی ۱۵۷	سید محمد کاظم یزدی ۵۱۴، ۱۴۷
شیخ محمد مهدی قزوینی ۵۰۵	سید محمد قصیر خراسانی ۲۴۵
محمد مهدی کرباسی ۴۶۵، ۴۱۳	میرزا محمد قزوینی قوام الدین ۱۱۸
میرزا محمد مهدی کاشانی ۴۲۰	سید محمد کاظم نحوی بروجردی
ملا محمد مفسر بروجردی ۴۸۲، ۴۵۸	۵۳۷

۴۸۸، ۴۶۸	میر سید محمد مهدی بروجردی ۴۶۴
محمد هادی فخرالمحققین ۳۰۳	۴۶۷
سید محمد ناصر ۵۱۹	محمد بن مسلم ۱۸۱
محمد هادی امینی ۴۸۶، ۵۰۲، ۵۴۸	محمد بن محمد حسن ۸۶
سید محمد نوری ۳۶۶	محمد مهدی بن محمد حسن بروجردی
محمد هادی ۱۳۳	۲۵۱
محمد هادی همدانی ۴۸۲	میرزا مهدی خان استرآبادی ۲۵۱
محمد بن هبة الله بروجردی ۵۸، ۵۹، ۶۰	محمد بن موسی بن جعفر (ع) ۲۷۵، ۲۷۳
۶۷، ۶۵	۲۷۸، ۲۷۷، ۲۷۶
سید محمد هندی ۴۷۵	محمد بن محمد بن موسی ۲۷۷
میرزا محمد همدانی ۲۴۶، ۴۷۶، ۴۷۸	میرزا محمد مهدی بروجردی ۳۹۹، ۴۰۰
حاج شیخ محمد نهاوندی ۳۳۵	سید محمد مهدی اصفهانی ۴۰۳، ۴۱۵
شیخ محمد هادی نحوی ۲۲۸	سید محمد مهدی بن سید علی صاحب
محمد بن یونس ۲۰	ریاض ۴۰۵، ۴۰۶
محمد یوسف استرآبادی ۴۷۳	میرزا محمد سربندی ۵۸۵
محمد بن یعقوب کلینی ۲۷۰	شیخ محمد محلاتی ۵۲۲، ۵۲۳، ۵۲۴
شیخ محمود جبرئیلی ۵۷۱	محمد بن مظفر ۱۷
میرزا محمود رازانی ۵۷۱	شیخ محمد نجم عاملی ۲۳۷
حاج میرزا محمود بروجردی ۵۷۱	سید محمد نوربخش ۴۵۷
ملا محمود جالقی بروجردی ۹۶، ۹۷، ۹۹	محمد نصیر ۱۰۱
آقا محمود بهبانی ۱۵۱، ۱۵۳، ۱۵۴	حاج محمد بن ناد علی بروجردی ۲۹۵
محمود میرزا ۱۵۳	ملا محمد نصیر بروجردی ۱۰۹
محمود سبکتکین ۵۰۶	سید محمد بن سید هادی بروجردی ۴۳۱

- شیخ محمود بروجری ۵۲۶، ۵۲۵
 سید محمود شمس الدین مرعشی ۵۰۸
 شیخ محمود عراقی ۳۳۹، ۳۴۰، ۳۴۱
 ۴۱۷
 حاج محمود بن حاج نجف بروجردی
 ۲۸۹، ۲۹۱، ۴۲۸، ۴۲۹
 دکتر محمود حجت ۴۵۵
 محمود خان ملک الشعراء ۳۲۱
 محمود بن ملا اسدالله ۳۲۵
 محمود آقا تاجر ۱۱۸
 محمود فرهاد معتمد ۴۳۷
 حاج میرزا محمود طباطبائی بروجردی
 ۱۳۹، ۱۶۱، ۱۷۷، ۱۸۸، ۲۶۱، ۲۶۳
 ۳۳۴، ۳۶۸، ۳۶۹، ۳۷۱، ۳۸۴، ۴۲۳
 ۴۳۶، ۴۳۸، ۴۴۴، ۴۴۵، ۴۴۶، ۴۴۷
 ۴۴۸، ۴۴۹، ۴۵۱، ۴۵۵، ۴۶۳، ۴۸۴
 ۴۸۷، ۴۹۱، ۴۹۹، ۵۱۸، ۵۲۲، ۵۲۸
 ۵۵۶، ۵۵۸، ۵۷۹، ۵۸۰
 محیی الدین طریحی ۲۰۵
 یحیی الدین عربی ۵۲۶
 مختار قاسم ۱۳۳
 مختار بن ابی عبیده ۱۸۲
 مدینه ۱۱، ۱۴۸، ۱۸۲، ۲۵۷، ۳۶۵
 مراغه ۸۶، ۸۷
 مدرس اول میرزا عبدالرحمن ۴۷۶
 شیخ مراد بخارائی ۵۳۹
 سید مرتضی علم الهدی ۴۲، ۴۳، ۳۵۶
 ۴۱۰، ۴۳۲
 مرتضی محمد طباطبائی ۱۳۳
 مراکش ۳۸۷
 سید مرتضی بن سید محمد طباطبائی
 بروجردی ۱۴۰، ۱۴۵، ۱۶۱، ۱۶۲، ۱۶۳
 ۱۶۴، ۱۶۵، ۱۶۶، ۱۶۷، ۱۶۹، ۱۷۲
 ۱۷۳، ۱۷۵، ۱۷۶، ۱۷۷، ۱۸۸، ۱۹۴
 ۱۹۸، ۲۰۱، ۲۰۲، ۲۰۵، ۲۱۳، ۲۲۷
 ۲۴۴، ۲۶۱، ۳۲۲
 مرتضی انصاری اهوازی ۳۳۵، ۴۲۳
 سید مرتضی بن سید احمد قزوینی ۲۰۵
 سید مرتضی کشمیری ۲۴۶
 آقا مرتضی ۲۸۳
 شیخ مرتضی انصاری ۳۱۶، ۳۱۹، ۳۲۰،
 ۳۲۴، ۳۳۰، ۳۳۵، ۳۳۶، ۳۴۰، ۳۴۱، ۳۴۲
 ۳۷۹، ۳۸۷، ۳۹۱، ۳۹۲، ۳۹۶، ۴۰۴
 ۴۱۵، ۴۲۳، ۴۷۱، ۴۷۹، ۴۸۳، ۴۸۵
 ۵۲۵، ۵۳۳، ۵۴۶، ۵۵۱، ۵۷۳، ۵۷۴
 ۵۸۵
 میر مرشد اصطهباناتی ۲۹۶، ۳۰۰

سید مصلح الدین مهدوی، ۱۵۸، ۴۶۴،	مرند ۱۴۶
۴۶۵، ۴۹۵، ۵۰۰	سید مسیحا ۵۷۰
سید مصطفی کشفی ۲۹۶	مرو ۶۷، ۶۰
مصطفی خان ۳۰۸	سلطان مسعود سلجوقی ۷۴، ۷۵
مطرز ۷۲	مسقط ۲۱۲
مصطفی قلیخان ۳۰۹، ۳۱۲، ۳۱۳	مسعودی ۳۵۵
سید مظفر ۴۹۶	مسعود سعد سلمان ۳۵۶
معز الدین محمد ۵۵۵	مسلم بن عقیل ۱۸۲
معصومه بنت موسی بن جعفر (ع) ۴۲۳	مشهد ۹۸، ۱۰۰، ۱۱۴، ۱۵۱، ۱۷۳، ۱۷۴
۵۶۴	۱۷۵، ۱۸۶، ۱۹۲، ۱۹۶، ۱۹۹، ۲۱۱
معویه ۱۰، ۳۵۴	۲۲۲، ۲۳۴، ۲۴۷، ۳۰۰، ۳۲۸، ۳۳۴
معرة النعمان ۴۲، ۴۶	۳۳۶، ۳۳۹، ۴۵۲، ۴۶۰، ۴۷۵، ۴۷۶
معری ۴۴	۴۷۹، ۴۸۰، ۵۶۳، ۵۶۷، ۵۷۱، ۵۹۳
میرزا معصوم بروجردی ۱۰۱	۵۹۴، ۵۹۶
معروف کرخی ۱۴۸	مشگینی ۵۵۴
معصوم علی شاه دکنی ۱۴۸	مشرف بروجردی ۸۴
معروف بن خربوز ۱۸۱	مصر ۶، ۱۵، ۱۹، ۲۰، ۲۱، ۲۸، ۴۵
معصوم علی شاه صاحب طرائق ۲۶۴	۴۶، ۵۸، ۵۹، ۶۵، ۸۲، ۲۷۴، ۲۷۵
حاج میرزا معصوم ۲۸۲	۵۰۴، ۵۲۷
معیر الممالک ۳۲۹	مصطفی (ص) ۳۳۸
مغیرة بن شعبه ۱۰	سید مصطفی کاشانی ۵۶۳
مغول ۸۷	شیخ آقا مصطفی بن آقا محمد ابراهیم
	بروجردی ۴۹۷

موسى جارالله ۴۸۱	مفيد بن عبدالنبى شيرازى ۳۸۹
آقا موسى بن سيد ريحان الله بروجردى	مير فندرسكى ۱۴۴
۵۰۷	مقتدى بالله عباسى ۵۶، ۵۷
سيد موسى بن حيدر شامى ۲۰۳	مقتفى عباسى ۱۳۵
سيد موسى بن جعفر بن مصفى كشفى ۲۹۶	مكنون ۱۵۵
۲۹۷	مكه ۴۰، ۵۷، ۶۳، ۶۴، ۱۴۸، ۱۷۴
شيخ موسى كاشف الغطاء ۳۷۳، ۳۷۴	۱۸۴، ۲۰۴، ۲۳۹، ۲۵۷، ۳۱۸، ۳۷۶
۳۷۷	۵۳۹، ۵۴۵، ۵۷۷، ۶۰۱
ملا موشه يهودى ۴۰۷	ملاير ۲۰۵، ۳۴۱، ۳۷۲
موصل ۱۴۸، ۵۲۴	ملك جلال الدوله ۵۶
مهدى عجل الله تعالى فرجه ۲۲۷، ۲۲۸	منصور دوانبى ۱۳۱، ۳۵۳
ميرزا مهدى اصفهاني ۱۷۴، ۱۹۵، ۵۹۳	منتخب حسين ۱۳۳
سيد مهدى آل طيب ۵۵۱	منتصر عباسى ۲۷۷
ميرزا مهدى آشتياني ۵۵۲	آقا منير بن آقا جمال بروجردى ۳۹۴
حاج سيد مهدى جزائرى ۵۵۴، ۵۵۵	۳۹۵، ۳۹۷، ۳۹۸، ۴۰۰
حاج ميرزا مهدى بروجردى ۵۷۱	موسى نبى ۱۳
سيد مهدى قزوینی ۱۶۹	موسى بن جعفر (عليه السلام) ۱۷۲، ۲۴۷، ۲۷۲
حاج سيد مهدى نحوى ۵۳۱، ۵۴۱	۲۷۳، ۲۷۴، ۲۷۵، ۴۰۲، ۴۵۷، ۵۰۶
دکتر مهدى درخشان ۴۸۳	۵۶۳
حاج ملا مهدى بروجردى ۴۶۹	سيد مؤمن بن محمد صالح نور بخش
ملا مهدى نراقى ۱۷۹، ۱۹۴، ۱۹۵، ۴۰۶	بروجردى ۴۵۶، ۴۵۷
۴۱۰	مؤيد الدين مرزبان ۷۴، ۷۵
ميرزا مهدى شهرستانى ۱۹۵، ۲۰۱، ۲۱۱	موسى بن ابراهيم طباطبا ۱۳۳

نائینی ۳۱۵	۲۸۲، ۲۲۶، ۲۱۴، ۲۱۳
نافذشیخ اسماعیل بروجردی ۳۲۷	حاج سید مهدی کشفی ۲۹۷
ناطق بروجردی ۵۱۱	سید مهدی بحر العلوم بروجردی ۱۷۲
ناصرالدین شاه ۲۹۰، ۳۴۵، ۳۷۵، ۴۲۰	۱۷۵، ۱۷۶، ۱۷۷، ۵۵۶، ۵۸۰
۴۴۷، ۴۷۰، ۴۷۶، ۴۷۹، ۴۸۲، ۴۹۵	مهدی بن حاج ملا اسدالله بروجردی ۳۲۵
۵۰۶	۳۲۶
نجد ۷۹	ملا مهدی بن ملا علی اصغر بروجردی ۳۸۳
نجم الدین کاشی شافعی ۱۰۶	مهر جان قلند ۶۴
نصف ۹۷، ۱۱۱، ۱۱۵، ۱۱۶، ۱۱۷	مهر جرد ۵۱۵
۱۱۸، ۱۳۱، ۱۳۲، ۱۳۸، ۱۳۹، ۱۴۰	مهر علیخان ۳۰۸
۱۴۱، ۱۴۳، ۱۴۵، ۱۵۱، ۱۶۱، ۱۶۲	میثم تمار ۳۳۹
۱۶۳، ۱۶۴، ۱۷۳، ۱۷۴، ۱۷۵، ۱۸۲	ملا میرزای شیروانی ۱۸۸
۱۸۵، ۱۸۶، ۱۸۸، ۱۹۰، ۱۹۱، ۱۹۴	میرزای قمی ۱۵۱، ۱۵۲، ۱۹۱، ۱۹۴
۲۰۱، ۲۰۲، ۲۰۳، ۲۰۵، ۲۰۶، ۲۰۹، ۲۱۰	۲۱۵، ۲۱۷، ۲۱۹، ۲۴۰، ۲۴۱، ۲۶۲
۲۱۱، ۲۱۳، ۲۱۵، ۲۱۸، ۲۲۲، ۲۲۴	۳۱۸، ۳۱۹، ۳۲۰، ۳۲۸، ۳۲۹، ۳۳۰
۲۲۶، ۲۴۰، ۲۴۱، ۲۴۶، ۲۵۰، ۲۵۶	۳۷۳، ۳۸۵، ۳۸۷، ۳۸۸، ۳۹۰، ۳۹۱
۲۸۰، ۲۸۱، ۲۸۲، ۲۸۹، ۲۹۳، ۲۹۴	۳۹۲، ۳۹۳، ۳۹۴، ۳۹۷، ۳۹۸، ۴۰۴
۲۹۶، ۳۰۳، ۳۰۴، ۳۱۵، ۳۱۶، ۳۲۷، ۳۳۶	۴۰۹
۳۴۰، ۳۴۱، ۳۴۲، ۳۴۳، ۳۴۸، ۳۴۹، ۳۵۸	میمونه بنت موسی ﷺ ۲۷۴
۳۶۱، ۳۶۲، ۳۶۵، ۳۶۶، ۳۷۲، ۳۷۴	ن
۳۷۹، ۳۸۰، ۳۸۱، ۳۹۱، ۳۹۶، ۳۹۹	نادر شاه ۱۲۴، ۱۳۹، ۱۴۰، ۱۹۶، ۲۵۱
۴۰۰، ۴۰۹، ۴۱۰، ۴۱۵، ۴۲۱	ناصر احمد ۱۳۳
←	نادر میرزا پسر شاه رخ ۱۹۶

نصر بن عاصم ۱۲، ۱۳	۴۶۶، ۴۵۵، ۴۵۴، ۴۴۴، ۴۳۳، ۴۲۲ →
نصر بن یعقوب ۳۸	۴۸۱، ۴۷۹، ۴۷۵، ۴۷۳، ۴۷۲، ۴۷۱
نصرة الدوله فیروز میرزا ۳۰۸، ۳۱۳	۵۰۳، ۵۰۲، ۵۰۰، ۴۹۶، ۴۹۱، ۴۸۵
نصیر الدین طوسی ۸۶، ۸۷، ۱۰۶	۵۲۰، ۵۱۹، ۵۱۵، ۵۱۴، ۵۱۳، ۵۰۷
نصیر الدین فاروقی ۹۱، ۹۲	۵۳۲، ۵۲۷، ۵۲۴، ۵۲۳، ۵۲۲، ۵۲۱
ملا نصیر الدین مجلسی ۱۳۶	۵۴۸، ۵۴۶، ۵۴۲، ۵۴۰، ۵۳۷، ۵۳۳
نصیر الملك فضل الله ۳۰۸، ۳۱۱، ۳۱۲	۵۶۲، ۵۶۱، ۵۵۹، ۵۵۴، ۵۵۳، ۵۴۹
نصیین ۱۶	۵۷۹، ۵۷۷، ۵۷۳، ۵۷۲، ۵۶۹، ۵۶۴
نصیر خان حمزوی ۲۵۸	۶۰۱، ۵۹۷، ۵۸۹، ۵۸۸، ۵۸۵، ۵۸۰
نظام الدین احمد ۴۰۲	نجم الدین علی اکبر بروجردی ۳۲۷
سید نعمت الله جزائری ۴۸۵، ۵۵۲، ۵۵۴	۳۲۸
سید نعمت الله بن سید محمد جعفر ۵۵۳	آقا نجم الدین بن علی اصغر بروجردی
نقی خطاط بن محمد علی ۲۷۱	۳۹۹
نوبختی ۳۵۴	آقا نجفی بروجردی ۵۸۱
نوح نبی ۱۲، ۱۶۹، ۳۰۷، ۳۹۴	نراقی ۵۲۷، ۳۸۶
نور الدین عبداللطیف ۸۵	نجیب پاشا عثمانی ۳۶۰
آقا نور الدین بن ملا صالح ۱۳۷، ۱۴۰	نسا ۷۹
۱۸۸	نصر آباد ۱۴۰
نور الدین محمد بروجردی ۳۲۵، ۳۲۷	نصر آبادی ۱۰۴، ۱۰۹
۳۳۰، ۳۹۲	نصر بن سیار ۳۸۶
حاج سید نور الدین بروجردی بن سید	نصر الله بن محمد حسین ۴۱۹
حسین ۳۶۵	نصر الله تراب دزفولی ۳۶۱
آقا نور الدین بن ملا حسین بروجردی ۴۸۹	سید نصر الله حائری ۲۰۵
۴۹۰	

آقانورالدین سلطان آبادی ۵۸۳، ۵۸۴

۵۹۹

حاج آقانورالله اراکی ۵۳۴

سید نورالدین ۵۱۷

ملانوروز علی ۱۸۴

نور علی شاه ۱۴۸، ۱۴۹، ۲۵۰

نوقان ۷۹

نهاوند ۱۴، ۴۰، ۴۴، ۴۷، ۵۹، ۶۵، ۶۶

۱۲۱، ۱۵۳، ۳۳۶، ۴۱۸، ۴۵۳، ۵۹۷

نیریز ۳۰۷، ۳۰۹، ۳۱۱، ۳۱۲

نیشابور ۳۶، ۴۰، ۴۱، ۵۶، ۶۹

نینوا ۲۲۴

و

واسط ۸۸، ۱۱۷

وحشی بافقی ۱۰۱

وحید بهبهانی ۱۴۰، ۱۴۳، ۱۴۵، ۱۴۶

۱۴۷، ۱۵۲، ۱۵۴، ۱۶۳، ۱۷۳، ۱۷۴

۱۸۸، ۱۸۹، ۱۹۱، ۲۱۰، ۲۱۵، ۲۱۶

۲۲۰، ۲۲۳، ۲۲۵، ۴۰۵، ۴۱۱، ۴۱۹

ولی بروجردی ۱۱۳

ولید ۲۰۴

ولید بن یزید اموی ۳۸۶

ولی خان سیلاخوری ۳۰۸

وليام جيمس ۲۳۱

ه

هارون برادر موسی بن عمران (ع) ۱۳

هارون بن موسی بن جعفر (ع) ۲۷۳

هارون الرشید ۶۰، ۱۳۱، ۱۳۳

آقا هادی بن ملا صالح ۱۳۷، ۱۴۰

شیخ هادی بن شیخ عباس ۱۸۷

شیخ هادی کاشف الغطاء، ۳۱۶

میرزا هادی بن حاج شیخ فضل الله ۳۲۹

شیخ هادی جلیلی ۳۴۳

حاج شیخ هادی تهرانی ۴۵۴، ۴۹۳، ۵۰۵

۵۴۸

شیخ هادی مقدس جعفری ۵۰۸

شیخ هادی بن شیخ حسن ۵۶۵

سید هادی بن محمد کاظم ۵۷۰

آقا هادی بن شیخ آقا شیر ۵۹۶

سید هاشم رسولی محلاتی ۲۳۴

میرزا هاشم چهارسوقی ۵۱۳

میرزا هاشم گیلانی ۵۱۳

هاشمیه کنیز ۲۷۵

هاشمیه ۱۳۱

سید هبة الدین شهرستانی ۳۱

هبة الله بن موسی (ع) ۲۷۳

سید هبة الله طباطبائی بروجردی ۴۵۲	یاقوت حموی ۱۰، ۱۴، ۲۸، ۴۴، ۴۵
۴۵۳، ۴۸۴، ۴۹۹، ۵۵۶، ۵۸۰	۴۷، ۴۸، ۴۹، ۵۹، ۶۴، ۶۶، ۸۱، ۸۰
هبة الله بن عبدالوارث شیرازی ۷۶	۸۳، ۱۳۵
هزاره ۳۷۵	یثرب ۲۲۴
هدایت خطاط بن محمد حسین ۳۸۳	شیخ یحیی بحرانی ۵۸۷
هشام بن عبدالملك ۳۵۵	یحیی بن خالد برمکی ۶۰
حاج میرزا هدایت الله گلپایگانی ۵۹۹	یحیی بن زید بن علی بن الحسین (ع) ۳۵۴
۶۰۰	۳۵۵، ۳۸۶
میرزا هدایت الله ۳۸۸	یحیی بن زکریا ۱۳
همایون بروجردی ۴۳۶	یحیی بن علی دسکری ۲۱
هلال بن محمد ۲۳، ۲۴	یحیی بن عبدالوهاب بن منده ۵۹، ۶۰، ۶۶
همدان ۱۴، ۵۴، ۵۸، ۵۹، ۶۳، ۶۵، ۶۶	۶۷، ۶۸
۶۷، ۲۱۹، ۳۴۰، ۴۵۳، ۴۵۴، ۴۵۵، ۴۸۲	سید یحیی کشفی ۲۹۶، ۳۰۷، ۳۰۸، ۳۰۹
۴۸۳، ۴۸۶، ۵۰۴، ۵۰۷	۳۱۰، ۳۱۱، ۳۱۲، ۳۱۳، ۵۰۵
هند ۲۸۸، ۳۱۶، ۳۲۵، ۳۵۸، ۴۲۴	یحیی هادی ۱۳۳
هند بن سری ۳۱	یحیی بن یعمر ۱۲، ۱۳
هندوستان ۱۵۲، ۱۵۳، ۲۱۰، ۲۱۱، ۲۱۸	یزد ۱۶۰، ۲۱۹، ۲۸۱، ۲۹۳، ۳۰۰، ۳۰۳
۲۳۵، ۵۲۴	۳۰۸، ۳۰۹، ۳۱۱، ۵۱۵، ۵۷۷
هندوشاه نخجوانی ۷۴	یزید ۳۵۴
هود ۱۵۲، ۵۶۹	یعقوب بن اسحق ۱۲
ی	یعقوب بن ابراهیم غمر ۱۳۱
یارقلی شیخ محمد بروجردی ۳۳۵، ۵۲۲	یعقوب والد سید جعفر کشفی ۲۷۸
۵۲۴	یعقوب قاری ۶، ۸

یوسف خان ۵۹۶	یعقوب کشفی ۲۹۶، ۴۸۷، ۴۸۸
یوسف بن یعقوب (ع) ۱۳، ۱۸۴، ۳۳۰	یغما ۴۰۷
یوسف بن محمد خطیب همدانی ۶۳، ۶۴	یمن ۱۳۳، ۲۳۸
یوسف بن محمد بن یوسف نزیل بروجرد	یوسف بن ملا اسد الله ۳۲۵
۵۴	شیخ یوسف بحرانی ۱۷۳، ۱۹۴، ۱۹۵
یوسف بن محمود ۵۱۹	۲۵۵، ۲۷۸، ۲۷۹، ۳۶۹
یونس بن عبدالرحمن ۱۸۱	حاج یوسف بروجردی ۵۴۴

منابع ومدارك

الف

آثار الحجة	تأليف	شيخ محمد رازی	معاصر
آثار عجم	»	فرصت شیرازی	متوفى ۱۳۳۹
اجابة المضطرين	»	سيد جعفر كشفى بروجردی	متوفى ۱۲۶۷
احسن الوديعه	»	سيد محمد مهدی اصفهانی	
آداب اللغة العربيه	»	جرجی زیدان	
ارشاد	»	شيخ مفيد	متوفى ۴۱۳
اعلام زر کلی	»		
اعلام الشيعة	»	آغا بزرگ تهرانی	
اعيان الشيعة	»	سيد محسن عاملی	متوفى ۱۳۶۹
امت وامامت	»	سيد هبة الدين شهرستانی	
امل الآمل	»	شيخ حر عاملی	متوفى ۱۱۰۴
انباء الرواة	»	جمال الدين قفطی	متوفى ۶۴۶
الانساب	»	ابوسعبد سمعانی	متوفى ۵۶۲
انسان موجودنا شناخته	»	دکتر الکسيس کاريل	
الانوار الجلية	»		

ب

بزرگان اصفهان	تأليف	
بزرگان همدان	»	دکتر مهدی درخشان
بغية الوعاة	»	جلال الدين سيوطي
		متوفى ۹۱۰

ت

تاريخ رجال ايران	»	بامداد	معاصر
تاريخ بغداد	»	خطيب بغدادی	
» تجارب السلف	»	هندوشاه نخبجواني	متوفى پس از ۶۲۴
» علماء خراسان	»	ميرزا عبدالرحمن	
» القرآن	»		
» لرستان	»	علی محمد ساکی	معاصر
» مشروطه	»	احمد کسروی	مقتول
» یعقوبی	»	ابن واضح	متوفى ۲۸۴
» تبصیر المنتبه	»	ابن حجر عسقلانی	متوفى ۸۵۲
تحفة الالباء	»	زين العابدين صفوی گنجوی	
تحفة الملوك	»	سید جعفر کشفی بروجردی	متوفى ۱۲۶۷
تذكرة الحفاظ	»	شمس الدين ذهبی	متوفى ۷۴۸
تذكرة حذيقه امان اللهی	»	ميرزا عبدالله سفندجی	
تذكرة روز روشن	»	محمد مظفر حسین صبا	
تذكرة شجرة طباطبائيهاى بروجرد	»	آيت الله بروجردی	متوفى ۱۳۸۰
تذكرة القبور	»	مصلح الدين مهدوی	معاصر
تذكرة نصر آبادی	»	محمد طاهر نصر آبادی	متوفى پس از ۱۰۹۹
تكملة امل الامل	»	ملا عبد النبي قزوینی	متوفى ۱۲۰۰

ج

جامع الانساب تألیف سید محمدعلی روضاتی معاصر

ح

» حصون منیعہ

خ

» خاطرات بروجردی سید محمد حسین علوی بروجردی معاصر

صبحی

» خاطرات صبحی

» خریدة القصر عمادالدین کاتب اصفهانی متوفی ۵۹۷

» خلاصة فلسفة انیشتن

د

» دائرة المعارف

» دارالسلام

» دانشمندان اصفهان

دانشمندان فارس

» دوحه الانوار سید محمد جوادزینی

» دیوان فارس بروجردی حاج ملا اسماعیل فارس بروجردی

ذ

الذخیره

» الذریعه الى تصانیف الشیعه آغا بزرك تهرانی

ر

» راحة الصدور ابوبکر محمد راوندی متوفی پسر از ۶۰۹

» رجال بحر العلوم سید بحر العلوم محمد صادق معاصر

» رجال شیخ شیخ طوسی محمد بن حسن متوفی ۴۶۰

» روح وریحان سید محمد بن سید هادی بروجردی

تفسير روح المعاني	تأليف	
روزنامه خاطرات	»	اعتماد السلطنه
روضات الجنات	»	سيد محمد باقر خوانساری متوفی ١٣١٣
روضة البهيه	»	حاج سيد شفيع بروجردی متوفی
رياض الجنة	»	سيد محمد حسن زنوزی متوفی پس از ١٢١٦
ريحانة الادب	»	محمد علي مدرس خيابانی متوفی ١٣٧٣

ز

زندگانی بروجردی	»	علي دوانی	معاصر
زندگانی آيت الله چهارسوقی	»	سيد محمد علي روضاتی	معاصر

س

سبك شناسی	»	
-----------	---	--

ش

شخصيت انصاری	»	مرتضی انصاری	معاصر
شدالازار	»	حاج معين الدين جنيدشيرازی	متوفی پس از ٧٩١
شريفه	»	سيد جعفر كشفى بروجردی	متوفی ١٢٦٧
شعراء العزى	»	علي خاقانی	
شهداء الفضيلة	»	شيخ عبدالحسين امينی	

ط

طبقات الشافعية	»	تاج الدين سبكي شافعی	
طرائف المقال	»	حاج سيد علي اصغر جابلقی بروجردی	متوفی ١٣١٣
طرائق الحقايق	»	حاج ميرزا معصوم علی شاه	متوفی ١٣٤٤

ع

عمدة الطالب	تالیف	جمال الدین نسابه	متوفی ۸۲۸
عیون اخبار الرضا	»	صدوق المحدثین	متوفی ۳۸۱

غ

غایة الاختصار	»	تاج الدین ابن زهره حسینی	
غایة النهایة	»	جزری شافعی	متوفی ۸۳۳

ف

فار سنامه	»	حاج میرزا حسن فسائی	متوفی ۱۳۱۶
فاروق الحق	»		
فرق الشیعه	»	نوبختی	
فلسفه نیکو	»	حاج میرزا حسن نیکو بروجردی	متوفی
فوات الوفيات	»	محمد بن شاکر بن احمد	متوفی ۷۴۶
فوائد جالیه	»	سید مهدی بحر العلوم	متوفی ۱۲۱۲
فوائد الرضویه	»	حاج شیخ عباس قمی	متوفی ۱۳۵۹
فهرس کتب خطی	»	ایرج افشار	معاصر
فهرس کتب دانشکده تهران	»		
فهرس کتب رضویه	»		
فهرس کتابخانه مرکزی تهران	»		
فهرس کتابخانه مجلس	»	سعید نفیسی	
فهرس نسخه های خطی	»	محمد تقی دانش پژوه	معاصر
فیض القدسی	»	حاج میرزا حسین نوری	متوفی ۱۳۲۰

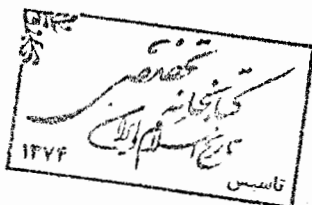
ق

قاموس الاعلام	»	سامی بیک	
---------------	---	----------	--

منابع ومدارك	تأليف	٦٦١
قصص العلماء	ميرزا محمد تنكابني	متوفى ١٣٠٢
ك		
الكرام البرره	آقا بزرك تهراني	»
كلمة طيبه	حاج ميرزا حسين نوري	متوفى ١٣٢٠
كيفر گناه	سيد هاشم رسولي محلاتي	معاصر
گ		
گنجينه دانشمندان	شيخ محمدر ازي	معاصر
ل		
لسان الميزان	ابن حجر عسقلاني	متوفى ٨٥٢
لغت نامه	علي اكبر دهخدا	»
لمعات البيان	حاج مولي نصر الله تراب دزفولي	»
م		
مآثر و آثار	اعتماد السلطنة	»
ماضي النجف وحاضرها	شيخ جعفر شيخ باقر آل محبوبة	متوفى
مجله يادگار	ميرزا محمد قزويني	متوفى ١٣٦٨
مجمع الاداب	ابو الفضل ابن فوطي	متوفى ٧٢٣
مخطوطات مكتبة العباس	حميد مجيدهدو	»
مرآت الاحوال	آقا احمد بهبهاني کرمانشاهي	متوفى ١٢٣٥
مروج الذهب	مسعودي	»
مسالك الممالك	اصطخري	»
مستدرک سفينة البحار	حاج شيخ علي نمازي	»
مستدرک الوسائل	حاج ميرزا حسين نوري	متوفى ١٣٢٠
مشاهد العترة الطاهرة	سيد عبد الرزاق كمونه	معاصر

مسترك يا قوت حموى	تأليف	ياقوت بن عبد الله حموى
مصفى المقال	»	
مطالع الانوار	»	
معارف الرجال	»	شيخ محمد حرز الدين
معالم العلماء	»	محمد بن على بن شهر آشوب
معجم الادباء	»	ياقوت بن عبد الله حموى
معجم البلدان	»	» » »
معجم رجال الفكر	»	محمد هادى امينى
معجم المؤلفين	»	عمر رضا كحاله
مفتاح باب الابواب	»	زعيم الدوله
مقاييس	»	شيخ اسد الله كاظمى
مقاتل الطالبين	»	ابو الفرج اصفهانى
مكارم الاثار	»	ميرزا محمد على حبيب آبادى
ملحقات روضة الصفا	»	
ملل ونحل	»	عبد الكريم شهر ستانى
منتظم	»	ابن جوزى ابو الفرج
منتهى المقال	»	ابو على حائرى
منشآت قائم مقام	»	فرهاد ميرزا
منظومه	»	
منية الرجال		
مواعب السنه	»	حاج ميرزا محمود طباطبائى
مؤلفين كتب چاپى	»	خانبا بامشار
ناسخ التواريخ قاجار	»	

منابع و مدارك	٦٦٣
نسخ التواریخ حضرت کاظم تألیف	عباسقلی خان سپهر
نجم الثاقب	» حاح میرزا حسین نوری
نجوم السماء	» محمد علی کشمیری
نخبة المقال	» سید حسین بروجردي
نقباء البشر	» آقابزرگ تهرانی
و	
الوافی بالوفیات	» صفدی
وفیات الاعیان	» ابن خلکان شافعی
وقایع السنین	» سید عبدالحسین خاتون آبادی
وحید بهبهانی	» علی دوانی معاصر
هـ	
هدية العارفين	» اسماعیل پاشا بغدادی
ی	
یادداشتهای قزوینی	»
یتیمه الدهر	» ابو منصور ثعالبی
	متوفی ٤٢٩



تشکر

از آقایان محترم و دوستان معظم که در تنظیم و تصحیح و طبع تاریخ بروجرد به نگارنده ناچیز کمک کرده اند کمال تشکر و سپاسگذاری می شود .

۱- آقای عربستانی مدیر چاپخانه مهر .

۲- آقای حاج شیخ عباس گنجی پور ، که در تصحیح کتاب دقتی قابل تقدیر انجام داده اند .

۳- کارکنان چاپخانه مهر مخصوصاً آقای ابوالقاسم آزاد سرکارگر چاپخانه .

۴- آقای سلطانی بروجردی که مطالبی راجع بشیر و خورشید و بهداری کمک کردند .

۵- آقای حیدری بروجردی فرزند حجة الاسلام شیخ محمد حسین حیدری کارمند تلفن و تلگراف که مطالبی راجع به تلفن کمک کرد .

۶- آقای مهندس خلیلی بروجردی که در مطالب اقتصادی و کشاورزی کمک کرده اند .

۷- آقای داوری بروجردی که در مطالب سیاسی و اجتماعی کمک نموده اند .

۸- آقای صامتی بروجردی که مطالبی راجع به برق در اختیار نگارنده گذاشت .

۹- آقای گودرزی رئیس سابق آمار که در مطالب مربوط به آمار جمعیت و فواصل اماکن کمک کرد .

۱۰- آقای سید محمد حسین کشفی بروجردی که در تهیه مناظر و عکس ها کمک نمودند .

۱۱- آقای صدرالسادات دزفولی ناشر کتاب .

فهرست مطالب متن

صفحه	عنوان
۵	ترجمه دانشمندان بروجرد در قرن چهاردهم
۵	ترجمه مؤدب بروجردی
۶	نظرات مؤدب بروجردی در قرائت
۹	علت اختلاف قرائت در قرآن
۱۱	نقطه گذاری قرآن بوسیله ابوالاسود
۱۴	ترجمه محمد بن عیسی بروجردی
۱۴	استادان او:
۱۴	۱- عمیر بن مرداس دورقی
۱۴	۲- محمد بن ابراهیم بن زیاد
۱۵	شاگردان او :
۱۵	۱- ابونعیم اصفهانی
۱۶	۲- سلامة بن عمر نصیبی
۱۶	۳- ابوسعید سیرافی
۱۷	۴- الطایع الله عباسی
۱۹	ترجمه ابو حفص بروجردی

تاریخ بروجرد	۶۶۶
صفحه	عنوان
۱۹	استادان او :
۱۹	۱- ابوالحسن باهلی
۲۰	۲- ابن شيرك بغدادی
۲۰	شاگردان او:
۲۰	۱- ابوالعباس جرجانی
۲۰	۲- جعفر ابوالقاسم مارستانی
۲۲	ترجمه ابوالعباس خطیب بروجردی
	استادان او :
۲۲	ابراهیم بن دیزیل همدانی
	شاگردان او:
۲۳	۱- هلال ابوالفتح حفار
۲۳	۲- ابوبکر نجار
۲۳	۳- ابومنصور بن دار
۲۶	ترجمه عبیدالله بن سعید بروجری
	استادان او :
۲۶	۱- ابن جریر طبری
۲۸	۲- باغندی
۲۸	۴- ابومحمد دینوری
۲۸	۴- ابن عفر انصاری
۲۹	۵- محمد بن عمران دینوری
۲۹	۶- محمد بن ابراهیم فاذجانی
۲۹	شاگردان او:

فهرست مطالب	۶۶۷
عنوان	صفحه
۱- عبدالعزیز ازجی	۲۹
۲- ابوالفتح رزاز	۳۰
۳- ابومنصور همدانی	۳۰
موضوع بودن حدیث امامت ابوبکر	۳۱
ترجمه ابومحمد حسن بروجردی	۳۵
ترجمه احمد بن محمد بن خالد بروجردی	۴۰
دانشمندان قرن چهارم و پنجم بروجرد	۴۲
ترجمه ابن فوزجه بروجرد	۴۲
ترجمه محمد بن احمد بروجردی	۴۹
دانشمندان قرن پنجم بروجرد	۴۹
ترجمه محمد بن علی ابوبکر بروجردی	۵۱
ترجمه فناکی نزیل بروجرد	۵۲
ترجمه ابوالقاسم همدانی نزیل بروجرد	۵۴
دانشمندان قرن پنجم و ششم بروجرد	۵۵
ترجمه قاضی ابوسعید بروجردی	۵۵
ترجمه قاضی ابوالمظفر بروجردی	۵۶
ترجمه ابوالفضل حافظ بروجردی	۵۸
ترجمه جوهری بروجردی	۶۱
ترجمه ابو تمام بروجردی	۶۳
ترجمه محمد بن هبة الله بروجردی	۶۵
استادان او :	۶۵
۱- ابن قیسرانی	۶۵

صفحه	عنوان
۶۶	۲- ابو محمد دونی
۶۶	۳- ابن منده
۶۶	۴- ابو محمد مکی
۶۹	ترجمه ابونصر رازانی بروجردی
۷۱	ترجمه ابوالمظفر شیب بروجردی
۷۲	دانشمندان و بزرگان قرن ششم بروجرد
۷۴	ترجمه عز الملك وزیر بروجرد
۷۶	ترجمه ابومنصور صالح بروجردی
۷۷	» ابوالفتح بروجردی
۷۸	» ابوالحسن علی بروجردی
۸۰	» ابوالنجم رازانی بروجردی
۸۱	» ابو عبدان بروجردی
۸۲	دانشمندان قرن ششم و هفتم بروجرد
۸۲	ترجمه ابو عبدالله زاهری بروجردی
۸۴	» اسحاق مشرف بروجردی
۸۵	» عمادالدین بروجردی
۸۶	دانشمندان قرن هفتم بروجرد
۸۶	ترجمه فخرالدین ابو محمد بروجردی
۸۸	» بهاءالدین بروجردی
۸۸	» شمس الدین بروجردی
۸۹	» عمیدالدین بروجردی
۹۰	» عزالدین بروجردی

فهرست مطالب	۶۶۹
عنوان	صفحه
ترجمة فخر الدين حاجب بروجردی	۹۱
» عزالدین ابوالفرج بروجردی	۹۳
» عزالدین ابوالفضل بروجردی	۹۴
قرن هشتم بروجرد	۹۵
ترجمة عمادالدین ابوالکرم بروجردی	۹۵
دانشمندان قرن دهم بروجرد	۹۶
ترجمة ملامحمود جابلقی بروجردی	۹۶
ترجمة عبدالعلی بروجردی	۹۸
دانشمندان قرن یازدهم بروجرد	۱۰۰
ترجمة عبدالله خطاط بروجردی	۱۰۰
» میرزا معصوم بروجردی	۱۰۱
» ملا کلبعلی بروجردی	۱۰۲
» میرزا اسحاق شیخ الاسلام بروجردی	۱۰۴
» آخوند ملا حسین بروجردی	۱۰۶
» حسینی خوشنویس بروجردی	۱۰۷
» ملا اسماعیل بروجردی	۱۰۸
» ملا محمد نصیر بروجردی	۱۰۹
» شیخ محمد تقی بروجردی	۱۱۰
دانشمندان قرن یازدهم و دوازدهم بروجرد	۱۱۲
ترجمة ملامحمد محسن بروجردی	۱۱۲
» شیخ جعفر کمره‌ئی بروجردی	۱۱۴
دانشمندان قرن دوازدهم بروجرد	۱۲۱
ترجمة سیدعلی نزیل بروجرد	۱۲۱

تاریخ بروجرد	۶۷۰
صفحه	عنوان
۱۲۴	ترجمه ملا اسماعیل بروجردی
۱۲۶	ترجمه آقا محمد علی بروجردی
۱۲۷	ترجمه سید محمد بن سید عبدالکریم بروجردی
۱۲۷	اجداد و نیاکان
۱۳۳	سلاطین طباطبائی
۱۳۵	نسب سید محمد از طرف مادر
۱۳۸	گفتار علماء رجال در ترجمه سید محمد
۱۴۲	تألیفات سید محمد بروجردی
۱۴۴	فرزندان سید محمد بروجردی
۱۴۵	آقا محمد علی کرمانشاهی سبط سید محمد
۱۵۱	فرزندان آقا محمد علی
۱۵۵	ترجمه آقا حسین بروجردی
۱۵۶	ترجمه محمد بن حسین خطاط بروجردی
۱۵۷	ترجمه محمد مؤمن بروجردی
۱۵۸	ترجمه ملا عبدالله بروجردی اصفهانی
۱۵۹	ترجمه میر سید محمد حسین بروجردی
۱۶۰	ترجمه سید علی طباطبائی بروجردی
۱۶۱	ترجمه سید مرتضی طباطبائی بروجردی
۱۶۷	فرزندان سید مرتضی بروجردی
۱۶۸	سبط سید مرتضی بروجردی سید محمد باقر قزوینی
۱۷۱	دانشمندان بروجرد در قرن سیزدهم
۱۷۱	ترجمه ابوطالب لاریجانی بروجردی

فهرست مطالب	۶۷۱
عنوان	صفحه
ترجمه سید محمد مهدی بحر العلوم بروجردي	۱۷۲
بحر العلوم از نظر معاصرین و متأخرین	۱۷۴
بحر العلوم و شعر و ادب	۱۷۸
آثار و خدمات بحر العلوم	۱۸۱
مؤلفات بحر العلوم	۱۸۲
شروح دره بحر العلوم	۱۸۶
استادان بحر العلوم	۱۸۸
۱- وحید بهبهانی	۱۸۸
۲- شیخ محمد باقر هزار جریبی	۱۹۰
۳- سید حسین خوانساری	۱۹۱
۴- سید حسین قزوینی	۱۹۲
۵- شیخ عبدالنبی کاظمی	۱۹۲
۶- میر عبدالباقی اصفهانی	۱۹۲
۷- شیخ محمد فتونی	۱۹۳
۸- شیخ محمد تقی دورقی	۱۹۴
۹- شیخ یوسف بحرانی	۱۹۴
۱۰- سید میرزا مهدی اصفهانی	۱۹۵
شاگردان بحر العلوم	۱۹۶
۱- سید علی صاحب ریاض	۱۹۶
۲- ملا احمد نراقی	۱۹۸
۳- شیخ اسماعیل عقدائی	۱۹۹
۴- شیخ احمد صاحب مرآت الاحوال	۱۹۹

تاریخ بر و جرد	۶۷۲
صفحه	عنوان
۱۹۹	۵- سید احمد بن سید حبیب
۲۰۰	۶- شیخ ابو علی حائری
۲۰۰	۷- شیخ اسد الله صاحب مقایس
۲۰۱	۸- امیر ابو القاسم خاتون آبادی
۲۰۱	۹- سید ابراهیم عطار
۲۰۱	۱۰- سید احمد عطار
۲۰۳	۱۱- شیخ ابراهیم عاملی
۲۰۴	۱۲- سید ابو القاسم جد صاحب روضات
۲۰۴	۱۳- شیخ احمد خوانساری
۲۰۵	۱۴- سید احمد قزوینی
۲۰۵	۱۵- شیخ احمد نحوی
۲۰۶	۱۶- سید باقر قزوینی
۲۰۶	۱۷- شیخ جعفر کاشف الغطا
۲۰۸	۱۸- شیخ حسین نجف
۲۰۹	۱۹- شیخ حسن بن محمد نصار
۲۱۰	۲۰- سید حسین عاملی
۲۱۰	۲۱- سید حیدر یزدی
۲۱۰	۲۲- سید دلدار هندی
۲۱۱	۲۳- شیخ رفیع اصفهانی
۲۱۱	۲۴- ملا زین العابدین سلماسی
۲۱۲	۲۵- شیخ زین العابدین
۲۱۲	۲۶- شیخ سلیمان بن احمد قطیفی

فهرست مطالب	۶۷۳
عنوان	صفحه
۲۷- صدر الدین عاملی	۲۱۲
۲۸- سید صادق فحام	۲۱۳
۲۹- شیخ شمس الدین بهبهانی	۲۱۴
۳۰- شیخ عبدالعلی رشتی غروی	۲۱۴
۳۱- سید عبدالله شبر	۲۱۵
۳۲- شیخ قاسم	۲۱۵
۳۳- سید محمد جواد عاملی	۲۱۵
۳۴- سید محمد مجاهد	۲۱۶
۳۵- سید محمد علی بلاغی	۲۱۶
۳۶- سید محمد شفیع جابلقی	۲۱۶
۳۷- سید محسن اعرجی	۲۱۶
۳۸- سید محمد ابراهیم کلباسی	۲۱۷
۳۹- سید محمد رضا شبیر	۲۱۸
۴۰- میرزا محمد اخباری	۲۱۸
۴۱- شیخ محمد تقی تهرانی	۲۲۰
۴۲- شیخ محمد علی بلاغی	۲۲۰
۴۳- سید محمد باقر سلطان آبادی	۲۲۰
۴۴- حاج آقا محسن عراقی	۲۲۰
۴۵- میرزا ضیاء الدین نزیل بروجرد	۲۲۰
۴۶- شیخ محمد رضا نحوی	۲۲۱
۴۷- شیخ عبدالرحیم بروجردی	۲۲۲
۴۸- شیخ محمد علی بروجردی	۲۲۲

تاریخ برو جرد	۶۷۴
صفحه	عنوان
۲۲۲	۴۹- ملا محمد حسن سید قیصر
۲۲۲	۵۰- سید محمد زینی
۲۲۳	۵۱- شیخ محمد تقی ملا کتاب
۲۲۳	۵۲- سید محمد باقر رشتی
۲۲۳	۵۳- شیخ محمد علی هزار جریبی
۲۲۳	۵۴- شیخ محمد علی اعسم
۳۲۳	۵۵- شیخ محمد رضای ازدی
۲۲۵	۵۶- شیخ عبدالنبی قزوینی
۲۲۶	وفات سید بحر العلوم
۲۲۸	کرامات سید بحر العلوم
۲۲۹	فرق کرامت با معجزه
۲۳۰	خرق عادت ممکن است یا محال
۲۴۳	فرزندان سید بحر العلوم
۲۴۵	احقاد سید بحر العلوم
۲۵۱	ترجمه محمد مهدی بن محمد حسن برو جردی
۲۵۲	» محمد جعفر جالقی برو جردی
۲۵۳	» محمد صادق نحوی برو جردی
۲۵۴	» علی محمد خطاط برو جردی
۲۵۵	» سید رضا خطاط برو جردی
۲۵۶	» سید عبدالعظیم برو جردی
۲۵۷	» شریف برو جردی
۲۵۸	» ملا علی خوشنویس برو جردی

فهرست مطالب	۶۷۵
عنوان	صفحه
ترجمه محمد حسین بروجردي	۲۵۹
» ملا عبدالله بروجردي	۲۶۰
» سيد جواد طباطبائي	۲۶۱
» حاج ميرزا علي نقی طباطبائي	۲۶۲
» ميرزا محمد بروجردي	۲۶۴
» شيخ محمد تقی قمی نزیل بروجردي	۲۶۷
» عبدالکریم خوشنويس بروجردي	۲۶۸
» شيخ محمد حسين بروجردي	۲۶۹
» نقی خطاط بروجردي	۲۷۱
» سيد جعفر کشفی بروجردي	۲۷۲
نسب سيد جعفر کشفی بروجردي	۲۷۲
فرزندان موسی بن جعفر (ع)	۲۷۳
اجداد و نیاکان سيد جعفر کشفی	۲۷۵
ابراهيم مجاب	۲۷۷
جد مادری سيد جعفر کشفی	۲۷۸
کلمات دانشمندان درباره سيد جعفر	۲۸۰
سيد جعفر کشفی و کرامات	۲۸۳
سيد جعفر کشفی و شعر	۲۸۵
مؤلفات سيد جعفر کشفی	۲۸۸
فرزندان سيد جعفر کشفی	۲۹۶
احفاد سيد جعفر کشفی	۲۹۶
۱- مير سيد محمد حقایق کشفی	۲۹۶

صفحه	عنوان
۲۹۷	۲- حاج سید مهدی کشفی
۲۹۷	۳- سید موسی مقتدی کشفی
۲۹۷	۴- میر سید محمد اصطهباناتی
۳۰۰	اسباط سید جعفر کشفی
۳۰۰	۱- محقق اصطهباناتی
۳۰۱	۲- سید ابوتراب اصطهباناتی
۳۰۲	۳- شیخ المحققین
۳۰۳	۴- فخر المحققین
۳۰۳	شاگردان سید جعفر کشفی
۳۰۳	۱- سید حسین بروجردی
۳۰۴	۲- حاج میرزا صالح لرستانی
۳۰۵	۳- اورنگ زیب میرزا
۳۰۵	۴- شیخ عبدالحسین
۳۰۶	۵- ملا عبداللہ بروجردی
۳۰۷	ترجمہ سیدیحیی دارابی فرزند کشفی
۳۱۴	ترجمہ سید محمد بروجردی
۳۱۵	ترجمہ سید صبغة اللہ کشفی
۳۱۸	ترجمہ حجة الاسلام حاج ملا اسد اللہ بروجردی
۳۲۳	مؤلفات حجة الاسلام
۳۲۵	فرزندان حجة الاسلام .
۳۲۵	۱- حاج میرزا داود بروجردی
۳۲۶	۲- میرزا ضیاء الدین بروجردی

فهرست مطالب	۶۷۷
عنوان	صفحه
۳- میرزا محمد مهدی بروجردی	۳۲۶
۴- حاج میرزا عسکری بروجردی	۳۲۶
۵- آقا جمال الدین محمد بروجردی	۳۲۷
۶- نورالدین محمد بروجردی	۳۳۰
۷- فخرالدین محمد بروجردی	۳۳۰
شاگردان حجة الاسلام.	۳۳۳
۱- ملا محمد علی محلاتی	۳۳۴
۲- شیخ عبدالرحیم نهاوندی	۳۳۵
۳- شیخ محمد رحیم بروجردی	۳۳۷
۴- حاج سید محمد باقر سلطان آبادی	۳۳۷
۵- سید محسن عراقی	۳۳۹
۶- ملا شیخ علی بروجردی	۳۳۹
۷- شیخ عبدالرحیم بروجردی	۳۳۹
۸- ملا حسین بروجردی	۳۳۹
۹- شیخ محمود عراقی	۳۳۹
۱۰- میرزا سید ضیاء الدین بروجردی	۳۴۱
۱۱- ملا احمد خوانساری	۳۴۱
۱۲- محمد تقی گلپایگانی	۳۴۱
۱۳- حاج سید علی بروجردی	۳۴۲
۱۴- حاج سید علی اصغر بروجردی	۳۴۲
۱۵- ملا اسماعیل بروجردی	۳۴۲
۱۶- شیخ علی اصغر بروجردی	۳۴۲

صفحه	عنوان
۳۴۲	۱۷- اورنگ زیب میرزا
۳۴۲	۱۸- ملا عبدالله بروجردی
۳۴۲	۱۹- شیخ مرتضی انصاری
۳۴۲	۲۰- حاج شیخ عبدالرحیم کرمانشاهی
۳۴۳	۲۱- ملا محمد شریف بیغشی
۳۴۳	۲۲- سید ضیاء الدین طباطبائی
۳۴۳	۲۳- ملا محمد ابراهیم
۳۴۵	ترجمه سید اسدالله طباطبائی بروجردی
۳۴۶	ترجمه عبدالله خوشنویس بروجردی
۳۴۷	ترجمه محمد خوشنویس بروجردی
۳۴۸	ترجمه شیخ علی اصغر نیر بروجردی
۳۵۰	مؤلفات شیخ علی اصغر بروجردی
۳۵۱	ترجمه سید حسین بروجردی
۳۵۱	نسب سید حسن بروجردی
۳۵۱	زید بن علی بن حسین جد اعلای سید حسین بروجردی
۳۵۹	استادان سید حسین بروجردی
۳۵۹	۱- حاج ملا اسدالله بروجردی
۳۶۰	۲- سید جعفر کشفی
۳۶۰	۳- حاج سید شفیع جابلقی
۳۶۰	۴- شیخ حسن کاشف الغطاء
۳۶۱	۵- شیخ محمد حسین صاحب فصول
۳۶۱	۶- شیخ محمد حسن صاحب جواهر

فهرست مطالب	۶۷۹
عنوان	صفحه
مؤلفات سید حسین بروجردی	۳۶۲
وفات سید حسین بروجردی	۳۶۴
فرزندان و نوادگان سید حسین بروجردی	۳۶۵
۱- حاج سید نورالدین بروجردی	۳۶۵
۲- آقاسید عبدالحسین نوری	۳۶۵
۳- آقاسید محمد حسن نوری	۳۶۶
ترجمه شیخ حسن بروجردی	۳۶۷
ترجمه حاج میرزا ابوالقاسم طباطبائی بروجردی	۳۶۸
ترجمه شیخ عبدالرحیم بروجردی	۳۷۲
استادان شیخ عبدالرحیم بروجردی	۳۷۲
۱- حجة الاسلام بروجردی	۳۷۲
۲- شیخ محمد شریف بیغشی	۳۷۲
۳- شیخ حسن کاشف الغطاء	۳۷۳
۴- شیخ مرسی کاشف الغطاء	۳۷۳
۵- شیخ علی کاشف الغطاء	۳۷۴
۶- شیخ محمد حسن صاحب جواهر	۲۷۴
۷- شیخ محمد حسین صاحب فصول	۳۷۴
شاگردان شیخ عبدالرحیم بروجردی	۳۷۸
۱- محدث نوری حاج میرزا حسین	۳۷۸
۲- ملا محمد علی محلاتی	۳۸۰
۳- شیخ محمد حسن مامقانی	۳۸۱
۴- سید محمد قاضی	۳۸۲

تاریخ بروجرد	۶۸۰
صفحه	عنوان
۳۸۳	ترجمه ملاعلی اصغر و ملا محمد مهدی بروجردی
۳۸۴	ترجمه هدایت بروجردی
۳۸۵	ترجمه حاج ملاعلی بروجردی
۳۸۵	اساتید ملاعلی بروجردی
۳۸۵	۱ - سید میرزا ابوالقاسم نهاوندی
۳۸۶	۲ - سید محمد مجاهد
۳۸۷	۳ - میرزا ابوالقاسم صاحب قوانین
۳۹۴	فرزندان و نوادگان حاج ملاعلی بروجردی
۳۹۴	۱ - آقا جمال بن حاج ملاعلی
۳۹۵	۲ - حاج آقا منیر فرزند آقا جمال
۳۹۸	۳ - میرزا ابو الحسن بن حاج ملاعلی
۳۹۹	۴ - میرزا امجد محمد مهدی بن حاج ملاعلی
۳۹۹	۵ - آقا باقر بن علی اصغر بن مهدی بن حاج ملاعلی
۳۹۹	۶ - آقا نجم الدین بن علی اصغر بن مهدی بن ملاعلی
۳۹۹	۷ - آقا شیخ زین الدین بن مهدی بن ملاعلی
۴۰۱	ترجمه ملاحسین جاپلقی بروجردی
۴۰۲	ترجمه حاج سید شفیع جاپلقی بروجردی
۴۰۳	استادان حاج سید شفیع .
۴۰۴	۱ - شریف العلماء مازندرانی
۴۰۵	۲ - سید محمد مجاهد
۴۰۵	۳ - سید محمد مهدی
۴۰۶	۴ - حاج ملا احمد نراقی

فهرست مطالب	۶۸۱
عنوان	صفحه
۵ - آقامحمدعلی مازندرانی	۴۰۹
۶ - حاج ملاعلی نوری	۴۰۹
۷ - حاج ملاعباسعلی	۴۱۰
۸ - ملاعبدالحمید کرهرودی	۴۱۰
۹ - ملامحمدجعفر آباده	۴۱۰
۱۰ - علامه بحر العلوم	۴۱۰
۱۱ - حجة الاسلام شفقی	۴۱۰
شاگردان حاج سیدشفیع بروجرودی .	۴۱۴
۱ - میرزا محمدحسن آشتیانی	۴۱۴
۲ - ملاحسنعلی ملایری	۴۱۵
۳ - شیخ محمد رحیم بروجرودی	۴۱۶
۴ - سیدحسین بروجرودی	۴۱۶
۵ - ملامحمدعلی محلاتی	۴۱۶
۶ - ملامحمدعلی سلطان آبادی	۴۱۶
۷ - ملاعلی اکبر بروجرودی	۴۱۷
۸ - حاج سید اسماعیل خراسانی	۴۱۷
۹ - اورنگ زیب میرزا	۴۱۷
۱۰ - شیخ محمود عراقی	۴۱۷
۱۱ - شیخ میرزا آقانهانندی	۴۱۷
۱۲ - میرزا عبدالمحمد کرمانشاهی	۴۱۸
۱۳ - محمدحسن نهانندی	۴۱۸
۱۴ - ملاحسین جاپلقی	۴۱۸

تاریخ بروجرد	۶۸۲
صفحه	عنوان
۴۱۹	۱۵- شیخ علی نقی بروجردی
۴۱۹	۱۶- حاج ملامحمد حسین کره رودی
۴۱۹	۱۷- ملامحمد ابراهیم آستانه‌ای
۴۲۰	۱۸- سیدحسن قانعی
۴۲۰	۱۹- میرزا محمد مهدی کاشانی
۴۲۰	۲۰- شیخ عبدالحسین شیخ العراقین
۴۲۱	۲۱- شیخ محمد جعفر تهرانی
۴۲۱	۲۲- سیدمحسن عراقی
۴۲۱	۲۳- ملامحمد سلطان آبادی
۴۲۲	فرزندان حاج سید شفیع بروجردی
۴۲۲	۱- حاج سید علی اکبر آفاکوچک
۴۲۳	۲- حاج سیدعلی اصغر
۴۲۴	مؤلفات حاج سید شفیع بروجردی
۴۲۴	وفات حاج سید شفیع
۴۲۸	ترجمه حاج محمود بروجردی
۴۳۰	ترجمه شیخ صادق بروجردی
۴۳۱	ترجمه میرزا علی نقی امام جمعه بروجردی
۴۳۳	ترجمه اسدالله خطاط بروجردی
۴۳۵	ترجمه سیدعلی بروجردی بن محمد رضا
۴۳۶	ترجمه سیدعلی محمد بروجردی
۴۳۸	ترجمه سید ضیاء الدین طباطبائی بروجردی
۴۳۹	ترجمه میرزا داود بروجردی

فهرست مطالب	۶۸۳
عنوان	صفحه
ترجمه محمد اسماعیل بروجردی	۴۴۳
ترجمه سیدعلی بن سیدمحمد بروجردی	۴۴۴
ترجمه حاج میرزامحمود بروجردی حجة الاسلام	۴۴۵
آثارعلمیه حاج میرزا محمود	۴۵۲
فرزندان حاج میرزا محمود	۴۵۳
شاگردان حاج میرزا محمود.	۴۵۳
۱- حاج آقا هبة الله	۴۵۳
۲- ملا محمد علی محلاتی	۴۵۳
۳- سید ابوطالب بروجردی	۴۵۴
۴- شیخ شریف جواهری	۴۵۴
۵- شیخ محمد باقر بهاری	۴۵۴
۶- ملا عبد الله همدانی	۴۵۴
۷- شیخ رحیم خوانساری	۴۵۴
۸- میرزامحمد حجت همدانی	۴۵۴
۹- حاج سیدعلی اصغر بن حاج سید شفیع	۴۵۵
ترجمه سیدمحمد حسن نوربخش بروجردی	۴۵۶
ترجمه ملا محمد بروجردی	۴۵۸
ترجمه میرزا محمد صادق بروجردی	۴۵۹
ترجمه سید اسحق کشفی بروجردی	۴۶۰
ترجمه محمدعلی خوشنویس بروجردی	۴۶۱
ترجمه ملازین العابدین بروجردی	۴۶۲
دانشمندان بروجردی در قرن سیزدهم و چهاردهم	

تاریخ برو جرد	۶۸۴
صفحه	عنوان
۴۶۳	ترجمه ملامحسن برو جردی
۴۶۴	ترجمه سید محمد مهدی برو جردی
۴۶۵	ترجمه حاج سید علی طباطبائی برو جردی
۴۶۸	ترجمه شیخ الاسلام برو جردی
۴۶۹	ترجمه حاج ملامهدی برو جردی
۴۷۰	ترجمه سید ضیاء الدین قلعه برو جردی
	دانشمندان برو جرد در قرن چهاردهم
۴۷۱	ترجمه ملا اسماعیل برو جردی
۴۷۴	ترجمه شیخ محمد رحیم برو جردی
۴۷۷	مؤلفات شیخ محمد رحیم برو جردی
۴۷۹	فرزندان شیخ محمد رحیم برو جردی
۴۸۱	ترجمه میرزا جهان بخش برو جردی
۴۸۲	» ملا عبدالله همدانی برو جردی
۴۸۴	» حاج آقا هبه الله برو جردی
۴۸۵	» سید محمد دزفولی نزلی برو جردی
۴۸۷	» حاج سید ابوطالب برو جردی
۴۸۹	» شیخ حسین بن آقا باقر برو جردی
۴۹۱	» سید عبدالرحمن طباطبائی برو جردی
۴۹۳	» شیخ غلام حسین برو جردی
۴۹۵	» سید سیناء کشفی اصفهانی برو جردی
۴۹۶	» آقا محمد ابراهیم برو جردی
۴۹۹	» حاج آقا محمد طباطبائی برو جردی

فهرست مطالب	۶۸۵
عنوان	صفحه
ترجمه میرزا ابوتراب اصفهانی بروجردی	۵۰۰
» شیخ علی بروجردی	۵۰۱
» سید ریحان الله بروجردی	۵۰۲
شاگردان سید ریحان الله:	۵۰۸
۱- شیخ محمد صادق بروجردی	۵۰۸
۲- سید شمس الدین مرعشی	۵۰۸
۳- آقا شیخ هادی مقدس جعفری	۵۰۸
۴- سید عبدالحسین آل کمونه	۵۰۸
۵- سید محمد بن سید ریحان الله	۵۰۸
ترجمه ملا محمد صادق بروجردی	۵۰۹
ترجمه ملا عبدالله بروجردی	۵۱۰
مؤلفات ملا عبدالله بروجردی	۵۱۲
فرزندان ملا عبدالله :	۵۱۲
۱- شیخ محمد بروجردی	۵۱۳
۲- شیخ محمد حسن بروجردی مشهدی	۵۱۳
۳- حاج آقا محمد بروجردی	۵۱۳
ترجمه سید محمد بروجردی	۵۱۷
ترجمه ملا احمد نحوی بروجردی	۵۱۸
» سید عبدالحسین آل کمونه بروجردی	۵۱۸
مؤلفات سید عبدالحسین بروجردی	۵۲۱
ترجمه یارقلی بروجردی	۵۲۲
مؤلفات یارقلی بروجردی	۵۲۴

تاریخ برو جرد	۶۸۶
صفحه	عنوان
۵۲۵	ترجمه شیخ محمود برو جردی
۵۲۷	مؤلفات و آثار علمیه شیخ محمود
۵۲۹	ترجمه صدر الدین امام جمعه برو جردی
۵۳۱	ترجمه میر سعید محمد باقر برو جردی
۵۳۲	ترجمه شیخ محمد علی آیتی برو جردی
۵۳۵	مؤلفات شیخ محمد علی آیتی
۵۳۷	ترجمه سید محمد کاظم نحوی برو جردی
۵۳۸	ترجمه سید ابراهیم برو جردی
۵۳۹	ترجمه ملا ابو القاسم گلپایگانی برو جردی
۵۴۱	ترجمه حاج میرزا ابو الحسن اصفهانی برو جردی
۵۴۳	ترجمه شیخ محمد ابراهیم مدرس برو جردی
۵۴۴	ترجمه حاج ملا ابو طالب برو جردی
۵۴۵	ترجمه حاج سید حسن اولیائی
۵۴۶	مؤلفات اولیائی
۵۴۷	ترجمه محمد بن عظیم برو جردی
۵۴۸	ترجمه شیخ محمد رضا ذفولی برو جردی
۵۵۱	شاگردان شیخ محمد رضا :
۵۵۲	۱ - آیه الله نبوی دزفولی
۵۵۲	۲ - آیه الله حاج سید محمد حسن آل طیب
۵۵۳	۳ - حاج سید محمد لطیف سجادی
۵۵۳	۴ - سید محمد مهدی آل طیب
۵۵۳	۵ - سید محمد تقی آل طیب

فهرست مطالب	۶۸۷
عنوان	صفحه
۶ - آية الله شيخ محمد علي معزى	۵۵۳
۷ - شيخ محمد كاظم	۵۵۳
۸ - سيد نعمت الله بن سيد محمد جعفر جزائرى	۵۵۳
۹ - حاج شيخ بهاء الدين بروجردى	۵۵۴
ترجمة حاج آقا عبد الحسين مواهبى	۵۵۶
ترجمه سيد محمد تقى كشفى بروجردى	۵۵۹
ترجمة آية الله غروى بروجردى	۵۶۱
شاگردان آية الله غروى :	۵۶۳
۱ - آقا ابو تراب شيخ الاسلامى	۵۶۳
۲ - سيد ابو الحسن قدغونى بروجردى	۵۶۳
۳ - حاج آقا ابو الفضل مجاهدى بروجردى	۵۶۴
۴ - محقق رازانى بروجردى	۵۶۴
۵ - حاج شيخ حسن كمره بروجردى	۵۶۴
۶ - آقا حسين آقا ابو محمد بروجردى	۵۶۵
۷ - آقا عبد الله مواهبى بروجردى	۵۶۵
۸ - سيد عبد الوهاب قدغونى بروجردى	۵۶۵
۹ - شيخ على اصغر غفورى بروجردى	۵۶۶
۱۰ - شيخ على اصغر جنانى بروجردى	۵۶۶
۱۱ - ميرزا على اكبر طيبى بروجردى	۵۶۶
۱۲ - ميرزا على اكبر نظام العلماء بروجردى	۵۶۷
۱۳ - حاج شيخ على تالهى بروجردى	۵۶۷
۱۴ - آقا شيخ على شيخ الاسلام بروجردى	۵۶۷

صفحه	عنوان
۵۶۷	۱۵ - آقاشیخ علی بن آقاشیخ تقی برو جردی
۵۶۷	۱۶ - میرزا علی محمد مروج برو جردی
۵۶۷	۱۷ - آقافخر الدین طباطبائی برو جردی
۵۶۷	۱۸ - حاج آقافخر الدین محسنی
۵۶۸	۱۹ - حاج سید محسن شریعتمداری برو جردی
۵۶۹	۲۰ - حاج شیخ محمد حسین محجوبی برو جردی
۵۷۰	۲۱ - سید محمد زکی برو جردی
۵۷۱	۲۲ - شیخ محمود جبرئیلی برو جردی
۵۷۱	۲۳ - میرزا محمود رازانی
۵۷۱	۲۴ - حاج میرزا مهدی برو جردی
۵۷۱	درگذشت آیه الله غروی برو جردی
۵۷۲	تألیفات آیه الله غروی
۵۷۳	فرزندان آیه الله غروی :
۵۷۳	شیخ محمد غروی
۵۷۴	دامادهای آیه الله غروی
۵۷۴	۱ - شیخ محمد حسین رازانی برو جردی
۵۷۵	۲ - حاج شیخ علی محمد خرم آبادی
۵۷۷	ترجمه حاج شیخ اسماعیل عقدائی برو جردی
۵۷۹	ترجمه آیت الله ابوالمجد طباطبائی برو جردی
۵۸۲	ترجمه شیخ علی اصغر جنانی برو جردی
۵۸۵	ترجمه حاج سید صادق برو جردی
۵۸۸	ترجمه حاج سید اسماعیل گلپایگانی برو جردی

فهرست مطالب	۶۸۹
عنوان	صفحه
ترجمه آقا محمد حسن بروجردي	۵۹۳
ترجمه شيخ حسن بروجردي امام جمعه	۵۹۵
ترجمه شيخ محمد تقی اراکی بروجردي	۵۹۷
ترجمه صاحب الداری بروجردي	۵۹۹
ترجمه محقق رازانی بروجردي	۶۰۱

فهرست مطالب پاورقی

صفحه	عنوان
۵	ترجمه جزری شافعی
۶	ترجمه ابن اشته اصفهانی
۹	ترجمه ابوالاسود دثلی
۱۰	ترجمه زیاد بن سمیه
۱۲	» یحیی بن یعمر
۲۳	» خطیب بغدادی
۲۵	» سمعانی
۲۹	» ابومسعود رازی
۳۰	» ذهبی شافعی
۳۵	» صاحب بن عباد
۳۶	» ابومنصور ثعالبی
۴۲	» ابوالعلاء معری
۴۴	» ابوالفتح بن جنی
۴۵	» ابوالطیب متنبی
۴۵	» سیوطی شافعی

صفحه	عنوان
۴۶	ترجمه قاضی اکرم قفطی
۴۶	» اسماعیل پاشا
۴۷	» محمد بن شاکر کتبی
۴۹	» ابوبکر بیضاوی
۵۰	» ابن حجر عسقلانی
۵۲	» ابواسحق اسفرائینی
۵۵	» محمد بن ادريس شافعی
۵۶	» ابواسحق شیرازی
۵۷	» تاج الدین سبکی
۵۸	معنی مصطلح حافظ
۵۸	ترجمه ابن قیسرانی
۵۹	» ابو محمد صوفی
۵۹	» ابن منده
۶۰	» ابن خلکان
۶۱	» ابوالفرج بن جوزی
۶۷	» محمد بن اسماعیل بخاری
۶۹	» حجة الاسلام غزالی
۷۲	» ابوسعید سمعانی
۷۴	ترجمه هندوشاه نخجوانی
۷۵	» ابوبکر راوندی
۷۵	» ابن فوطی شیبانی
۷۸	» محمد بن عتیق بکری

صفحه	عنوان
۷۸	ترجمه عمادالدین کاتب اصفهانی
۸۶	» خواجه نصیرالدین طوسی
۹۱	» شیخ نصیرالدین فاروقی
۹۵	» دعبل خزاعی
۹۶	» محقق ثانی کرکی
۹۸	» شیخ حر عاملی
۹۹	» شیخ محمدبن خاتون عاملی
۹۹	» میرداماد
۱۰۰	» شیخ بهاء الدین عاملی
۱۰۲	» ملا محمد تقی مجلسی
۱۰۴	» میرزا محمد طاهر نصرآبادی
۱۰۵	» آغابزرگ تهرانی
۱۰۵	» محمد مظفر صبا
۱۰۶	» کاتبی قزوینی
۱۱۱	» سید محسن عاملی
۱۱۲	» ملا محمد باقر مجلسی
۱۱۴	» محقق سبزواری
۱۱۴	» آقا جمال خوانساری
۱۱۵	» محمدبن علی اردبیلی
۱۱۶	» صدر شارح وافیه
۱۱۶	» قوام الدین قزوینی
۱۱۶	» محمد اکمل بهبهانی

فهرست مطالب پاورقی	۶۹۳
عنوان	صفحه
ترجمه مدرس خیابانی	۱۱۷
» سید عبدالله جزائری	۱۲۴
» ملا عبدالنبی قزوینی	۱۲۵
» جمال الدین نسابه	۱۲۹
» شیخ مفید	۱۲۹
» ابوالفرج اصفهانی	۱۳۰
» شیخ طوسی	۱۳۲
» ابن شهر آشوب	۱۳۴
» حاج میرزا احسن نوری	۱۳۷
» ابن کمونه	۱۴۴
» صدر المتألهین شیرازی	۱۴۴
» ملا محمد شمس‌اگیلانی	۱۴۴
» ابوعلی حائری	۱۴۶
» سید محمد زنوزی	۱۴۶
» سید محمد باقر خوانساری	۱۴۷
» نورعلی شاه	۱۴۸
» حاج شیخ عباس قمی	۱۵۱
» ملا فتح‌الله کاشانی	۱۵۶
» میرزا محمدعلی حبیب‌آبادی	۱۶۲
» شیخ حسین نجف	۱۶۸
» قوشچی علاءالدین	۱۷۱
» محمد بن اسماعیل بن بزيع	۱۷۲

تاریخ بروجرد	۶۹۴
صفحه	عنوان
۱۷۹	ترجمه قیروانی خلف ابن احمد
۱۸۰	» محمد بن ادريس
۱۸۰	معنی مصطلح اصحاب اجماع
۱۸۱	اصحاب اجماع
۱۸۳	ترجمه محتشم کاشانی
۱۸۴	» ملانوروز علی بسطامی
۱۹۳	فرق اخباری و اصولی
۲۵۱	ترجمه میرزا مهدی خان استرآبادی
۲۵۳	» ابن مالک
۲۵۵	» شیخ یوسف بحرانی
۲۵۷	» شهید اول
۲۶۴	» حاج میرزا معصوم
۲۶۹	» نواب اربعه
۲۷۱	» کلینی محمد بن یعقوب
۲۷۱	» محقق صاحب شرایع
۲۷۲	» سید محمد علی روضاتی
۲۷۳	» محمد بن محمد بن نعمان
۲۷۴	» ابن واضح یعقوبی
۲۷۴	» صدوق المحدثین
۲۷۶	» جنید شیرازی
۲۷۶	» فرصت شیرازی
۲۸۱	» حاج میرزا حسن فسائی

صفحه	عنوان
۲۸۲	ترجمه شیخ احمد احسانی
۳۱۴	» آیه الله شریعتمداری
۳۱۸	» میرزا ابوالقاسم نهاوندی
۳۲۹	» احمد کسروی
۳۵۷	» سید عبدالله شبیر
۳۷۵	» میرزا تقی خان امیر کبیر
۳۷۶	» میرزا محمد تنکابنی
۳۷۶	» حاج محمد کریم خان قاجار
۳۹۶	» حاج شیخ محمد باقر اصفهانی
۳۹۶	» میرزا محمد حسن شیرازی
۴۴۵	» حاج ابراهیم کرباسی
۴۴۷	» حاج ملاعلی کنی
۴۵۷	» سید محمد نوربخش
۴۶۱	» محمد باقر سبزواری
۴۶۵	» حاج محمد جعفر آباده
۴۶۵	» آقا محمد مهدی کرباسی
۴۶۶	» حاج سید اسدالله بیدآبادی
۴۷۱	» شیخ عبدالرحیم حائری
۴۷۲	» حاج ملاعلی بن میرزا خلیل
۴۷۳	» شیخ محمد صالح مازندرانی

صفحه	عنوان
۴۷۹	ترجمه حاج میرزا حبیب الله رشتی
۴۸۱	» شیخ عبدالحسین گیلانی
۴۹۳	» علی اکبر دهخدا
۵۰۴	» زعیم الدولة
۵۰۵	» میرزا محمد علامه قزوینی
۵۰۶	» عباسقلی سپهر لسان الملك
۵۲۵	» حاج میرزا محمد حسن آشتیانی
۵۲۶	» میرزا محمد رضا قمشه
۵۲۷	» رضی الدین ابونصر طبرسی
۵۲۷	» میرداماد
۵۲۸	» ابن فهد حلّی
۵۳۲	» سید محمد کاظم یزدی
۵۳۳	» میرزا محمد تقی شیرازی
۵۳۳	» حاج سید عبدالهادی شیرازی
۵۳۹	» شیخ سلیمان نقشبندی
۵۴۰	» سید محسن کاظمی
۵۴۱	» میرزا محمد باقر چهار سوقی
۵۴۱	» حاج میرزا بدیع اصفهانی
۵۴۲	» شیخ محمد ابراهیم کرباسی
۵۴۲	» سید محمد باقر نحوی
۵۴۹	» شیخ محمد طاهر

فہرست مطالب پاورقی	۶۹۷
عنوان	صفحہ
ترجمہ خلیفہ دزفولی	۵۵۱
» عبدالکریم لاهیجی	۵۵۹
» سید محمد فشارکی	۵۶۱
» حاج سید مصطفی کاشانی	۵۶۳
» آقانور اراکی	۵۸۳
» حاج میرزا محمد علی خان	۵۸۳
» محمد تقی آقاجفی اصفہانی	۵۸۵
» حاج میرزا حبیب اللہ رشتی	۵۸۵
معنی مصطلح وحدت و کثرت وجود	۵۹۰
ترجمہ حاج شیخ فضل اللہ نوری	۵۹۵
توپ بستن روسہا بحر مقدس رضوی	۵۹۶

غلطنامہ

صفحہ	سطر	غلط	صحیح
۶	۱۵	واورا	وواورا
۲۲	۲	محمد صالح	محمد بن صالح
۲۴	۱۹	سنین	ستین
۲۵	۱	النساب	الانساب
۲۹	۳	این عفیر	ابن عفیر
۳۶	۱۹	از نظم	در نظم
۳۷	۱	المحبث	المجتث
»	۳	»	»
»	۱۳	»	»
»	۱۴	»	»
»	»	لکین	لیکن
۳۸	۴	بحونہ	مجنونہ
۴۳	۲	از	در
۴۸	۱۸	صد	صدق
۵۳	۱	جلد ۳۲ ص ۲	جلد ۲ ص ۳۲

۶۹۹	غلطنامه		
صحیح	غلط	سطر	صفحه
وحکومت	حکومت	۷	۵۵
انها	امها	۱۰	۷۳
بغداد	بغدا	۵	۷۶
بوش	بؤس	۶	۸۲
معجم الادباء	معجم البلدان	۷	۸۳
عسقلانی	عسقلانی	۷	۸۴
ابوالکرم	ابوالکرام	۴	۸۵
فاروق	فارق	۹	۹۱
مدرسه	مدرسته	۳	۹۲
يلمعى	يلمى	۷	۱۱۷
ذكاوت	زكاوت	۱	۱۱۸
تلقب او به	تلقیب به	۶	۱۳۲
خواهر زاده مجلسی	خواهر مجلسی	۱۲	۱۳۶
سلطان حسین صفوی	سلطان صفوی	۱۱	۱۳۸
واثبات	دراثبات	۱	۱۴۳
مريض ماده	مريض مة ماده	۲۱	۱۴۴
ملا محمد	ملا محمد	۲۲	۱۴۴
علماء معاصرین	علما و معاصرین	۱	۱۴۶
محمد علی	محمد	۳	۱۴۶
زند	ژند	۵	۱۴۹
چوتو	چه تو	۸	۱۵۰

تاریخ بروجرد	۷۰۰		
صفحہ	سطر	غلط	صحیح
۱۵۳	۲۰	غرفہ	غرقہ
۱۵۵	۲	زخائر	ذخائر
۱۵۸	۲	مضف	مصنف
۱۶۴	۱۰	بنوخ	تبوخ
۱۶۴	۱۵	لايزل	لايزال
۱۶۶	۳	اساطرك	اشاطرك
۱۶۶	۱۰	النطاسی	النطاسی
۱۶۷	۱۸	الرجل	الرحل
۱۸۱	۱۵	سقفی	ثقفی بروجردی
۱۸۸	۲	۲۶- ...	۲۶- شرح سید عبدالرحمن طباطبائی
۱۹۸	۱۴	قائده	قاعده
۲۰۳	۱۸	فی ستر	فی سر
۲۰۴	۲	حفی	خفی
۲۰۴	۱۷	خضری	خفری
۲۰۷	۱۲	نفسه	نفسه
۲۰۹	۱۱	نامهم	نابهم
۲۱۴	۲۲	رقه	دقه
۲۲۱	۱۸	لنا فيك	فيك لنا
۲۲۷	۱۱	ناخ	ناح
۲۳۳	۶	اورپائیان	اروپائیان
۲۳۳	۹	بیولوژی	بیولوژیست

۷۰۱	غلطنامه		
صحیح	غلط	سطر	صفحه
۲۴۳	۷۴۳	بالای صفحه	۲۴۳
شده	رشته	۳	۲۴۴
وغی	دغی	۱۷	۲۴۷
اریب کامل	ادیب کامل	۱۹	۲۴۸
فطردتنی	فطرتنی	۱۴	۲۵۷
جلد نهم معجم المؤلفین	جلد نهم	۲	۲۵۹
یسکرنی	یسکونی	۲۱	۲۶۵
فارغ	فارق	۴	۲۶۸
سها	شها	۹	۲۷۰
دل بی سر	دل و بی سر	۱۰	۲۷۰
اول صفحه بود	اول ... بود	۲	۲۸۴
نیست	نست	۸	۲۸۶
یکسانند	یکسانید	۱۶	۲۸۶
انسانا	الانسانا	۸	۲۹۲
بارك	بارکنا	۲۲	۲۹۲
لیریه	لثریه	۲۲	۲۹۲
و یعول	و یقول	۶	۳۲۰
چنانکه	چنانچه	۴	۳۲۳
مشار	مشاور	۱	۳۲۴
»	»	۹	»
هوامشه	هواشه	۷	۳۲۵
تلمذه	تلمذه	۱۸	۳۳۴
اولی الابصار	اولی الابصاً	۹	۳۳۶

تاریخ بروجرد		۷۰۲	
صحيح	غلط	سطر	صفحه
بساو	وباو	۵	۳۴۰
ذکر می شود	ذکر شد	۹	۳۴۸
»	»	۱۱	»
هجری قمری	هجری و قمری	۸	۳۵۲
السیوف	السیواف	۲۲	۳۵۵
طالبین	طالبین	۲۰	۳۵۶
برکت	برکتب	۲۱	۳۵۷
ذکر می شود	ذکر شد	۱۱	۳۵۸
»	»	۴	۳۶۰
ازخوف	انخوف	۱۴	۳۶۱
ذکر می شود	ذکر شد	۲۱	۳۶۱
زین	ازین	۱۵	۳۶۲
حاج سید شفیع	حاج شفیع	۱۹	۳۶۳
ماقبل باء رادر	ماقبل باء واو	۱۵	۳۶۴
ذکر شد	ذکر می شود	۹	۳۷۳
مختصراً ذکر شد	ذکر می شود	۱۳	۳۷۴
بااستاد	باستاد	۱۱	۳۷۹
متمولین	متولین	۲۱	۳۸۶
۳	۴	۱۸	۳۸۷
پادری	پاوری	۶	۳۹۱
ملاعلی	ملی علی	۱۹	۳۹۳
کاین يك صادق	کاین صادق	۱۴	۳۹۴
علی اصغر بن شیخ	علی اصغر شیخ	۴	۳۹۹

۷۰۳	غلطنامه		
صحیح	غلط	سطر	صفحه
تکلم	تکلیم	۲۱	۴۰۵
جامع السعادات	جامع السادات	۱۲	۴۰۹
از عمارت	اعمارت	۶	۴۱۱
سیر زدهم	سیر زدهم	۹	۴۱۴
حرف حاء	حرف جاء	۸	۴۱۵
ذکر شد	ذکر می شود	۸	۴۱۶
فقیه	فقیهه	۳	۴۱۷
»	»	۲۲	»
للعزلة	وللعزلة	۱	۴۱۸
اجازه	اجازده	۱۱	۴۱۸
۱۹- حاشیه	۱۹- حاشیه	۱۲	۴۱۹
جا پلّقی	جا پلی	۴	۴۲۲
جلد ششم	جلسه ششم	۷	۴۲۵
کده	کده	۱۹	۴۲۶
التي قد	التي بها قد	۱۳	۴۲۷
دارد	دار	۱۲	۴۳۳
سید علی محمد	سید علی	عنوان صفحه	۴۳۵
»	»	۱	»
باسر خود	یاسر خود	۸	۴۴۱
محمد حسن نور بخش	محسن نور بخش	۱۲	۴۵۷
اوشد	اوست	۲۳	۴۵۷
برگشت	بردشت	۱۱	۴۷۲
تادر جمیع	تاجمیع	۶	۴۷۹

تاریخ بروجرد	۷۰۴		
صحیح	غلط	سطر	صفحه
چهاردهم	چهاردم	۵	۴۸۵
»	»	۱	۴۸۹
فقهاء این	فقها این	۷	۴۹۱
۱- مصایح	۲- مصایح	۹	۴۹۱
شجاع	شجاع	۵	۴۹۹
شیر علی	شیر علی	۵	۵۰۲
چند سال	از چند سال	۱۱	۵۰۴
عبد الرب	وعبد الرب	۱۳	۵۰۵
قصه قران	قصه قران	۱۱	۵۲۵
مؤلفات شیخ محمود	مؤلفات شیخ محمد	بالای صفحه	۵۲۷
فرا گرفت	قرار گرفت	۳	۵۴۵
کشف المحجة	کشف المحجة	۴	۵۴۷
۱۱۱۲	۱۱۲	۲	۵۵۴
مدرس رسمی	تدریس رسمی	۱۵	۵۵۹
بهره ور	بهره ور	۷	۵۶۴
علماء اعلام	علما اعلام	۱۴	۵۶۴
محمد حسین	محمد حسین	۶	۵۶۹
مخصوصی	مخصوصی	۳	۵۷۲
دوست هست روم	دوست روم	۹	۵۸۰
وجود که طارد عدم است	وجود طارد عدم	۲۲	۵۹۰
واحد است	یا واحد است	۲۲	۵۹۰
بحکماء مشاء	بحکماً و مشاع	۱۹	۵۹۱
فضل الله	فضل الله	۱۳	۵۹۵
استفاضه و مشغول و مخصوصاً	استفاضه و مخصوصاً	۶	۵۹۶

